



# مخفیاتی

به روایت اسناد ساواک

جلد اول

مرکز بررسی اسناد تاریخی



مرکز بررسی اسناد تاریخی

شابک ۹۶۴-۵۷۹۸-۰۰۰-۰

ISBN 964-5798-00-0

قیمت : ۲۵۰۰ تومان

# مظفر بقای

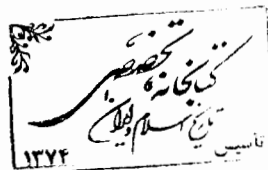
به روایت اسناد ساواک



|     |   |
|-----|---|
| جلد | ۳ |
| ۵   |   |
| ۲   |   |
| ۱۳  |   |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مظفر بقایى  
به روایت اسناد ساواک  
( جلد اول )



مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

زمستان ۱۳۸۲

مظفر بقایی به روایت اسناد ساواک / تهران :

وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱.

۴۲۸ ص : (یاران امام به روایت اسناد ساواک :

ج اول)

ISBN 964 - 5798 - 00 - 0 (ج.۱) ۲۵۰۰۰ ریال :

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- جنبشهای

اسلامی -- اسناد و مدارک، ۲. بقائی کرمانی، مظفر،

۱۲۹۱ - ۱۳۶۶ -- اسناد و مدارک.

الف. ایران. وزارت اطلاعات. مرکز بررسی اسناد

تاریخی. ب. فروست.

۹۵۵/۰۸۳۰۷۲۷

م ۸۱-۳۹۸۱۶

DSR ۱۵۳۳ / ۴ / م ۶

کتابخانه ملی ایران

شناسنامه

مظفر بقایی

به روایت اسناد ساواک

(جلد اول)

ناشر : مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول : زمستان ۱۳۸۲

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۶۴ - ۵۷۹۸ - ۰۰ - ۰

ISBN 964 - 5798 - 00 - 0

<http://WWW.history-document.Org>

Email:Cihd@.history-document

قیمت : ۲۵۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان            |
|------|------------------|
| ۵    | سخن ناشر.....    |
| ۷    | مقدمه.....       |
| ۱۷   | اسناد.....       |
| ۳۸۳  | فهرست اعلام..... |
| ۴۰۳  | ضمایم.....       |



### سخن ناشر

اسناد کتاب دو جلدی مربوط به دکتر مظفر بقایی، از شهریور ماه ۱۳۲۸ آغاز شده است. در این ایام، عمر دوره پانزدهم مجلس شورای ملی خاتمه یافته و نمایندگان، آماده انتخابات دوره شانزدهم شدند. آخرین سند جلد دوم این مجموعه کتاب، با سند آبان ماه ۱۳۵۷ پایان یافته است. در این سند، گزارش ساواک از حزب زحمتکشان و نظر اعضای این حزب نسبت به دکتر بقایی در این مقطع مشخص شده است. مرکز بررسی اسناد تاریخی، امیدوار است با ورود این حجم از اطلاعات و اسناد به حوزه تاریخ معاصر ایران، راه پژوهشهای تاریخ، هموارتر شود. تفسیر و تحلیل این اسناد توسط کارشناسان تاریخ معاصر مورد انتظار این مرکز می باشد.





## مقدمه

دکتر مظفر بقائی کرمانی (۱۲۹۰-۱۳۶۶) یکی از بحث‌انگیزترین چهره‌های سیاسی ایران، بوده است.

مظفر، نخستین و تنها فرزند ذکور میرزا شهاب، در چهارم تیرماه ۱۲۹۰ ه‍.ش در شهرستان کرمان در خانواده‌ای معتقد به «شیخیه»<sup>۱</sup> چشم به جهان گشود. خانواده وی دارای پیشینه سیاسی بود. پدرش، میرزا شهاب، از فعالان انجمن‌های مخفی وابسته به «لژ بیداری ایران» در دوران محمدعلی شاه و پس از آن در کرمان بود و رهبری سازمانی را به دست داشت که «مجمع احیای نفوس» نامیده می‌شد. او سپس ریاست فرقه دمکرات کرمان را به دست گرفت. در دوره چهارم به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید و خانواده‌اش را به تهران برد و تا پایان عمر به مدت سیزده سال، در این شهر اقامت گزید. در اوایل سال ۱۳۰۱ ه‍.ش میرزا شهاب، به همراه سلیمان میرزا اسکندری و عده‌ای دیگر «حزب سوسیالیست» را تأسیس کرد. به هنگام انتقال سلطنت از سلسله قاجار به پهلوی، میرزا شهاب نمایندگی دوره پنجم مجلس را عهده‌دار بود و در دوران سلطنت رضاشاه از نظر نیل به مقامات عالی سیاسی، ترقی چندانی نکرد. وی در سال ۱۳۱۳، در ۵۶ سالگی، از دنیا رفت. زندگی میرزا شهاب تأثیری ژرف بر روحیات مظفر به جا گذاشت.

مظفر در هجده سالگی با هزینه دولت، برای ادامه تحصیل، راهی فرانسه شد، برای این که بتواند از رساله دکترایش دفاع کند می‌بایست تا اواسط سال ۱۳۱۸ در پاریس می‌ماند اما به علت

---

۱- شیخیه: به پیروان «شیخ احمد احسائی» از علمای قرن ۱۳ گفته می‌شود. پس از رحلت شیخ، شاگرد او «سید کاظم رشتی» و بعد از وی «محمدکریم خان کرمانی» جانشین او شدند. پس از محمدکریم خان، پسرش «حاج زین‌العابدین» و سپس «ابوالقاسم خان ابراهیمی» و بعد از او «عبدالرضا خان» جانشین پدر شد و در سال ۱۳۵۸ ه‍.ش درگذشت.

قطع روابط دو کشور ایران و فرانسه، ناچار شد، در ۲۷ سالگی به ایران بازگردد. ناتمام ماندن پایان نامه‌اش، موجب شد که وزارت فرهنگ مدرک او را درجه لیسانسیه تعلیم و تربیت ارزیابی کند. خدمت سربازی او نیز بر پایه همین ارزیابی با درجه ستوان دومی وظیفه، به اتمام رسید. بقائی توانست پس از شهریور ۱۳۲۰، در دوران ریاست فرهنگ دکتر غلام حسین صدیقی، موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته فلسفه گردد.

با رواج فعالیت احزاب سیاسی در فضای پس از شهریور ۱۳۲۰، بقائی به انجام فعالیتهای حزبی پرداخت. او ابتدا به عضویت حزب «اتحاد ملی» در آمد و خزانه‌دار حزب شد. این حزب توسط سهام السلطان بیات، سید محمدصادق طباطبائی (از دوستان پدرش) و باقر کاظمی تشکیل شده بود. مدتی بعد، از این حزب جدا شد و به عضویت «حزب کار» مشرف الدوله نفیسی درآمد و در روزنامه «پند»، نشریه این حزب، مقالاتی نوشت. در سال ۱۳۲۳، به کمک سردار فاخر حکمت به ریاست فرهنگ کرمان منصوب شد. فعالیت سیاسی بقائی با تأسیس «حزب دمکرات ایران» توسط قوام السلطنه، وارد مرحله جدیدی شد. بقائی، به این حزب پیوست و به سرعت رشد کرد و برای تأسیس و تصدی شعبه این حزب از کرمان به مجلس پانزدهم راه یافت. بقائی از سال‌های آغازین فعالیت سیاسی‌اش، با حسن پاکروان (سرلشکر و رئیس بعدی ساواک) و مادر فرانسوی‌اش (امینه پاکروان) ارتباط نزدیک داشت. این ارتباط تا واپسین سالهای زندگی اینان ادامه یافت. به این حلقه دوستان، باید عیسی سپهبدی و علی زهری را افزود. در این میان، پیوندهای بقائی با عیسی سپهبدی، دوست دوران فرانسه او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عیسی سپهبدی از سال ۱۹۳۲ م در پاریس به سر می‌برد و پس از بازگشت بقائی به ایران نیز بطور منظم با او مکاتبه داشت. این مکاتبات، بیانگر ارتباط بسیار صمیمانه این دو است. زمان ورود سپهبدی به ایران مقارن با آغاز عملیات «بدامن» است که توسط شاپور ریپورتر هدایت می‌شد. در اوایل سال ۱۳۲۶، ایستگاه سازمان اطلاعاتی آمریکا «CIA» در سفارت آمریکا در تهران دایر شد. عملیات «سیا» در ایران در ظاهر تنها صیغه ضد کمونیستی داشت و مشتمل بود بر تشکیل شبکه‌ای برای تبلیغ و ایجاد جنگ روانی به منظور تضعیف شوروی و حزب توده، مع هذا چنانکه حوادث بعدی ثابت نمود، هدف تکاپوی اطلاعاتی آمریکائیان در ایران تنها مقابله با نفوذ کمونیسم نبود. همزمان با ورود سپهبدی به ایران، رشد سریع بقائی آغاز می‌شود. او در آذر ۱۳۲۶ عضو هیأت اجراییه موقت حزب دمکرات ایران و دبیر آن شد و به عضویت هیأت سری تصفیه حزب دمکرات ایران درآمد. در اوایل سال ۱۳۲۶ دوره جدید روزنامه شاهد را منتشر کرد.

در دوران نخست‌وزیری سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا، بقائی سرسخت‌ترین مخالف او بود و به همین دلیل، دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد، ولی در دادگاه تجدید نظر تبرئه گردید. این مخالفت‌ها و محاکمه‌های جنجالی، که توسط مطبوعات آن زمان انعکاس وسیع می‌یافت، شهرت بقائی را افزایش داد. بدین‌سان، بقائی در آستانه چهل سالگی به یکی از چند چهره درجه اول سیاسی کشور تبدیل شد. در اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا به قتل رسید. مدت کوتاهی بعد طرح ملی شدن صنعت نفت، تصویب شد. این حوادث، در اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ به تشکیل دولت دکتر محمد مصدق انجامید و اختلافات میان ایران از یک سو و شرکت نفت انگلیس و دولت بریتانیا از سوی دیگر به اوج خود رسید. در این دوران، بقائی به عنوان یکی از چهره‌های اصلی نهضت ملی شناخته می‌شد. از جمله، بقائی در نطقی در مجلس، خود را به عنوان «مراقب و محافظ دکتر مصدق» مطرح نمود. در این دوران بقائی با خلیل ملکی همکاری نزدیکی را آغاز کرد.

ملکی از رهبران حزب توده بود که در سال ۱۳۲۶ انشعاب گسترده‌ای را از این حزب، سازمان داد و منادی مشی سوسیالیستی مستقل از مسکو شد. این مشی، بعدها به نام «نیروی سوم» شهرت یافت. پس از مدتی، ملکی به اتفاق هوادارانش به «سازمان نگهبانان آزادی»، به رهبری بقائی پیوست و در اواخر اردیبهشت ۱۳۳۰ به اتفاق بقائی، «حزب زحمتکشان ملت ایران» را تأسیس کرد. روزنامه شاهد ارگان این حزب شد. «سازمان نگهبانان آزادی» و سپس «حزب زحمتکشان ملت ایران» با بهره‌گیری از تجارب سازمانی و ثنوریک ملکی و دوستانش توانست در بین روشنفکران و کارگران نفوذ کند. حزب زحمتکشان که تنها سازمان متشکل عضو جبهه ملی ایران به شمار می‌رفت، نقش اصلی را در مقابله با نفوذ حزب توده به عهده گرفت. مقابله این دو حزب، حوادث خشونت‌آمیزی آفرید که در نهایت نهضت ملی ایران را تضعیف نمود. از اوایل سال ۱۳۳۱ بقائی به تدریج مخالفت‌هایی علیه دولت دکتر محمد مصدق ابراز می‌داشت. مخالفت بقائی با مصدق مدت‌ها قبل از سال ۱۳۳۱ شروع شده بود. در این زمان در حزب زحمتکشان بر سر مسأله مصدق دو دیدگاه پدید آمد:

دیدگاه بقائی که دوران همکاری با مصدق را پایان یافته می‌دید و دیدگاه ملکی که به تداوم همکاری با مصدق تمایل داشت. از ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ مواضع بقائی در این زمینه علنی شد. در این روز مصدق استعفای خود را روی میز کارش گذاشت و شاه، احمد قوام را به جای او منصوب نمود. در همین روز، دکتر عیسی سپهبدی توسط بقائی با قوام دیدار کرد. خلیل ملکی و همراهانش از این ملاقات مطلع شدند و خواستار آن گردیدند که مضمون گفتگوهای سپهبدی

با قوام به اطلاع اعضای حزب برسد. بقائی ابتدا تمارض کرد و در بیمارستان خصوصی «رضانور» بستری شد. پزشک وی اعلام کرد که کسی حق ملاقات با بقائی را ندارد. به دلیل تمارض بقائی، رسیدگی به مسأله تا مهرماه ۱۳۳۱ به تعویق افتاد. در این زمان مخالفت بقائی با نهضت ملی کاملاً آشکار شد. در ۲۰ مهرماه ۱۳۳۱ جلسه حزبی تشکیل شد و بقائی که می‌کوشید از پاسخگوئی طفره رود، با عصبانیت جلسه را ترک و از حزب استعفا نمود و در خانه نشست. سپس هواداران او، در عصر ۲۲ مهرماه ۱۳۳۱، به دفتر حزب ریختند و طرفداران ملکی را، پس از ضرب و شتم، بیرون رانده و بقائی را از منزل به مرکز حزب آوردند و در اجتماعی، دوازده نفر از اعضای حزب را اخراج کردند. بقایی در اعلامیه‌ای، که در روزنامه شاهد منتشر شد، علت اخراج خلیل ملکی را کمونیست بودن او عنوان کرد. در پی این اطلاعیه، حزب زحمتکشان به دو گروه منشعب شد. حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری بقائی و حزب زحمتکشان ملت ایران «نیروی سوم» به رهبری خلیل ملکی. در این دوران، بزرگ‌نمائی خطر کمونیسم در ایران خط اصلی تبلیغاتی بقائی و همکارانش را تشکیل می‌داد. این تبلیغات، بهانه‌ای برای دخالت‌های بعدی قدرتهای غربی بود. این درست است که حزب توده در برخی مناطق شهری از نفوذی قابل اعتنا برخوردار شد و چنانکه بعدها آشکار شد، در صفوف نیروهای مسلح نیز رسوخ کرده بود، ولی در ارزیابی میزان این نفوذ و قدرت حزب توده، به شدت اغراق می‌شد. هم دکتر مصدق و هم آیت‌الله کاشانی به بزرگ‌نمائی نقش حزب توده در آن زمان به عنوان یک طرفند تبلیغاتی امپریالیستی توجه داشتند.

در ۳۰ مهرماه ۱۳۳۱ دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه دولت مصدق در یادداشتی به سفارت انگلیس، قطع روابط سیاسی ایران با آن دولت را اعلام نمود. به دنبال این اقدام، فعالیت مخالفان دولت شدت گرفت. دکتر بقائی یکی از رهبران اصلی مخالفان بود. در ماجرای نهم اسفند ۱۳۳۱ نیز، بقائی بار دیگر حمایت علنی خود را از شاه اعلام کرد. در این روز شاه، به توصیه مصدق، قصد داشت همراه همسرش، ثریا اسفندیاری، از ایران خارج شود. مصدق، برای خداحافظی به کاخ مرمر رفت. مخالفان خروج شاه از ایران به طرف کاخ حرکت کردند. رهبری این جمعیت با گروهی از سلطنت‌طلبان و افسران اخراجی ارتش بود که خود را فدائی شاه عنوان می‌نمودند و در واقع یک توطئه سازمان یافته را علیه دولت مصدق هدایت می‌نمودند. آنان در بیرون کاخ، شعار مرگ بر مصدق سر دادند، مصدق در این زمان از کاخ خارج شده و به قصد منزل حرکت کرد. به دنبال آن عده‌ای از شعار دهندگان به طرف خانه مصدق حرکت کردند. این گروه پس از در هم شکستن مقاومت محافظان خانه نخست‌وزیر، در خانه را خرد کردند، وارد منزل

شدند، لیکن مصدق از راه پشت‌بام، خانه را ترک کرده بود. این عملیات سبب شد که محمدرضا پهلوی از مسافرت خود صرف نظر کند. در این عملیات، بقائی آشکارا به سود شاه موضع گرفت و افراد او در حمله به خانه مصدق شرکت داشتند.

در اوایل سال ۱۳۳۲، عملیات علیه نهضت ملی شدت گرفت. در اول اردیبهشت، سرتیپ محمود افشارطوس، رئیس کل شهربانی دولت مصدق، ربوده شد. شش روز بعد، جسد افشارطوس در تپه‌های «لشکرک» کشف گردید. در ۱۲ اردیبهشت، فرمانداری نظامی تهران اعلام کرد که بقائی و زاهدی در این جنایت دست داشته‌اند و تصمیم به قتل نیز در خانه بقائی و توسط او گرفته شده است. گفته می‌شد قاتلان قصد داشتند وزرای خارجه و دفاع را نیز بکشند و بقائی را نخست‌وزیر کنند. سالها بعد در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۸۵ (۶ خرداد ماه ۱۳۶۴) برنامه‌ای درباره نقش انگلستان در زمینه چینی کودتای ۲۸ مرداد و قتل سرلشکر محمود افشارطوس در کانال چهار تلویزیون لندن پخش گردید که گویی برخی واقعیات این جریان بود. در این برنامه یکی از عوامل سازمان اینتلیجنس سرویس «MI-6» انگلستان بی‌آنکه چهره‌اش نشان داده شود، اظهار کرد، افشارطوس به دست اینتلیجنس سرویس ربوده شده و به قتل رسید، وی چند تن از امرای بازنشسته ارتش به رهبری سرلشکر فضل‌الله زاهدی و دکتر مظفر بقائی و برادران رشیدیان را عامل اجرای این جنایت معرفی و هدف از قتل افشارطوس را بالا بردن روحیه مخالفان دولت مصدق و تهدید طرفداران آن دانست. در اردیبهشت ۱۳۳۲ وزارت دادگستری از مجلسین تقاضای سلب مصونیت پارلمانی بقائی را به دلیل مشارکت او در قتل سرتیپ افشارطوس نمود. بقائی و علی زهری نماینده مجلس هفدهم و دوست نزدیک بقائی، در مجلس متحضر شدند و وابستگان دربار در مجلس مانند شمس قنات‌آبادی، برای جلوگیری از دستگیری و محاکمه بقائی، با جنجال، مانع از سلب مصونیت پارلمانی او شدند. در روزهایی که لایحه سلب مصونیت از بقائی مطرح بود، علی زهری دولت را استیضاح کرد. این امر سبب شد که دولت از اکثریت مجلس که هوادارش بودند، بخواهد که استعفا کنند و سپس مجلس هفدهم منحل گردید. در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۲ بقائی و زهری دستگیر شدند و به زندان عشرت‌آباد انتقال یافتند. زهری فردای آن روز آزاد شد ولی بقائی تا کودتا و سقوط دولت مصدق در زندان بود. در همین رابطه گفتنی است که در اسناد شخصی به دست آمده از منزل دکتر بقائی، مجموعه‌ای از نامه‌های فردی به نام «حسین خطیبی» موجود است که واجد اهمیت فراوان تاریخی می‌باشد.<sup>۱</sup> حسین خطیبی از دوستان نزدیک بقائی بود که در عین حال، با محمدرضا

پهلوی و اردشیر زاهدی نیز ارتباط نزدیک داشت. اسناد موجود، آشکار می‌کند که خطیبی حداقل از سال ۱۳۲۹ در رأس یک سازمان مخفی اطلاعاتی قرار داشت که در حزب توده دارای عوامل نفوذی بود و با عناصر برجسته اطلاعاتی ارتش پهلوی و در رأس آنها حسن ارفع، حسن اخوی و حبیب‌الله دیهیمی مرتبط بود.<sup>۱</sup> این سازمان، به ظاهر در رهبری عالی بقائی قرار داشت و خطیبی، خود را تابع بقائی وانمود می‌کرد اما کاوش بیشتر نشان می‌دهد که خطیبی در عملیات خود کاملاً مستقل بود و سازمان او بخشی از شبکه‌هائی است که در ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی غرب و محمدرضا پهلوی قرار داشتند.

حسین خطیبی در روز ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۲ توسط مأموران فرمانداری نظامی دولت مصدق به اتهام کارگردانی عملیات قتل افشارطوس دستگیر شد. او در زندان بطور منظم با بقائی مکاتبه پنهانی داشت. در این زمان، حسن پاکروان، دوست صمیمی بقائی و خطیبی، رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود. خطیبی در این نامه‌ها مأموران انتظامی مصدق را به شکنجه‌های قرون وسطائی علیه خود و سایر متهمان قتل افشارطوس متهم می‌کرد و بدین سان به کمک بقائی، کارزار گسترده تبلیغاتی، در مجلس و مطبوعات، به سود او جریان یافت. خطیبی در این نامه‌ها طرح توطئه موهوم کودتای مصدق علیه کاشانی، مکی، بقائی و غیره را افشا می‌کند. قابل تصور است که بقائی این نامه‌ها را در اختیار آیت‌الله کاشانی قرار می‌داد و بدین سان تعارضهای آن زمان به سوی رویارویی محتوم سوق می‌یافت.<sup>۲</sup>

در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیروهای دکتر مظفر بقائی از زمره افرادی بودند که به خانه مصدق حمله بردند. در واقعه ۲۸ مرداد شعبان بی‌مخ‌ها و دار و دسته چاقوکشان بقائی نقش عمده‌ای داشتند. مطبوعات پس از کودتا، بقائی را یکی از رهبران «قیام ملی» علیه دولت دکتر مصدق عنوان می‌کردند. علت ناکامی بقائی در تصدی مناصب عالی دولتی را باید در ارزیابی دقیق مأموران اطلاعاتی غربی از شخصیت بقائی جستجو کرد. برای نمونه، مأموران اطلاعاتی آمریکا بقائی را فردی «متلون، زیرک و هوجی» می‌شناختند و به همین دلیل به وی اعتماد نداشتند. بقائی سرخورده از ناکامی سیاسی، سخنانی علیه زاهدی بیان داشت که منجر به تبعید محترمانه او به زاهدان شد. در زمان تبعید، توسط دربار هر هفته برایش گوشت، میوه و سایر وسایل رفاهی فرستاده می‌شد. در اسناد لانه جاسوسی هم اشاره به این امر شده است. در

۱- بقائی در بازجویی‌های خود پس از انقلاب اسلامی، دیهیمی را مرتبط با پنتاگون معرفی می‌کند و می‌افزاید که دیهیمی در ماجرای استیضاح دولت ساعد اطلاعات نظامی مربوط به رزم‌آرا را در اختیار او قرار می‌داد.

اوراق بازجویی دکتر مظفر بقائی، ص ۱۷۷

۲- رک: زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی

آذر ماه ۱۳۳۴ بقائی از زاهدان به تهران بازگشت. او همزمان با دستگیری سید مجتبی نواب صفوی و سران جمعیت «فدائیان اسلام» به اتهام مشارکت در قتل رزم‌آرا بازجوئی شد لیکن تبرئه گردید.

از فعالیتهای بقائی در سال ۱۳۳۵ می‌توان به سخنرانی‌های مهیج وی در دفاع از تقسیم اراضی اشاره کرد. در این زمان صحنه سیاست ایران شاهد حضور دو حزب فرمایشی «مردم» به رهبری اسدالله علم و «ملیون» به رهبری منوچهر اقبال بود. در همین ایام بقائی سخنانی در جمع اعضای حزب زحمتکشان ایراد کرد. تقسیم اراضی و شعارهائی نظیر آن، سناریو جدید آمریکا برای گسترش دایره نفوذ خود در ایران و کشورهای مشابه بود.

در سال ۱۳۳۶ بقائی دیگر یک چهره سیاسی معروف به شمار نمی‌رفت. در واقع از این زمان حیات سیاسی بقائی به شکل پوشیده درآمد. در سال ۱۳۳۹ بقائی با شاه ملاقات کرد و پس از مذاکراتی به وی اجازه داده شد که در انتخابات مجلس شرکت کند و بدین ترتیب با اشاره درباره بقائی از کنج عزلت خارج شد و اجازه یافت که در انتخابات مجلس بیستم فعالانه وارد گود شود. چنین بود که در انتخابات مجلس بیستم، بقائی «سازمان نگهبانان آزادی» را تشکیل داد و بار دیگر کار خود را آغاز کرد. در مجموعه اسناد به دست آمده از منزل بقائی طرحی موجود است که در این زمان بقائی برای تجدید فعالیت سیاسی خود تنظیم کرده است. این طرح که نسخه اصلی آن به خط فرد ناشناسی است و توسط بقائی اصلاحات مختصری در آن صورت گرفته و سپس تایپ شده،<sup>۱</sup> به روشنی گویای اهداف تکاپوی بقائی در این دوران است. مطالب مندرج و بویژه درخواست‌های بقائی روشن می‌کند که این طرح، که نام مخاطب بقائی در آن مندرج نیست، برای ارایه به مقامات عالی تصمیم‌گیرنده تنظیم شده است. در تابستان ۱۳۳۹ انتخابات مجلس بیستم برگزار شد. در این انتخابات، تقلب صورت گرفت که منجر به ابطال آن شد. بقائی در اواخر مرداد ماه، اجازه یافت که یک راهپیمائی را سازمان دهد، لیکن دو هفته بعد به علت انتشار اعلامیه علیه دولت وقت دستگیر و محاکمه شد. او در دادگاه، حملات شدیدی به مصدق کرد. رأی دادگاه، برائت بقائی بود اما به زودی، در خردادماه ۱۳۴۰، در دادگاه دیگر به دو سال زندان تأدیبی محکوم شد ولی در دادگاه تجدید نظر تبرئه گردید. او در این دادگاه نیز به مصدق حمله و اعلام کرد که تاکنون چند بار تاج و تخت شاه را نجات داده است.

یکی از عرصه‌هائی که مکتب بقائی بیشترین تأثیر را در آن بر جای نهاد، تاریخنگاری دوران

۱- متن دستنویس به همراه اصلاحات بقائی و متن تایپ شده هر دو در مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی موجود است.



نهضت ملی شدن صنعت نفت بود که به ایجاد تقابلی تند و مطلق‌گرایانه میان نقش تاریخی دو رهبر نامدار آن، آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی و دکتر محمد مصدق، انجامید. این امر تا حدود زیادی بازتاب تعارض‌های سیاسی روز بود. به عبارت دیگر، تاریخ‌نگاری حوادث سالهای نهضت ملی به عرصه‌ای پر تنش بدل شد. امروزه به نظر می‌رسد که این وضع تا حدودی دگرگون شده و فضائی مناسب پدید آمده تا به دور از تعارض‌های بالفعل سیاسی، حوادث دهه‌های گذشته مورد بازبینی و تحلیل واقع‌گرایانه قرار گیرد. اگر چنین نیت و غرضی در کار باشد، اسناد مفصل موجود در پرونده‌های ساواک، دستمایه‌ای غنی و راهگشا خواهد بود.

#### و اما چند نکته:

۱- این اسناد در بردارنده مکاتبات و گزارشهای فرمانداری، شهربانی، ستاد ارتش، رکن دوم، ساواک و ... از فعالیت‌های دکتر مظفر بقایی می‌باشد. این مجموعه منحصر به فرد، توسط بایگانی ساواک گردآوری شده، برخی از آنها نیز حاصل بازجوئی‌ها، تعقیب و مراقبت‌ها، شنود تلفن‌ها و گزارشهای منابع اطلاعاتی است.

۲- اسنادی که در این کتاب گردآوری شده تنها شامل گوشه‌ای از فعالیت‌های دکتر بقایی می‌باشد که از دید مراکز گزارش‌کننده مخفی نمانده، در حالی که بسیاری از فعالیت‌ها به سرانجام رسیده و آنها از کم و کیف آن بی‌خبر مانده‌اند.

۳- اسناد، به ترتیب تاریخی چیده شده و تنها تاریخ گزارش آنها ملاک قرار گرفته، در برخی موارد هم که سند، فاقد تاریخ گزارش بوده تاریخ ذیل سند لحاظ شده است.

۴- چون تصویر همه اسناد به گونه‌ای خوانا در صفحات مورد نظر درج شده، از حروفچینی سربرگ‌سندها و ذکر نوع طبقه‌بندی آنها از قبیل محرمانه، خیلی محرمانه و ... خودداری شده است.

۵- در بیشتر گزارشهای ساواک، نظریه‌هایی در ذیل سند ارائه شده که از نظر دهنده با کلمات رمز یاد گردیده، همچنین اسامی امضاهای مندرج در برابر آنها نیز به صورت رمز و مستعار می‌باشد. کلمات رمز به کار رفته در ابتدای نظریه‌ها که در همه اسناد به صورت ثابت تکرار شده‌اند، معمولاً اسامی روزهای هفته است و منظور از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

نظریه شنبه: نظریه منبع، (گزارشگر) نفوذی ساواک است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راههای دیگر کسب خبر کرده و ارائه شده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که پس از گزارش منبع نفوذی، آن را تایید یا

تحلیل کرده است. رهبر عملیات مسوولیت مستقیم کنترل منبع و هدایت وی را بر عهده داشته است.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه شنبه: نظریه مسوول امنیت داخلی است و در اداره کل های استانها، رئیس بخش بوده است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه و در اداره کل های استانی، رئیس اداره بوده است.

۶- در این مجموعه هر جا در سند نقصی بوده، حروف یا کلماتی که افزوده شده داخل [ ] آمده است و نیز برای سهولت در خواندن مطالب، در بعضی از کلمات، نکات ویرایشی رعایت شده است.

۷- مواردی از متن اسناد که نیاز به گویاسازی داشته، اعم از زندگینامه مختصر رجال و شرح برخی وقایع تاریخی، این کار صورت پذیرفته و به عنوان پاورقی اسناد، ارایه شده است. بعضی از پاورقی ها نیز به مهمترین موضوع آن روز اشاره می کند. این پاورقی ها با متن سند مرتبط هستند، در مواردی هم ارتباط مستقیمی با سند ندارند، اما به دلیل واقع شدن خواننده در ظرف زمان و آگاهی از رویدادهای مهم آن مقطع یاد شده اند.

۸- در پانوشتها، به توضیحاتی که برای استفاده عموم مفید بوده اکتفا شده است. توضیحات و تقریرات بیشتر بر عهده محققان تاریخ معاصر می باشد.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات



اسناد



تاریخ: ۱۴/ شهر یورماه ۱۳۲۸

طبق اطلاع حاصله، دکتر مصدق در جلسه‌ای که داشته‌اند، اظهار نموده است: به کسانی که به من اعتماد و ایمان دارند سفارش کرده‌ام که در انتخابات تهران<sup>۱</sup> این اسامی را در درجه اول بنویسند: دکتر مصدق، حائری زاده<sup>۲</sup>، مکی<sup>۳</sup>، دکتر بقائی و ارسلان خلعتبری<sup>۴</sup> و سعی و کوشش وافی نمایند که اسامی الهیار صالح<sup>۵</sup>، نریمان<sup>۶</sup> و دکتر جزایری<sup>۷</sup> نیز در آرای ما و سایرین قید شود، اضافه نموده است که در این موضوع، اعلامیه‌ای هم منتشر خواهند کرد و البته انتخاب ۵ نفر اول مسلم و سه نفر بعدی بسته به نظر انتخاب کنندگان خواهد بود.

۱۴/ شهریورماه ۱۳۲۸

طبق اطلاع کامله و کتب محقق دیوانه آن که دامنه انداخته اند نموده است به کسانی که بمن اعتماد و ایمان دارند سفارش کرده‌ام که در انتخابات تهران این اسامی را در درجه اول بنویسند: دکتر مصدق، حائری زاده، مکی، و کدیباشی، اسلان خلعتبری و سید و کوشش وافی نمایند که اسامی الهیار صالح، نریمان و کدیباشی نیز در آراء ما و سایرین قید شود و البته نموده است که در این موضوع اعلامیه‌ای هم منتشر خواهند کرد و البته انتخاب به نفر اول مسلم و سه نفر بعدی بسته به نظر انتخاب کنندگان خواهد بود.

۱۱/۱۱

۱- عمر دوره پانزدهم مجلس شورای ملی در روز چهارم مرداد ماه ۱۳۲۸ هجری خاتمه یافت و نمایندگان، آماده انتخابات دوره شانزدهم شدند.

۲- سید ابوالحسن حائری زاده یزدی: فرزند آقامیرزا سیدعلی حایری، در سال ۱۲۷۱ هجری در شهر مشهد متولد شد. تحصیلات مقدماتی خود را در مشهد به پایان رسانیده، سپس به همراه پدرش به یزد رفته و نزد مدرسان آن زمان، فقه، اصول، ریاضیات و علم هیأت را خواند. حایری زاده در طول حیات سیاسی خود، در حدود ده دوره به نمایندگی مجلس برگزیده شد. اولین دوره از یزد وارد مجلس گردیده و چند دوره دیگر از یزد و دو دوره از مشهد و بقیه از تهران که آخرین بار در دوره هجدهم از پایتخت به عنوان وکیل اول انتخاب گردید. وی با تمامی دولتهای وقت مخالفت می نمود، الا با کابینه‌های قوام السلطنه و سپهبد زاهدی، آن هم به علت دوستی عمیقی که با آنها داشته است. حایری زاده در سال ۱۳۲۵ از طرف قوام السلطنه مأمور تشکیل کمیته حزب دموکرات قوام در خراسان شد. وی در طول حیات سیاسی خود همواره به مخالفت شدید با سیاست انگلستان پرداخته ولی در مقابل، جز در زمان تجزیه آذربایجان، هرگز مخالفتی با سیاست بلوک شرق نکرده است. در سندی از ساواک به تاریخ آبان ماه سال ۱۳۴۱ چنین آمده است:

«نامبرده قبل از قیام ۲۸ مرداد ۳۲ از اعضای جبهه ملی و از طرفداران دکتر مصدق بوده ولی بعداً به اتفاق دکتر بقائی و مرحوم آیت الله کاشانی علیه حکومت مصدق فعالیت‌های شدید می نموده است. ضمناً نامبرده در همان تاریخ، با فداان اسلام و جمعیت هواداران صلح نیز ارتباط داشته است و اکنون هم رهبر حزب خلق می باشد که جلسات آن بعضاً به اتفاق آقایان عبدالقدیر آزاد و حسین مکی تشکیل که در آن جلسات نسبت به اوضاع کشور بحث و مذاکره می شود.»

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- حسین مکی: فرزند سید باقر، در سال ۱۲۹۰ ه‍.ش در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در دبیرستان دارالفنون به پایان رسانید. پس از اتمام تحصیلات، کارمند فنی راه‌آهن گردید، سپس بازرسی ویژه وزارت راه و عضو هیأت عالی بازرسی نخست وزیری بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ مقالاتی تحت عنوان «تاریخ بیست ساله ایران» در روزنامه «مهر ایران» منتشر ساخت. در پنجمین دوره نخست وزیری احمد قوام در بهمن ۱۳۲۴ به سمت معاونت شهرداری تهران منصوب و پس از تشکیل حزب دمکرات قوام، از گردانندگان آن حزب شد و به عنوان وکیل اراک وارد مجلس شورای ملی گردید. در زمان حکومت دکتر مصدق جزو هیأت خلع ید از شرکت انگلیسی نفت جنوب، به آبادان رفت. پس از اختلاف نظر با دکتر مصدق در دسته مخالفین جدی وی از جمله دکتر مظفر بقایی، ابوالحسن حائری زاده، سید مهدی میراشرفی و... در آمد. وی سه دوره نماینده مجلس شورای ملی و عضو فعال حزب زحمتکشان و مسوول شورای عالی سازمان نگهبانان آزادی (به ریاست دکتر بقائی) بود. نامبرده از نزدیکان و دوستان دکتر مظفر بقائی بوده و در مقاطع مختلف از وی حمایت می‌کرده است. یاد شده در سال ۵۲ بیان داشته: «دکتر بقائی مهره اصلی در کشور بوده که برای روز مبادا ذخیره شده است.» مکی از مخالفان دکتر مصدق و طرفدار شاه و حکومت مشروطه بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۴- ارسلان خلعت‌بری نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های ۱۸ (۱۳۳۵-۱۳۳۲) و ۱۹ (۱۳۳۹-۱۳۳۵) از بابل و دوره ۲۰ (۱۳۴۰-۱۳۳۹) از شهسوار بود.

۵- اللهیار صالح: در سال ۱۲۷۶ ه‍.ش در کاشان متولد شد. اولین مشاغل اداری خود را در سفارت آمریکا با عنوان مترجمی شروع کرد. در طول چهار دهه، مناصب مختلفی چون: وزیر دارائی کابینه قوام (۱۳۲۱)، وزیر دارائی کابینه سهیلی (۱۳۲۱)، وزیر دادگستری کابینه ساعد (۱۳۲۳)، وزیر دادگستری کابینه حکیمی (۱۳۲۴)، سفیر ایران در آمریکا (۱۳۲۴)، وزیر مشاور و وزیر کشور در کابینه حکیمی (۱۳۲۴)، وزیر دادگستری کابینه قوام (۱۳۲۵) و نماینده مجلس شانزدهم از کاشان (۱۳۳۹) را به عهده داشت.

۶- سید محمود نریمان: پیش از انتخابات دوره شانزدهم و همکاری ایشان با دکتر مصدق و شرکت در تحصن، در کابینه‌های گذشته چندین بار به وزارت رسیده و در کابینه دکتر مصدق وزیر دارائی شد. وی در ادوار شانزده و هفده نماینده مجلس بود. مرحوم نریمان در آخرین روز نخست وزیری دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۳۲ در منزل دکتر مصدق بود. پس از کودتا هم در جریان نهضت شرکت داشت. سالهای آخر زندگی را در نهایت سادگی و حتی تنگدستی گذراند و در فروردین ۱۳۴۰ به رحمت ایزدی پیوست.

۷- دکتر شمس‌الدین جزایری: فرزند سید حسن، دارای تحصیلات دکترای حقوق از فرانسه و رئیس فرهنگ تهران، مدیر عامل شرکت بیمه، نماینده مجلس شورای ملی، استاد دانشگاه، وزیر فرهنگ در کابینه رزم‌آرا و مدتی نیز استاندار خراسان در دوران دولت امینی بوده است. همچنین نامبرده جزء مؤسسان حزب وحدت ایران در سال ۱۳۲۱ و حزب ایران در سال ۱۳۲۲ و از طرفداران سیاست آمریکا در ایران بوده است. در مقطع دولت مصدق از وی کناره‌گیری کرده و به اروپا رفت و پس از کودتای ۲۸ مرداد به ایران بازگشته و در جریان انتخابات دوره بیستم نیز با طرفداران دکتر علی امینی همکاری داشته است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

تاریخ: ۲۳/ شهریورماه ۱۳۲۸

به قرار اطلاع حاصله دکتر مصدق  
کاندیدهای خود را برای مجلس شورای ملی  
که عبارتند از: خود او و کاشانی، دکتر بقائی،  
حائری زاده، مکی و عبدالقدیر آزاد<sup>۱</sup> تعیین  
کرده و چند نفر دیگر را مأمور نموده که نزد  
اشخاص مؤثر و متنفذ رفته و آنان را با قسم  
قران برای همکاری با او جلب نماید. گزارش  
دهنده اضافه می کند که در این زمینه  
عبدالقدیر آزاد بیشتر از سایرین فعالیت  
می نماید و حتی با دهات و اطراف تهران نیز  
مراوده پیدا نموده است.

آیت الله کاشانی

۲۳/ شهریورماه ۱۳۲۸

بعثت و اطلاع حاصله دکتر مصدق کاندیدهای خود را برای مجلس شورای ملی که عبارتند از:  
عبدالقدیر آزاد، مکی، حائری زاده، کاشانی، دکتر بقائی، حائری زاده، مکی و عبدالقدیر آزاد  
و چند نفر دیگر را مأمور نموده که نزد اشخاص مؤثر و متنفذ رفته و آنان را با قسم  
قران برای همکاری با او جلب نماید.  
گزارش دهنده اضافه می کند که در این زمینه عبدالقدیر آزاد بیشتر از سایرین فعالیت  
می نماید و حتی با دهات و اطراف تهران نیز مراوده پیدا نموده است.

آیت الله کاشانی

۱- عبدالقدیر آزاد خراسانی: فرزند ملاجان محمد، متولد ۱۲۷۰ هـ از سبزووار، کارمند اداره پست و وزارت  
دادگستری بود. در سال ۱۳۲۸ به عنوان نماینده مردم سبزووار به مجلس راه یافته و در دوره های چهاردهم و پانزدهم،  
نماینده مجلس شورای ملی شد. نامبرده رئیس هیأت مدیره جمعیت شیر و خورشید سرخ در تهران نو، مدیر عامل و  
بازرس شرکت فرش، مدیر روزنامه «آزاد»، مؤسس و رهبر حزب استقلال (که در سال ۱۳۲۰ تأسیس شد) و از نمایندگان  
اقلیت مجلس شورای ملی بود.

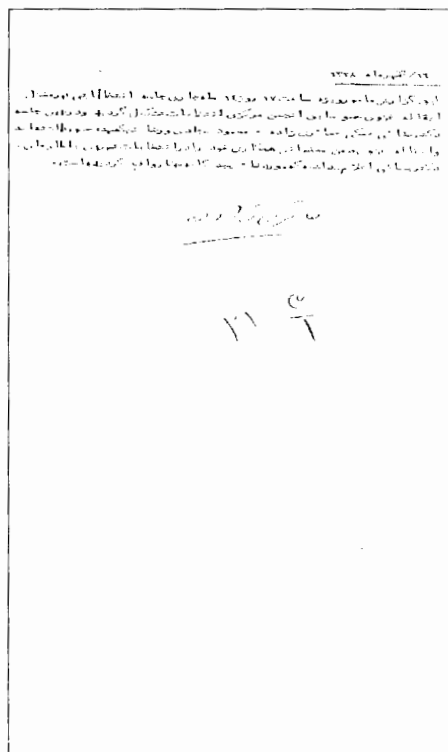
نمایندگان اقلیت عبارت بودند از: عبدالقدیر آزاد، حسین مکی، مظفر بقائی و حائری زاده. عبدالقدیر موافق  
سلطنت و برنامه های شاه و طرفدار سیاست انگلستان بود. یاد شده ابتدا از طرفداران دکتر مصدق بود و با جبهه ملی  
همکاری داشت، ولی در خردادماه ۱۳۳۰ از جبهه ملی استعفا نموده و علیه آن و دکتر مصدق فعالیت نمود، به نحوی که  
وی را از مخالفان سرسخت مصدق و داوطلب پست نخست وزیری معرفی نموده اند. پرونده های انفرادی ساواک



تاریخ: ۱۶/مهرماه ۱۳۲۸

طبق گزارش مأمور ویژه، ساعت ۱۷ روز ۱۴ ماه جاری، جلسه انتخاباتی در منزل آیت‌الله غروی<sup>۱</sup> عضو سابق انجمن مرکزی انتخابات تشکیل گردید، در این جلسه دکتر بقائی، مکی، حائری‌زاده، محمود سجادی و رضا نیکعهد حضور داشته‌اند، آیت‌الله غروی ضمن سخنرانی، همکاری خود را در انتخابات تهران با سازمان دکتر بقائی اعلام داشته که مورد تایید کلیه حضار واقع گردیده است.

حائری‌زاده



۱- آیت‌الله سید جعفر غروی عضو انجمن انتخابات تهران و از دوستداران آیت‌الله کاشانی بود. در شهریور ۱۳۲۸ دکتر مصدق و نمایندگان اقلیت، انتخابات مجلس سنا را مخدوش دانسته و دخالت دولت را در انتخابات شهرستانها محکوم کردند. به دنبال آن آیت‌الله غروی در روز ۱۳ مهر ماه، از انجمن انتخابات تهران استعفا کرد. استعفای آیت‌الله غروی و چند تن از اعضای انجمنهای فرعی، مخالفان را مصمم ساخت که پیش از آغاز انتخابات تهران، دست به اقدامی جدی بزنند. روز ۱۸ مهر، نمایندگان اقلیت و عده‌ای از روزنامه‌نگاران، همراه با گروهی از جوانان عضو سازمان نظارت و اعضای حزب ایران و جمعیت‌های دیگر در منزل دکتر مصدق گرد آمدند، به دنبال آن دکتر مصدق از مردم خواست روز جمعه جلو دربار حضور یابند. جمعیت انبوهی که شمار آنها را از چند صد تا چند هزار تن ذکر کرده‌اند، در اطراف کاخ شاه جمع شدند. سرانجام بیست نفر از این عده از جمله آیت‌الله سید جعفر غروی از ظهر روز ۲۳ مهرماه در دربار متحصن شدند.

تاریخ: ۱۹/مهرماه ۱۳۲۸

گزارش مأمور ویژه حاکمیت به قرار اظهار  
 شخص موثق، بین مکی و حائری زاده با دکتر  
 بقائی فاصله‌ای ایجاد شده و دو نفر مذکور خود  
 را از بقائی دور نگاه می‌دارند و نیز به همین  
 علت بین آنها گفته می‌شود که عبدالقدیر آزاد  
 با مقامات دولتی و کاندیدهای دولت ارتباط  
 دارد. گزارش دهنده اضافه می‌کند به قرار  
 مسموع، اخیراً نامه‌های تهدیدآمیزی برای  
 دکتر بقائی رسیده و ضمن آنها مخصوصاً مذکور گردیده که چرا عکس اقبال  
 متذکر گردیده‌اند که چرا عکس آیت‌الله غروی  
 را چاپ کرده است، می‌گویند حسن ظن  
 اطرافیان دکتر بقائی به مشارالیه کمتر شده  
 است.

۱۹/مهرماه ۱۳۲۸

گزارش مأمور ویژه حاکمیت به قرار اظهار شخص موثق بین مکی و حائری زاده  
 دکتر بقائی فاصله‌ای ایجاد شده و دو نفر مذکور خود را از بقائی دور نگاه  
 میدارند و نیز به همین علت بین آنها گفته می‌شود که عبدالقدیر آزاد با  
 مقامات دولتی و کاندیدهای دولت ارتباط دارد.  
 گزارش دهنده اضافه می‌کند به قرار مسموع اخیراً نامه‌های تهدیدآمیزی برای  
 دکتر بقائی رسیده و ضمن آنها مخصوصاً مذکور گردیده که چرا عکس اقبال  
 غروی را چاپ کرده است می‌گویند حسن ظن اطرافیان دکتر بقائی به مشارالیه  
 کم شده است.



حائری زاده

تاریخ: ۲۱/مهرماه ۱۳۲۸

بطوری که از حسین مکی و اطرافیان دکتر مصدق شنیده شده، اخیراً اختلاف نظری بین حائری زاده و مکی و دکتر مصدق از یک طرف و دکتر بقائی از طرف دیگر ایجاد شده، اختلاف مزبور برای این است که دکتر بقائی در روش سیاسی خود طرفدار سیاست آمریکائیها و توسعه نفوذ آنها در ایران می باشد، در صورتی که دسته دیگر با توسعه نفوذ آمریکا در ایران موافق نیستند.<sup>۱</sup> در اثر همین اختلاف سیاسی، با مشی و روش سازمانی که برای نظارت در انتخابات از طرف دکتر بقائی تشکیل شده، در حال حاضر و همچنین بعد از پایان انتخابات با نظر دکتر

بقائی تعیین خواهد شد و سایر نمایندگان اقلیت<sup>۲</sup> و همچنین طرفداران دکتر مصدق و کاشانی و حسین مکی در آن دخالتی نداشته و ندارند. روی این اصل در اعلامیه هائی که رأی معرفی کاندیدها از طرف محافل مربوط به کاشانی و دکتر مصدق انتشار یافته نامی از کاندید بودن دکتر بقائی و عبدالقدیر آزاد که او نیز معروف به طرفدار [ای] از سیاست آمریکا می باشد برده، نشده است.

حائری زاده

۱- از جمله سیاست های ایالات متحده آمریکا در این زمان، رقابت نفتی او با استعمار بریتانیا است. در واقع، آمریکا برای مشارکت در بهره برداری از منافع سرشار شرکت نفت، با انگلیس در رقابت بود و حتی می کوشید که در صورت امکان سهام کمپانی نفت انگلیس را خریداری کند. دکتر بقائی در باره ارتباطات خود با عوامل آمریکایی برای نیل به این هدف آمریکا گفته است: «با «دوهر» [از اعضای سفارتخانه آمریکا در ایران] و چند تا آمریکایی دیگر تماس داشتم... چون آمریکایی ها خیلی همراه بودند، راجع به ملی شدن [نفت]» (بازجویی دکتر بقائی، صفحات ۲۸۸ - ۲۸۹) البته همان گونه که باید، نقش دسیسه گران سیاسی، را در این حوادث شناخت، نباید در صمیمیت عملکرد رهبران طراز اول این جنبش، همچون آیت الله کاشانی و دکتر مصدق، تردید کرد.

۲- اقلیت: گروه کوچک اقلیت در مجلس پانزدهم آقابان مکی، بقائی، حائری زاده و آزاد بودند.

تاریخ: ۲۹/ آذرماه ۱۳۲۸

گزارش مأمور ویژه حاکست، به طوری که از نزدیکان نمایندگان اقلیت شنیده شده از نظر سیاست خارجی هماهنگی کامل در بین دکتر بقائی، حسین مکی، عبدالقدیر آزاد و بعضی از دوستان او که روزنامه شاهد را انتشار می‌دهند، از قبیل زهری<sup>۱</sup> و دکتر عیسی سپهبدی متمایل به سیاست آمریکایی باشند و اکثریت اعضای کمیته مرکزی حزب ایران<sup>۲</sup> نیز با آنها همراه می‌باشند ولی حسین مکی، حائری‌زاده، آزاد و همچنین دکتر مصدق عقیده دارند که ایران فقط با



بی‌طرفی کامل خواهد توانست موجودیت خود را حفظ کند. حائری‌زاده به دوستان خود اظهار داشته است، اگر زمامداران ما مانند هیئت حاکمه ترکیه لیاقت آن را داشتند که از موقعیت استفاده کنند، توجه ما به سیاست آمریکا مفید بود ولی نه، زمامداران ما آن لیاقت را دارند و نه دو رقیب روس و انگلیس اجازه می‌دهند به این آسانی خود را در دامن آمریکا بیاندازیم. بعضی از دوستان دکتر بقائی و همچنین عده‌ای از اعضای حزب ایران در نظر دارند برای این که در اجرای نقشه سیاسی خود موفق شوند، با یک سلسله تبلیغات دگرگونی و اجرای دگرگونی در رأس جبهه خویش قرار دهند.<sup>۳</sup> زیرا دکتر مصدق هم مانند حائری‌زاده و آزاد و مکی تمایلی به پیروی از سیاست آمریکا و کمک آن دولت از خود نشان نداده است.

عبدالله آزاد

۱- علی زهری: فرزند رضا، در سال ۱۲۹۳ ه‍.ش در رشت متولد شد. مدتی در آن شهر و تهران به تحصیل پرداخت و سپس عازم بلژیک گردید و در رشته اقتصاد به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران مدتی در بانک کشاورزی و وزارت دارائی مشغول به کار شد. مدتی نیز نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی بود. در سال ۱۳۲۸ روزنامه «شاهد» را منتشر نمود. به واسطه اقداماتش در کودتای ۲۸ مرداد از طرف وزارت دفاع ملی، نشان درجه یک «رستخیز» را دریافت نمود. (ضمایم ۱ و ۲) چنانچه از اسناد بر می‌آید، شخصی تشکیلاتی و از رهبران مؤثر حزب زحمتکشان بوده

است و بسیاری از جلسات در منزل وی برگزار می‌گردیده است. از افراد نزدیک مظفر بقایی بوده و توانسته بود تا حد خیلی زیادی اعتماد و علاقه آیت‌الله کاشانی را به دست آورد. سرانجام زهری در خردادماه ۱۳۳۹ بطور ناگهانی فوت نمود.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۲- حزب ایران: در نخستین سالهای دهه ۱۳۲۰ تشکیل شد. هسته اولیه، کانون مهندسین ایران بود. تأسیس حزب ایران در میان طبقات تحصیل کرده با استقبال روبه رو شد. حمایت از مواضع دکتر مصدق، عدم تمایل به گرایش به کشورهای بیگانه و همچنین پاره‌ای گرایشهای رادیکال، مانند مواضع حزب، درباره بهبود وضع کشاورزان و تغییر در روابط میان مالک و زارع، سبب رویکرد روشنفکران به سوی حزب گردید. نفوذ و قدرت حزب ایران در اواخر سال ۱۳۲۴ به دنبال ائتلاف با حزب میهن و یا در حقیقت جذب حزب میهن، به حزب ایران، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. خبر ائتلاف در اعلامیه‌ای به تاریخ هفتم فروردین ماه ۱۳۲۵ انتشار یافت. آن‌گاه ترکیب کمیته مرکزی حزب ایران تغییراتی کرد و چند تن از رهبران حزب میهن همچون دکتر سنجابی، مجید یکتانی و... در شورای رهبری حزب ایران جای گرفتند. از جمله اعضای شورای رهبری حزب عبارت بودند از: اللهیار صالح، مهندس احمد مصدق (فرزند ارشد دکتر محمد مصدق)، مرتضی مصور رحمانی، احمد زیرک‌زاده، دکتر سنجابی، مهندس حسینی و دکتر شمس‌الدین جزایری.

حزب ایران، چندی پس از ائتلاف، در تابستان سال ۱۳۲۵ با سه تحول عمده مواجه شد. در نخستین قدم، حزب ایران، همراه با حزب توده، حزب دمکرات کردستان، فرقه دمکرات آذربایجان، حزب جنگل و حزب دمکرات ایران، جبهه ائتلافی احزاب آزادیخواه را پدید آوردند. در گام بعدی، حزب ایران به همراه حزب توده، شرکت در کابینه ائتلافی قوام را پذیرفت و اللهیار صالح از حزب ایران، در این کابینه پست وزارت دادگستری را تقبل کرد. در این گام حزب ایران با انشعاب گروهی اعضا و هواداران خود به رهبری دکتر شمس‌الدین جزایری مواجه شد. انشعابیون، مخالف ائتلاف با حزب توده بودند. با توجه به کوتاهی عمر ائتلاف و همچنین کوتاهی عمر کابینه ائتلافی قوام، تنها استفاده ائتلاف برای حزب ایران، از دست دادن گروهی از یاران و هوادارانش بود. پس از آن حزب ایران در جریان انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، با حمایت از دکتر مصدق و مشی وی، پای در صحنه انتخابات گذاشت و همکاری نزدیکی با دکتر مصدق برقرار کرد و در جریان مبارزه علیه قرار داد الحاقی کس - گلشائیان و تشکیل جبهه ملی ایران و نیز تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت، فعالانه شرکت کرد. در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، چند تن از رهبران حزب ایران همچون دکتر سنجابی، اللهیار صالح، مهندس زیرک‌زاده و مهندس کاظم حسینی در پستهای گوناگون دولتی به خدمت گمارده شدند. بعضی هم در مجلس شورای ملی به خدمت پرداختند.

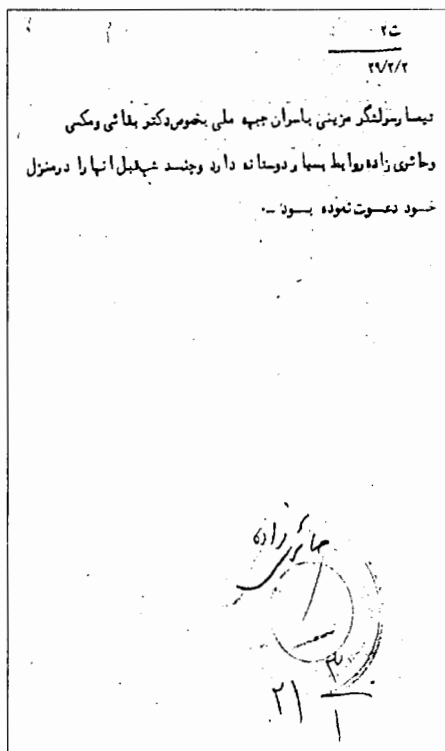
ارگان حزب ایران در دهه ۱۳۲۰ به ترتیب روزنامه‌های شفق، جبهه و اخبار ایران بود. همچنین نشریات نبرد امروز، نبرد امروز دانشگاه و باستان نیز ناشر افکار و اهداف حزب ایران به شمار می‌رفتند.

۳- در روز ۲۱ آبان ماه ۱۳۲۸، جبهه ملی ایران، به رهبری دکتر محمد مصدق تشکیل شد.

تاریخ: ۱۳۲۹/۲/۲

تیمسار سرلشگر مزینی<sup>۱</sup> با سران جبهه ملی<sup>۲</sup> به خصوص دکتر بقائی و مکی و حائری زاده روابط بسیار دوستانه دارد، چند شب قبل، آنها را در منزل خود دعوت نموده بود.<sup>۳</sup>

حائری زاده



۱- علی اصغر مزینی فرزند نظام الدین، در سال ۱۲۸۶ متولد شد. مزینی سر تیپ بازنشسته، عضو سازمان کوک و همچنین باشگاه ورزشی شاهنشاهی بوده است. یاد شده در اردیبهشت سال ۱۳۲۲ به اتهام قتل سر تیپ افشار طوس (رئیس شهربانی مصدق) دستگیر و تا مرداد سال مذکور در زندان بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد به خدمت نظام بازگشته و در سال ۱۳۳۵ بازنشسته شد. در سال ۱۳۴۴ به انگلستان رفت و در سال ۴۷ از طریق لندن، مسکو به ایران آمد. ساواک درباره وی اعلام داشته، پولی که به وی در زمان اقامت در انگلستان داده می شده، به فرمان شاه و به عنوان مستمری بوده و باید تا پایان عمر به مشارالیه پرداخت شود.

پرونده های انفرادی ساواک

۲- در روز ۲۳ مهرماه ۱۳۲۸ جمعیت زیادی در مقابل خانه مصدق گرد آمدند و همراه او تا کاخ شاه در همان نزدیکی رفتند. مصدق در آنجا نامه ای را که در اعتراض به دخالت دولت در انتخابات تمام شهرستانها و تقاضای ابطال انتخابات تهیه کرده بود، تحویل داد. جمعیتی که در بیرون کاخ، گرد آمده بود، می خواست که در داخل کاخ تحصن کند. سرانجام فرمانده گارد، ورود مصدق و نوزده نفر دیگر را به کاخ بلامانع اعلام کرد. اسامی آنها عبارت بود از: فاطمی، شایگان، سنجابی، نریمان، امیرعلانی، زیرک زاده، کاویانی، بقائی، مکی، آزاد، حایری زاده، مشار، سید جعفر غروی، ارسلان خلعتبری، حسن صدر، جلالی نائینی، عمیدی نوری، احمد ملکی و عباس خلیلی.

از این نوزده نفر، هفت نفر (فاطمی، شایگان، سنجابی، نریمان، امیرعلانی، زیرک زاده و کاویانی) تا کودتای ۱۳۲۳ پشتیبان مصدق ماندند؛ پنج نفر (بقائی، مکی، آزاد، حایری زاده و مشار) بعداً هر یک به طرفی رفتند و با دولت مصدق

بنای مخالفت را گذاشتند، چهار نفر (سید جعفر غروی، ارسلان خلعتبری، حسن صدر و جلالی نائینی) یا کنارگود نشستند یا مختصر انتقاداتی از مصدق می‌کردند، بقیه (عمیدی نوری، احمد ملکی و عباس خلیلی) کمی بعد، بکلی از نهضت بریدند.

پس از گذشت دو روز از تحصن در کاخ، که بدون هیچ واقعه‌ای سپری شد، تحصن‌کنندگان تصمیم گرفتند که با دست‌زدن به اعتصاب غذا، اعتراضشان را نمایانتر کنند. اما اعتصاب غذا چندان به درازا نکشید، در نتیجه در روز ۲۷ مهرماه ۲۸ با انتشار بیانیه‌ای، نگرانی خود را از این که دخالت‌های غیر قانونی در انتخابات به حیف و میل شدن عزیزترین ذخایر ایران، یعنی نفت منتهی شود، ابراز داشتند و بدون حصول نتیجه‌ای ملموس کاخ را ترک کردند. سپس در خانه مصدق گرد آمدند تا تصمیمی اتخاذ کنند که پردامنه‌تر از صرف مبارزه انتخاباتی از کار درآید. در این زمان این گروه احساس می‌کردند که علاوه بر نام، به چارچوبی سیاسی هم نیازمندند، بر سر ماهیت و نوع سازمان سیاسی مورد نظر اختلافی وجود داشت. سرانجام، همگان بر سر تشکیل جبهه، به توافق رسیدند. بر سر مسایل تشکیلاتی نیز بحث‌هایی مطرح شد این گروه در اول آبان ۱۳۲۸ با نام جبهه ملی اعلام موجودیت کرد.

۳- دکتر بقائی در فرصتهای مختلف، «رزم آرا» رئیس ستاد ارتش را به باد انتقاد می‌گرفت. به دنبال یکی از این حملات در روز ۲۷ دی‌ماه، دادگاه نظامی، دکتر مظفر بقائی را به اتهام اهانت به ارتش به یک سال زندان محکوم کرد. در روز ۲۳ بهمن، دکتر بقائی با قرار، از زندان آزاد شد و دوم اردیبهشت ۱۳۲۹ دادگاه جنائی تهران به ریاست عبدالله معقول با حضور هیأت منصفه و وکلای مدافع و نماینده دادستان به پرونده دکتر مظفر بقائی کرمانی به اتهام اهانت به ارتش از طریق روزنامه شاهد رسیدگی کرد. دادگاه جنائی تهران، سرانجام حکم به برائت متهم صادر نمود و در حکم، نوشت انتقاد در شأن نویسنده و جرم نیست.

تاریخ: ۲۳/ خرداد ۱۳۲۹

## گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکمیت به طوری که از اعضای روزنامه‌های شاهد و صفیر<sup>۱</sup> شنیده شده، تمام مقالاتی را که به امضای دکتر بقائی منتشر می‌شود، دکتر سپهبدی<sup>۲</sup> استاد دانشگاه و رئیس هیئت تحریریه جراید ارگان جبهه ملی، تهیه می‌کند و می‌گویند که دکتر بقائی وقت تهیه مقالات را ندارد و یا نمی‌خواهد تهیه کند. افراد جبهه ملی معتقدند که دکتر سپهبدی در مقاله‌نگاری و انتقاد و سرعت انتقال بی‌مانند است.

۲۳ - خرداد ۱۳۲۹

گسترده

کرامت‌آفرین مأمور ویژه حاکمیت به طوری که از اعضا روزنامه‌های شاهد و صفیر شنیده شده، تمام مقالاتی را که به امضای دکتر بقائی منتشر می‌شود، دکتر سپهبدی استاد دانشگاه و رئیس هیئت تحریریه جراید ارگان جبهه ملی، تهیه می‌کند و می‌گویند که دکتر بقائی وقت تهیه مقالات را ندارد و یا نمی‌خواهد تهیه کند. افراد جبهه ملی معتقدند که دکتر سپهبدی در مقاله‌نگاری و انتقاد و سرعت انتقال بی‌مانند است.

۱۳۲ ۴

۱- روزنامه صفیر:

صاحب امتیاز و مدیر: بزرگ زاد

محل انتشار: تهران

۲- عیسی سپهبدی: متولد ۱۲۹۰ ه.ش، استاد زبان فرانسه در دانشگاه تهران، وابسته محلی سفارت فرانسه در تهران، از اعضای موسس «حزب سوسیالیست ایران» در سال ۱۳۲۸ به همراه سردار فاخر حکمت، دکتر خان‌بابا بیانی، مهندس محسن فروغی و دکتر جلال عبده، از محرمان اسرار دکتر بقائی و همکار او در حزب زحمتکشان ایران، نویسنده روزنامه شاهد و همراه بقائی در سفر دکتر مصدق به سازمان ملل و دیوان داوری لاهه بوده‌است.



تاریخ: ۱۳۲۹/۵/۱۷

پیوسته در این اواخر، از طرف دکتر بقائی و  
مکی به طرفداران کاشانی تذکر داده می شود  
که:

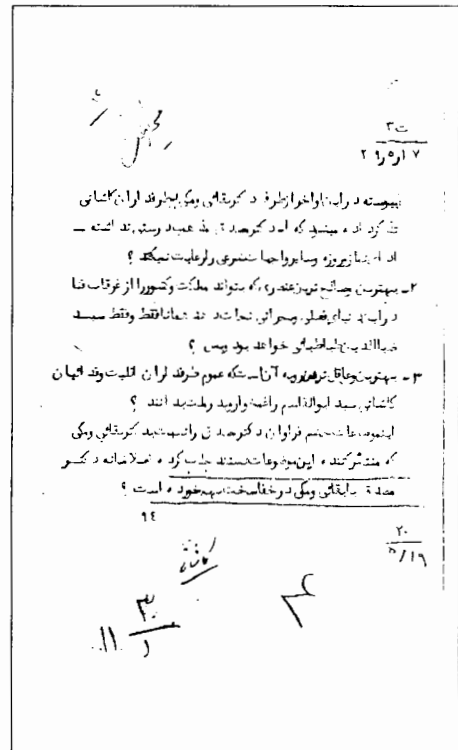
۱- دکتر مصدق مذهب درستی نداشته و ادای  
نماز و روزه و سایر واجبات شرعی را رعایت  
نمی کند.

۲- بهترین و صالح ترین عنصری که بتواند  
مملکت و کشور را از غرقاب فنا در این دنیای  
فعلی و بحرانی نجات دهد، همانا فقط و فقط  
سید ضیال الدین طباطبائی خواهد بود و بس.

۳- بهترین و عاقل ترین رویه آن است که عموم  
طرفداران اقلیت و فدائیان کاشانی،  
سید ابوالقاسم را غمخوار به دولت بدانند.

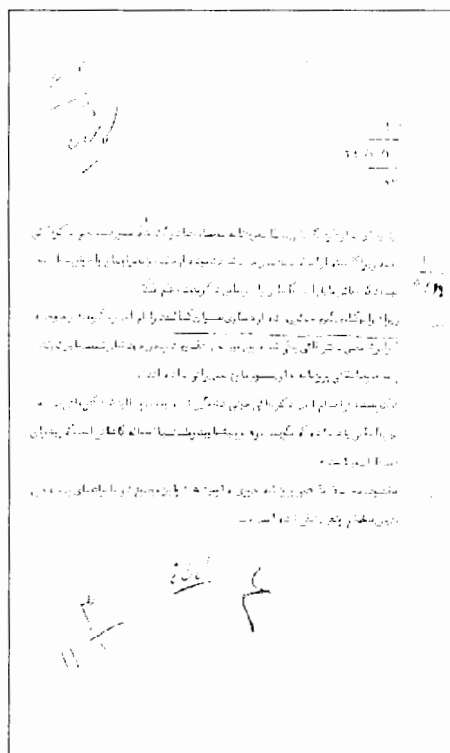
این موضوعات، خشم فراوان دکتر مصدق را نسبت به دکتر بقائی و مکی که منتشر کننده این  
موضوعات هستند، جلب کرده [و] فعلا میانه دکتر مصدق با بقائی و مکی در خفا سخت بهم  
خورده است.

کاشانی



تاریخ: ۱۳۲۹/۵/۱۷

بیانیه‌ای که از طرف کاشانی خطاب به روزنامه نویسان صادر گردیده، بطور قطع به قلم دکتر بقائی بوده زیرا گذشته از این که سبک بیان، خود شاهد بوده، از چند روز پیش، اوضاع و احوال نشان می‌داد که بقائی مایل است کاشانی را در مقابل دکتر مصدق علم کند. زیرا در اثر کناره گیری حائری زاده از همکاری، به عنوان کسالت در ایام اخیر، دکتر مصدق متوجه اغراض شخصی دکتر بقائی شده و به همین جهت، قدری در لحن خودشان نسبت به این دو نفر (مخصوصاً بقائی و روزنامه‌های منسوب به او) تغییراتی داده‌اند.



دکتر مصدق از اقدام اخیر دکتر بقائی خیلی خشمگین شده و مخصوصاً این که دکتر بقائی به تیپ کاشانی یاد داده که بگویند، رهبر و پیشوا و پدر ملت، تنها آیت‌الله کاشانی است که پیشوای مسلمانان می‌باشد. مخصوصاً نسبت لامذهبی و روزنامه‌خوری به او می‌دهند و این موضوع در سایر اعضای جبهه ملی خیلی با خشم و نفرت تلقی شده است.

کاشانی

تاریخ: ۱۳۲۹/۵/۲۳

## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، به طوری که از سید محمود ژندی<sup>۱</sup> مدیر روزنامه بسوی آینده شنیده شده، اخیراً فعالیت شدیدی از طرف کمیته سری حزب منحل شده و طرفداران سیاست شوروی در ایران می شود که موجب نزدیکی جراید توقیف شده را فراهم سازند. مصطفی لنگرانی و محمود دژکام<sup>۲</sup> مدیر روزنامه انگلیس ها با دخالت روزافزون آمریکائیا در ایران موافقت ندارند با استفاده از چنین موقعیتی بتوان اتحادیه مطبوعاتی ضد دولت را تقویت نمود، دکتر بقائی به دوستان خود اظهار داشته است در عین حالیکه دولت جدید مشغول مبارزه هستیم معهدا صلاح نیست ائتلافی از مطبوعات وابسته به سیاست شوروی و انگلیس که در رأس اول روزنامه های بسوی آینده و نیسان<sup>۳</sup> و در رأس دومی، باختر امروز قرار دارند بوجود آید زیرا این ائتلاف موجب شکست قدرت جبهه ملی را که باید بوسیله محافل آمریکائی تقویت شود فراهم میسازد.

خود اظهار داشته است در عین حالیکه با دولت جدید مشغول مبارزه هستیم معهدا صلاح نیست ائتلافی از مطبوعات وابسته به سیاست شوروی و انگلیس که در رأس اول (ای) روزنامه های بسوی آینده و نیسان<sup>۳</sup> و در رأس دومی، باختر امروز<sup>۴</sup> و خبر قرار دارند، بوجود آید زیرا این ائتلاف، موجبات شکست قدرت جبهه ملی را که باید بوسیله محافل آمریکائی تقویت شود، فراهم میسازد.

۱- محمود ژندی: فرزند سید علی محمد، در سال ۱۲۹۴ هـ در ملایر متولد شد. تحصیلات دبستانی را در ملایر و تویسرکان گذرانده و پس از گذراندن دوره اول متوسطه، به همدان و کرمانشاه مسافرت کرد. دوره دوم متوسطه را در شهرستان کرمانشاه به پایان رسانیده و سپس برای تکمیل تحصیلات خود به تهران رفت. قریب به دو سال مشغول ادامه تحصیل بود، چون پدرش در ارتش بازنشسته شده و به علت سن زیاد، کاری نمی توانست انجام بدهد، ژندی به ناچار ادامه تحصیلات را رها کرد و بنابه علاقه پدرش، به شغل آزاد روی آورده، در بازار حجره های تأسیس نمود. از سال ۱۳۱۸ وارد کسب و تجارت شد. به لحاظ علاقه به امور سیاسی، در سال ۱۳۲۳ وارد کارهای فرهنگی - مطبوعاتی شد و با بیشتر روزنامه های تهران همکاری نمود.

او که مدیر روزنامه بسوی آینده بود، روزنامه خود را در اختیار کمیته مرکزی حزب توده قرارداد و در مواردی هم که روزنامه بسوی آینده توقیف شد، با استفاده از امتیاز سایر روزنامه ها در اشاعه تفکرات خود نهایت سعی و کوشش را به عمل آورد.

۲- محمود دژکام: فرزند علی اکبر در سال ۱۲۹۶ هـ در شهر بابل متولد شد. در سالهای ۲۳ و ۲۴ مدیر هفته نامه

۲۹/۵/۲۳  
گزارش  
طبق گزارش مأمور ویژه بطوریکه از سید محمود ژندی مدیر روزنامه بسوی  
شنیده شده اخیراً فعالیت شدیدی از طرف کمیته سری حزب منحل شده  
و طرفداران سیاست شوروی در ایران میشود که موجب نزدیکی جراید  
توقیف شده را فراهم سازند مصطفی لنگرانی و محمود دژکام مدیر روزنامه  
رگبار امروز گفته اند چون انگلیس ها با دخالت روزافزون آمریکائیا در  
ایران موافقت ندارند با استفاده از چنین موقعیتی میتوان اتحادیه  
مطبوعاتی ضد دولت را تقویت نمود، دکتر بقائی به دوستان خود اظهار  
داشته است در عین حالیکه دولت جدید مشغول مبارزه هستیم معهدا  
صلاح نیست ائتلافی از مطبوعات وابسته به سیاست شوروی و انگلیس که  
در رأس اول روزنامه های بسوی آینده و نیسان و در رأس دومی باختر  
امروز خبر قرار دارند بوجود آید زیرا این ائتلاف موجب شکست قدرت  
جبهه ملی را که باید بوسیله محافل آمریکائی تقویت شود فراهم میسازد.

رگبار امروز بود. در سالهای ۲۴ - ۲۵ عضو کمیته مرکزی حزب سوسیالیست و در سالهای ۳۱ - ۳۲ عضو هیأت مدیره انجمن کمک به دهقانان، وابسته به حزب توده بوده است.

۳- نیسان:

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: ش. انور

تاریخ تاسیس: ۱۳۲۸

موضوع: سیاسی، اجتماعی، ادبی، انتقادی و خبری

محل انتشار: تهران

فاصله انتشار: هفتگی

۴- باختر امروز:

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: دکتر حسین فاطمی

تاریخ تاسیس: ۱۳۲۸

موضوع: سیاسی، اجتماعی، خبری، انتقادی و اقتصادی

محل انتشار: تهران

فاصله انتشار: روزانه

این روزنامه در سالهای انتشار، چند بار توقیف و در زمان توقیف، با نامهای «سرگذشت» و «باختر» منتشر شده است.

تاریخ: ۵/۲۵

۵/۲۵

این روزها اعلامیه را بوزن تپان گاشانی عناصر همدست با دکتر بقائی و سید ضیاءالدین طباطبائی منتشر میکنند و هر کدام از آن باید با امضای صریح و روشن ۱۰ نفر با نمود شفافانه و آدرس کامل امضاء شده باشد در حدود ۱۰۰۰ نسخه از آن امضاء شده ولی غالباً امضاهای مکرر و سلیقه‌ای است مردم از امضای آن بیم دارند و هم چنین این اوراق در دانشگاه با امضاء رسانده اند دکتر بقائی به بنده (مأمور ویژه) اظهار داشت که این اسناد را بشورای امنیت خواهد فرستاد تا با توجه اینکه میگردند چون (پاکوب مالتیک) نماینده شوروی رئیس شورای امنیت است امید به مطرح شدن آن دارند ولی اعتقاد بعضی از سیاستمداران این است که این نقشه مبارزه آمریکا با رزم آزاد است زیرا می‌ترسند که رزم آزاد با شوروی ها کنار بیاید نتیجه شکست سیاسی آمریکا در خاورمیانه تضمین باشد شایان توجه اینکه سید ضیاء از یکطرف خود را به بار نرده می‌کند و از یکطرف مبارزه با دولت می‌پردازد.

۴  
۱۱/۱

این روزها اعلامیه‌هایی را بین تبیب کاشانی، عناصر همدست با دکتر بقائی و سید ضیاءالدین طباطبائی منتشر می‌کنند و هر کدام از آن باید به امضای صریح و روشن ۱۰ نفر با نمره شناسنامه و آدرس کامل امضاء شده باشد. در حدود ۱۰۰۰ نسخه از آن، امضاء شده ولی غالباً امضاهای مکرر و جعلی است. مردم از امضای آن بیم دارند و همچنین این اوراق در دانشگاه به امضاء رسانده‌اند. دکتر بقائی به بنده (مأمور ویژه) اظهار داشت که این اسناد را به شورای امنیت خواهیم فرستاد.

قابل توجه این که می‌گویند چون «پاکوب مالتیک» نماینده شوروی، رئیس شورای

امنیت است، امید به مطرح شدن آن دارند ولی اعتقاد بعضی از سیاستمداران این است که این نقشه مبارزه آمریکا با رزم آزاد است زیرا می‌ترسند که رزم آزاد با شوروی ها کنار بیاید و نتیجه شکست سیاسی آمریکا در خاورمیانه قطعی باشد. شایان توجه این که سید ضیاء از یک طرف خود را به دربار نزدیک می‌کند و از یک طرف [به] مبارزه با دولت می‌پردازد.

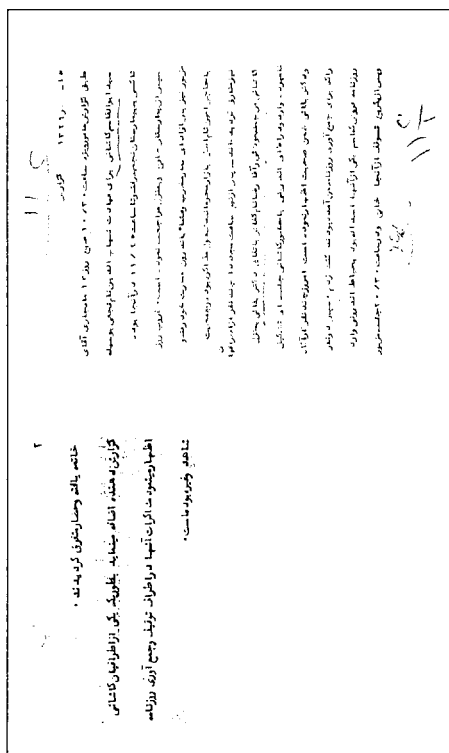
۱- سپهبد حاج علی رزم‌آرا: فرزند محمد خان، در سال ۱۲۸۰ ه‍.ش در تهران متولد شد. پس از تحصیل در مدرسه نظام مشیرالدوله با درجه ستوان دومی وارد خدمت قشون گردید. در کودتای ۱۲۹۹ در بریگاد مرکزی خدمت می‌کرد. پس از سرکوبی میرزا کوچک خان، به درجه ستوان یکمی ارتقا یافته و آجودان هنگ پهلوی شد. در سال ۱۳۱۸ به درجه سرتیپی رسید و در شورای عالی جنگ اشتغال یافت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ فرمانده لشکر یک تهران گردید و در ۱۳۲۲ به عنوان رئیس ستاد ارتش برگزیده و در ۱۳۲۹ به نخست‌وزیری منصوب شد. در زمان نخست‌وزیری حامی منافع شرکت نفت ایران و انگلیس بود. رزم‌آرا سرانجام در روز شانزدهم اسفند ۱۳۲۹ به وسیله خلیل طهماسبی (عضو جمعیت فدائیان اسلام) مورد اصابت گلوله واقع و کشته شد.

تاریخ: ۱۵ دی ۱۳۲۹

## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه ۱۰/۳۰ صبح روز ۱۳ ماه جاری آقای سید ابوالقاسم کاشانی برای عیادت شهاب‌الدین نجفی<sup>۱</sup> بوسیله تاکسی به بیمارستان نجمیه رفته و تا ساعت ۱۱/۴۵ در آنجا بوده سپس از بیمارستان خارج و به منزل مراجعت نموده است. غروب روز مزبور نیز پس از ادای نماز مغرب و عشاء به اندرون عمارت خود رفته و با حاجی امین نام، اهل بازار محرمانه مشغول مذاکره بود و جمعیت نیز متفرق گردیده‌اند. پس از نیم ساعت مجدداً چند نفر از اطرافیان کاشانی من جمله مولائی و آقا رضا نام کفاش به اتفاق

دکتر بقائی به منزل نامبرده وارد و در اطاق اندرونی با حضور کاشانی جلسه‌ای تشکیل و دکتر بقائی ضمن صحبت اظهار نموده است امروز چند نفر کارآگاه را که برای جمع‌آوری روزنامه من آمده بودند، کتک زدم. سپس دو نفر روزنامه فروش که اسم یکی از آنها اسداله بود، به حیاط اندرونی وارد و پس از یک ربع توقف از آنجا خارج و در ساعت ۲۰/۳۰ جلسه مزبور خاتمه یافته و حصار متفرق گردیدند. گزارش دهنده اضافه می‌نماید به طوری که یکی از اطرافیان کاشانی اظهار می‌نمود مذاکرات آنها در اطراف توقیف و جمع‌آوری روزنامه شاهد و غیره بوده است.

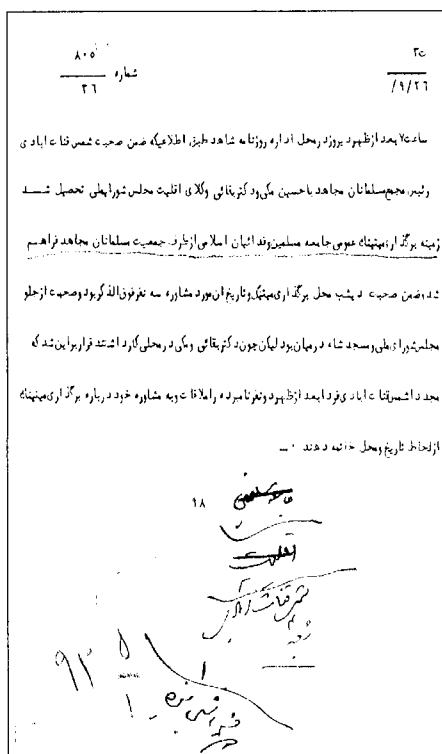


۱- آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی‌نجفی: در سال ۱۲۷۶ ه‍.ش در شهر نجف متولد شد. پس از تلمذ در نزد بزرگان دین، به ایران آمد. آیت‌الله مرعشی‌نجفی در سنین جوانی به اجتهاد رسید و در علوم گوناگون به ویژه علم رجال سرآمد شد. از خدمات بی‌نظیر این عالم ربانی، تأسیس کتابخانه‌ای در شهر قم است که امروزه به علت داشتن نسخ بی‌نظیر خطی، آوازه‌ای جهانی دارد.

آیت‌الله العظمی مرعشی‌نجفی همواره از مواضع امام خمینی «ره» در طول دوران مبارزه حمایت می‌کرد. ایشان در هفتم شهر بور ماه ۱۳۶۹ در ۹۶ سالگی دار فانی را وداع گفت.

شماره: ۲۶-۸۰۵ تاریخ: ۱۳۲۹/۹/۲۶

ساعت ۷ بعد از ظهر دیروز در محل اداره روزنامه شاهد، طبق اطلاعی که ضمن صحبت شمس قنات آبادی رئیس مجمع مسلمانان مجاهد با حسین مکی و دکتر بقائی، [و] وکلای اقلیت مجلس شورای ملی تحصیل شد، زمینه برگزاری عمومی جامعه مسلمین و فدائیان اسلامی از طرف جمعیت مسلمانان مجاهد فراهم شد. ضمن صحبت دیشب محل برگزاری میتنگ و تاریخ آن مورد مشاوره سه نفر فوق الذکر بود و صحبت از جلو مجلس شورای ملی و مسجد شاه در میان بود لیکن چون دکتر بقائی و مکی در محلی کار داشتند، قرار بر این شد که مجدداً شمس



قنات آبادی فردا بعد از ظهر دو نفر نامبرده را ملاقات و به مشاوره خود درباره برگزاری میتنگ از لحاظ تاریخ و محل، خاتمه دهند.

شمس قنات آبادی

شعبه ۴

ضمیمه ماشین شده

۱- جمعیت فدائیان اسلام به رهبری سید مجتبی نواب صفوی، در سال ۱۳۲۴ برای مبارزه علیه مخالفان و دشمنان اسلام به وجود آمد. پس از ترور کسروی، مبارزه با استعمار و فساد، در سرلوحه کار آنها قرار گرفت و به صورت یک جمعیت سیاسی - مذهبی فعال و پرحرارت درآمد. در تمام مبارزات سیاسی - ملی سالهای ۱۳۲۷-۱۳۲۹ شرکت فعال نمود و نیروی عامل و متحرک جبهه ملی را تشکیل داد. با ترور هژیر و رزم آرا به عنوان جماعتی از مردان مؤمن و از جان گذشته، نسبت به آرمانهای خود اشتها یافتند ولیکن به علت عدم آگاهی های عمیق سیاسی، در معرض نفوذ عوامل دشمنان اسلام و ایران و نهضت ملی قرار گرفتند، تا آنجا که با تحریک عوامل وابسته به سید ضیاءالدین طباطبائی در سال ۱۳۳۰، در غیاب شخص نواب صفوی نسبت به جان دکتر حسین فاطمی معاون سیاسی دکتر مصدق، سوء قصد نموده و وی را به سختی مجروح ساختند. پس از کودتای ۲۸ مرداد به قصد مخالفت شدید با شرکت ایران در «پیمان استعماری بغداد» اقدام به ترور حسین علاء نخست وزیر وقت که عازم بغداد بود، کردند. ولی ترور نافرجام ماند و اعضا و رهبران جمعیت فدائیان اسلام خیلی زود دستگیر و به شهادت رسیدند.

تاریخ: ۴- دی ۱۳۲۹

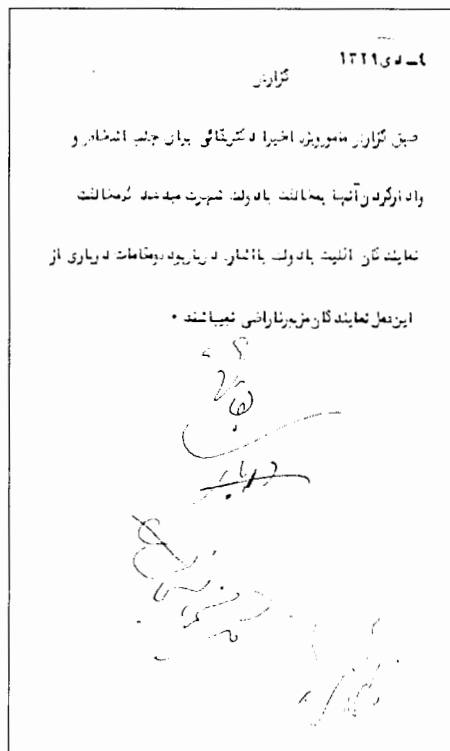
## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، اخیراً دکتر بقائی برای جلب اشخاص و وادار کردن آنها به مخالفت با دولت،<sup>۱</sup> شهرت می‌دهد که مخالفت نمایندگان اقلیت با دولت با اشاره دربار بوده و مقامات درباری از این عمل نمایندگان مزبور ناراضی نمی‌باشند.<sup>۲</sup>

بقائی

یک نسخه ماشین شود

ماشین شد



۱- در روز ۲۷ آذرماه ۱۳۲۹، به دنبال حمله به روزنامه شاهد و چاپخانه آن، عده‌ای از مدیران جراند در مجلس متحصن شدند. همچنین در روز ۲ دی‌ماه، جمع کثیری از مدیران جراند برای تحسن در عمارت بهارستان حضور یافتند و پس از مذاکره با سناورها ده نفر از ایشان باقی ماندند و بقیه خارج شدند.

۲- سپهبد رزم‌آرا در روز ۵ تیرماه ۱۳۲۹ فرمان نخست وزیری را دریافت کرد. بقائی درباره تحمیلی بودن انتصاب رزم‌آرا به نخست‌وزیری چنین گفته است: «تحمیلش کردن به شاه، یعنی آنوقت، در نظر گرفته بودند که اصلاً رزم‌آرا بیاید و خودش پینوشه بشود» (بازجویی دکتر بقائی، صفحات ۱۲۵-۱۲۶) و در جای دیگر درباره لایحه نشر اسکناس که دولت رزم‌آرا به مجلس داده بود تا مقدمات کودتا علیه شاه را فراهم کند، چنین گفته است:

«رزم‌آرا دستورات مؤکدی درباره حضور و غیاب در وزارتخانه‌ها صادر کرده بود و خودش هم گاهی می‌رفت اول وقت به یک وزارتخانه و کسانی که نبودند، منتظر خدمت و مجازات می‌کرد. ما اطلاع پیدا کردیم که محرمانه دستور داده‌اند به ادارات که چون موضوع حقوق، مطرح است و دولت پول ندارد حقوق بدهد و این لایحه [نشر اسکناس] باید بگذرد، کارمندان ادارات، صبح پنجشنبه بیایند دم مجلس، ضمناً از بازار هم با خبر شدیم که گفته‌اند: از بازار هم یک عده بیایند دم مجلس. ما ابتدا فکر کردیم که این قضیه برای این است که یک ازدحامی باشد که مجلس تحت تأثیر قرار بگیرد، برای تصویب لایحه. البته بعداً (نه آن موقع) خیلی بعد فهمیدیم که این نقشه‌ای بوده است. چون دو دسته جدا که یک جا جمع



بشوند، کافی است دو سه نفر که نقش دارند بتوانند کاری بکنند که این دو دسته بریزند به هم. مثلاً یکی از اینها توهینی بکند، آن یکی توهین دیگری بکند و بریزند به جان هم... وقتی اینها به جان هم افتادند، به عنوان حفظ نظم، اضافه بر شهربانی، کماندوهایی که رزم آرا درست کرده بود، آنها هم بیایند وارد معرکه شوند... بعد، اینها بریزند توی مجلس، وکلا را دستگیر کنند. [رزم آرا] تعدادی پاسگاه ژاندارمری در اطراف تهران ایجاد کرده بود چون در فاصله پاسگاههای موجود، ممکن بود، اشخاص بتوانند رفت و آمد بکنند گویا ۱۲ تا، دور تهران پاسگاه زده بود که تهران کاملاً محاصره شود و آمد و رفت قطع شود. نقشه این بود که بریزند یک عده وکلا را دستگیر کنند، ۵۰ و چند نفر را و اسم من در صدر لیست بود. بنا بود ببرند توی ژاندارمری و به دست کردها اعدام کنند. بعد حکومت نظامی اعلام کنند. شاه هم بنا بود برود «داود آباد ورامین» برای تقسیم املاک، در آنجا هم شاه را یا زندانی کنند یا بکشند. فوری هم اعلام انتخابات کنند و زمام امور را در دست بگیرند.»

(بازجویی دکتر بقائی، صفحات ۱۳۱-۱۳۷)

وی درباره علت انتصاب زاهدی به ریاست شهربانی در این مقطع چنین می گوید:

شاه، رئیس شهربانی را عوض کرد و سرلشکر فضل الله زاهدی را گذاشت رئیس شهربانی، زاهدی جبهه ملی را تقویت کرد یعنی مانع دخالت عمال شهربانی در انتخابات شد، می خواستند رزم آرا، یکه تاز نباشد به این جهت زاهدی را گذاشته بودند که موی دماغ رزم آرا باشد، به همین دلیل رزم آرا نتوانست در انتخابات دوره ۱۶ دخالت زیادی بکند.»

(بازجویی دکتر بقائی، ص ۱۲۴)

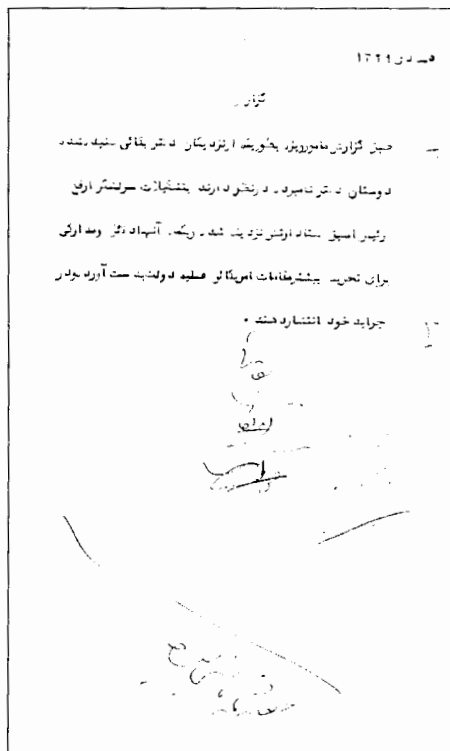
تاریخ: ۵-دی ۱۳۲۹

## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، به طوری که از نزدیکان دکتر بقائی شنیده شده، دوستان دکتر نامبرده، در نظر دارند به تشکیلات سرلشکر ارفع<sup>۱</sup> رئیس اسبق ستاد ارتش نزدیک شده و به کمک آنها دلائل و مدارکی برای تحریک بیشتر مقامات آمریکایی علیه دولت به دست آورده و در جراید خود انتشار دهند.

بقائی

یک نسخه ماشین شود



۱- سرلشکر حسن ارفع: فرزند میرزا رضاخان (ملقب به دانش ارفع الدوله) در سال ۱۲۷۴ هـ در شهر «تفلیس» به دنیا آمد. در دوازده سالگی وارد مدرسه نظام شده و تحصیلات خود را در دبیرستان نظام «ژنو» سوئیس، دبیرستان «موناکو» و دبیرستان نظام ترکیه به پایان برده و در ۲۴ سالگی به استخدام ژاندارمری ایران در آمد. در سال ۱۳۰۶ برای گذراندن دوره دانشگاه جنگ، به پاریس اعزام گردید. ارفع به دلیل اقامت طولانی در خارج، به زبانهای ترکی، فرانسه، روسی، انگلیسی و آلمانی تسلط داشت.

مدرک تحصیلی او در ایران «فرماندهی عالی ستاد» ارزیابی گردید. او رئیس دانشکده افسری، رئیس اداره سواره نظام و با درجه سرتیپی رئیس رکن دوم ستاد ارتش در زمان جنگ جهانی دوم بوده است. حسن ارفع، که از سال ۱۳۲۳ به درجه سرلشگری رسید، در سالیهای پس از شهریور ۱۳۲۰ چندین بار ریاست ستاد ارتش، عالی ترین پست نظامی را به عهده داشت. در این دوران، ارفع در رقابت جدی با رزم آرا قرار داشت. نامبرده در سالیهای ۱۳۲۰-۱۳۲۵، یکی از چهره های فعال سیاسی-اطلاعاتی ایران بود.

علاوه بر حزب مخفی که ارفع با نام «نهضت ملی» در ارتش تاسیس کرد، گرداننده سه حزب سیاسی نیز بود، «حزب افق آسیا» که توسط ارفع و دکتر احمد هومن (معاون وزارت دربار و فراماسون) تشکیل شد، احزاب شبه فاشیستی «آریا» به رهبری هادی سپهر و «سومکا» به رهبری داود منشی زاده. سرلشکر ارفع در زمان دولت احمد قوام (بهمن

(۱۳۲۴) از ریاست ستاد ارتش برکنار و در اوایل ۱۳۲۵ بازداشت گردید و در اسفند همین سال با درجه سرلشکری بازنشسته شد. در سال ۱۳۳۰ در زمان دولت حسین علاء به سمت وزارت راه منصوب شد و در سالهای پر آشوب ۱۳۳۰-۱۳۳۲ همچنان در متن حوادث سیاسی روز بود و منزل وی محل تجمع کانون‌های سیاسی و نظامی علیه دولت مصدق، محسوب می‌شد. سرلشکر ارفع پس از کودتای ۲۸ مرداد، به دریافت عالی‌ترین نشان کودتا (نشان درجه یک رستاخیز) نایل شد. او در سال ۱۳۳۶ مدت چهار سال سفیر ایران در ترکیه و با همین سمت در سال ۱۳۳۷ موافقت‌نامه معروف دفاعی ایران و آمریکا را با «فلچروارن»، سفیر آمریکا در ترکیه به امضا رساند. این موافقت‌نامه در واقع چک سفید امضا اشغال نظامی ایران توسط آمریکا در شرایط ضروری بود، ارفع از سال ۱۳۴۰ به مدت یک سال سفیر ایران در پاکستان و بعد از آن تا آخر عمر در تهران اقامت داشته است.



تاریخ: ۷- دی ۱۳۲۹

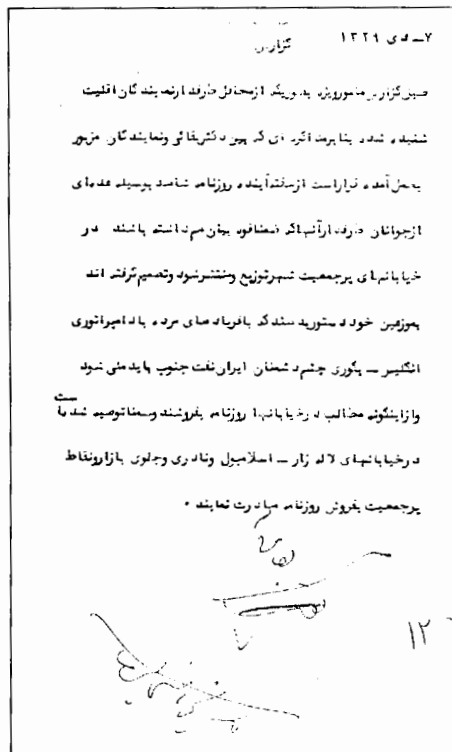
## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، به طوری که از محافل طرفدار نمایندگان اقلیت شنیده شده، بنابر مذاکراتی که بین دکتر بقائی و نمایندگان مزبور به عمل آمده، قرار است از هفته آینده، روزنامه شانزدهم دی ماه در خیابانهای پرجمعیت شهر توزیع و منتشر شود و تصمیم گرفته اند به توزیع خود دستور دهند که با فریادهای مردمی خود انگلیس - به کوری چشم دشمنان وازاینگونه مطالب در خیابانهای لاله زار - اسلامبول و نادر و جلو بازار و نقاط پرجمعیت بفروش روزنامه مبادرت نمایند.

توصیه شده است در خیابانهای لاله زار - اسلامبول و نادر و جلو بازار و نقاط پرجمعیت به فروش روزنامه مبادرت نمایند.<sup>۱</sup>

بقائی

یک نسخه ماشین شود



۱- ۲۶ آذرماه ۱۳۲۹ پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت در کمیسیون نفت مجلس شورای ملی قرائت شد. امضا کنندگان، یازده نفر بودند و از جمله آنها دکتر مصدق، حایری زاده، حسین مکی و بقائی. چند روز بعد، دانشجویان دانشگاه در میدان بهارستان اجتماع نموده و درباره استیفای حقوق ملت از نفت جنوب سخن گفتند. بر حسب دعوت آیت الله کاشانی، اجتماع بزرگی با حضور چند هزار نفر از گروه های مختلف در مسجد شاه (سابق) تشکیل شد و در مورد ملی کردن نفت سخنرانی کردند. به دنبال آن رزم آرا نخست وزیر وقت در جلسه مجلس شورای ملی صریحاً با ملی کردن صنعت نفت مخالفت کرد. وزیر دارائی، غلامحسین فروهر نیز دو روز بعد در مجلس ضمن مخالفت با ملی شدن نفت، کمیسیون نفت را به عدول از وظیفه و دستور کار متهم نمود. سخنان فروهر با مخالفت شدید اقلیت مجلس مواجه شد.

تاریخ: ۸ دی ۱۳۲۹

## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، به طوری که از افراد سازمان نظارت، وابسته به دکتر بقائی شنیده شده، اخیراً ارتباط دائم تلفنی بین دکتر بقائی و سیدابوالقاسم کاشانی برقرار است.

شب ۵ ماه جاری، کاشانی از دکتر بقائی سؤال نموده است که وضع عمومی دولت نسبت به شمایه چه صورتی است، آیا احتیاج به کمک بیشتری دارید یا خیر؟ دکتر بقائی در پاسخ گفته است، تا یک ماه دیگر باید فدائیان شما مراقب من و چاپخانه باشند. زیرا ممکن است دولت بطور غافلگیر علیه من اقدامی به

نماید. گفته می شود روی این اصل، کاشانی مجدداً به مریدان خود دستور داده است تا موقعی که مبارزه علیه دولت ادامه دارد از دکتر بقائی مراقبت کامل بنمایند.<sup>۱</sup>

۱- به هنگام نخست وزیری رزم آرا در سال ۱۳۲۹ هـ انعکاس اخبار مجلس در مطبوعات آن روز، به خصوص در روزنامه «شاهد» و مقالات تند و آتشین علیه رزم آرا، موجب شد که به دستور دولت، شهربانی کل کشور بر مطبوعات فشار بیشتری وارد کنند، از جمله چاپخانه موسوی که در خیابان ناصر خسرو، روزنامه شاهد را چاپ می کرد، در محاصره پلیس قرار گرفت تا از چاپ و انتشار آن جلوگیری به عمل آید. دکتر بقائی درباره وقایع این روز گفته است: «وقتی که رزم آرا برای چاپخانه شاهد چاقوکش فرستاد، یکی از ماشین ها را شکستند و حروف را خرد کردند، ما یک سازمان نگهبان آزادی تشکیل دادیم، یک عده از بازاریها و دیگران می آمدند و آنجا را حصار کرده بودیم. پشت در چاپخانه چوب می گذاشتند و پشت بام هم کشیک می دادند که دیگر، آن حمله تکرار نشود. خلیل طهماسبی هم یکی از آن افرادی بود که جزو آن سازمان اسم نوشته بود.»

تاریخ: ۸ دی ۱۳۲۹

## گزارش

طبق گزارش مأمور ویژه، شب ۷ ماه جاری  
 قریب ۵۰ نفر از طرفداران دکتر بقائی و  
 کاشانی که دارای کارت، از طرف دکتر بقائی  
 می‌باشند، برای حفاظت و نگهبانی در  
 چاپخانه موسوی اجتماع و مقارن ساعت ۲۲  
 نیز دکتر بقائی به آنجا آمده و به حضار اظهار  
 نمود برای صبح روز جمعه ۸ ماه جاری که  
 دانش‌آموزان جلو مجلس میتینگ<sup>۱</sup> خواهند  
 داد. هر یک از شما باید ده نفر همراه بیاورند که  
 عده ما هم زیاد باشد، سپس به چاپخانه  
 دستور داد بیانیه دانشجویان را که یک نسخه  
 آن ضمیمه است، طبع نمایند.

|                                                                                                             |      |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------|
| ۱۳۲۹                                                                                                        | ۸ دی |
| گزارش                                                                                                       |      |
| میزبانان مأمور ویژه ۷ ماه جاری قریب ۵۰ نفر از طرفداران دکتر بقائی که دارای کارت از طرف                      |      |
| دکتر بقائی میباشند و اجتماعات و اجتماعات موسوی اجتماع مقارن ساعت ۲۲ نیز دکتر بقائی                          |      |
| آنجا آمده و به حضار اظهار نمود برای صبح روز جمعه ۸ ماه جاری که دانش‌آموزان جلو مجلس میتینگ                  |      |
| خواهند داد. هر یک از شما باید ده نفر همراه بیاورند که عده ما هم زیاد باشد، سپس به چاپخانه                   |      |
| دستور داد بیانیه دانشجویان را که یک نسخه آن ضمیمه است، طبع نمایند.                                          |      |
| پس از رفتن دکتر بقائی، شیخ محمد مقدسیان <sup>۲</sup> با چند نفر ضمن صحبت، اظهار نمود دکتر                   |      |
| بقائی مرا مأمور کرده است که منزل آقای فروهر <sup>۳</sup> و وزیر دارائی را پیدا کنم که بعداً چند نفر برای از |      |
| بین بردن او به منزلش فرستاده شوند، همچنین اضافه نموده که دکتر بقائی در نظر دارد پس از                       |      |
| ملی شدن صنعت نفت، سید علی امامی برادر قاتل هژیر <sup>۴</sup> را مأمور ترور آقای نخست‌وزیر نماید.            |      |
| گزارش دهنده اضافه میکند که در ساعت ۶ صبح روز ۷، تعداد ۵۵۰۰ شماره روزنامه شاهد                               |      |
| بوسیله «محمد چینی» ساکن پامنار به منزل کاشانی برده شده که در آنجا به خط‌نویس روزنامه فروخته و توزیع گردید.  |      |

بعد از رفتن دکتر بقائی، شیخ محمد مقدسیان<sup>۲</sup> با چند نفر ضمن صحبت، اظهار نمود دکتر  
 بقائی مرا مأمور کرده است که منزل آقای فروهر<sup>۳</sup> و وزیر دارائی را پیدا کنم که بعداً چند نفر برای از  
 بین بردن او به منزلش فرستاده شوند، همچنین اضافه نموده که دکتر بقائی در نظر دارد پس از  
 ملی شدن صنعت نفت، سید علی امامی برادر قاتل هژیر<sup>۴</sup> را مأمور ترور آقای نخست‌وزیر نماید.  
 گزارش دهنده اضافه می‌کند که در ساعت ۶ صبح روز ۷، تعداد ۵۵۰۰ شماره روزنامه شاهد  
 بوسیله «محمد چینی» ساکن پامنار به منزل کاشانی برده شده که در آنجا به خط‌نویس روزنامه فروخته و توزیع گردید.

۱- در روز ۸ دی ماه ۱۳۲۹ بر حسب دعوت آیت‌الله کاشانی میتینگ عظیمی با حضور چند هزار نفر در میدان  
 بهارستان تشکیل گردید و ناطقین هر دسته، با احساسات شدیدی علیه اقدامات دولت و شرکت نفت و تضيیقاتی که  
 بدین منظور بر مطبوعات وارد می‌گردد، سخنرانی شایان تحسینی نمودند.

۲- شیخ محمد مقدسیان: فرزند حیدر، در سال ۱۳۱۴ هـ در تهران متولد شد. از نظر درس جدید دیپلمه ادبی و  
 از نظر دروس حوزوی در حد اجتهاد بود. یاد شده در بعضی از جلسات فدائیان اسلام شرکت می‌کرده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- غلامحسین فروهر در زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا به سمت وزیر دارائی رسید. در روز ۵ دی ماه ۱۳۲۹ در مجلس،  
 ضمن مخالفت با ملی شدن صنعت نفت، کمیسیون خاص نفت را متهم به عدول از وظیفه و دستور کار، نمود و تقاضای

استرداد لایحه «گس-گلشانیان» که به نفع دولت انگلیس بود، را کرد. سخنان فروهر با مخالفت شدید نمایندگان اقلیت مجلس مواجه شد. در روز ۸ دی ماه به مناسبت مخالفت رزم آرا و فروهر (وزیر دارائی) با ملی شدن صنعت نفت، میتینگهای بزرگی از طرف گروه‌های مختلف برپا شد و اعلامیه‌هایی انتشار یافت، مطبوعات نیز در حد خود به دولت حملات شدیدی نمود.

در جلسه هیأت وزیران آن روز، دکتر دفتری وزیر اقتصاد ملی، شریف امامی وزیر راه و مهندس مهدوی وزیر کشاورزی که به نطق فروهر وزیر دارائی در مجلس اعتراض کرده بودند، از مشاغل خود مستعفی شدند. دو روز بعد، غلامحسین فروهر وزیر دارائی از کار کناره‌گیری کرد و وزرای مستعفی به کار خود بازگشتند.

۴- عبدالحسین هژیر: نخست وزیر، وزیر پیشه و هنر، وزیر دارائی و وزیر دربار در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ بود. هژیر که تحصیلات خود را در ایران و اروپا به پایان رسانده بود، در روز ۲۳ خرداد ۱۳۲۷ با ۶۶ رأی به نخست وزیری رسید. او در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ با گلوله سید حسین امامی به سختی مجروح و در روز بعد درگذشت. هژیر در هنگام مرگ، وزیر دربار بود.

۵- در اسناد درباره بیوگرافی علی‌زاده چنین آمده است:

«علی‌زاده شخصی است که از اول جوانی بسیار مبارز و جاه‌طلب بوده، عامل اصلی و بوجود آورنده واقعه مسجد گوهرشاد همین شخص بوده است که بلافاصله پس از آنکه قوای نظامی وارد عمل شده و آرامش بوجود آمد، متواری و به بیروت رفت.

از آنجائی که شخص فوق‌العاده زرنگ و فعال بود در اندک مدتی موفق شد در بیروت به زندگی خود سر و سامانی داده و ثروتی جمع کند. آیت‌الله کاشانی که از مدتها قبل با علی‌زاده و پدرش آشنایی داشت، پس از تبعید در بیروت به منزل این شخص وارد و ماهها مهمان او بود و در موقع مراجعت هم به اتفاق او به ایران وارد و از همان تاریخ روابط بسیار نزدیکی بین آنها وجود دارد»

تاریخ: ۱۰/۱ دی ۱۳۲۹

گزارش مأمور ویژه، حاکمیت ساعت  
۸/۳۰ صبح روز ماه جاری شعبان بی‌مخ<sup>۱</sup>  
یکی از چاقوکشها و افراد شرور بخش ۸، به  
چاپخانه موسوی آمده و ضمن ملاقات با دکتر  
بقایی اظهار نموده است هر کاری شما داشته  
باشید برای انجام آن تا پای جان ایستادگی  
خواهم نمود، دکتر بقایی در جواب به نامبرده  
گفته است وقت دیگری نزد من بیائید تا با هم  
صحبت کنیم.

۱۰ دی ۱۳۲۹

گزارش مأمور ویژه که حالکست ساعت ۸/۳۰ صبح روز ۱۰ دی جاری شده جان بی‌مخ یکی از افراد شرور  
بخش ۸ به چاپخانه موسوی آمده و در حین ملاقات اظهار نموده است هر کاری شما داشته  
باشید برای انجام آن تا پای جان ایستادگی خواهم نمود، دکتر بقایی در جواب به نامبرده  
گفته است وقت دیگری نزد من بیائید تا با هم صحبت کنیم.

۱- شعبان جعفری: معروف به شعبان بی‌مخ، ضربه‌های مهمی بر پیکره نهضت ملی وارد کرد. ماجرای نهم اسفند، درگیریهایی خیابانی قبل از کودتای ۲۸ مرداد و همچنین خوش خدمتی وی، در به ثمر رساندن کودتای ۲۸ مرداد نمونه‌های بارز آن است. نامبرده توسط ساواک و جمعیت شیر و خورشید تهران مستمری دریافت می‌کرده و مدتی نیز به عنوان رئیس باشگاههای باستانی منصوب شده بود.



شماره: ۸۶۳ تاریخ: ۱۳۲۹/۱۰/۱۱

در محوطه، کاشانی و دکتر بقائی خیلی  
مردم را تشویق به ترور می‌کنند. کاشانی دیروز  
در منزل خود اظهار داشته است که: تا کلک  
این مرد (مقصود رزم‌آرا است) کننده نشود  
ممکن نیست حال ملت ایران اصلاح شود.

کاشانی

|       |                                                                                                                                                                                   |
|-------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| شماره | ۸۶۳                                                                                                                                                                               |
| تاریخ | ۱۳۲۹/۱۰/۱۱                                                                                                                                                                        |
| موضوع | در محوطه کاشانی و دکتر بقائی                                                                                                                                                      |
| شرح   | کاشانی و دکتر بقائی در محوطه تشویق به ترور می‌کنند. کاشانی دیروز در منزل خود اظهار داشته است که: تا کلک این مرد (مقصود رزم‌آرا است) کننده نشود ممکن نیست حال ملت ایران اصلاح شود. |
| امضاء | کاشانی                                                                                                                                                                            |

تاریخ: ۱۷/دی/۱۳۲۹

## گزارش

گزارش مأمور ویژه، حاکمیت که شب ۱۴ ماه جاری، اکبر آذرین، متصدی دفتر سازمان نظارت، وابسته به دکتر بقائی در محل سازمان با حضور چند نفر، اظهار می داشت چند شب پیش، دکتر بقائی گفته است به خدا اگر یک نفر پیدا شود که فروهر<sup>۱</sup> را ترور کند، دیگر هیچکس جرئت نخواهد نمود به نفع شرکت نفت صحبت نماید. گزارش دهنده اضافه می کند که اکبر آذرین یکی از نزدیکان دکتر بقائی است که غالباً به منزل مشارالیه رفت و آمد می کند و سابقاً هم کارمند وزارت دارائی بوده ولی به قرار معلوم فعلاً بیکار است.

۱۷-دی-۱۳۲۹ گزارش

گزارش مأمور ویژه، حاکمیت که شب ۱۴ ماه جاری، اکبر آذرین متصدی دفتر سازمان نظارت، وابسته به دکتر بقائی در محل سازمان با حضور چند نفر اظهار می داشت که شب پیش دکتر بقائی گفت: است بخدا اگر یافتی پیدا شود که فروهر را ترور کند و دیگر هیچکس جرئت نخواهد نمود به نفع شرکت نفت صحبت نماید. گزارش در سند داشته اند میگوید که اکبر آذرین یکی از نزدیکان دکتر بقائی است که غالباً به منزل مشارالیه رفت و آمد می کند و سابقاً هم کارمند وزارت دارائی بود ولی به قرار معلوم فعلاً بیکار است.



دکتر بقائی

تاریخ: ۱۰/ بهمن ۱۳۲۹

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از نزدیکان دکتر بقائی شنیده و از طرف عده ای از اعضای حزب توده نیز تأیید شده است، اکثر نامه های محرمانه وزارت دارائی که در روزهای اخیر بدست دکتر بقائی می رسد و در سابق به اطلاع حزب منحلّه توده می رسید بوسیله خانم «مینو» ماشین نویس دفتر محرمانه وزارت دارائی در دسترسی آنها قرار می گیرد. گفته می شود که بانوی نامبرده مدت ها مسوول تشکیلات ایالتی زنان گیلان و در تهران نیز منشی کمیته زنان حزب توده بوده و برادرش از وکلای توده ای دادگستری می باشد و محمدعلی شریفی، عضو کمیته ایالتی حزب

۱۰ بهمن ۱۳۲۹

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از نزدیکان دکتر بقائی شنیده و از طرف عده ای از اعضای حزب توده نیز تأیید شده است، اکثر نامه های محرمانه وزارت دارائی که در روزهای اخیر بدست دکتر بقائی می رسد و در سابق به اطلاع حزب منحلّه توده می رسید بوسیله خانم «مینو» ماشین نویس دفتر محرمانه وزارت دارائی در دسترسی آنها قرار می گیرد. گفته می شود که بانوی نامبرده مدت ها مسوول تشکیلات ایالتی زنان گیلان و در تهران نیز منشی کمیته زنان حزب توده بوده و برادرش از وکلای توده ای دادگستری می باشد و محمدعلی شریفی عضو کمیته ایالتی حزب توده می بود که بعد از آزادی ۱۵ بهمن ۱۳۲۹ حکم به اعدام او داده بود.  
دانی این خانم ماشین نویس است

منحلّه توده نیز که بعد از واقعه ۱۵ بهمن ۲۷ محکومیت حاصل نموده<sup>۱</sup> بود، دانی این خانم ماشین نویس است.

۱- در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ رضاخان دانشگاه تهران را رسماً تأسیس کرد، از آن تاریخ، همه ساله این روز را جشن می گرفتند و مراسمی در دانشگاه با حضور شاه، وزرا، امرا، نمایندگان و درباریان برگزار می شد. روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ مانند معمول همه ساله، شاه برای انجام تشریفات، ساعت ۳ بعد از ظهر به دانشگاه رفت ولی هنگامی که می خواست از میان صف استقبال کنندگان عبور کند و وارد تالار دانشکده حقوق شود، ناگهان جوانی به نام ناصر فخرآرانی که به عنوان خبرنگار وارد دانشگاه شده بود، پنج تیر متوالی به سوی او شلیک کرد. در همان لحظه، مأموران انتظامی بر سر او ریختند و او را به شدت مضروب کردند و سر تیپ صفاری، رئیس شهربانی، گلوله ای بر مغز او که نیمه جان شده بود، رها کرد و او را کشت. شاه که در این حادثه تنها از ناحیه لب، زخم سطحی برداشته بود، به بیمارستان یوسف آباد منتقل شد. جنازه فخرآرانی را به بیمارستان سینا منتقل کردند و در آنجا ظاهراً مدارکی به دست آمد که موجب اعلان انحلال حزب توده از جانب دولت گردید. از آن پس در ۱۵ بهمن هر سال، به عنوان سال روز رفع خطر از شاه، نیایش رسمی برگزار می گردید.

تاریخ: ۹/ اسفند ۱۳۲۹

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد، دکتر عیسی سپهبدی عضو هیئت تحریریه روزنامه شاهد در محفلی اظهار نموده است در مذاکراتی که بین دکتر بقائی و حسین مکی به عمل آمده، قرار است برای آماده ساختن زمینه جهت انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی حزب مستقلی به رهبری دکتر بقائی در تهران تشکیل دهند و مقدمات تشکیل این حزب فعلاً در بین اتحادیه قهوه‌چی‌ها، بازرگانان بازار و دانشجویان دانشگاه فراهم شده و به زودی رسمیت آن در طی یک کنفرانس عمومی اعلام خواهد شد.

۱- اسفند ۱۳۲۹ تاریخ

مأمور ویژه گزارش می‌دهد که دکتر عیسی سپهبدی عضو هیئت تحریریه روزنامه شاهد در محفلی اظهار نموده است در مذاکراتی که بین دکتر بقائی و حسین مکی به عمل آمده، قرار است برای آماده ساختن زمینه جهت انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی حزب مستقلی به رهبری دکتر بقائی در تهران تشکیل دهند و مقدمات تشکیل این حزب فعلاً در بین اتحادیه قهوه‌چی‌ها، بازرگانان بازار و دانشجویان دانشگاه فراهم شده و به زودی رسمیت آن در طی یک کنفرانس عمومی اعلام خواهد شد.

دکتر  
بقائی

۱۳۲۹

بقائی

تاریخ: ۲۵- اسفند ۱۳۲۹

### گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از طرفداران کاشانی و جبهه ملی شنیده شده، از چند روز قبل، ۳۰ نفر از اعضای کمیته جوانان بازار و ۳۰ نفر از افراد سازمان مبارزه برای ملی شدن نفت، وابسته به کاشانی و دکتر بقائی، مأمور شده اند چاپخانه شاهد واقع در کوچه خدابنده لوها و منزل کاشانی را تحت نظر و مراقبت قرار داده، اشخاصی را که مورد بدگمانی واقع می شوند، تعقیب و هویت آنان را تعیین نمایند.<sup>۱</sup>

دکتر بقائی

۱۲- اسفند ۱۳۲۹ گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از طرفداران کاشانی و جبهه ملی شنیده شده، از چند روز قبل، ۳۰ نفر از اعضای کمیته جوانان بازار و ۳۰ نفر از افراد سازمان مبارزه برای ملی شدن نفت، وابسته به کاشانی و دکتر بقائی، مأمور شده اند چاپخانه شاهد واقع در کوچه خدابنده لوها و منزل کاشانی را تحت نظر و مراقبت قرار داده، اشخاصی را که مورد بدگمانی واقع میشوند تعقیب و هویت آنان را تعیین نمایند.

*[Signature]*

۱- در روز ۱۶ اسفندماه ۱۳۲۹، سپهبد رزم آرا نخست وزیر، توسط خلیل طهماسبی به قتل رسید. خلیل طهماسبی حسین مکی در ارتباط با قتل سپهبد رزم آرا بازداشت شدند.

به طوری که مأمورین ویژه از محافل مطبوعاتی و سیاسی کسب اطلاع نموده‌اند، اختلاف شدیدی بین اعضای جبهه ملی تولید گردیده ولی برای حفظ ظاهر و ارباب مخالفین خود از فاش شدن موضوع، جلوگیری می‌کنند. گفته می‌شود تا آخر دوره ۱۶، جبهه ملی بکلی از بین خواهد رفت علت اصلی این پاشیدگی و اختلاف، دکتر بقائی است که کسب اهمیت نموده و سایرین را در خارج تحت الشعاع قرار داده و در نتیجه از این جریان، ناراضی هستند و هر کدام می‌خواهند حزب و تشکیلات مستقلی تاسیس نمایند. می‌گویند عبدالقدیر آزاد حزب استقلال<sup>۱</sup> را

دکتر یقائی

۱- حزب استقلال: مؤسس حزب استقلال عبدالقدیر آزاد بود. عبدالقدیر، از آزادیخواهان دوران مشروطه و پس از آن به شمار می‌رفت که در اوایل دوران رضاخان، «روزنامه آزاد» را در مشهد منتشر می‌کرد. در سال ۱۳۱۰ هـ به جرم ارتباط با «آقابکف» جاسوس شوروی در ایران، دستگیر شد و تا شهریور ۱۳۲۰ در زندان ماند. پس از آزادی به همراه «آل بویه» حزب استقلال را بنیان نهاد. آزاد و حزب استقلال در ابتدا هوادار آلمان بودند.

چندی، راه خود را از میهن جدا نمود. عبدالقدیر آزاد در دوران صدارت احمد قوام به وی گرایش یافت و در جریان انتخابات مجلس پانزدهم، از سبزواری نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی شد و به مجلس راه یافت. پس از افول ستاره قوام و برکناری وی، حزب استقلال بار دیگر فعال شد و تا مدتی «روزنامه بهمن» که صاحب امتیاز آن «حسین علی بهرامی» بود، ارگان حزب استقلال محسوب می‌شد. در این دوران، حزب استقلال به مخالفت با دولت حکیمی برخاست. پس از روی کار آمدن دولت هژبر، عبدالقدیر آزاد، این دولت را به علت توقیف غیرقانونی مطبوعات و اختناق و قیام علیه قانون اساسی استیضاح کرد. در این زمان آزاد و حزب استقلال به تدریج خود را در صحنه سیاسی کشور بطور جدی و اساسی مطرح کردند و ارتباطهایی نیز میان این حزب و دربار برقرار شد.

آزاد، از اواخر سال ۱۳۲۷ به آیت‌الله کاشانی نزدیک شد. نامبرده در دوره شانزدهم به مجلس شورای ملی راه یافت و در آنجا به دلیل مخالفت با قرارداد الحاقی «گس-گلشائیان» اعتبار زیادی کسب کرد و در زمره مؤسسان جبهه ملی به شمار آمد. حزب استقلال و رهبر آن به تدریج از جبهه ملی و مصدق کناره گرفت و سرانجام به صف مخالفان در آمد. آزاد پس از کودتای ۲۸ مرداد، مزد مخالفت با دولت مصدق را دریافت کرد و به ریاست شرکت فرش ایران منسوب شد. ولی حزب استقلال مانند سایر احزاب، خاموشی گزید و فعالیت آن متوقف گردید.

۲- حزب زحمتکشان ملت ایران: شالوده حزب زحمتکشان، در جریان انتخابات دوره شانزدهم در «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات» به رهبری دکتر مظفر بقائی ریخته شد. در این سازمان گروههایی از دانشجویان و جوانان و اصناف، برای نظارت بر صحت رای‌گیری در حوزه‌ها و همچنین نحوه انجام انتخابات، فعالیت می‌کردند. روزنامه «شاهد» اخبار و اطلاعات مربوط به انتخابات را چاپ و منتشر می‌کرد. پس از پایان انتخابات دوره شانزدهم در تهران و افتتاح مجلس، این سازمان نیز زیر عنوان سازمان نگهبانان آزادی به فعالیت سیاسی خود ادامه داد.

در سال ۱۳۳۱، خلیل ملکی و عده‌ای از روشنفکران حزب توده که در سال ۱۳۲۶ به دلیل وابستگی شدید حزب، به شوری و فساد رهبرانش از آن حزب انشعاب کرده بودند، به جبهه ملی پیوستند و با سابقه فعالیت‌های حزبی که داشتند، اطلاعات سیاسی و اجتماعی و سازماندهی، موجب گسترش، «سازمان نگهبانان آزادی» در میان اقشار دیگری از روشنفکران، دانشجویان و کارگران شدند. آنها در دوران نخست وزیری مصدق با همکاری دکتر مظفر بقائی «حزب زحمتکشان ملت ایران» را تاسیس کردند.

حزب زحمتکشان باگرایش سوسیالیستی، از تز ملی شدن صنعت نفت و دکتر مصدق جانبداری کرد، در عین حال با حزب توده، که به دنبال پشتیبانی از امتیاز خواهی دولت شوروی، طرفداری از رژیم پیشه‌وری و مخالفت با دکتر مصدق، به اعتبار آن سخت آسیب وارد شده بود، در ستیز بود. با حضور ملکی در حزب زحمتکشان ملت ایران، رهبران حزب توده با رقیب تازه‌ای روبه‌رو شده بودند که با همان شیوه علمی، فلسفی و تبلیغاتی حزب توده، با آنها مبارزه می‌کرد. خلیل ملکی و مظفر بقائی تا اوایل مرداد ۱۳۳۱، رهبری حزب زحمتکشان ملت ایران را به عهده داشتند، ولی پس از فاش شدن ملاقات پنهانی دکتر عیسی سپهبدی، یکی از دوستان و همکاران مظفر بقائی با قوام‌السلطنه در دوره زمامداری پنج روزه قوام (۲۶ - سی تیر ۱۳۳۱)، بین ملکی و همفکران او، که مصرانه، خواهان رسیدگی به این موضوع بودند، با مظفر بقائی اختلاف نظر شدید بروز کرد و منجر به دو پاره شدن حزب زحمتکشان ملت ایران گردید، یکی به نام حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) به رهبری خلیل ملکی و یارانش، دیگری حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری مظفر بقائی و همراهانش.

پس از جدائی ملکی از بقائی، اکثریت افراد حزب، شامل دانشجویان، فعالان، روشنفکران و کارگران در کنار ملکی ماندند. مظفر بقائی و دنباله‌روان او در حزب زحمتکشان، دانسته یا ندانسته، در برابر نهضت ملی و دکتر مصدق موضع گرفتند و در بسیاری از توطئه‌های ضد ملی شرکت کردند. بقائی که در رشته فلسفه و اخلاق در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد، بر اساس اسناد، از طراحان اصلی ربودن و قتل سر تیپ محمود افشار طوس، رئیس شهربانی دولت مصدق بود و با شاه، زاهدی و آمریکاییها ارتباط داشت. روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شماری از افراد حزب زحمتکشان دکتر بقائی، با مزدوران و کودتاچیان، در غارت خانه دکتر مصدق شرکت کردند. مظفر بقائی در شکست نهضت ملی ایران نقش مهمی ایفا کرد. در سالهای ۳۳ تا ۳۹ تنها، جلساتی با شرکت جمعی از اعضای حزب و دوستان دکتر بقائی در منزل وی تشکیل

می‌شد. در بهار سال ۱۳۳۹ به دنبال تجدید فعالیت جبهه ملی، حزب زحمتکشان نیز به عنوان شرکت در مبارزات انتخاباتی فعالیت خود را تشدید نمود.

با شروع نهضت امام خمینی «ره»، در سالهای آغازین دهه ۵۰ اولین کنگره حزب زحمتکشان در تابستان سال ۴۱ در اصفهان تشکیل شد. در تمام مدت دهه ۵۰ و ۶۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی، بیشترین تلاش رهبری این حزب، پیشگیری از پیروزی انقلاب اسلامی بود.





تاریخ: ۱۵ - خردادماه ۱۳۳۰

### گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در محافل وابسته به سیدضیاءالدین طباطبائی و جمعیت‌های دست‌چپ، مذاکره می‌کنند: عبدالقدیر آزاد، دکتر بقائی و حائری‌زاده هر کدام به عنوان تشکیل حزب و جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران مبالغه‌ناگفتی از سفارت آمریکا پول گرفته‌اند. می‌گویند کرایه ساختمان‌هایی که برای محل احزاب مزبور پرداخت می‌شود از همین محل بوده، گفته می‌شود دکتر حسین فاطمی<sup>۱</sup> و حسین مکی هم قریباً دست به تشکیل حزب خواهند زد.

۱۵ - خردادماه، ۱۳۳۰ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در محافل وابسته به سیدضیاءالدین طباطبائی و جمعیت‌های دست‌چپ، مذاکره می‌کنند: عبدالقدیر آزاد، دکتر بقائی و حائری‌زاده هر کدام به عنوان تشکیل حزب و جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران مبالغه‌ناگفتی از سفارت آمریکا پول گرفته‌اند. می‌گویند کرایه ساختمان‌هایی که برای محل احزاب مزبور پرداخت می‌شود از همین محل بوده، گفته می‌شود دکتر حسین فاطمی و حسین مکی هم قریباً دست به تشکیل حزب خواهند زد.

۳۵

۱- دکتر سیدحسین فاطمی: پس از نیمروز عاشورای سال ۱۳۴۰ هجری در خانواده‌ای از عالمان دینی شهر نائین دیده به جهان گشود. به مناسبت تولدش در روز عاشورا او را حسین نامیدند. پدرش آیت‌الله سیدعلی محمد سیف‌العلماء و مادرش دختر حجت‌الاسلام خادم بود.

تحصیلات قدیمه را نزد پدر و سایر افراد خانواده فراگرفت. برای گرفتن دیپلم، راهی اصفهان شد. در آن شهر همزمان با تحصیل، اقدام به انتشار مقالاتی در روزنامه «باختر» کرد. سپس برای تکمیل تحصیلات، روانه اروپا شد و در نیمه اول ۱۳۲۷ به ایران بازگشت. پس از مراجعت، روزنامه «باختر امروز» را در تهران منتشر کرد و در اسفند ۲۸ با تشکیل «جبهه ملی» به آن جریان پیوست. با انتشار «باختر امروز» در دوران اوج‌گیری مبارزات نهضت ملی و رشد جنبش استقلال‌طلبی و بازبانی هویت اسلامی - ایرانی مردم، پهنه‌ای گسترده برای تداوم و تکامل مبارزات خود یافت. از آغاز دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، دکتر فاطمی در پست معاونت سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر مشغول به کار گردید. فاطمی در ۲۶ بهمن ۳۰، به هنگام سخنرانی هدف گلوله نوجوانی به نام عبدخداایی از اعضای فدائیان اسلام قرار گرفت و به شدت مجروح گردید. آیت‌الله کاشانی، با حضور خود در بیمارستان نجمیه و عیادت از دکتر فاطمی، در چندین نوبت مخالفت خود را با این عمل اعلام داشت. سوءقصد مذکور سبب گشت که یکی از چهره‌های مبارز نهضت، مدت هشت ماه از لحظات حساس کشور را تحت درمان قرار گرفته و از ایفای نقش خود آن چنان که باید موفق نگردد. دکتر فاطمی در مهر ماه ۳۱ توسط دکتر مصدق به وزارت امور خارجه منصوب و در سی‌ام مهر همان سال، به دستور نخست‌وزیر، مسوول قطع روابط ایران با انگلیس گردید. فاطمی در دوران خدمت در وزارت خارجه، تحولات اساسی در

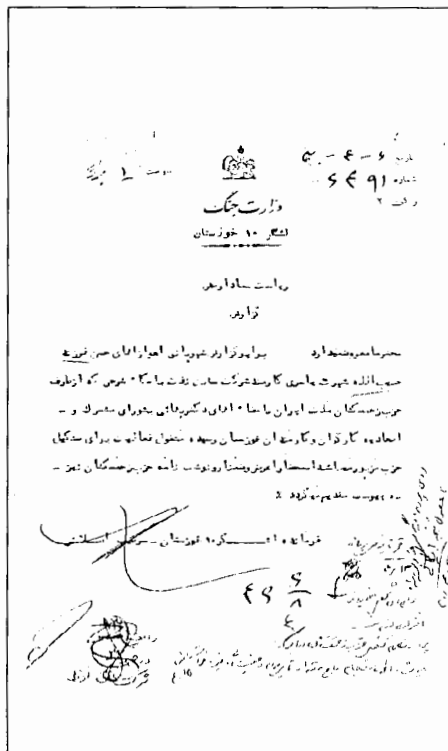
جهت‌گیری سیاست خارجی ایران به وجود آورد. او علاوه بر قطع روابط با انگلستان، به گسترش روابط با کشورهای اسلامی، آسیایی و آفریقایی و پشتیبانی از مبارزات نهضت‌های آزادیبخش و... نیز پرداخت. سید حسین فاطمی که به عواقب خانمان‌سوز درگیری و برخوردهای غیر اصولی در سطوح رهبری نهضت واقف بود، حداکثر توان خود را در ماههای پایانی سال ۳۱ برای التیام روابط دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی به کار برد، اما متأسفانه به دلیل وسعت توطئه‌های نفاق‌افکنان، توفیق چندانی حاصل نکرد. دکتر فاطمی در نیمه شب ۲۵ مرداد ۳۲ به دنبال کودتای عوامل اجنبی علیه حکومت ملی و قانونی، توسط گارد شاهنشاهی دستگیر، محبوس و مورد آزار واقع و صبحگاه همان روز به دنبال شکست کودتا و فرار محمدرضا پهلوی از رامسر به بغداد، آزاد گردید.

فاطمی در همان روز با حضور در کاخ سعدآباد به لاک و مهر کاخهای سلطنتی پرداخت و سرمقاله «باختر امروز» ۲۶ مرداد را با عنوان «خاننی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد» تحریر و ماهیت وابسته و فسادانگیز دربار پهلوی را افشا نمود. بعد از کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۳۲ و شروع فصل نوینی از کشتار، شکنجه و زندان و خفقان، مبارزه با رژیم کودتا و اربابانش را در ابعاد جدیدی ادامه داد و سرانجام در تاریخ ۲۲ اسفند همان سال، توسط سرگرد مولوی دستگیر گردید. پس از دستگیری دکتر فاطمی، تیمور بختیار، نصیری و علوی مقدم عوامل سرکوب رژیم شاه، با طرح نقشه‌ای شیطنانی بر آن شدند تا به هنگام انتقال او از شهربانی، فاطمی را به دست شعبان‌بی‌مخ و جمعی دیگر از بدکاره‌های هوادار شاه در تهران، به قتل برسانند ولی این نقشه به علت فداکاری خواهر دکتر فاطمی که خود را بر روی بدن برادر افکند و ضربات کارد و خنجر را بر پیکر خود تحمل نمود، نتوانست دارای موفقیت کامل و مورد نظر رژیم گردد. پس از آن واقعه، دکتر فاطمی به بیمارستان منتقل و به دستور محمدرضا شاه در دادگاه فرمایشی محکوم به اعدام و در ۱۹ آبان ۳۳ بدنش آماج گلوله‌های نفتخواران جهان گشت.

شماره: ۶۴۹۱ تاریخ: ۱۳۳۰/۴/۶

## وزارت جنگ

محترماً معروض می‌دارد برابر گزارش  
شهربانی اهواز، آقای حسن، فرزند حبیب‌الله،  
شهرت یاسری<sup>۱</sup> کارمند شرکت سابق نفت به  
اتکاء شرحی که از طرف حزب زحمتکشان  
ملت ایران به امضای آقای دکتر بقائی به  
شورای مشترک و اتحادیه کارگران و کارمندان  
خوزستان رسیده، مشغول فعالیت برای  
تشکیل حزب مزبور می‌باشد، استحضاراً  
عرض و ضمناً رونوشت نامه حزب  
زحمتکشان نیز به پیوست تقدیم می‌گردد.  
روی پرونده دیگری بررسی شود تا حصول نتیجه  
بایگانی شود ۳۰/۴/۲۲



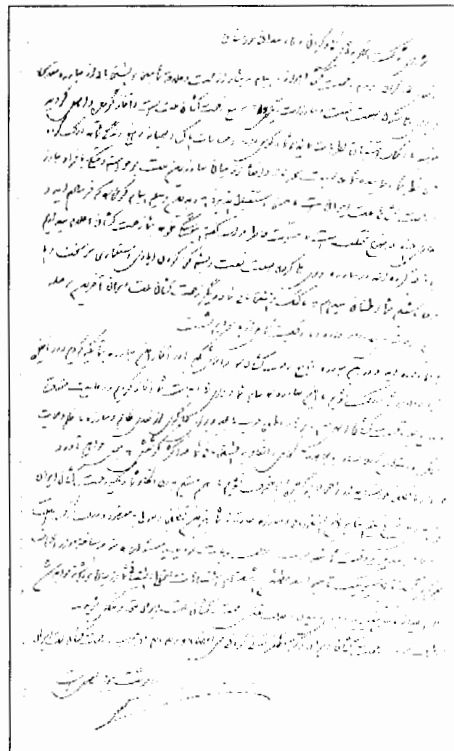
برای این شخص پرونده انفرادی لازم نیست

پرونده به نام [ناخوانا] حزب زحمتکشان در اهواز تهیه شود و اطلاعات لازم راجع به توانایی مردم وضعیت  
مالی و غیره خواسته شود ۴/۲۵  
[ناخوانا]

۱- حسن یاسری: فرزند حبیب‌الله، در سال ۱۲۹۹ هـ در بروجرد متولد شد. دارای تحصیلات لیسانس قضائی و در سالهای ۳۰ و ۳۱ مسوول حزب زحمتکشان در شهرستان اهواز بود که پس از آمدن به تهران عضو کمیته مرکزی هیأت اجرائیه حزب مذکور شده است.

[۱]- شورای شرکت اتحادیه‌های کارگران و

کارمندان خوزستان، رفقای کارگران مردم  
زحمتکش اهواز، پیام سرشار از محبت و  
علاقه شما مبنی بر پشتیبانی از مبارزه  
مقدسی که برای ملی شدن صنعت نفت و  
مبارزات دیگری که به نفع زحمتکشان ملت  
است و آغاز گردیده واصل گردید، حزب ما با  
کمال اشتیاق، نظریات نماینده شما را گوش  
داده، احساسات پاک و صمیمانه [و] وضع  
زندگی شما را درک کرده حُسن نظر شما و  
نماینده شما را نسبت به حزبی که واقعاً از  
میان مبارزین ملت برخاسته و متکی به افراد  
مبارز و زحمتکشان ملت ایران است، با حسن  
استقبال پذیرفته و بدین وسیله پیام گرمی را  
که فرستاده‌اید و حاوی چند موضوع مختلف



است، با مسرت خاطر جواب گفته پیوستگی خود را به شما زحمتکشان اعلام می‌داریم. به ما  
توجه کرده‌اند در مبارزه، برای ملی کردن صنعت نفت، ریشه کن کردن ایادی استعماری، سر  
سخت و پا بر جا باشیم به شما اطمینان می‌دهم که با کمک و پشتیبانی شما و دیگر زحمتکشان  
ملت ایران آخرین مرحله چنین نبرد مقدس را ادامه داده و تا موفقیت کامل از پا نخواهیم  
نشست.

[۲]- نظر داده‌اید که در این مبارزه منافع زحمتکشان را فراموش نکنم ما در آغاز این مبارزه  
به شما تکیه و در آینده نیز نمی‌توان از شما منفک شویم ما این مبارزه را به نام شما و برای شما و  
به دست شما آغاز کردیم و رعایت حقوق و منافع کلیه زحمتکشان، اصل مسلم و برنامه قطعی  
حزب ما بوده و برای جلوگیری از تعدی ظالم و مبارزه با ظلم و حمایت مظلوم و ریشه کن کردن  
فساد، با مجاهدت کامل و اتکا به پشتیبانی شما حداکثر کوشش را به عمل خواهیم آورد.

[۳]- شما از ما تضمین خواسته‌اید از راهی که برگزیده‌ایم، منحرف نشویم ما مصمم هستیم  
بدون اتکا شما و کلیه زحمتکشان ایران هیچ کاری شروع نکنیم. بنابراین پشتیبانی و مبارزه  
صادقانه شما بهترین تضمین وصول به مقصود و هدف مشترک است. به شما حق می‌دهیم هر

وقت شما حزب را مخالف منویات خود دیدید، مسوولین را متوجه ساخته و از انحراف جلوگیری کنید به این ترتیب شما می‌توانید مطمئن باشید تمام اشتباهات احتمالی با پشتیبانی شما از میان برداشته خواهد شد. سلام صمیمانه ما را بپذیرید و برای رسیدن به هدف مقدس زحمتکشان ملت ایران متحد و متشکل شوید.

از طرف حزب زحمتکشان ایران دکتر مظفر بقائی کرمانی

محل امضا

۳۰/۳/۹



تاریخ: مرداد ماه ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به قرار اطلاع، دکتر مصدق و کاشانی نسبت به تشکیلات فعلی حزب زحمتکشان و بعضی اشخاصی که آن را اداره می‌کنند از لحاظ سیاسی و مذهبی نظر خوبی ندارند مخصوصاً دکتر سپهبدی که سابق کلیمی بوده و فعلاً دین اسلام را قبول کرده و مسوولیت مهمی را در حزب مزبور به عهده دارد.

از نظر کاشانی این موضوع شایسته دقت و مطالعه بیشتر می‌باشد. بعضی‌ها هم می‌خواهند با استفاده از موقع، به شایعاتی که در مورد مداخلات دکتر سپهبدی راجع به

در مورد اعلام ماه ۱۳۳۰

تقریر

بامور و توکل از این جهت که بقرار اطلاع در کشور بعد از وقوع کائناتی نسبت به تشکیلات فعلی حزب زحمت کشان بعضی اختصاص که آنرا ابره میکنند از لحاظ سیاسی بعد همین نظر خوبی ندارند

مذاکره با کثرت میسر بود و باقی کویس بود و فعلاً درین اسلام

راه قبول نکرد و مسئولیت بعضی را در حزب مزبور بعهده دادند

از نظر کار کائناتی این موضوع شایسته وقت و مطالعه بیشتر میباشد

بعضی از آنها میخواستند با استفاده از موقع بشایع افکار در مورد مدخلات در کثرت میسر بود یا مورد بعضی نسبت به ابره صورت

حقیقت بد هفت

بکشت

۵

۴

سید زاهد

امور مذہبی، شہرت دارد صورت حقیقت، بدهند.

## بایگانی است

## حزب زحمتکشان

تاریخ: ۱۲- مرداد ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به طوری که از دکتر سپهبدی عضو کمیته مرکزی حزب زحمتکشان شنیده شده، هدف اصلی طرفداران دکتر مصدق و کاشانی این است، به هر وسیله‌ای که ممکن است و به نام خاتمه نیافتن قضیه نفت، آقای دکتر مصدق، تا شروع انتخابات دوره آینده در مقام نخست‌وزیری باقی باشد تا بتوانند با استفاده از موقعیت خود اکثریت نمایندگان دوره آینده را از بین دوستان خود انتخاب کنند. نمایندگان مجلس شورای ملی گزارشین نقشه مطلع شدند تصمیم قطعی دارند قبل از شروع انتخابات دوره آینده در مقام نخست‌وزیری باقی باشد تا بتوانند با استفاده از موقعیت خود اکثریت نمایندگان دوره آینده را از بین دوستان خود انتخاب کنند. نمایندگان مجلس شورای ملی که از این نقشه مطلع شده‌اند تصمیم قطعی دارند قبل از

شروع انتخابات دوره آینده، به کمک سید ضیاءالدین طباطبائی و قوام السلطنه<sup>۱</sup> موجبات سقوط دولت یا استعفای دکتر مصدق را فراهم سازند. برای اجرای این نقشه، قرار است از هفته آینده به صورت مخالفت با پیشنهادات دولت در مجلس اقداماتی به عمل آید.

حزب زحمتکشان

قوام السلطنه

۱۲- مرداد ۱۳۳۰ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به طوری که از دکتر سپهبدی عضو کمیته مرکزی حزب زحمتکشان شنیده شده هدف اصلی طرفداران دکتر مصدق و کاشانی این است، به هر وسیله‌ای که ممکن است و به نام خاتمه نیافتن قضیه نفت، آقای دکتر مصدق، تا شروع انتخابات دوره آینده در مقام نخست‌وزیری باقی باشد تا بتوانند با استفاده از موقعیت خود اکثریت نمایندگان دوره آینده را از بین دوستان خود انتخاب کنند. نمایندگان مجلس شورای ملی گزارشین نقشه مطلع شدند تصمیم قطعی دارند قبل از شروع انتخابات دوره آینده در مقام نخست‌وزیری باقی باشد تا بتوانند با استفاده از موقعیت خود اکثریت نمایندگان دوره آینده را از بین دوستان خود انتخاب کنند. نمایندگان مجلس شورای ملی که از این نقشه مطلع شده‌اند تصمیم قطعی دارند قبل از

اقداماتی بعمل آید.

۵  
۴  
۳  
۲  
۱  
۰

۱- احمد قوام فرزند میرزا ابراهیم خان معتمد السلطنه، در سال ۱۲۵۲ هـ متولد شد. مادرش طاووس خانم، دختر مجدالملک سینکی از رجال سیاست و ادب بود. تحصیلات معمول زمان را در حد عالی فراگرفت. از اوایل سلطنت مظفرالدین شاه به کارهای دیوانی پرداخت. چندی منشی و رئیس دفتر صدراعظم بود و زمانی رئیس دفتر مخصوص شاه شد.

در دوران صدارت عین‌الدوله، وزیر رسایل بود. بعد از استبداد صغیر مورد توجه آزادیخواهان قرار گرفته و ابتدا معاون وزارت جنگ و بعد در کابینه مستوفی‌الممالک وزیر جنگ شد و تا سال ۱۲۹۶ در کابینه‌های مختلف، وزارت مالیه، وزارت داخله و وزارت عدلیه را بر عهده داشت. در آن سال، فرمانروای کل خراسان و سیستان گردید. در حکومت سیدضیاءالدین دستگیر شد و به زندان افتاد. پس از خلع سید ضیاء، به صدارت منصوب شد و این سمت را در دوران احمد شاه دوبار متصدی گردید و سرانجام با توطئه‌ای که سردار سپه برای او تهیه دیده بود، از ایران تبعید شد و سالها در اروپا به سر می‌برد تا به وی اجازه ورود به ایران داده شد. قوام در تمام دوران حکومت رضاشاه در لاهیجان به کشاورزی اشتغال داشت. بعد از استعفای رضاشاه، مجدداً وارد امور سیاسی شد و در سال ۱۳۲۱ برای بار سوم به

نخست‌وزیری رسید.

در اواخر ۱۳۲۴ برای بار چهارم نخست‌وزیر شد و غایله آذربایجان، کردستان و فارس را فرو نشاند و مجلس پانزدهم را از وکلای فرمایشی تشکیل داد و سرانجام در سال ۱۳۳۱ پس از استعفای مصدق از نخست‌وزیری، مجلس به او ابراز تمایل نموده و شاه فرمان صادر کرد ولی حکومت او در مقابل تظاهرات مردم، چهار روز بیشتر دوام نکرد و کنار رفت.

رک: روز شمار تاریخ ایران، ج ۲، ص ۵۷





تاریخ: ۱۱ - شهریور ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد چون دکتر بقائی و خلیل ملکی<sup>۱</sup> در نظر دارند برای تأسیس حزب زحمتکشان آذربایجان، به تبریز بروند، توده‌ای‌ها هم برای جلوگیری از این اقدام، تظاهراتی خواهند نمود، گفته می‌شود دکتر اقبال<sup>۲</sup> قصد دارد ضمن مساعدت به توده‌ای‌ها ترتیب کار را طوری فراهم آورد که کار به ضرر هر دو جمعیت تمام گردد.

حزب زحمتکشان

۱۱ - شهریور ۱۳۳۰

گزارش

باسلام گزارش می‌دهد: جریدهای «خلیل ملکی» و «مردمان» برای تأسیس حزب زحمتکشان آذربایجان، به تبریز می‌روند. برای جلوگیری از این کار، تظاهراتی خواهند نمود. گفته می‌شود دکتر اقبال قصد دارد ضمن مساعدت به توده‌ای‌ها ترتیب کار را طوری فراهم آورد که کار به ضرر هر دو جمعیت تمام گردد.

فرمان آورده که با هر چه وسیله لازم گردد.  
 ج. ر. ش. ا. ز. ز.  
 ش. ا. ز. ز.

۱- خلیل ملکی تبریزی: زندگی مبارزاتی خلیل ملکی، یادآور خاطراتی است که با «گروه ۵۳ نفر، حزب توده، حزب زحمتکشان، نیروی سوم، سوسیالیسم ملی و...» گره خورده است. برای نخستین بار در اوایل جوانی و در اواخر حکومت رضاخان، پس از آشنائی با محافل روشنفکرانه چپ، جذب تشکیلات کمونیستی شد و در سال ۱۳۱۶ پس از یورش رضاخان به تشکیلات کمونیستها، بازداشت و زندانی گردید. پس از آزادی، در کنار «گروه ۵۳ نفر» اعتبار و منزلت سیاسی یافت. پس از سقوط رضاخان و تأسیس حزب توده، فعالیت خود را در حزب توده از سر گرفت. در اولین کنگره حزب به مقام عضو ارشد هیأت اجرائیه انتخاب و در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت حزب کارگر انگلستان راهی آن کشور شد. به دنبال شکست فرقه دمکرات آذربایجان، در سال ۱۳۲۵ اعتراضات ملکی نسبت به عملکرد و مشی نادرست شوروی در ایران بلند شد. در اوایل سال ۱۳۲۶ اختلافات داخلی در رهبری حزب بالا گرفت، سرانجام هسته رهبری مخالفان که اعضای اصلی آن عبارت بودند از، خلیل ملکی، انور خامه‌ای و جلال آل احمد، به بهانه فقدان استقلال در حزب و تحت عنوان «اصلاح طلبان» در بهمن ماه ۱۳۲۶ دست به انشعاب زدند. اگرچه انتقاد از حزب توده به دلیل دنباله‌روی از سیاست شوروی و اتخاذ مشی نادرست آن در جریان پیدایش و شکل‌گیری فرقه دمکرات، انتقادی است بجا و مورد قبول همه، ولی جدا شدن گروه ملکی از حزب توده، نه تنها نقش سازنده‌ای در جنبش ایفا نکرد، بلکه بر عکس، ثمره و ماهیت این انشعاب، گرایش به راست بود، نه گرایش به سمت مبارزه و تکامل بخشیدن مبارزات ملی مردم ایران، در نتیجه ملکی پس از انشعاب، به تدریج از مارکسیسم روی بر نافت و به دشمن شماره یک شوروی و حزب توده تبدیل شد. مجله «علم و زندگی» و مجله «کار و اندیشه» مؤید و منعکس‌کننده فعالیت فکری ملکی در همین راستاست.

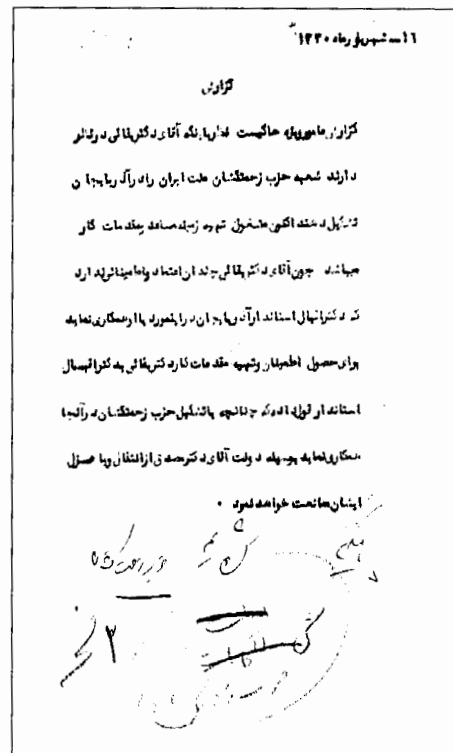
سرانجام خلیل ملکی در سال ۱۳۲۹ به حزب آمریکایی دکتر بقائی موسوم به «حزب زحمتکشان» پیوست. «گروه ملکی» پس از دو سال فعالیت در حزب زحمتکشان راه به جانی نبرد و اختلافات او با دکتر بقائی بالا گرفت و سرانجام در مهر ماه ۱۳۳۱ منجر به اخراج گروه ملکی از «حزب زحمتکشان» شد. پس از این واقعه، ملکی به همراه گروه خود، «حزب زحمتکشان ملت ایران» موسوم به «نیروی سوم» را سازماندهی کرد و نشریاتی هم تحت عناوین «نیروی سوم» و «علم و زندگی» انتشار داد. بطور کلی سیاست نیروی سوم در آن دوران عبارت بود از مبارزه با شوروی و حزب توده و حمایت ضمنی از دکتر محمد مصدق و ملی شدن صنعت نفت ایران، این سیاست چند ماهی ادامه داشت تا این که در آستانه کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ «گروه ملکی» به مخالفان مصدق پیوست.

۲- مقصود دکتر منوچهر اقبال است که در آن مقطع، استاندار آذربایجان بوده است.



تاریخ: ۱۶ شهریور ۱۳۳۰  
گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکمیت، نظر به این که آقای دکتر بقائی در نظر دارند شعبه حزب زحمتکشان ملت ایران را در آذربایجان تشکیل دهند، اکنون مشغول تهیه زمینه مساعد و مقدمات کار می باشد چون آقای دکتر بقائی چندان اعتماد و اطمینان ندارد که دکتر اقبال استاندار آذربایجان در این مورد با او همکاری نماید. برای حصول اطمینان و تهیه مقدمات کار، دکتر بقائی به دکتر اقبال استاندار، قول داده که چنانچه با تشکیل حزب زحمتکشان در آنجا همکاری نماید بوسیله دولت آقای دکتر مصدق از انتقال و یا عزل



ایشان ممانعت خواهند نمود.<sup>۱</sup>

حزب زحمتکشان

۱- با صعود رزم آرا به نخست وزیری، دکتر منوچهر اقبال به علت شهرت سوئی که اندوخته بود، به کابینه راه نیافت و توسط شاه به عنوان استاندار آذربایجان، راهی این خطه شد. در دوران دولت مصدق، اقبال متصدی شغلی نبود و تنها در دانشگاه تدریس می کرد.

تاریخ: ۲۱-شهریورماه ۱۳۳۰

## گزارش

مطابق گزارش مأمور ویژه، آقای حسین مکی نماینده مجلس شورای ملی با شرکت آقای فاطمی مدیر روزنامه باختر و معاون پارلمانی نخست‌وزیری در نظر دارند مستقلاً حزبی برای خود تشکیل دهند و علت این اقدام هم برای این است که در حوزه‌های حزب زحمتکشان بر علیه دو نفر مذکور مطالبی مورد بحث قرار گرفته و برای این که در انتخابات دوره آینده، آنها نیز دارای سازمانی باشند این تصمیم را اتخاذ نموده‌اند.

حسین مکی

۲۱-شهریورماه ۱۳۳۰ گزارش

مطابق گزارش مأمور ویژه آقای حسین مکی نماینده مجلس شورای ملی با شرکت آقای فاطمی مدیر روزنامه باختر و معاون پارلمانی نخست‌وزیری در نظر دارند مستقلاً حزبی برای خود تشکیل دهند و علت این اقدام هم برای این است که در حوزه‌های حزب زحمتکشان بر علیه دو نفر مذکور مطالبی مورد بحث قرار گرفته و برای این که در انتخابات دوره آینده، آنها نیز دارای سازمانی باشند این تصمیم

تصمیمات گرفته شده است.  
س. م.  
م. ف.

۱۳  
۵۶

تاریخ: ۲۳ - شهریور ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به قرار اطلاع  
 واصله، آقای دکتر بقائی و دکتر سپهبدی در  
 نیاوران کوچه قادری منزل دکتر سمیعی، دو  
 بار آقای طوماس<sup>۱</sup> را ملاقات نموده و با هم  
 مذاکراتی کرده اند.

پرونده شخصی دکتر بقائی

۳۰/۶/۳۱

۲۲ - شهریور ۱۳۳۰

گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به قرار اطلاع واصله آقای دکتر بقائی

و دکتر سپهبدی در نیاوران کوچه قادری منزل دکتر سمیعی

دو بار آقای طوماس<sup>۱</sup> را ملاقات نموده و با هم مذاکراتی کرده اند.

تصویب شد  
 ۱۲/۶/۳۱

۱- مقصود، جاسوس معروف «دی - آی - توماس» وابسته امور کارگری سفارت بریتانیاست.

تاریخ: ۱۳۳۰/۶/۲۵

## «نامه سرگشاده»

ساحت مقدس مجلس شورای ملی  
شیدالله ارکانه<sup>۱</sup>

قبل از تشکیل حزب زحمتکشان ایران در  
دزفول، اهالی این شهرستان در کمال آرامش  
هر کس به کار و کسب خود سرگرم بود و در  
اندیشه این که فلان یا بهمان مالک یا کشاورز،  
کار فرما، یا کارگر، بازرگان یا کاسب می باشد،  
نبودند، ورود آقای دکتر بقائی و سخنرانی  
معظم له مبنی بر این که در دزفول دستگاه  
انتلجنت سرویس<sup>۲</sup> در این شهرستان توسعه  
داشته و بر اجساد زحمتکشان دوا سبه تاخته  
است در مردم ایجاد هیجانی کرد که بالنتیجه

هر کس نسبت به دیگری حساب خصوصی داشت او را هدف تیر تهمت قرار داد و اختلاف و  
نفاقی که امروز بین طبقات، حکومت می کند دیر یا زود منفجر و تبدیل به یک حادثه ناگواری  
خواهد گردید.

جناب آقای بقائی، بنده که یک فرد دزفولی و به هیچ دسته و جمعیتی بستگی ندارم به  
عرض می رسانم که جناب عالی در سخنرانی خود خیلی به اشتباه رفتید و حرفه ای به دست یک  
مشت افراد غیر رشید دادید که به هتک حرمت پاره ای از اشخاص وطن خواه منجر گردید. آقای  
دکتر بقائی، قبل از سلطنت رضاشاه فقید، مردم دزفول تحت نظر و رهبری محترمین اداره  
می شدند و تمام اختلافات خود را به کدخداهای آنان رفع می کردند و اصولاً باید عرض کنم که  
آن هادیان آن روز که حق پدری و تربیت به گردن مردمان دزفول داشته و دارند امروز در اثر  
تلقینات سوء، تامین شرافتی و مالی و جانی ندارند به نام یک فرد صلح جوینده، اوضاع فعلی  
شهر دزفول را بدینوسیله اعلام داشتم و صراحتاً عرض می کنم که مسوول هر پیش آمد ناگوار  
جناب عالی خواهید بود شایسته است علاج واقعه قبل از وقوع فرموده، بنده چون وضع را  
غیر عادی می بینم آقای فرهودی نماینده محبوب شهرستان دزفول و سایر نمایندگان محترم

تاریخ: ۲۰/۶/۳۰

(نام ترکشاده)

شماره

ساحت مقدس مجلس شورای ملی - دزفول

لین ارتشکلی حزب زحمتکشان ایران در دزفول اهالی این شهرستان در کمال آرامش هر کس به کار و کسب خود سرگرم بود و در اندیشه این که فلان یا بهمان مالک یا کشاورز یا کارگر یا فرما یا کارگر یا بازرگان یا کاسب می باشد نبودند و در دزفول دستگاه انتلجنت سرویس در این شهرستان توسعه داشته و بر اجساد زحمتکشان دوا سبه تاخته و مردم ایجاد هیجانی کرد که بالنتیجه هر کس نسبت به دیگری حساب خصوصی داشت او را هدف تیر تهمت قرار داد و اختلاف و نفاقی که امروز بین طبقات حکومت می کند دیر یا زود منفجر و تبدیل به یک حادثه ناگواری خواهد گردید.

جناب آقای دکتر بقائی بنده که یک فرد دزفولی و به هیچ دسته و جمعیتی بستگی ندارم به عرض می رسانم که جناب عالی در سخنرانی خود خیلی به اشتباه رفتید و حرفه ای به دست یک مشت افراد غیر رشید دادید که به هتک حرمت پاره ای از اشخاص وطن خواه منجر گردید.

آقای دکتر بقائی قبل از سلطنت رضاشاه فقید مردم دزفول تحت نظر و رهبری محترمین اداره می شدند و تمام اختلافات خود را به کدخداهای آنان رفع می کردند و اصولاً باید عرض کنم که آن هادیان آن روز که حق پدری و تربیت به گردن مردمان دزفول داشته و دارند امروز در اثر تلقینات سوء، تامین شرافتی و مالی و جانی ندارند به نام یک فرد صلح جوینده، اوضاع فعلی شهر دزفول را بدینوسیله اعلام داشتم و صراحتاً عرض می کنم که مسوول هر پیش آمد ناگوار جناب عالی خواهید بود شایسته است علاج واقعه قبل از وقوع فرموده، بنده چون وضع را غیر عادی می بینم آقای فرهودی نماینده محبوب شهرستان دزفول و سایر نمایندگان محترم

سید محمد خرمشاهی

مجلس را بدینوسیله گواه می‌گیرم و مجدداً عرض می‌کنم که مسوول هر پیش آمدی شخص آقای دکتر بقائی شناخته خواهد شد.

سید مجاهد خوزستانی<sup>۳</sup>

---

۱- شیدالله ارکانه: (جمله دعایی)، خدا پایه‌های آن را استوار سازد.

رک: فرهنگ دهخدا

۲- نام درست این سازمان، «اینتلینس سرویس» است یعنی «سرویس اطلاعاتی» و مقصود از آن سازمان اطلاعاتی انگلستان می‌باشد.

۳- نامبرده مدیر داروخانه «شفا» دزفول بوده است.

تاریخ: ۳ آبانماه ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در محافل رسمی حزب توده گفته می‌شود که از طرف دربار و دولت و هم چنین دولت آمریکا نقشه‌های وسیعی برای سرکوبی حزب توده طرح گردیده، می‌گویند دکتر بقائی پس از مراجعت از آمریکا دست به فعالیتهای شدیدی علیه توده‌ای‌ها خواهد زد و صحنه‌های خونین دیگری بوجود خواهد آورد. همین محافل عقیده دارند به دستور آمریکا و دولت، نقشه غیر قانونی نمودن جمعیت هواداران صلح را هم تهیه کرده دیر یا زود به موقع اجراگذارده خواهد شد.

تس آبانماه ۱۳۳۰

تاریخ

دکتر بقائی از محافل رسمی و غیر رسمی که در تهران و خارج از کشور فعالیت می‌کنند، شنیده است که از طرف دربار و دولت و هم چنین دولت آمریکا نقشه‌های وسیعی برای سرکوبی حزب توده و دکتر بقائی طرح گردیده، می‌گویند دکتر بقائی پس از مراجعت از آمریکا دست به فعالیتهای شدیدی علیه توده‌ای‌ها خواهد زد و صحنه‌های خونین دیگری بوجود خواهد آورد. همین محافل عقیده دارند به دستور آمریکا و دولت، نقشه غیر قانونی نمودن جمعیت هواداران صلح را هم تهیه کرده دیر یا زود به موقع اجراگذارده خواهد شد.

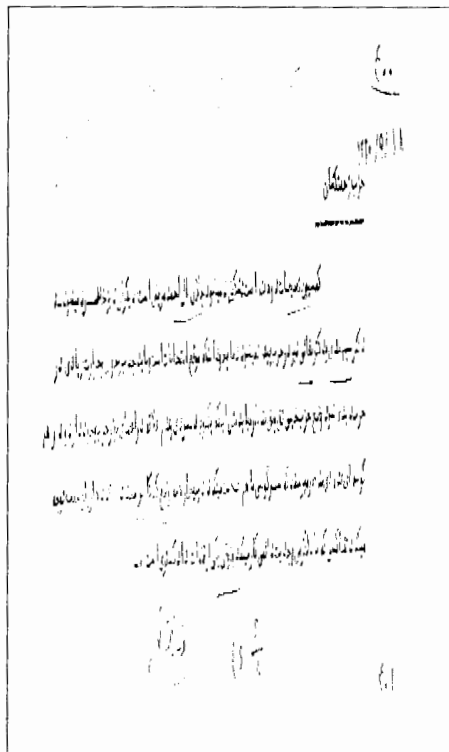





تاریخ: ۱۳۳۰/۹/۱۸

## حزب زحمتکشان

کمیسیون تبلیغات، دو هفته است تشکیل نمی‌شود، جلال آل احمد مریض است، دیگران نیز حاضر نمی‌شوند. دکتر سپهبدی و دکتر بقائی نیز در حزب پیدا نمی‌شوند. با وجود این که موقع انتخابات است و باید جنب و جوش و حرارت زیادی در حزب دیده شود وضع حزب خیلی تق و لوق به نظر می‌آید مثل این که یک نوع دلسردی و عدم علاقه در اعضای موثر حزب وجود دارد و در هر گوشه‌ای عده‌ای به نظر می‌رسند که سرگوشی باهم صحبت می‌کنند و بیش از همه وضع کنکاش مهندس قندهاریان<sup>۱</sup> جلب توجه می‌کند تنها کسی که با دلگرمی و جدیت دائمی کار می‌کند وثوقی<sup>۲</sup> یکی از قضات دادگستری است.



۱- مهندس ابوالقاسم قندهاریان: از جمله یاران خلیل ملکی همچون جلال آل احمد، محمدعلی خنجی و ناصر وثوقی بود که به دنبال وقایع آذربایجان از حزب توده جدا شده و به اتفاق ملکی، حزب زحمتکشان را تأسیس کردند. امور تشکیلاتی، آموزشی، مطبوعاتی و عقیدتی حزب در دست یاران خلیل ملکی و فعالیت‌های سیاسی در اختیار بقائی و یاران او بود. جریده شاهد، ارگان سیاسی حزب و تحت نظارت بقائی، روزانه منتشر می‌شد و ملکی هفته‌نامه نیروی سوم و ماهنامه علم و زندگی را تأسیس کرد. پس از حوادث سی تیر ۱۳۳۱ و درگیری بقائی با مصدق، اختلافات داخلی حزب شروع شد. گروه ملکی که اکثریت فعالان و سازمان دهندگان و نویسندگان حزب را تشکیل می‌دادند، اعتقاد داشتند که حزب زحمتکشان نمی‌باید از پشتیبانی فعال خود از دکتر مصدق دست بردارد در حالی که مظفر بقائی خواستار مخالفت علنی با مصدق بود. به دنبال این اختلاف، یاران ملکی از جمله قندهاریان از حزب زحمتکشان جدا شده و حزب زحمتکشان (نیروی سوم) را تشکیل دادند.

۲- ناصر وثوقی: در سال ۱۳۰۱ ه‍.ش در تهران متولد شد. پس از دریافت لیسانس در رشته قضائی، از سال ۲۶ مشاغل قضائی وی عبارت بوده است از: دادیار دادرای شهرستان بروجرد، ریاست دادگاه بخش بروجرد، باز پرس دادرای شهرستان قم، باز پرس دادرای شهرستان اراک، دادیار دادرای تهران، باز پرس دادرای تهران، دادیار دادرای استان مرکزی، ریاست دادگاه جنحه، ریاست اداره حقوقی و مدیریت کل امور قضائی وزارت دادگستری. وثوقی نیز از جمله یاران ملکی بود که به دنبال وقایع آذربایجان از حزب توده انشعاب نموده و بعداً به حزب زحمتکشان پیوستند.

پرونده‌های انفرادی ساواک

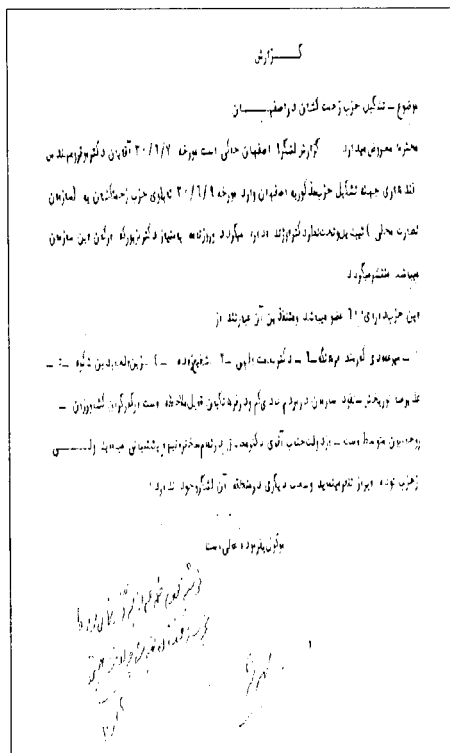
تاریخ: ۱۳۳۰/۱۰/۲۲

## گزارش

موضوع: تشکیل حزب زحمتکشان در  
اصفهان

محترماً معروض می‌دارد، گزارش لشکر ۹  
اصفهان حاکی است مورخه ۳۰/۶/۷ آقایان  
دکتر موقر و مهندس قندهاری جهت تشکیل  
حزب مذکور به اصفهان وارد [و] مورخه  
۳۰/۶/۹ تابلوی حزب زحمتکشان به سازمان  
نظارت محلی<sup>۱</sup> تبدیل و تحت نظر دکتر اوژند  
اداره می‌گردد و روزنامه‌ای<sup>۲</sup> به امتیاز دکتر  
مزیور که از ارکان این سازمان می‌باشد،  
منتشر می‌گردد.

این حزب دارای ۶۰۰ عضو می‌باشد و



منتفذين آن عبارتند از:

- ۱- میرعمادی<sup>۳</sup> کارمند فرهنگ ۲- دکتر نعمت‌الهی<sup>۳</sup> شفیع‌زاده ۴- زین‌العابدین شکوه ۵- علیرضا نوربخش. نفوذ سازمان، در مردم عادی کم و در فرهنگیان قابل ملاحظه است در کارگران، کشاورزان و روحانیون، متوسط است. از دولت جناب آقای دکتر مصدق در تمام سخنرانیه‌ها پشتیبانی می‌نماید<sup>۴</sup> ولی از حزب توده ابراز تنفر می‌نماید و شعب دیگری در منطقه آن لشکر وجود ندارد.

نوشته بودم خلاصه از همه گزارشهای مربوط به حزب زحمتکشان تهیه شود چرا دقت نمی‌شود ۱۰/۲۲  
تهیه شد

۱- مقصود، سازمان نظارت ملی اصفهان است. در یکی از اسناد، در این باره چنین آمده است:

اطلاعات مربوط به سازمان نظارت ملی اصفهان:

۱- تاریخ تأسیس: ۳۰/۶/۹

۲- دارای یک سازمان در اصفهان بوده و شعبات و حوزه‌هائی ندارد. جمع کل اعضا، در حدود ۶۰۰ نفر می‌باشد.

۳- روسا و رهبران و منتفذين آن شش نفر آقایان، دکتر اوژند، میرعمادی، کارمند فرهنگ، دکتر نعمت‌الهی، شفیع‌زاده، زین‌العابدین شکوه و علیرضا نوربخش [هستند]

۴- درجه نفوذ سازمان در مردم عادی، کم و در فرهنگیان قابل ملاحظه است. در کارگران و کشاورزان و روحانیون متوسط است.

۵- اقدامات و فعالیتهائی که تاکنون انجام داده‌اند:

از دولت جناب آقای دکتر مصدق در تمام سخنرانیها و اجتماعات پشتیبانی و از اقلیت حزب منحلّه توده ابراز تنفر نموده‌اند.

۶- از برنامه آتی آنها فعلاً اطلاعاتی در دست نیست.

۷- اطلاعاتی درباره روسا و رهبران آنها که تاکنون کسب گردیده است:

دکتر نعمت‌الهی، استاد دانشگاه تهران می‌باشد، دکتر اوژند، رئیس سابق بهداری، اهل ایل بختیاری می‌باشد، شفیع‌زاده، جزء معتمدین بخش ۲ و سابقاً معاون بانک ملی بوده است، زین‌العابدین شکوه، دانش‌آموز دبیرستان ادب می‌باشد و علیرضا نوربخش، ملاک و معتمد بخش ۱ می‌باشد.

رک: ضمیمه ۳

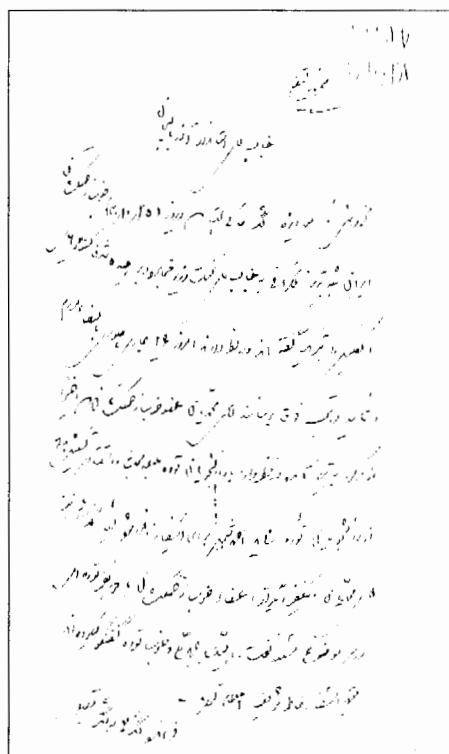
۲- کاظم میرعمادی: فرزند عبدالکریم، در سال ۱۲۹۴ هـ در اصفهان متولد شد. وی دبیر دانشکده پزشکی و چندین مکان دانشگاهی دیگر مانند دانشکده فنی و علوم تهران بوده است. علاوه بر آنها سمتهای اداری مانند مدیریت بیمارستان ثریا را بر عهده داشته است. برابر سوابق موجود، نامبرده سرپرست سازمان نظارت ملی وابسته به حزب زحمتکشان در اصفهان و همچنین عضو کمیته اجرائی حزب، در تهران بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- در آن مقطع، هنوز مخالفت‌های حزب زحمتکشان با دکتر مصدق شروع نشده بود.

تاریخ: ۱۳۳۰/۱۰/۲۸

جناب آقای استاندار آذربایجان  
 گزارش مأمور ویژه لشکر حاکی است که  
 دیروز (۳۰/۱۰/۲۵) حزب زحمتکشان ایران  
 شعبه تبریز، تلگرافی به جناب آقای نخست  
 وزیر مخابره و بر چیده شدن کنسولگریهای  
 انگلیس را تبریک گفته‌اند<sup>۱</sup> و در نظر دارند  
 امروز، ۲۶ جاری، چلواری به امضای مردم در  
 تائید مراتب فوق برسانند. آقای محمدیان  
 عضو حزب زحمتکشان که اخیراً از مرکز به  
 تبریز آمده، در نظر دارد با دانشجویان توده  
 جلسه بحث و انتقادی تشکیل بدهد، از  
 دانشجویان توده شاید «احمد شمس» برای  
 این کار نامزد شود. لیل گذشته نیز آقای



محمدیان و یک نفر دیگر از اعضا حزب زحمتکشان با دو نفر توده‌ای در سر موضوع مسئله نفت  
 و ماهیت جبهه ملی و حزب توده گفتگو می‌کرده‌اند، جهت استحضار خاطر شریف اعلام گردید.  
 فرمانده لشکر ۳- سرلشگر مقبلی

۱- پیش از قطع رابطه با دولت انگلستان، دولت ایران در نیمه دوم سال ۱۳۳۰ کنسولگری‌های انگلیس را در نه  
 شهرستان و شعب شورای فرهنگی بریتانیا را در شهرهای اصفهان، مشهد و تبریز منحل کرده بود. در روز ۳۰ مهر ماه  
 ۱۳۳۱، دکتر فاطمی وزیر امور خارجه ایران، ضمن یادداشتی خطاب به سفارت انگلیس، تصمیم دولت ایران را به قطع  
 ارتباط سیاسی با دولت انگلستان اعلام کرد. بدین سان پس از ۹۳ سال، روابط سیاسی ایران و انگلیس قطع شد.

تاریخ: ۱۳۳۰/۱۰/۳۰

معروض می‌دارد چلواری که از طرف حزب زحمتکشان در تائید عملیات دولت به امضای مردم رسانیده می‌شد، دیروز خانمه یافته و در حدود ۱۲ هزار امضا، جمع‌آوری شده است و قرار است که امروز محمدیان به طهران مراجعت و طومار را نیز به همراه خواهد برد تلگرافی که از طرف حزب مزبور در مورد پشتیبانی از دولت به مرکز مخابره شده بود پاسخ آن از طرف آقای نخست‌وزیر در تاریخ ۱۰/۲۸ و از طرف آقای کاشانی در ۱۰/۲۹ به تبریز واصل شده است.

سرلشکر مقبلی

بسم الله الرحمن الرحیم  
 در تائید دولت  
 و در تائید حزب زحمتکشان  
 و در تائید عملیات دولت  
 و در تائید امضای مردم  
 و در تائید تلگرافی که از طرف حزب مزبور  
 در مورد پشتیبانی از دولت به مرکز مخابره شده  
 بود پاسخ آن از طرف آقای نخست‌وزیر  
 در تاریخ ۱۰/۲۸ و از طرف آقای کاشانی  
 در ۱۰/۲۹ به تبریز واصل شده است.

سرلشکر مقبلی

تاریخ: ۵- بهمن ماه ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد جلوگیری از تشکیل جلسه فدائیان اسلام در مسجد کاظمیه، بین بازاریان و اهالی محل مورد بحث قرار گرفته و می‌گویند ممکن است این عمل که از طرف اعضای حزب زحمتکشان صورت گرفته، باعث عصبانیت شدید فدائیان اسلام گردد و گفته می‌شود ممکن است از طرف فدائیان مزبور علیه آقای دکتر مصدق و امیرعلایی<sup>(۱)</sup> و دکتر بقائی اقدامات شدیدی به عمل آید.

۵ بهمن ماه ۱۳۳۰ گزارش

با توجه به گزارش‌های در دسترس از تهران و سایر مراکز،

در مسجد کاظمیه بین بازاریان و اهالی محل سرودهای ترانه‌ها

و شعارها می‌خوانند و این عمل که از طرف احزاب مزبور صورت گرفته،

مورد توجه است و می‌باید به اطلاع اهالی محل و مردم در آنجا

رسانه شود تا از طرف اهالی محل مزبور اقدامات تلافی‌جویانه صورت

نگیرد. (۱)

(۱)

۱- شمس‌الدین امیرعلایی: در سال ۱۲۷۹ هجری متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در مدرسه دارالفنون و فراگیری حقوق و علوم سیاسی، در سال ۱۲۹۷ به خدمت وزارت پست و تلگراف در آمد. سپس به پاریس رفت و در دانشگاه «من پلیر» در رشته علوم مالی و دارائی به تحصیل پرداخت. بعد از بازگشت از خارج، در سال ۱۳۱۰ به خدمت وزارت مالیه درآمد و یک سال بعد به سمت مستنطق عدلیه قم تعیین شد. در سال ۱۳۱۳ زمانی که داور، وزیر مالیه بود، به آن وزارتخانه منتقل و در نهایت به معاونت مؤسسه اداره کل دخانیات منصوب شد. در ۱۳۱۵ بار دیگر به وزارت دادگستری رفت و برای مدتی در قسمتهای مستشار اول استیناف، رئیس اداره فنی وزارت دادگستری، دادستانی و دیوان کیفری مشغول به کار شد. در سمت اخیر بود که در مورد رسیدگی به اتهامات سرلشکر مقدم و سردار اکرم با منصورالسلطنه وزیر دادگستری وقت، اختلاف پیدا کرد و به شغل تازه‌ای که به او پیشنهاد شد، تن نداد. لذا برای مدتی بدون دریافت حقوق، منتظر خدمت باقی ماند. در کابینه قوام به سال ۱۳۲۴ به کفالت وزارت کشاورزی و سپس به وزارت کشاورزی رسید. در کابینه مصدق مدتی وزیر کشور و مدتی وزیر دادگستری بود. او از وفاداران به دکتر محمد مصدق به شمار می‌رفت. در جریان ملی شدن صنعت نفت، استانداری خوزستان را بر عهده داشت.

نامبرده در دوران انتظار خدمتش، در وزارت دادگستری، در حزب «ایران نوین» شروع به فعالیت کرد و در زمره اعضای مؤسس این حزب محسوب می‌شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توسط دکتر کریم سنجابی به سمت سفیر ایران در پاریس منصوب شد و یک سال در این سمت باقی بود. از جمله تالیفات وی می‌توان کتابهای «صعود

محمدرضا شاه به قدرت یا شکوفانی دیکتاتوری»، «مبندین و شهیدان راه آزادی»، «خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران»، «در راه انقلاب و دشواریهای مأموریت من در فرانسه»، «خط سباهی بر کتاب سیاه» و «خاطرات من در یادداشت‌های پراکنده» اشاره کرد.



تاریخ: ۹- بهمن ماه ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در مدرسه سپهسالار<sup>۱</sup> طلاب عضو جمعیت فدائیان اسلام صحبت می‌کرده‌اند که مخالفت و بدرفتاری افراد حزب زحمتکشان با فدائیان اسلام موجب شده که جمعیت مزبور درباره دکتر بقائی تصمیماتی اتخاذ نمایند. گفته می‌شود ممکن است نام دکتر بقائی نیز جزو کسانی ثبت شده باشد که فدائیان اسلام نسبت به آنها نظریات مخصوصی دارند، چنانچه افراد طرفدار دکتر بقائی تغییر رویه ندهند، تصمیم جمعیت فدائیان اسلام درباره نامبرده زودتر عملی خواهد شد.

۹- بهمن ماه ۱۳۳۰ گزارش

نامبرده گزارش می‌دهد در مدرسه سپهسالار<sup>۱</sup> طلاب عضو جمعیت فدائیان اسلام صحبت می‌کردند که مخالفت و بدرفتاری افراد حزب زحمتکشان با فدائیان اسلام موجب شده که جمعیت مزبور درباره دکتر بقائی تصمیماتی اتخاذ نمایند. گفته می‌شود ممکن است نام دکتر بقائی نیز جزو کسانی ثبت شده باشد که فدائیان اسلام نسبت به آنها نظریات مخصوصی دارند، چنانچه افراد طرفدار دکتر بقائی تغییر رویه ندهند، تصمیم جمعیت فدائیان اسلام درباره نامبرده زودتر عملی خواهد شد.

۱- مسجد سپهسالار، به مسجد و مدرسه شهید مطهری تغییر نام داده و در میدان بهارستان تهران واقع است.

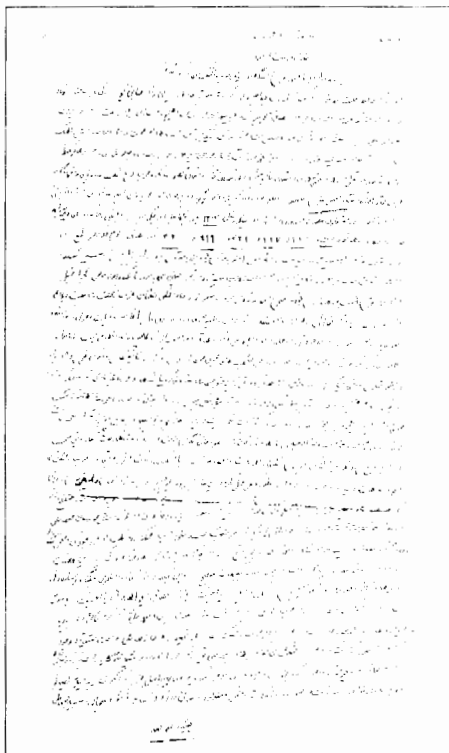


تاریخ: ۱۳۳۰/۱۱/۱۲

## انشعاب از حزب زحمتکشان ملت ایران

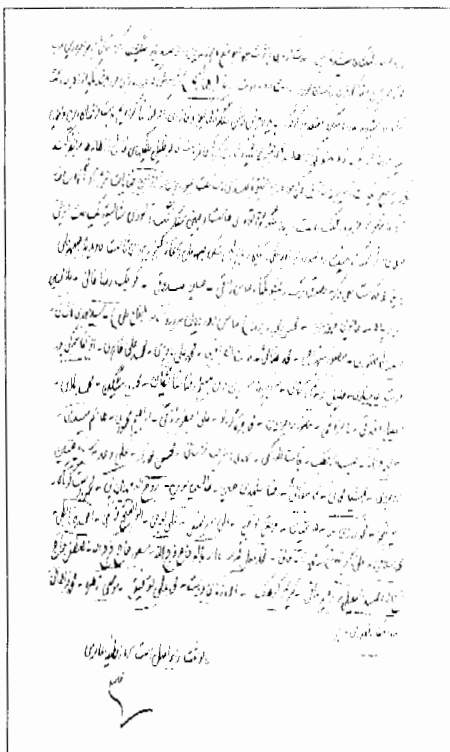
با صدای جاوید باد جبهه ملی، سنگرهای  
 ننگین حزب زحمتکشان را ترک می‌گوئیم.  
 اکنون که برای حفظ عظمت جبهه ملی از  
 حزب زحمتکشان جدا می‌شویم ناگزیریم  
 ملت فداکار ایران را از حقایق تلخ و دردناکی با  
 خبر ساخته دستهای پلیدی را که از قفا به  
 جبهه ملی و دولت ملی دکتر مصدق خنجر  
 می‌زنند به هم میهنان خود نشان دهیم.

حزب زحمتکشان ملت ایران که با نیروی  
 عظیم جبهه ملی در گیرودار جنبش ملی  
 شدن نفت تشکیل شد حزبی که برای تشکیل  
 آن صدها نفر جوان فداکار و جانباز،



پیش‌آهنگ شدند، در دست یک دسته بلشویک<sup>۱</sup> بی‌وطن قرار دارد. امروز نتیجه مبارزات ۳  
 ساله مردان دلیر میهن، نتیجه روبرو شدن با چاقوکشهای رزم‌آرا به خاطر حفظ روزنامه شاهد،  
 نتیجه تحمل سرماها و سختی‌های زمستان سال پیش برای نگهداری خانه دکتر بقائی به صورت  
 یک حزب درهم شکسته در زیر پای رانده شدگان حزب توده افتاده است.<sup>۲</sup> خلیل ملکی عضو  
 منفور و مستعفی حزب توده، کسی که در واقعه ننگین آذربایجان، نقشه تجزیه ایران را بصورت  
 تئوری «آذربایجانیزم» در تبریز اشاعه داد و زمینه فکری نهضت پیشه‌وری را فراهم نمود، کسی  
 که در سال ۱۳۲۳ یعنی هنگامی که اثر چکمه سربازان اجنبی برخاک ایران دیده می‌شد، در  
 روزنامه توده‌ای «رهبر» شماره ۵۰۶، ۴۳۶، ۴۲۷، ۴۳۸، ۴۱۹ و ۴۲۰، دکتر مصدق را به جرم  
 اعتراض به طمع‌ورزی دولت شوروی به نفت شمال و حمایت از سیاست موزانه منفی، منفی‌باف  
 و خیال‌پرست و نوکر امپریالیزم نامید. کسی که با شرکت در نگارش کتاب «سحر و افسون»  
 شدیدترین ضربات را بر اساس دین و ملیت وارد کرد، چنین شخصی امروز با یک عده افراد  
 بی‌وطن دیگر از قبیل ناصر وثوقی مهندس قندهاریان و دکتر خنجی<sup>۳</sup> رانده‌شدگان حزب  
 منفور توده، حاکم مطلق‌العنان حزب زحمتکشان ملت ایران و نزدیکترین همکاران دکتر بقائی

رهبر حزب هستند. دشمنان دین و ملیت ما امروز با نیروی ما بر ما حکومت می‌کنند و حزبی را که زائیده جبهه ملی است، با اغفال رهبر خودخواه آن، مرحله به مرحله از جبهه ملی و دکتر مصدق دور می‌سازند. مخالفت روزنامه شاهد طی چند شماره متوالی با لایحه انتخاباتی دکتر مصدق و حمله مسوولین حزب در جلسات رسمی، شخصیت‌های محبوبی چون مکی و دکتر شایگان<sup>۱</sup> و دکتر فاطمی و حائری زاده و دکتر سنجابی<sup>۲</sup> و اظهار این که رهبر حزب، مافوق دکتر مصدق و مترقی‌ترین فرد جبهه ملی است، بزرگترین شاهد انحراف و یکه‌تازی دکتر بقائی است. دکتر بقائی مانند حربه بی‌اراده‌ای در دست خلیل ملکی‌ها گرفتار



شده است. خلیل ملکی بی‌وطن در برابر دکتر بقائی به آرمانهای ملی ما اهانت می‌کند صحبت‌هایی از قبیل ایرانی مآبانه یعنی احمقانه و این که برای ما ایرانی بودن افتخار نیست و دین اسلام یک حربه پوسیده و غیر قابل دوام است، از سخنانی است که تحت لوای «نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین» با نظارت آقای دکتر مظفر بقائی به گوش می‌زنند و در روزنامه شاهد تحت همین شعار دینی صحبت از «جبر تاریخ» و نظریات «مارکس یهودی» می‌کنند و نظریات و افکار مادیون را به نام مکتب نجات‌بخش، و قیحانه در حزب زحمتکشان، تعلیم می‌دهند و می‌گویند حزب توده مرام خود را بطور کامل عمل نکرد و این ما هستیم که می‌خواهیم نظریات «مارکس» و «لنین» را پیروی کنیم... ملی شدن نفت که در سایه اراده ملت ایران و فداکاری و از خود گذشتگی قهرمانان جبهه ملی و اراده مستقیم حضرت آیت‌الله کاشانی جامه عمل پوشید از نظر مکتب ضد ملی حزب زحمتکشان یک امر خود به خودی و حتمی الوقوع، تاثیری نداشته‌اند خلیل ملکی با اختیار تام از طرف دکتر بقائی اینگونه تبلیغات مفتضح را در میان یک عده دانش آموز و دانشجوی بی‌گناه و ساده‌دل ادامه می‌دهد و آنان را مرحله به مرحله به کمونیسم نزدیک می‌سازد. آیا این است آنچه دکتر مصدق می‌خواهد؟ آیا اینست آنچه ملت ایران از حزب

زحمتکشان انتظار دارد؟ هرگز. حزب زحمتکشان باعث ننگ و بدنامی ملت ایران و جبهه ملی است، دکتر بقائی در اثر همین جریان نامطلوب و وجه خود را از دست داد. هر ضربه‌ای که حزب زحمتکشان بر پیکر شخصیت‌های جبهه ملی نواخت، مستقیماً در وجه و مقام او اثر معکوس گذاشت با آنکه حزب زحمتکشان به کاندیدهای جبهه ملی خیانت کرد، اراده مردم رشید تهران پیروز شد. دکتر بقائی با تذکرات صادقانه ما به هیچ قیمت حاضر به ترک همکاری با بلشویکهای بی‌وطن نگردید و روی همین اصل، حزبی را که اکنون می‌بایستی یک صد هزار عضو با ایمان و فداکار داشته باشد به صورت تشکیلات ناقص و متزلزل کنونی در آورد کسانی که با شور و هیجان به امید جبهه ملی وارد حزب زحمتکشان می‌شدند پس از مدت کوتاهی بر اثر مشاهده این وضع ناهموار مایوس و نومید باز می‌گشتند، دکتر بقائی به خاطر مطرودین حزب توده، صمیمی‌ترین و فداکارترین دوستان خود را از دست داد. دوست دلیر ما «هاله» شاعر ملی که همواره برای طرد بلشویکها از حزب زحمتکشان، رشیدانه مبارزه می‌کرد، معتقد بود که هرگز نباید در پیش دشمن، سنگر خالی کنیم و خانه‌ای را که خود بنا کرده‌ایم، به دست دشمنان دین و میهن بسپاریم اما دکتر بقائی به خاطر بلشویکها از هاله فداکار چشم پوشید و ثابت کرد که حاضر است به خاطر خلیل ملکی‌های خائن، از هاله‌ها صرف‌نظر کند. دیگر این وضع خیانت‌آمیز برای ما قابل تحمل نبود لازم دانستیم با صدای رسا، ملت غیور ایران را از این جنایات شرم‌آور، آگاه ساخته رسماً اعلام کنیم که حزب زحمتکشان ملت ایران سنگر دوم توده‌ای‌هاست و چنین سنگر ننگ‌آلودی شایسته یک ملت ایرانی مسلمان و شرافتمند نیست. برویم... برویم راه پرافتخار آینده را با پرچم پرشکوه جبهه ملی آغاز کنیم، پیروزی با ماست. جاوید باد جبهه ملی. پاینده باد حکومت ملی دکتر مصدق. مرگ بر بر بلشویکها.

عباس رازقی، حسین صدوقی، کوچک رضاخانی، غلامحسین ایزدپناه، همایون فروزان، محسن محرر، عباس درودیان مدیر روزنامه دفاع ملی، سید مهدی کاشانی، حبیب‌الله فغفوری، منصور منهاجی، محمد رضائی، قدرت‌الله باقری، محمدعلی باقری، محمدعلی طاهری، ابوالقاسم کی‌پور، عزت‌الله عسگری، خلیل کریم‌آبادی، سردبیر روزنامه ایران قرن بیستم، رضا شایگان، محسن مشگین، محمد بلالی، اسماعیل اخلاقی، ناصر کاظمی، منصور بروجردیان، محمد قره‌گزلو، علی اصغر رازقی، ابراهیم محمودی، هاشم حیدری، منوچهر فرزانه، حبیب‌الله قطب، نجات‌الله رکنی، مهدی اشرف خراسانی، محسن نورزاد، علی موحد، سید حسین بروجردی، جمشید محمدی، محمد صفائی، رضا مشهدی حسین، عبدالحسین نوین، روح‌الله جهان‌پی، محمود دست‌کوتاه، امیر نیکخو، محمد گودرزی‌نیا، هاشمیان، مرتضی توریجی، علی

امیر خمسی، علی موجی، ابوالفتح فرهنگی، احمد ضابطی، محمد سلامی، علی اکبر سلامی، محمد آقاجانی، غلامعلی قریب، اسدالله حاج فرج الله، مسعود حاج فرج الله، مصطفی حاج فرج الله، احمد اسماعیلی، رحیم ماقی، کریم کوهنک، احمد زندی دوست، محمدعلی توفیقی، موسی زهره، محمد فراهانی، عبدالغفار طهوری.

۱- بلشویک: بسیار، اکثر. چون پیروان «لنین» اکثریت را بدست آوردند، بدین نام نامیده شدند.  
 ۲- در روز ۱۴ آذرماه ۱۳۳۰، در مجلس شورای ملی مخالفان، به مناسبت فعالیت تازه حزب توده، مصدق را مورد انتقاد قرار دادند، دو روز بعد از آن، مدیران جراید در مجلس شورای ملی متحصن شدند و اعلامیه‌ای انتشار دادند. فردای آن روز نمایندگان اقلیت در مجلس شورای ملی به حمایت از مطبوعات متحصن، برخاستند. در همان روز در جلسه مجلس شورای ملی در خصوص وقایع ۱۴ آذر و اغتشاش تهران، جمال امامی، آزاد و آشتیانی زاده، دولت را مورد انتقاد شدید قرار دادند، حملات جمال امامی با هتاک و تندوی خاص توأم بود. دو روز بعد در جلسه مجلس شورای ملی از طرف اقلیت و تماشاچیان، علیه دولت به شدت تظاهرات انجام گرفت. عده‌ای از تظاهر کنندگان داخل جلسه علنی رفته و با نمایندگان گلاویز شدند و کریم پور شیرازی مدیر روزنامه شورش مورد ضرب و شتم مخالفان دولت قرار گرفت.  
 ۳- دکتر محمدعلی خنجی: در سال ۱۳۰۴ ه‍.ش در بحرین متولد شد. پدرش مرحوم محمدامین، به تجارت اشتغال داشت. وی اهل مطالعه و تحقیق بود و به زبان عربی آشنائی کامل داشت و نوشته‌های زیادی از او باقی مانده است. محمدعلی خنجی از کودکی سر و کار با کتاب داشت. تحصیلات ابتدائی را در دبستان «اتحاد ملی» ایرانیان بحرین که مرحوم پدرشان عضو هیأت امناء و از موسسان این مدرسه قدیمی ایرانیان در بحرین بود، به پایان رساند. در سال ۱۳۱۸ به خاطر ادامه تحصیل به همراه خانواده‌اش، به تهران مهاجرت کرد، چون ادامه تحصیل، بیش از ابتدائی، برای ایرانیان در بحرین میسر نبود. محمدعلی، در تهران دوره دبیرستان را در دبیرستان علمیه به پایان رساند. تحصیلات عالی را در دانشکده حقوق تهران در رشته قضائی تمام کرد و برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و در رشته اقتصاد، دکترای دولتی گرفت.

وی فعالیت‌های سیاسی را از همان دوران دبیرستان شروع کرد، از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ از حزب توده ایران فعال بود. در آن سالها بیشتر جوانان حساس و پرشور، به آن حزب روی آورده بودند. در سال ۱۳۲۶ به اتفاق «انشاعیون» از حزب توده جدا شد و از ۱۳۲۸ پس از بازگشت از فرانسه که مقارن با فعالیتهای جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق بود، ایشان نیز به این نهضت پیوست. یکی از کسانی که در تصمیم‌گیری ایشان تأثیر زیادی داشت، خلیل ملکی بود. خنجی سرانجام حاضر به همکاری با ملکی در «حزب زحمتکشان ملت ایران» شد. با حضور دکتر محمدعلی خنجی در تشکیلات سازمان جوانان حزب زحمتکشان و با توجه به بحث‌های سیاسی و اجتماعی که می‌کرد و مقالاتی که در روزنامه «شاهد» می‌نوشت، فعالیت این سازمان بیشتر شد. پرسش و پاسخها و ایراداتی که بعضی‌ها و به خصوص حزب توده راجع به روش جبهه ملی در برابر حکومت «علاء» داشتند، توسط دکتر خنجی تجزیه و تحلیل می‌شد. فعالیت دکتر خنجی در حزب زحمتکشان، از جمله نوشتن سرمقاله‌های روزنامه شاهد و اداره بحث در جلسه فعالین و گویندگی تعدادی از حوزه‌های دانشجویی بود.

پس از انشعاب خلیل ملکی و دوستانش از حزب زحمتکشان و تشکیل حزب زحمتکشان «نیروی سوم»، دکتر خنجی نیز به این حزب جدید پیوست. خنجی در کنگره حزب در خرداد ۱۳۳۲ به عضویت هیأت اجراییه حزب برگزیده شد. پس از مسأله رفراندوم در مورد انحلال مجلس دوره هفدهم و دیگر مسایل مملکتی و دیدار خلیل ملکی با دکتر مصدق و مخالفت کردن با رفراندوم در حضور مصدق، دو نظر در هیأت رهبری نیروی سوم بود. یکی نظر دکتر خنجی در حمایت کامل از نظریه‌ها و اقدامات دکتر مصدق و دیگری نظر خلیل ملکی که بطور کلی با تجزیه و تحلیل‌های دکتر خنجی به شدت مخالف بود، در واقع حزب نیروی سوم از همان زمان فلج شد. حوادث بعد از ۲۸ مرداد و نتایج حاصله از آن، برای حزب نیروی سوم منجر به از هم پاشیدگی حزب شد و در نتیجه اعضا، به دو گروه تقسیم شدند: گروه خلیل

ملکی و طرفدارانش و گروه دکتر خنجی.

پس از جدا شدن از نیروی سوم به نهضت مقاومت ملی پیوست. دکتر خنجی بعد از کودتا مدت‌ها در اختفا به سر برد و بارها به زندان افتاد. او مدت نزدیک به پانزده سال از بهترین سالهای زندگی خود را تمام و کمال در صفوف مبارزات ملی ایران مصروف کرد و در مدت چهار سال از ۱۳۳۹ لغایت ۱۳۴۳، فکر، دانش و قلم او در متشکل ساختن نیروهای مردمی به کار رفت و نشانه‌های جدیدی در تاریخ مبارزات نهضت ملی بر جای گذاشت. دکتر خنجی پس از قطع فعالیت‌های سیاسی از سال ۴۳ به بعد به کارهای علمی و تحقیقاتی روی آورد. کتاب معروف او «بیانیه جبهه بین‌المللی» که در شرایط سانسور و خفقان رژیم پهلوی بدان اجازه طبع و نشر داده نشد، بعد از مرگش در سال ۱۳۵۸ چاپ شد. محتوای این کتاب که شعار روی جلد آن: «هر که بر ضد ما نیست، با ماست» نوشته شده است، در حقیقت تز سیاسی و چکیده برداشته‌ها و مطالعات مرحوم دکتر محمدعلی خنجی برای حل مسایل جهانی است. کتاب دیگر دکتر خنجی «طراحی برای بررسی تاریخ اجتماعی ایران» است که فقط مقدمه آن در یک جلد چاپ شد. سرانجام دکتر محمدعلی خنجی در بهمن ماه ۱۳۵۰ درگذشت.

۴- دکتر سیدعلی شایگان: در سال ۱۲۸۱ هجری در شیراز به دنیا آمد. مقدمات علوم قدیمه و جدید را در این شهر گذراند و برای تحصیلات عالی، به تهران رفت و در رشته علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۰۷ با نخستین گروه دانشجویان برگزیده به اروپا رفت و در پاریس رشته حقوق بین‌الملل را تا درجه دکترا پی گرفت. دکتر شایگان در سال ۱۳۲۰ وارد دنیای سیاست شد. در ۱۳۲۴ به وزارت فرهنگ رسید. وی در مجلس شانزدهم یکی از نمایندگان بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و به ده سال زندان محکوم ولی پس از سه سال، آزاد شد و به آمریکا رفت. دکتر شایگان پس از انقلاب اسلامی ایران به داخل کشور آمد اما مدت زیادی در ایران اقامت نکرد و به آمریکا برگشت. وی در سال ۱۳۶۰ در ۷۹ سالگی درگذشت.

۵- دکتر کریم سنجابی: فرزند قاسم سنجابی، در سال ۱۲۸۳ هجری در سنجاب از محله‌های کرمانشاه متولد شد. تحصیلات ابتدائی را در قصر شیرین و دوره اول متوسطه را در کرمانشاه و دوره دوم متوسطه را در تهران و دوره لیسانس را در مدرسه عالی حقوق گذراند. در سال ۱۳۰۷ جزو اولین گروه محصلان اعزامی به فرانسه رفت و در آنجا مجدداً دوره لیسانس حقوق را در دانشگاه «نانی» و دوره دکترای حقوق را در دانشگاه پاریس گذراند و رساله خود را درباره کشاورزی و روستائیان و مالکیت ارضی در ایران به زبان فرانسه در ۱۳۱۳ نوشت و در همان سال به ایران بازگشت. سنجابی مشاغل را در اداره کل اوقاف وزارت فرهنگ و وزارت دارائی به عهده داشت. در عین حال، ابتدا دانشیار و سپس استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد. در ۱۳۲۲ از سوی شورای دانشکده به سمت رئیس دانشکده حقوق برگزیده شد و در ۱۳۲۵ جزو هیأتی بود که اولین برنامه هفت ساله صنعتی ایران را تدوین کرد.

در ۱۳۳۰ دکتر سنجابی به عنوان عضو مؤسس جبهه ملی، در کابینه دکتر مصدق، وزیر فرهنگ شد، اما برای شرکت در انتخابات دوره هفدهم از این سمت استعفا کرد. در سفرهای دکتر مصدق به شورای امنیت سازمان ملل و دیوان داوری لاهه همراه وی بود و در لاهه به عنوان قاضی اختصاصی ایران در دادگاه مزبور شرکت کرد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، متواری گردید و سپس تا به قدرت رسیدن امینی کم و بیش فعالیت داشت. در دولت امینی برای شرکت در انتخابات، جبهه ملی دوم را پایه‌گذاری کرد که عمر این جبهه چندان طول نکشید. از آن پس تا پیروزی انقلاب و با طرح شعار فعالیت در چارچوب قانون اساسی، حضور چندانی در صحنه سیاسی کشور نداشت. بعد از پیروزی انقلاب در دولت مهندس بازرگان به عنوان وزیر امور خارجه برگزیده شد اما پس از مدت کوتاهی استعفا کرد. در ۱۳۶۱ از کشور خارج شد و تا زمان فوت (تیرماه ۱۳۷۴) در آمریکا به سر برد. خاطرات وی تحت عنوان «امیدها و ناامیدی‌ها» که مصاحبه وی با بخش «تاریخ شفاهی» دانشگاه «هاروارد» است، توسط این مرکز پس از فوت وی منتشر شد.

تاریخ: ۱۵ - بهمن ماه ۱۳۳۰

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به طوری که طرفداران راشد در مسجد سپهسالار صحبت می‌کرده‌اند. پس از سقوط کابینه «نحاس پاشا» در مصر، فدائیان اسلام در ایران مورد توجه مقامات خارجی مخصوصاً انگلیسی‌ها قرار گرفته و قصد دارند با تقویت این جمعیت وسیله اغتشاش و بی‌نظمی و ترور بعضی اشخاص را فراهم نمایند. جمعیت فدائیان اسلام که آزادی نواب صفوی را عنوان قرار داده‌اند، اخیراً از تضییقاتی که وسیله طرفداران شمس‌الدین قنات‌آبادی و دکتر بقائیه، دستگاه پلیس به آنها وارد می‌شود،

۱۲۲۰ م. ۱۰ رجب

۱. در بیان کلمات و جملات که در این کتاب آمده است، سعی شده است که به گونه‌ای باشد که برای همه قابل فهم باشد.

بیشتر عصبانی شده و آماده همه گونه شدت عملی شده‌اند.

تاریخ: ۱۳۳۰/۱۱/۱۹

تیمسار ریاست ستاد ارتش

محترماً عطف به امریه<sup>۱</sup> شماره ۱۵۲۴۶ -

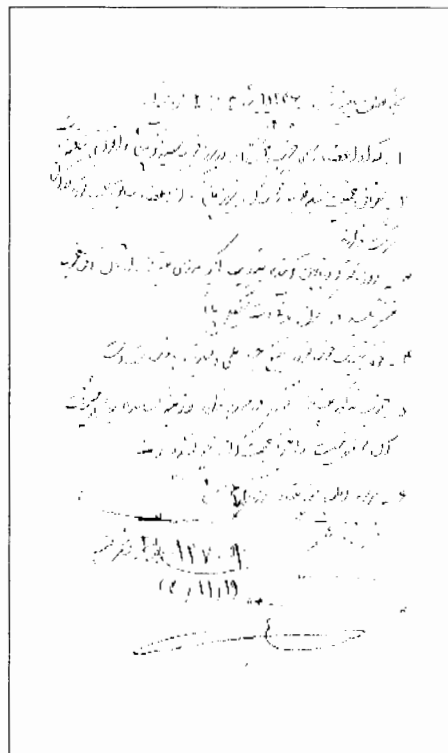
۳۰/۱۱/۵ شعبه ۴ رکن ۲، معروض می‌دارد:

۱- تعداد اعضای رسمی حزب زحمتکشان در تبریز قریب سیصد نفر می‌باشد و افزایش نیافته است.

۲- عنوان جمعیت شعبه حزب زحمتکشان تبریزیان و از اعضای سابق حزب توده در آن شرکت ندارند.

۳- روزنامه آذربایجان آینده به مدیریت اکبر مدرسی به عنوان ارگان آن حزب منتشر می‌شد که اکنون تعطیل می‌باشد.

۴- نحوه تبلیغات حزب مزبور به نفع جبهه



ملی و مبارزه با حزب توده است.

۵- حزب مذکور چندان نفوذی در مردم ندارد و زمینه مساعدی برای پیشرفت آن موجود نیست و اخیراً جمعیت آن زیاد نشده است.

۶- هرگونه اطلاع مفید متعاقباً گزارش خواهد شد.

رکن ۲- سرلشکر مقبلی

۱- متن امریه چنین است:

پیرو بخشنامه شماره ۴/۱۳۱۷۶ [مورخ ۳۰/۱۰/۱]، مقتضی است قدغن نمایند در مورد تشکیل حزب زحمتکشان مراتب زیر را تحقیق، هر چه زودتر نتیجه را گزارش دهید:

۱ سازمان، تعداد اعضا، افزایش اعضا

۲ چیزیکه بیشتر جلب توجه می‌نماید، اسم جمعیت است که آیا کمیته مرکزی، یا محلی، یا بخش است و اعضای حزب توده سابق در آن شرکت دارند یا خیر و علت اینکه به حزب زحمتکشان پیوسته‌اند، چیست [۹] آیا حقیقتاً از مرام فعلی خود منصرف شده‌اند یا منظوری دارند؟

۳ روزنامه‌های آن با سوابق و بیوگرافی روزنامه‌نگاران

۴ تبلیغات و نحوه تبلیغات باید خیلی روشن باشد.

۵ میزان نفوذ، آیا زمینه مساعدی برای پیشرفت حزب موجود است [۹] آیا اخیراً جمعیت آن زیاد شده است یا خیر [۹]

۶ هرگونه اطلاع مفید راجع به آن فوراً گزارش گردد.

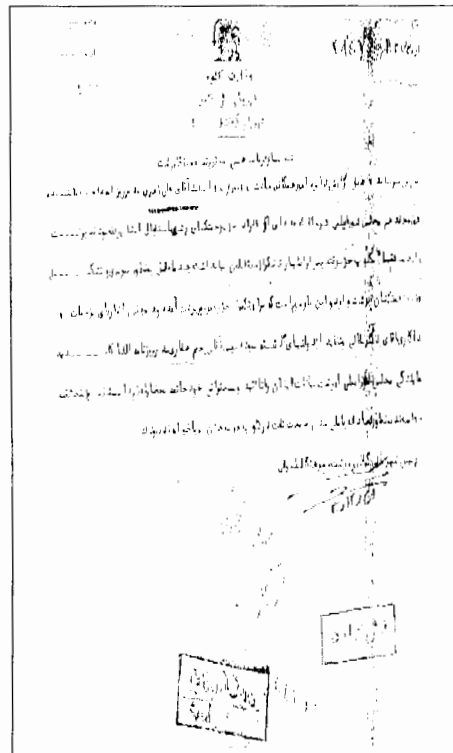
رئیس ستاد ارتش سرلشکر گرزن

رک: ضمیمه ۴

تاریخ: ۱۳۳۰/۱۲/۲۸

## وزارت کشور

به عرض می‌رساند. طبق گزارش دایره امور همگانی، ساعت ۱۸ روز ۲۵ اسفند، آقای علی زهری مدیر روزنامه شاهد و نماینده دوره هفدهم مجلس شورای ملی در حالی که عده‌ای از افراد حزب زحمتکشان رشت، استقبال ایشان رفته بودند، به رشت آمده مستقیماً به کلپ حزب رفته پس از اظهار تشکر از مستقبلین، بیان داشت چند ماه قبل به منظور پی‌ریزی و تشکیل حزب زحمتکشان به رشت وارد و این، بار دوم است که برای تکمیل حزب مزبور به رشت آمده و همچنین اشاره‌ای به زحمات و فداکاری آقای



دکتر بقائی و تنقید<sup>۱</sup> از دولتهای گذشته نموده سپس آقای رحیم صفاری<sup>۲</sup> مدیر روزنامه الفبا<sup>۳</sup> کاندید نمایندگی مجلس شورای ملی از رشت بیانات ایشان را تأیید و به سخنرانی خود خاتمه داد. به حصار اعلام داشتند روز پنجشنبه ۲۹ اسفند به منظور تصادف با ملی شدن صنعت نفت در کلپ حزب، جشن برپا خواهند نمود.

رئیس شهربانی گیلان. رشت سرهنگ فیلسوفی

۱- تنقید: به معنی انتقاد. تنقید غلط است و صحیح آن نقد و انتقاد است.

رک: لغت‌نامه دهخدا

۲- رحیم صفاری: فرزند صادق، در سال ۱۳۹۱ ه‍.ش در لاهیجان متولد شد. دارای دیپلم روزنامه‌نگاری و لیسانس علوم سیاسی بوده است. نامبرده خرده مالک، نویسنده، رئیس حزب زحمتکشان در رشت، دبیر حزب مذکور در لاهیجان، رئیس جمعیت دوستداران کتاب، رئیس کمیته حزب ملیون لاهیجان، مدیر روزنامه «الفبا» و در دوره‌های هفدهم و بیستم داوطلب نمایندگی مجلس شورای ملی بوده و به نفع حزب زحمتکشان و نیروی سوم فعالیت داشته است. ولیکن موفق نگردیده و به تهران کوچ نموده و فعالیت خود را در حزب مذکور ادامه داده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- الفبا:

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رحیم صفاری  
موضوع: سیاسی، انتقادی، اجتماعی، ادبی و اقتصادی



تاریخ تاسیس: ۱۳۲۴

محل انتشار: تهران

فاصله انتشار: هفتگی

این نشریه با همکاری کارکنان و نویسندگان «مرد امروز» منتشر شده است.

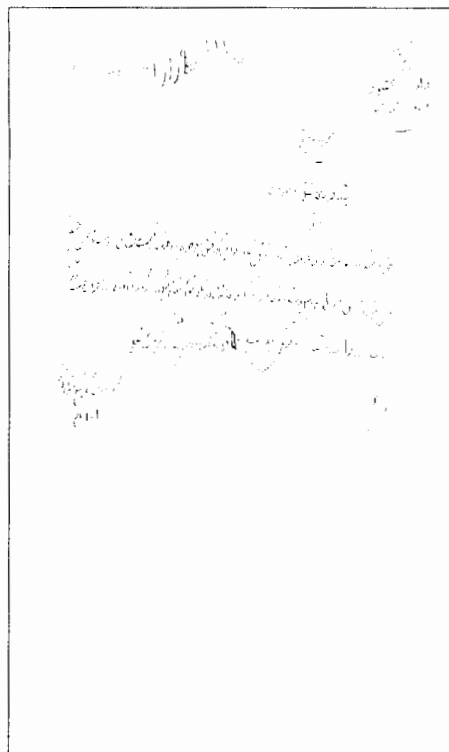


تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۹

## گزارش

محترماً معروض می‌دارد: طبق گزارش گروهان ۱، به گزارش پاسگاه «اسکو»<sup>۱</sup> اخیراً در بخش اسکو حزبی به نام حزب زحمتکشان با مسوولیت آقای حسن حنیفه اهل و ساکن اسکو تأسیس و مشغول نام‌نویسی می‌باشند بدینوسیله یک برگ رونوشت از آگهی‌های منتشره در اسکو تلواً تقدیم می‌گردد<sup>۲</sup> هرگونه اقداماتی از طرف حزب مزبور در آتیه مشاهده و معمول گردد مراتب در ثانی به عرض خواهد رسید.

فرمانده هنگ ژاندارمری تبریز سرهنگ ۲ شفقی



۱- اسکو USKU: از آبادترین بخشهای پنجگانه حومه شهرستان تبریز است. از شمال به تبریز، از جنوب به آذرشهر، از غرب به دهستان ممقان و ایلخچی و ساحل شرقی دریاچه ارومیه و از مشرق به روستاهای حومه تبریز محدود است. فاصله اسکو از تبریز، ۳۴ کیلومتر و فاصله آن تا خسروشهر و جاده ترانزیتی تبریز به مراغه، شش کیلومتر می‌باشد. اسکو از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین بخشهای تبریز و آذربایجان است.

۲- در متن آگهی که ضمیمه جریده آذربایجان آینده بوده، چنین آمده است:

«به اطلاع عموم اهالی محترم اسکو می‌رساند:

حزب زحمتکشان ملت ایران با رهبری دکتر مظفر بقائی قهرمان مبارزه نفت در تهران تشکیل و چندی است کمیته ایالتی آن در تبریز افتتاح یافته است قدمهای مؤثری در حفظ استقلال ایران عزیز و طرد و راندن اجانب از کشور برداشته و در بهبود وضع زندگی زحمتکشان فکری و یدی از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نداشته و نخواهد داشت، اگر طالب سعادت و آزادی می‌باشید، اگر می‌خواهید بیکاری‌ها و بدبختیها و اختلاف‌ها خاتمه یابد، اگر می‌خواهید ایران آزاد و مستقلی بوجود آورید، در حزب زحمتکشان ملت ایران «اسکو» نام‌نویسی کنید.

حزب زحمتکشان ملت ایران شعبه اسکو

شماره: ۴۰۲/۲۸۶ تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۱۷

### تیمسار ریاست ارتش

معروض می‌دارد برابر گزارش واصله، حزب زحمتکشان شعبه تبریز اخیراً درصدد توسعه حزب برآمده و چند روز است که سران حزب به اطراف تبریز از جمله خسروشهر<sup>۱</sup> و اسکو مسافرت نموده و به سخنرانی و میتینگ مبادرت و شعبه حزب را در قصبه اسکو افتتاح و شروع به اسم‌نویسی کرده‌اند. ضمناً به طوری که در اعمال سران این جمعیت بررسی شده، نامبردگان غالباً درصدد کلاهبرداری و اخاذی بوده و سال گذشته به عنوان جمع‌آوری آبونمان روزنامه آذربایجان آینده (ارگان حزب) مبالغی از مردم اخاذی و پس از چند

شماره انتشار روزنامه تعطیل گردید و یک ماه قبل نیز نمایشی به نفع حزب در صحنه شیر و خورشید به معرض تماشا گذاشتند که وجوه حاصله بین سران حزب، تقسیم گردید و اخیراً نیز درصدد هستند نمایشی به نفع روزنامه آذربایجان آینده به معرض نمایش بگذارند. مراتب استحضاراً معروض گردید.

سررنگ مقبلی  
رمز شد

شماره انتشار روزنامه تعطیل گردید و یک ماه قبل نیز نمایشی به نفع حزب در صحنه شیر و خورشید به معرض تماشا گذاشتند که وجوه حاصله بین سران حزب، تقسیم گردید و اخیراً نیز درصدد هستند نمایشی به نفع روزنامه آذربایجان آینده به معرض نمایش بگذارند. مراتب استحضاراً معروض گردید.

سررنگ مقبلی

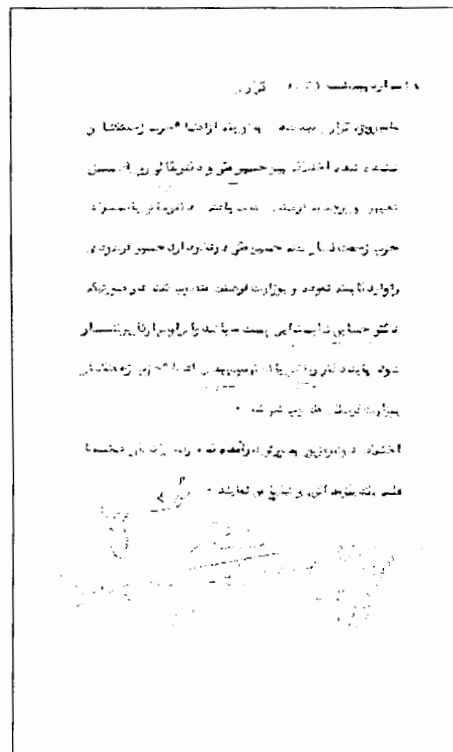
رمز شد

۱- خسروشهر: از آبادترین و حاصلخیزترین شهرهای تابعه بخش اسکو است که در مسیر جاده ترانزیتی تبریز به مراغه قرار گرفته است. فاصله خسروشهر تا تبریز ۲۸ کیلومتر و تا اسکو ۶ کیلومتر است. از مغرب این شهرک و از میان اراضی کشاورزی و باغها، خط آهن تبریز تهران می‌گذرد.

تاریخ: ۱۸- اردیبهشت ۱۳۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از اعضای حزب زحمتکشان شنیده شده اختلاف بین حسین مکی و دکتر بقائی روی اصل تعیین وزیر جدید فرهنگ شدت یافت. دکتر بقائی به افراد حزب زحمتکشان گفته، حسین مکی در نظر دارد حسین فرهودی<sup>۱</sup> را وارد کابینه نموده و به وزارت فرهنگ منصوب کند در صورتی که دکتر حسابی<sup>۲</sup> شایسته این پست می باشد و اگر او هم از کار برکنار شود باید دکتر ریاضی<sup>۳</sup> یا دکتر سپهبدی، اعضای حزب زحمتکشان به وزارت فرهنگ منصوب شوند.<sup>۴</sup>



اختلاف دو نفر مزبور به صورتی درآمده که طرفدارانشان علناً علیه یکدیگر مذاکره و تبلیغ می نمایند.

۱- حسین فرهودی: فرزند سید مرتضی، در سال ۱۲۸۵ هـ در تهران متولد گردید. تحصیلات خود را در رشته حقوق در دانشگاه تهران تا مقطع لیسانس به پایان رسانید و بعد از آن در رشته حقوق و معارف اسلامی مدرک دکترای گرفت. نامبرده عضو مؤسس حزب ملیون، رئیس شورای مسائل شهری حزب ایران نوین، عضو انجمن ایران و آمریکا و... بوده است. همچنین وی عضو لژهای مختلف فراماسونری از جمله لژ مزدا، سعدی و فارابی بوده است. فرهودی پست های متعددی در مراکز مختلف کشور داشته، از جمله رئیس دفتر وزارتی وزارت فرهنگ، مدیرکل و رئیس دانشکده کشاورزی کرج، نماینده ادوار ۱۴ و ۱۶ مجلس شورا، عضو مجلس موسسان، معاون نخست وزیر، رئیس انجمن شهر و...

۲- دکتر محمود حسابی: متولد در تهران و دارای دکترای طب در قسمت رادیولوژی از فرانسه بوده است. وی آشنائی کامل به زبانهای فرانسه و انگلیسی داشته و تا سال ۱۳۳۶ در مشاغلی چون عضو هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت، استاد و رئیس دانشکده علوم، ناظم دانشکده فنی، وزیر فرهنگ در کابینه دکتر مصدق، مشغول به فعالیت بوده و بین دانشگاهیان به انیشتین ایران شهرت داشته است. در اسناد ساواک قید گردیده: «برابر سوابق موجود در سال ۲۵۱۶ به مناسبت هفتمین سال تأسیس حزب زحمتکشان جشنی در محل حزب واقع گردیده که عده زیادی از دوستان دکتر بقائی و آقای دکتر محمود حسابی نماینده مجلس سنا طبق دعوت دکتر بقائی برای شرکت در مراسم جشن حزب

زحمتکشان به محل حزب آمده بودند». و یا: «نامبرده در معیت بعضی از سناتورها و نمایندگان سابق مجلسین و استادان دانشگاه که منجمله آقای دکتر بقائی کرمانی نیز غالباً در این جلسات شرکت دارد، جلساتی در هر پانزده روز یا یک ماه یک دفعه تشکیل داده و در اطراف امور سیاسی کشور مذاکراتی می نمایند. پرونده های انفرادی ساواک ۳- عباس ریاضی کرمانی: فرزند غلامحسین، در سال ۱۲۸۶ هـ در شهر کرمان به دنیا آمد. وی استاد ریاضیات دانشکده علوم دانشگاه تهران و دارای درجه دکترا در رشته ریاضیات بوده است. در سند ساواک به تاریخ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ آمده است:

«برابر سوابق موجود، نامبرده عضو حزب زحمتکشان ملت ایران و از دوستان قدیمی مظفر بقائی کرمانی رهبر حزب مذکور بوده که همکاری خود را از سال ۱۳۳۱ با این حزب آغاز نموده است. مشارالیه ضمن شرکت در جلسات متشکله حزب موصوف، همگام با سایر اعضا، درباره مسایل مختلف جاری مملکتی بحث و بعضاً مسوولان مربوطه را مورد انتقاد قرار داده است. ضمناً یادشده فوق، در مذاکرات معموله با تجزیه و تحلیل وضعیت دانشگاه های کشور، مطالب انتقادآمیزی علیه مسوولان آنها بیان داشته است.»

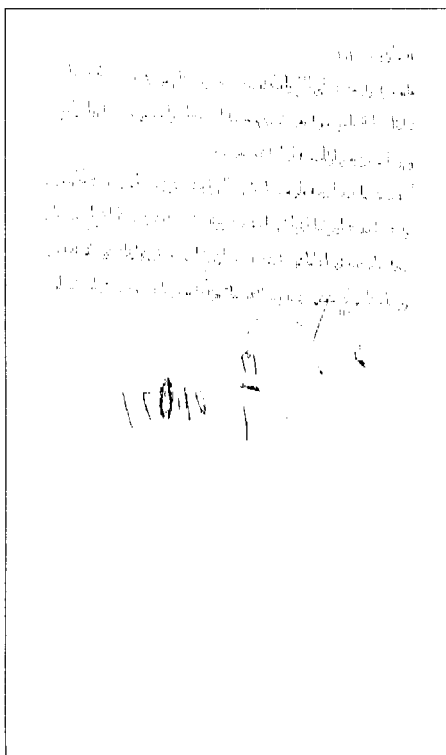
۴- در روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰، دکتر کریم سنجابی به ریاست وزارت فرهنگ منصوب شد و در روز چهاردهم آذر ماه ۱۳۳۰ دکتر محمود حسابی، رئیس دانشکده علوم به جای وی به وزارت فرهنگ تعیین گردید.

تاریخ: ۲۱- اردیبهشت ۱۳۳۱

مأمور ویژه گزارش می‌دهد طبق اطلاع  
واصله، در حوزه‌های حزب زحمتکشان نسبت  
به ارتش و دستگاه شهربانی تبلیغات مخالف  
آمیزی نموده و می‌گویند در شهرستانها،  
ارتش موجبات مزاحمت حزب زحمتکشان را  
فراهم و شهربانی نیز بعضی اوقات توده‌ای‌ها را  
تقویت می‌کند.

گفته می‌شود نمایندگان جبهه ملی  
مخصوصاً نمایندگان وابسته به حزب  
زحمتکشان در دوره ۱۷ مجلس شورای ملی  
برای تقلیل بودجه ارتش فعالیت‌هایی خواهند  
نمود و مهندس رضوی<sup>۱</sup> که در دوره ۱۵  
مخالفت‌های شدیدی با ارتش نمود، در این

دوره نیز اقداماتی برای تجدید قدرت ارتش خواهد نمود این تبلیغات هنوز علنی نشده و در  
روزنامه شاهد هم منعکس نگردیده و فعلاً در جلسات حوزه‌ها موضوع مطرح و مورد بحث قرار  
گرفته است.



۱- مهندس احمد رضوی: در سال ۱۲۸۴ ه‍.ش در کرمان متولد و تحصیلات مقدماتی را در کرمان و سپس در دارالفنون و  
الباس فرانسه (در تهران) به پایان برده است. در سال ۱۳۰۸ به اروپا رفته و مشغول به تحصیل شده و مدرک مهندسی را  
اخذ کرده است.

وی از اعضای مؤسس جبهه ملی و طرفداران جدی دکتر مصدق بوده است. فعالیت سیاسی رضوی از دوره چهاردهم  
مجلس شورای ملی آغاز شده و با سخنرانی‌ها و اقدامات سیاسی، توجه مردم را به خود جلب نموده و در خصوص شرکت  
نفث سخنرانی‌های شدیدی داشته است. وی نایب رئیس مجلس در دوره ریاست آیت‌الله کاشانی بوده و با عمال بقائی  
مقابله سرسختانه‌ای داشته است.

برونده‌های انفرادی ساواک



## گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکی است، در بعضی محافل، شایع شده است که به زودی جمعیتی به نام «جمعیت پارتیزانی» در شرف تشکیل است که وابسته به دکتر بقائی و حزب زحمتکشان خواهد بود و از هم اکنون عده‌ای مأموریت دارند کسبه و اصناف را برای نام‌نویسی و فعالیت در آن جمعیت تشویق نمایند.

## گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکی است در بعضی محافل شایع شده است که بزودی جمعیتی بنام «جمعیت پارتیزانی» در شرف تشکیل است که وابسته به دکتر بقائی و حزب زحمتکشان خواهد بود و از هم اکنون عده‌ای مأموریت دارند کسبه و اصناف را برای نام‌نویسی و فعالیت در آن جمعیت تشویق نمایند.



تاریخ: ۵- آبانماه ۳۱

### گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به طوری که شنیده شده بعد از تجزیه حزب زحمتکشان<sup>۱</sup> آقای آیت‌الله کاشانی نسبت به دکتر بقائی بدبین شده و بطور غیر مستقیم درصد تقویت دسته خلیل ملکی برآمده است.

در شماره روز جمعه ۳۱/۸/۲ (نیروی سوم) که مخصوصاً از دین و مذهب طرفداری نموده بودند نشانه نزدیکی آنان به آقای آیت‌الله کاشانی است. ضمناً کلوپ دسته خلیل ملکی به نام حزب زحمتکشان در خیابان سعدی کوچه بدایعی افتتاح شده و گفته می‌شود که در این روزها هواخواهان

دکتر بقائی قصد دارند به آنجا حمله کرده و در این صورت احتمال زد و خورد شدید بین هر دو می‌رود.

۱- از اوایل سال ۱۳۳۱، بقائی به تدریج مخالفت‌هایی علیه دولت دکتر محمد مصدق ابراز می‌داشت. در این زمان در حزب زحمتکشان در مورد مسأله مصدق دو دیدگاه پدید آمد. دیدگاه بقائی که دوران همکاری با مصدق را پایان یافته می‌دید و دیدگاه ملکی که به تداوم همکاری با مصدق تمایل داشت. از ۲۶ تیرماه ۱۳۳۱ مواضع بقائی در این زمینه علنی شد. در این روز، شاه مصدق را از نخست‌وزیری برکنار و احمد قوام را به جای او منصوب نمود. در همین روز، دکتر عیسی سپهبدی توسط بقائی با قوام دیدار کرد. خلیل ملکی و همراهانش از این ملاقات مطلع و خواستار آن گردیدند که مضمون گفتگوهای سپهبدی با قوام به اطلاع اعضای حزب برسد. بقائی ابتدا تمارض کرد و در بیمارستان خصوصی رضانور بستری شد. پزشک وی اعلام کرد که کسی حق ملاقات با بقائی را ندارد. به دلیل تمارض بقائی، رسیدگی به مسأله تا مهرماه ۱۳۳۱ به تعویق افتاد. در ۲۰ مهرماه جلسه حزبی تشکیل شد و بقائی که می‌کوشید از پاسخگویی طفره رود، با عصبانیت جلسه را ترک و از حزب استعفا کرد و در خانه نشست. سپس، هواداران او، در عصر ۲۲ مهرماه، به دفتر حزب ریختند و طرفداران ملکی را، پس از ضرب و شتم، بیرون رانده و بقائی را از منزل به مرکز حزب آوردند و در اجتماعی، دوازده نفر از اعضای حزب را اخراج کردند. بقائی در اطلاعیه‌ای که در روزنامه شاهد منتشر شد، علت اخراج خلیل ملکی را کمونیست بودن او عنوان کرد، در پی این اطلاعیه، حزب زحمتکشان به دو گروه منشعب شد: حزب زحمتکشان ملت ایران به رهبری بقائی و حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) به رهبری خلیل ملکی.

رک: زندکینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، همان، صفحات ۱۹ و ۲۰

۵- آبانماه ۳۱ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد: پذیرفته نشده شده بعد از تجزیه حزب زحمتکشان آقای آیت‌الله کاشانی نسبت به بقائی بدبین شده و بطور غیر مستقیم درصد تقویت دسته خلیل ملکی برآمده است. در شماره روز جمعه ۳۱/۸/۲ (نیروی سوم) که مخصوصاً از دین و مذهب طرفداری نموده بودند نشانه نزدیکی آنان به آقای آیت‌الله کاشانی است. ضمناً کلوپ دسته خلیل ملکی به نام حزب زحمتکشان در خیابان سعدی کوچه بدایعی افتتاح شده و گفته می‌شود که در این روزها هواخواهان دکتر بقائی قصد دارند به آنجا حمله کرده و در این صورت احتمال زد و خورد شدید بین هر دو می‌رود.

تاریخ: ۲۱-آبانماه ۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد، شب گذشته در مجمع مسلمانان مجاهد صحبت بوده است که اخیراً بین دکتر بقائی و دکتر حسین فاطمی اختلاف شدیدی ایجاد گردیده و آقای دکتر فاطمی خلیل ملکی را تقویت می‌نماید که علیه دکتر بقائی فعالیت و مبارزه نماید.<sup>۱</sup> ضمناً اضافه نموده‌اند که به غیر از دکتر بقائی، شمس قنات‌آبادی، علی زهری و دکتر شایگان نمایندگان فراکسیون نهضت ملی<sup>۲</sup> نیز با وزارت دکتر فاطمی مخالف می‌باشند.

۲۱-آبانماه ۳۱ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد: شب گذشته در مجمع مسلمانان مجاهد صحبت بوده است که اخیراً بین دکتر بقائی و دکتر حسین فاطمی اختلاف شدیدی ایجاد گردیده و آقای دکتر فاطمی خلیل ملکی را تقویت می‌نماید که علیه دکتر بقائی فعالیت و مبارزه نماید. ضمناً اضافه نموده‌اند که به غیر از دکتر بقائی، شمس قنات‌آبادی، علی زهری و دکتر شایگان نمایندگان فراکسیون نهضت ملی نیز با وزارت دکتر فاطمی مخالف می‌باشند.

۱- خلیل ملکی، برخی از اختلاف نظرهای شخصی بقائی را با مصدق درک می‌کرد و خودش هم درباره برخی از سیاستهای داخلی و خارجی مصدق به او انتقادهایی جدی داشت اما رو در روی دولت مصدق ایستادن را، کم از فاجعه نمی‌دانست. خلیل ملکی در نامه خود به آیت‌الله کاشانی درباره علت جدائی از بقائی چنین می‌نویسد: «آنچه مسلم است، حزب زحمتکشان و این جانب... نمی‌توانستیم چشم بسته، تسلیم توطئه‌هایی شویم که عاقبت آن را برای کشور خطرناک می‌بینیم. این جانب [رهبری] یک سرلشکر نجیب را برای ایران هرگز قابل قبول نمی‌دانم ولو به این فرض که برای مصر احیاناً مفید باشد. شخصیت دکتر مصدق، ما را از سرلشکر نجیب‌هایی که واقعاً هم نجیب باشند، مستغنی می‌سازد و هیچ سرلشکر نجیب ایرانی علیه دکتر مصدق اقدامی نمی‌کند.» رک: روزنامه نیروی سوم، شماره ۲۲ مهرماه ۱۳۳۱

۲- فراکسیون نهضت ملی: با آغاز مجدد دولت دکتر مصدق در مرداد ماه ۱۳۳۱ هجری جناب جبهه ملی مجلس با نام «فراکسیون نهضت ملی» اعلام موجودیت کرد. تعداد آنها ۳۲ نفر و به شرح زیر بوده‌اند:

- |                        |                          |                        |
|------------------------|--------------------------|------------------------|
| ۱- میرزا احمدخان اخگر  | ۱۲- علی زهری             | ۲۳- نادعلی کریمی       |
| ۲- سیدمحمدعلی انگجی    | ۱۳- مهندس احمد زیرک‌زاده | ۲۴- علی اصغر مدرس      |
| ۳- محمدرضا اقبال       | ۱۴- محمدابراهیم شاپوری   | ۲۵- یوسف مشار          |
| ۴- دکتر مظفر بقائی     | ۱۵- دکتر سیدعلی شایگان   | ۲۶- دکتر عبدالله معظمی |
| ۵- اصغر پارسا          | ۱۶- سیدمرتضی شبستری      | ۲۷- سیدحسین مکی        |
| ۶- سیدباقر جلالی موسوی | ۱۷- سیداحمد صفایی        | ۲۸- دکتر ابوالحسن ملکی |

- ۷- سید ضیاء الدین حاج سید جواد  
 ۸- سید ابوالحسن حائری زاده  
 ۹- مهندس کاظم حسینی  
 ۱۰- سید جواد خلخالی  
 ۱۱- مهندس احمد رضوی  
 ۱۸- فخرالدین فرزانه  
 ۱۹- دکتر خلیل فلسفی  
 ۲۰- خسرو قشقایی  
 ۲۱- محمد حسین قشقایی  
 ۲۲- سید شمس الدین قنات آبادی  
 ۲۹- سید ابراهیم میلانی  
 ۳۰- دکتر احمد ناظرزاده  
 ۳۱- محمود نریمان  
 ۳۲- حسام الدین وکیل پور  
 اصغر پارسا هم به عنوان سخنگوی فراکسیون نهضت ملی انتخاب شد.

تاریخ: ۲۸- آبانماه ۳۱

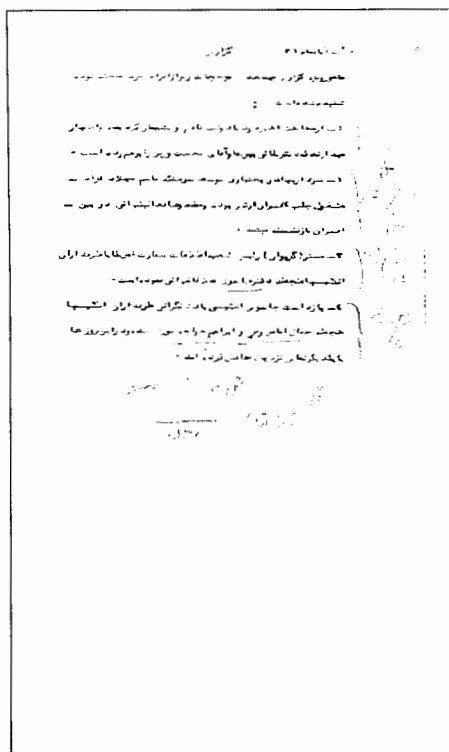
## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد موضوعات زیر از افراد حزب منحل توده شنیده شده است:

۱- از مخالفت اخیر خود با دولت، نادم و پشیمان گردیده و اظهار می‌دارند که دکتر بقائی بین ما و آقای نخست‌وزیر را برهم زده است.

۲- سردار بهادر بختیاری توسط سرهنگ قاسم مجلادنژاد مشغول جلب افسران ارتش بوده و مخصوصاً فعالیت‌هایی در بین افسران بازنشسته می‌کند.

۳- مستر «کریوان» رئیس شعبه اطلاعات سفارت آمریکا با طرفداران انگلیسها منجمله



دکتر طاهری ملاقات‌هایی نموده است.

۴- بازداشت جاسوس انگلیسی، باعث نگرانی طرفداران انگلیسها منجمله جمال امامی و فرخ<sup>۱</sup> و ابراهیم خواجه‌نوری<sup>۲</sup> شده و در این روزها با یکدیگر تماس نزدیک حاصل کرده‌اند.

دکتر بقائی

۱- محمود فرخ: فرزند سیداحمد، در سال ۱۲۷۶ ه‍.ش در مشهد متولد شد. نامبرده استاد افتخاری دانشگاه و نماینده مجلس شورای ملی در دوره دوازدهم (۱۳۱۸-۱۳۲۰) و سیزدهم (۱۳۲۰-۱۳۲۲) از قوچان بوده است.

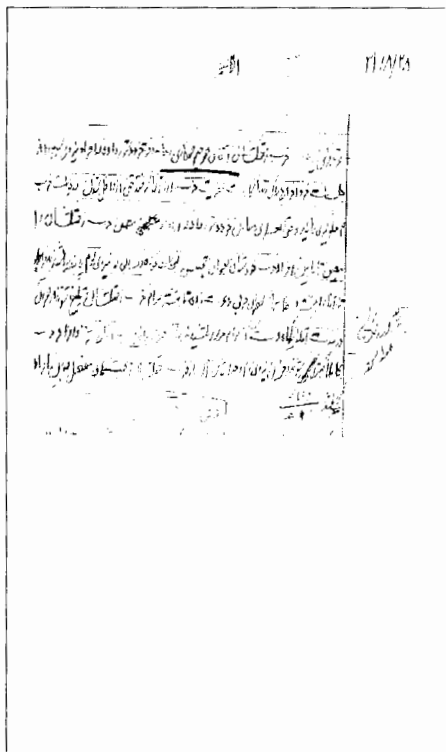
۲- ابراهیم خواجه‌نوری: فارغ التحصیل دانشکده علوم اداری «بروکسل» بود. از جمله مشاغل یاد شده عبارت بوده از: روزنامه‌نگاری، نویسندگی، وکالت دادگستری، نمایندگی مجلس شورای ملی و سناتور انتخابی مجلس سنا و معاونت نخست‌وزیر. همچنین عضو مؤسس حزب عدالت، عضو هیأت مدیره شورای عالی جمعیت طرفداران حکومت متحده جهانی، عضو کلوپ روتاری و عضو فعال جمعیت جهانی فراماسونری و صاحب امتیاز، مجله روانشناسی «گره‌گشا» بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

تاریخ: ۱۳۳۱/۸/۲۸

## اطلاعیه

محترماً به عرض می‌رسد حزب زحمتکشان<sup>۱</sup> آقای رحیم صفاری رسماً به دفتر خود دستور داده که افراد نیروی سوم<sup>۲</sup> را از جلسات خود اخراج بلکه رسماً کارت عضویت حزب را از آنها گرفته حتی از داخل شدن در حیات حزب هم جلوگیری نمایند و حتی به عسکری معاون خود دستور داد که افراد مطمئن حزب زحمتکشان را معین تا بین افراد حزب خودشان به عنوان تجسس، کنجکاوی نموده و کسانی که به نیروی سوم پایبند می‌باشند، به دفتر اطلاع، تا آنها را بیشتر در کلاسهای مخصوص حزبی دعوت



نموده تا بیشتر به مرام حزب زحمتکشان تبلیغ شوند در صورتی که در مدت اقلایک ماد، دست از مرام مزبور نکشیدند به بهانه مخصوص از حزب اخراج شوند. افراد حزب کاملاً کنترل می‌شوند و جریان نیروی سوم و جدا شدن آن از حزب زحمتکشان بحث‌های مفصل در بین افراد می‌باشد.

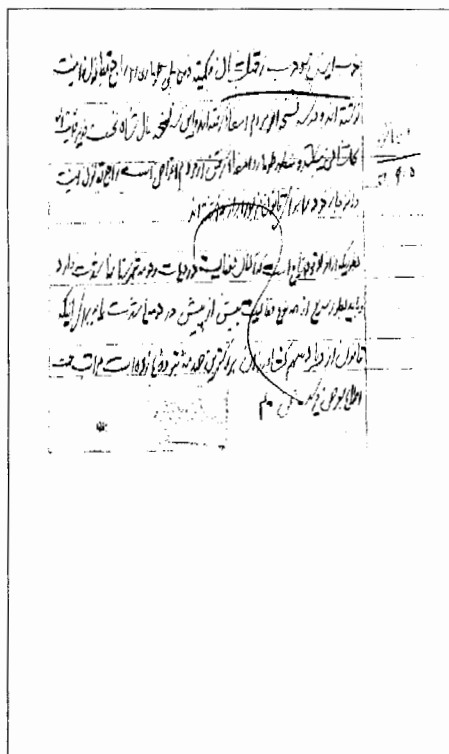
۱- گزارش آمده در این سند و سند بعدی، درباره حزب زحمتکشان شعبه رشت است.

۲- حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم): جدائی خلیل ملکی و یاران او از بقائی و تأسیس حزب زحمتکشان «نیروی سوم» آنها را قدرتمندتر ساخت. حزب جدید، به عنوان یک سازمان مترقی، ضمن انتقاد سالم از جبهه ملی، از دولت مصدق پشتیبانی می‌کرد. نشریات متعدد حزب، چون «علم و زندگی» که نخستین شماره آن در دی ماه ۱۳۳۰ انتشار یافت، همچنین روزنامه «نیروی سوم»، ارکان حزب بودند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، اغلب رهبران و فعالان حزب دستگیر، فراری یا مخفی شدند. خلیل ملکی در شهر یور همان سال بازداشت و چند ماه در قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد زندانی شد. ملکی پس از رهایی از زندان، طرح تشکیل سازمان جدید «جامعه سوسیالیست»ها را تهیه کرد. در شهریور ۱۳۳۹ این سازمان به نام «جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران» معرفی شد که صحنه فعالیت آن بیشتر در خارج از ایران بود. در سال ۱۳۴۴ بار دیگر ملکی دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه و به زندان محکوم گشت.

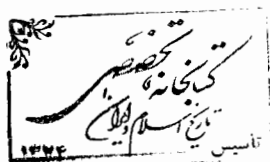
تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۵

حزب ایران و حزب زحمتکشان و کمیته دفاع ملی، طوماری را راجع به قانون امنیت<sup>۱</sup> نوشته‌اند و در سه نسخه از مردم امضا گرفته‌اند. این سه نسخه مال شاه، نخست‌وزیر و آیت‌الله کاشانی می‌باشد و منظور [از] طومار و امضا گرفتن از مردم، اعتراض است راجع به قانون امنیت و انزجار خود را برای قانون مزبور ابراز داشته‌اند.

به طوری که از افراد توده، شایع است الان فعالیت در دهات و حومه شهرستانها شدت دارد و باید بطور سریع همه نوع فعالیت، بیش از پیش، در حومه‌ها شدت یابد برای اینکه قانون ازدیاد سهم کشاورزان، بزرگترین صدمه



را [به توده‌ها زده است مراتب جهت اطلاع به عرض می‌رسد.



۱- در روز ۱ آبان ۱۳۳۱، قانون امنیت اجتماعی مشتمل بر ۹ ماده بر طبق قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد (اختیارات شش ماهه دکتر مصدق) به تصویب دکتر محمد مصدق رسید.

تاریخ: ۱۶- آذرماه ۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در روزهای اخیر، افراد حزب زحمتکشان شدیداً علیه دولت دست به تبلیغات دامنه‌داری زده<sup>۱</sup> و در کلیه مجالس و محافل با توده‌ایها هم‌آواز شده و به نام اینکه حکومت آقای دکتر مصدق با آمریکائیه‌ها هم‌آهنگی دارد شروع به مخالفت با دولت را نموده‌اند ضمناً از بیست روز قبل که زمزمه مخالفت با دولت در حزب زحمتکشان بوجود آمد اصناف و طبقاتی که طرفدار شخص آقای دکتر مصدق هستند از حزب مذکور عملاً کناره‌گیری کرده و اکنون فقط دسته‌ای از دوستان دکتر بقائی در حزب باقی

۱۶- آذرماه ۳۱ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در روزهای اخیر افراد حزب زحمتکشان تند به اقدام در جهت دست به تبلیغات دامنه‌داری زده و در کلیه مجالس و محافل با توده‌ایها هم‌آواز شده و به نام اینکه حکومت آقای دکتر مصدق با آمریکائیه‌ها هم‌آهنگی دارد شروع به مخالفت با دولت را نموده‌اند ضمناً از بیست روز قبل که زمزمه مخالفت با دولت در حزب زحمتکشان بوجود آمد اصناف و طبقاتی که طرفدار شخص آقای دکتر مصدق هستند از حزب مذکور عملاً کناره‌گیری کرده و اکنون فقط دسته‌ای از دوستان دکتر بقائی در حزب باقی ماندند و آشکارا با حکومت فعلی مخالفت می‌کنند. افرادی که از حزب زحمتکشان کناره‌گیری کرده‌اند اظهار می‌دارند که جزء دارو دسته خلیل ملکی هستند و یا محرمانه با حزب توده ارتباط دارند طبق نقشه معینی به نام اینکه چرا مسبب واقع سی‌تیر ماه تعقیب نمی‌شوند دکتر بقائی را تحت تاثیر تبلیغات خود قرار دادند. روی این اصل اکنون از اصناف و پیشه‌وران تهران دیگر کسی در حزب باقی نمانده و تاروژی که روش دکتر بقائی نسبت به دولت تغییر ندهد [نکنند] در حزب حاضر نمی‌شوند.

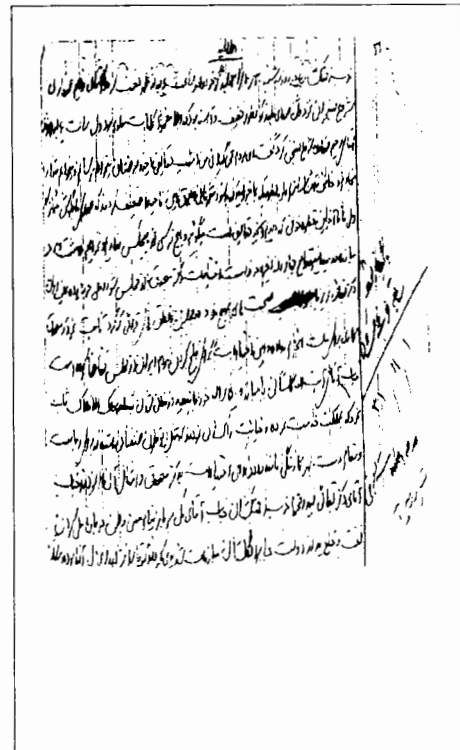
۱- چهارم آذر ماه، دکتر بقائی در مجلس شورا به شدت، دکتر مصدق را مورد انتقاد قرار داد و ۱۷ دی ماه، در یکی از مقاله‌های روزنامه شاهد، دکتر مصدق را به باد انتقاد گرفته و از اطرافیان وی به زشتی یاد کرد. بقائی در جلسه ۲۵ دی، مجلس شورا، به عنوان مخالف تمدید یک ساله اختیارات مصدق، نطق مفصلی ایراد کرد. در اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا درباره حزب زحمتکشان و موضعگیری بقائی نسبت به دکتر مصدق چنین آمده است: «حزب او (مظفر بقائی) بشدت ضد جبهه ملی است و مصدق را یک تهدید برای ایران می‌داند بقائی عکسی از یک دانشجو را که در تظاهرات ضد مصدق، چندین سال پیش کشته شده، روی دیوار خانه‌اش دارد.» (رک: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۳، ص ۱۶۹) دکتر بقائی درباره انگیزه مخالفت‌هایش با دکتر مصدق، بعد از ملی شدن نفت می‌گوید:

«من از مجموع اوضاع و احوال، استنباط کردم که آقای مصدق نمی‌خواهد، مجلس باشد یعنی این شمایی [شمه‌ای] که در نظر من آمد، این بود که ایشان می‌خواهد تغییر رژیم بدهد و شاه را بیرون کند» بازجویی بقائی، ص ۲۲۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۱/۱

## اطلاعیه

حزب زحمتکشان<sup>۱</sup> در روز سه شنبه ۳۱/۱۰/۳۰ بلندگو خود را در ساعت ۶ بعد از ظهر نصب کرد و آقای رحیم صفاری شروع به سخنرانی نمود ولی صدای بلندگو بطور خفیف و آهسته بود که اصلاً مفهوم کلمات معلوم نبود. ساعت ۶ بعد از ظهر آقای رحیم صفاری شروع به سخن کرد گفت ای مردم محترم گیلان، من امشب حقایق را چند به عرضتان می‌خواهم برسانم و می‌خواهم شما را به خادم و خائن آشنا سازم ولی به طوری که به ما خبر رسید به دستور شهربانی، برق این ناحیه را ضعیف کردند که صدای ما به گوش



شما نرسد ولی ما تا آخرین قطره خونی که داریم آنچه حقایق است می‌گوئیم و هیچ ترسی از هیچ کس نداریم و نخواهیم داشت، مرد مبارزه در میدان ایم، وقایع چهار روز اخیر و درخواست اختیارات دکتر مصدق از مجلس شورای ملی<sup>۲</sup> حربهای بوده علیه ایران، دکتر بقائی عزیز با صحبت‌های مهیج خود در مجلس و نطق‌های قرائی که کرد ثابت نمود که مصدق کاری برای ملت انجام نداده و این اختیارات را برای فلج کردن مردم ایران در مجلس تقاضا کرده است. جناب آقای آیت‌الله کاشانی با مبارزه ۵۰ ساله خود، با تبعید و زندانی شدن در قلعه فلک‌الافلاک، ثابت نمود که به مملکت خدمت نموده و خیانت را کسان نمی‌نمودند که مثل بوقلمون صفتانی هستند که برای ریاست و مقام، دست به هر کار ننگی مانند دادن رأی اختیارات به دکتر مصدق و امثال آن را نمودند جناب آقای دکتر بقائی، پدر محترم حزب زحمتکشان، جناب آقای مکی سرباز ... وطن درباره ملی کردن نفت و خلع ید از دولت جابر انگلستان مبارزات شدیدی کردند که تاریخ، شاهد اعمال آنها بوده و می‌باشد.

با یگانی شود در پرونده حزب زحمتکشان ۳۱/۱۱/۱

۱- گزارش در این سند و همچنین دو سند بعدی، مربوط است به حزب زحمتکشان شعبه رشت.

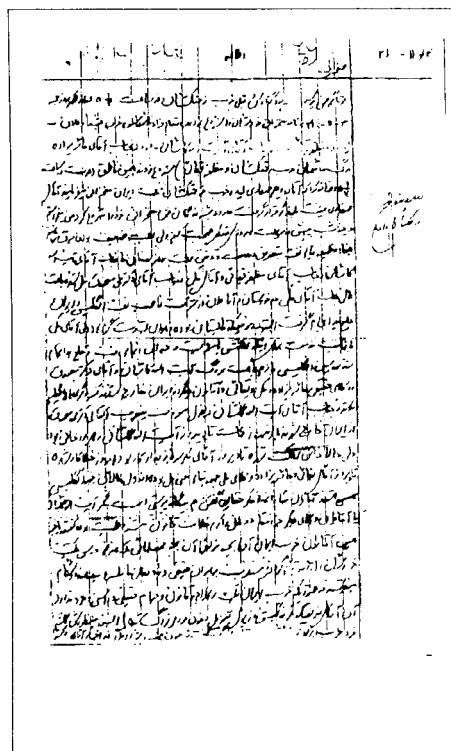


۲- در روز ۱۸ دی ماه ۱۳۳۱، دکتر مصدق در نامه‌ای به مجلس، تمدید اختیارات خود را برای یک سال دیگر تقاضا کرد. پس از قرائت نامه نخست‌وزیر توسط کاظمی، حسین مکی گفت با این وضع، از این مجلس استعفا می‌دهم و استعفای خود را روی تریبون گذاشت و در یک مصاحبه مطبوعاتی مصدق را به هیتلر تشبیه نمود و گفت مصدق مرتکب اشتباهی می‌شود که زیانهای فاحش و جبران ناپذیری برای ایران دارد.

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۱/۳

## اطلاعیه

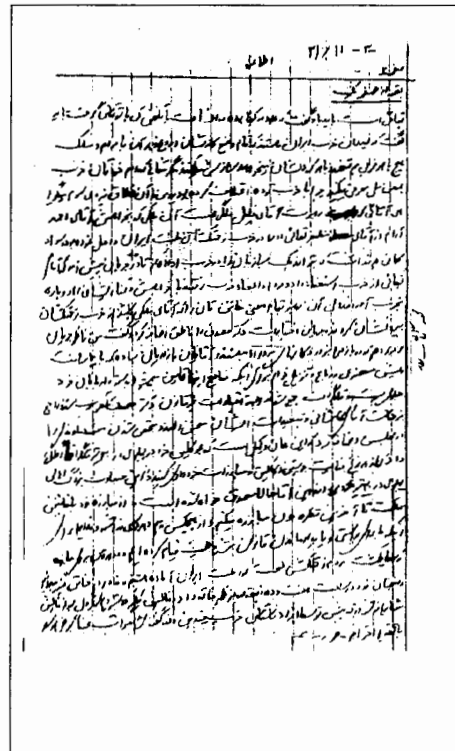
محترماً به عرض می‌رسد پیرو گزارش قبلی، حزب زحمتکشان<sup>۱</sup> از ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر روز جمعه ۳۱/۱۱/۳ برنامه سخنرانی خودشان را شروع نمودند. ابتدا افراد ناشناس حزبی به شعار دادن، درود به مظفر بقائی، درود به جناب آیت‌الله کاشانی، درود به جناب آقای حائری زاده، مرگ به دشمنان حزب زحمتکشان و مظفر بقائی شروع نمودند. همین ناطق درست در ساعت ۵/۳۰ اضافه کرد آقای رحیم صفاری لیدر حزب زحمتکشان ملت ایران سخنرانی می‌فرمایند آقای صفاری پشت بلندگو قرار گرفت و [با]



درود به شنوندگان محترم، سخنرانی خود را شروع کرد. من می‌خواستم در چند شب پیش، از سیاست امروزی قدری صحبت کنم ولی به علت ضعیف بودن برق نتوانستم ایفای وظیفه نمایم. نفت به تصدیق دوست و دشمن به همت رهبر روحانی ما جناب آقای آیت‌الله کاشانی و جناب آقای مظفر بقائی و آقای مکی و جناب آقای دکتر محمد مصدق ملی شد و با همت عالی جناب آقای مکی در خوزستان و آبادان از شرکت غاصب نفت انگلیس و ایران خلع ید انجام گرفت، البته در موقعی که تابستان بوده و هوا به شدت گرم بود، آقای مکی با نهایت خدمت برای اینکه عملش با مسوولیت وجدان انجام گرفت و خلع ید انجام شد مهندسین انگلیسی باز هم با همت بزرگ آیت‌الله کاشانی و آقای دکتر مصدق و وکلای حقیقی، حائری زاده، مکی، بقائی و آقایان دیگر از ایران خارج شدند کنسولگری‌های انگلیسی به دستور جناب آقای آیت‌الله کاشانی و به قول معروف به تصویب آقای دکتر محمد مصدق از ایران خارج شدند. با این همه زحمات، تا

دیروز آیت‌الله کاشانی رهبر روحانی بوده ولی حالا خائن به مملکت شده، تا دیروز آقای مکی سرباز فداکار بود و امروز خطا کار شده، تا دیروز آقای دکتر بقائی و حائری زاده، وکلای ملی جبهه به تمام معنی ملی، بوده‌اند ولی حالا جبهه انگلیسی هستند، آقایان شما را به خدا فکر حقایق

گفتن هم، بیگانه پرستی است مگر آیت الله کاشانی یا آقایان وکلای دیگر جز انتقاد و عملی را که محصلهائی که هنوز درس مکتب خودشان، را قادر به تمام کردن نیستند نسبت به رهبران حقیقی و با وجدان ماناسزا می دهند و دشنام می فرستند در صورتی که حزب ایران یک... و قانون و مرام حقیقی و راستی وجود ندارد، آن آقای مزلفی که زندگیش از پول تنزیل و خون مردم بزرگ شده، البته منظورش... فرد حزب ایران... پشت بلندگو می گفت تریبون مجلس شورای ملی در اختیار آقای دکتر بقائی است باید به او گفت که درد در کجا بوده در آن ساعت با تلفن، کی با تو تماس گرفت باید گفت که لیبران حزب ایران هستند که تمام وضع



کارشان دروغ و هر آن با مرام و مسلک هیچ با هر حزبی می رقصد و با هر که دلشان می خواهد، سازش می کنند مگر شماها که اسم خودتان حزب به معنی ملی معرفی می کنید چرا با حزب توده ائتلاف کرده بودید من با آن نطای نیروی سوم می گویم ای آقائی که رهبرت آقای خلیل ملکی است آن ملکی که به خواهش آقای احمد آرام از آقای مظفر بقائی او را در حزب زحمتکشان ملت ایران داخل نموده بود و سواد کافی هم نداشت که بتواند یک سازمان را در حزب اداره کند تا در جریانی پیش آمد که آقای بقائی از حزب استعفا داد و مردم و اعضای حزب رفتند با خواهش و تمنا ایشان را دوباره به حزب آوردند ولی آن رهبر به تمام معنی خائن تان را که آقای ملکی باشد از حزب زحمتکشان بیرونشان کردند و جریان اختیارات دکتر مصدق را ناطق اضافه کرد و گفت من ناظر جریان امر بودم که در بازار به زور دکانهای مردم را بستند و آقایان و بازاریان ساده که با ۱۰ سانت ریش مصنوعی و ارباب و تنزیل خوار برای اینکه منافع اینها تأمین می شود به دستور اربابان خود جلوی پست و تلگراف جمع شدند البته اختیارات غیر قانونی دکتر مصدق تصویب شد و راجع به زحمات آقای کاشانی و تبعیدات ایشان سخن راند و متحصن شدن معتمد دماوندی را در مجلس اضافه کرد که این همان وکیلی است که به موکلین

خود در ... ۳۰ تیر تلگرافاً اطلاع داد که از هر نوع فعالیت و بستن دکاکین و مبارزات خودداری کنید و این سعادت بزرگ اهالی ... در ۳۰ تیر محروم بودند این آقا حالا مصدق خواه شده است ما از مبارزه خود با خائنین مملکت تا آخرین قطره خون مبارزه می‌کنیم و از هیچکس بیم و هراسی نداشته و نداریم برای اینکه ما برای راستی و پایدار ماندن قانون مشروطیت قیام کرده‌ایم و در هر آن برای مبارزه توسط یک مشت مردم زحمتکش لخت‌عور ملت ایران، آماده هستیم و خادم از خائن غیر می‌دانیم و به سخنان خود در ساعت هفت و ده دقیقه بعد از ظهر خاتمه داد و نمایش ... شروع شد و بعد از نمایش شعاری نوشته ورقه پیش توسط افراد ناشناس حزب چندین دفعه گفته شد مراتب عیناً به عرض می‌رسد با تقدیم احترام.

در پرونده حزب زحمتکشان بایگانی

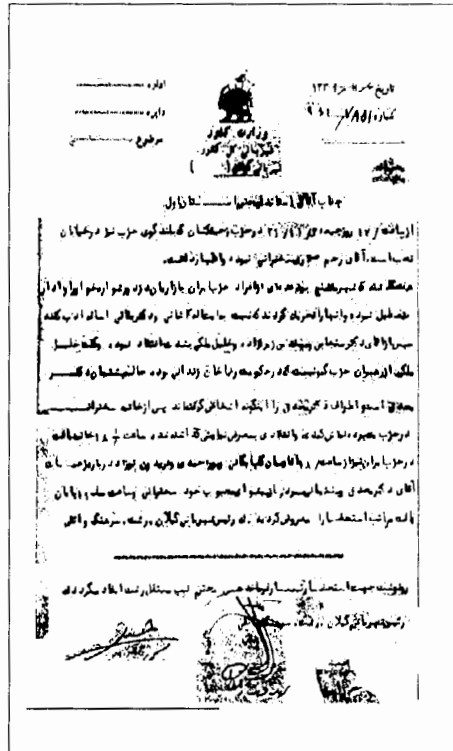
شماره: ۹۶۱/۷۸۵۱ تاریخ: ۱۳۳۱/۱۱/۶

وزارت کشور

شهربانی گیلان

از ساعت ۱۷ روز جمعه ۳۱/۱۱/۳۰ در حزب زحمتکشان که بلندگوی حزب نیز در خیابان نصب است. آقای رحیم صفاری سخنرانی نموده و اظهار داشت:

هفته گذشته که شهر متشنج بود، عده‌ای از افراد حزب ایران، بازاریان دزد و رشوه‌خوار را وادار به تعطیل نموده و آنها را تحریک کردند که نسبت به آیت‌الله کاشانی و دکتر بقائی اسائه ادب کنند، سپس از آقای دکتر سنجابی و مهندس زیرک‌زاده و خلیل ملکی به شدت انتقاد نموده و گفت خلیل ملکی از رهبران



حزب کمونیست که در حکومت رضاخان زندانی بوده، حال پشتیبان دکتر مصدق است و اطراف دکتر مصدق را اینگونه اشخاص گرفته‌اند. پس از خاتمه سخنرانی در حزب یک‌پرده نمایش کمدی و انتقادی به معرض نمایش گذاشته شد. ساعت ۱۸/۳۰ خاتمه یافت. در حزب ایران نیز از ساعت ۱۸ آقایان گلیپایگانی و پوراحمدی و فریدون نوزاد درباره زحمات آقای دکتر مصدق و پشتیبانی مردم از پیشوای محبوب خود سخنرانی و ساعت ۱۹/۳۰ پایان یافت. مراتب استحضاراً معروض گردید.

رئیس شهربانی گیلان. رشت. سرهنگ واثقی

تاریخ: ۱۱- بهمن ۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در ساعت ۲۱ روز گذشته نواب صفوی<sup>۱</sup> رهبر جمعیت فدائیان اسلام در منزل شیخ حسین تهرانی واقع در خیابان خراسان با دکتر بقائی و حائری زاده ملاقات و مدت سه ربع ساعت بایکدیگر مذاکره نموده‌اند.

۱۱- بهمن ماه ۳۱ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد در ساعت ۲۱ روز گذشته نواب صفوی رهبر جمعیت فدائیان اسلام در منزل شیخ حسین تهرانی واقع در خیابان خراسان با دکتر بقائی و حائری زاده ملاقات و مدت سه ربع ساعت بایکدیگر مذاکره نموده‌اند.

۱- نواب صفوی: سید مجتبی میرلوحی مشهور به نواب صفوی در سال ۱۳۰۳ هـ ش در محله «خانی‌آباد» تهران، متولد شد. پدرش سید جواد میرلوحی به دنبال صدور قانون «لباس متحدالشکل»، لباس روحانیت را از تن بیرون کرده و به عنوان وکیل دعاوی دادگستری مشغول به خدمت شد. در پی مشاجره‌ای سخت، سیلی محکمی به صورت علی‌اکبر داور وزیر عدلیه وقت زد که نتیجه آن بازداشت شدن او بود. پس از گذراندن محکومیت ۳ ساله از زندان آزاد شد، اما چندی بعد دارقانی را وداع گفت. در این مدت ۳ سال و نیز پس از مرگ پدر، سید محمود نواب صفوی، دانی سید مجتبی، عهده دار سرپرستی آنها گردید.

سید مجتبی پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در رشته مکانیک، در دبیرستان صنعتی آلمان، مشغول به تحصیل شد. در کنار دبیرستان، علوم دینی را در مسجدی در محله خانی‌آباد فراگرفت. در سال آخر دبیرستان در روز ۱۷ آذرماه ۱۳۲۱ در مدرسه، علیه دولت قوام‌السلطنه سخنرانی کرد. در پی این سخنرانی و تهییج دانش‌آموزان دیگر مدارس و همراهی عده‌ای از مردم ناراضی، علیه قوام تظاهراتی در مقابل مجلس شورای ملی صورت گرفت که از سوی نیروهای دولتی به آنها تیراندازی شد و یکی دو نفر کشته شدند. از آنجایی که رشته او صنعت بود، برای کار در شرکت نفت استخدام شد و پس از چندی به آبادان انتقال یافت. مدتی بعد برخورد شدیدی از سوی یکی از متخصصین انگلیسی شرکت نفت با یکی از کارگران صورت گرفت که به دنبال آن نواب، کارگران را به اعتراض و اجرای قصاص دعوت کرد. با دخالت پلیس و نیروهای نظامی، جریان سرکوب شده و نواب نیز فرار کرده و شبانه به وسیله قایق از آبادان به سوی بصره و سپس روانه نجف شد. برای امرار معاش به ساخت و فروش عطر روی آورد و نزد برخی علمای نجف همچون حاج

آقا حسین قمی و شیخ محمد تهرانی (برای درس تفسیر قرآن) حضور یافت.

هنگام تحصیل در نجف یکی از کتابهای کسروی به دستش رسید که در آن به مقدسات اسلام توهین شده بود. برای مناظره با وی راهی ایران شد. بعد از چند جلسه بحث با کسروی به مبارزه با او پرداخت و در صدد برآمد تا اولین اقدام مسلحانه خود را انجام دهد. در روز هشتم اردیبهشت ۱۳۲۴، کسروی را در چهار راه حشمت‌الدوله هدف گلوله قرار داد و در حالی که سعی در شلیک گلوله‌های دیگر داشت، اسلحه از کار افتاد و نواب به همراه دوستانش توسط نیروهای انتظامی بازداشت شد و کسروی که مجروح شده بود به بیمارستان انتقال یافت و پس از چندی بهبود حاصل کرد و مرخص شد. نواب نیز پس از آزادی، «فدائیان اسلام» را تشکیل داد. اولین اقدام نظامی فدائیان اسلام قتل کسروی در ۲۰ اسفند ۱۳۲۴ بود.

در پی شدت یافتن مبارزات آیت‌الله کاشانی علیه انگلستان نواب و فدائیان اسلام پیمان دوستی و اتحاد با آیت‌الله کاشانی برقرار کرده و چند تن را ترور نمودند. عبدالحسین هژیر، رزم‌آرا و دکتر حسین فاطمی از جمله آنان بودند. سرانجام پس از کودتای ۲۸ مرداد، با ترور ناموفق حسین علاء نخست وزیر وقت، رهبر فدائیان اسلام در دی ماه ۱۳۳۴ در دادگاه نظامی به اتفاق چند تن از یارانش به اعدام محکوم و سپس به شهادت رسید.

تاریخ: ۲۰- بهمن ۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از افراد وابسته به حزب زحمتکشان شنیده شده روز پنجشنبه ۱۶ ماه جاری در جلسه حزب مزبور تصمیم گرفته شده است برای مبارزه با سیاست آمریکا و ایران و جلب نظر مقامات شوروی و حزب منحل توده، در جراید خود خواستار به رسمیت شناختن حکومت چین کمونیست از دولت به شوند. گفته می شود دکتر بقائی بدینوسیله قصد دارد با جلب نظر سازمانهای توده ای، صف واحدی علیه جناب آقای دکتر مصدق تشکیل دهند.

ضمناً به قرار مسموع، از طرف کمیته

مرکزی حزب منحل توده به افراد حزبی دستور داده شده که از حمله به دکتر بقائی و مبارزه با مشارالیه تا اطلاع ثانوی خودداری نمایند.

۲۰- بهمن ماه ۳۱ گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که از افراد وابسته به حزب زحمتکشان شنیده شده روز پنجشنبه ۱۶ ماه جاری در جلسه حزب مزبور تصمیم گرفته شده است برای مبارزه با سیاست آمریکا و ایران و جلب نظر مقامات شوروی و حزب منحل توده، در جراید خود خواستار به رسمیت شناختن حکومت چین کمونیست از دولت به شوند. گفته می شود دکتر بقائی بدینوسیله قصد دارد با جلب نظر سازمانهای توده ای، صف واحدی علیه جناب آقای دکتر مصدق تشکیل دهند. ضمناً به قرار مسموع، از طرف کمیته مرکزی حزب منحل توده به افراد حزبی دستور داده شده که از حمله به دکتر بقائی و مبارزه با مشارالیه تا اطلاع ثانوی خودداری نمایند.

۹۱  
۱



تاریخ: ۳۰ - بهمن ۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد طبق اطلاعی که از افراد حزب زحمتکشان بدست آمده، دکتر بقائی مشغول تهیه مدارکی علیه چند نفر از وزرا، از جمله وزیر دفاع ملی و وزیر دادگستری و وزیر فرهنگ می‌باشد<sup>۱</sup> و تصمیم دارد نامبردگان را مورد استیضاح قرار دهد. ضمناً عده زیادی از اعضای سه وزارتخانه مذکور که از اقدامات وزرا و اولیای وزارتخانه، ناراضی هستند به دکتر بقائی مراجعه و قرار است مدارک لازم را برای انجام این منظور در اختیار نامبرده قرار دهند.

رجالی

۳۰ - بهمن ماه ۳۱ - گزارش

مأمور ویژه گزارش میدهد بهر ادعای افراد حزب زحمتکشان بدست آمده در تفتیشی صحت - و مدارک - که چند نفر از وزرا<sup>۲</sup> از جمله وزیر دفاع ملی و وزیر دادگستری و وزیر فرهنگ می‌باشد در تصمیم دارند نامبرده را مورد استیضاح قرار دهند. ضمناً عده زیادی از اعضای سه وزارتخانه مذکور که از اقدامات وزرا و اولیای وزارتخانه، ناراضی هستند به دکتر بقائی مراجعه و قرار است مدارک لازم را برای انجام این منظور در اختیار نامبرده قرار دهند.

رجالی

۱- دکتر مصدق در روز ۵ مرداد ۳۱ عبدالعلی لطفی و دکتر مهدی آذر را به ترتیب به عنوان وزیران دادگستری و فرهنگ و خود را به عنوان وزیر دفاع معرفی کرد.

تاریخ: ۹- اسفند ۳۱

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد شب ۷ ماه جاری «هوشنگ مشیری» که با دکتر بقائی ارتباط نزدیک دارد اظهار داشته است:

۱- دکتر بقائی با بازداشت سرلشگر زاهدی نهایت مخالفت را دارد و روی این اصل تصمیم دارد با لایحه حکومت نظامی شدیداً مخالفت نماید.

۲- طبق اطلاعات موثقی که کسب کرده طرح این لایحه در مجلس موجب تشنجات شدیدی که به منظور تضعیف دولت به عمل می‌آید خواهد شد.

۱۸۸- رجال

۹- اسفند ماه ۳۱ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد شب ۷ ماه جاری (هوشنگ مشیری) که با

دکتر بقائی ارتباط نزدیک دارد اظهار داشته است:

۱- دکتر بقائی با بازداشت سرلشگر زاهدی نهایت مخالفت را دارد

و بر این اصل تصمیم دارد با لایحه حکومت نظامی شدیداً مخالفت نماید.

۲- دقایق اطلاعات موثقی که کسب کرده طرح این لایحه در مجلس موجب

تشنجات شدیدی که به منظور تضعیف دولت به عمل می‌آید خواهد شد.





تاریخ: ۳- فروردین ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد طبق اطلاع حاصله، کمیته مرکزی حزب زحمتکشان طی تلگرافی از کلیه مسؤولین حزب زحمتکشان شهرستانهای مختلف، دعوت کرده است که برای تشکیل کنفرانس عمومی حزب و همچنین دیدار اعضای حزب زحمتکشان دزفول به طرف شهرستان مذکور حرکت نمایند. ۲۵ نفر از تهران و مجموعاً پنجاه نفر دیگر از شهرستانهای مختلف برای این منظور امروز به طرف دزفول حرکت می‌نمایند. از نمایندگان تهران از هر نفر، ششصد ریال بابت کرایه ایاب و ذهاب دریافت شده و سایرین نیز باید مخارج ایاب و ذهاب خود را بپردازند، در دزفول نیز مهمان حزب زحمتکشان آنجا خواهند بود. قرار است دکتر بقائی شخصاً به اهواز و اگر موقعیت اجازه داد به آبادان نیز مسافرتی به نماید. مراتب به شهربانی مربوطه اعلام و آموزش لازم صادر گردیده است.

۳- فروردین ماه ۳۲  
گزارش  
مأمور ویژه گزارش می‌دهد دبیر آموزش احزاب و کمیته مرکزی حزب زحمتکشان طی تلگرافی از کلیه مسؤولین حزب زحمتکشان شهرستانهای مختلف، دعوت کرده است که برای تشکیل کنفرانس عمومی حزب و همچنین دیدار اعضای حزب زحمتکشان دزفول به طرف شهرستان مذکور حرکت نمایند. ۲۵ نفر از تهران و مجموعاً پنجاه نفر از شهرستانهای مختلف برای این منظور امروز به طرف دزفول حرکت می‌نمایند. از نمایندگان تهران از هر نفر، ششصد ریال بابت کرایه ایاب و ذهاب دریافت شده و سایرین نیز باید مخارج ایاب و ذهاب خود را بپردازند، در دزفول نیز مهمان حزب زحمتکشان آنجا خواهند بود. قرار است دکتر بقائی شخصاً به اهواز و اگر موقعیت اجازه داد به آبادان نیز مسافرتی به نماید. مراتب به شهربانی مربوطه اعلام و آموزش لازم صادر گردیده است.

۳۱  
۱

از: نخست‌وزیری تاریخ: ۱۳۳۲/۱/۲۸

شماره: ۱۵۹

## وزارت دفاع ملی

هیئت وزیران بنا بر پیشنهاد وزارت کشور تصویب نمودند که از ساعت دوازده، روز ۳۲/۱/۲۸ برای مدت یک هفته مقررات فرمانداری نظامی در شهرستان دزفول برقرار گردد.<sup>۱</sup>

اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است، نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق رونوشت جهت اطلاع و اقدام به ستاد ارتش ارسال می‌گردد.

از طرف وزیر دفاع ملی

رونوشت شرح بالا جهت اطلاع ریاست شعبه

از  
نخست‌وزیر

شماره: ۱۵۹ - ۲۱۸/۸۸

وزارت دفاع ملی

هیئت وزیران بنا بر پیشنهاد وزارت کشور تصویب نمودند که از ساعت دوازده، روز ۳۲/۱/۲۸ برای مدت یک هفته مقررات فرمانداری نظامی در شهرستان دزفول برقرار گردد.

اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است. نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق

۱۳۳۲ - ۱۱۲/۸۵۱۵۶

رونوشت جهت اطلاع و اقدام به ستاد ارتش ارسال میگردد.

۸/۱۵۹

از طرف وزیر دفاع ملی

رونوشت شرح بالا جهت اطلاع و اقدام به ستاد ارتش ارسال میگردد.

رئیس شعبه ۴

۲۲

۴ رکن دوم ایفا می‌گردد.

۱- اقدام هیأت وزیران به دنبال درگیری‌هایی است که حزب زحمتکشان در دزفول به وجود آورده بود. در اسناد ۳۰/۶/۲۵ و ۳۰/۱۱/۱۲ به بخشی از آنها اشاره شده، در دو سند زیر نیز چنین آمده است:

سند اول:

«خلاصه گزارش رمز شهربانی دزفول مورخ ۱۳۳۱/۶/۲۳: ساعت ۱۷ روز ۲۲ ماه جاری عده‌ای از افراد حزب زحمتکشان به منزل عباس و جعفر سهرابی ریخته درب منازل را شکسته پس از تخریب و غارت اثاثیه، مقداری [از] لوازم منزل را آتش زده‌اند. در همین موقع دسته دیگر از افراد حزب مزبور به منزل مصطفی رشیدیان حمله‌ور [شده و] در آنجا مشغول شکستن و غارت کردن اثاثیه بوده که مأمورین انتظامی سر رسیده ماجراجویان را متفرق و دو نفر از محرکین را دستگیر نموده‌اند. مجدداً ساعت ۱۰ روز ۲۳، جمع کثیری از افراد حزب مذکور به منزل مرتضی رشیدیان حمله‌ور و خسارت زیادی به نامبرده وارد آورده و صاحب منزل را شدیداً مجروح نموده‌اند که بلافاصله مأمورین انتظامی در آنجا حاضر [و] ۹ نفر از ماجراجویان را دستگیر و تحت پیگرد قرار داده‌اند.

ممکن است افراد مزبور مجدداً دست به خرابکاری‌هایی بزنند. مأمورین انتظامی مراقبت کامل جهت انتظامات و جلوگیری از اعمال آنان می‌نمایند.

سند دوم:

«خلاصه گزارش رمز شهربانی دزفول مورخ ۳۱/۱۲/۷: از موقع تشکیل حزب زحمتکشان در دزفول بین افراد حزب مزبور و خوانین اختلاف ایجاد و دائماً در مبارزه و زد و خورد بوده و افراد حزب شروع به تظاهرات می‌کنند. روز ششم ماه جاری احمد و امیر چینی‌ساز در موقع جلب، باکارد به رئیس کلانتری حمله و قصد داشتند در شهر تشنج ایجاد نمایند که مأمورین انتظامی در محل حاضر و دو نفر مزبور را دستگیر و فعلاً بازداشت می‌باشند. مراتب به فرمانداری و پادگان اطلاع داده شده ضمناً حزب در تمام امور شهر دخالت و شهر در حال تشنج است. بعد از بازداشت دو نفر مزبور افراد حزب زحمتکشان برای مرعوب کردن شهربانی و دادگاه، ضمن تظاهراتی دسته دسته به طرف محل خوانین رفته و با چوب و میله آهنی شروع به زد و خورد نمودند، مأمورین انتظامی در محل حاضر و بعد از تیراندازی، آنها را متفرق و نه نفر را دستگیر که فعلاً بازداشت هستند. ضمناً یک نفر افسر و چند نفر پاسبان مصدوم شد. کمیسیون با حضور فرماندار و فرمانده پادگان و شهربانی تشکیل و با توجه به اوضاع دزفول نسبت به برقراری امنیت، حکومت نظامی ضروری تشخیص داده شده است.

رک: ضمیمه ۵

تاریخ: ۱۳۳۲/۱/۳۱

ریاست ستاد ارتش

صبح روز ۲۸، اینجانب به دزفول عزیمت و کمیسیون امنیت در فرمانداری دزفول با حضور فرماندار، فرمانده پادگان و رئیس شهربانی و ژاندارمری تشکیل و راجع به جریان وقایع روز ۲۷، بررسی، نتیجه به قرار زیر بوده: عصر روز ۲۶ عده‌ای از خوانین به فرمانداری و شهربانی مراجعه و درخواست می‌نمایند که برای پشتیبانی از دولت، روز ۲۷، در شهر متینگ بدهند اشخاص مزبور به علت وجود دودستگی و اختلاف شدید در شهربانی با این تقاضا موافقت نمی‌کنند و می‌گویند به عوض متینگ در شهر اقدام به تهیه تلگرافها و

[illegible]

طومارها بشود آنها این موضوع را قبول نمی کنند ساعتی بعد دسته ای از افراد حزب زحمتکشان به همین عنوان مراجعه و عین این تذکر به آنها داده می شود. مجدداً طرفین در حوالی غروب روز ۲۶ مراجعه و عین اظهارات قبل به آنها می شود. کمیسیون امنیت در فرمانداری تشکیل و احتیاطات لازم برای انتقال نقاط لازم و تقویت شهربانی منظور می شود، شبانه هم امریه تلفنی تیمسار راجع به آزاد بودن ابراز احساسات به فرمانده پادگان ابلاغ می شود. صبح روز ۲۷ ابتدا یک گروهان به شهربانی اعزام و مجدداً یک گروهان دیگر نیز بنابه تقاضای شهربانی فرستاده می شود.

حوالی ساعت ۷ صبح در یکی از خیابانها، معروف به «صحرا به در» که به صحرا منتهی می شود عدد ای از خارج و داخل شهر سواره و پیاده از طرف محله خوانین باطل و دهل حرکت و برای متینگ عزیمت می کنند. در همین موقع از کوچه های اطراف این معبر نیز جماعتی از شهر یها منتسب به حزب زحمتکشان با سنگ و چوب و شمشیر حرکت می کنند. مصادف با این جریان از بعضی خانه های محله خوانین، صدای تیراندازی بلند می شود و این دو جماعت بهم نزدیک شده بهم ریخته، شروع به منازعه می کنند. منازعه از حوالی ساعت ۹ صبح شروع



مأمورین انتظامی ابراز نمی‌دارد بدین جهت مأمورین از کار، دلسرد و مرعوب و محافظه‌کاری می‌کنند یک سروان شهربانی به طور مثال اظهار می‌کرد چندی قبل، ۹ نفر مجرم و متهم را شخصاً بازداشت و تحویل دادگاه دادم رئیس دادگاه ابتدا از خود این جانب بازجوئی کرد و متهمین را هم بدون بازجوئی بلافاصله مرخص کرد.

۳- اساس جریان اخیر دزفول روی اختلاف محلی شدید است که بین دو دسته خوانین شهر که به اصطلاح محلی «اقاوات» نامیده می‌شود و دسته دیگر، کسبه و پیشه‌وران و مردم عادی شهر که در حزب زحمتکشان جمع و این دستجات روی نظریات و منافع خصوصی برای منکوب کردن یکدیگر با در دست گرفتن عناوین مبتذل، یک روز به نام انجمن شهر، یک روز بنام طرفداری و غیره بدست می‌آورند که در این لفافه در صدد تأمین اغراض و نظریات خصوصی بر می‌آیند و اوضاع عمومی را به هم می‌زنند. این اختلافات هم تازه‌گی نداشته حتی در ۳۰ سال قبل، بنام حیدری و نعمتی، شهر را سنگربندی و مدتی با هم جنگ کرده‌اند و این که از جریان روز می‌خواهند به نفع خود استفاده کنند هر دسته هم یک عده چاقوکش دارند که رسماً آنها را استخدام کرده‌اند. برای خاتمه دادن اوضاع دزفول اگر محرکین این دستجات که در راس قرار دارند از هر دو طرف بازداشت و تعقیب قانونی و تبعید نشوند و چاقوکشان مجازات نشوند نتیجه بدست نخواهد آمد و اجرای این کار شدت و صرف‌نظر کردن از اغماض و گوش نکردن به هوجبی‌گری‌ها و تشنجات آنها لازم دارد وگرنه برقراری حکومت نظامی بدون استفاده از قدرت و ضربت، آن نتیجه اصلی را عاید نخواهد داشت بخصوص که مدت آن یک هفته اعلام شده، در این یک هفته این عمل باید به موقع اجراگذارده شود و دستور فرمایند نظریه عالی ابلاغ گردد. ساعت ۳۲/۱/۳۱ - ۱۱

سرتیپ مغروری

رونوشت پیرو شماره ۱۶۷۴ - ۳۲/۲/۶ جهت اطلاع ریاست شعبه ۴ رکن دوم ایفاد می‌گردد.

رئیس شعبه ۸ رکن دوم - سرگرد ابراهیمی



تاریخ: ۱۳۳۲/۲/۴

## وزارت دفاع ملی

هیئت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت دفاع ملی تصویب نمودند که از ساعت ۱۲ روز ۱۳۳۲/۲/۴ مقررات فرمانداری نظامی در شهرستان دزفول برای مدت سه ماه برقرار گردد. این امر به اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است.

نخست وزیر  
اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است  
رونوشت برای اطلاع ستاد ارتش فرستاده می شود. نخست وزیر

رونوشت پیرو شماره ۳۲/۲/۵/۸/۱۶۶۱ جهت اطلاع و هرگونه اقدام ریاست شعبه ۴ رکن دوم ایفا می گردد. رئیس رکن دوم ستاد ارتش  
رئیس شعبه ۸ رکن دوم - سرگرد ابراهیمی

وزارت دفاع ملی

هیئت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت دفاع ملی تصویب نمودند که از ساعت ۱۲ روز ۱۳۳۲/۲/۴ مقررات فرمانداری نظامی در شهرستان دزفول برای مدت سه ماه برقرار گردد. این امر به اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است.

نخست وزیر

۳۲/۲/۵/۸/۱۶۶۱

رونوشت برای اطلاع ستاد ارتش فرستاده می شود. نخست وزیر

۳۲/۲/۵/۸/۱۶۶۱

رونوشت پیرو شماره ۳۲/۲/۵/۸/۱۶۶۱ جهت اطلاع و هرگونه اقدام ریاست شعبه ۴ رکن دوم ایفا می گردد. رئیس رکن دوم ستاد ارتش

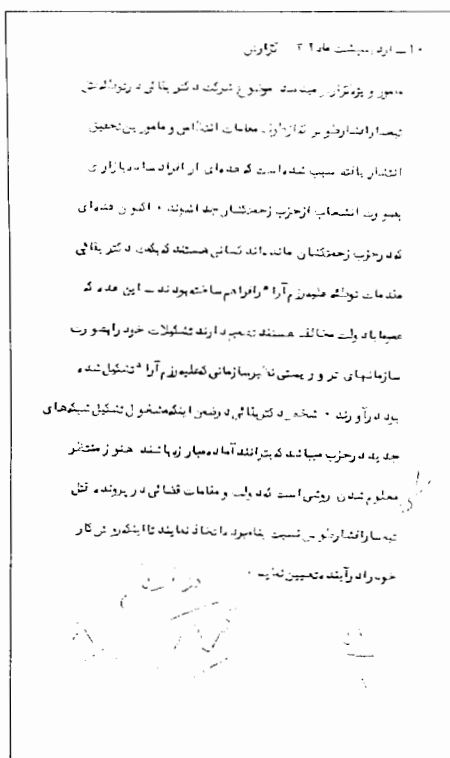
رئیس شعبه ۸ رکن دوم - سرگرد ابراهیمی

۱۰/۱

تاریخ: ۱۰- اردیبهشت ۱۳۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد موضوع شرکت دکتر بقائی در توطئه قتل تیمسار افشارطوس<sup>۱</sup> که از طرف مقامات نظامی و مأمورین تحقیق انتشار یافته، سبب شده است که عده ای از افراد ساده بازاری بصورت انشعاب از حزب زحمتکشان جدا شوند. اکنون عده ای که در حزب زحمتکشان مانده اند، کسانی هستند که به کمک دکتر بقائی مقدمات توطئه علیه رزم آرا را فراهم ساخته بودند. این عده که عموماً با دولت مخالف هستند، تصمیم دارند تشکیلات خود را بصورت سازمانهای تروریستی نظیر سازمانی



که علیه رزم آرا تشکیل شده بود درآورند. شخص دکتر بقائی در ضمن اینکه مشغول تشکیل شبکه های جدید در حزب می باشد که بتوانند آماده مبارزه باشند هنوز منتظر معلوم شدن روشی است که دولت و مقامات قضائی در پرونده قتل تیمسار افشارطوس نسبت به نامبرده اتخاذ نمایند تا این که روش کار خود را در آینده تعیین نماید.

۱- سرتیپ محمود افشارطوس: یکی از پنج نفری بود که «سازمان گروه ملی» را در اوایل سال ۱۳۳۱ بطور مخفیانه در ارتش تشکیل داد. هدف این گروه کمک به دولت مصدق و ممانعت از اخلاگری علیه او بود. هیأت مدیره موقت این گروه به سرعت به ۲۶ نفر رسید که از جمله آنها، سرهنگ عزت الله ممتاز، سرهنگ تقی ریاحی، سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی و سرگرد غلامرضا نجانی بودند. این افراد با مشورت دکتر مصدق و در طرح حساب شده ای، به تصفیه تدریجی عناصر ناصالح ارتش و نیروهای انتظامی مبادرت ورزیدند. از زمستان سال ۱۳۳۱ افراد این گروه به مشاغل عمده ای گمارده شدند از جمله سرتیپ افشارطوس، به ریاست شهربانی منصوب شد.

در روز ۱ اردیبهشت ۳۲ سرتیپ محمود افشارطوس، رئیس شهربانی کل کشور مفقود شد. در این خصوص چهار نفر از امرای بازنشسته ارتش به این شرح: سرتیپ دکتر منز، سرتیپ علی اصغر مزینی، سرتیپ بایندر و سرتیپ نصرالله زاهدی بازداشت شدند. در روز ششم اردیبهشت ماه، جسد افشارطوس در تپه های لشگرک واقع در شمال تهران کشف شد. در روز دوازدهم، فرمانداری نظامی در اعلامیه ای اطلاع داد که رئیس شهربانی، به وسیله چند تن از افسران بازنشسته و مخالفان دولت، به قتل رسیده و دکتر مظفر بقائی و سرلشکر زاهدی در این جنایت دست داشته اند.

تاریخ: ۱۳۳۲/۲/۱۲

جناب آقای سرهنگ اشرفی

فرماندار نظامی تهران

پس از تقدیم احترامات لازمه یک برگ از نامه سرگشاده مورخه ۱۳۳۰/۶/۲ سید عبدالسلام مجاهد<sup>۲</sup> مدیر داروخانه شفاء دزفول راکه در دوره شانزدهم بعنوان مجلس شورای ملی صادر و برای عده [ای] از نمایندگان فرستاده شده و حقایق تلخی راکه در این مدت ۱۹ ماهی که تحریکات آقای دکتر بقائی در دزفول بوقوع پیوسته پیش بینی کرده است برای استحضار خاطر عالی تقدیم [می شود] مستدعیات مردم غارت شده و آسیب دیده آن است، جنایاتی که از بدو

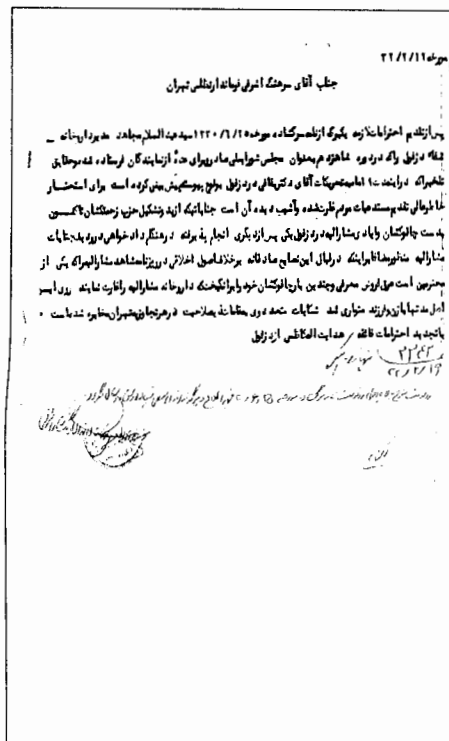
تشکیل حزب زحمتکشان تاکنون بدست چاقوکشان و ایادی مشارالیه در دزفول یکی پس از دیگری انجام پذیرفته در هنگام دادخواهی در ردیف جنایات مشارالیه منظور مضافاً بر اینکه در قبال این نصایح صادقانه بر خلاف اصول اخلاقی در روزنامه شاهد مشارالیه راکه یکی از محترمین است عرق فروش معرفی و چندین بار چاقوکشان خود را برانگیخت که داروخانه مشارالیه را غارت نمایند، روی این اصل مدتها با زن و فرزند متواری شد. شکایات متعدد وی به مقامات ذی صلاحیت در هر تجاوز به تهران مخابره شده است. با تجدید احترامات فائقه.

هدایت الله کاظمی از دزفول

رونوشت شرح بالا به انضمام رونوشت نامه سرگشاده مورخه ۳۰/۶/۲۵ جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی

به ستاد ارتش ارسال گردد. رکن ۲

فرمانده نظامی شهرستان تهران - سرهنگ ستاد اشرفی



تاریخ: ۱۲- اردیبهشت ماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد روز گذشته دکتر بقائی به مناسبت روز اول ماه، در حزب زحمتکشان با حضور یک عده چهارصد نفری از افراد حزب صحبت نموده گفت هر وقت حزب ما متوجه بحران می شود عده ای از رفقای حزبی که قدرت مقابله با خطر را ندارند ما را رها می کنند ولی من با نصف عده حاضر و حتی با پنج نفر به مبارزه خود علیه دولت، آنقدر ادامه خواهیم داد که یا کشته شویم و یا مانع تشکیل یک حکومت دیکتاتوری در ایران گردیم. نامبرده اضافه کرد من مدارکی دارم که نشان می دهد شخص آقای دکتر

۱۲ - اردیبهشت ماه ۳۲  
گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد روز گذشته دکتر بقائی با حضور یک عده چهارصد نفری از افراد حزب زحمتکشان با حضور یک عده چهارصد نفری از افراد حزب صحبت نموده گفت هر وقت حزب ما متوجه بحران می شود عده ای از رفقای حزبی که قدرت مقابله با خطر را ندارند ما را رها می کنند ولی من با نصف عده حاضر و حتی با پنج نفر به مبارزه خود علیه دولت، آنقدر ادامه خواهیم داد که یا کشته شویم و یا مانع تشکیل یک حکومت دیکتاتوری در ایران گردیم. نامبرده اضافه کرد من مدارکی دارم که نشان می دهد شخص آقای دکتر

مأمور ویژه گزارش می دهد روز گذشته دکتر بقائی با حضور یک عده چهارصد نفری از افراد حزب زحمتکشان با حضور یک عده چهارصد نفری از افراد حزب صحبت نموده گفت هر وقت حزب ما متوجه بحران می شود عده ای از رفقای حزبی که قدرت مقابله با خطر را ندارند ما را رها می کنند ولی من با نصف عده حاضر و حتی با پنج نفر به مبارزه خود علیه دولت، آنقدر ادامه خواهیم داد که یا کشته شویم و یا مانع تشکیل یک حکومت دیکتاتوری در ایران گردیم. نامبرده اضافه کرد من مدارکی دارم که نشان می دهد شخص آقای دکتر

مصدق دستور پرونده سازی علیه حزب ما را صادر کرده اند و من این مدارک را که اکنون به شما نشان می دهم در مجلس شورای ملی به اطلاع نمایندگان و ملت ایران خواهم رسانید. دکتر بقائی علاوه کرد، آقای دکتر مصدق امروز، دکتر مصدق یک سال قبل نیست، اگر اجازه دهید عکس او را از دیوار سالن پائین آوریم. در این موقع عکس آقای دکتر مصدق را از دیوار سالن پائین آورده و می خواستند آن را آتش بزنند ولی دکتر بقائی گفت این عکس را آتش نزنید، بلکه احساسات خود را در موقع خود باید نشان دهید. چون در این وقت دکتر بقائی ضمن صحبت گریه می کرد عده ای از افراد را چنان تحریک نموده بود که آنها نیز گریه می کردند و فریاد می کشیدند ما برای انجام هر نقشه و دستوری که به ما داده شود حاضریم و حتی آماده برای کشته شدن هستیم...<sup>۱</sup>

تاریخ: ۲۳- اردیبهشت ماه ۳۲

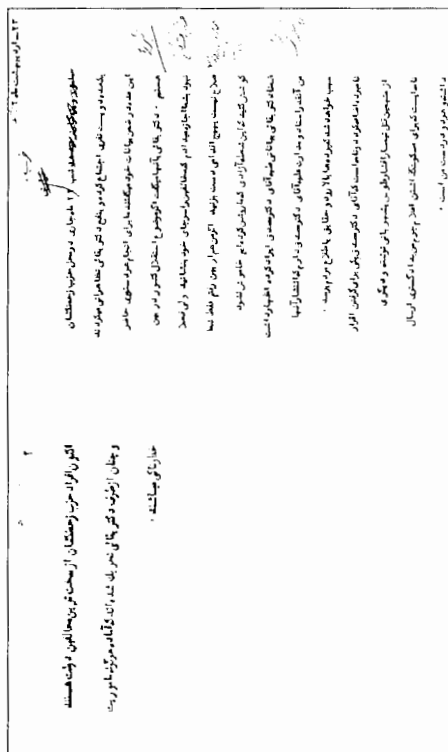
شب ۲۲ ماه جاری در محل حزب زحمتکشان یک عده دوپست نفری اجتماع کرده و به نفع دکتر بقائی تظاهراتی می کردند این عده در ضمن بیانات خود می گفتند ما برای انجام هر دستوری حاضر هستیم. دکتر بقائی به آنها می گفت اگر موضوع استقلال کشور در بین نبود، به شما اجازه می دادم که مخالفین را سر جای خود بنشانید ولی فعلاً صلاح نیست به هیچ اقدامی دست بزنید، اگر من هم از بین رفتم فقط شما کوشش کنید که این شعله آزادی که ما روشن کرده ایم، خاموش نشود.

ضمناً دکتر بقائی بیاناتی علیه آقای دکتر مصدق ایراد کرده، اظهار داشت: «من آنقدر اسناد و مدارک علیه آقای دکتر مصدق دارم که انتشار آنها سبب خواهد شد که پرده ها بالا رود و حقایق به اطلاع مردم برسد.» نامبرده اضافه کرد: «دو نامه است که آقای دکتر مصدق یکی برای گرفتن اقرار از متهمین قتل تیمسار افشارطوس<sup>۱</sup> به شهربانی نوشته و دیگری نامه ایست که برای مسکوت گذاشتن اعلام جرم من به دادگستری ارسال داشته و هر دو در دست من است.»

اکنون افراد حزب زحمتکشان از سخت ترین مخالفین دولت هستند و چنان از طرف دکتر بقائی تحریک شده اند که آماده هر گونه مأموریت خطرناکی می باشند.

۱- بقائی و طیف وی به این نتیجه رسیدند که یکی از اقداماتی که می توان به وسیله آن، قدرت مصدق را تضعیف نمود، حذف افشار طوس رئیس شهربانی دولت مصدق است. به همین دلیل شبکه پیچیده ای در این خصوص عمل نمود که سر شبکه و طراح اصلی آن شخصی به نام «حسین خطیبی» بود. وی عامل اصلی و رابط بقائی بوده است. آنچه از پرونده قابل برداشت است، این است که خطیبی از اعتماد افشار طوس نسبت به وی سوء استفاده کرده و توسط سر تیپ «مرتضی زاهدی» پیغامی به افشار طوس فرستاده و او را به منزل خود دعوت نموده است. افشار طوس در منزل خطیبی توسط گروه اجرایی روده و به محلی برای اختفا برده شده و پس از اجازه از دکتر بقائی، دستور اجرای قتل، توسط تیمسار «مزینی» انجام گرفته است.

چهار افسر ارشد در توطئه قتل افشار طوس متهم شده بودند که عبارتند از: مزینی، منز، بایندر و مرتضی زاهدی.



پس از شناسایی و دستگیری این افراد تک تک آنها به خط خود اقرار و زیر اقرارنامه‌هایشان را هم امضا کردند و همگی دخالت بقائی را در ربودن و قتل سر تیپ افشارطوس تأیید کردند. بی‌آنکه از بدرفتاری مأموران در زندان شکایتی کنند. پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط حکومت مصدق همه افراد مذکور از زندان آزاد شدند و مورد تشویق دربار قرار گرفتند. ساواک در گزارشی درباره مسافرت «مزینی» به انگلستان اعلام داشته است: «پولی که به تیمسار بازنشسته مزینی در زمان اقامت در انگلستان (۴۷۴۴) داده می‌شده، به فرمان شاه و به عنوان مستمری بوده و باید تا پایان عمر به مشارالیه پرداخت شود».

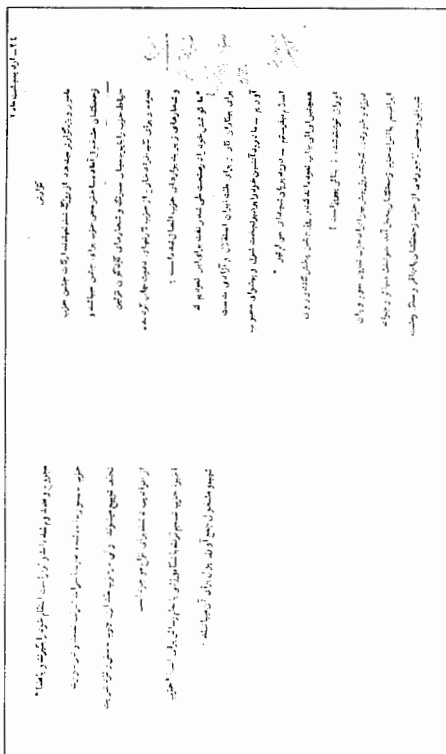
پرونده‌های انفرادی ساواک

تاریخ: ۲۴- اردیبهشت ماه ۳۲

### گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد از روز گذشته، کمیته تدارکات جشن حزب زحمتکشان مشغول آماده ساختن محل حزب برای جشن می باشد و حیاط حزب را با پرچمهای سه رنگ و شعارهای گوناگون تزئین نموده و برای کلیه افراد خارج از حزب کارتهای دعوت چاپ گردیده و شعارهای زیر به دیوارهای حزب الصاق شده است:

ما کوشش خود را در صنعت ملی شدن نفت برای این نمودیم که برای بیکاران کار و برای ملت ایران استقلال و آزادی بدست آوریم ما درود آتشین خود را به رهبر نهضت

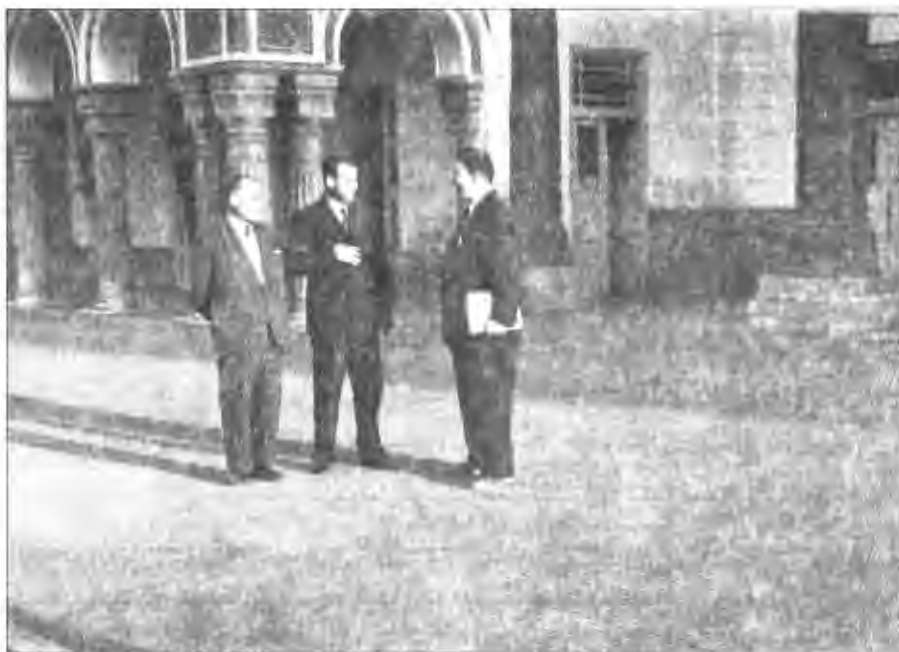


شرق و پیشوای محبوب اسلام می فرستیم درود به روان شهدای سی ام تیر. همچنین اورا قی چاپ نموده اند که در روز جشن پخش کنند و روی اورا قی نوشته شده «بقائی پیروز است» در زد و خوردی که چند روز پیش، بین افراد حزب نیروی سوم و پان ایرانیسم<sup>۱</sup> با افراد حزب زحمتکشان به عمل آمد، هوشنگ ضیائی، جواد تهرانی<sup>۲</sup> و محسن لاجوردی از حزب زحمتکشان با چاقو و سنگ و مشت، مجروح و مصدوم شده اند و قرار است انتقام خود را بگیرند و به اعضای حزب دستور داده شده در تظاهرات شرکت نکنند و در صورت تخلف توبیخ می شوند ولی حزب مقداری چوب دستی و نزد هر یک از افراد یک دشنه برای نزاع موجود است. اخیراً حزب تصمیم گرفته باشگاه ورزشی با تمام وسائل برای اعضای حزب تهیه و مشغول جمع آوری پول برای آن می باشند.

۱- حزب پان ایرانیسم: به دنبال اشغال ایران در جنگ جهانی دوم نهضتی نوپا به وسیله چند آرمانگرای جوان شکل گرفت که دیدگاهها و احساسات ناسیونالیستی داشتند. این نهضت حزب پان ایرانیست نام گرفت که هم ضد انگلیسی بود و هم ضد روس و هم ضد کمونیست. این حزب، متشکل از گروه کوچکی از جوانان پرشور بود که در صحنه میتینگها و زد و خوردهای خیابانی بسیار فعال بودند. آنان در ابتدا، نیروی خود را مصروف مبارزه با حزب توده می کردند و حتی یک بار با بمب بنزینی به خانه دکتر فریدون کشاورز، نماینده حزب توده در مجلس، حمله بردند، اما وقتی نهضت

ملی رو به گسترش نهاد. آنان را نیز جذب کرد.

۲- جواد تهرانی: فرزند زین العابدین، در سال ۱۳۰۷ هـ ش در تهران به دنیا آمد. تحصیلات وی در حد سیکل اول متوسطه و به شغل فروشندهی آب بوسیله تانکر اشتغال داشت. یاد شده عضو حزب زحمتکشان بود.





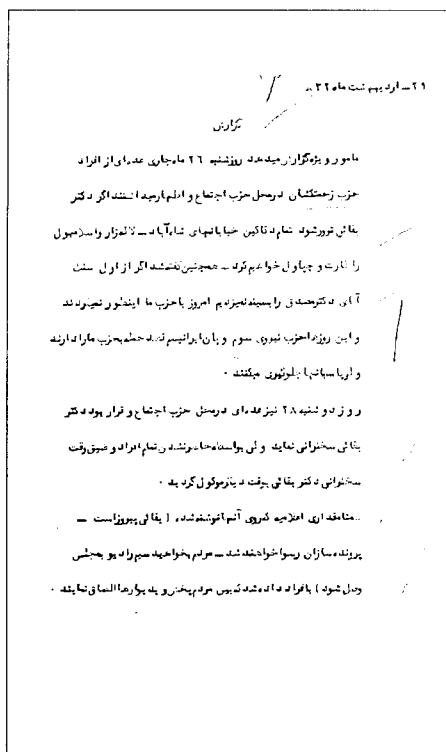
تاریخ: ۲۹- اردیبهشت ماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد روز شنبه ۲۶ ماه جاری عده‌ای از افراد حزب زحمتکشان در محل حزب اجتماع و ادلم بار صید انشتد اگر دکتر بقائی ترور شود تمام دکانین خیابانهای شاه‌آباد، لاله‌زار و اسلامبول را غارت و چپاول خواهیم کرد. همچنین گفته شد اگر از اول، سنگ آقای دکتر مصدق را به سینه نمی‌زدیم امروز با حزب ما اینطور نمی‌کردند، این روزها حزب نیروی سوم و پان ایرانیسم قصد حمله به حزب ما را دارند ولی پاسبانها جلوگیری می‌کنند.

روز دوشنبه ۲۸ نیز عده‌ای در محل حزب

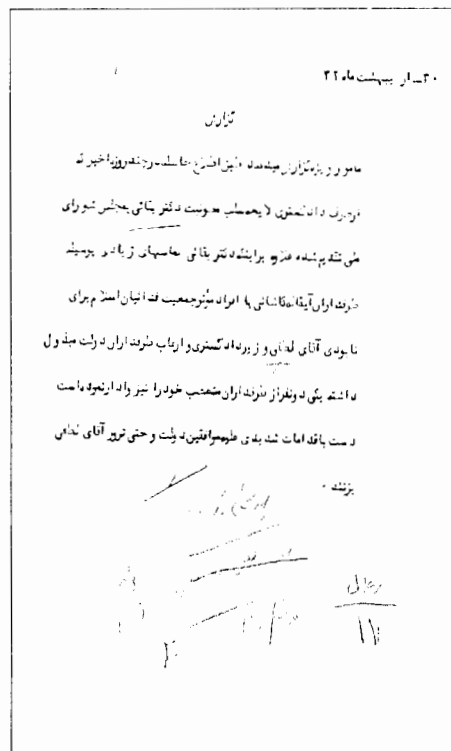
اجتماع و قرار بود دکتر بقائی سخنرانی نماید ولی بواسطه حاضر نشدن تمام افراد و ضیق وقت، سخنرانی دکتر بقائی به وقت دیگر موکول گردید. ضمناً مقداری اعلامیه که روی آنها نوشته شده «بقائی پیروز است رنده‌سازان رسوا خواهند شد مردم، بخواهید سیم رادیو به مجلس وصل شود» به افراد داده شد که بین مردم پخش و به دیوارها الصاق نمایند.



تاریخ: ۳۰ اردیبهشت ماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد طبق اطلاع حاصله، در چند روزه اخیر که از طرف دادگستری، لایحه سلب مصونیت دکتر بقائی به مجلس شورای ملی تقدیم شده علاوه بر اینکه دکتر بقائی تماسهای زیادی بوسیله طرفداران آیت الله کاشانی با افراد مؤثر جمعیت فدائیان اسلام برای لطفی<sup>۱</sup> وزیر دادگستری و ارباب طرفداران دولت مبذول داشته، یکی دو نفر از طرفداران متعصب خود را نیز وادار نموده است دست به اقدامات شدیدی علیه موافقین دولت و حتی ترور آقای لطفی بزنند.



پرونده دکتر بقائی

۱- عبدالعلی لطفی: از اعضای نهضت مقاومت ملی بود. قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مشاغلی همچون عضویت در دیوان کشور و وزارت دادگستری دولت مصدق را دارا بوده و همچنین رئیس جمعیت ملی مبارزه با شرکت های استعماری نفت را به عهده داشت. لطفی از طرفداران و حامیان کمیسیون تصفیه قضاات بود. در این خصوص قضاات مسأله دار نسبت به وی دشمنی خاصی داشته اند. نامبرده جزء افرادی بوده است که توسط حزب زحمتکشان نسبت به آنها موضع گیری تند می شده، بطوری که در مورد لایحه پیشنهادی وزارت دادگستری درباره سلب مصونیت دکتر بقائی، حزب زحمتکشان و طرفداران بقائی از طریق طرفداران آیت الله کاشانی سعی در تحریک فدائیان اسلام برای برخورد شدید یا حتی ترور عبدالعلی لطفی داشته اند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ لطفی دستگیر و چند روز زندانی بود ولی با قرار عدم خروج از حوزه قضائی تهران آزاد و در بهمن ماه ۳۲ از وی رفع اتهام گردید. در سال ۱۳۳۳ عده ای به منزل وی ریخته و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. مشروح ماجرا چنین بود:

در مهر ۱۳۳۳، ساعت ۱۱ با مادر یک اتوبوس حامل پنجاه نفر در مقابل منزل عبدالعلی لطفی وزیر سابق دادگستری توقف نموده و سر نشینان اتوبوس وارد منزل مشارالیه واقع در خیابان خلیلی دربند شدند. پس از ورود به منزل، به وی حمله نموده و او را با چوب و چماق مورد ضرب و شتم قرار داده و قریب به نیم ساعت پیرمرد هفتاد ساله را در زیر ضربات چماق بیهوش ساختند. این عده به خانواده وی نیز رحم ننموده و همسر و دختران او را نیز مضروب نمودند. لطفی که در اثر ضربات بیهوش شده بود، به بیمارستان انتقال یافت ولی سرانجام معلوم شد بینائی یک چشم خود را از دست داده است و علاوه بر آن استخوانهای بدنش از چند ناحیه شکسته شده بود. دولت برای تعقیب مسببان، هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورد.

تاریخ: ۲- خردادماه ۳۲

مأمور ویژه گزارش می‌دهد:

- ۱- در چند روز اخیر عده‌ای از افراد حزب زحمتکشان شهرستانها از جمله از آبادان ۱۵ نفر، از دزفول ۱۰ نفر و از اهواز ۸ نفر برای کسب دستور به تهران آمده‌اند.
- ۲- عده‌ای از افراد این حزب قصد دارند مخفیانه بدون اطلاع سایر رفقای خود کانون حزب نیروی سوم را آتش بزنند ممکن است در موقع عبور با جیب از جلوی کانون مزبور با پرتاب مواد منفجره قصد خود را انجام دهند.
- ۳- به مناسبت ماه رمضان و حاضر نشدن افراد در حوزه‌ها، جلسات حزبی کمتر تشکیل می‌شود.

۲- خرداد ماه ۳۲

مأمور ویژه گزارش می‌دهد: چند روز اخیر عده‌ای از افراد حزب زحمتکشان شهرستانها از جمله از آبادان ۱۵ نفر از دزفول ۱۰ نفر از اهواز ۸ نفر برای کسب دستور به تهران آمده‌اند

۲- عده‌ای از افراد این حزب قصد دارند مخفیانه بدون اطلاع سایر رفقای خود کانون حزب نیروی سوم را آتش بزنند و ممکن است در موقع عبور با جیب از جلوی کانون مزبور با پرتاب مواد منفجره قصد خود را انجام دهند

۳- به مناسبت ماه رمضان و حاضر نشدن افراد در حوزه‌ها جلسات حزبی کمتر تشکیل می‌شود

دژبان پادگان مرکز تاریخ: ۱۳۳۲/۳/۲

اطلاعات شماره: ۹۸

ریاست ستاد ارتش رکن ۲

موضوع: درباره تظاهرات میدان بهارستان

در ساعت ۱۲/۳۰ روز ۳۲/۲/۲۱ عده [ای]

از افراد حزب پان ایرانیسم و نیروی سوم با شعارهای مرگ بر کاشانی و بقائی، اداره حزب زحمتکشان را سنگ باران می نمودند که بوسیله مأمورین انتظامی جلوگیری به عمل آمد.

از سوی فرمانده دژبان پادگان مرکز سرتیپ

طالب بیگی

حزب زحمتکشان

دژبان پادگان مرکز  
ایران  
شماره ۹۸/۳۲/۲۱  
ریاست ستاد ارتش رکن ۲  
الان پیاده از پل  
از عده فرمانده  
جوشی درباره تظاهرات در میدان بهارستان  
تاریخ ۱۳۳۲/۲/۲۱ عده از افراد حزب پان ایرانیسم و نیروی سوم با شعارهای مرگ بر کاشانی و بقائی، اداره حزب زحمتکشان را سنگ باران می نمودند که بوسیله مأمورین انتظامی جلوگیری به عمل آمد. از سوی فرمانده دژبان پادگان مرکز سرتیپ طالب بیگی حزب زحمتکشان

۱۴  
۱۳۳۲

طالب بیگی

تاریخ: ۶- خردادماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد طبق اطلاع  
حاصله از طرف کمیته سیاسی حزب  
زحمتکشان، دکتر بقائی مجدداً به کلیه  
مسئولین حزبی (شعبات حزب زحمتکشان  
در شهرستانها) دستور داده شده که  
طومارهایی تهیه و امضاء جمع آوری نموده و  
به تهران ارسال دارند.

گفته می شود موضوع طومار این است که مردم  
ضمن اعلام پشتیبانی از دکتر بقائی، با سلب  
مصونیت مشارالیه ابراز مخالفت نموده و از  
کلیه نمایندگان مجلس شورای ملی و اعضاء  
کمیسیون دادگستری درخواست شود که به

گزارش وزیر دادگستری و نظریات دولت در مورد سلب مصونیت از دکتر بقائی ترتیب اثر داده  
نشود.

به قرار مسموع این، یکی از اقداماتی است که از طرف حزب زحمتکشان برای جلوگیری از  
سلب مصونیت پارلمانی دکتر بقائی به عمل می آید.

۱- خردادماه ۳۲ گزارش  
مأمور و یزداگران حزب در تاریخ ۶ خردادماه از طرف کمیته سیاسی حزب  
زحمتکشان دکتر بقائی مجدداً با کلیه مسئولین حزبی (شعبات حزب  
زحمتکشان در شهرستانها) دستور داده شده که نمایانهای تهیه و  
امضاء جمع آوری نموده و به تهران ارسال دارند.  
تکمیل شود مسموع طومار این است که مردم ابراز مخالفت از طرف  
بقائی با سلب مصونیت مشارالیه ابراز مخالفت نموده و از کلیه نمایندگان  
مجلس شورای ملی و اعضاء کمیسیون دادگستری درخواست شود  
که یزداگران وزیر دادگستری و نظریات دولت در مورد سلب مصونیت  
از دکتر بقائی ترتیب اثر داده نشود.  
بر اساس مسموع این، یکی از اقداماتی است که از طرف حزب زحمتکشان  
برای جلوگیری از سلب مصونیت پارلمانی دکتر بقائی به عمل می آید.



تاریخ: ۸- خردادماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به طوری که در محافل پارلمانی شنیده شده در یکی از پاکاتی که دکتر بقائی به مجلس شورای ملی سپرده است اسرار ملی شدن صنعت نفت و صورت مجلسی که به امضاء جناب آقای دکتر مصدق رسیده و تصویب ترور چند نفر در همان سال موجود می باشد و در یکی دیگر از پاکتها صورت وجوهائی است که امریکا آنها به بعضی اشخاص داده اند و پکت سوم مربوط با اسناد خانمده ان و گونیهای اداره اطلاعات و استفاده شرکت سابق نفت که اسامی جاسوسان و عمال انگلیسی در آن تید شده. پکت چهارم اسناد متفرقه است که ضمن آن پاندهات میدلتن کاردار سابق سفارت انگلیس در مورد ساقط کردن حکومت سروزه قول انتشار شده و پکت پنجم مربوط به بازنشستگی افسران ارتش و قتل تیمسار افشار طوس است - ضمناً گفته می شود هرگاه از دکتر بقائی سلب مصونیت نشده و کار به محاکمه نرسد اید ۱ از این اسناد استفاده نخواهد کرد.

شده، پکت چهارم اسناد متفرقه است که ضمن آن به اقدامات «میدلتن» کاردار سابق سفارت انگلیس در مورد ساقط کردن حکومت سه روزه قوام اشاره شده و پکت پنجم مربوط به بازنشستگی افسران ارتش و قتل تیمسار افشار طوس است. ضمناً گفته می شود هرگاه از دکتر بقائی سلب مصونیت نشده و کار به محاکمه نرسد ایداً از این اسناد استفاده نخواهد کرد.

## ۱- اسناد خانه سدان:

حادثه مهمی که نقش دکتر مظفر بقائی را در حوادث سیاسی روز برجسته کرد و او را به یک چهره جنجالی و شاخص «ضد انگلیسی» معرفی نمود، ماجرای خانه سدان بود.

در اوایل تیرماه ۱۳۳۰ امیر حسین پاکروان، کارمند شرکت نفت انگلیس و ایران، به بقائی اطلاع داد که اسنادی از اداره انتشارات و تبلیغات شرکت نفت به منزل «ن.ر. سدان»، نماینده شرکت نفت انگلیس در ایران، در خیابان قوام السلطنه منتقل می شود. بقائی به همراه سرلشکر فضل... زاهدی، رئیس شهربانی وقت و جهانگیر تفضلی، خانه سدان را تفتیش کردند و اسناد مزبور را به دست آوردند. بخشی از اسناد خانه سدان توسط بقائی در روزنامه شاهد و سایر مطبوعات آن زمان، منتشر شد و جنجال بزرگی به پا کرد. بعدها، در جریان دادگاه لاهه (خرداد ۱۳۳۱) اسناد خانه سدان به عنوان مدارک مداخله شرکت نفت انگلیس در امور داخلی ایران ارائه شد.

تاریخ: ۹- خردادماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد، از ساعت ۲۰/۲۰ روز ۷ ماه جاری در منزل آقای کاشانی به مناسبت شب تولد حضرت امام حسن با حضور عده‌ای از طرفداران کاشانی و اشخاص متفرقه مجلس جشنی تشکیل و ریگی<sup>۱</sup>، حائری زاده، ناظرزاده کرمانی<sup>۲</sup>، نادعلی کریمی<sup>۳</sup>، دکتر بقائی، علی زهری، ذوالفقاری<sup>۴</sup> و عده‌ای دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی حضور یافته، بعد از تلاوت کلام الله مجید، افتخار سبزواری به منبر رفته و پس از ذکر جملائی از قضاوت زمان عمر، اشاره به اتهام دکتربقائی در مورد توطئه قتل اشاره به اتهام دکتربقائی در مورد توطئه قتل

۱- خردادماه ۳۲ گزارش

مأمور و ویژه گزارش می‌دهد از ساعت ۲۰/۲۰ روز ۷ ماه جاری در منزل آقای کاشانی به مناسبت شب تولد حضرت امام حسن با حضور عده‌ای از طرفداران کاشانی و اشخاص متفرقه مجلس جشنی تشکیل و ریگی - حائری زاده - ناظرزاده کرمانی - نادعلی کریمی - دکتر بقائی - علی زهری - ذوالفقاری و عده‌ای دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی حضور یافته بعد از تلاوت کلام الله مجید افتخار سبزواری به منبر رفته و پس از ذکر جملائی از قضاوت زمان عمر اشاره به اتهام دکتربقائی در مورد توطئه قتل تمسار افشارطوس نموده گفت ملت ایران مبارزات انحراف ناپذیر و دکتربقائی را در نظر گرفته و باین تبلیغات سوء که از ناحیه بیگانه پرستان می‌شود و قی نخواهد کرد - آقایان من بارها گفتم دین و ناموس شما در خطر است و میخواهند دین شما را پایمال نمایند به پیشوایان روحانی شما توهین میکنند - اکنون دوشب است یک نفر تحصیل کرده نجف اشرف و رهبر هیئت قائمیه در زندان بسر می‌برد<sup>۵</sup> مردم قیام کنید و نگذارید یک عده خائن، دین و علمای دینی شما را ملعبه قرار داده و به پیشوایان شما توهین کنند، آقایان دشمن از هر طرف می‌کوشد آیت الله کاشانی را خورده نماید. یک عده مردم بی دین خائن، از بهائیه و انگلیسیها پول و لیره می‌گیرند تا آقای کاشانی را مورد اهانت قرار دهند.

تمسار افشار طوس نموده گفت ملت ایران مبارزات انحراف ناپذیر دکتربقائی را در نظر دارد و به این تبلیغات سوء که از ناحیه بیگانه پرستان می‌شود و قی نخواهد گذارد. آقایان، من بارها گفتم دین و ناموس شما در خطر است و می‌خواهند دین شما را پایمال نمایند به پیشوایان روحانی شما توهین می‌کنند، اکنون دو شب است یک نفر تحصیل کرده نجف اشرف و رهبر هیئت قائمیه در زندان بسر می‌برد<sup>۵</sup> مردم قیام کنید و نگذارید یک عده خائن، دین و علمای دینی شما را ملعبه قرار داده و به پیشوایان شما توهین کنند، آقایان دشمن از هر طرف می‌کوشد آیت الله کاشانی را خورده نماید. یک عده مردم بی دین خائن، از بهائیه و انگلیسیها پول و لیره می‌گیرند تا آقای کاشانی را مورد اهانت قرار دهند.

بعد از او شمس قنات آبادی به منبر رفته و پس از ذکر بیاناتی درباره خلافت معاویه و حضرت امام حسن، اشاره به اظهاراتی که در رادیو در مورد اتهام دکتربقائی می‌شود نموده گفت این اداره تبلیغات در دست کیست و چه پولهایی برای تبلیغات مصرف می‌گردد تا حقایق را در نظر مردم برعکس جلوه دهند. نامبرده اضافه کرد کسانی که به طمع جاه و مقام و پول، اطراف آقای کاشانی را گرفته بودند اکنون از گرد ایشان پراکنده شده‌اند. بعداً اشاره به زندانی بودن شیخ محمد

تهرانی<sup>۱</sup> نموده اظهار داشت ما از این دستگاه غیر از این عمل و رفتار توقع دیگری نداریم. سپس سید محمد موسوی حضرت عبدالعظیمی<sup>۲</sup> به منبر رفته و بیاناتی در همین زمینه ایراد کرد. در این موقع عده‌ای از منزل کاشانی خارج و چون دکتر بقائی و علی زهری قصد خروج از آنجا را داشتند کاشانی مانع شده و در یکی از اتاقهای کاشانی، دکتر بقائی، علی زهری، ذوالفقاری و شمس قنات آبادی جلسه خصوصی تشکیل و یک ساعت و نیم مشغول مذاکره بودند. ساعت ۱/۳۰ صبح متدرجاً خارج شدند.

شعبه دوم و همچنین دانشجویان شدند. آگاهی‌ها از  
مهرت میرزا آیداد علی‌اشای را طرد کردند. - پشت مردم را در این  
خانی از سید محمد باقر کاشانی از این جهت که با او  
چون به نامت کرده اند.  
در دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
ساعت سال و حشون این حسن آیداد کاشانی را در راه  
در دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
به دست و در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
چهار روز و در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
آیداد کاشانی را در راه  
تبرانی می‌بودند که این را به سید محمد  
در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
مدت این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد  
در این دوره انبارهای خانی می‌بودند که این را به سید محمد

- ۱- ابراهیم ریگی، نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های ۱۰ (۱۳۱۴/۱۳۱۶)، ۱۱ (۱۳۱۶/۱۳۱۸)، ۱۲ (۱۳۲۰/۱۳۱۸)، ۱۳ (۱۳۲۲/۱۳۲۴)، ۱۴ (۱۳۲۴/۱۳۲۶) و ۱۷ (۱۳۳۲/۱۳۳۴).
  - ۲- دکتر احمد ناظرزاده کرمانی، نماینده مجلس شورای ملی از سیرجان در دوره‌های ۱۶ (۱۳۲۸/۱۳۳۰)، ۱۷ (۱۳۳۲/۱۳۳۴) بود.
  - ۳- نادعلی کریمی نماینده مجلس شورای ملی در دوره‌های ۱۷ (۱۳۳۱/۱۳۳۲)، ۱۸ (۱۳۳۲/۱۳۳۵) از کرمانشاه بود.
  - ۴- ناصرقلی ذوالفقاری: لیسانسه حقوق از فرانسه، بازرس عالی و مشاور عالی وزارت خارجه، وزیر مختار شاه در اروپا، نماینده مجلس شورای ملی در ادوار ۱۵، ۱۶ و ۱۷، معاون نخست وزیر، شهردار تهران، وزیر مشاور در کابینه علی امینی و عضو تشکیلات فراماسونری و از دوستان «حبیب القانیان» بوده است.
  - ۵- مقصود «شیخ محمد تهرانی» رهبر هیأت قائمیه است.
  - ۶- شیخ محمد تهرانی: فرزند فتح‌علی در سال ۱۲۸۲ هـ ش در همدان متولد شد. مدت چهارده سال در حوزه علمیه نجف به کسب علوم حوزوی پرداخت. نواب صفوی در نجف شاگرد شیخ محمد تهرانی بوده است. شیخ محمد جزء اولین دسته از طلاب و علمائی که پس از شهریور ۲۰ به ایران بازگشتند، به این کشور مراجعت کرد. پس از استقرار در تهران هیأت قائمیه را تشکیل داده و در سال ۱۳۳۷، مسجدی بنام «صدریه» در نزدیکی میدان خراسان تهران ساخته و شخصاً امامت جماعت آنجا را به عهده گرفت. این مسجد از آن تاریخ به بعد به عنوان مرکز هیأت قائمیه شناخته شده و این هیأت، جشن‌های نیمه شعبان را در آن محل برگزار می‌نماید.
- شیخ محمد در خرداد ۱۳۳۲ به علت فعالیت سیاسی علیه دولت مصدق از طرف فرمانداری نظامی تهران بازداشت و پس



از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آزاد شد.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۷- سیدمحمد موسوی واعظ : متولد ۱۳۴۱ ه‍.ق در شهر ری، بعد از اتمام تحصیلات ابتدائی و متوسطه به سال ۱۳۵۹ ه‍.ق به قم رفته و پس از اتمام سطح، از درس خارج فقه و اصول حضرات آیات عظام بروجردی، حجت و نجفی مرعشی بهره‌گرفت و در سال ۱۳۷۰ ه‍.ق به تهران مراجعت نمود.

تاریخ: ۱۳۳۲/۳/۱۳

نخست وزیر

رونوشت نامه شماره ۲۴۴/م/۳۲/۳/۱۳

استانداری استان ششم محرمانه مستقیم:

جناب آقای دکتر صدیقی وزیر معظم کشور، به طوری که خاطر عالی مستحضر است، حزب زحمتکشان در مدت عمر خود در دزفول و اهواز عملیات و اقداماتی نموده که با نظم و آسایش اهالی، مابینت کلی داشته و اخیراً نیز طبق گزارش شهربانی اهواز جلسات خود را مرتباً تشکیل و اقداماتی می نمایند که به صلاح مملکت و دولت نبوده و آنچه اطلاع حاصل شده در راس حزب زحمتکشان اهواز سرهنگ بازنشسته یاسری و پسرش قرار سرهنگ بازنشسته یاسری<sup>۱</sup> و پسرش قرار

گرفته که سرهنگ مذکور با کانون افسران بازنشسته مرکز مرتبط و آقای یاسری پسرش، با استفاده از پست ریاست کارگزینی شرکت ملی نفت اهواز به تحریک و ترغیب کارگران علیه دولت و شرکت ملی نفت اقدام می نماید. چون ادامه خدمت یاسری در پست حساس فعلی به منزله مار در آستین پروراندن است لذا استدعا دارد امر و مقرر فرمایند مشارالیه را بکلی از منطقه خوزستان دور و در صورتی که انفصال او از خدمت مقتضی نباشد، به تهران و یا محل دیگری غیر از خوزستان منتقل فرمایند تا اختلافات و تشنجات که در اهواز موجود و از مقام رئیس کارگزینی سوء استفاده می نماید مرتفع گردد. از طرف استانداری استان ششم معصومی رونوشت برابر اصل است.

اداره کل دفتر وزارت کشور - امضا



رونوشت

تاریخ

شماره

رونوشت نامه شماره ۲۴۴/م/۳۲/۳/۱۳ - استانداری استان ششم - محرمانه مستقیم  
جناب آقای دکتر صدیقی وزیر معظم کشور: بطوریکه خاطرهای مستحضر است  
حزب زحمتکشان در مدت عمر خود در دزفول و اهواز عملیات و اقداماتی نموده که با نظم  
و آسایش اهالی، مابینت کلی داشته و اخیراً نیز طبق گزارش شهربانی اهواز جلسات  
خود را مرتباً تشکیل و اقداماتی می نمایند که به صلاح مملکت و دولت نبوده و آنچه اطلاع  
حاصل شده در راس حزب زحمتکشان اهواز سرهنگ بازنشسته یاسری و پسرش قرار  
که سرهنگ مذکور با کانون افسران بازنشسته مرکز مرتبط و آقای یاسری پسرش با استفاده  
از ریاست کارگزینی شرکت ملی نفت اهواز به تحریک و ترغیب کارگران علیه دولت  
و شرکت ملی نفت اقدام می نمایند. چون ادامه خدمت یاسری در پست حساس فعلی  
به منزله مار در آستین پروراندن است لذا استدعا دارد امر و مقرر فرمایند مشارالیه  
را بکلی از منطقه خوزستان دور و در صورتی که انفصال او از خدمت مقتضی نباشد، به تهران  
و یا محل دیگری غیر از خوزستان منتقل فرمایند تا اختلافات و تشنجات که در اهواز موجود  
و از مقام رئیس کارگزینی سوء استفاده می نماید مرتفع گردد. از طرف استانداری استان  
ششم - معصومی - رونوشت برابر اصل است. اداره کل دفتر وزارت کشور - امضا



تاریخ: ۱۶ - خرداد ماه ۳۲

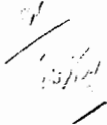
## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد به قراری که طرفداران دکتر بقائی اظهار می دارند دکتر بقائی قصد دارد در مجلس شورای ملی متحصن شده و تا مدتی در حال تحصن باقی بماند. گفته می شود علت تحصن این است که دکتر بقائی هنوز رسماً سمت نمایندگی مجلس را ندارد و از طرف دیگر معلوم نشده که نحوه کار کمیسیون دادگستری به نفع مشارالیه بوده و منجر به براءت او گردد. ضمناً شایع است که دکتر بقائی تحت تعقیب قرار گرفته است بهر حال عوامل مزبور موجب شده که دکتر بقائی تصمیم به تحصن گرفته و به قرار مسموع تا اواخر هفته جاری در مجلس تحصن اختیار خواهد کرد.

د ماه ۳۲

۱ - خرداد ماه ۳۲ گزارش

مأمور و ویژه گزارش می دهد به قراری که دکتر بقائی اظهار می دارند دکتر بقائی قصد دارد در مجلس شورای ملی متحصن شده و تا مدتی در حال تحصن باقی بماند. گفته می شود علت تحصن این است که دکتر بقائی هنوز رسماً سمت نمایندگی مجلس را ندارد و از طرف دیگر معلوم نشده که نحوه کار کمیسیون دادگستری به نفع مشارالیه بوده و منجر به براءت او گردد. ضمناً شایع است که دکتر بقائی تحت تعقیب قرار گرفته است بهر حال عوامل مزبور موجب شده که دکتر بقائی تصمیم به تحصن گرفته و به قرار مسموع تا اواخر هفته جاری در مجلس تحصن اختیار خواهد کرد.



بخش ۳

پرونده دکتر بقائی

تاریخ: ۱۶ - خرداد ماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد به طوری که از چند نفر از اعضای موثر حزب زحمتکشان بطور جسته و گریخته کسب اطلاع شده، در روزهای اخیر که موضوع سلب مصونیت و یا طرد دکتر بقائی از مجلس شورای ملی مورد بحث سیاسی روز می‌باشد چون دکتر بقائی نزد دوستان و علاقمندان مورد اعتماد، خود را بی‌گناه نشان داده گویا کمیته‌ای بنام (کمیته ترور) از طرف عده معدودی از افراد حزب زحمتکشان تشکیل شده و تصمیم آنها، این است که در صورت بازداشت و زندانی نمودن دکتر بقائی و فشار به افراد حزب مذکور،

عده‌ای از عناصر مؤثر طرفدار دولت را ترور نمایند. مهندس رضوی و آقای دکتر فاطمی مورد دشمنی شدید افراد حزب زحمتکشان هستند و اکنون که آقای دکتر فاطمی از کشور خارج شده خصومت شدیدی نسبت به مهندس رضوی نشان می‌دهند. همچنین بعضی از جوانان عضو حزب مذکور چنان تحریک شده‌اند که آماده برای هرگونه عمل خلافی می‌باشند.

۱۶ خرداد ماه ۳۲ گزارش

دانشور و وزیر گزارش می‌دهد که چندی پیش از پزشک دراز افتاد \* موثر حزب زحمتکشان بطور جسته و گریخته کسب اطلاع شده، در روزهای اخیر که موضوع سلب مصونیت و یا طرد دکتر بقائی از مجلس شورای ملی مورد بحث سیاسی روز می‌باشد چون دکتر بقائی نزد دوستان و علاقمندان مورد اعتماد، خود را بی‌گناه نشان داده گویا کمیته‌ای بنام (کمیته ترور) از طرف عده معدودی از افراد حزب زحمتکشان تشکیل شده و تصمیم آنها، این است که در صورت بازداشت و زندانی نمودن دکتر بقائی و فشار به افراد حزب مذکور عده‌ای از عناصر مؤثر طرفدار دولت را ترور نمایند. مهندس رضوی و آقای دکتر فاطمی مورد دشمنی شدید افراد حزب زحمتکشان هستند و اکنون که آقای دکتر فاطمی از کشور خارج شده خصومت شدیدی نسبت به مهندس رضوی نشان می‌دهند. همچنین بعضی از جوانان عضو حزب مذکور چنان تحریک شده‌اند که آماده برای هرگونه عمل خلافی می‌باشند.

۱- به دنبال ترور دکتر سید حسین فاطمی وزیر امور خارجه، توسط عبدخدائی از اعضای فدائیان اسلام، دکتر فاطمی به خاطر ادامه معالجه زخمهای وارده و شرکت در کنفرانس سفرای ایران در اروپا در روز یازده خرداد ماه ۱۳۳۲ به خارج از کشور سفر کرد.

تاریخ: ۱۳۳۲/۳/۱۶

رونوشت نامه مورخ: ۱۳۳۲/۳/۱۶ آقای

اقل السادات الموسوی سید عبدالمحمد

رکنی<sup>۱</sup> از دزفول

دوستانه - محرمانه تقدیم به نخست وزیر

محبوب ملت ایران حضرت آقای دکتر محمد

مصدق می نماید.

حکمت به لقمان آموختن است، ولی

محض یادآوری عرضه می دارد. دیدی که چه

گفت زال با رستم کرد. دشمن را نباید حقیر و

بی چاره شمرد، آقایان محترم طرفداران

نهضت ملی ایران، باید چشم خود را خوب باز

کنید. سروان گرامی، نمایندگان محبوب و

صالح مجلس شورای ملی یعنی حضرات



آقایان فراکسیون نهضت مقدس ملی ایران، باید فداکاری نمائید باید هوش و حواس خودتان را

کاملاً متوجه دشمن غدار و حيله باز و مکار نمائید یعنی از بقائی و حيله های بقائی و دسیسه های

حزب چاقوکشان بقائی و گوشه گیر<sup>۲</sup> دزفولی نباید غافل باشید زیرا که دزفول دارو دسته بقائی

خیلی خیلی قوی بوده و می باشند و همه گونه اعمالی بر علیه طرفداران دولت ملی مصدق انجام

داده و می دهند مثلاً روزنامه های مخالف مانند شاهد مرتباً در دزفول پخش و توزیع می شود

ولی روزنامه فروش و بنگاه مطبوعاتی اطلاعات از قبول روزنامه «رکن ایران» که خدمات برجسته

رهبر ملت ایران حضرت آقای دکتر مصدق را مندرج می نماید و یا از اعمال حزب بقائی تنقید و

انتقاد می نمائیم خودداری نمودند. ما هم مجانی شماره های ۵۷ و فوق العاده آن را پخش و

توزیع نمودیم. یک نکته قابل توجه این است کارمندان دادگاه دزفول تماماً از حزب زحمتکشان

گوشه گیر می باشند که با نهایت شهامت و شجاعت بر علیه طرفداران دولت ملی مصدق به

فعالیت مشغول می باشند مثلاً مدیر دفتر دادگاه دزفول، پسر عموی حقیقی آقای دکتر

گوشه گیر، لیدر حزب زحمتکشان بقائی می باشند و کارمندان دادگاه دزفول همگی و تمامی از

مخلصین و ارادتمندان واقعی حزب زحمتکشان بقائی به شمار می روند که برای موفقیت بقائی

و گوشه گیر فعالیت‌ها نموده و می‌نمایند و از هرگونه کمک‌های مادی و معنوی نسبت به دکتر گوشه گیر خودداری ننموده و نمی‌نمایند و اکنون هواخوان دولت ملی ایران در زندان بسر می‌برند و برای سایرین هم نقشه طرح می‌نمایند.

خلاصه هرگاه مایل و شایق می‌باشید که به دولت محبوب و ملی جناب آقای دکتر مصدق خدمت نمائید باید بیش از این فداکاری کنید و این موانع عظیم و شدید را از جلو بردارید. آقایان محترم اگرچه در اثر فعالیت و زحمات خستگی ناپذیر فرماندار محترم نظامی دزفول، امنیت کاملاً حکمفرما است و الحق اقدامات ایشان و مأمورین حکومت نظامی قابل تقدیر است اما از پرونده‌سازی مأمورین

(پیام از صدمه ۱)

با عرضی طعن شوم که این معرکه به نام مقدس نمایندگان عالی مجلس شورای ملی رسیده است و این نمایان حاصل نام که این گزارش ما دانه به پسته سازک و میر مسلم حضرت آقای دکتر هدی قهرمان برانکار و جوان رسیده است که بعد از آن اقدام نظامی بی‌نیاز نبوده باندای نمایندگان نیست ملی ایران. دامن پرستار باد دولت ملت شود و دکتر هدی - مرگ بر مخالفین و مخالفین و مخالفین با حفظ نظامی و بی‌نیاز نبوده

دادگستری دزفول که به نفع گوشه گیر و دکتر بقائی به فعالیت مشغول می‌باشند، وضعیت طرفداران دولت محبوب و ملی مصدق در دزفول خیلی اسف‌آور و خطرناک است، آیا باید ما هم شریک مخالفین دولت باشیم تا از گزند مأمورین خاطی در امان باشیم. توضیح مدت خدمت کارمندان دادگاه دزفول از ۱۲ سال بلکه پانزده سال هم تجاوز می‌نماید. اکنون افرادی که برای موفقیت دولت ملی ایران حضرت آقای دکتر مصدق از بذل مال و جان مضایقه نکرده‌اند هم اکنون همگی و جملگی در زندان بسر می‌برند. آقایان محترم، نمایندگان محبوب مجلس شورای ملی ایران، چرا روزنامه باختر امروز و نیروی سوم بطور محرمانه و مخفیانه به فروش می‌رسند ولی روزنامه شاهد و فرید<sup>۱</sup> را علناً و با فریاد و فغان می‌فروشند. به هر حال آنچه شرط ارادت و بندگی و خلوص نیت است به مقام مقدس نمایندگان محبوب معروض داشتیم تا آقایان معظم، مراتب را عاجلاً معجلاً به نظر انور کیمیا اثر حضرت آقای دکتر مصدق برسانند و چاره‌جویی فرمایند مثلاً آیا چرا بایستی روزنامه نیروی سوم در دزفول توزیع نگردد.

در پایان از عموم آقایان معظم، تمنی داریم امر و مقرر فرمایند رونوشت این معروضه را برای چاکر ارسال فرمایند تا آسوده باشم یعنی مطمئن شوم که این معروضه به مقام مقدس

نمایندگان صالح مجلس شورای ملی رسیده است و اطمینان حاصل نمایم که این گزارش صادقانه، به پیشگاه مبارک رهبر معظم، حضرت آقای دکتر مصدق، قهرمان پرافتخار خاورمیانه رسیده است که بعداً به چاپ آن اقدام نمایم. پیروز و نیرومند باشید، ای نمایندگان نهضت ملی ایران، دائم و برقرار باد دولت سلحشور دکتر مصدق، مرگ بر مخالفین و منافقین و خائنین. با حفظ امضا معروض شد.

---

۱- سید عبدالمحمد رکنی دزفولی نگارنده هفته نامه «رکن ایران» بود. این هفته نامه در سال ۱۳۲۸ تاسیس و در مورد موضوعات سیاسی، اجتماعی، خبری و دینی بوده و به عنوان ضمیمه روزنامه «فریاد خوزستان» منتشر می شد.

۲- سید موسی گوشه گیر: فرزند اسدالله، در سال ۱۳۰۰ هـ در دزفول متولد شد. تحصیلات خود را در دزفول، اهواز و مدرسه دارالفنون گذرانده و سرانجام در سال ۱۳۲۹ با درجه دکترا فارغ التحصیل گردیده و به عنوان پزشک عمومی در دزفول اشتغال داشته است. وی در زمان تحصیل، بعد از شهریور ۱۳۲۰، با حزب توده همکاری داشته و در سال ۱۳۳۰ با دکتر مظفر بقائی آشنا شده و مؤسس حزب زحمتکشان در شعبه دزفول و صاحب امتیاز روزنامه هفتگی «فرید» نیز بوده است.

۳- فرید:

صاحب امتیاز: سید موسی گوشه گیر

محل انتشار: دزفول

فاصله انتشار: دو هفتگی





سید موسی حجازی، سید عبدالغفور، مهدوی، شکرالله عندلیب، سیدحسین صمدی، احمد رکنی، سیدموسی شاه رکنی، سیدمحمدعلی رضوی، هدایت الله شاه رکنی، سیدبن کریمزاده، سیدمحمد کریمزاده، سیدموسی رضا، سیدمحمدرضا رضی، ماشاالله عندلیب، محمود، سید محمدعلی لطفی و سید عنایت الله محمد همائی.

تاریخ: ۱۹ خرداد ماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از ساعت ۲۰/۳۰ روز گذشته جلسه روضه خوانی در منزل آقای کاشانی برگزار بوده و عده‌ای از افراد مجمع مجاهدین اسلام و اشخاص متفرقه حضور داشتند، پس از تلاوت کلام‌الله مجید شیخ اشراقی به منبر رفته و در باره فضیلت علمای شیعیه سخن گفت و اظهار داشت مردم نگذارید بیش از این به علمای شیعیه توهین شود و ضمن تعریف و تمجید از کاشانی با اظهارات خود خاتمه داده سپس محمد موسوی پشور را در این موقع یک نفر از مجید شیخ اشراقی به منبر رفته و درباره فضیلت علمای سنی سخن گفت و اظهار داشت مردم نگذارید بیش از این به علمای سنی توهین شود و ضمن تعریف و تمجید از کاشانی به اظهارات خود خاتمه داده سپس محمد موسوی به منبر رفته در این موقع یک نفر از میان جمعیت برخاست و گفت مردم، آقای

کاشانی مدتی است با استعمارگران مبارزه می‌کند و در آن موقع که ایشان در تبعید بودند این آقایان که خود را در صف ملت جا زده‌اند کجا بودند و پس از تعریف از دکتر بقائی و مکی و شمس قنات آبادی و حمله به نمایندگان موافق دولت، محمد موسوی اظهار داشت اگر روزنامه‌نگاری در اینجا هست احساسات پر شور این مجلس را در روزنامه منعکس نماید. نامبرده پس از ذکر مقدمه درباره حضرت عیسی و مخالفت‌هایی که با او شد، گفت آقای کاشانی از چندین سال پیش، مبارزات خود را علیه انگلیسیها و از حوزه علمیه نجف شروع نموده و همیشه برای ریشه کن کردن استعمار، مشغول فداکاری بوده ولی عده‌ای احمق که سوابق آنها معلوم است و امروز خود را وجیه‌الملة قلمداد نموده‌اند می‌خواهند به پیکر نهضت ملی ایران ضربت بزنند. آقایان، عده‌ای منفعت جو دور آقای دکتر مصدق را گرفته و او را در خانه‌اش محبوس نموده و نمی‌گذارند با مردم تماس بگیرد و از اوضاع و احوال مردم با خبر باشد. مشارالیه اضافه کرد مصریها و ملت اندونزی از آقای کاشانی دعوت کرده‌اند که به کشورشان رفته و آنها را از قید استعمار برهاند. نامبرده پس از حمله به روزنامه‌نگارانی که به کاشانی توهین می‌کنند، ضمن تنقید از عملیات دولت، اظهار داشت هر روز عده‌ای چاقوکش جلو مجلس، نمایندگان مخالف دولت را تهدید

۱۹ - خرداد ماه ۳۲

گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از ساعت ۲۰/۳۰ روز گذشته جلسه روضه خوانی در منزل آقای کاشانی برگزار بوده و عده‌ای از افراد مجمع مجاهدین اسلام و اشخاص متفرقه حضور داشتند، پس از تلاوت کلام‌الله مجید شیخ اشراقی به منبر رفته و در باره فضیلت علمای شیعیه سخن گفت و اظهار داشت مردم نگذارید بیش از این به علمای شیعیه توهین شود و ضمن تعریف و تمجید از کاشانی با اظهارات خود خاتمه داده سپس محمد موسوی پشور را در این موقع یک نفر از مجید شیخ اشراقی به منبر رفته و درباره فضیلت علمای سنی سخن گفت و اظهار داشت مردم نگذارید بیش از این به علمای سنی توهین شود و ضمن تعریف و تمجید از کاشانی به اظهارات خود خاتمه داده سپس محمد موسوی به منبر رفته در این موقع یک نفر از میان جمعیت برخاست و گفت مردم، آقای کاشانی مدتی است با استعمارگران مبارزه می‌کند و در آن موقع که ایشان در تبعید بودند این آقایان که خود را در صف ملت جا زده‌اند کجا بودند و پس از تعریف از دکتر بقائی و مکی و شمس قنات آبادی و حمله به نمایندگان موافق دولت، محمد موسوی اظهار داشت اگر روزنامه‌نگاری در اینجا هست احساسات پر شور این مجلس را در روزنامه منعکس نماید. نامبرده پس از ذکر مقدمه درباره حضرت عیسی و مخالفت‌هایی که با او شد، گفت آقای کاشانی از چندین سال پیش، مبارزات خود را علیه انگلیسیها و از حوزه علمیه نجف شروع نموده و همیشه برای ریشه کن کردن استعمار مشغول



تاریخ: ۲۱- خردادماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد از ساعت ۲۰/۳۰ روز گذشته در منزل آقای کاشانی جلسه روضه خوانی برگزار بوده که عده ای از افراد مجمع مجاهدین متفرقه حضور داشتند ولی خود کاشانی در منزل نبود، بدواً مداحی به نام عالمی مشغول مدح سرائی شده سپس شیخ حاج طاهری به منبر رفته و درباره احکام قرآن مشغول صحبت شده و اشاری به مطالبی که روزنامه ها علیه آقای کاشانی می نویسند نموده و ضمن تنقید از آنها سخنان خود را با ذکر مصیبت،

حضرت عبدالعظیمی به منبر رفته در این موقع کاشانی با چند نفر از خارج به منزل آمد و راجع به عقیده علمای علم الاجتماع درباره زندگی اجتماعی و انفرادی بیاناتی ایراد و ضمناً اشاره به اجتماع ایرانیها نموده گفت در کشور ما ارزش علم را از بین بردند و فرهنگ ما را خراب کرده و می کنند و علما و دانشمندان را در نظر مردم بی ارزش معرفی می نمایند، سپس اشاره به کاشانی نموده قدری از مقام علمیت ایشان صحبت و از زحمات و مبارزات او شمرای بیان و مردم را دعوت به اتحاد و اتفاق و پیروی از منویات کاشانی کرده با ذکر مصیبت به سخنان خود خاتمه داد. بعد، سید افتخار سبزواری به منبر رفته و مشغول صحبت شد، در این موقع چند نفر در اتاق بیرونی بودند و به طوری که از اطرافیان تحقیق شد از افسران بازنشسته بودند و کاشانی در حیاط نشسته بود و فقط نام یکی از آنها معلوم شد، سرهنگ نوایی است که می گفتند گویا مدتی هم در فرانسه بوده است. افتخار سبزواری درباره طرز تشکیلات هر اجتماع و عقاید علم الاجتماع درباره تشکیل جمعیت و طرز اداره نمودن جمعیت بیاناتی ایراد و بعداً قدری درباره علما و مقام آنها صحبت نموده گفت آقایان، این دولت جابر و ظالم، این دولت خائن که فعلاً دست به خراب خیانتها می را مرتکب نشده و نمی شوند و مردان فاضل و خادم کشور را که در

۲۱- خردادماه ۳۲

گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد از ساعت ۲۰/۳۰ روز گذشته در منزل آقای کاشانی جلسه روضه خوانی برگزار بوده که عده ای از افراد مجمع مجاهدین اسلام و انجمن متفرقه حضور داشتند ولی خود کاشانی در منزل نبود، بدواً مداحی بنام عالمی مشغول مدح سرائی شده سپس شیخ حاج طاهری به منبر رفته و درباره احکام قرآن مشغول صحبت شده و اشاری به مطالبی که روزنامه ها علیه آقای کاشانی می نویسند نموده و ضمن تنقید از آنها سخنان خود را با ذکر مصیبت خاتمه داد. بعد از او سید محمد موسوی حضرت عبدالعظیمی به منبر رفته (در این موقع کاشانی با چند نفر از خارج به منزل آمد) و راجع به عقیده علمای علم الاجتماع در باره زندگی اجتماعی و انفرادی بیاناتی ایراد و ضمناً اشاره به مطالبی که روزنامه ها علیه کاشانی می نویسند نموده و ضمن تنقید از آنها سخنان خود را با ذکر مصیبت،

این اجتماع می‌خواهند خدمتی به نمایند با وسائل گوناگون می‌خواهد از بین ببرد. در کشور ما در دوره حکومت ظالم فعلی کسی که می‌خواهد صدای خود را به تنقید بلند کند دولت ظالم می‌خواهد صدای او را خفه کند آقایان، وجوه بیت‌المال مسلمین صرف هرزه‌گوئیهای یک مشت روزنامه‌نویس می‌شود که شرافت و ناموس خود را به پول می‌فروشند. در این موقع دکتر بقایی نیز به آنجا آمد، سپس افتخار سبزواری اضافه کرد آقایان بیت‌المال مسلمین را به دستور جزیره تایمز نشینها به کسانی می‌دهند که به مقام روحانیت ما ایرانیان اهانت نمایند و به رجال کشور تهمت بزنند، آقایان در دوره این حکومت ملی‌نما و خارجی، دکتر بقایی را متهم

چند نفر را طاقی برپوش بودند و بنظر یکه از افرامیان تحقیق شد از افسران بازتسلیم بودند و کاشانی در حیات، تنگم بود و معتد نام یکی از آنها معلوم شد سرشناسی است که شمشیر و تیغ را در دست داشت و در فرانسه بود و است. افتخار سبزواری در باره خبر شکلات هر اجتماع و عقاید علمای علم الاجتماع در باره تشکیل جمعیت و تشریح ادان نمودن جمعیت بیانیاتی ایراد و بعد اندر در باره علمای مقام آنها صحبت نمود و گفت آقایان این دولت جابر و ظالم این دولت خائن که فعلا دست به خراب نمودن جامعه روحانی ما ایرانیان زده چه چشما بیانی مانده که مکتب باشد و نمیشود چه خیانتی را مرتکب نشده و نمیشوند و سران اناضل و خاندن کثیر را که در این اجتماع میخواهند خدمتی بنمایند با وسائل گوناگون میخواهد از بین ببرد در کشور ما در دوره حکومت ظالم فعلی کسی که میخواهد صدای خود را به تنقید بلند کند دولت ظالم میخواهد صدای او را خفه کند آقایان وجوه بیت‌المال مسلمین صرف هرزه‌گوئیهای یک مشت روزنامه‌نویس میشود که شرافت و ناموس خود را به پول می‌فروشند و در این موقع دکتر بقایی نیز به آنجا آمد - سپس افتخار سبزواری اضافه کرد آقایان بیت‌المال مسلمین را به دستور جزیره تایمز نشینها به کسانی می‌دهند که به مقام روحانیت ما

به قتل نمودند، مکی متهم به جاسوسی و حائری زاده متهم به خیانت و همینطور دیگران. این دولت جابر دولتی است رجال کش، دولتی است که معتقد به دین و دیانت نیست اگر معتقد به دین و دیانت بود نوکران اجنبی را به خود راه نمی‌داد و به آنها پول نمی‌داد که به یگانه پیشوای عالم اسلام اهانت کنند، آقایان این دولت آبروی ما ایرانیان را در کشورهای راقیه دنیا از بین می‌برد. یک روزنامه فرانسوی که نویسنده او از کشوری است که رهبر و دانشمندان و علما، از آن کشور است که کشور فرانسه باشد این روزنامه که به نام روزنامه «موند»<sup>۱</sup> معروف می‌باشد، در شأن آقای کاشانی می‌نویسد که این پیشوای روحانی کسی است که جامعه مسلمین اگر بخواهند روی سعادت را به خود به بینند باید پیروی از راهنمائیهای این شخص به نمایند ضمناً می‌نویسد کشور استعمارگر انگلیس تمام کوشش و سعی خود را مصروف می‌دارد که این پیشوای مسلمین را خورد و از بین ببرد. آقایان ببینید نظر مردم دولتهای خارجی، نسبت به آقای کاشانی چیست و نظر دولت و بیگانه پرستان که اطراف دولت را گرفته‌اند، چیست؟ آقایان من اعلام می‌کنم دولتهای بیگانه پرست گذشته از قبیل هژیر، ساعد، سهیلی، قوام، رزم‌آرا و غیره با این سید جلیل‌القدر (کاشانی) مخالفت کردند و سود نبردند دولت فعلی بداند از مخالفت و از

[illegible]

بخش ۲ پرونده کاشانی

۲- سید حسین امامی: در سال ۱۳۰۳ در یکی از خانواده‌های مذهبی و متدین در جنوب شهر تهران متولد شد. عصر اخلاق و دین‌زدانی و اسلام ستیزی رضاخان وی را همچون دیگر اعضای فدائیان اسلام آزرده‌خاطر کرد، در دوران نوجوانی با شهید نواب صفوی آشنا شد و پس از مناظره نواب صفوی با احمد کسروی، حسین امامی مأموریت پیدا می‌کند تا کسروی را در دادگستری به قتل برساند. این حکم در ۱۳۲۴/۱۲/۲۰ عملی گردید. پس از دستگیری حسین امامی مردم طی تظاهرات گسترده‌ای خواهان آزادی وی شدند لذا دولت وقت مجبور به رهائی وی گردید. بر اثر گستردگی فعالیت فدائیان اسلام رعب و وحشت بسیاری در میان درباریان و مدافعان غرب افتاد. شهید امامی در ۱۳۲۸/۸/۱۲ عبدالحسین هژیر را به قتل رساند. پس از انجام عملیات، امامی دستگیر و پس از پنج روز به شهادت

رسید. مقبره وی در این بابویه قرار دارد.

۳- خلیل طهماسبی: در سال ۱۳۰۲ ه‍.ش در تهران متولد شد. در سال ۱۳۲۷ با نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام آشنا گردید. در سال ۱۳۲۹ سپهبد رزم آرا نخست وزیر را از پای درآورد. وی با حمایت مجلس هفدهم از زندان آزاد شد و در جمع فدائیان اسلام به فعالیت و مبارزه مشغول بود تا اینکه در آذر ماه ۱۳۳۴ به همراه نواب صفوی و سید محمد واحدی بعد از واقعه ترور ناموفق حسین علاء نخست وزیر، بازداشت و در سحرگاه ۳۴/۱۰/۲۷ بشهادت رسید.



تاریخ: ۲۵- خردادماه ۳۲

## حزب زحمتکشان

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد بطوری که افراد وابسته به حزب زحمتکشان و مجمع مجاهدین اسلام انتشار داده‌اند نقشه ترور مخالفین مؤثر کاشانی و دکتر بقائی موکول به بعد از پایان انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی شده است. افراد وابسته به حزب زحمتکشان اظهار می‌دارند اگر کاشانی در انتخابات هیئت رئیسه موفق شود،<sup>۱</sup> احتیاجی به عکس العمل دیگری در برابر فعالیت مخالفین نامبرده و دکتر بقائی نیست و هرگاه در انتخاب ریاست مجلس شکست

بخورد، متعصبین مذهبی علاقمند به کاشانی، دست به ترور بعضی از افراد مؤثر که نام دکتر شایگان و مهندس رضوی می‌باشد، خواهند زد.

اصل در پرونده کاشانی

روی پرونده شایگان - رضائی - حزب زحمتکشان

حزب زحمتکشان

۲۵- خردادماه ۳۲ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد بدین افراد وابسته به حزب زحمتکشان و مجمع مجاهدین اسلام انتشار داده‌اند نقشه ترور مخالفین مؤثر کاشانی و دکتر بقائی موکول به بعد از پایان انتخابات هیئت رئیسه مجلس شورای ملی شده است. افراد وابسته به حزب زحمتکشان اظهار می‌دارند اگر کاشانی در انتخابات هیئت رئیسه موفق شود، احتیاجی به عکس العمل دیگری در برابر فعالیت مخالفین نامبرده و دکتر بقائی نیست و هرگاه در انتخاب ریاست مجلس شکست بخورد، متعصبین مذهبی علاقمند به کاشانی دست به ترور بعضی از افراد مؤثر که نام دکتر شایگان و مهندس رضوی می‌باشد، خواهند زد.

امیر ابراهیم  
دکتر بقائی - ۲۵ خرداد ۳۲  
۱۴  
۱۳۲۲

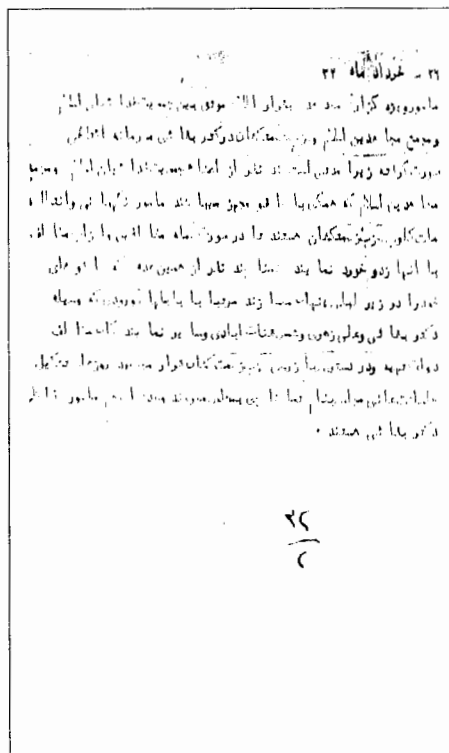
۱- در روز ۱۶ مردادماه ۱۳۳۱ در جلسه علنی مجلس شورای ملی، نمایندگان، آیت‌الله کاشانی را به ریاست مجلس برگزیدند. آیت‌الله کاشانی پس از قبول این سمت اعلام کرد در مجلس حضور پیدا نخواهد کرد و نواب رئیس، باید جلسات را اداره کنند. آیت‌الله کاشانی تا دهم تیر ماه ۳۲ به مدت ده ماه و بیست و چهار روز رئیس مجلس بودند.



تاریخ: ۲۶ - خردادماه ۳۲

مأمور ویژه گزارش می دهد به قرار اطلاع موثق، بین جمعیت فدائیان اسلام و مجمع مجاهدین اسلام و حزب زحمتکشان دکتر بقائی محرمانه ائتلافی صورت گرفته زیرا مدتی است چند نفر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام و مجمع مجاهدین اسلام که همگی با چاقو مجهز می باشند مأمور نگهبانی و انتظامات کلوپ حزب زحمتکشان هستند تا در صورت حمله مخالفین و احزاب مخالف، با آنها زد و خورد نمایند. ضمناً چند نفر از همین عده که چاقوهای خود را در زیر لباس پنهان می سازند، مرتباً با بلیطهای ورودی که وسیله دکتر بقائی، علی زهری، شمس قنات آبادی و

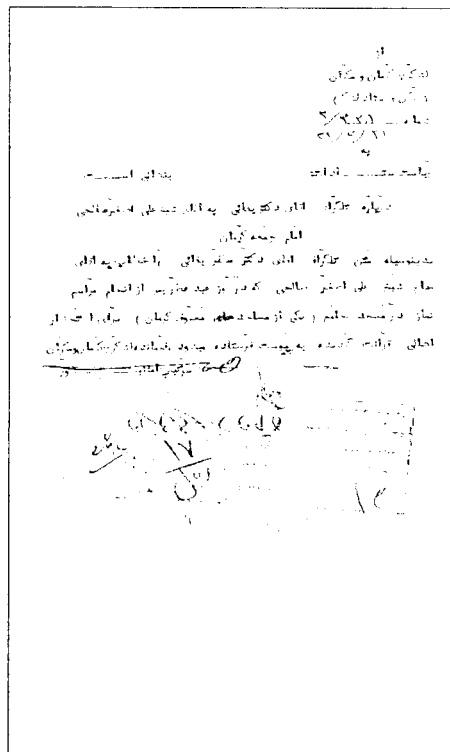
سایر نمایندگان مخالف دولت تهیه و در دسترس بازرسین حزب زحمتکشان قرار می گیرد روزهای تشکیل جلسات علنی مجلس به نام تماشاچی به محلی می روند و عده ای هم مأمور حفاظت دکتر بقائی هستند.



شماره: ۲/۴۲۵ تاریخ: ۱۳۳۲/۳/۲۸  
 از: لشکر ۷ کرمان و مکران (رکن ۲ ستاد لشکر)  
 به: ریاست ستاد ارتش - پنهانی است  
 درباره تلگراف آقای دکتر بقائی به آقای شیخ  
 علی اصغر صالحی<sup>۱</sup> امام جمعه کرمان

بدینوسیله متن تلگراف آقای دکتر  
 مظفر بقائی را خطاب به آقای حاج شیخ  
 علی اصغر صالحی که در روز عید فطر پس از  
 انجام مراسم نماز در مسجد جامع (یکی از  
 مساجد معروف کرمان) برای استحضار اهالی  
 قرائت گردیده، به پیوست فرستاده می‌شود.  
 فرمانده لشکر ۷ کرمان و مکران

بایگانی



۱- صالحی کرمانی: فرزند غلامحسین، در سال ۱۲۷۵ ه‍.ش در شهر کرمان به دنیا آمد. تحصیلات علوم اسلامی را تا سطح اجتهاد در شهر قم به پایان رسانید. پس از تحصیلات، به کرمان رفته و در مدرسه معصومیه به سمت مدرس اشتغال و در همان دوران پیشنماز مسجد جامع نیز بود.

## متن تلگراف

جناب آقای دکتر مظفر بقائی نماینده  
محبوب و فداکار کرمان به حضرت مستطاب  
حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ  
علی اصغر صالحی دامت برکاته

ذیلاً به استحضار عموم اهالی محترم کرمان  
می‌رسد

حضور محترم حجت الاسلام حضرت آقای  
حاج شیخ علی صالحی دامت برکاته

پس از تقدیم تبریکات خالصانه به مناسبت  
عید، خواهشمند است دستور فرمائید بوسیله  
اعلامیه و قرائت این تلگراف در روز عید در  
مسجد، سلام و تبریک عید و مراتب تشکر و  
سپاسگذاری اینجانب را به عرض عموم

همشهریان گرام و دوستان عزیز و امضا کنندگان اعلامیه که در این موقع، پشتیبانی فرمودند  
برسانند، سلامتی و سعادت عموم را از درگاه خداوند متعال خواستارم، امیدوارم که این توفیق را  
به من عطا فرمایند بتوانم همیشه به وفای عهد و قول خود پایدار بمانم.

دکتر مظفر بقائی کرمانی

هدایت افکار البته صفای باطن و وفای به عهد و صحت عمل جناب آقای دکتر بقائی نماینده  
رشید و محبوب کرمان قابل تقدیر است و صمیمانه در این عید سعید، موفقیت معظم له را از  
پیشگاه قادر متعال مسئلت می‌نمائیم.

۳۲/۳/۲۳

## متن تلگراف

جناب آقای دکتر مظفر بقائی نماینده محبوب و فداکار کرمان  
بحضرت مستطاب، حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ  
علی اصغر صالحی دامت برکاته

ذیلاً باستحضار عموم اهالی محترم کرمان می‌رسد

حضور محترم حجت الاسلام حضرت آقای حاج شیخ علی صالحی دامت برکاته  
پس از تقدیم تبریکات خالصانه به مناسبت عید خواهشمند است دستور فرمائید بوسیله  
اعلامیه و قرائت این تلگراف در روز عید در مسجد، سلام و تبریک عید و مراتب تشکر  
و سپاسگذاری اینجانب را به عرض عموم همشهریان گرام و دوستان عزیز و امضا کنندگان  
اعلامیه که در این موقع پشتیبانی فرمودند برسانند، سلامتی و سعادت عموم را از درگاه  
خداوند متعال خواستارم، امیدوارم که این توفیق را به من عطا فرمایند بتوانم همیشه بوفای  
عهد و قول خود پایدار بمانم

دکتر مظفر بقائی کرمانی

هدایت افکار البته صفای باطن و وفای به عهد و صحت عمل جناب آقای دکتر بقائی نماینده  
رشید و محبوب کرمان قابل تقدیر است و صمیمانه در این عید سعید، موفقیت معظم له  
را از پیشگاه قادر متعال مسئلت می‌نمائیم

۳۲/۳/۲۳ نشانه هدایت افکار

کرمان جناب دارغاد

۲۱- تیرماه ۱۳۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از فدائیان اسلام و مسلمانان مجاهد کسب اطلاع شده، متعصبین مذهبی که عموماً با کاشانی نظر موافق دارند از نظر تهیه و اجرای نقشه ترور زیر نظر دکتر بقائی کار می‌کنند و مسوولیت کلیه اموری که با ترور افراد ارتباط دارد، وسیله دکتر بقائی اداره می‌شود. اکنون با تغییر اوضاع سیاست بین‌المللی، نقشه‌ای برای ترور افراد وجود ندارد و جز شخص جناب آقای نخست‌وزیر، افراد دیگری مورد دشمنی شدید مخالفین نیستند.<sup>۱</sup>

آقای کاشانی

روز ۲۶ بهار ۱۳۳۲ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از فدائیان اسلام و مسلمانان مجاهد کسب اطلاع شده، متعصبین مذهبی که عموماً با کاشانی نظر موافق دارند از نظر تهیه و اجرای نقشه ترور زیر نظر دکتر بقائی کار می‌کنند و مسوولیت کلیه اموری که با ترور افراد ارتباط دارد، وسیله دکتر بقائی اداره می‌شود. اکنون با تغییر اوضاع سیاست بین‌المللی، نقشه‌ای برای ترور افراد وجود ندارد و جز شخص جناب آقای نخست‌وزیر، افراد دیگری مورد دشمنی شدید مخالفین نیستند.<sup>۱</sup>

آقای کاشانی

۱- حسین خطیبی که از یک طرف با دربار مرتبط بود و از طرف دیگر با بقائی به مشورت می‌نشست، سازمان نظامی و اطلاعاتی حزب زحمتکشان را هرچه بیشتر متشکل می‌کرد. افسران مرتبط با وی، با سرلشگر زاهدی رئیس کانون افسران بازنشسته، دیدارهایی انجام می‌دادند، در حقیقت در یک سال پیش از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خط مشی باند بقائی در برابر نهضت ملی آشکار شده بود. وقتی که اختلافات به اوج رسید، طرحی دیگر برای فلج کردن نهضت ملی توسط حسین خطیبی مسوول سازمان نظامی و اطلاعاتی حزب زحمتکشان اجرا شد. این طرح قتل سر تیپ افشار طوس بود. روزی که افشار طوس ربوده شد، خطیبی به بقائی تلفن کرد و اطلاع داد که با عده‌ای از افسران به خانه او آمده‌اند که نهار بخورند. بقائی از مجلس به خانه آمد. خطیبی او را از جریان ربودن افشار طوس مطلع کرد و گفت که «الان درباره سرنوشتش متزلزل شده‌اند که چکار بکنند» در ادامه خطیبی درخواست کرد که چیزی بگوید تا افسران دلگرم شوند بقائی به نزد افسران رفت. گفته شد که برخی معتقدند او باید مرخص شود و این برای همه خطر دارد. عده‌ای دیگر گفتند که او را نگهدارند تا وضع روشن شود و اگر خواست فرار کند او را بکشند. بقائی گفت «خدا کند بخواهد فرار کند» و به مجلس بازگشت. متعاقب این سخن بقائی افشار طوس به قتل رسید. خطیبی به افسران وعده داده بود که با ربودن افشار طوس حکومت متزلزل می‌شود و بقائی نخست وزیر خواهد شد. در همین ایام سازمان اطلاعاتی و مخفی حزب زحمتکشان با انتشار اعلامیه‌های رعب‌انگیز به تشنج دامن می‌زد. نخستین اعلامیه در ۲۰ خرداد ماه سال ۱۳۳۲، درست زمانی که خطیبی در زندان به سر می‌برد، منتشر شد. متن اعلامیه چنین بود:

«هم میهنان، برادران و خواهران، هموعان شما یعنی بینوایان، برای نجات مشروطیت و طرفداری از قانون

اساسی و از بین بردن فاصله طبقاتی و اصلاحات اساسی و فوری و نابود ساختن عمال بیگانگان و خاتمه دادن به کار شکنی‌های بی‌شمار حکومت‌های طومار ساز و هوچیگر و عوام‌فریب، کمیته‌ای به نام کمیته مجازات تشکیل داده‌اند و بزودی از طرف کمیته مجازات... که توسط بینوایان ساخته شده است در حساس‌ترین نقطه تهران آزمایش کوچکی به عمل خواهد آمد. سپس مبارزه جوانمردانه بینوایان در اعلامیه‌ای آغاز خواهد شد. درود فراوان به بینوایان از همه چیز محروم ایران.

جمعیت بینوایان کمیته مجازات.

در همین ایام اعلامیه‌های سرا یا منافقانه‌ای از گروهی تحت عنوان «کمیته سری مرگ» منتشر می‌شد این اعلامیه‌ها چنانکه از شعارهای آن برمی‌آید، از طرف حزب زحمتکشان و سازمان‌های مخفی آن پخش می‌شد. در قسمتهایی از اعلامیه شماره (۲) چنین می‌خوانیم:

«به نام خداوند بخشنده مهربان درود به روان پاک محمد اعلامیه شماره (۲) کمیته سری مرگ، وکلای مجلس شورای ملی، روی سخن امروز و دو هفته قبل ما با شماست... شما نه تنها به خاطر ما توجه نکردید بلکه عده‌ای [از پیشرفته‌ترین مخلوقات بشری که به نام نماینده در میان شما هستند، به جای طرد دکتر محمد مصدق دست‌ها را تا مرفق بالا زده با هوچیگری برای هیپنوتیزم ملت، مبادرت به میتینگ آن هم آن میتینگ مفتضح نمودند، الحال مجدداً به شما سرگشتگان مایل به مقام و زندگی اخطار می‌کنیم خیانت به ملت ایران در قاموس سربازان فدائی مکتب مقدس ما نتیجه‌اش مرگ است در اهتزاز باد پرچم مقدس اسلام»

شعبه اجراییات کمیته سری مرگ

سازمان مخفی حزب زحمتکشان شعب خود را در سایر نقاط هم دایر کرده بود یکی از این شعب در کرمان تاسیس شده بود که در روز ۲۸ مرداد با همکاری او باش آن منطقه سرهنگ سخانی رئیس شهربانی کرمان را با وضع فجیعی به قتل رسانید. بقائی از حربه ترور و ابزار ارباب و وحشت به خوبی سود می‌جست. اعتقاد به ایجاد رعب یکی از خصایص شخصیتی او به شمار می‌آمد. در آستانه کودتای ۲۸ مرداد بسیاری از مسایل، علنی‌تر شده بود. بالاخص بعد از ماجرای قتل افشارطوس از تباطؤ پیچیده بقائی با شبکه‌ای از افسران اخراجی باند چاقوکشان، به رهبری شعبان بی‌مخ علنی‌تر شد.

رک: حسین آبادیان، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، صفحات ۱۵۰-۱۷۳

تاریخ: ۲۳ - تیرماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد عده ای از افراد مستعفی حزب زحمتکشان دکتر بقائی مجدداً به حزب وارد و مشغول فعالیت شده اند. دکتر بقائی اظهار داشته: هدف ما در آتیه، تقویت رژیم مشروطه و مقام سلطنت می باشد و رهبری این امر به عهده آقای کاشانی محول گردیده است. روحیه دکتر بقائی به نحوی است که اطرافیان، او را به موفقیت آینده امیدوار ساخته، مجموع نفراتی که طرفدار دکتر بقائی هستند در ظاهر از سیصد نفر تجاوز نکرده و عده ای از آنها دارای روحیه ای می باشند که حاضر به انجام

۱۲ - دوره ۳۲ گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد عده ای از افراد مستعفی حزب زحمتکشان دکتر بقائی مجدداً به حزب وارد و مشغول فعالیت شده اند. دکتر بقائی اظهار داشته: هدف ما در آتیه، تقویت رژیم مشروطه و مقام سلطنت می باشد و رهبری این امر به عهده آقای کاشانی محول گردیده است. روحیه دکتر بقائی به نحوی است که اطرافیان، او را به موفقیت آینده امیدوار ساخته و مجموع نفراتی که طرفدار دکتر بقائی هستند در ظاهر از سیصد نفر تجاوز نکرده و عده ای از آنها دارای روحیه ای می باشند که حاضر به انجام

مأمور ویژه گزارش می دهد عده ای از افراد مستعفی حزب زحمتکشان دکتر بقائی مجدداً به حزب وارد و مشغول فعالیت شده اند. دکتر بقائی اظهار داشته: هدف ما در آتیه، تقویت رژیم مشروطه و مقام سلطنت می باشد و رهبری این امر به عهده آقای کاشانی محول گردیده است. روحیه دکتر بقائی به نحوی است که اطرافیان، او را به موفقیت آینده امیدوار ساخته و مجموع نفراتی که طرفدار دکتر بقائی هستند در ظاهر از سیصد نفر تجاوز نکرده و عده ای از آنها دارای روحیه ای می باشند که حاضر به انجام

مأمور ویژه گزارش می دهد عده ای از افراد مستعفی حزب زحمتکشان دکتر بقائی مجدداً به حزب وارد و مشغول فعالیت شده اند. دکتر بقائی اظهار داشته: هدف ما در آتیه، تقویت رژیم مشروطه و مقام سلطنت می باشد و رهبری این امر به عهده آقای کاشانی محول گردیده است. روحیه دکتر بقائی به نحوی است که اطرافیان، او را به موفقیت آینده امیدوار ساخته و مجموع نفراتی که طرفدار دکتر بقائی هستند در ظاهر از سیصد نفر تجاوز نکرده و عده ای از آنها دارای روحیه ای می باشند که حاضر به انجام

هرگونه مأموریتی هستند.

زحمتکشان دکتر بقائی

۴/۲۷

تاریخ: ۴- مردادماه ۳۲

مأمور ویژه گزارش می‌دهد طبق اطلاع حاصله، دکتر بقائی و شمس قنات آبادی به نمایندگان حزب زحمتکشان و مسلمانان مجاهد در شهرستانها دستور داده‌اند تا روز سه شنبه ششم ماه جاری به مرکز برای اخذ دستور و تعلیمات بیایند، لازم می‌باشد که موقع رفتن، اهالی شهرستان‌ها را علیه دولت تحریک و با اخلال و کارشکنی مانع موفقیت آقای دکتر مصدق در سراسر کشور شوند گفته می‌شود از نمایندگان در کلوپ حزب زحمتکشان پذیرائی شده و پس از دو روز توقف به شهرستانهای خود مراجعت خواهند کرد.

۱- مرداد ماه - ۳۲

مأمور ویژه گزارش می‌دهد طبق اطلاع حاصله، دکتر بقائی و شمس قنات آبادی به نمایندگان حزب زحمتکشان و مسلمانان مجاهد در شهرستانها دستور داده‌اند تا روز سه شنبه ششم ماه جاری به مرکز برای اخذ دستور و تعلیمات بیایند، لازم می‌باشد که موقع رفتن، اهالی شهرستان‌ها را علیه دولت تحریک و با اخلال و کارشکنی مانع موفقیت آقای دکتر مصدق در سراسر کشور شوند گفته می‌شود از نمایندگان در کلوپ حزب زحمتکشان پذیرائی شده و پس از دو روز توقف به شهرستانهای خود مراجعت خواهند کرد.

۱۹۵  
خالد  
امروز

اصل دکتر بقائی

۱۹۵- رجال

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۷

## وزارت دفاع ملی

رونوشت گزارش آقای انوری پور بازرس  
اداره بازرسی کل کشور و صورت پیوست آن  
برای اطلاع ارسال می‌گردد دستور فرمائید  
کلیه مأمورین خادای و مسامحه کننده که انجام وظیفه را در  
انجام وظیفه را مورد تعقیب قانونی قرار داده و  
نتیجه را اطلاع دهند.

معاون نخست‌وزیر دکتر علی آبادی  
عیناً برای بررسی و [ناخوانا] و اقدام قانونی و نتیجه  
[ناخوانا]

شعبه ۱۳ [ناخوانا] گرفته و اینجانب [ناخوانا] رمز

۵/۱۰

شماره: ۱۳۳۲/۵/۷  
تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۷  
موضوع: رونوشت گزارش آقای انوری پور بازرس اداره بازرسی کل کشور و صورت پیوست آن برای اطلاع ارسال می‌گردد دستور فرمائید کلیه مأمورین خادای و مسامحه کننده که انجام وظیفه را در انجام وظیفه را مورد تعقیب قانونی قرار داده و نتیجه را اطلاع دهند.

وزارت دفاع ملی

رونوشت گزارش آقای انوری پور بازرس اداره بازرسی کل کشور و صورت پیوست آن برای اطلاع ارسال می‌گردد دستور فرمائید کلیه مأمورین خادای و مسامحه کننده که انجام وظیفه را در انجام وظیفه را مورد تعقیب قانونی قرار داده و نتیجه را اطلاع دهند.

معاون نخست‌وزیر دکتر علی آبادی

عیناً برای بررسی و [ناخوانا] و اقدام قانونی و نتیجه [ناخوانا]

شعبه ۱۳ [ناخوانا] گرفته و اینجانب [ناخوانا] رمز

۵/۱۰

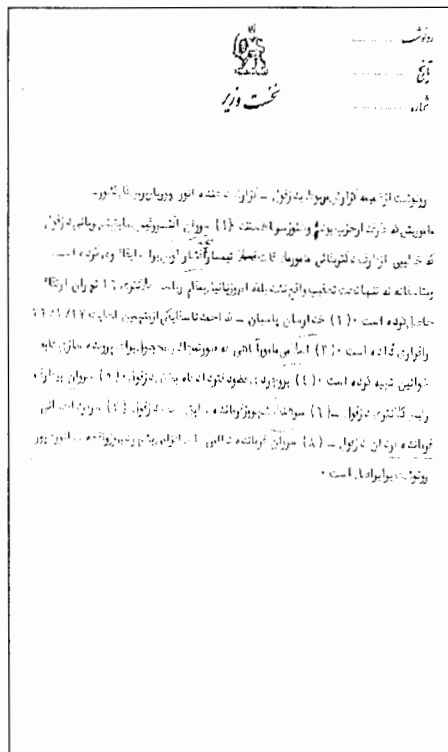


رونوشت از ضمیمه گزارش مربوط به دزفول -  
گزارش دهنده، انوری پور باز پرس کل  
کشور مأمورینی که طرفدار حزب بوده و هنوز  
سرکار هستند:

(۱) سروان «اکتیر» رئیس سابق شهربانی  
دزفول که خطیبی از طرف دکتر بقائی مأمور  
ملاقات تیمسار فقید افشار طوس، برای ابقاء  
وی کرده است و متأسفانه نه تنها تحت تعقیب  
واقع نشد بلکه امروز بانیل به مقام ریاست  
کلانتری ۱۶ تهران ارتقا حاصل کرده است.

(۲) «خدارسان» پاسبان، که احمد ناسقا یکی  
از متهمین لغایت ۳۲/۱/۲۷ را فراری داده  
است.

(۳) «اسلامی» مأمور آگاهی که صورت مجالس  
مجمول برای پرونده سازی علیه خوانین تهیه



کرده است.

(۴) «بروجردی» عضو دفتر دادگاه بخش دزفول.

(۵) سروان «بیطرف» رئیس کلانتری دزفول

(۶) سرهنگ «شهبوز» فرمانده سابق هنگ دزفول

(۷) سرگرد «احسانی» فرمانده گردان دزفول

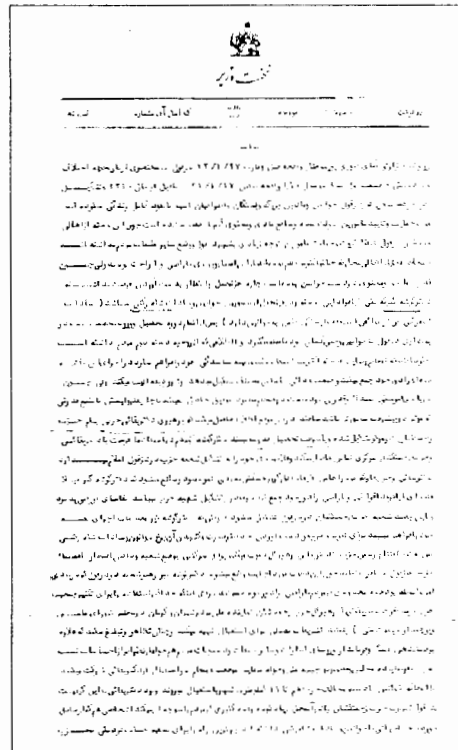
(۸) سروان فرمانده نظامی های اعزامی به شهر در روز واقعه.

انوری پور

رونوشت برابر با اصل است.

رونوشت گزارش آقای انوری پور علل واقعه  
قتل و غارت ۳۲/۱/۲۷ دزفول مختصری از  
تاریخچه اختلاف و دودستگی.

قسمت اول: از دو سال قبل از واقعه ننگین  
۳۲/۱/۲۷، تا قبل از سال ۱۳۳۰ و تشکیل  
حزب زحمتکشان در دزفول، خوانین و  
مالکین بزرگ و بستگان و اطرافیان آنها با نفوذ  
کامل زندگی می کرده اند مورد حمایت و تأیید  
مأمورین دولت بوده و منافع مادی و معنوی  
آنها حفظ می شده است. چون این دسته از  
اهالی و ساکنین دزفول به اتکاء ثروت و  
حمایت مأمورین، توجه زیادی به شهر دزفول  
و وضع سایر طبقات مردم نداشته اند طبعاً  
عده ای از اهالی محل که حائز اکثریت هم  
بوده اند، از این امتیاز و برتری، ناراضی و



ناراحت بودند ولی چون قدرت مادی و معنوی در دست خوانین بوده است چاره ای جز تحمل و  
انتظار به دست آوردن فرصت نداشته، دکتر گوشه گیر که یکی از افراد این دسته و در عین حال از  
منسوبین خوانین و سادات شاه رکنی می باشد (سادات شاه رکنی یکی از طوایفی است که  
وابستگی کامل به خوانین دارد) پس از اتمام دوره تحصیل و ورود به خدمت در بهداری دزفول با  
خوانین و حتی کسان خود فاصله می گیرد و با اطلاعاتی که از روحیه دسته دوم مردم داشته است  
به فکر می افتد که از عدم رضایت دسته اکثریت، استفاده کند و زمینه نمایندگی خود را فراهم  
سازد. در اجرای این نقشه عده ای را دور خود جمع می کند و جمعیت هائی به اسامی مختلف  
تشکیل می دهد و شروع به فعالیت می کند ولی چون در بادی امر متکی به مبدأ و قدرتی نبوده  
است در انجام مقصود، توفیق حاصل نمی کند ناچار به فکر وابستن با منبع قدرتی که موثر در  
پیشرفت منظورش باشد، می افتد در این موقع اطلاع حاصل می کند که به رهبری دکتر بقائی  
حزبی به نام حزب زحمتکشان در مرکز تشکیل شده و با سرعت تحصیل قدرت می کند، دکتر  
گوشه گیر هم در استفاده از فرصت با دکتر بقائی و حزب زحمتکشان مرکزی تماس حاصل  
می کند و علاقمندی خود را به تشکیل شعبه حزب در دزفول اعلام می دارد.

دکتر بقائی و حزب او که خود را حامی طبقات کارگر و زحمتکش معرفی نموده بود و مطلع می شود که دکتر گوشه گیر قبلا عده ای از افراد افراطی و ناراضی را دور خود جمع کرده و قادر به تشکیل شعبه حزب می باشد تقاضای او را می پذیرد و به این کیفیت، شعبه حزب زحمتکشان دزفول تشکیل می شود. وقتی که دکتر گوشه گیر مقدمات اجرای نقشه خود را فراهم می بیند برای تقویت حزب و بدست آوردن حداکثر قدرت و کشیدن آن به رخ خوانین و سادات شاه رکنی، کمی بعد از افتتاح رسمی حزب از دکتر بقائی رهبر کل دعوت می کند برای سرکشی به وضع شعبه و دادن افتخار به اعضاء حزب، به دزفول مسافرت نماید، چون این دعوت مورد اجابت واقع



می شود دکتر گوشه گیر رهبر شعبه در دزفول که در بادی امر توانسته بود عده معدودی از مردم ناراضی را دور خود جمع کند برای اینکه حداکثر استفاده را برای تکثیر جمعیت حزب از مسافرت دکتر بقائی (رهبر کل حزب زحمتکشان و نماینده ملی مردم تهران و کرمان در مجلس شورای ملی و پرچمدار نهضت ملی) به نماید تشریفات مفصلی برای استقبال تهیه می کند و چنان تظاهر و تبلیغ می کند که علاوه بر فرماندهی هنگ و فرماندار و روسای ادارات و سایر طبقات و دستجات مردم، هم، خواه از نظر ابراز احساسات نسبت به یک نفر نماینده مجلس و عضو موثر جبهه ملی و خواه به رعایت موقعیت و مقام در استقبال از دکتر بقائی شرکت می کنند تا آنجا که خوانین یا دسته مخالف حزب هم تا ۱۳ کیلومتری شهر به استقبال می روند. ورود دکتر بقائی با این کیفیت به دزفول شهرت حزب زحمتکشان را در آن محل زیاد کرده و عده کثیری از مردم را متوجه آن می کند، اشخاصی هم که از سابق، خورده حسابهای با خوانین و سادات شاه رکنی داشته اند بهترین راه را برای تصفیه حساب، نزدیکی به حزب زحمتکشان و استفاده از قدرت آن علیه مخالفین خود تشخیص می دهند. بالنتیجه جمعیت و قدرت حزب قابل توجه می شود. بعد از مراجعت دکتر بقائی از دزفول، دکتر موسی گوشه گیر و سایر اعضاء

موسس حزب که اغلب از کسبه و افراد عامی و در عین حال افراطی بودند برای اجرای دستورات کمیته مرکزی، در نیل به چهار هدف زیر با استفاده از موقعیت، به شدت فعالیت می‌کنند:

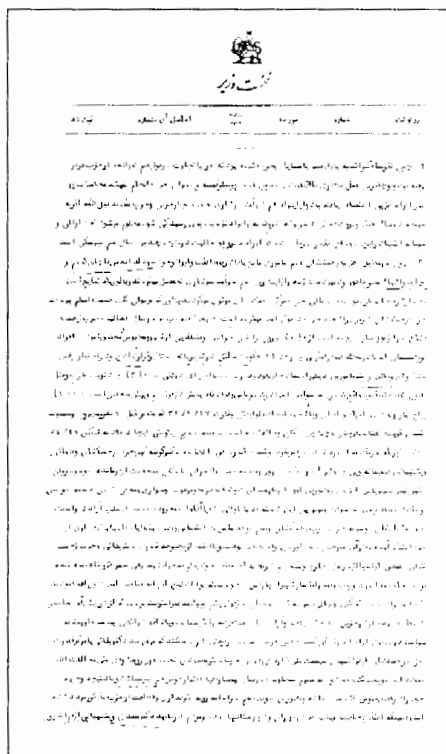
- ۱- متمایل نمودن دستگاههای دولتی به خود و استفاده از قدرت مأمورین دولت به نفع حزب.
- ۲- افزایش افراد حزب با هر وسیله که ممکن باشد.
- ۳- تضعیف و تخفیف و ارباب خوانین و وابستگان بدانها حتی در صورت امکان اخراج آنها از شهر دزفول.
- ۴- استفاده مادی (اعم از مشروع یا نامشروع) برای تامین مخارج حزب دزفول و کمک



### بحزب مرکزی.

هدف اول یعنی استفاده از نفوذ و قدرت مأمورین دولت به نفع حزب و در اختیار گرفتن دستگاههای دولتی، با مسافرت دکتر بقائی به دزفول و تزید قدرت و نفوذ مشارالیه، حزب زحمتکشان در مرکز به آسانی بدست آمد، بدو سرهنگ شهروز فرمانده وقت هنگ دزفول خود را بدون هیچ قید و شرط در اختیار بقائی و شعبه حزب زحمتکشان دزفول قرارداد تا آنجا که اوامر دکتر بقائی و حزب را مقدم بر دستورات و اوامر فرماندهی لشکر و ستاد ارتش اجرا می‌نمود و در تعرض بین وظیفه و اوامر حزب، دومی را مقدم می‌داشت و بطوری در این امر تظاهر می‌کرد که تصور می‌رفت این افسر ارشد و فرمانده هنگ از سران افراطی یا رهبران حزب شده است تا آنجا که معروف است اغلب نقشه‌ها و تدابیر لازم برای پیشرفت مقاصد حزب را شخصاً طرح و دستور اجرا می‌داد و تمام قدرت هنگ را برای انجام نظریات و تمایلات حزب مذکور تخصیص داده بود. بالنتیجه نه تنها به شکایات مردم از تعدیات افراد حزب ترتیب اثر نمی‌داد و در دستگاههای دیگر دولتی هم به نفع آنها اعمال نفوذ و قدرت می‌کرد، بلکه هر روز برای مخالفین حزب، اسباب زحمت و گرفتاری فراهم می‌ساخت. مأمورین دیگر دزفول، هم که

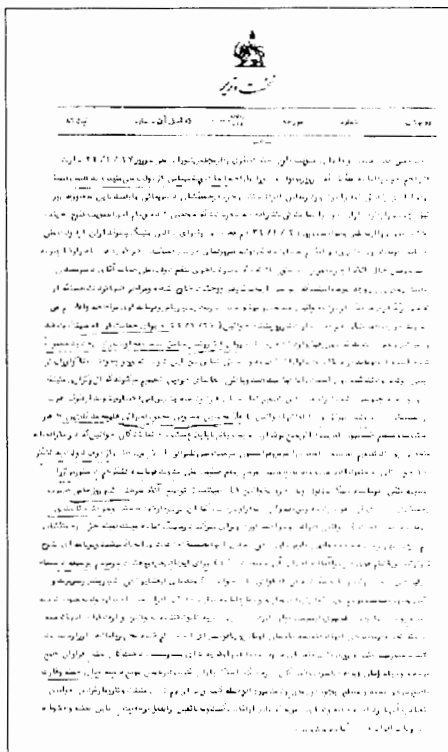
تمایل و تقویت فرمانده هنگ با قدرت و همه کاره دزفول را از حزب زحمتکشان تا این حد ملاحظه می‌کردند، تبعیت از سرهنگ شهروز و یا برای حفظ موقعیت و مقام، خود را در اختیار سران حزب گذاشتند حتی دستگاه شهربانی هم که بایستی برای امکان انجام وظیفه مثل دواير دادگستری بکلی بیطرف بوده باشد تحت ریاست سروان اکتیر در بست در اختیار حزب قرار گرفت و بالنتیجه دست حزبی‌ها برای انجام هر عملی ولو جنایت باز باشد و هر کس را که حاضر به قبول عضویت حزب نمی‌شد به طرق مختلف مزاحم شده و حتی صدمه می‌زدند تا آنجا که کسانی که عضو حزب نشده بودند اعم از طبقه مالکین و سادات یا کاسب و کارگر به هیچ وجه امنیت و



آزادی زندگی نداشتند. خوشبختانه تنها دستگاهی که با تمام این کیفیات، تسلیم سران حزب و نظر آنها و سرهنگ شهروز نشد، دادگاه بخش دزفول بود و به همین جهت در دوران دو سال گذشته چه در محل و چه در مرکز روزنامه‌های منتسب به حزب زحمتکشان این دستگاه را شدیداً مورد انتقاد قرار داده و روسای دادگاه را به باد فحش و تهمت و افترا گرفته و در راه انجام وظیفه آنها ایجاد مشکلات و موانع می‌کردند و حتی به وسیله افراد حزبی به انواع مختلف، قضاات را تهدید و آزار می‌نمودند، ولی قضاات دادگاه با ابراز کمال شهامت و وظیفه دوستی، تحت تأثیر واقع نشدند و با بی‌طرفی و بی‌نظری کامل، آماده انجام وظیفه بودند اما چون مأمورین انتظامی بخصوص رئیس و افراد شهربانی، حاضر به قبول شکایات از تعدیات افراد حزبی و حتی انجام اوامر قانونی دادگاه برای رسیدگی به شکایات علیه افراد حزب نبودند لذا موجبات رفع ظلم و تأمین رفاه حال دسته مخالف و بی‌طرف فراهم نبود، بالنتیجه هدف اول به بهترین وجهی تأمین شد.

هدف دوم یا افزایش افراد حزب نیز به شرح زیر به سرعت تأمین گردید. همین که حزب قوت گرفت و به کمک هنگ و شهربانی و سایر مأمورین دولتی از طرف افراد آن نسبت به مردم

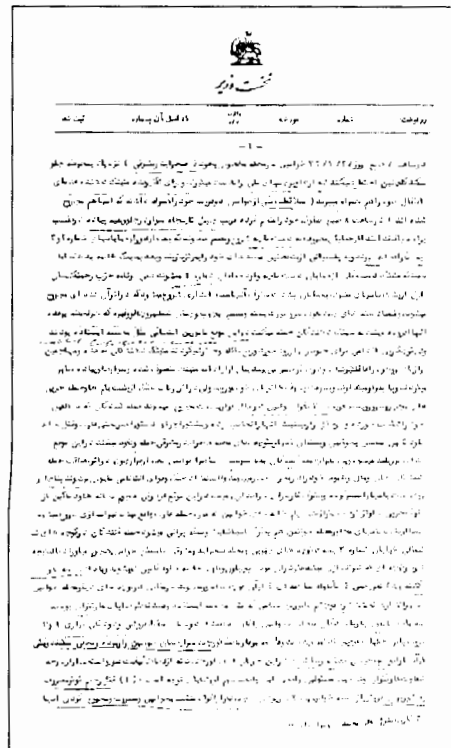
اعمال قدرت شد و مردم دیدند که کسی به شکایات آنها از تعدیات و تجاوزات افراد حزبی نمی‌رسد، اولاً اشخاص ناراضی از مالکین برای استفاده از قدرت حزب و تصفیه حسابهای گذشته و ثانیاً افراد بی‌طرف به منظور مصونیت از تعدیات افراد حزب، عضویت حزب را پذیرفتند ولی چون این عده با توجه به جمعیت ۷۵ الی ۸۰ هزار نفری شهرستان دزفول قابل توجه نبوده است، رهبران حزب، بعد از تقویت بنیه مالی و تحصیل درآمد مکفی، عده‌ای از اشرار محلی را اجیر و با پرداخت حقوق ماهیانه، آنها را مأمور اجرای اوامر حزب و کمیته مرکزی کردند و چون به طوری که تشریح شد، دستگاه شهربانی و دژبانی و پادگان هم در اختیار



حزب قرار گرفته بود هیچگونه مانعی برای شرارت و اعمال خلاف انسانیت و قانون افراد حزب به خصوص گروه اخیر وجود نداشت، لذا با زجر و آزار و تهدید به طوری مردم را مرعوب کردند که همه مردم برای حفظ منافع خود و رفع شر بالاچار و اگره، حاضر به ثبت نام در دفتر حزب شدند و به این کیفیت، اکثر افراد دزفول عضویت یا وابستگی حزب را پذیرفتند.

هدف سوم که تخفیف و تضعیف خوانین معروف به «آقاواتی‌ها» و سادات شاه‌رکنی و دستجات منتسب یا متمایل به آنها بوده است نیز پس از در اختیار قرار گرفتن فرمانده هنگ و رئیس شهربانی و سایر روسای ادارات دولتی و استخدام اجامر و اوباش و چاقوکشان محلی به سهولت انجام شد تا آنجا که وقتی خوانین و سادات، چند نوبت مورد تخفیف و تهدید و حتی چاقوکشی و ضرب و جرح علنی در شهر واقع شدند و کسی به داد آنها نرسید، چنان مرعوب و هراسناک شدند که چاره‌ای جز ترک شهر و خانه و زندگی و پناهنده شدن به تهران و اهواز و شهرهای دیگر ندیدند چنانچه از این دسته، آنها که قدرت مالی داشتند بدون معطلی مهاجرت کردند و بقیه که چنین استعدادی نداشته، در محله معروف به «صحرا بدر مشرقی» که تقریباً یک ششم شهر دزفول و مسکن قسمت عمده از افراد دسته مخالف مذکور می‌باشد متمرکز شدند و

از ترس جان و آبرو و حیثیت، با شهر قطع رابطه نمودند حتی کودکان آنها هم قادر نبودند از هیچ یک از خیابانهای شهر عبور کنند. این فشار و رعب از طرف حزبی‌ها نسبت به خوانین و سادات باقی در دزفول، به جایی رسیده بود که اگر یکی از آنها می‌خواست از شهر خارج شود جرات نمی‌کرد که از خیابان عبور کرده و از پل ورودی که تنها راه شهر به خارج می‌باشد استفاده کند، ناچار مثلاً برای رفتن به اندیمشک (۱۱ کیلومتری دزفول از راه پل مذکور) به شوشتر و اهواز و سپس اندیمشک یعنی پس از طی تقریباً ۳۰۰ کیلومتر به جای ۱۱ کیلومتر می‌رفت زیرا هر یک از این افراد در یکی از خیابانها یا کوچه‌های شهر دیده می‌شد در حضور



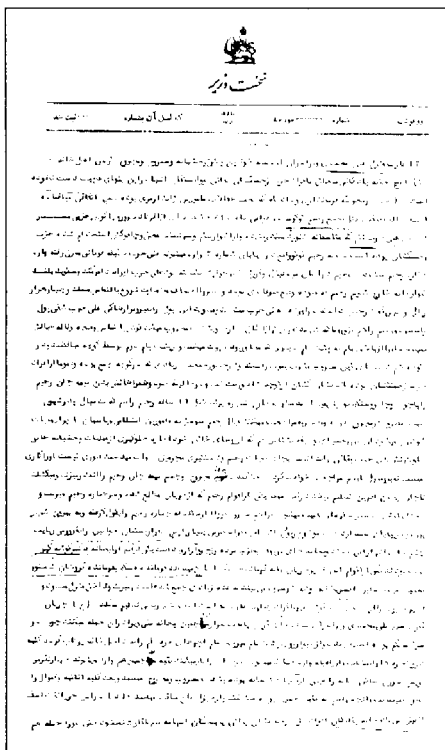
پاسبان و سایر قوای انتظامی و مأمورین دولتی مثل جهودها که در زمان قاجاریه، گیر مسلمانها می‌افتادند به نام «هت» (اسمی است که حزبی‌ها برای تخفیف خوانین، معمول داشته بودند) خوانده شده و بلافاصله مورد اهانت و ضرب و جرح زن و بچه مرد حزبی یا وابسته به حزب قرار می‌گرفت که ناچار با زحمتی، خود را نجات داده و از معرکه و مهلکه فرار می‌کرد، این فشار و تهدید و تخفیف در این اواخر بی‌نهایت به شدت رسیده بود، البته علت موقعیت حزبی‌ها در این وحشی‌گری، آن بود که مأمورین هیچ‌یک از قوای انتظامی، از عملیات خلاف قانون و انسانیت آنها نسبت به خوانین و سادات، جلوگیری نمی‌کردند و حتی شکوائیه و تظلم آنها را هم نمی‌پذیرفتند.

هدف چهارم یا تحصیل درآمد برای حزب نیز به این کیفیت تأمین شد، دکتر گوشه‌گیر و اعوان و انصار او بعد از اینکه کاملاً در شهر مسلط شدند و قدرت را در دست گرفتند و کلیه موانع را از سر راه خود برطرف ساختند به چندین طریق شروع به تحصیل درآمد کردند به شرح زیر:

۱- اخذ حداقل ماهی ده ریال از همه مردم، خواه آنها که رسماً عضو حزب شده بودند یا آنها که از ترس، خود را متمایل به حزب جلوه می‌دادند. این حق عضویت به طوری که در محل شایع

است در ماه از یکصد و پنجاه هزار ریال متجاوز بوده است که قسمتی از آن را صرف هزینه حزب می‌کردند و قسمت بیشتر آن را جهت تقویت بنیه مالی حزب مرکزی برای دکتر بقائی می‌فرستادند.

۲- چون تقریباً اکثر کسبه بازار عضو یا متمایل به حزب شده بودند، تقریباً تجارت دزفول هم در انحصار حزب قرار گرفته بود و کوچکترین عمل تجاری یا اقتصادی، بدون اطلاع و نظر کمیته و رهبران حزب انجام نمی‌شد، معاملات پرشور به افراد حزبی اختصاص یافته بود و از این راه هم درآمد سرشاری نصیب تجار حزبی و حزب می‌شد. به دلیل آنکه اگر به سرمایه دو سال قبل و ثروت فعلی دکتر گوشه گیر و کسبه و افراد



نزدیک به وی رسیدگی شود معلوم می‌شود که دارائی و سرمایه اینها در این دو سال به قدری زیاد شده که از راه مشروع و فعالیت در ظرف چندین سال هم غیر ممکن است.

۳- چون در مقابل حزب زحمتکشان هم مأموری مانع یا قادر به مخالفت و ابراز وجود نبود لذا به عمل قاچاق گندم و چای و اشیاء ممنوع‌الورود نیز دست زده و از این طریق هم درآمد سرشاری تحصیل می‌کردند و به طوری که شایع است بعد از شروع به اینکار به تقویت بنیه مالی حزب مرکزی کمک‌های موثری می‌کردند به طوری که می‌توان گفت قسمت اعظم بودجه حزب زحمتکشان در مرکز را، شعبه حزب دزفول تأمین می‌کرده است. خلاصه نتیجه دو سال فعالیت حزب زحمتکشان در دزفول عبارت بوده است:

۱- بیرون راندن خوانین و متنفذین، از شهر و محبوس و محصور نمودن افراد و وابستگان آنها در محله صحرا مشرقی بدر.

۲- حکومت مطلق در شهر یا تحت تأثیر قرارداد و در اختیار گرفتن هنگ و شهربانی و اکثر مأمورین دیگر و استفاده از نفوذ و قدرت و دستگاههای دولتی.

۳- چند نوبت غارت و قتل، بدون تحت تعقیب واقع شدن که سوابق آنها در شهربانی و دادگاه



بخش دزفول کم و بیش منعکس است.

۴- رواج بازار تعدی به افراد و قاچاق و بالاخره ایجاد بلوا و قتل و غارت ۳۲/۱/۲۷ که منجر به قتل ۴ نفر و مجروح و مضروب شدن قریب هفتاد نفر و غارت چندین دکان و خانه شده است.

قسمت دوم چگونگی ایجاد حادثه ننگین ۳۲/۱/۲۷:

بطوری که در مقدمه اشاره شد در اثر نفوذ و کسب قدرت فوق العاده دکتر گوشه گیر و حزب زحمتکشان و همکاری و پشتیبانی صمیمانه و بی قید و شرط سرهنگ شهروز، فرمانده هنگ و افسران پادگان به تبعیت از فرمانده خود و سروان اکتیر رئیس شهربانی دزفول و مأمورین او و سایر کارمندان دولت با حزب و



مرعوب و متواری و مخفی شدن دسته خوانین و سادات شاه رکنی، سران و مؤثرین این دسته که به آقاواتی‌ها یا آقاوات معروف هستند، از سلب آزادی و امنیت خود و کسانشان بوسیله افراد حزب زحمتکشان و عدم توجه مأمورین انتظامی و هنگ به شکایات آنها به طرفداری از حزب به تنگ آمده و هر آن مترصد بدست آوردن راه نجات بودند و یا اینکه از بحبوحه قدرت دکتر بقائی و حزب زحمتکشان، جمعی از آنها از دزفول خارج و بقیه هم در محله اختصاصی خود بنام صحرا بدر مشرقی متمرکز و پناهنده شده بودند و باب معاشرت و رفت و آمد را با تمام شهر اجباراً به روی خود بسته بودند لکن آنها که صاحب املاک و زراعت بودند، طبعاً نمی‌توانستند بطور کلی و برای همیشه از شهرستان دزفول چشم‌پوشند فلذا مترصد بودند که از هر پیش آمد مناسب استفاده کرده از شر حزبی‌ها نجات یافته و آزادی از دست رفته را باز ستانند و یا لاقلاً شرائطی بدست آورند که بتوانند در دزفول آزادانه زندگی کنند. این فرصت مناسب را وقتی درک می‌کنند که می‌فهمند دکتر بقائی با مرکز قدرت حزب زحمتکشان، از فراکسیون نهضت ملی کناره‌گیری کرده و با دکتر مصدق نخست‌وزیر و پیشوای ملی، مخالفت آغاز نموده است. بعد کشف می‌شود که متهم به معاونت در قتل تیمسار فقید افشار طوس هم می‌باشد و بالتجربه

وجهه خود را در افکار عمومی از دست داده و مأمورین دولت هم در ادامه رویه طرفداری و اطاعت از حزب مذکور مردد شده‌اند و همینکه اطلاع حاصل می‌کنند که در تهران و شهرستانهای دیگر، مردم در تایید دکتر مصدق و پشتیبانی از فراکسیون نهضت ملی قصد میتینگ و تقاضای تصویب طرح هشت نفری را از مجلس شورای ملی در روز ۳۲/۱/۲۷ دارند آنها هم خود را آماده می‌کنند که در روز موعود به منظور ابراز احساسات و پشتیبانی از دولت ملی میتینگ بدهند و ضمناً راه آزادی زندگی خود را در شهر در مقابل افراد میتدی حزب زحمتکشان دکتر بقائی باز کنند به این منظور که روز قبل چند نفر از طرفداران خود را به نمایندگی به تلگرافخانه می‌فرستند که متحصن شده و به نام آنها تصویب طرح هیئت هشت نفری را از مجلس بخواهند و روز ۳۲/۱/۲۶ هم قصد خود را برای دادن میتینگ به طرفداران از دولت ملی کتباً به فرمانداری و شهربانی اعلام می‌دارند. دکتر گوشه گیر و زعمای حزب زحمتکشان هم که به دقت ناظر اوضاع بوده‌اند، در عین حال که از حزب مرکزی دستور داشتند که دیگر تظاهری به نفع دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق نکنند چون به هیچ وجه نمی‌خواستند که خوانین از محیط رعب و وحشت خارج شده و مزاحم آنها گردند همین که از تصمیم برگذاری میتینگ از طرف خوانین مستحضر می‌شوند، بلادرنگ به شهربانی و فرمانداری مراجعه و اعلام می‌دارند حزب زحمتکشان هم قصد دارند در روز میتینگ خوانین (۳۲/۱/۲۷) برای حمایت از شاه میتینگ بدهد. رئیس شهربانی جدید که دو روز قبل وارد شده بود (سروان اکتیر رئیس سابق به سمت معاونت رئیس جدید منصوب شده است) و فرماندار که با استحضار از اختلاف و دو دستگی تماس بین این دو دسته و وقوع حوادث ناگوار را پیش بینی کرده بودند کمیسیون امنیت را تشکیل می‌دهند و با طرح تقاضای طرفین تصمیم می‌گیرند که از برگزاری میتینگ هر دو دسته جلوگیری شود، در تعقیب این تصمیم، نمایندگان هر دو دسته به شهربانی احضار می‌شوند. از طرف حزب زحمتکشان دکتر گوشه گیر و از طرف آقاواتها[ی] خوانین، غلامحسین مستوفی، محمود فخرائی و علی محمد گلچین حاضر می‌شوند و تصمیم کمیسیون امنیت دایر به منع برگزاری میتینگ به آنها ابلاغ می‌شود. نمایندگان خوانین که در تلگرافخانه متحصن بودند تصمیم کمیسیون امنیت را به مرکز و فراکسیون نهضت ملی تلگرافی اطلاع می‌دهند و از طرف دولت به لشکر ۱۰ خوزستان دستور داده می‌شود که مانع میتینگ مردم به نفع حکومت ملی نشوند فرمانده لشکر هم دستور مرکز را وسیله تلفن به فرمانده هنگ دزفول و بالاخره به خوانین ابلاغ می‌کنند (توضیح آنکه سرهنگ شهروز حامی حزب زحمتکشان چندی قبل عوض شده ولی افسران همکار او در هنگ، کماکان بر سر کار خود

هستند و «سر هنگ تأییدی» فرمانده هنگ است) خوانین، افراد خود را جمع آوری و برای شرکت در میتینگ آماده می‌کنند. کمیته حزب زحمتکشان هم برای بهم زدن میتینگ خوانین و از میدان خارج کردن آنها تصمیمات شدیدی اتخاذ می‌کنند و برنامه‌ای به شرح زیر ترتیب و با تمام قوا خود را آماده اجرای آن می‌نمایند.

۱- برای ایجاد رعب و وحشت در مردم بوسیله دستگاه تبلیغاتی خود در شهر شایع می‌کند که فردا آقاواتی‌ها (خوانین) و عده‌ای از عشایر خارج شهر به شهر می‌ریزند و قتل و غارت می‌کنند، مردم باید خود را برای مقابله و دفاع آماده نماید.

۲- افراد تحت اختیار خود به خصوص دسته سیاه‌پوشان را برای جلوگیری از میتینگ و وارد آوردن آخرین حربه نابودکننده به خوانین و طرفداران آنها دسته به دسته تحت فرماندهی افراد جنگیده، یا همان اوباش و چاقوکشهای استخدام شده، مجهز و آماده کارزار می‌نمایند.

۳- دستور می‌دهند که روی پشت‌بامهای مشرف به خیابانها و کوچه‌های مسیر میتینگ دهندگان، سنگ فراوان جمع کرده و بوسیله زنان و بچه‌ها، شرکت‌کنندگان در میتینگ را سنگ باران کنند و در همین موقع دسته‌های حمله و غارت، با صورتهای بسته و مسلح به چوب و چماق و شمشیر و چاقو حمله کنند و پس از بهم زدن میتینگ و تارو مار کردن خوانین به تعاقب آنها پرداخته خانه و دکانین مربوط به آنها را غارت کنند و مخالفین را به قتل برسانند. با این نقشه و حشیانه و خطرناک افراد حزب آماده می‌شوند.

در ساعت ۷ صبح روز ۳۲/۱/۲۷ خوانین، در محله مخصوص به خود (صحرا بدر مشرقی) نزدیک به محوطه جلو «می‌کند گلچین» اجتماع می‌کنند، شعارها و پرچمهای ملی را به دست می‌گیرند و برای تکثیر عده میتینگ دهنده عده‌ای اطفال خود را هم همراه می‌برند (مثلاً قطب یکی از خوانین، دو فرزند خود را همراه داشته که آنها هم مجروح شده‌اند) در ساعت ۸ صبح، صفوف خود را منظم کرده قریب چهل تا پنجاه سوار در جلو و بقیه پیاده در عقب به راه می‌افتند. ابتدا از خیابان معروف به دست‌پاچه، شروع و مصمم می‌شوند که بعد از عبور از خیابانهای شماره ۲ و ۳، به تلگرافخانه بروند و به پشتیبانی از متحصنین، مستدعیات خود را به مرکز بگویند و بعد به میتینگ خاتمه بدهند اما همینکه میتینگ‌دهندگان از خیابان دست‌پاچه وارد خیابان شماره ۲ می‌شوند، طبق برنامه حزب زحمتکشان، اول از پشت بامهای مشرف به خیابان به شدت به طرف آنها سنگ‌اندازی شروع می‌شود که در اثر آن عده‌ای مجروح می‌شوند و ضمناً دسته‌های چند نفری سر و صورت بسته و مسلح به چوب، چماق، شمشیر، چاقو و غیره که هر لحظه بر عده آنها افزوده می‌شد به میتینگ دهندگان حمله می‌کنند، در این موقع

مأمورین انتظامی مثل مجسمه ایستاده بودند ولی کوچکترین اقدامی برای جلوگیری از زد و خورد و رفع غائله و خطر نمی‌کردند. میتینگ دهندگان که عده مهاجمین را زیاده‌تر و خود را غافلگیر شده و در خطر حتمی می‌بینند به ناچار از ادامه میتینگ منصرف شده و سواره‌ها و پیاده‌ها بر می‌گردند و پا به فرار می‌گذارند و به سرعت به طرف خانه‌های خود می‌روند، ولی در اثر پرتاب سنگ از پشت بام‌ها و حمله حزبی‌های مجهز و سر و رو بسته، قریب ۳۰ نفر از خوانین در حال فرار به شدت مجروح می‌شوند. حمله‌کنندگان که مخالفین خود را شکست خورده و در حال فرار می‌بینند، آنها را تعاقب کرده و به منظور اجرای دستور اخیر یعنی غارت و قتل، به خانه‌ها و دکان‌های متعلق به خوانین و بستگان آنها و به کوچه‌های محله صحرابدر مشرقی حمله و نفوذ می‌کنند، در این موقع صدای تیر بلند می‌شود و یک نفر از حمله‌کنندگان به قتل می‌رسد. ظاهراً خوانین بعد از فرار چون در اثر تعاقب حمله‌کنندگان جان و مال و ناموس خود را در معرض خطر می‌بینند و از استمداد هنگ و قوای انتظامی مایوس می‌شوند، به ناچار روی پشت بام‌ها را سنگر کرده و به طرف غارتگران تیراندازی می‌کنند. در این موقع از طرفی هجوم به خانه‌ها و دکان‌های از طرف حزبی‌ها و از طرف دیگر از پشت بام خانه‌های خوانین که مورد حمله [و] غارت واقع میشد تیراندازی شروع می‌شود ضمناً از پشت بام‌های مجاور محله خوانین هم به طرف آنها شلیک و سنگ پرانی می‌شود، حمله‌کنندگان در کوچه‌های شمالی خیابان شماره ۳ به سمت کوچه‌های جنوبی و محله صحرابدر مشرقی یا مسکن خوانین، هجوم می‌آورند، بالنتیجه در هر کوچه‌ای که تیراندازی می‌شد غارتگران، موفق به چپاول و غارت خانه‌ها و دکان‌ها نمی‌شوند و با دادن سه نفر کشته و ۲۸ نفر زخمی (با گلوله ساچمه‌ای) از آن کوچه‌ها دور می‌شوند. در مقابل در کوچه‌های دیگر محله خوانین که تیراندازی نمی‌شد در جلو چشم مأمورین نظامی که مثل مجسمه ایستاده و فقط ناظر جنایات غارتگران بودند سه باب خانه و چهار باب دکان متعلق به خوانین را غارت می‌کنند (دو دکان سقط فروشی و دو دکان بزاز) و تا غروب به این عملیات عجیب ادامه می‌دهند و علاوه بر غارت مذکور چند نفر این جریان اسف‌آور چند نکته از لحاظ کیفیت عمل و استحضار از درجه شقاوت غارتگران و تشخیص مسئولین واقعی این واقعه شرم‌آور شایان توجه است:

۱- قتل «رحیم کوکو» معروف به شیربرنج فروش از دسته خوانین

۲- ربودن چند نفر از افراد منتسب خوانین و مضروب و مجروح کردن آنها

۳- غارت منزل علی محمدی و برادران، از دسته خوانین به طرز وحشیانه و مضروب و

مجروح کردن اهل خانه

۴- هیچ خانه یا دکانی متعلق به افراد حزب زحمتکشان بقائی و وابستگان آنها در این بلوای عجیب دست نخورده است.

۵- در محوطه فرمانداری و دادگاه که تحت حفاظت مأمورین ژاندارمری بوده هیچ اتفاقی نیفتاده است.

الف- کیفیت قتل فجیع رحیم کوکو:

در حوالی ساعت ۱۰/۹ عده‌ای از افراد شرور و چاقوکش حزبی به سردستگی «علی حرب» نام که متأسفانه هنوز دستگیر نشده و از اشرار بنام و سرشناس محل و چاقوکش استخدام شده حزب زحمتکشان بوده است به خانه رحیم کوکو واقع در خیابان شماره ۳ وارد می‌شوند، علی حرب به طبقه فوقانی منزل رفته وارد اتاق رحیم می‌شود. رحیم در اتاق نزد عیال و فرزند شیرخوارش نشسته بود علی حرب او را صدا می‌کند و می‌گوید بلند شو از خانه خارج شویم رحیم که متوجه وضع غیر عادی بوده و خطر را احساس می‌نماید شروع به التماس می‌کند و چهار هزار ریال و جهی که در جیب داشته در آورده به علی حرب می‌دهد و می‌گوید این پول را بگیر و مرا رها کن، علی حرب شقی پول را می‌گیرد و رحیم را هم به زور و با کمک چند نفر دیگر از اتاق خارج و به شدت مضروب می‌کند و گوش به التماس و ضجه و ناله عیالش نمی‌دهد، او را از بالای بام به پشت بام دیگری که مجاور بوده پرت می‌کنند و از پشت بام دوم به وسط کوچه می‌افکنند و در کوچه هم دستهای این مضروب مشرف به موت را بسته و در حضور جمعیت زیادی که در کوچه جمع بوده و عموماً از افراد حزب زحمتکشان بوده‌اند کشان‌کشان از کوچه‌ها عبور می‌دهد و در حالی که خود و همراهانش بدن نیمه‌جان رحیم را با چوب و چاقو و سنگ نوازش می‌دادند به طرف خارج شهر می‌برند. طفل ۱۲ ساله رحیم را هم که به دنبال پدر شیون می‌کند مضروب و مجروح کرده و وادار به مراجعت می‌کنند. عیال رحیم متوسل به مأمورین انتظامی و پاسبان برای نجات شوهرش می‌شود، آن بی‌رحمهای وظیفه‌شناس هم که از روسای خائن خود اجازه جلوگیری از عملیات وحشیانه جانی‌ها و غارتگرهای حزب بقائی را نداشتند بجای نجات رحیم و دستگیری مجرمین، جواب می‌دهند طوری نیست او را کاری نمی‌کنند تو برو منزل او هم مراجعت خواهد کرد. خلاصه بدن مجروح و جسم نیمه‌جان رحیم را آنقدر می‌زنند و می‌کشند تا جان بیجان آفرین تسلیم می‌کند. در این موقع یکی از اقوام رحیم که از جریان مطلع شده و سرجنانه رحیم می‌رسد و به حال زار شهید، می‌گرید گرفتار جانی‌ها می‌شود، او را هم مضروب و وادار می‌کنند که جنازه رحیم را به کول گرفته و به بیرون شهر ببرد و در بیابان بیندازد.

ب- موضوع ربودن اشخاص افراد حزبی:

چهار یا پنج نفر از بستگان خوانین را با زور می‌ربایند چشم‌های آنها را می‌بندند و به خانه‌های مربوط به حزب برده و زجر و آزار می‌دهند. یکی از آنها را به خانه دکترگوشه گیر برده بودند. یکی از اقوام این اسیر، جریان را به فرمانده هنگ اطلاع می‌دهد فرمانده هنگ به فرمانده گروهان دستور تحقیق می‌دهد این افسر به خانه گوشه گیر می‌رود می‌بیند که عده زیادی جمع شده‌اند، در می‌زند و داخل منزل می‌شود و اسیر مجروح را از چنگال دکترگوشه گیر و افراد جنایت‌کارش نجات داده و به شهربانی تسلیم می‌کند.

#### ج - جریان غارت منزل علی محمدی و برادران:

عده‌ای قریب پانصد نفر از مهاجمین به خانه علی و برادران حمله می‌کنند چون در منزل محکم بوده است چند نفر از دیوار روی پشت‌بام می‌روند، تمام آجرهای حره بام را به داخل خانه پرتاب کرده کلیه در و پنجره‌ها را می‌شکنند و از راه پله، وارد حیاط می‌شوند. در حیاط را باز می‌کنند بقیه مهاجمین هم وارد می‌شوند، چهار نفر مرد و پنج نفر زن ساکن خانه را که یکی از آنها ۸۰ ساله بوده به شدت مضروب و مجروح می‌کنند و بعد کلیه اثاثیه و اموال را غارت می‌نمایند و آنچه را هم که قابل حمل نبوده می‌شکنند و از حیزانتفاع ساقط می‌کنند.

د - در این جریان‌ات اسفانگیز حتی یک خانه یا دکان افراد حزب زحمتکشان بقائی یا بستگان آنها نه تنها غارت نمی‌شود، حتی مورد حمله هم قرار نمی‌گیرد و این بهترین دلیل است که دسته متینگ دهندگان یا خوانین نه تنها به هیچ وجه قصد حمله و غارت و ارتکاب جرم را نداشته و تنها نظر آنها برگزاری میتینگ و علی‌رغم حزب زحمتکشان مخالف دولت ابراز احساسات و پشتیبانی از دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق بوده است بلکه حتی بعد از آنکه مورد حمله و غارت و قتل هم واقع شده‌اند در صدد تلافی و مقابله به مثل برنیامده‌اند. به یقین اگر خوانین با سنگربندی پشت بامها و تیراندازی به طرف مهاجمین و غارتگران در مقام دفاع از جان و مال خود بر نمی‌آمدند این جمعیت غارتگر وحشی اکثر خانه‌های آنها را خراب و غارت کرده و عده کثیری از آنها را اعم از زن و مرد و بچه به قتل می‌رساندند و نیز اگر مأمورین انتظامی و به خصوص افراد نظامی به وظیفه خود عمل می‌کرده و مانع از وحشیگری و چپاول مهاجمین می‌شدند مسلم نه تیراندازی و نه هیچ کس کشته و نه هیچ خانه و دکانی غارت می‌شد چون مأموریتی در تشخیص و معرفی مأمورین خاطی و مسئول این واقعه اسفناک نداشتیم در این قسمت اقدامی نکرده و عرضی ندارم. باز پرس ابتدا که مستحضر از حقیقت واقعه نبوده است ضمن بازداشت ۹ نفر از مهاجمین، متهمین به قتل و غارت از دسته زحمتکشان و دستور دستگیری و بازداشت دکتر گوشه گیر که فرار کرده بوده است ۱۷ نفر از دسته خوانین را هم به

اتهام تیراندازی و قتل، با صدور قرار بازداشت موقت، زندانی می‌کند ولی بعد از مسافرت اخیر به دزفول و انجام تحقیقات ممکن و کافی برای روشن شدن حقیقت، در مراجعت به تاریخ ۳۲/۴/۲ اظهار نظر می‌کند که با توجه به تحقیقاتی که اخیراً در محل انجام گرفته و توجه دقیق به اوضاع و احوال قضیه و وضعیت متهمین زندانی در محل و کیفیت حمله به متینگ دهندگان که کاملاً در پرونده روشن شده است و تخریب و غارت محل و مالکیت خانه‌ها و دکانین غارت شده و قتل رحیم کوکو و ربوده شدن چهار نفر از اهالی صحرا بدر مشرقی و علت و نحوه تیراندازی و سایر اوضاع و احوال واقعه ۳۲/۱/۲۷ ادامه بازداشت سه نفر:

۱- دکتر گوشه گیر ۲- غلامحسین شاه‌مراد ۳- عبدالمحمد عنایتی را که بنا به اعتراف دکتر گوشه گیر و نتیجه تحقیقات انجام شده از عمال مؤثر حزب زحمتکشان دزفول و فرمانده جمعیتی که متهم به غارت می‌باشند هستند لازم دانسته و نسبت به بقیه متهمین زندانی فعلی عقیده به فک قرار و تبدیل تأمین و اخذ کفیل دارم. آقای دادستان در تاریخ ۳۲/۴/۴ مثل اینکه نتوانسته یا نخواسته پی به حقیقت واقعه ببرد و توجه کند که اتهام زندانیان از دسته خوانین به تیراندازی و قتل مهاجمین به فرض صحت، دفاع مشمول ماده قانون مجازات عمومی محسوب است یا فک قرار بازداشت کمالی و علی محمد گلچین و سید اشرف کاظمینی از دسته خوانین و غلامحسین گاراژدار از دسته حزبی‌ها مخالفت کرده است در حالی که خوانین بعد از قرار و تعاقب از طرف مهاجمین، تصمیم به قتل و غارت و پناهنده شدن به منازل خود، چاره‌ای [جز دفاع از جان و مال و حتی ناموس نداشتند و به طوری که قبلاً اشاره شد مسلماً اگر سنگر نمی‌گرفتند و تیراندازی نمی‌کردند و سه نفر از مهاجمین، کشته نمی‌شدند بطور حتم جان و مال و مسکن اکثر آنها مورد قتل و چپاول و غارت واقع می‌شد. پرونده برای حل اختلاف بین... به دادگاه جنحه شهرستان ارسال شد و آقای مرتضوی رئیس دادگاه‌های شهرستان... خلاف را مورد رسیدگی قرار داده و عقیده بازپرس را تأیید کردند.

انوری.

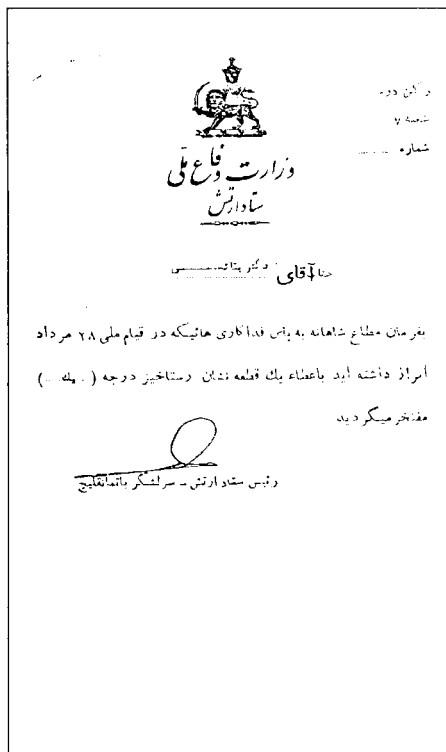
رکن دوم - شعبه ۷

## وزارت دفاع ملی

## ستاد ارتش

جناب آقای دکتر بقائی

بسه فرمان مطاع شاهانه به پاس  
فداکاری هائی که در قیام ملی ۲۸ مرداد ابراز  
داشته اید<sup>۱</sup> به اعطای یک قطعه نشان  
رستاخیز درجه (یک) مفتخر می گردید.<sup>۲</sup>  
رئیس ستاد ارتش سرلشکر باتمانقلیچ<sup>۳</sup>



۱- بسیاری از عناصر وابسته به دکتر بقائی به طبع وی در کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد دست داشته اند، بر اساس اسناد ساواک و بازجوئیهای بقائی، وی در زمینه چینی کودتای ۲۸ مرداد نقش بسیار مهمی داشته است چه در ایجاد اختلاف بین آیت الله کاشانی و دکتر مصدق و در نتیجه از بین بردن پایگاه مردمی نهضت ملی و چه در ترور عناصر مهم حکومت مصدق همچون افشارطوس و چه در تحریک مردم علیه مصدق مانند آشوب ۹ اسفند و چه در مخالفت با تصویب لوایح مورد نظر مصدق در مجلس شورا و... که بر هیچ محققى پوشیده نیست.

دکتر بقائی حتی درباره اطلاع خود از کودتای ۲۸ مرداد قبل از وقوع آن و از طریق دو عنصر کلیدی این کودتا با نامه های سرهنگ دیهیمی و سرلشکر اخوی گفته است:

«یک روز سرهنگ «دیهیمی» پیغام داد برای من، که یک جای محرمانه ای با یک نفر دیگر می خواهیم تو را ملاقات کنیم. قرار گذاشتیم که شب بیایند منزل خواهیم. من رفتم، دیدم نفر دیگرش آقای سرلشکر اخوی است. سرلشکر اخوی را دورادور می شناختم ولی با هم خصوصیتی نداشتیم. نشستند و بعد از مقدماتی گفتند: تهیه مقدمات کودتائی شده و همه چیزش حاضر است و ما می خواهیم کودتا که انجام شد، زمام امور را بدهیم به تو. یعنی دوستان ما زمام امور را به تو بدهند و تو نخست وزیر شوی. گفتم: چطور شده که به من لطف پیدا کردید. کسی عاشق چشم و ابروی من شده؟ گفت: نه شما، همچنین و فلان هستید. گفتم نه آخر باید یک علتی داشته باشد والا دلیلی ندار که یک کس دیگری کودتا بکند و من نتیجه اش را ببرم. گفتند: حقیقت این است که ما مطالعه کردیم، غیر از تو هیچ کس دیگری نیست که زمامدار شود و بتواند مردم را آرام کند. موقعیتی که تو داری این است که می توانی این کار را بکنی و مورد قبول مردم هستی والا هیچ کس دیگر را نداریم. گفتم... راه علاجش [را] هم به شما می دهم و آن این است که اول کاری که می کنید، مرا توقیف



کنید. من وقتی زندان باشم هیچ مسوولیتی ندارم...»

بازجویی بقائی، صفحات ۴۴۸-۴۵۰

۲- پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به چهارده نفر که نقش مؤثری در به ثمر رساندن کودتا داشتند، نشان رستاخیز درجه یک اعطا شده است.

رک: ضمیمه‌های شماره ۶، ۷ و ۸

۳- تیمسار نادر باتمانقلیچ: در روز ۸ شهریور ۱۳۲۲، قوای شوروی و انگلیس تعداد زیادی از رجال ایران و افسران ارتش را به اتهام همکاری با آلمانها و تشکیل ستون پنجم در ایران توقیف و زندانی نمودند و آنها را به اراک انتقال دادند. در بین بازداشت شدگان سرهنگ باتمانقلیچ هم بود. وی در سال ۱۳۲۶ به درجه سرلشکری ارتقا پیدا کرد و در سال ۱۳۳۰ به درجه سپهبدی رسید. در روز ۲۴ مرداد ماه ۱۳۳۲ جلسه‌ای برای براندازی حکومت مصدق تشکیل شد که سرهنگ باتمانقلیچ در آن شرکت داشت اما روز بعد، دولت در اعلامیه‌ای وقوع یک کودتای نظامی در تهران و خنثی شدن آن را اعلام کرد و در همان روز عده زیادی از افسران از جمله باتمانقلیچ به اتهام مشارکت در کودتا بازداشت شدند.

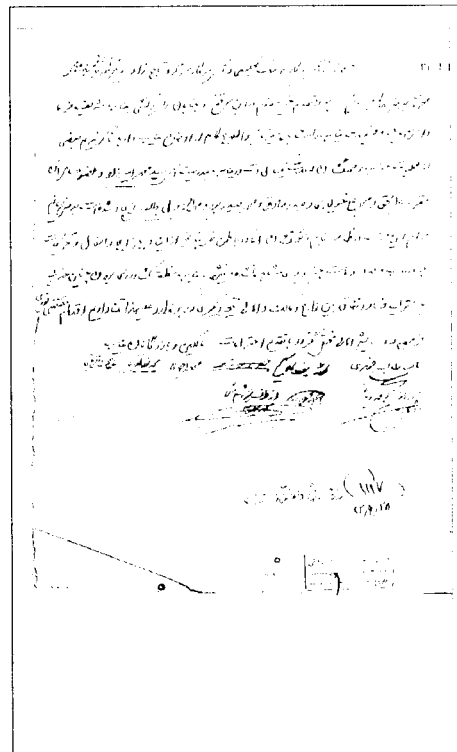
تاریخ: ۱۳۳۲/۹/۲۷

حضرت آقای سرکار سرهنگ مجلسی و

آقای سرکار سرگرد تاج‌زاد رئیس

شهربانی بندرعباس

محترماً به عرض عالی می‌رسانیم پس از  
تقدیم خیر مقدم در این موقع که جنابان برای  
سرکشی به میناب تشریف‌فرما و از نزدیک  
وضعیت میناب را مشاهده می‌فرمائید و اطلاع  
کاملی از اوضاع میناب دارید، ناگزیریم بعضی  
از عملیات حزب زحمتکشان که مدت یکسال  
است در میناب به مدیریت آقای سید محمد  
امیرزاده و عضو حساس آن مقرب‌الحق<sup>۱</sup> و  
محمدعلی خویلدی<sup>۲</sup> و حیدر صادقی و  
محمد حیدریور و علی‌الرسول بهادری ایجاد



شده است به عرض برسانیم مرام این حزب در ظاهر به نام زحمتکشان اما در باطن تقریباً غیر از  
این و به جز ایجاد و اخلاص و تحریکات چه در میناب و چه در دهات چیز دیگری مشاهده نشده و  
نمی‌شود. میناب منطقه کشاورزی [است و] بودن چنین حزبی جز تولید فساد و نفاق بین زارع و  
مالک و اهالی نتیجه دیگری در بر ندارد علی‌هذا تمنا داریم اقدام مقتضی فوری فرموده که  
آسایش اهالی مختل نگردد.

با تقدیم احترامات. مالکین و بازرگانان میناب<sup>۳</sup>

۱۱۱۷ - ۴۳/۹/۱۸ رونوشت به شهربانی داده شده است

۱- مقصود علی‌اصغر مقرب‌الحق فرزند نور محمد متولد ۱۳۰۳ هـ ش در جهرم است.

۲- محمدعلی خویلدی مسؤول کمیته حزب زحمتکشان در شهرستان میناب بندرعباس بود.

۳- این گزارش اشاره به عملکرد حزب زحمتکشان در مدت حکومت مصدق و اغتشاشات ایجاد شده توسط حزب زحمتکشان در این ایام دارد.

تاریخ: ۲- دیماه ۳۲

### گزارش

گزارش مأمور ویژه حاکی است، مطابق قرار قبلی، ساعت ۱۱ صبح دیروز دکتر بقائی، حسین خطیبی و دکتر گوشه گیر در منزل گرامی<sup>۱</sup> با آیت الله کاشانی ملاقات و پس از مدتی مذاکره، دکتر گوشه گیر و خطیبی از آنجا خارج ولی بقائی تا ساعت ۱۳/۳۰ نزد کاشانی بوده است.

۲- دیماه ۳۲ تزارین

تزارین مادر پرویزه حاجی است. این تزارین سالها ۱۱ صبح دیروز دکتر بقائی، حسین خطیبی و دکتر گوشه گیر در منزل تزارین با آیت الله کاشانی ملاقات و پس از مدتی مذاکره، دکتر گوشه گیر و حسین خطیبی از آنجا خارج ولی بقائی تا ساعت ۱۳/۳۰ نزد کاشانی بوده است.

۱- محمدعلی گرامی، فرزند علی اکبر، در سال ۱۲۷۱ ه‍.ش در مشهد متولد شد. او داماد آیت الله کاشانی و شغلش نجاری و چوب فروشی بوده است.

تاریخ: ۱۳ - بهمن ماه ۳۲

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اعضای حزب زحمتکشان شنیده شده عده‌ای از متنفذین کرمان که در تقویت دکتر بقائی نقش مؤثری را عهده‌دار می‌باشند با سیدضیاءالدین طباطبائی<sup>۱</sup> مربوط بوده و از نامبرده حرف شنوی کامل دارند.

به قرار مسموع، دکتر بقائی مرتباً برای مبارزه انتخاباتی و حفظ صندوقهای آرا دستوراتی به افراد حزب زحمتکشان داده و از طرف متنفذین کرمان نیز همه‌گونه مساعدت مالی و معنوی نسبت به نامبرده به عمل آمده است.<sup>۲</sup>

۱۳ - بهمن ماه ۳۲ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اعضای حزب زحمتکشان شنیده شده عده‌ای از متنفذین کرمان که در تقویت دکتر بقائی نقش مؤثری را عهده‌دار می‌باشند با سیدضیاءالدین طباطبائی<sup>۱</sup> مربوط بوده و از نامبرده حرف شنوی کامل دارند.

به قرار مسموع، دکتر بقائی مرتباً برای مبارزه انتخاباتی و حفظ صندوقهای آرا دستوراتی به افراد حزب زحمتکشان داده و از طرف متنفذین کرمان نیز همه‌گونه مساعدت مالی و معنوی نسبت به نامبرده به عمل آمده است.



۱- سیدضیاءالدین طباطبائی: یکی از عوامل اصلی کودتای ۱۲۹۹ و نخست‌وزیر کودتا، در سال ۱۲۶۸ هـ در شیراز متولد شد. پدرش «حجت‌الاسلام سیدعلی آقایی» یک سال پس از تولد او برای خدمت در دربار مظفرالدین میرزا ولیعهد، عازم تبریز شد و در همین شهرستان به تحصیل پرداخت. بعد از فراگیری زبانهای فارسی و عربی به آموختن زبانهای فرانسه و روسی ادامه داد. سیدضیاء بعد از مراجعت به شیراز از پانزده سالگی شروع به نوشتن مقالاتی در روزنامه‌های شیراز و در ۲۷ سالگی، خود به انتشار روزنامه‌ای به نام «ندای اسلام» در شیراز مبادرت نمود. به علت انتشار مقالات تند و کوبنده علیه حکام وقت، مورد سوء قصد قرار گرفت. بعد از این واقعه به تهران آمد و در سال ۱۲۹۳ روزنامه «شرق» را در تهران نشر و بعد از توقیف آن، روزنامه «برق» را به جای آن منتشر کرد که آن هم توقیف و تعطیل گردید.

سیدضیاءالدین بعد از سفری به خارج در سال ۱۲۹۵ به تهران مراجعت کرد و به انتشار روزنامه جدیدی به نام «رعد» مبادرت نمود و در دوره جدید روزنامه‌نگاری خود، طرفدار سرسخت سیاست انگلستان و رئیس‌الوزرای مورد علاقه آنها «وئوئوئوئو» بود. در سال ۱۲۹۸ هـ وئوئوئوئوئو قرارداد معروف ۱۹۱۹ م را با انگلیسها منعقد نمود. که عملاً ایران را تحت‌الحمایه انگلیس قرار می‌داد که با مخالفت‌های ملی شدیدی در مجلس و افکار عمومی مواجه شد. سیدضیاء یک تنه به دفاع از این قرارداد پرداخت و دهها مقاله در حمایت از این قرارداد در روزنامه «رعد» منتشر کرد.

سیدضیاءالدین داوطلب اصلی مورد نظر انگلیسیها برای ریاست دولت کودتا بود، ولی چون رو در روی رضاخان قرار گرفت، در روز چهارم خرداد ۱۳۰۰ ه‍.ش سه ماه پس از تصدی مقام نخست وزیری از این سمت عزل و از ایران اخراج شد. ابتدا به اروپا و سپس به فلسطین رفت. دوران تبعید سیدضیاء بیش از ۲۲ سال به طول انجامید. سیدضیاء بعد از اشغال ایران از طرف نیروهای روس و انگلیس در سال ۱۳۳۲ ه‍.ش به ایران بازگشت و حزب اراده ملی را تشکیل داد و در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه یزد به مجلس رفت. دکتر مصدق با اعتبارنامه وی مخالفت نمود. در اوایل ۱۳۳۰ ه‍.ش پس از ملی شدن نفت مجدداً داوطلب مقام نخست وزیری شد ولی دکتر مصدق به نخست وزیری رسید. سیدضیاء سرانجام در سال ۱۳۴۸ در هشتاد سالگی در سعادت آباد تهران درگذشت.

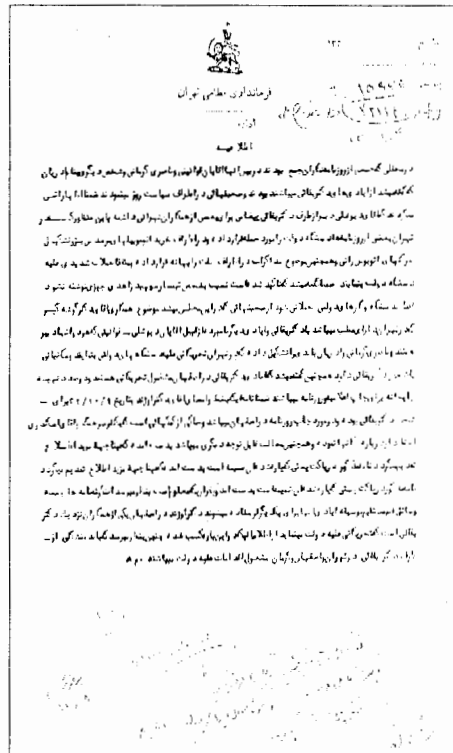
۲- در روز ۱۳ اسفند ۱۳۳۲ آگهی انتخابات مجلس شورای ملی در تهران منتشر شد و در هجدهم همان ماه اخذ آرای نمایندگان تهران پایان پذیرفت.

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۲/۴

فرمانداری نظامی تهران

اطلاعیه

در محفلی که جمعی از روزنامه‌نگاران جمع بودند، در بین آنها آقایان قوانینی و ناصری کرمانی و شخص دیگری به نام اوریان<sup>۱</sup> که گفته می‌شد از ایادیهای دکتر بقائی می‌باشند، بودند و صحبت‌هایی در اطراف سیاست روز می‌نمودند ضمناً اظهاراتی می‌کردند که آقای «دیوشلی» دبیر از طرف دکتر بقائی پیغامی برای بعضی از همکاران تهرانی داشته به این منظور که در تهران بعضی از روزنامه‌ها دستگاه دولت را مورد حمله قرار داده و در اطراف خرید اتومبیل‌های



مرسدس بنز و تشکیل شرکت‌های اتوبوس‌رانی و همچنین موضوع مذاکرات در اطراف نفت را بهانه قرار داده و متفقاً حملات شدیدی علیه دستگاه دولت بنمایند. ضمناً گفته می‌شد که تأکید شده است نسبت به شخص تیمسار سپهبد زاهدی چیزی نوشته نشود فقط به دستگاه و کارهای دولتی حملاتی شود<sup>۲</sup> از صحبت‌هایی که در این مجلس می‌شد موضوع همکاری آقای دکتر گوشه‌گیر که در تهران دارای مطب می‌باشد، با دکتر بقائی و ایادی دیگر نامبرده از قبیل آقایان دیوشلی و قوانینی که هر دو آنها دبیر هستند و ناصری کرمانی و اوریان، باندی را تشکیل داده که در تهران تحریکاتی علیه دستگاه‌های دولتی بنمایند و مکاتباتی با شخص دکتر بقائی دارد. همچنین گفته می‌شد که ایادی دکتر بقائی در اصفهان مشغول تحریکاتی هستند و در صدد تهیه چاپخانه برای چاپ اعلامیه و روزنامه می‌باشند ضمناً نامه‌ای که به خط و امضای آقای دکتر اوژند<sup>۳</sup> به تاریخ ۳۲/۱۰/۹ برای شخص دکتر بقائی بوده و در مورد چاپ روزنامه در اصفهان می‌باشد و حاکی از کمک‌هایی است که یک نفر سرهنگ و آقای اسکندری استاندار درباره آنها نموده و همچنین مطالب قابل توجه دیگری می‌باشد بدست آمده که عیناً جهت مزید اطلاع تقدیم می‌گردد، نامه مذکور در پاکت پستی که پاره شده آن، ضمیمه است، بدست آمد و به

قراری که معلوم است به نظر می‌رسد اینگونه نامه‌ها به وسائل غیر مستقیم بوسیله ایادی آنها برای یکدیگر فرستاده می‌شوند.

دکتر اوژند در اصفهان یکی از همکاران نزدیک دکتر بقائی است که تحریکاتی علیه دولت می‌نماید از اطلاعاتی که در این باره کسب شده، چنین به نظر می‌رسد که باند متشکلی از طرف دکتر بقائی در تهران، اصفهان و کرمان مشغول اقدامات علیه دولت می‌باشند.

از اطلاعیه ۴۲۱۱۴ - ۳۲/۱۲/۴ وزارت دفاع ملی

تلفناً عرض شد به رئیس شعبه بخش ۲ عرض می‌شود پاکت قابل توجه نیست و عموماً اطلاعیه از [ناخوانا]

۱- یعقوب اوریان: فرزند آقاخان، در سال ۱۲۹۴ ه‍.ش در تهران متولد شد. دوران دبیرستان را در کالج آمریکایی یادشده تا سال ۱۳۴۲ کارمند راه‌آهن و مدیر شرکت «آگریفارم» بود. پس از بازنشستگی، شرکت تجاری ایران و انگلیس را که خود آن را به ثبت رسانیده بود به اتفاق برادرش «فرج‌الله» اداره می‌کرد. اوریان در ۱۳۴۲ به اتفاق خانواده‌اش به عنوان گردش به اسرائیل رفت. مجدداً در سال ۱۳۴۴ به عنوان تجارت و بازاریابی به مدت یک ماه به اسرائیل، ایتالیا و فرانسه مسافرت کرد. او در حزب زحمتکشان عضو حوزه کارمندان دولت بود.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۲- بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نخست‌وزیری زاهدی، بین شاه و زاهدی درگیری‌های تنیدی بوجود آمد. به حدی که شاه و متحدانش حمله‌های شدیدی را در رسانه‌ها علیه جناح زاهدی به عمل می‌آوردند.

۳- مقصود دکتر حسین قلی اوژند، صاحب امتیاز روزنامه «پل» در اصفهان می‌باشد.

تاریخ: ۱۴ - خردادماه ۳۳

## گزارش

تعقیب گزارش مورخ ۳۳/۳/۱۲ گزارش  
شهربانی کرمان حاکی است پس از حرکت  
دکتر بقائی و همراهانش به سمت جزیره  
هرمز<sup>۱</sup> صبح روز ۱۳ عده‌ای از افراد  
خانواده‌های تبعیدشدگان در مسجد جامع  
اجتماع و چهار پنجم کسبه بازار دکا کین خود  
را تعطیل و در مسجد مزبور متحصن شده‌اند  
که عده آنها بالغ بر دو هزار نفر گردیده دکتر  
ایرانی، خواجه نصیری و محمد معین که از  
طرفداران دکتر بقائی هستند، ضمن اعتراض  
به انجمن نظارت انتخابات و جریان تبعید  
دکتر بقائی اظهار داشته‌اند: باید تا آخرین

۱۴ - خردادماه ۳۳ گزارش  
تعقیب گزارش مورخ: ۳۳/۳/۱۲ گزارش شهربانی کرمان حاکی است  
پس از حرکت دکتر بقائی و همراهانش سمت جزیره هرمز پس از روز  
۱۲ عده‌ای از افراد خانواده‌های تبعیدشدگان در مسجد جامع  
اجتماع و چهار پنجم کسبه بازار دکا کین خود را تعطیل و در مسجد  
مزبور متحصن شده‌اند که عده آنها بالغ بر دو هزار نفر گردیده  
دکتر ایرانی، خواجه نصیری و محمد معین که از طرفداران دکتر  
بقائی هستند، ضمن اعتراض به انجمن نظارت انتخابات و جریان تبعید  
دکتر بقائی اظهار داشته‌اند باید تا آخرین نفر خون خود مبارزه  
را ادامه دهد. حاج علی اصغر صالحی امام جمعه نیز با بقائی را بحث  
آرامش دعوت نموده است. جمعیت تا ساعت ۱۸ در مسجد باقی  
میدرمان اعتراض و در حدود ۱۵۰ نفر شب را در مسجد بیدار ماند  
با عراقیتی که به آن آمده انتقامی رخ نداده است.

قطره خون خود مبارزه را ادامه دهیم. حاج علی اصغر صالحی امام جمعه نیز اهالی را به حفظ  
آرامش دعوت نموده است. جمعیت تا ساعت ۱۸ در مسجد باقی، سپس متدرجاً متفرق و در  
حدود ۱۵۰ نفر شب را در مسجد خوابیده‌اند. با مراقبتی که به عمل آمده اتفاقی رخ نداده است.

۱- پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دکتر مظفر بقائی نسبت به اعمال سیاست‌های دولت وقت (زاهدی) انتقاد و  
مخالفت نمود. تا اینکه در جریان فعالیت‌های انتخاباتی مجلس شورای ملی در شهرستان کرمان، ضمن سخنرانی علیه  
دولت وقت، مردم را تحریک می‌کرد، به دنبال آن کمیسیون امنیت اجتماعی متشکله فرمانداری شهرستان کرمان، یاد  
شده را به اتفاق چند نفر از طرفداران وی به جزیره هرمز تبعید و رأی صادره در روز ۱۴ خرداد ۱۳۳۳ اجرا شده است.  
ولی بعداً کمیسیون مذکور رأی خود را تعدیل و نامبرده را به تهران اعزام و سرانجام در روز ۲۴ خردادماه مرخص گردیده  
است. پرونده‌های موضوعی ساواک



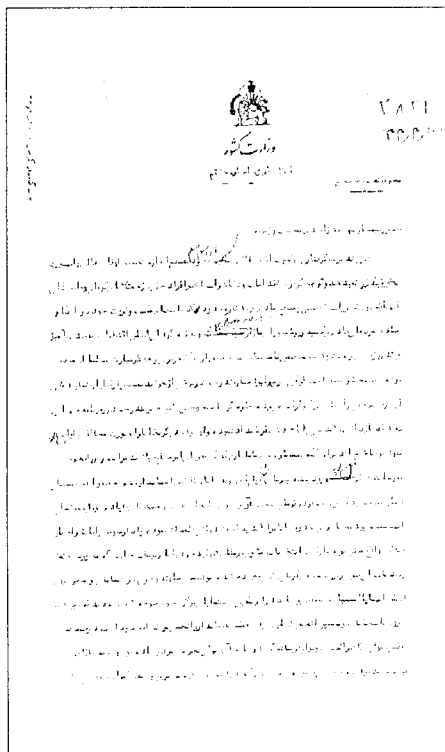
شماره: ۲۸۲۱ تاریخ: ۱۳۳۳/۳/۲۰

وزارت کشور

استانداری استان هشتم

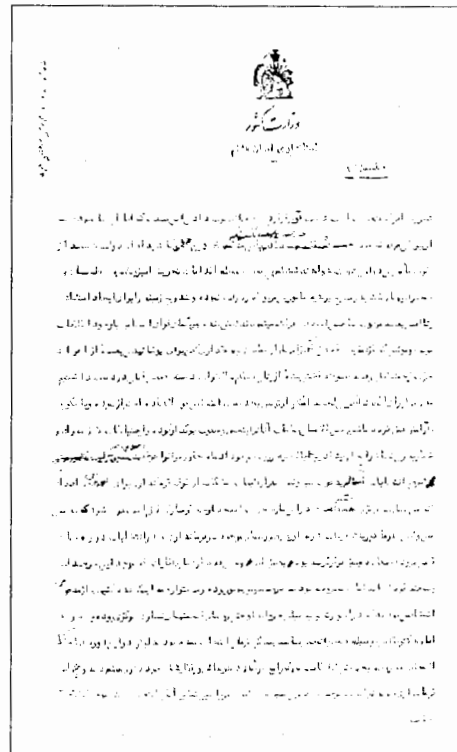
حضور تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر  
معظم

هر چند فرط گرفتاری و کثرت اشتغالات  
کثیر آن مقام معظم اجازه تضييع اوقات عالی  
رانمی‌دهد و گر چه گزارش اقدامات و  
تظاهرات اخیر افراد حزب زحمتکشان کرمان  
و وابستگان آنها که روی نظریات شخصی و  
منافع مادی چند نفر معدود که به اقتضای  
مکنت و ثروت خود در افکار ساده مردمان  
عادی و کسبه و پیشه‌وران بازار با ارباب و  
تهدید نفوذ کرده و تعزیه گردان اصلی اقدامات



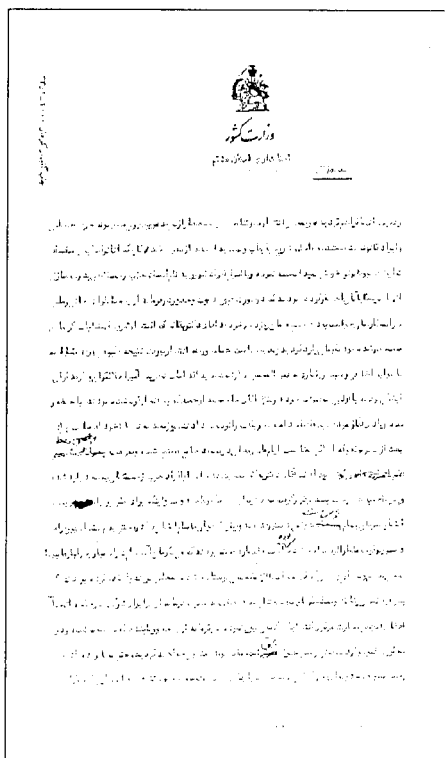
مفسدت آمیز چند روزه اخیر بوده و هستند، ضمن نامه‌های متعدد به وزارت کشور عرض و  
خاطر مبارک مسلماً از حقیقت موضوع مستحضر شده است لیکن چون برابر اخبار مندرجه در  
برخی از جراید، بعضی از آقایان نمایندگان از طرفی موضوع را خیلی بزرگتر از آنچه بوده جلوه‌گر  
ساخته و حتی طبق خبر مندرجه در روزنامه کیهان تعداد بازداشت شدگان را تا ۴۵۰ نفر  
قلمداد نموده و از طرف دیگر قضایا را به صورت مخالف با واقع نمودار ساخته‌اند، برای آنکه  
تیمسار معظم کاملاً از چگونگی جریان امر مطلع باشند، مراتب زیر را به عرض می‌رساند: قبل از  
ورود بنده به کرمان و در ایام آخر توقف آقای کاظمی استاندار سابق، حضور آقایان لقمان نفیسی  
و دکتر بهمنیار در کرمان دست‌آویزی برای اعضای حزب زحمتکشان و ایادی و وابستگان آنها  
شده بود که با شهرت دروغ آنان را کاندیداهای دولتی قلمداد نموده و افکار عمومی را با نشر  
اخبار خلاف واقع مبنی بر عدم آزادی انتخابات، مشوب و مقاصد پلید خود را با ترتیبات خاصی  
که بطور قطع نقشه و مقدمات آن، قبل از ورود بنده به کرمان طرح و چیده شده بود عملی سازند  
و چون سرجنبانان و محرکین اصلی آنها با استنباط شخصی و شاید در اثر تلقین راهنمایان  
مرکزی خود متوجه شده بودند که قبل از شروع به انتخابات و تشکیل انجمن نظارت، راه حمله

به فرماندار و انجمن بر آنها مسدود است درصدد یافتن عنوان ظاهرالصلاح و عوام فریبانه که در سایه آن عنوان، تحریک مردم ساده لوح و کسبه بازار میسر باشد برآمده و بالاخره موضوع مذهب را که در اینگونه موارد بهترین وسیله گمراه ساختن و تحریک افراد متعصب است، دست آویز قرار داده و با شهرت دادن این مطلب که آقاییان نامبرده از پیروان فرقه شیخیه<sup>۱</sup> و چون کاندیداهای دولت هستند از طرف مأمورین دولتی تقویت خواهند شد. شروع به یک سلسله اقدامات تحریک آمیز و تشکیل جلسات و سخنرانی های شدید و مهیج بر علیه مأمورین مربوطه و دولت نموده و به تدریج زمینه را برای ایجاد اغتشاش و ناامنی به قصد مرعوب



ساختن اشخاص فراهم می نمودند لیکن بنده و روسای قوای انتظامی با وجود اطلاعات مرتب و موثقی که از عملیات اخلال آمیز آنها و از جمله تهیه مقداری کفن برای پوشانیدن به عده ای از افراد حزب زحمتکشان و قصد جلو انداختن عده ای از زنان هنگام تظاهرات دسته جمعی آنان در دست داشتیم مع هذا برای آنکه تا آخرین لحظه امکان، از توسل به اقدامات انتظامی فوق العاده احتراز نموده و با سکون و آرامش عمل کرده باشیم حتی الامکان عملیات آنان را به تحمل و سکوت برگزار کرده و احتیاطات لازمه را در خفا و بدون تظاهر انجام می دادیم تا بالاخره روز دهم خرداد ماه جاری بر اثر شروع انتخابات اقدام به دعوت سی و شش نفر از طبقات ششگانه از طرف فرمانداری برای تعیین اعضای انجمن نظارت مرکزی شد. در این باره جهت استحضار خاطر مبارک لازم است عرض شود که تعیین سی و شش نفر مذکور با تدقیقات لازمه از روی صورتهای موجود در فرمانداری که در انتخابات دوره های قبلی مورد استفاده و عملی قرار گرفته بود به عمل آمد و حتی عده ای از همان آقایانی که موجد این سر و صداها و صحنه گردان اقدامات معروضه بودند جزو مدعوین مزبور بوده و مهمتر از همه اینکه عده کثیری از مدعوین، اشخاصی بودند که در ادوار تقنینیه قبلی جزو اعضا و حتی روسای انجمنهای

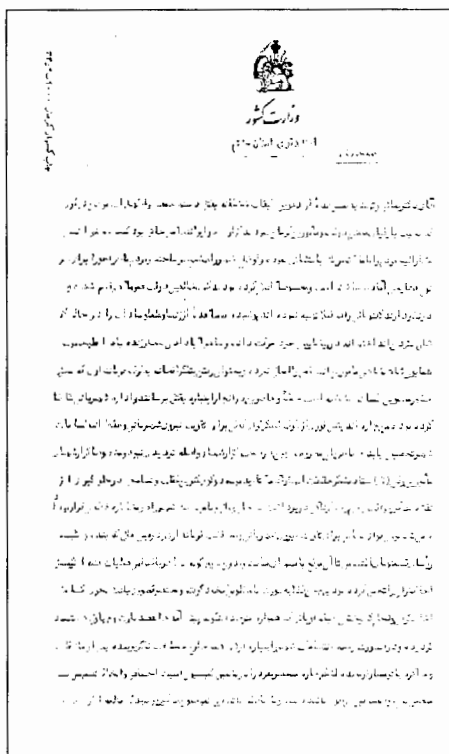
نظارت مرکزی بوده و خود آقای دکتر بقایی بوسیله همان انجمن‌ها به نمایندگی کرمان انتخاب شده بودند لیکن در این دوره از آنجا که اشخاص معروضه به جهاتی از اطاعت کورکورانه از آقای دکتر بقایی و رفقای ایشان خودداری می‌نمودند و چون فرمانداری هم نمی‌توانست بر خلاف قانون، کلیه سی و شش نفر را طبق تمایل آنان انتخاب کند موجبات عدم رضایت آنها فراهم گردید و به محض انتشار دعوتنامه‌ها و استحضار از نام مدعوین، چون هیچگونه حرف حسابی و ایراد قانونی نداشتند بلافاصله شروع به ارباب و تهدید آن عده از دعوت شدگان که آنان را مطیع و منقاد تمایلات غیر قانونی خویش نمی‌دانستند، نموده و با اعزام افراد شرور و بدنام اعضای



حزب زحمتکشان، به درب منازل آنها صریحاً به آنان اخطار کرده بودند که در صورت قبول دعوت و حضور در فرمانداری، مخاطرات جانی و مالی در انتظارشان خواهد بود. صبح همان روز دهم خرداد آقای دکتر بقایی که البته از شروع انتخابات کرمان مستحضر شده بود به کرمان وارد گردید و بدیهی است همانطوریکه انتظار می‌رفت نتیجه طبیعی ورود مشارالیه با سوابق اخلاقی و سبک و رفتاری که علی‌المعمول دارند تشدید اقدامات تحریک‌آمیز اخلاک‌گران و طرفداران ایشان بود که با اولین سخنرانی خود در منزل آقای حاج محمد ارجمند<sup>۱</sup> که بدانجا وارد شده بودند با حضور عده زیادی آغاز نموده و بلافاصله دامنه تحریکات را توسعه دادند و روز بعد یعنی ۱۱ خرداد ساعت یک بعد از ظهر موقعی که اهالی به مناسبت ایام ماه رمضان در مسجد جامع مجتمع شده و به موعظه و عاظ گوش می‌دادند. آقای دکتر بقایی به معیت عده‌ای از افراد حزب زحمتکشان به مسجد وارد شده و پس از ختم و عظم، پشت بلندگو قرار گرفته بعد از بیان مقدمه بر علیه دولت و اینکه برای جلوگیری از عزیمت ایشان به کرمان به تمام موسسات هوایی دستور عدم صدور بلیط هواپیما به نام ایشان صادر و حتی به پستهای بین راه دستور توقیف مشارالیه داده شده بوده است اظهار داشته بودند که من به کرمان آمده‌ام تا راه مبارزه را به کرمانیها

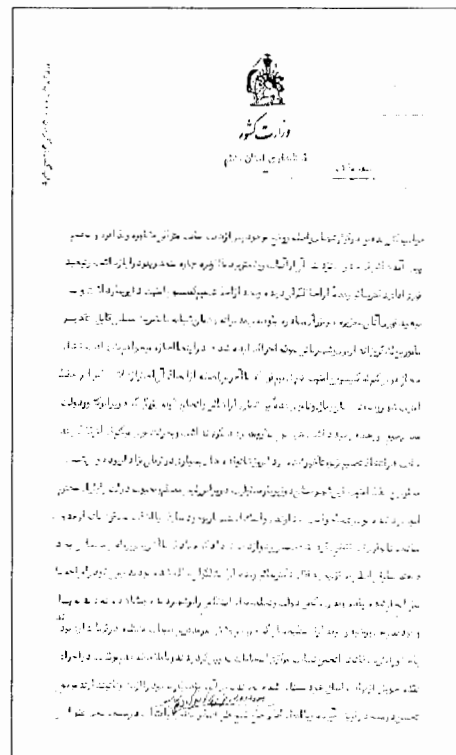
نشان بدهم و نگذارم وکلای که لیست آنها از انگلستان فرستاده شده به مجلس بروند و اضافه کرده بودند که پس از اینکه زور تانک و مسلسل‌های دولت تمام شد، اشخاصی که دعوت فرمانداری را برای شرکت در جلسه انتخاب اعضای انجمن نظارت مرکزی انتخابات کرمان قبول نمود. در فرمانداری حضور یابند قطعه قطعه شده و در مجاورت قبر سرگرد سخائی رئیس مقتول اسبق شهربانی کرمان<sup>۱</sup> مدفون خواهند گردید و حتی به خانواده آنها هم رحمی نخواهم کرد و برای اجرای این تهدیدات با رفقای خود هم‌قسم شده بودند.

متعاقب این اظهارات آقای دکتر بقائی و تهدید علنی عده‌ای از مدعوین طبقات



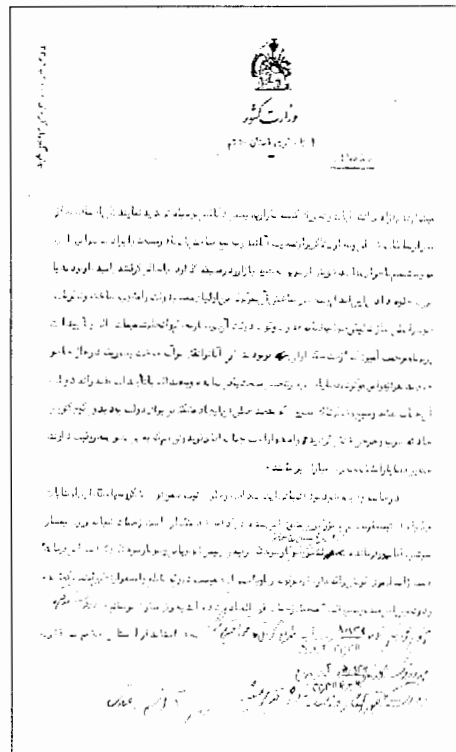
ششگانه به قتل دسته‌جمعی و اظهارات موهن دیگری که نسبت به اولیای محترم دولت و مأمورین کرمان نمودند. گزارش دوایر انتظامی حاکی بود که سخنرانی مشارالیه مردم را کاملاً تحریک به اغتشاش نمود و اوضاع شهر را متشنج‌تر ساخته و مردم ماجراجو را برای هر نوع فجایعی آماده ساخته است و مخصوصاً اعلام کرده بودند که مخالفین دولت عموماً هم‌قسم شده و در نظر دارند کفن‌هایی را که قبلاً تهیه نموده‌اند، پوشیده ضمناً عده‌ای از زنها و علما و سادات را در حالی که شال به گردن انداخته‌اند در پیشاپیش خود حرکت داده و ظاهراً با دادن شعار زنده باد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، مأمورین انتظامی را اغفال نموده و به عنوان رفتن به تلگرافخانه به طرف فرمانداری که محل حضور مدعوین طبقات ششگانه است حمله‌ور و حاضرین در آنجا را یکباره به قتل برسانند و اداره شهربانی تقاضا کرده بود ضمن چاره‌اندیشی فوری از طرف لشکر، قوای کافی برای تقویت نیروی شهربانی و حفظ انتظامات شهر تخصیص یابد. با جریان معروضه چون در صحت گزارشهای واصله تردیدی نبود و مخصوصاً گزارشهای مأمورین رکن ۲ ستاد لشکر، حقیقت آنها را کاملاً تأیید می‌نمود و کوچکترین غفلت و تسامحی در جلوگیری از نقشه مذکور عواقب وخیم و خطرناکی در بر داشت که جان و مال و

ناموس یک شهر را در مخاطره قطعی قرار می‌داد ضمن تخصیص قوای نظامی برای تقویت نیروی شهربانی و محافظت فرمانداری و در عین حال که بنده و کلیه روسای قسمتهای انتظامی تا آن موقع با منتهای متانت و بدون هیچگونه تظاهر به اقدامی، عملیات فتنه‌انگیز اخلاک‌گران را تحمل کرده بودیم چون قضایا صورت نامطلوبی به خود گرفته و مختصر قصوری باعث تجری کامل اخلاک‌گران و لجام‌گسیختگی طبقه اوباش که همواره مترصد اینگونه پیش آمدها به قصد غارت و چپاول هستند، گردیده و در آن صورت رشته انتظامات شهر را یکباره از کف همه خارج می‌ساخت. ناگزیر بنده پس از ملاقات و مذاکره با تیمسار فرمانده لشکر،



چاره منحصر بفرد را در تشکیل امنیت اجتماعی و اتخاذ تصمیمی که متضمن علاج واقعه قبل از وقوع باشد دیده و بلافاصله با تشکیل کمیسیون مذکور رسیدگی به کلیه اطراف و جوانب کار و تدقیق در گزارشهای واسله و وضع موجود پس از هفت ساعت متوالی مشاوره و مذاکره و تجسم پیش آمدهایی که حدوث نزدیک آن از آفتاب روشنتر بود، بالاخره چاره منحصر بفرد را بازداشت و تبعید فوری آقای دکتر بقائی و عده‌ای از اخلاک‌گران دیده و بعد از اخذ تصمیم کمیسیون امنیت، دایر به بازداشت و تبعید فوری آنان به جزیره هرمز رای صادره با وضعی مدبرانه و همان شبانه با تشریک مساعی قابل تقدیر مأمورین لشکر و ژاندارمری و شهربانی به موقع اجرا گذارده شد. در اینجا اجازه می‌خواهم به شهادت خدای متعال عرض کنم که کمیسیون امنیت، در تصمیم فوق که تا آخرین لحظه، از اتخاذ آن احتراز داشت غیر از حفظ امنیت شهر و صیانت جان و مال و ناموس عده بی‌شماری از اهالی و انجام وظیفه بزرگی که در برابر کشور [و] دولت معظم متبوع و وجدان خود داشت هیچ نوع نظر و مقصود دیگری نداشت و به جرات عرض می‌کنم که اگر فقط چند ساعت در اتخاذ تصمیم مزبور تأخیر شده بود، امروز خانواده‌های بسیاری در کرمان عزادار بوده و پشت مسوولین حفظ امنیت این شهرستان در زیر

بار مسوولیت در برابر رئیس معظم و محبوب دولت و اولیای محترم امور خرد شده بود و تنها خواست خداوندی و اتکا و استظهار بوجود مبارک با اخذ تصمیم فوق مانع از حدوث سانحه ناگواری قبل از وقوع گردید. صبح روز دوازدهم خرداد که مصادف با آخرین روز ماه رمضان بود صحنه سازان اصلی که از تبعید آقای دکتر بقائی و عده‌ای از اخلاگران مطلع شده بودند، چون خود را مواجه با عمل انجام شده یافته و قدرت کامل دولت و تسلط قوای انتظامی را بر شهر دیده و مشاهده نمودند که با وجود عدم حضور خود و طرفداران مطیع‌شان که جزو سی و شش نفر مدعویین طبقات مختلفه در فرمانداری بودند با حضور اکثریت قانونی انجمن نظارت مرکزی



انتخابات تعیین گردیدند و با ملاحظه عدم موفقیت در اجرای نقشه خویش از عواقب اعمال خود بیمناک شده بودند برای آنکه به اصطلاح، خود را از تک و تانیندازند موضوع تحصن در مسجد را پیش آورده و با اغوای آقای حاج شیخ علی اصغر صالحی و دو سه نفر دیگر که اهل کرمان نمی‌باشند به اعتکاف در مسجد تحت عنوان مبتذل عدم آزادی انتخابات و تحریک کسبه بازار به بستن دکانین بوسیله تهدید نمایندگان اصناف که از نظر ارتباطات شغلی و تجاری ناگزیر از تبعیت آنانند و مجتمع ساختن آنها در مسجد و ایراد سخنرانیهای مهیج تصمیم به اجرای مقاصد خویش از طریق تعطیل بازار و در مضیقه گذاردن اهالی گرفتند و امیدوار بودند با بزرگ جلوه دادن این اقدام و منعکس ساختن آن به مرکز، ذهن اولیای معظم دولت را مشوب ساخته و نظریات خود را عملی سازند لیکن خوشبختانه قدرت و قوت دولت آن تیمسار معظم و انجام تصمیمات عالی و تأییدات پربها و مرحمت‌آمیزی که از خدمتگزاران فرمودند طرح آنان را نقش بر آب ساخت به طوری که در حال حاضر جز چند نفر از عوامل مؤثر در قضایا، کسی در تحصن مسجد باقی نمانده و به حمدالله با تأییدات مقتدرانه دولت آن جناب نقشه وسیع و خطرناک معروض که مقصد اصلی آن ایجاد مشکلاتی برای دولت بود بدون کوچکترین حادثه

ضرب و جرح خنثی گردید و امیدوار است جناب آقای فریدونی هم که به بی نظری معروفیت دارند حقایق قضایا را کشف و به عرض مبارک برسانند.

در خاتمه وظیفه خود می دانم با نهایت صداقت و خلوص نیت ضمن عرض تشکر و سپاسگذاری از عنایات مبذوله آن تیمسار معظم که بزرگترین مشوق این بنده در ادامه خدمتگزاری است زحمات شبانه روزی تیمسار سرتیپ امانپور فرمانده لشکر و سرکار سرهنگ رفیعی رئیس شهربانی و سرکار سرهنگ ۲ سهامی، فرمانده هنگ ژاندارمری کرمان را که عاری از هرگونه ریا و با منتهای صمیمیت در رفع غائله و استقرار نظم و امنیت کوشیده و در تأمین این منظور مهم، واقعاً متحمل زحمات فوق العاده ای شده اند به عرض مبارک برسانم.

بجای استاندار استان هشتم - غداری

۱- شیخیه به پیروان شیخ احمد احساسی از علمای قرن ۱۳ گفته می شود. پس از رحلت شیخ، شاگرد او سیدکاظم رشتی و پس از وی محمدکریم خان کرمانی جانشین او شدند. پس از محمدکریم خان، پسرش حاج زین العابدین و سپس ابوالقاسم خان، جانشین پدر شد و در سال ۱۳۵۸ هـ درگذشت.

۲- محمد ارجمند: فرزند جعفر، در کرمان متولد شد. تاجر فرش در کرمان و عضو مؤسس و بنیانگذار جنگل قائم (وابسته به حزب زحمتکشان) بوده و کمکهای زیادی به جنگل مذکور نموده است.

۳- در روز ۲۸ مرداد، عوامل بقایی در کرمان، سرگرد سید محمود سخانی رئیس شهربانی استان کرمان را به فجیع ترین شکل به قتل رساندند، چند روز بعد از شهادت آن مرحوم، بقائی برای تشویق و تشکر از قتل آن شهید، با غرور و افتخار وارد آن شهر شده و این چنین داد سخن داد:

«... [مصدق] یکی از نوکران پست خود را به کرمان فرستاد تا دوستان ما را تحت فشار گذاشته و آنها را قلع و قمع نماید، ولی درسی که شما مردم از جان گذشته کرمان به این افراد مزدور و نوکر صفت و بی شخصیت دادید، برای ابد در تاریخ مفاخر کرمان بلکه ایران ثبت شده است. شما مردم شرافتمند آن، مأمور مخصوص مصدق را به سزای خیانت و خوش رقصی های خودش رسانیده، پوزه کثیف او را به خاک مالیدید. این عمل برای تنبیه تمام کسانی که بخواهند در آتیه با مقدرات همشهریان عزیز و غیور من بازی کنند درس عبرتی خواهد بود و دیگر کسی جرأت نخواهد کرد که مأمورین مزدوری برای قلع و قمع کردن شما مردم به کرمان بفرستد و این افتخار برای همیشه به نام کرمانیان آزاده در تاریخ ایران ثبت شد...»

رک: روزنامه شاهد، ۲۶ شهریور ۳۲

تاریخ: ۲۴ - خردادماه ۳۳

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد بین افراد حزب زحمتکشان گفته می‌شود در جلسه اخیر هیئت اجراییه حزب مزبور تصمیم گرفته شده پس از ورود سید ابوالقاسم کاشانی به تهران کارگردانان حزب زحمتکشان با نامبرده تماس گرفته و در مورد آزادی دکتر بقائی و همراهان او مذاکراتی بعمل آورند تا کاشانی نزد مقامات امر بماند و اجازت شود نامبرده کان در تهران بماند چنانچه این واسطه فوری نتیجه بماند در مجلس شورای ملی و یا مسجد سلطانی متحصن گردد -

۲۴ خرداد ۳۳ - گزارش

مأمور ویژه گزارشی می‌دهد بین افراد حزب زحمتکشان گفته می‌شود در جلسه اخیر هیئت اجراییه حزب مزبور تصمیم گرفته شده پس از ورود سید ابوالقاسم کاشانی به تهران کارگردانان حزب زحمتکشان با نامبرده تماس گرفته و در مورد آزادی دکتر بقائی و همراهان او مذاکراتی بعمل آورند تا کاشانی نزد مقامات امر بماند و اجازت شود نامبرده کان در تهران بماند چنانچه این واسطه فوری نتیجه بماند در مجلس شورای ملی و یا مسجد سلطانی متحصن گردد -

۱/

۱- آیت‌الله کاشانی در ۱۵ اردیبهشت، به اتفاق سید مصطفی فرزندی عازم مشهد شد، در ۲۳ خرداد به تهران بازگشت و حدود چهل روز در تهران نبود. پس از بازگشت، اعلامیه‌ای به مناسبت سومین سالگرد خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران منتشر کرد که اکثر روزنامه‌ها آن را به چاپ رساندند.



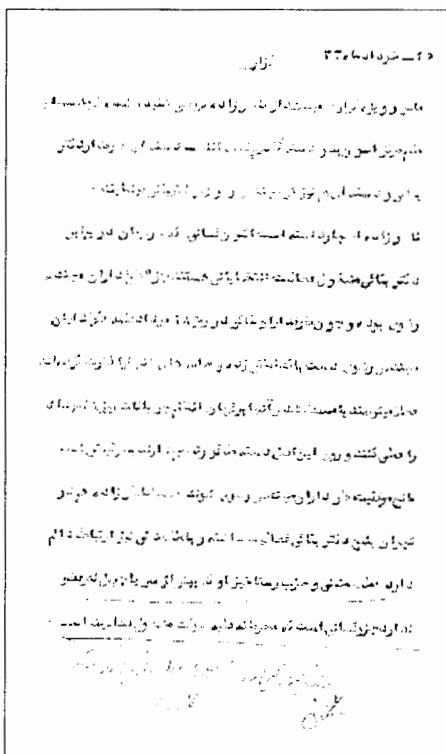
تاریخ: ۲۵ - خردادماه ۳۳

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد از ناظرزاده  
کرمانی شنیده شده کرمانیهای مقیم مرکز،  
اکنون به دو دسته تقسیم شده اند: دسته ای  
طرفدار دکتر بقائی و دسته ای هم از مهندس  
رضوی پشتیبانی می نمایند.

ناظرزاده اظهار داشته است اکنون کسانی  
که در کرمان در برابر دکتر بقائی مشغول  
فعالیت انتخاباتی هستند جزء طرفداران  
مهندس رضوی بوده و چون طرفداران بقائی  
در روز ۲۸ مرداد علیه طرفداران مهندس  
رضوی دست به اقداماتی زده و خانه های آنها  
را غارت کرده اند فعلاً می ترسند با مسلط

شدن آنها بر کرمان، انتقام جریانات روز ۲۸ مرداد را عملی کنند و روی این اصل دسته مذکور  
تصمیم دارند به هر قیمتی شده مانع موفقیت طرفداران مهندس رضوی شوند. ضمناً ناظرزاده  
هم در تهران به نفع دکتر بقائی فعالیت داشته و با ملک مدنی نیز ارتباط دائم دارد. ملک مدنی و  
حزب رستاخیز او که بیش از سی یا چهل نفر عضو ندارد جزو کسانی است که محرمانه علیه  
دولت مشغول فعالیت است.



تاریخ: ۲۵- خردادماه ۳۳

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می دهد بین افراد حزب زحمتکشان گفته شده طرفداران دکتر بقائی سعی دارند بوسیله سیدابوالقاسم کاشانی شمس قنات آبادی و سید مصطفی کاشانی<sup>۱</sup> نمایندگان مجلس شورای ملی را وادار کنند که در مورد دستگیری و تبعید دکتر بقائی نسبت به دولت اعلام جرم نموده و در صورت امکان از آن استیضاح به عمل آورند و این امر بستگی کامل به موافقت کاشانی خواهد داشت.

۲۵- خردادماه ۳۳ تهران

محترم و وزیر کوار، بدینوسیله ابراهیم زحمتکشان گفته شده  
طرفداران دکتر بقائی محترم را که میبایست با تمام کادرات  
مجلس قنات آبادی و سید مصطفی کاشانی را که در مجلس شورای  
ملی را وادار کنند که در مورد دستگیری و تبعید دکتر بقائی نسبت  
به دولت اعلام جرم نموده و در صورت امکان از آن استیضاح به عمل  
آورند و این امر بستگی کامل به موافقت کاشانی خواهد داشت.

۱

۱- سید مصطفی مصطفوی کاشانی، فرزند آیت الله کاشانی، در دوره ۱۸ (۱۳۳۵-۱۳۳۲) نماینده مجلس شورای ملی از توالش بود.

تاریخ: ۷- تیرماه ۳۳

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اطرافیان و محارم دکتر بقائی شنیده شده حزب زحمتکشان در عملیات تخریبی اخیر، مخصوصاً آتش سوزیها و بالا بردن نرخ اجناس، دست داشته و این توطئه‌ها برای تهیه زمینه سقوط دولت و نخست‌وزیری دکتر بقائی صورت می‌گیرد. ضمناً ارتباط و دوستی بعضی از افسران ارتش با دکتر بقائی موجب تقویت و امیدواری اعضای حزب زحمتکشان و دوستان مشارالیه شده است.

گزارش

۷- تیرماه ۳۳

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اطرافیان و محارم دکتر بقائی شنیده شده حزب زحمتکشان در عملیات تخریبی اخیر، مخصوصاً آتش سوزیها و بالا بردن نرخ اجناس، دست داشته و این توطئه‌ها برای تهیه زمینه سقوط دولت و نخست‌وزیری دکتر بقائی صورت می‌گیرد. ضمناً ارتباط و دوستی بعضی از افسران ارتش با دکتر بقائی موجب تقویت و امیدواری اعضای حزب زحمتکشان و دوستان مشارالیه شده است.

تاریخ: ۹ - تیرماه ۳۳

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اطرافیان سید ابوالقاسم کاشانی شنیده شده مشارالیه نامه‌ای در مورد انتخابات کرمان و مبارزه جهت توفیق دکتر بقائی خطاب به شیخ علی اصغر صالحی امام جمعه کرمان نوشته و تأکید نموده که باید در برابر دولت، ایستادگی و مقاومت شود و قرار است این نامه بوسیله «فیروزیان» مدیر روزنامه پیام حق<sup>۱</sup> و داماد شیخ عباسعلی اسلامی<sup>۲</sup> مؤسس انجمن تبلیغات اسلامی به کرمان فرستاده شود. ضمناً خود فیروزیان از طرف کاشانی در جریان انتخابات کرمان مداخله خواهد کرد.

۹ - تیرماه ۳۳  
آزادان

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اطرافیان سید ابوالقاسم کاشانی شنیده شده مشارالیه نامه‌ای در مورد انتخابات کرمان و مبارزه جهت توفیق دکتر بقائی خطاب به شیخ علی اصغر صالحی امام جمعه کرمان نوشته و تأکید نموده که باید در برابر دولت ایستادگی و مقاومت شود و قرار است این نامه بوسیله «فیروزیان» مدیر روزنامه پیام حق و داماد شیخ عباسعلی اسلامی مؤسس انجمن تبلیغات اسلامی به کرمان فرستاده شود و ضمناً خود فیروزیان از طرف کاشانی در جریان انتخابات کرمان مداخله خواهد کرد.



استفاده شد

- ۱- شیخ غلامرضا فیروزیان: فرزند غلام‌علی، در سال ۱۲۹۸ ه‍.ش در تهران، محله قنات‌آباد متولد شد. مدیر مدرسه تعلیمات اسلامی در اصفهان و مدتی نیز مدیریت روزنامه «پیام حق» کرمانشاه را به عهده داشت. چنانچه در اسناد آمده، نامبرده با نواب صفوی و آیت‌الله کاشانی ارتباط نزدیک داشته است.
  - ۲- شیخ عباسعلی اسلامی: در سال ۱۳۲۰ ه‍.ق در شهر سبزوار متولد شد. او یکی از مبلغان مذهبی بود. تحصیلات خود را از سبزوار آغاز نمود و سپس به مشهد رفت و برای ادامه تحصیل به نجف، کربلا و سامرا مسافرت کرد. به دنبال اطلاع از آگهی مدرسه‌الواعظین هند به «لکنهو» مسافرت کرد. برنامه‌های آموزشی مدرسه‌الواعظین برای او غنیمتی محسوب می‌شد، زیرا در این ایام در ایران محدودیتهای فراوانی برای وعاظ و مبلغان اسلامی فراهم شده بود. برای تبلیغ به «رامپو» در نزدیکی «لکنهو» و بعد از مدتی به «رانگونی» (پایتخت برمه) اعزام شد و پس از چندی به ایران مراجعت نمود. او بعد از مراجعت به مشهد از محضر درس شیخ مهدی اصفهانی استفاده کرد و در سال ۱۳۱۹ به تهران مهاجرت نمود و مدرسه «جامعه تعلیمات اسلامی» را از الگوی مدرسه‌الواعظین هند پایه‌گذاری نمود.
- ایشان در جریان نهضت ملی ایران، همدوش آیت‌الله کاشانی در صحنه سیاسی کشور حضور فعالی داشت و بارها توسط رژیم شاه دستگیر و زندانی گردید. برای اطلاع از فعالیت‌های تبلیغی، ارشادی و آموزشی ایشان و همچنین حضورشان در صحنه مسایل سیاسی - اجتماعی کشور به مجله «یاد» سال پنجم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۶۹ مراجعه شود.



تاریخ: ۲۷ - تیرماه ۳۳

## گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اطرافیان و دوستان دکتر بقائی شنیده شده نامبرده اصولاً با توسعه نفوذ آمریکا در ایران مخالف بوده و این امر را به ضرر ایران می‌داند. دکتر بقائی گفته است باید به نحوی با انگلیسیها کنار آمد که منافع ملی ماکاملاً تأمین شود. طرفداران بقائی می‌گویند مشارالیه با توجه به این موضوع امیدوار است که بالاخره روزی برای ایجاد تحول اساسی در اوضاع کشور زمام امور را به دست گیرد. این اولین بار است که دوستان دکتر بقائی روش سیاسی خود را به صورت مخالفت با نفوذ آمریکا در ایران ابراز و

کنار آمدن با انگلیسیها را در مورد نفت از نظر تأمین منافع اقتصادی به صورت ۵۱ و ۴۹ درصد به نفع ایران می‌دانند.

۲۷ - تیرماه ۳۳ گزارش

مأمور ویژه گزارش می‌دهد از اطرافیان و دوستان دکتر بقائی شنیده شده نامبرده اصولاً با توسعه نفوذ آمریکا در ایران مخالف بوده و این امر را به ضرر ایران می‌داند.  
دکتر بقائی گفته است باید به نحوی با انگلیسیها کنار آمد که منافع ملی ماکاملاً تأمین شود. طرفداران بقائی می‌گویند مشارالیه با توجه به این موضوع امیدوار است که بالاخره روزی برای ایجاد تحول اساسی در اوضاع کشور زمام امور را به دست گیرد. این اولین بار است که دوستان دکتر بقائی روش سیاسی خود را به صورت مخالفت با نفوذ آمریکا در ایران ابراز و کنار آمدن با انگلیسیها را در مورد نفت از نظر تأمین منافع اقتصادی به صورت ۵۱ و ۴۹ درصد به نفع ایران می‌دانند.

تاریخ: ۱۳۳۳/۴/۲۸

وزارت جنگ

ستاد ارتش

ریاست ستاد ارتش، به طوری که شهربانی  
دزفول کسب اطلاع نموده دکتر بقائی به افراد  
حزب زحمتکشان در کلیه کشور دستور داده  
است هر کدام توانائی مسافرت دارند قبل از  
روز ۳۰ تیر در اراک تجمع، تا تظاهراتی در روز  
مزبور بنمایند.

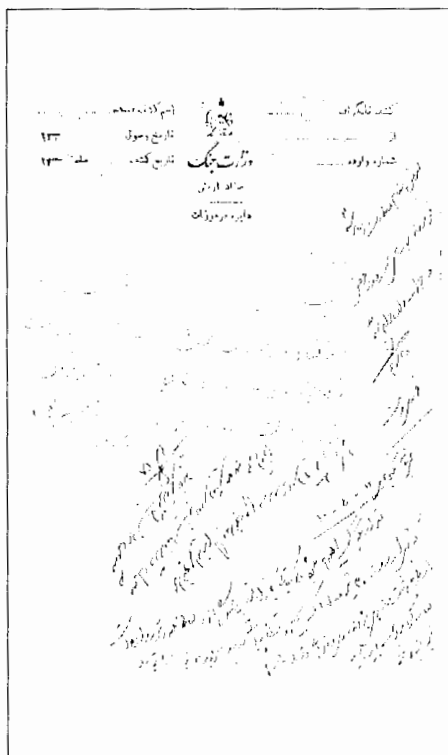
سر تپ محمودی

به عرض مقام وزارت رسانده شد فرمودند جناب

آقای وزیر عرض و جواب داده خواهد شد ۴/۲۰

مراقبت‌های لازم را در این مورد و هم در روزهای ۱۹

الی [ناخوانا] معمول و هرگونه فعالیت غیرعادی



آقای [ناخوانا] اقدام مقتضی مراتب را گزارش نمایند ۴/۲۸

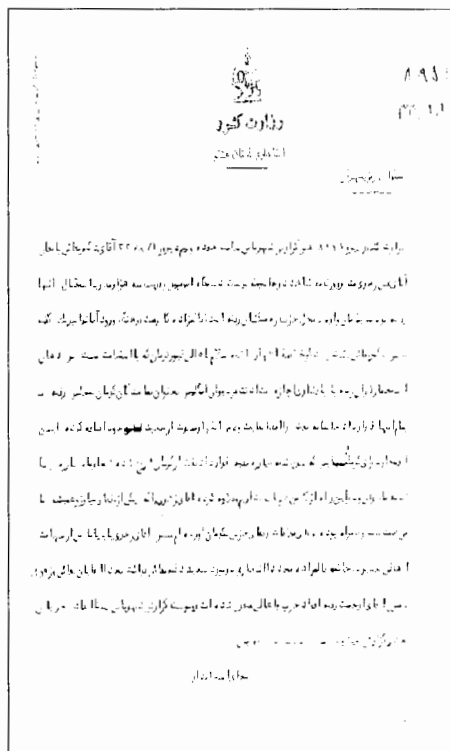
به قراری که کسب اطلاع می‌شود دکتر بقایی به افراد حزب زحمتکشان در نقاط مختلف دستور داده است که  
قبل از روز سی تیر تدارک تجمع و تظاهراتی در روز مزبور از طرف نخست‌وزیری به ژاندارمری و شهربانی  
دارد [ناخوانا] صادر گردید بررسی باید کرد

تاریخ: ۱۳۳۳/۸/۲

## گزارش

## وزارت کشور

پیرو [نامه شماره] ۸۸۷۱ طبق گزارش  
شهربانی ساعت هفده و نیم دیروز ۳۳/۸/۱  
آقای دکتر بقائی به اتفاق آقای علی زهری  
مدیر روزنامه شاهد در حالی که بیست  
دستگاه اتومبیل و قریب سه هزار نفر به  
استقبال آنها رفته بودند، به کرمان وارد و به  
محل حزب زحمتکشان رفته‌اند عالمزاده  
کارمند فرهنگ، ورود آنان را تبریک گفته  
سپس دکتر بقائی پشت بلندگو خلاصه اظهار  
داشت: سلام به اهالی غیور کرمان که با  
استقامت، مشت بر دهان استعمارگران زده و



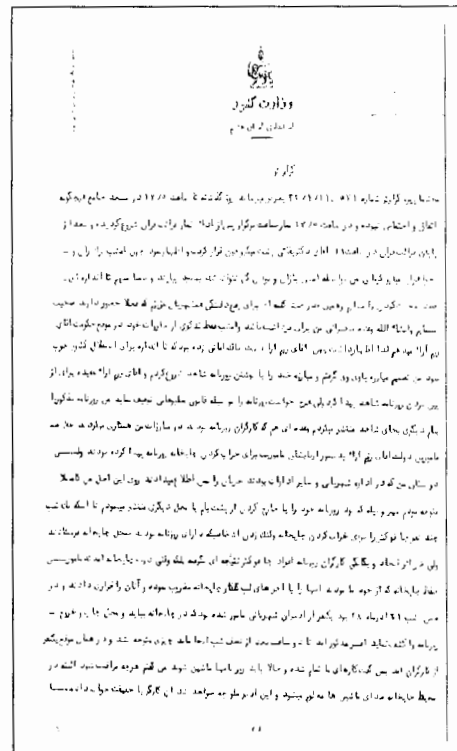
با پافشاری اجازه ندادند مزدوران انگلیس به عنوان نمایندگان کرمان به مجلس رفته به نام آنها قرارداد خائنانه نفت را امضا نمایند و ضمن اظهار مسرت از تبعید خود، اضافه کرده این افتخار برای کرمانی بس که سرچشمه مبارزه علیه قرارداد نفت از کرمان شروع شده شعار ما مبارزه با استعمارگران و در این راه از کشتن هم باک نداریم و علاوه کرده آقای زهری را که یکی از رفقای مبارز و همیشه با من همدست و همراه بوده، برای ملاقات رفقای حزبی به کرمان آورده سپس آقای زهری با بیاناتی از شهامت اهالی تقدیر در خاتمه عالمزاده مجدداً اشعاری در مورد تبعید دکتر بقائی قرائت بعداً آقایان بقائی و زهری به منزل آقای ارجمند رفته افراد حزب و اهالی متفرق شده‌اند.

رونوشت گزارش شهربانی ضمناً ایفاد، جریان بعدی گزارش می‌شود.



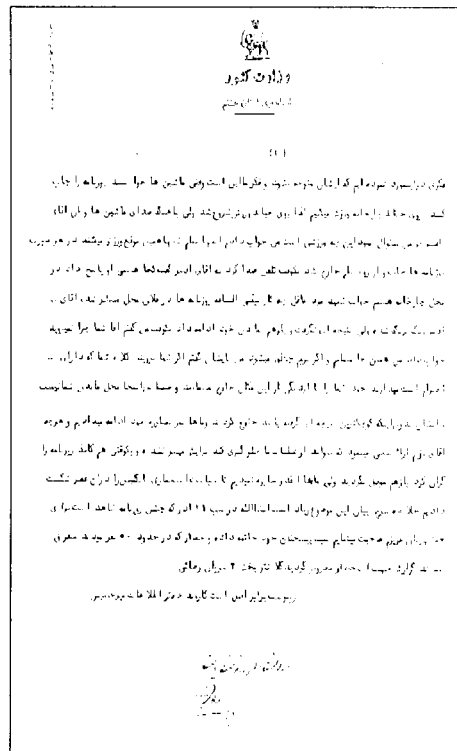
## وزارت کشور استانداری استان هشتم

محترماً، پیرو گزارش شماره ۵۷۱-  
۳۳/۹/۱۱ به عرض می‌رساند روز گذشته تا  
ساعت ۱۷/۳۰ در مسجد جامع هیچگونه  
اتفاق و اجتماعی نبوده و در ساعت ۱۷/۳۰  
نماز جماعت برگزار [شد]. پس از اداء نماز،  
قرائت قرآن شروع گردیده و بعد از پایان قرائت  
قرآن در ساعت ۱۹ آقای دکتر بقائی پشت  
میکروفون قرار گرفت و اظهار نمود چون  
امشب برادران و خواهران مبارز کرمانی من به  
واسطه آمدن باران و بودن گل نتوانستند به  
مسجد بیایند و ضمناً من هم تا اندازه‌ای قصد  
صحبت کردن را ندارم و همین قدر چند



کلمه‌ای برای رفع دلتنگی همشهریان عزیزم که فعلاً حضور دارند، صحبت می‌نمایم و ان شاء الله  
وعده سخنرانی من برای فردا شب باشد و امشب فقط تذکری از مبارزات خود در موقع حکومت  
آقای رزم‌آرا می‌دهم. لذا اظهار داشت چون آقای رزم‌آرا دست به اقداماتی زده بود که تا اندازه‌ای  
برای استقلال کشور خوب نبود، من تصمیم [به] مبارزه با وی گرفتم و مبارزه خود را با نوشتن  
روزنامه شاهد شروع کردم و آقای رزم‌آرا عقیده برای از بین بردن روزنامه شاهد پیدا کرد ولی هر  
چه خواست روزنامه را بوسیله قانون مطبوعاتی توقیف نماید، من روزنامه مذکور را به نام دیگری  
به جای شاهد منتشر می‌کردم و عده‌ای هم که کارگران روزنامه بودند، در مبارزات من همکاری  
می‌کردند. خلاصه مأمورین دولت آقای رزم‌آرا به دستور ارباب‌شان مأموریت برای خراب کردن  
چاپخانه روزنامه پیدا کرده بودند ولی دوستان من که در اداره شهربانی و سایر ادارات بودند،  
جریان را به من اطلاع می‌دادند. روی این اصل من کاملاً متوجه بودم، به هر وسیله که بود،  
روزنامه خود را با خارج کردن از پشت بام یا محل دیگری منتشر می‌نمودم تا اینکه یک شب  
چند نفر چاقوکش را برای خراب کردن چاپخانه و کتک‌زدن اشخاصی که دارای روزنامه بودند، به  
محل چاپخانه فرستادند ولی در اثر اتحاد و یگانگی کارگران روزنامه، افراد چاقوکش نتیجه‌ای

نگرفته بلکه وقتی [جلو] درب چاپخانه آمدند، مأمورین حفظ چاپخانه که از خود ما بودند، آنها را با آجرهای لب گلکار چاپخانه مضروب نموده و آنان را فراری دادند و در ضمن شب ۲۹ آذر ماه ۲۸ بود [که] یک نفر از افسران شهربانی مأمور شده بود که در چاپخانه بیاید و محل چاپ و خروج روزنامه را کشف نماید. افسر مذکور آمد تا دو ساعت بعد از نصف شب آنجا ماند چیزی متوجه نشد و در همان موقع یک نفر از کارگران آمد به من گفت کارهای ما تمام شده و حالا باید روزنامه‌ها ماشین شوند من گفتم هر چه مراقبت شود البته در محیط چاپخانه صدای ماشین‌ها معلوم می‌شود و این افسر متوجه خواهد شد. آن کارگر با حقیقت، جواب داد ما فکری در این مورد نموده‌ایم که



ایشان متوجه نشود و فکر ما این است وقتی ماشین‌ها خواستند روزنامه را چاپ کنند، روی حیاط چاپخانه ورزش می‌کنیم لذا روی حیاط، ورزش شروع شد ولی به آهنگ صدای ماشین‌ها و آن آقای افسر از من سؤال نمود این چه ورزشی است؟ من جواب دادم اینها تمام شبها همین موقع ورزش می‌کنند. در هر صورت روزنامه‌ها چاپ و از روی بام خارج شد. یک وقت تلفن صدا کرد به آقای افسر گفت کجا هستی و پاسخ داد در محل چاپخانه هستم. جواب شنید مرد عاقل چه کار می‌کنی الساعه روزنامه‌ها در فلان محل منتشر شده آقای افسر رنگ به رنگ شده ولی نتیجه‌ای نگرفت و باز هم به ماندن خود ادامه داد. یک وقت من گفتم آقا شما چرا نمی‌روید؟ جواب داد من همین جایی مانم و اگر نروم چطور می‌شود؟ من به ایشان گفتم اگر شما نروید کلاه شما [را] که دارای احترام است [بر] می‌دارند، خود شما را با اردنگی از این مکان خارج می‌نمایند و ضمناً در اینجا محل ماندن شما نیست و ایشان بدون اینکه کوچکترین نتیجه‌ای گرفته باشد، خارج گردید و ماها نیز به مبارزه خود ادامه می‌دادیم و هر چه آقای رزم آراسعی می‌نمود که بتواند از عملیات ما جلوگیری کند. برایش میسر نشد. یک وقتی هم کاغذ روزنامه را گران کرد، باز هم موفق نگردید ولی ماها آنقدر مبارزه نمودیم تا سیاست استعماری انگلیس را در آن عصر

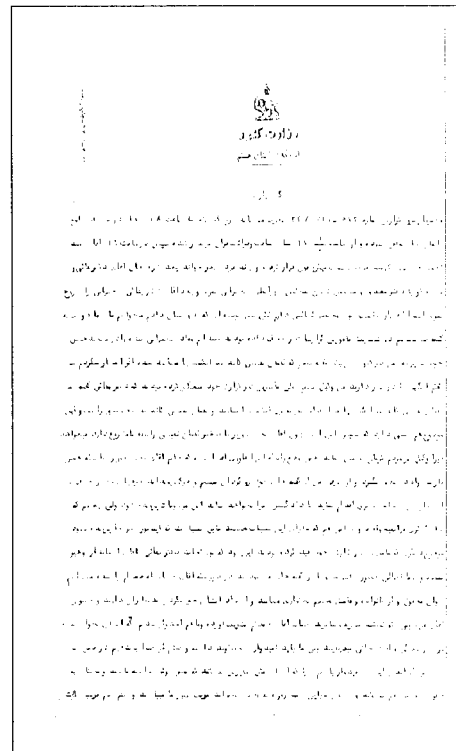
شکست دادیم. خلاصه شرح بیان این موضوع زیاد است ان شاءالله در شب ۲۹ آذر که جشن روزنامه شاهد است، برای همشهریان عزیزم صحبت می‌نمایم. سپس به سخنان خود خاتمه داده و حضار که در حدود ۵۰ نفر بودند، متفرق شدند. گزارش جهت استحضار معروض گردید. کلانتر بخش ۳ سروان رضائی.



## وزارت کشور

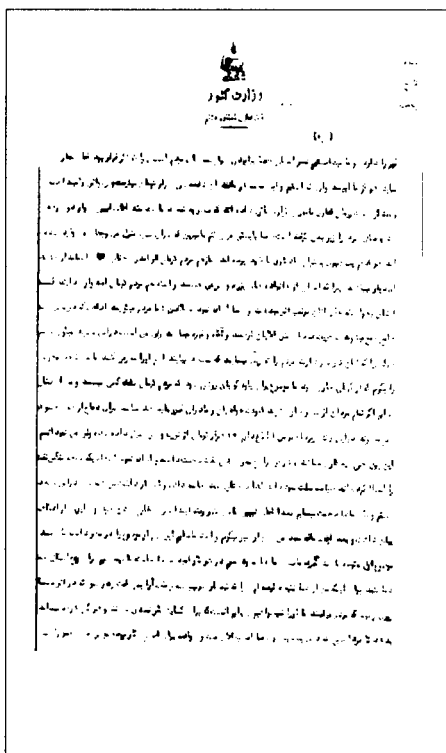
## استانداری استان هشتم

محترماً پیرو گزارش شماره ۵۷۳-  
۳۳/۹/۱۲ به عرض می‌رساند روز گذشته تا  
ساعت ۱۸-۱۷ در مسجد جامع اتفاق و  
اجتماعی نبوده و از ساعت ۱۷/۳۰ نماز  
جماعت و قرائت قرآن برگزار شده سپس در  
ساعت ۱۹ آقای سید احمد حسینی کارمند  
فرهنگ، پشت میکروفون قرار گرفت و چند  
بیت شعر خواند بعد شرح حال آقای دکتر  
بقائی و مبارزه او با دکتر مصدق و متحصن  
شدن به مجلس شورای ملی سخنرانی نمود و  
بعد آقای دکتر بقائی سخنرانی را شروع نمود  
ابتدا اظهار داشت چون مختصر کسالتی دارم



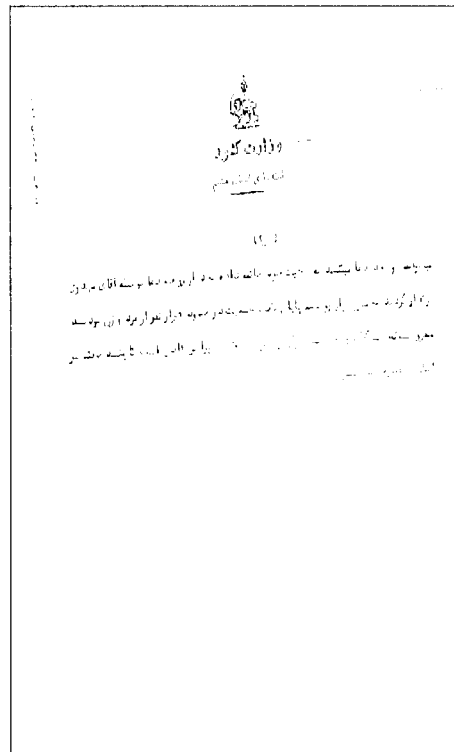
لکن نظر به وعده‌ای که به دوستان دادم، می‌خواهم با شما دو سه کلمه صحبت کنم. دو شب پیش، مأمورین، گزارشات برخلاف داده بودند نمی‌دانم مفاد سخنرانی بنده را درست به ذهن خود نسپرد؟ من در دو شب پیش نگفته بودم که لقمان نفیسی کاندید انگلیسیها می‌باشد. بنده اگر اظهار می‌کردم، گفتم انگلیسیها در نظر دارند من وکیل نشوم ولی مأمورین در گزارش خود منعکس کرده بودند که دکتر بقائی گفته لقمان نفیسی کاندید انگلیسیها می‌باشد، اینطور نظری انگلیسیها ندارند و لقمان نفیسی کاندید نخست‌وزیر است و این موضوع هم سببی دارد که سببش این است [که] چون آقای نخست‌وزیر با دختر لقمان نفیسی رابطه نامشروع دارد، می‌خواهد او را [به عنوان] وکیل بر مردم کرمان تحمیل نماید حتی وضع رابطه آنها طوری افشا شده که خانم آقای نخست‌وزیر بواسطه همین کار می‌خواهد طلاق بگیرد و از طرفی من از گفته‌های خود روگردان نیستم و هر کس می‌داند حرفهای من برخلاف است، از طریق دادگستری اقدام نماید تا دادگستری مرا بخواهد شاید این موضوعات پرونده شود ولی چه کنم که دادگستری مرا نمی‌خواهد و کسانی هم که دارای این عملیات هستند، مایل نمی‌باشند که اینطور چیزها پرونده بشود. موضوع دیگری که مأمورین در گزارش خود قید کرده بودند، این بود

که نوشته‌اند دکتر بقائی به آقای استاندارد توهین نموده و شما اهالی حضور داشتید و ناظر گفته‌های من بودید در صورتی که آقای جهان‌شاه صمصام<sup>۱</sup> را بنده می‌شناسم جوان معقول و از خانواده و فامیل محترم بختیاری می‌باشد و اجداد ایشان حق به گردن ملت ایران دارند و چون آقای فریدونی نتوانستند تشریف بیاورند جناب آقای صمصام، تشریف آورده و ما هم امیدوار شدیم که ایشان به خواسته‌های مردم رسیدگی و اصلاحاتی می‌فرمایند ولی ما باید امیدواری به خداوند داشته و چشم از خدا بر نداریم. در ضمن بایستی از آمدن ایشان امیدوار باشیم چراکه ایشان مثل سایرین نیستند که نظر سوئی داشته باشند و محتاج به حقوق دولتی هم



نیستند و ایشان در این چند روزه که وارد شده‌اند، غریب شهر ما می‌باشند و آدم غریب حکم کور را دارد، ما می‌دانستیم نظر ایشان بر آوردن خواسته‌های مردم است چراکه اگر قرار بود آقای غفاری بیاید، هرگز ما امیدواری نداشتیم و این مرتبه هم مانند آن دفعه سی هزار تومان می‌گرفت و رسوائی راه می‌انداخت و متذکر شد در زمان غفاری مأمورین گزارشهایی داده‌اند که منجر به تبعید ما شد مثلاً آقای لیبی<sup>۲</sup> سوار دوچرخه شد و عبای خود را زیر بغل گرفته است. ضمناً بایستی عرض کنم مأمورین که در آن شب به منزل من و رفقای من وارد شده‌اند، هر کدام یک چیزی به عنوان یادگاری با خود برده‌اند باز هم مردم کرمان از آمدن جناب آقای استاندارد جدید امیدوار می‌باشند چراکه ایشان از خانواده‌های بزرگ و شریفی هستند و البته هم مردم کرمان امیدواری دارند که ایشان به خواسته‌های آنان ترتیب اثر می‌دهند و ضمناً اضافه نمود مخالفین شما مردم می‌گویند افرادی که در مسجد جامع جمع می‌شوند به تحریک عده‌ای مثل آقایان ارجمند و آگاه و غیره می‌باشند، ولی من امشب در این مسجد می‌گویم هر کس را که آنان در نظر دارند مردم تحریک می‌نمایند که به مسجد بیایند، اسم او را معرفی کنند تا من شخص محرک را بگویم که از کرمان خارج شود تا موضوع برای باوه‌گویان روشن شود که مردم کرمان به

گفته کسی نیستند و من اطمینان دارم اگر تمام مردان از شهر خارج شوند، آن وقت خواهران و مادران غیور ما به مسجد می آیند برای دفاع از حق خود جمع می شوند. در این چند روز اخیر من اطلاع دارم ۴۵ هزار تومان از نوریه و سرسبیل داده شده ولی من نمی دانم این پول خرج چه کاری می باشد و شرحی راجع به ملی شدن نفت صحبت داشته و اضافه نمود اشخاصی که لایحه ننگین نفت را امضا کرده اند، خیانت به ملت نموده اند. لذا به سخنان خود خاتمه داده و اظهار داشت من همه شب در این مسجد هستم و با شماها صحبت می نمایم. بعداً آقای لبیبی بالای منبر رفته ابتدا شرح خارج شدن خود و سایرین از اعتکاف بیان داشت و بعد اضافه



نمود من چهار چیز می گویم و استدعا دارم این چهار موضوع را در نظر داشته باشید، موضوع اول متوجه باشید تفرقه مابین شماها نشود. دوم در هر کار امید به خدا داشته باشید. سوم برای رفع اشکال خود دعا کنید برای اینکه من از دعا نتیجه گرفته ام چرا که تیمسار سرتیپ «شمس ملک آرا» به من گفت پدر سوخته در اثر دعا روزی رسید که مردم می گفتند ما او را نمی خواهیم. چهارم آنست که برای گشایش کار تصدق دهند و هر کس هر چه می تواند، بدهد تا فردا صبح تصدیق بدهید و ضمناً امشب آقای مهدوی واعظ برای اصلاح کار، روضه موسی بن جعفر را می خواند و بعد دعا می کند به صحبت خود خاتمه داده بعد از روضه دعا بوسیله آقای مهدوی برگزار گردید. مجلس پس از روضه پایان یافت. جمعیت در حدود هزار نفر مرد و زن بودند متفرق شدند.

کلانتر بخش ۳ سروان رضائی.

۱- جهان شاه صمصام بختیاری: فرزند مرتضی قلی، متولد ۱۲۸۹، پس از گذراندن تحصیلات خود استاندار استانیهای کرمان، کردستان، کرمانشاهان و خوزستان، سناتور انتصابی، آجودان کشوری محمدرضا شاه و دارای نشانهای تاج و همایون بوده است. وی در زمان استانداری کرمان و خوزستان متهم به چند مورد هتک ناموس و سوء استفاده مالی و وارد کردن اشیای

قاجاق از کویت بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۲- شیخ علی لیبی: فرزند محمود، در سال ۱۲۹۳ ه‍.ش در کرمان متولد شد. علاوه بر تحصیل علوم دینی، دیپلم نیز گرفته و با زبان‌های عربی و فرانسه آشنا شد. مدتی کارمند اداره آموزش و پرورش کرمان و مدیر دبستان اسلامی بود.

ولی به علت داشتن فعالیت سیاسی، از خدمت در دستگاه‌های دولتی برکنار شد. در سال ۴۴ به اتهام اقدام بر ضد امنیت کشور رأی دادگاه عادی شماره یک و اداره دادرسی نیروهای مسلح، ۹ ماه محکومیت حاصل و پس از خاتمه محکومیت در روز ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۵ از زندان آزاد گردید.

پرونده‌های انفرادی ساواک

تاریخ: ۱۳۳۴/۵/۱۸

پیام دکتر مظفر بقایی کرمانی

از تبعیدگاه زاهدان

فرزندان و دوستان عزیزم خوشوقتم که یک بار دیگر به مناسبت قیام ملی ۲۸ مرداد<sup>۱</sup> می‌توانم از این راه دور به شما نوید دهم که آینده از آن ما است. آینده این سرزمین مقدس به زحمتکشان ملت ایران تعلق دارد. امروز دو سال تمام از قیام بزرگ و ملی ۲۸ مرداد می‌گذرد، از خارج و داخل کوشش بسیار شده است و می‌شود که این قیام را محصول اراده بیگانه قلمداد کنند همچنانکه سعی زیاد کردند قیام سی تیر را نیز کردند قیام سی تیر را نیز ساخته دست اجنبی معرفی نمایند و اگر ملاحظه می‌کنید، علاوه بر

پیام دکتر مظفر بقایی کرمانی از تبعیدگاه زاهدان

فرزندان و دوستان عزیزم

خوشوقتم که بتوانم از این راه دور به شما نوید دهم که آینده از آن ما است. آینده این سرزمین مقدس به زحمتکشان ملت ایران تعلق دارد.

امروز دو سال تمام از قیام بزرگ و ملی ۲۸ مرداد می‌گذرد، از خارج و داخل کوشش بسیار شده است و می‌شود که این قیام را محصول اراده بیگانه قلمداد کنند همچنانکه سعی زیاد کردند قیام سی تیر را نیز کردند قیام سی تیر را نیز ساخته دست اجنبی معرفی نمایند و اگر ملاحظه می‌کنید، علاوه بر این دو اقلیت خائن و منفور معلوم الحال، عده دیگری هم این فرضیه‌ها را بدون تعمق و مطالعه می‌پذیرند علت آن است که از این هر دو قیام ملی، بر ضد ملت ایران و منافع حیاتی او بهره‌برداری شده است. البته به خاطر دارید چقدر برای ما که از بانیان اصلی قیام سی تیرماه بودیم دشوار و ناگوار بود که پس از یک سال مجبور شویم در روزنامه شاهد اعلام کنیم که از قیام ملی ما به نفع دست نشانندگان کمونیزم بهره‌برداری می‌کنند. سال گذشته نیز همانقدر و بلکه بیشتر بر ما ناگوار بود که دیدیم یک اقلیت دیگر یک دسته دیگر از شیادان، عموزادگان و برادران همان راهزنان شناخته شده با کمال وقاحت، سینه گسترده و از این قیام ملت ایران بهره‌برداری می‌کنند.

آن دو اقلیت خائن و منفور معلوم الحال، عده دیگری هم این فرضیه‌ها را بدون تعمق و مطالعه می‌پذیرند علت آن است که از این هر دو قیام ملی، بر ضد ملت ایران و منافع حیاتی او بهره‌برداری شده است. البته به خاطر دارید چقدر برای ما که از بانیان اصلی قیام سی تیرماه بودیم دشوار و ناگوار بود که پس از یک سال مجبور شویم در روزنامه شاهد اعلام کنیم که از قیام ملی ما به نفع دست نشانندگان کمونیزم بهره‌برداری می‌کنند. سال گذشته نیز همانقدر و بلکه بیشتر بر ما ناگوار بود که دیدیم یک اقلیت دیگر یک دسته دیگر از شیادان، عموزادگان و برادران همان راهزنان شناخته شده با کمال وقاحت، سینه گسترده و از این قیام ملت ایران بهره‌برداری می‌کنند.

شرح و بسط و بحث در علل و عوامل قیامهائی که یکی بعد از دیگری، خیابانهای تهران را از خون بهترین فرزندان ما گلگون کرد از حوصله این پیام خارج است. کافی است یادآوری کنیم که هدف نهائی آنها حفظ اصول و احترام قانون اساسی بود و هیچگاه نباید از نظر دور بداریم که ملت ایران، اکثریت پابره‌ها و یقه چرکینها، چون آنچنان که باید و شاید با واقع بینی متشکل نشده بودند، دولتهائی که بر اثر فداکاری و شهادت آنان زمام امور را بدست گرفتند بر خلاف جهت

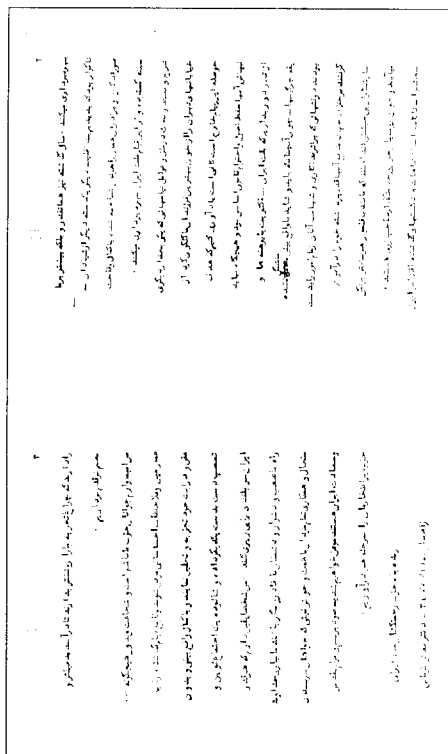


منافع آنها قدم برداشته، خود را در آغوش سازشکاران بی حیثیتی انداختند که مانند بوقلمون هر ساعتی به رنگی می آیند و چون روسپیان، هر روز خدمتگزار صاحب زری هستند.

سختیها، ناکامیها، اشتباهات و شکستهای گذشته اقل این ارزش را دارند که چراغ تجربه ما را روشنتر بدارند تا در آینده دقیقتر و مصممتر قدم برداریم. من امیدوارم جوانان حزب ما با شهامت و شجاعت و بدون هیچگونه غمض عین و ملاحظات احساساتی موفق شوند وقایع ایام گذشته را با عقل و درایت خود تجزیه و تحلیل نمایند و با کمال واقع بینی و بدون تعصب دست به دست یکدیگر داده و شالوده یک اجتماع نوین و

ایران سربلندی را پی ریزی کنند. من شخصاً یقین دارم که هر قدر راه ما صعب و دشوار و دشمنان ما قادر و مکار باشند، ما به یاری خداوند متعال و همکاری تمام مردان با همت و خوش نیتی که خواهان سربلندی و سعادت ایران هستند، موفق خواهیم شد به مقصود برسیم و مرام مقدس حزب پرافتخارمان را به مرحله عمل در آوریم.

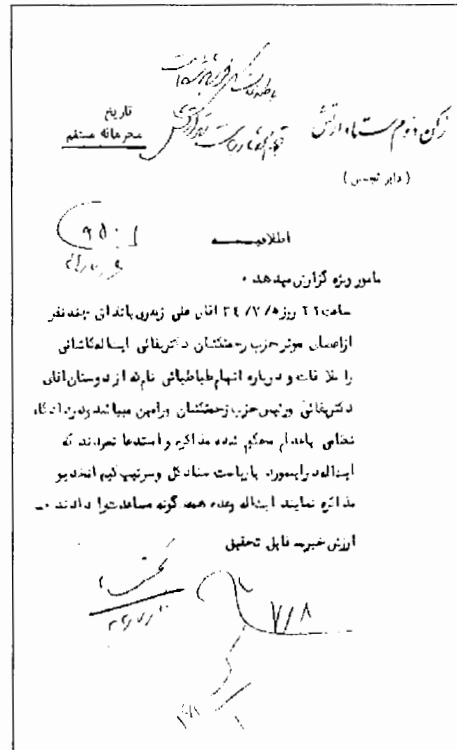
زنده باد حزب زحمتکشان ملت ایران  
زاهدان، ۳۴/۵/۱۸، دکتر بقائی کرمانی



تاریخ: ۱۳۳۴/۷/۶

## رکن دوم ستاد ارتش

مأمور ویژه گزارش می دهد، ساعت ۲۲ روز ۳۴/۷/۵ آقای علی زهری به اتفاق چند نفر از اعضای مؤثر حزب زحمتکشان دکتر بقائی، آیت الله کاشانی را ملاقات و درباره اتهام طباطبائی نام، که از دوستان آقای دکتر بقائی و رئیس حزب زحمتکشان ورامین می باشد و در دادگاه نظامی به اعدام محکوم شده، مذاکره و استدعا نمودند که آیت الله، در این مورد با ریاست ستادکل<sup>۱</sup> و به سرتپ کیهان خدیو<sup>۲</sup> مذاکره نمایند آیت الله، وعده همه گونه مساعدت را دادند.



- ۱- اول شهر یور ماه ۱۳۳۴ ستاد ارتش با سازمان جدیدی که اقتباس شده از سازمان نظامی آمریکا بود، آغاز به کار کرد. وزیر جنگ به ریاست ستاد مشترک منصوب شد.
- ۲- سرهنگ کیهان خدیو پس از کودتای ۲۸ مرداد باز پرس دکتر مصدق بود. در ۱ مهر ماه ۱۳۳۲ به همراه عده زیادی از افسران ارتش که به مناسبت فعالیت در روز ۲۸ مرداد، ترفیع درجه یافتند، به سرتیپی رسید و در ۱ مهر ماه ۱۳۳۶ به سر لشکری ارتقا یافت.

تاریخ: ۱۳۳۴/۷/۲۰

## ستادکل

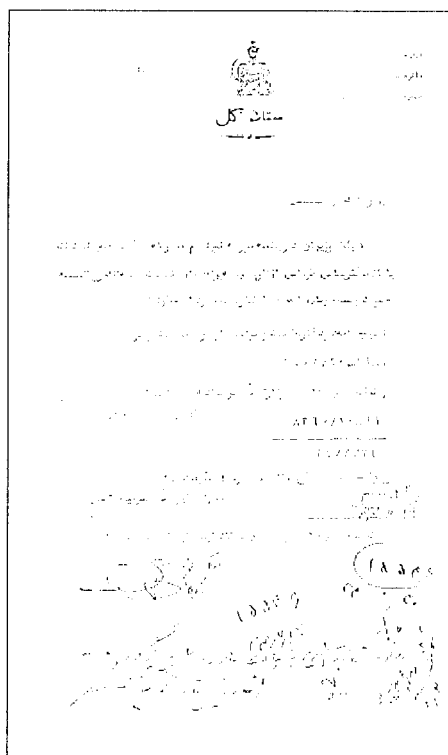
## وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه مورخه نوزدهم  
مهرماه ۳۴ تصویب نمودند به آقای دکتر  
بقائی کرمانی از تاریخی که به زاهدان تبعید  
شده‌اند، روزانه مبلغ دویست ریال از محل  
اعتبار دولت پرداخت گردد.<sup>۱</sup>

تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است از طرف  
نخست‌وزیر<sup>۲</sup>

رونوشت جهت اطلاع وزارت جنگ فرستاده  
می‌شود از طرف نخست‌وزیر.

رونوشت جهت اطلاع ستادکل ارسال  
می‌گردد. از طرف وزیر جنگ سرتیپ امینی.



رونوشت جهت اطلاع و اقدام به ستاد ارتش ارسال می‌گردد. رئیس ستادکل.

۱- در مدتی که دکتر بقائی در زاهدان به حالت تبعید به سر می‌برد، بطور منظم هفته‌ای یک هواپیما از طرف دربار برای او میوه، غذا، گوشت و وسایل راحتی می‌برده است.

رک: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۲، ص ۱۵۲

۲- نخست‌وزیر وقت «حسین علاء» بود. وی در دو نوبت صدارتش پس از یک واقعه مهم و بحرانی، به عنوان چهره‌ای وفادار به شاه پا به صحنه سیاسی کشور گذاشته و در واقع، شاه را از یک مهلکه فکری و روحی، خلاصی داده است. بار اول پس از ترور رزم‌آرا و مرتبه دوم بعد از نخست‌وزیری سپهبد زاهدی.

در دور دوم صدارت وی، فدائیان اسلام با او درگیر شدند. در پی ترور ناموفق علاء توسط فدائیان اسلام، نواب صفوی، خلیل طهماسبی، حسین واحدی و مظفر ذوالقدر به اعدام و بقیه به حبسهای بلند مدت محکوم شدند. حسین علاء فراماسون بود و ریاست باشگاه لاینز را نیز بر عهده داشت.

شماره: ۷۵۸۳ تاریخ: ۱۳۳۴/۸/۱۸

از اداره لشکر ۱۰ رکن ۲

ریاست ستاد ارتش

وزارت جنگ

درباره: عده‌ای از اعضای حزب زحمتکشان

دکتر بقائی در دزفول

در ۲۷ فروردین سال ۳۲ که دولت وقت<sup>۱</sup>برای تصویب طرح هیئت هشت نفری<sup>۲</sup> و

تضعیف مقام شامخ سلطنت قصد تعطیل

عمومی در سراسر کشور را نمود و برای انجام

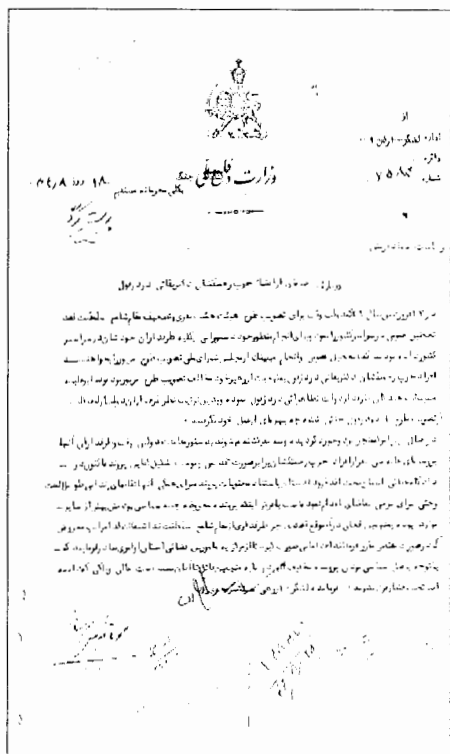
منظور خود دستوراتی به کلیه طرفداران

خودشان در سراسر کشور داده بودند که با

تعطیل عمومی و انجام میتینگ از مجلس

شورای ملی تصویب طرح مزبور را بخواهند.

افراد حزب زحمتکشان دکتر بقائی در دزفول



به تبعیت از رهبر خود مخالف تصویب طرح مزبور بوده و لذا بر علیه میتینگ دهندگان طرفدار دولت تظاهراتی در دزفول نموده و بدین ترتیب نظر طرفداران دولت از لحاظ تصویب طرح در دزفول خنثی شده بهره‌ای از عمل خود نگرفتند.

در قبال این امر که منجر به زد و خرد گردیده و سه نفر کشته می‌شوند، به دستور مقامات دولتی وقت و طرفداران آنها پرونده‌ای علیه سی نفر از افراد حزب زحمتکشان برابر صورت تقدیمی پیوست، تشکیل که این پرونده اکنون در دادگاه جنائی استان تحت اقدام و دادستان به استناد محتویات پرونده برای همگی آنها تقاضای زندانی طویل‌المدت و حتی برای برخی تقاضای اعدام نموده است، با عرض اینکه پرونده معروضه جنبه سیاسی بودنش بیش از سایر موارد بوده و متهمین فعلی در آن موقع قصدی جز طرفداری از مقام شامخ سلطنت نداشته‌اند، لذا مراتب معروض، که در صورت مقتضی مقرر فرمائید اقداماتی صورت گیرد تا از مرکز به مأمورین قضائی استان اوامری صادر فرمایند که با توجه به اصل سیاسی بودن پرونده، تخفیف کلی درباره متهمین قائل تا آنان به سبب نیت عالی و پاکی که داشته‌اند تحت فشار قرار نگیرند. فرمانده لشکر ۱۰ زرهی - سرلشگر محوی

۱- دولت وقت: منظور دولت دکتر مصدق می‌باشد.

۲- یک هیأت از مجلس، مأمور مذاکره و رفع اختلاف بین دولت از یک طرف و دربار و مجلس از طرف دیگر شد. از گروه‌های مختلف مجلس، هشت نفر برگزیده شدند:

۱- دکتر عبدالله معظمی

۲- حسین مکی

۳- دکتر کریم سنجابی

۴- حاج آقا رضا رفیع

۵- جواد گنج‌های

۶- دکتر مظفر بقائی کرمانی

۷- سیدابوالحسن حایری‌زاده

۸- بهرام مجدزاده

کار هیأت از دیدار با دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی شروع شد، ماه‌ها طول کشید تا گزارشی تهیه کردند که البته به جای حل مشکل، خود یک مشکل بزرگتر و معضل سیاسی را به وجود آورد. تلاش هیأت برای التیام دادن روابط دکتر مصدق و شاه منجر به تهیه گزارش شد. در این گزارش به استناد قانون اساسی و متمم آن حدود مسوولیت شاه و نخست‌وزیر مشخص شد، اما گروه منتسب به دربار نسبت به این گزارش که حدود دخالت شاه در امور مملکتی را محدود می‌ساخت، نظر موافق نشان نداد و عملاً فعالیت هیأت هشت نفری برای رفع بحران در سال ۱۳۳۱ بی‌نتیجه ماند.

شماره: ۱۷۱۸۶ تاریخ: ۱۳۳۴/۸/۲۲

وزارت جنگ

از: ستاد ارتش

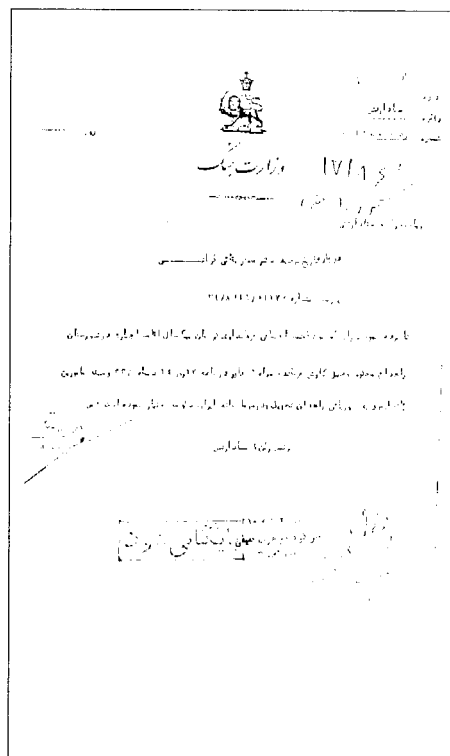
به: ریاست رکن ۴ ستاد ارتش

درباره: تاریخ تبعید دکتر مظفر بقائی کرمانی

بازگشت به شماره: ۳۴/۸/۱۶/۵۱۱۷۰

نامبرده به موجب رأی کمیسیون امنیت  
اجتماعی فرمانداری کرمان به یک سال اقامت  
اجباری در شهرستان زاهدان محکوم و طبق  
گزارش فرمانده سپاه ۶ خاور، در ساعت ۱۷  
روز ۱۴ دی ماه ۳۳ وسیله مأمورین ژاندارمری  
به شهربانی زاهدان تحویل و در مهمانخانه  
ایران سکونت اختیار نموده است.

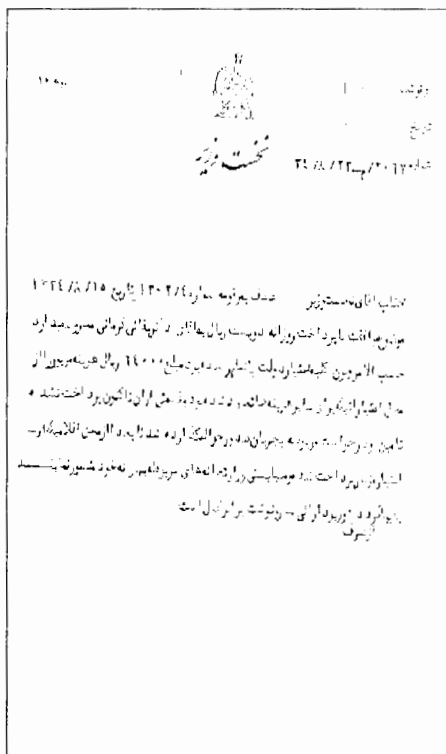
رئیس رکن ۲ ستاد ارتش



شماره: ۲۰۶۷/م تاریخ: ۱۳۳۴/۸/۲۳

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۱۳۰۲/۴ به تاریخ  
۱۳۳۴/۸/۱۵ موضوع موافقت با پرداخت  
روزانه دویست ریال به آقای دکتر بقائی  
کرمانی معروض می‌دارد حسب‌الامر چون  
کلیه اعتبار دولت به اتمام رسیده بود مبلغ  
۶۴۰۰۰ ریال هزینه مزبور را از محل  
اعتباراتی که برای سایر هزینه‌ها تعهد شده  
بود و قسمتی از آن تاکنون پرداخت نشده  
تأمین و درخواست مربوطه به جریان صدور  
حواله گذارده شد تا بعد، از محل اقلامی که از  
اعتبار مزبور پرداخت شده و می‌بایستی  
وزارتخانه‌های مربوطه به هزینه خود منظور



نمایند پابیا گردد.

از طرف وزیر دارائی

شماره: ۱۳۶۰/۴ تاریخ: ۱۳۳۴/۸/۲۵

نخست وزیر

وزارت جنگ

رونوشت نامه شماره ۳۰۶۷/م - ۳۴/۸/۲۳

وزارت دارائی راجع به موافقت با پرداخت  
روزانه دویست ریال به آقای دکتر بقائی  
کرمانی برای اطلاع به پیوست فرستاده  
می شود.

از طرف نخست وزیر

۱۳۳۴/۸/۲۵  
شماره: ۱۳۶۰/۴  
پیوست: ۲  
مهرنامه

نخست وزیر

وزارت جنگ

رونوشت نامه شماره ۳۰۶۷/م - ۳۴/۸/۲۳ وزارت دارائی  
راجع به موافقت با پرداخت روزانه دویست ریال به آقای  
دکتر بقائی کرمانی برای اطلاع پیوست فرستاده می شود.

۱۳۳۴/۸/۲۵  
۱۳۳۴/۸/۲۵  
۱۳۳۴/۸/۲۵

نایبگانی شون



شماره: ۱۸۰۸۲ تاریخ: ۱۳۳۴/۹/۲

رکن ۲ شعبه ۱۰

فرماندهی سپاه ۶ خاور

پیرو شماره ۳۴/۸/۲/۱۵۵۴۶ بدینوسیله  
رونوشت نامه وزارت دارائی راجع به موافقت با  
پرداخت روزانه دویست ریال به نامبرده جهت  
اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد.  
از طرف رئیس ستاد ارتش

رکب: ۱۸۰۸۲

امداد: ۶ خاور

دکتر مظفر بقایی کرمانی

۳۴/۸/۲/۱۵۵۴۶

بدینوسیله رونوشت نامه وزارت دارائستی را هم به جانشین نامبرده اعاده  
رواژه: دو بیت ریال بنامبرده جهت اطلاع به پیوست ارسال میگردد.

از طرف رئیس ستاد ارتش

رئیس گرد: درانبری - قیاسی

۱۳۳۴/۹/۲

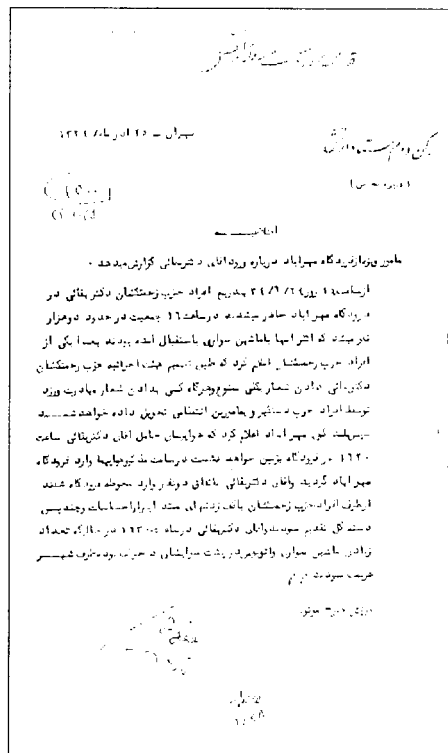
تاریخ: ۱۳۳۴/۹/۲۵

رکن دوم ستاد ارتش

اطلاعیه

مأمور ویژه از فرودگاه مهرآباد درباره ورود آقای دکتر بقائی گزارش می دهد. از ساعت ۱۴ روز ۳۴/۹/۲۴ به تدریج افراد حزب زحمتکشان دکتر بقائی در فرودگاه مهرآباد حاضر می شدند. در ساعت ۱۶ جمعیت در حدود دو هزار نفر می شد که اکثر آنها با ماشین سواری به استقبال آمده بودند بعداً یکی از افراد حزب زحمتکشان اعلام کرد که طبق تصمیم هیئت اجراییه حزب زحمتکشان دکتر بقائی، دادن شعار به کلی ممنوع و هرگاه کسی به دادن شعار مبادرت ورزد توسط افراد

حزب، دستگیر و به مأمورین انتظامی تحویل داده خواهد شد. سپس بلندگوی مهرآباد اعلام کرد که هواپیمای حامل آقای دکتر بقائی ساعت ۱۶/۲۰ در فرودگاه به زمین خواهد نشست. در ساعت مذکور هواپیما وارد فرودگاه مهرآباد گردید و آقای دکتر بقائی به اتفاق دو نفر وارد محوطه فرودگاه شدند از طرف افراد حزب زحمتکشان با کف زدنهای ممتد ابراز احساسات و چندین دسته گل تقدیم نمودند و آقای دکتر بقائی در ساعت ۱۶/۳۰ در حالی که تعداد زیادی ماشین سواری و اتوبوس در پشت سر ایشان در حرکت بود، به طرف شهر عزیمت نمودند.<sup>۱</sup>



۱- پایان مدت اقامت اجباری دکتر بقائی در زاهدان مصادف با ۲۴ آذر ۱۳۳۴ بود. این سند اشاره به بازگشت وی از



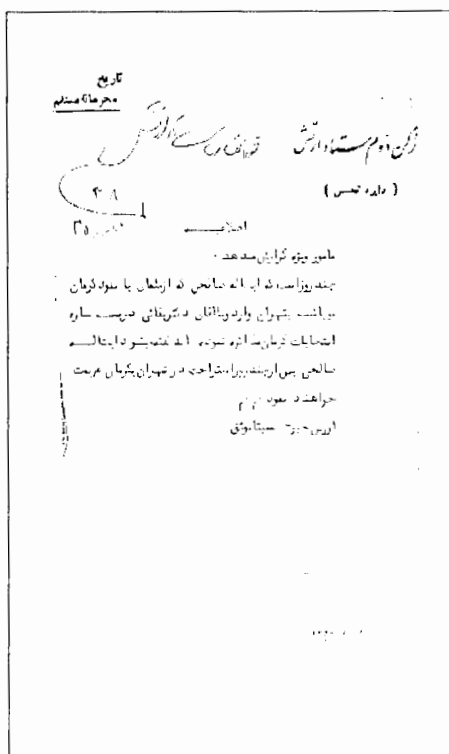
تاریخ: ۱۳۳۵/۱/۱۸

رکن دوم ستاد ارتش

اطلاعیه

مأمور ویژه گزارش می دهد:

چند روز است که آیت الله صالحی که از علمای با نفوذ کرمان می باشند، به تهران وارد و با آقای دکتر بقائی درباره انتخابات کرمان<sup>۱</sup> مذاکره نموده اند. گفته می شود آیت الله صالحی پس از چند روز استراحت در تهران، به کرمان عزیمت خواهند نمود.



دوره نوزدهم مجلس شورای ملی در تهران آغاز شد.

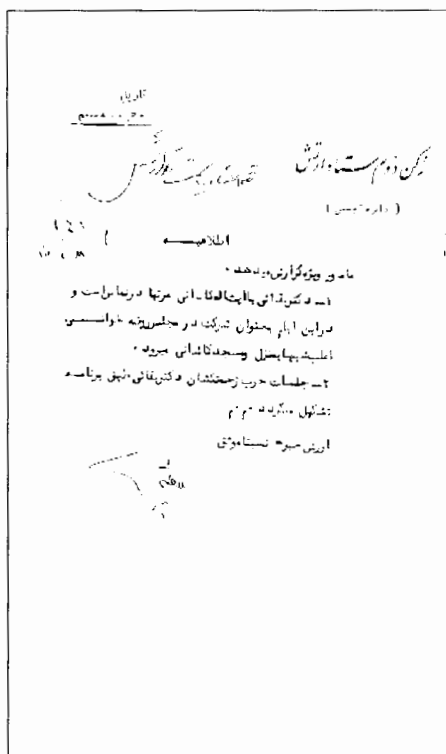
تاریخ: ۱۳۳۵/۲/۱۶

رکن دوم ستاد ارتش

اطلاعیه

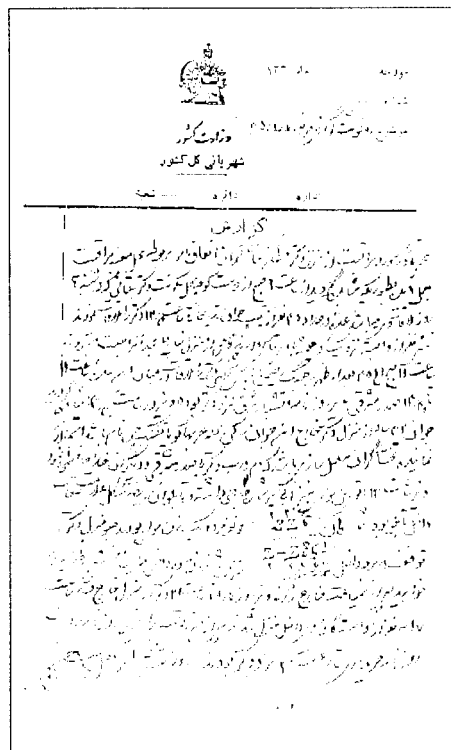
مأمور ویژه گزارش میدهد:

- ۱- دکتر بقائی با آیت الله کاشانی مرتباً در تماس است و در این ایام به عنوان شرکت در مجلس روضه خوانی، اغلب شبها به منزل و مسجد کاشانی می رود.
- ۲- جلسات حزب زحمتکشان دکتر بقائی طبق برنامه تشکیل می گردد.



تاریخ: ۱۳۳۵/۸/۷

موضوع: رونوشت گزارش مورخه ۳۵/۸/۷  
محترماً در مورد مراقبت از منزل دکتر مظفر بقائی کرمانی به اتفاق مأمور مربوطه، محل معینه مراقبت به عمل آمد به طوری که مشاهده گردید از ساعت ۹ صبح، از دو سمت کوچه محل سکونت دکتر بقائی که دوشنبه‌ها روز ملاقات وی می‌باشد عملاً در حدود ۳۵ نفر از تیپ جوان تدریجاً تا ساعت ۱۴/۳۰ دکتر را ملاقات نمودند شش نفر از وابستگان نزدیک که همیشه با وی تماس دارند گاهی از منزل خارج، مجدداً مراجعت می‌کردند. ساعت ۱۱ صبح الی ۵ بعدازظهر سرهنگ رحیمی با لباس شخصی، دکتر را ملاقات و در



میان ساعت ۱۱ تا ۱۳/۳۵ صدر مشرقی مدیر روزنامه آتشبار شرق<sup>۱</sup> نزد دکتر بوده و نیز در ساعت ۱۳/۳۰ مشاهده گردید جوان ۳۲ ساله از منزل دکتر خارج، این جوان ساکن محله عربها، گویا تفنگ چپ نام، باشد احتمالاً نماینده تخشاگران مسلسل سازی باشد که دم درب دکتر با صدر مشرقی و دیگران خداحافظی نمود و نیز ساعت ۱۳ اتومبیل سواری بنز آبی سیر شماره خارجی داشته و تابلو آن بیضه‌ای شکل، علامت عقاب داخل تابلو بود شماره آن ۶e-Z2-Z2850 دو نفر مرد و یک زن سوار بودند جلو منزل دکتر توقف، دو مرد داخل منزل شدند. زن در داخل ماشین خسته به نظر می‌رسید. خوابید پس از نیم ساعت خارج شدند و نیز روز ۸/۷ تا ساعت ۲۱ دکتر از منزل خارج نشد. ساعت ۱۷ سه نفر از وابستگان وی داخل منزل شدند پس از چند دقیقه برای خرید روزنامه مراجعت، روزنامه خریداری تا ساعت ۲۰ نزد دکتر بودند.

۱- ابوالقاسم صدر مشرقی، صاحب امتیاز و مدیر مسوول «آتشبار شرق» بوده که از سال ۱۳۳۱ بطور هفتگی در تهران منتشر و موضوع آن سیاسی، اجتماعی، انتقادی، خبری و کاریکاتوری بوده است.

شماره: ۵۹۰ تاریخ: ۱۳۳۵/۹/۴

## وزارت جنگ

- ۱- آقای کاشانی درباره ترخیص دکتر بقائی وسیله دوستان و ایادی خود اقدام و حتی متوسل به آقای هیراد شده که از طریق دربار برای ترخیص وی دستور صادر گردد.
- ۲- آقای کاشانی همچنان موضوع خاورمیانه در کشورهای عربی را مورد بحث قرار داده و در اطراف آن صحبت می‌کنند.

وزارت جنگ

شماره: ۵۹۰

تاریخ: ۱۳۳۵/۹/۴

موضوع: ترخیص دکتر بقائی

۱- آقای کاشانی درباره ترخیص دکتر بقائی وسیله دوستان و ایادی خود اقدام و حتی متوسل به آقای هیراد شده که از طریق دربار برای ترخیص وی دستور صادر گردد.

۲- آقای کاشانی همچنان موضوع خاورمیانه و کشورهای عربی را مورد بحث قرار داده و در اطراف آن صحبت می‌کنند.

این گزارش مستحق است.

مراجعه به هیات امناء و انکس شده است.

۲۵/۹/۳۵

تاریخ: ۱۳۳۵/۱۰/۱۰

## سازمان اطلاعات و امنیت کشور

## اطلاعیه

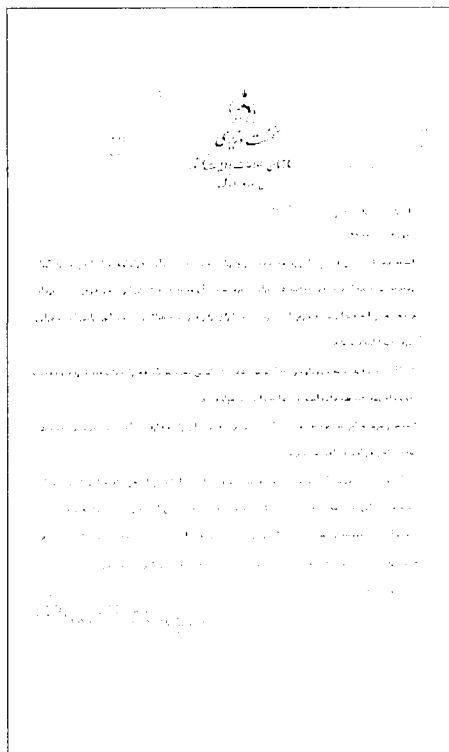
مأمور ویژه گزارش می دهد:

۱- فعالیت‌های آقای کاشانی در وضع حاضر روی ملاقات دوستان و اقربای نزدیک خودش می باشد. در اینگونه ملاقاتها هم صحبت آنها بر محور فعالیت کشورهای عرب بر عدم فعالیت در کشور ایران دور می زند و ایشان معتقدند که بایستی ایران هم در جریانات کشورهای عرب هم آهنگی از خود نشان می داد و به رغم ایشان روش حکومت ایران بر اثر عدم توجه علما و روحانیون به امور سیاسی است و در این باره شدیداً انتقاد می نماید.

۲- آقای مهندس دیده‌ور معاون وزارت راه که اخیراً بیکار شده، آقای کاشانی تغییر پست نامبرده را به حساب خود گذارده و گفته است چوب مرا خورده‌ای و وعده داده است بعداً کارها درست خواهد شد.

۳- تیمسار سرتیپ هوایی مصطفوی که از منسوبین آقای کاشانی می باشد با ایشان مراوده دارد و با لباس نظامی و غیر نظامی رفت و آمد نموده و گاهی هم آهسته با هم صحبت می نمایند.

۴- آقای موسوی واعظ در منزل آقای کاشانی گفته است در مسجد مجد از آقای سید ابوالقاسم ابطحی نژاد که کارگردان منزل میرزا سید محمد بهبانی<sup>۱</sup> است، شنیدم که دکتر بقائی در زندان سخته کرده است آقای کاشانی از این خبر متأثر شد و گفتند من دکتر بقائی را از فرزندان [م] بیشتر دوست دارم ممکن [است] دکتر بقائی را در زندان از بین ببرند و شایع کنند که سخته کرده است، به هر یک از دوستان خود سفارش کردند که در این مورد تحقیق نموده و اطلاعاتی به ایشان بدهند. شایعه سخته دکتر بقائی در زندان دروغ محض است.



۱- آیت الله سید محمد بهبهانی: در نهم جمادی الاخر ۱۲۹۱ هـ ق در تهران متولد شد تا دوازده سالگی مشغول تحصیلات مقدماتی شد و از آن به بعد به تحصیل فقه و اصول پرداخته و مدت شش سال در نزد «میرزا ابوالحسن جلوه»

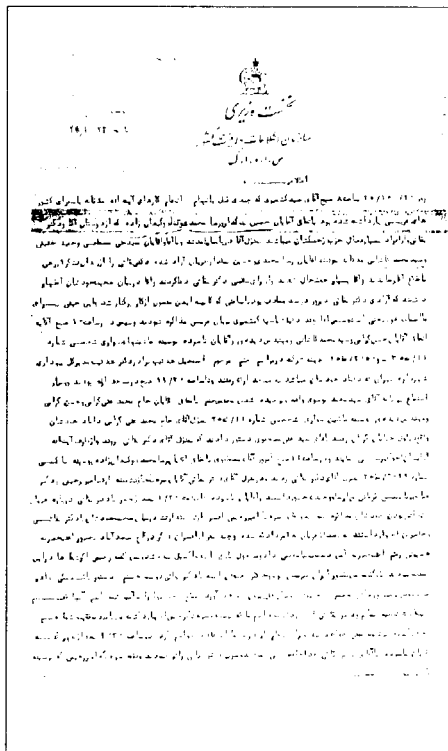


درس فلسفه و معقول خواند. بعد از فراقت از سطح و متون علمی، هفت سال در محضر علامه «آشتیانی» به تحصیل خارج فقه و اصول اشتغال داشت. پس از اینکه به مرتبه اجتهاد نایل گردید، در تهران به تدریس خارج پرداخت. برخی از علمای مرکز، در کارها و حوادث، بدون مشورت با او کاری نمی‌کردند. وی یکی از روحانیان مشهور و از سران مشروطه بود و در کمیسیونی که از طرف مشروطه خواهان تشکیل شد، همراه ۲۷ نفر دیگر برای اداره امور کشور تعیین شد. این کمیسیون محمدعلی شاه را از سلطنت خلع و احمد شاه را به نیابت وی انتخاب کرد. از جمله دیگر کارهای سیاسی ایشان، بسیج عده زیادی از مردم جنوب تهران به نفع شاه و حضور در برابر کاخ شاه و منع وی از مسافرت به خارج در واقعه نهم اسفند ۱۳۳۱ است.

شماره: ۲۵۳ تاریخ: ۱۳۳۵/۱۰/۲۲

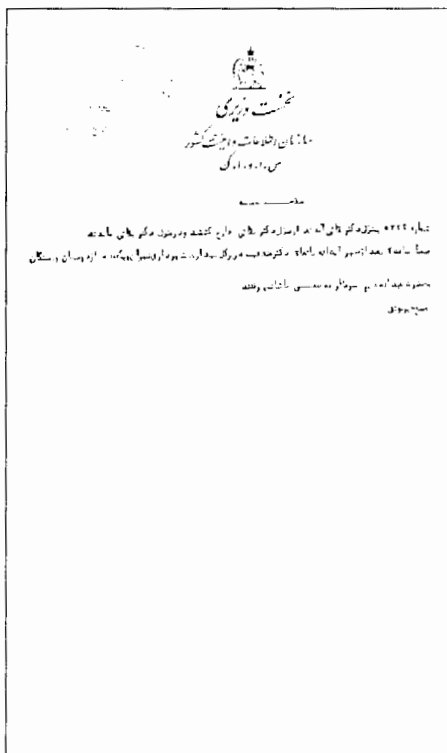
## سازمان اطلاعات و امنیت کشور

روز ۳۵/۱۰/۲۰ ساعت ۸ صبح آقای سید کشمیری که چندی قبل به اتهام انجام کارهای آیت الله و ملاقات با سفرای کشورهای عربی بازداشت شده بود، به اتفاق آقایان حسین بنکدار<sup>۱</sup> و رضا محمدی و قنادر<sup>۲</sup> و کنعان زاده که از دوستان آقا و دکتر بقائی و از افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان می باشد، به منزل آقا در پامنار آمدند و با آقا و آقایان سیدعلی مصطفی و حمید خلیلی و سیدمحمد کاشانی ملاقات نمودند. آقایان رضا محمدی و حسین بنکدار جریان آزاد شدن دکتر بقائی را از زندان لشگر<sup>۳</sup> زرهی به



اطلاع آقا رساندند و آقا بسیار خوشحال شدند و از برای سلامتی دکتر بقائی دعا کردند. آقا در میان صحبت خودشان اظهار داشتند که آزادی دکتر بقائی دیروز درست مصادف بود با ساعتی که کابینه ایدن<sup>۴</sup> ملعون از کار برکنار شد و این خیلی برای ما اسباب خوشبختی است و سپس آقا چند دقیقه با سید کشمیری به زبان عربی مذاکره نمود و سپس در ساعت ۱۰ صبح آقا به اتفاق آقایان حسن گرامی و سیدمحمد کاشانی و مهندس دیده‌ور و آقایان نامبرده بوسیله ماشینهای سواری شخصی شماره ۱۱/ک ۳۵- و ۲۰۵/ط ۳۵ جهت شرکت در مراسم ختم مرحوم اسماعیل عندلیب برادر دکتر عندلیب مدیرکل بهرداری شهرداری تهران که داماد خودشان می باشد، به مسجد «ارک» رفتند و تا ساعت ۱۱/۳۰ صبح در مسجد ارک بودند و پس از استماع بیانات آقای سیدمحمد موسوی واعظ و برچیده شدن مجلس ختم به اتفاق آقایان حاج محمدعلی گرامی و حسن گرامی و مهندس دیده‌ور بوسیله ماشین سواری شخصی شماره ۱۱/ک ۳۵ به منزل آقای حاج محمدعلی گرامی داماد خودشان واقع در اول خیابان گرگان رفتند. به آقای سید علی مصطفوی دستور دادند که به منزل آقای دکتر بقائی بروند و از طرف آیت الله از ایشان احوالپرسی نمایند. در ساعت ۱۲ صبح امروز آقای مصطفوی به اتفاق آقایان

رضا محمدی و کنعانزاده بوسیله تاکسی شماره ۶۰۱۱/ط ۳۵ به منزل آقای دکتر بقائی رفتند و در منزل آقای دکتر بقائی آقایان سرهنگ بازنشسته ارتش امیر رحیمی و دکتر عباس ریاضی کرمانی و پارسا و وحیدی حضور داشتند و آقایان نامبرده تا ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر با دکتر بقائی درباره جریان زندانی بودن خودشان مذاکره نمودند و آقای سرهنگ امیر رحیمی افسر بازنشسته ارتش در میان صحبت خودشان با دکتر بقائی و حاضرین اظهار داشتند که بعد از جریان ۲۸ مرداد که بنده و چند نفر از افسران دیگر در کاخ سعدآباد به حضور اعلیحضرت همایونی رفتم، اعلیحضرت با من دست بسیار محکمی داد و مشغول بازی با بند «واکسیل» بنده شد و به من



گفت رحیمی، اگر شماها در این مملکت نبودید بازگشت من به کشور ایران غیر ممکن بود و حالا مرا به عنوان اینکه با دکتر بقائی دوست هستم، دستور بازنشستگی صادر می‌کنند و من به امید روزهایی هستم که به زودی سر از افق بیرون خواهد آورد و تمام حسابها را با آنهایی که اسم آنها [در] قلبم ثبت است، تصفیه نمایم و دکتر بقائی اظهار داشت که اسم ما که نیست و سرهنگ رحیمی اظهار داشت من به امید موفقیت شما هستم که در آینده نزدیک عملی خواهد شد و برای انتقام، از قدرت شما استفاده خواهم کرد. در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر کلیه آقایان نامبرده با آقای دکتر بقائی خداحافظی نمودند و فقط سرهنگ امیر رحیمی که بوسیله ماشین سواری شخصی شماره ۵۳۳۳ به منزل دکتر بقائی آمدند از منزل دکتر بقائی خارج گشتند و در منزل دکتر بقائی ماندند.

ضمناً ساعت ۷ بعد از ظهر آیت‌الله به اتفاق دکتر عندلیب مدیرکل بهداشتی شهرداری تهران و یک عده از دوستان و بستگان به حضرت عبدالعظیم سر مزار مصطفی کاشانی رفتند.

۱- حسین بنکدار: یکی از یاران بقائی در کمیته مرکزی حزب زحمتکشان بود و دائماً با وی ارتباط داشت. بنکدار برادرزاده محمدتقی بنکدار، تاجر معروف دوره مشروطه و از عوامل معروف تحصن در سفارت انگلیس است. در سال

۱۳۵۰ در تهران به دنیا آمد. در خرداد ماه ۱۳۴۴ از دوره دبیرستان در رشته ادبی فارغ التحصیل شد و دیپلم گرفت. بعد از اخذ دیپلم به استخدام بانک ایرانیان درآمد و در خرداد ماه ۱۳۴۸ مأمور اطلاعات بانک ایرانیان شعبه حافظ گردید. حسین بنکدار یکی از مرتبطان اصلی بقائی بود.

۲- علی اصغر قناد: فرزند کریم، در سال ۱۳۱۱ ه‍.ش در شهر بابل متولد شد. قناد فارغ التحصیل در رشته رنگری از کشور آلمان بود و به تجارت چوب در تهران اشتغال داشت. نامبرده از دوستان نزدیک دکتر مظفر بقائی و عضو کمیته مرکزی حزب زحمتکشان، عضو کمیته تشکیلات تهران، عضو کمیسیون مالی حزب، عضو حوزه‌های (۵ و ۶) سازمان جوانان و عضو و مسوول گویندگی حوزه‌های (۱۹ و ۲۲) اصناف بازار تهران بوده و در تمام جلسات حزبی شرکت فعال و مؤثر داشته و در اظهارات خود نسبت به دولت وقت و سیاست خارجی دولت انتقاد می‌کرده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- آنتونی ایدن، سیاستمدار بریتانیا، از ۱۹۳۱ م به بعد، مکرر وزیر امور خارجه و در سالهای ۱۹۵۵-۱۹۵۷ نخست‌وزیر انگلستان بود.

تاریخ: ۱۳۳۶/۲/۴

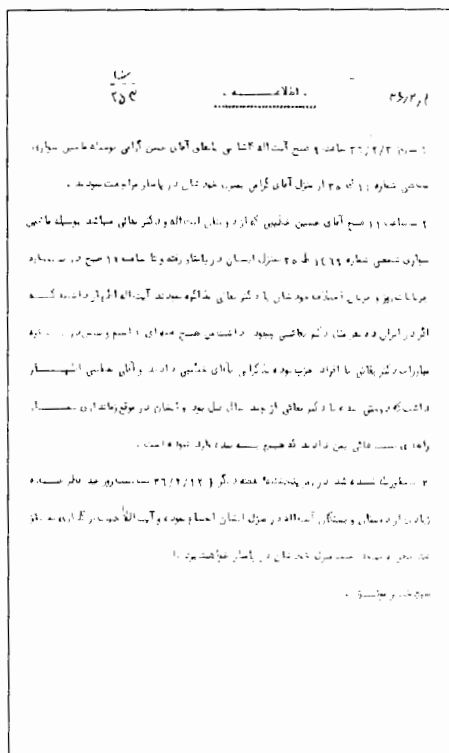
## اطلاعیه

۱- روز ۳۶/۲/۳ ساعت ۹ صبح آیت‌الله کاشانی به اتفاق آقای حسن گرامی بوسیله ماشین سواری شخصی شماره ۱۱ ک ۳۵ از منزل آقای گرامی به منزل خودشان در پامنار مراجعت نمودند.

۲- ساعت ۱۱ صبح آقای حسین خطیبی که از دوستان آیت‌الله و دکتر بقائی می‌باشد بوسیله ماشین سواری شخصی شماره ۱۴۶۹ ط ۳۵ به منزل ایشان در پامنار رفته و تا ساعت ۱۲ صبح درباره جریانات روز و جریان اختلاف خودشان با دکتر بقائی مذاکره نمودند، آیت‌الله اظهار داشتند که اگر در ایران

ده نفر مثل دکتر بقائی وجود داشت، من هیچ غصه‌ای نداشتم. سپس درباره مبارزات دکتر بقائی با افراد حزب توده تذکراتی به آقای خطیبی دادند و آقای خطیبی اظهار داشت که دوستی بنده با دکتر بقائی از چند سال قبل بود و ایشان در موقع زمامداری تیمسار زاهدی نسبت‌هایی به من دادند که هیچ به بنده وارد نبوده است.

۳- به طوری که شنیده شد در روز پنجشنبه هفته دیگر (۳۶/۲/۱۲) به مناسبت روز عید فطر، عده زیادی از دوستان و بستگان آیت‌الله در منزل ایشان اجتماع نموده و آیت‌الله را جهت برگزاری نماز عید فطر به مسجد جنب منزل خودشان در پامنار خواهند برد.



مأمور ویژه در ساعت ۱۷/۳۰ روز  
۳۶/۲/۲۶ در جشن هفتمین سال تاسیس  
حزب زحمتکشان ملت ایران واقع در میدان  
بهارستان خیابان اکباتان شرکت و مشاهدات  
و مسموعات خود را به شرح زیر گزارش  
می‌دهد:

بیش از یک هزار نفر از کلیه طبقات مختلف شهر در اطاقها و حیاط و حتی روی پشت بامها گرد آمده بودند، غلامحسین ریاضی به اتفاق محمد یعقوبزاده و بیست و سه نفر دیگر از ساکنین دروازه غار به نمایندگی، از طرف برادرش شیخ اسدالله

ریاضی‌واعظ در جشن شرکت کرده بودند و همچنین یکی از محارم آیت‌الله کاشانی معروف به رضا دوغی<sup>۱</sup> با سرتراشیده و ریش انبوه در معیت عده‌ای از دوستانش که آنها نیز از محارم آیت‌الله کاشانی بوده‌اند در میان جمعیت دیده می‌شده‌اند و این عده چندین بار قصد تظاهر به نفع دکتر بقائ<sup>۲</sup> داشته‌اند که با دخالت چند نفر ناشناس جلوگیری شد.

انتظامات خارج حزب با پلیس شهربانی و داخل آن با افراد حزبی که علامات آنها بوسیله بازوبندهای سفید و قرمز که مهر انتظامات حزب زحمتکشان ملت ایران خورده بود مشخص می‌گردید و شخصی به نام محمدی در پشت میکرفون قرار گرفته و حضار را دائماً به آرامش دعوت می‌نمود. از مدعوین با شیرینی و گز و چائی و شربت پذیرائی می‌شد. یک عدد از گزها که روی آن مهر تبریک هفتمین سال تأسیس حزب زحمتکشان مردم ایران خورده به پیوست تقدیم است.

در موقع ورود دکتر بقائی و علی زهری به محوطه حزب، حضار به شدت ابراز احساسات نموده و هورا کشیده‌اند در این موقع شخصی که هویت او برای مأمور معلوم نشده ابتدا در پیرامون افتتاح حزب، اختصاراً صحبت نمود و سپس علی زهری و بعداً واعظی به نمایندگی

[illegible]

اصفهانیه‌ها سخنرانی نمود. علی زهری ضمن صحبت‌های خود گفته است صرف نظر از اینکه تشکیل کنگره و ازدیاد مدت نمایندگی وکلا و افزایش تعداد آنها خوب بود یا بد ولی به عقیده من امری ضروری بود ولی هرگاه اعلیحضرت، شاه، این بنده حقیر را احضار می‌فرمودند و درباره حق و تو سئوالی می‌شد به شرف عرض‌شان می‌رسانیدم که حق و تو برای چنان شخصیتی عظیم‌الشان امری ضروری و درخور مقام مبارکشان نیست.

سپس محسن ملک مطیعی دکلاماسیونی<sup>۱</sup> تحت عنوان صلح، خوانده و بعد شخصی به نام آتش، دکلاماسیونی دیگر که تحت عنوان وطن که از آثار شاعر معروف «عشقی»، بود خوانده و مطالب آن که در زمینه فداکاری و میهن‌پرستی و هیجان‌انگیز بود، مورد استقبال شدید حضار قرار گرفته است در پایان، دکتر بقائی سخنرانی مفصلی نمود که بعضی از آن مطالب به شرح زیر بوده است: بعد از تبعید، فرصتی به دستم افتاد که از بندرعباس و کرمان دیدن کنم افسرانی را به شناسم که بوئی از انسانیت نبرده‌اند... من مگر خیانت کرده بودم یا قصد انقلاب داشتم یا از داخل صندوقهای رأی، نمایندگان قلابی خارج کرده بودم... وقتی مرا بازداشت کردند عده‌ای از افسران ارتش و کارمند کشوری به یکدیگر تلگرافاً تبریک گفتند. من افتخار می‌کنم زیرا پس از دستگیری داده شاه یاغی هرگز به یکدیگر تبریک نخواهند گفت... طی سالهای اخیر غیر از یک راهرو زیر زمینی در میدان سپه کاری انجام نشده... ساعت ۹/۳۰ بعد از ظهر جشن خاتمه یافته و مدعوین و اعضای حزب، آنجا را ترک گفته‌اند.

۱- رضا فعال: معروف به رضا دوغی، فرزند اسماعیل، در سال ۱۳۰۲ ه‍.ش در کاشان متولد شد. دارای سواد خواندن و نوشتن بود و شغل اصلی وی دوغ فروشی و آب میوه‌گیری در دهه‌ای در چهارراه مولوی تهران بود. رضا فعال قبلاً عضو جمعیت فدائیان اسلام و از طرفداران آیت‌الله کاشانی و مدتی محافظ آیت‌الله بوده و در بیت ایشان رفت و آمد داشته است. همچنین در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ شرکت و بعد از آن، مدتی در عراق و در شهرهای مختلف ایران متواری و به دست فروشی امرار معاش نموده و تحت تعقیب ساواک بوده است. یاد شده از دوستان و طرفداران جدی دکتر مظفر بقائی و عضو فعال حزب زحمتکشان بوده است. وی در سال ۴۶ به اتهام شرکت در تظاهرات پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ دستگیر و به هجده ماه حبس محکوم شد.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۲- دکلاماسیون: مأخوذ از فرانسوی، روش اجرا کردن دکلامه، از حفظ خواندن قطعه‌ای با آواز بلند و با آهنگ و اطواری متناسب با کلام.

رک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه مورد نظر

شماره: ۴۸۰/ج

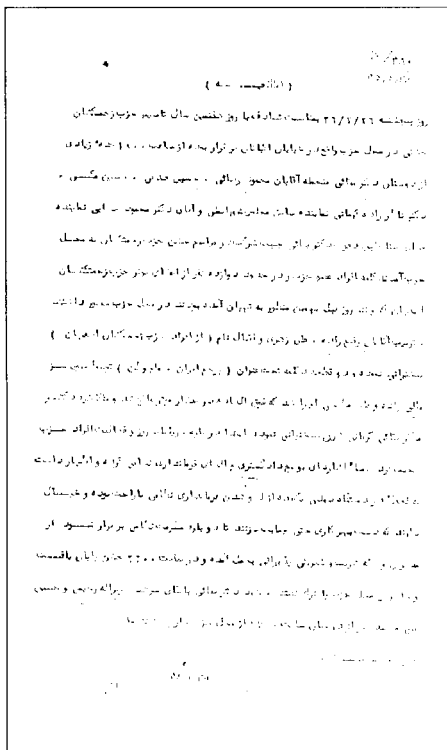
تاریخ: ۱۳۳۶/۲/۲۸

## اطلاعیه

روز پنجشنبه ۳۶/۲/۲۶ به مناسبت  
تصادف با روز هفتمین سال تاسیس حزب  
زحمتکشان جشنی در محل حزب واقع در  
خیابان اکباتان برگزار بوده از ساعت ۱۸ عده  
زیادی از دوستان دکتر بقائی منجمله آقایان  
محمود رضائی، حسین صدقی، حسین مکی،  
دکتر ناظرزاده کرمانی نماینده سابق مجلس  
شورای ملی و آقای دکتر محمود حسابی  
نماینده مجلس سنا طبق دعوت دکتر بقائی  
جهت شرکت در مراسم جشن حزب  
زحمتکشان به محل حزب آمدند کلیه افراد  
عضو حزب و در حدود دوازده نفر از اعضای

موثر حزب زحمتکشان اصفهان که چند روز قبل به همین منظور به تهران آمده بودند، در محل  
حزب حضور داشتند به ترتیب آقایان رفیع زاده، علی زهری و اقبال نام، از افراد حزب  
زحمتکشان اصفهان سخنرانی نموده و دو قطعه دکلمه تحت عنوان «پرچم ایران، مام وطن»  
توسط پرویز والی زاده و ملک مطیعی اجرا شد که فوق العاده در حضار موثر واقع شد و بالاخره  
دکتر مظفر بقائی کرمانی شروع به سخنرانی نموده، ابتدا درباره جریانات روز و فعالیت افراد  
حزب صحبت کرد ضمناً اشاره‌ای به وضع دادگستری و الغای فرمانداری نظامی کرده و اظهار  
داشت که فعلاً در دستگاه دولتی یک عده، از لغو شدن فرمانداری نظامی ناراحت بوده و خیال  
دارند که دست به هر کاری حتی جنایت بزنند تا دوباره حکومت نظامی برقرار شود. از مدعوین  
وسیله شربت و شیرینی پذیرائی به عمل آمده و در ساعت ۲۲ جشن پایان یافت و حاضرین  
محل حزب را ترک گفتند.

خود دکتر بقائی به اتفاق سرهنگ عزیزالله رحیمی و حسین مکی و چند نفر از دوستان  
ساعت ۲۳/۳۰ از محل حزب خارج شدند.

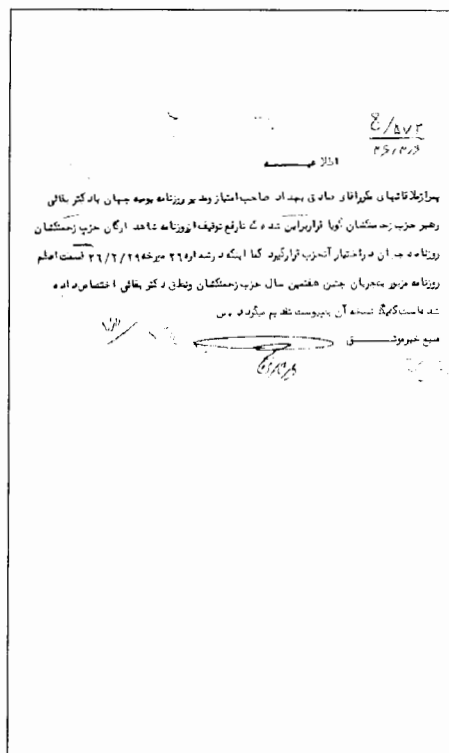




شماره: ۸۷۳/ج تاریخ ۱۳۳۶/۳/۶

## اطلاعیه

پس از ملاقاتهای مکرر آقای صادق بهداد صاحب امتیاز و مدیر روزنامه یومیه «جهان» با دکتر بقائی رهبر حزب زحمتکشان، گویا قرار بر این شده که تا رفع توقیف از روزنامه شاهد، ارگان حزب زحمتکشان، روزنامه جهان در اختیار آن حزب قرار گیرد کما اینکه در شماره ۲۶ مورخه ۳۶/۲/۲۹ قسمت اعظم روزنامه مزبور به جریان جشن هفتمین سال حزب زحمتکشان و نطق دکتر بقائی اختصاص داده شد. باستادگانه نسخه آن پیوسته تقدیم میگردد و س. صبح خبریود



شماره: ۵۷۱/ج تاریخ: ۱۳۳۶/۳/۶

## اطلاعیه

چندی قبل، اشخاص مشروحه زیر:

۱- آقای صادق بهداد<sup>۱</sup> صاحب امتیاز و

مدیر روزنامه جهان.

۲- شیخ عباسعلی اسلامی واعظ.

۳- فیروزیان واعظ.

در منزل دکتر مظفر بقائی کرمانی حضور

یافته و با ایشان ملاقات کردند. از صحبت‌های

صادق بهداد چنین استنباط می‌شد که اخیراً

از هندوستان برگشته و عازم مازندران بودند.

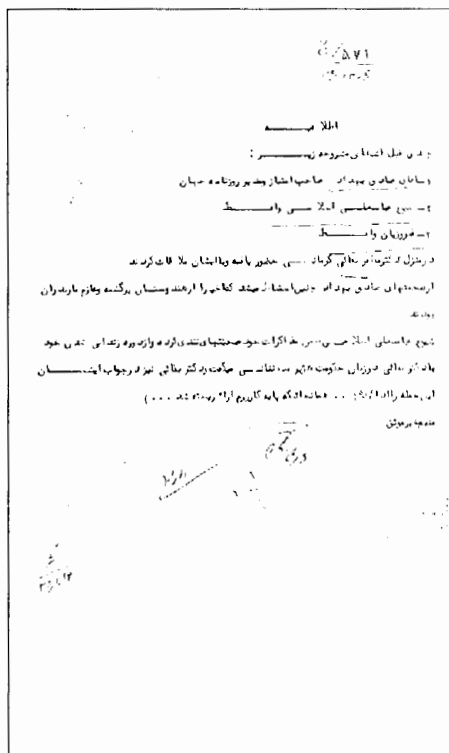
شیخ عباسعلی اسلامی ضمن مذاکرات خود

صحبت‌های تندی کرده و از دوره زندانی شدن

خود با دکتر بقائی در زمان حکومت هژیر

سخنانی می‌گفت و دکتر بقائی نیز در جواب ایشان این جمله را ادا کرده: «...همانجائی که پایه کار

رزم‌آرا ریخته شد...»



۱- محمدصادق بهداد: فرزند باقر، در سال ۱۲۹۵ ه‍.ش در مشهد متولد شد. دارای لیسانس حقوق بود. از جمله

مشاغل او عبارت است از: وکیل دادگستری، مدیر روزنامه جهان و رابط بین دولت و مطبوعات در زمان دولت شریف

تاریخ: ۱۳۳۶/۳/۲۵

## اطلاعیه

۱- روز ۳۶/۳/۲۱ ساعت ۹ صبح آقایان رضا محمدی و فریدون کنعان زاده و مرتضی کاشانی و حنفی که از افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان می باشند، به منزل آیت الله کاشانی در پامنار رفته و تا ساعت ۱۰/۳۰ صبح آقایان نامبرده درباره مسافرت آیت الله به شمال و طرز فعالیت افراد حزب زحمتکشان و جریان توقیف روزنامه شاهد مذاکره نمودند و آیت الله اظهار داشتند که درباره پیشرفت هدف حزب زحمتکشان و آگهی های تبلیغاتی به نفع حزب زحمتکشان به صادق بهداد مدیر روزنامه جهان دستوراتی داده ام و اگر مطلبی

جهت پیشرفت کار خودتان داشتید به آقای صادق بهداد مراجعه کنید، آقای رضا محمدی اظهار داشت که از کمکهای آقای بهداد تشکر می کنیم، آقای علی زهری چند مقاله تهیه کرده است که در روزنامه جهان منتشر خواهد شد و آقای دکتر بقائی هم همه هفته، اطلاعاتی به آقای بهداد می دهد که مرتباً در روزنامه جهان منتشر می شود. آیت الله درباره فعالیت مردم درباره حفظ دین اسلام و بدست آوردن یک آزادی واقعی برای حاضرین صحبت نمودند و در میان صحبت خودشان راجع به فداکاری حضرت امام حسین (ع) درباره مبارزه با زور و قلدری طوری بحث نمودند که کلیه حاضرین را به گریه انداختند. در ساعت ۱۰/۳۰ صبح، آقایان محمدی و کنعان زاده و مرتضی کاشانی و حنفی با کسب اجازه منزل را ترک نمودند.

۲- ساعت ۱۲ آیت الله به اتفاق شیخ رضا فعال از منزل خودشان خارج شدند و بوسیله تاکسی شماره ۱۰۸۰۱ ط ۲۵ به منزل آقای حاج محمدعلی گرامی داماد خودشان واقع در اول خیابان گرگان رفتند و تا ساعت ۷ بعد از ظهر در منزل آقای گرامی بودند.

۲۱/۳/۳۶

۱- روز ۳۶/۳/۲۱ ساعت ۹ صبح آقایان رضا محمدی و فریدون کنعان زاده و مرتضی کاشانی و حنفی که از افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان می باشند، به منزل آیت الله کاشانی در پامنار رفته و تا ساعت ۱۰/۳۰ صبح آقایان نامبرده درباره مسافرت آیت الله به شمال و طرز فعالیت افراد حزب زحمتکشان و جریان توقیف روزنامه شاهد مذاکره نمودند و آیت الله اظهار داشتند که درباره پیشرفت هدف حزب زحمتکشان و آگهی های تبلیغاتی به نفع حزب زحمتکشان به صادق بهداد مدیر روزنامه جهان دستوراتی داده ام و اگر مطلبی جهت پیشرفت کار خودتان داشتید به آقای صادق بهداد مراجعه کنید، آقای رضا محمدی اظهار داشت که از کمکهای آقای بهداد تشکر می کنیم، آقای علی زهری چند مقاله تهیه کرده است که در روزنامه جهان منتشر خواهد شد و آقای دکتر بقائی هم همه هفته، اطلاعاتی به آقای بهداد می دهد که مرتباً در روزنامه جهان منتشر می شود. آیت الله درباره فعالیت مردم درباره حفظ دین اسلام و بدست آوردن یک آزادی واقعی برای حاضرین صحبت نمودند و در میان صحبت خودشان راجع به فداکاری حضرت امام حسین (ع) درباره مبارزه با زور و قلدری طوری بحث نمودند که کلیه حاضرین را به گریه انداختند. در ساعت ۱۰/۳۰ صبح، آقایان محمدی و کنعان زاده و مرتضی کاشانی و حنفی با کسب اجازه منزل را ترک نمودند.

۲- ساعت ۱۲ آیت الله به اتفاق شیخ رضا فعال از منزل خودشان خارج شدند و بوسیله تاکسی شماره ۱۰۸۰۱ ط ۲۵ به منزل آقای حاج محمدعلی گرامی داماد خودشان واقع در اول خیابان گرگان رفتند و تا ساعت ۷ بعد از ظهر در منزل آقای گرامی بودند.

مظفر بقائی



منزل خودشان در پامنار شدند و ضمناً به طوری که دیروز شنیده شد آیت الله، تصمیم گرفته‌اند که جهت استراحت، برای مدت چند روز به حصارک کرج، باغ آقای گلبرگی از بستگان خودشان بروند.

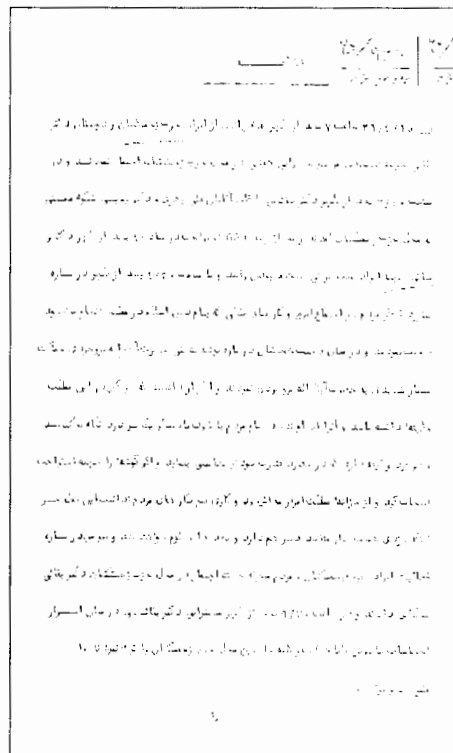
---

۱- دکتر یحیی شکوه محسنی: فرزند محمود، در سال ۱۲۹۲ ه‍.ش در شهر اراک متولد شد. لیسانس علوم اقتصادی و مالی را از دانشگاه آزاد «بروکسل» دریافت کرد. از جمله مشاغل وی عبارت بوده از: کارمند اداره اطلاعات و مطبوعات، کارمند اداره اقتصادیات وابسته به سفارت شاهنشاهی در برلن، کارمند اداره امور اقتصادی، دبیر اول سفارت شاهنشاهی در رُم، معاون اداره روابط فرهنگی، رایزن درجه یک سفارت شاهنشاهی در پاریس و معاون اداره دوم سیاسی.

شماره: ۹۳۷/ج تاریخ: ۱۳۳۶/۴/۱۸

## اطلاعیه

روز ۳۶/۴/۱۵ ساعت ۷ بعدازظهر عده زیادی از افراد حزب زحمتکشان و دوستان دکتر بقائی جهت شرکت در مراسم سخنرانی هفتگی در محل حزب زحمتکشان اجتماع نمودند. در ساعت ۷/۴۰ بعدازظهر دکتر بقائی به اتفاق آقایان علی زهری و دکتریحیی شکوه محسنی به محل حزب زحمتکشان آمدند و پس از چند دقیقه استراحت، در ساعت ۸ بعدازظهر دکتر بقائی جهت ایراد سخنرانی پشت میکروفن رفتند و تا ساعت ۹/۳۰ بعدازظهر درباره مبارزه با فکر مردم در اجتماع امروز و کارهای غلطی که به نام دین



اسلام در مملکت انجام می شود، صحبت نمودند، در میان صحبت خودشان درباره گوشه نشینی حضرت آیت الله بروجردی حملات بسیار شدیدی به حضرت آیت الله بروجردی نمودند و اظهار داشتند که هر کس در این مملکت وظیفه داشته باشد و آن را انجام ندهد تمام مردم با شرف به او به نظر یک نفر دزد نگاه می کنند و هر فرد وظیفه دارد که در حدود قدرت خودش فعالیتی بنماید و اگر گوشه ای را جهت استراحت انتخاب کرد و از خزانه مملکت، امرار معاش کرد و کاری هم به کارهای مردم نداشت این عمل جز اینکه دزدی هست هزار مفاسد دیگر هم دارد و بعدها معلوم خواهد شد.<sup>۱</sup> سپس درباره فعالیت افراد حزب زحمتکشان و مردم متفرقه جهت اجتماع در محل حزب زحمتکشان، دکتر بقائی تذکراتی دادند. در ساعت ۹/۳۰ بعدازظهر سخنرانی دکتر بقائی در میان ابراز احساسات حاضرین پایان یافت و کلیه حاضرین محل حزب زحمتکشان را ترک نمودند.

۱- حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی معروف به بروجردی، در سال ۱۲۹۲ هجری متولد شد. ایشان بعد از آیت الله حائری یزدی زعیم حوزه علمیه و بزرگترین مرجع تقلید شیعیان بعد از شهر یور ۱۳۲۰ هجری و ایام سلطنت محمد رضا شاه بود. او پس از فراگیری مقدمات در بروجرد، سالها از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره برد و در فلسفه شاگرد مرحوم میرزا جهانگیر خان قشقانی بود. در سال ۱۳۲۳ با تلاشهای پیگیر حضرت امام

خمینی (ره) و سایر علما به قم مهاجرت کرد. محمدرضا در بدو سلطنت سعی داشت به آیت‌الله بروجردی نزدیک گردد و از وجود پرنفوذ وی بهره‌برداری نماید اما از جانب ایشان مطرود و مورد اعتراض واقع گردید. تا آیت‌الله بروجردی زنده بود محمدرضا، موفق به اجرای بعضی نقشه‌ها از قبیل اصلاحات ارضی و... نشد.



تاریخ: ۱۳۳۶/۵/۶

اطلاعه

۱- روز ۳۶/۵/۵ ساعت ۷/۳۰ بعدازظهر  
جلسه سخنرانی هفتگی حزب زحمتکشان با  
حضور دکتر بقائی و عده زیادی از افراد حزب  
زحمتکشان و دوستان دکتر بقائی در محل  
حزب زحمتکشان تشکیل گردید. دکتر بقائی  
تا ساعت ۹/۴۰ بعدازظهر درباره رفتار و رویه  
علما و روحانیون با مردم و وظیفه [ای] که  
طبقه علما در میان مردم دارند صحبت  
نمودند و در پایان صحبت خودشان به افراد  
حزب زحمتکشان و دوستان خودشان توصیه  
نمودند که برای پیشرفت مقاصد حزبی،  
فعالیت بیشتری بنمایند. در ساعت ۹/۴۰

بعد از ظهر سخنرانی دکتر بقائی در میان ابراز احساسات حاضرین، پایان یافت و به ترتیب، آقایان حاضرین، محل حزب زحمتکشان را ترک نمودند و ضمناً طبق دستور دکتر بقائی از روز ۳۶/۵/۶ افراد حزب زحمتکشان جهت شرکت در مجلس سوگواری در منزل آیت الله کاشانی اجتماع خواهند نمود.

۲- امشب از ساعت ۶ الی ۷ بعد از ظهر جلسه حوزه شماره ۱۰ اصناف بازار که تازه تشکیل شده است و تحت نظر آقایان حاج قاسم حاج ملابایا و رحیمی نژاد و احمد ترابی و حسن آینه چی اداره می شود جهت بحث و انتقاد در اطراف جریانات روز و اخذ تصمیم درباره فعالیت حزبی، در محوطه بازار جهت ثبت نام افراد متفرقه در حوزه خودشان در محل حزب زحمتکشان تشکیل خواهد شد.



١٠٠٠

قسط: ۱۰۰

[illegible]

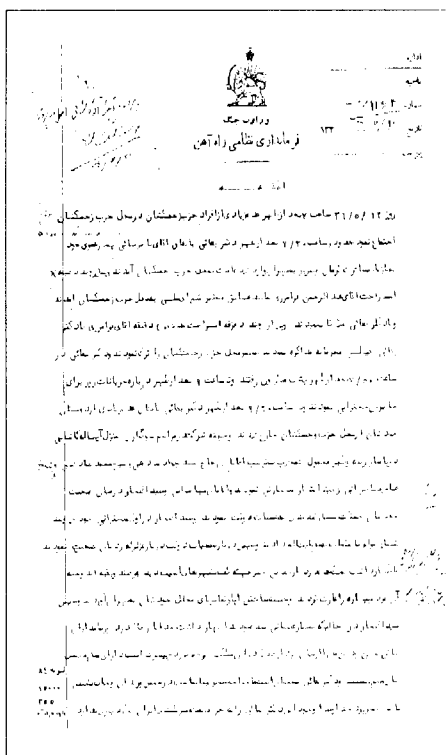


شماره: ۱۱۶۴ / ب تاریخ: ۱۳۳۶/۵/۲۰

## وزارت جنگ

## فرمانداری نظامی راه آهن

روز ۳۶/۵/۱۲ ساعت ۷ بعد از ظهر عده زیادی از افراد حزب زحمتکشان در محل حزب، اجتماع نمودند، در ساعت ۷/۳۰ بعد از ظهر به اتفاق آقای ناصر بقائی پسر عموی خود که تازه از مسافرت کرمان و تبریز به تهران وارد شده است، به محل حزب زحمتکشان آمدند و پس از چند دقیقه استراحت آقای عبدالرحمن فرامرزی<sup>۱</sup> نماینده سابق مجلس شورای ملی به محل حزب زحمتکشان آمدند و با دکتر بقائی ملاقات نمودند. پس از چند دقیقه استراحت،



مدت ۴۰ دقیقه آقای فرامرزی با دکتر بقائی خیلی محرمانه مذاکره نمودند و سپس محل حزب زحمتکشان را ترک نمودند. دکتر بقائی در ساعت ۷/۵۰ بعد از ظهر پشت میکروفون رفتند و تا ساعت ۹ بعد از ظهر درباره جریانات روز برای حاضرین سخنرانی نمودند. در ساعت ۹/۲۰ بعد از ظهر دکتر بقائی به اتفاق عده زیادی از دوستان خودشان از محل حزب زحمتکشان خارج شدند و جهت شرکت در مراسم سوگواری به منزل آیت الله کاشانی در پامنار رفته و طبق معمول همه شب، به ترتیب آقایان سید جواد سدهی و شیخ محمد صادقی و شیخ عباس مهاجرانی<sup>۲</sup> و سید افتخار، سخنرانی نمودند و آقایان مهاجرانی و سید افتخار در میان صحبت خودشان حملات بسیار شدیدی به عملیات دولت نمودند و سید افتخار در اول سخنرانی خودش چند شعار توأم با صلوات به نفع آیت الله دادند و سپس درباره عملیات دولت درباره زلزله زدگان صحبت نمودند و اظهار داشت که یک عده دزد از خدایی خبر جهت کمک به شهرهای آسیب دیده رفتند و بقیه اندوخته آن مردم بیچاره را غارت کردند و جهت ساختن آپارتمانهای مجلل خودشان به تهران آوردند و سپس سید افتخار در حالی که بسیار عصبانی شده بودند اظهار داشت خدایا رجال دزد و زمامداران خائن به وطن و دین ما را از میان بردار فعلاً در این مملکت هر چه دزد و بی شرف

۱۳۰  
۱۳۱  
۱۳۲  
۱۳۳  
۱۳۴  
۱۳۵  
۱۳۶  
۱۳۷  
۱۳۸  
۱۳۹  
۱۴۰  
۱۴۱  
۱۴۲  
۱۴۳  
۱۴۴  
۱۴۵  
۱۴۶  
۱۴۷  
۱۴۸  
۱۴۹  
۱۵۰  
۱۵۱  
۱۵۲  
۱۵۳  
۱۵۴  
۱۵۵  
۱۵۶  
۱۵۷  
۱۵۸  
۱۵۹  
۱۶۰  
۱۶۱  
۱۶۲  
۱۶۳  
۱۶۴  
۱۶۵  
۱۶۶  
۱۶۷  
۱۶۸  
۱۶۹  
۱۷۰  
۱۷۱  
۱۷۲  
۱۷۳  
۱۷۴  
۱۷۵  
۱۷۶  
۱۷۷  
۱۷۸  
۱۷۹  
۱۸۰  
۱۸۱  
۱۸۲  
۱۸۳  
۱۸۴  
۱۸۵  
۱۸۶  
۱۸۷  
۱۸۸  
۱۸۹  
۱۹۰  
۱۹۱  
۱۹۲  
۱۹۳  
۱۹۴  
۱۹۵  
۱۹۶  
۱۹۷  
۱۹۸  
۱۹۹  
۲۰۰  
۲۰۱  
۲۰۲  
۲۰۳  
۲۰۴  
۲۰۵  
۲۰۶  
۲۰۷  
۲۰۸  
۲۰۹  
۲۱۰  
۲۱۱  
۲۱۲  
۲۱۳  
۲۱۴  
۲۱۵  
۲۱۶  
۲۱۷  
۲۱۸  
۲۱۹  
۲۲۰  
۲۲۱  
۲۲۲  
۲۲۳  
۲۲۴  
۲۲۵  
۲۲۶  
۲۲۷  
۲۲۸  
۲۲۹  
۲۳۰  
۲۳۱  
۲۳۲  
۲۳۳  
۲۳۴  
۲۳۵  
۲۳۶  
۲۳۷  
۲۳۸  
۲۳۹  
۲۴۰  
۲۴۱  
۲۴۲  
۲۴۳  
۲۴۴  
۲۴۵  
۲۴۶  
۲۴۷  
۲۴۸  
۲۴۹  
۲۵۰  
۲۵۱  
۲۵۲  
۲۵۳  
۲۵۴  
۲۵۵  
۲۵۶  
۲۵۷  
۲۵۸  
۲۵۹  
۲۶۰  
۲۶۱  
۲۶۲  
۲۶۳  
۲۶۴  
۲۶۵  
۲۶۶  
۲۶۷  
۲۶۸  
۲۶۹  
۲۷۰  
۲۷۱  
۲۷۲  
۲۷۳  
۲۷۴  
۲۷۵  
۲۷۶  
۲۷۷  
۲۷۸  
۲۷۹  
۲۸۰  
۲۸۱  
۲۸۲  
۲۸۳  
۲۸۴  
۲۸۵  
۲۸۶  
۲۸۷  
۲۸۸  
۲۸۹  
۲۹۰  
۲۹۱  
۲۹۲  
۲۹۳  
۲۹۴  
۲۹۵  
۲۹۶  
۲۹۷  
۲۹۸  
۲۹۹  
۳۰۰  
۳۰۱  
۳۰۲  
۳۰۳  
۳۰۴  
۳۰۵  
۳۰۶  
۳۰۷  
۳۰۸  
۳۰۹  
۳۱۰  
۳۱۱  
۳۱۲  
۳۱۳  
۳۱۴  
۳۱۵  
۳۱۶  
۳۱۷  
۳۱۸  
۳۱۹  
۳۲۰  
۳۲۱  
۳۲۲  
۳۲۳  
۳۲۴  
۳۲۵  
۳۲۶  
۳۲۷  
۳۲۸  
۳۲۹  
۳۳۰  
۳۳۱  
۳۳۲  
۳۳۳  
۳۳۴  
۳۳۵  
۳۳۶  
۳۳۷  
۳۳۸  
۳۳۹  
۳۴۰  
۳۴۱  
۳۴۲  
۳۴۳  
۳۴۴  
۳۴۵  
۳۴۶  
۳۴۷  
۳۴۸  
۳۴۹  
۳۵۰  
۳۵۱  
۳۵۲  
۳۵۳  
۳۵۴  
۳۵۵  
۳۵۶  
۳۵۷  
۳۵۸  
۳۵۹  
۳۶۰  
۳۶۱  
۳۶۲  
۳۶۳  
۳۶۴  
۳۶۵  
۳۶۶  
۳۶۷  
۳۶۸  
۳۶۹  
۳۷۰  
۳۷۱  
۳۷۲  
۳۷۳  
۳۷۴  
۳۷۵  
۳۷۶  
۳۷۷  
۳۷۸  
۳۷۹  
۳۸۰  
۳۸۱  
۳۸۲  
۳۸۳  
۳۸۴  
۳۸۵  
۳۸۶  
۳۸۷  
۳۸۸  
۳۸۹  
۳۹۰  
۳۹۱  
۳۹۲  
۳۹۳  
۳۹۴  
۳۹۵  
۳۹۶  
۳۹۷  
۳۹۸  
۳۹۹  
۴۰۰  
۴۰۱  
۴۰۲  
۴۰۳  
۴۰۴  
۴۰۵  
۴۰۶  
۴۰۷  
۴۰۸  
۴۰۹  
۴۱۰  
۴۱۱  
۴۱۲  
۴۱۳  
۴۱۴  
۴۱۵  
۴۱۶  
۴۱۷  
۴۱۸  
۴۱۹  
۴۲۰  
۴۲۱  
۴۲۲  
۴۲۳  
۴۲۴  
۴۲۵  
۴۲۶  
۴۲۷  
۴۲۸  
۴۲۹  
۴۳۰  
۴۳۱  
۴۳۲  
۴۳۳  
۴۳۴  
۴۳۵  
۴۳۶  
۴۳۷  
۴۳۸  
۴۳۹  
۴۴۰  
۴۴۱  
۴۴۲  
۴۴۳  
۴۴۴  
۴۴۵  
۴۴۶  
۴۴۷  
۴۴۸  
۴۴۹  
۴۵۰  
۴۵۱  
۴۵۲  
۴۵۳  
۴۵۴  
۴۵۵  
۴۵۶  
۴۵۷  
۴۵۸  
۴۵۹  
۴۶۰  
۴۶۱  
۴۶۲  
۴۶۳  
۴۶۴  
۴۶۵  
۴۶۶  
۴۶۷  
۴۶۸  
۴۶۹  
۴۷۰  
۴۷۱  
۴۷۲  
۴۷۳  
۴۷۴  
۴۷۵  
۴۷۶  
۴۷۷  
۴۷۸  
۴۷۹  
۴۸۰  
۴۸۱  
۴۸۲  
۴۸۳  
۴۸۴  
۴۸۵  
۴۸۶  
۴۸۷  
۴۸۸  
۴۸۹  
۴۹۰  
۴۹۱  
۴۹۲  
۴۹۳  
۴۹۴  
۴۹۵  
۴۹۶  
۴۹۷  
۴۹۸  
۴۹۹  
۵۰۰  
۵۰۱  
۵۰۲  
۵۰۳  
۵۰۴  
۵۰۵  
۵۰۶  
۵۰۷  
۵۰۸  
۵۰۹  
۵۱۰  
۵۱۱  
۵۱۲  
۵۱۳  
۵۱۴  
۵۱۵  
۵۱۶  
۵۱۷  
۵۱۸  
۵۱۹  
۵۲۰  
۵۲۱  
۵۲۲  
۵۲۳  
۵۲۴  
۵۲۵  
۵۲۶  
۵۲۷  
۵۲۸  
۵۲۹  
۵۳۰  
۵۳۱  
۵۳۲  
۵۳۳  
۵۳۴  
۵۳۵  
۵۳۶  
۵۳۷  
۵۳۸  
۵۳۹  
۵۴۰  
۵۴۱  
۵۴۲  
۵۴۳  
۵۴۴  
۵۴۵  
۵۴۶  
۵۴۷  
۵۴۸  
۵۴۹  
۵۵۰  
۵۵۱  
۵۵۲  
۵۵۳  
۵۵۴  
۵۵۵  
۵۵۶  
۵۵۷  
۵۵۸  
۵۵۹  
۵۶۰  
۵۶۱  
۵۶۲  
۵۶۳  
۵۶۴  
۵۶۵  
۵۶۶  
۵۶۷  
۵۶۸  
۵۶۹  
۵۷۰  
۵۷۱  
۵۷۲  
۵۷۳  
۵۷۴  
۵۷۵  
۵۷۶  
۵۷۷  
۵۷۸  
۵۷۹  
۵۸۰  
۵۸۱  
۵۸۲  
۵۸۳  
۵۸۴  
۵۸۵  
۵۸۶  
۵۸۷  
۵۸۸  
۵۸۹  
۵۹۰  
۵۹۱  
۵۹۲  
۵۹۳  
۵۹۴  
۵۹۵  
۵۹۶  
۵۹۷  
۵۹۸  
۵۹۹  
۶۰۰  
۶۰۱  
۶۰۲  
۶۰۳  
۶۰۴  
۶۰۵  
۶۰۶  
۶۰۷  
۶۰۸  
۶۰۹  
۶۱۰  
۶۱۱  
۶۱۲  
۶۱۳  
۶۱۴  
۶۱۵  
۶۱۶  
۶۱۷  
۶۱۸  
۶۱۹  
۶۲۰  
۶۲۱  
۶۲۲  
۶۲۳  
۶۲۴  
۶۲۵  
۶۲۶  
۶۲۷  
۶۲۸  
۶۲۹  
۶۳۰  
۶۳۱  
۶۳۲  
۶۳۳  
۶۳۴  
۶۳۵  
۶۳۶  
۶۳۷  
۶۳۸  
۶۳۹  
۶۴۰  
۶۴۱

پیرونده آیت الله کاشانی اصل در حزب زحمتکشان ۳۶/۷/۳

۱- عبدالرحمان فرامرزی: فرزند عبدالواحد، در بخش فرامرزان واقع در جنوب ایران در نزدیکی لارستان متولد شد. از ۱۳۱۵ به مدت سه سال معاون اداره راهنمایی نامه‌نگاری در شهرنابی بود و سانسور مطبوعات را به همراه علی

دشتی به عهده داشت و تا سال ۱۳۲۰ رئیس آن اداره بود. در همان سال هفته نامه «آینده ایران» را منتشر ساخت که پس از چند ماه تعطیل شد. سپس هفته نامه «بهرام» را منتشر کرد. در سال ۱۳۲۱ امتیاز روزنامه «کیهان» را گرفت و سر دبیر آن شد. در دوره های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۲۰، نماینده مجلس شورای ملی بود. فرامرزى در مرداد ۱۳۵۱ فوت نمود.

۲- شیخ عباس مهاجرانی: فرزند حسین، در همدان متولد شد. علوم حوزوی را در مدارس آخوند در همدان و علمیه قم و مدرسه مروی تهران تحصیل نموده و سپس موفق به اخذ دکترای فلسفه و معقول و منقول شد. شیخ عباس مهاجرانی در جلسات منزل دکتر مظفر بقائی شرکت می کرده است. در سال ۱۳۴۰ اظهار داشته است: «... آرزوی سیاسی من بقای قانون اساسی است و معتقدم که دو مقام ارجمند باید محفوظ بماند: شاه و مرجع تقلید.» ساواک در همان سال اعلام داشته است: «مهاجرانی از وعاظ متبحر تهران بوده که در گذشته انتقاداتی می نموده و پس از روی کار آمدن دولت دکتر امینی مورد توجه امینی بوده و در تمام مجالس مذهبی که از طرف دولت و سازمانهای دولتی تشکیل می شده، بنابر دستور امینی از یاد شده دعوت به عمل می آمده». شیخ عباس مهاجرانی در اسفند ۱۳۴۲ در یک سخنرانی از آزادی زنان ایران و انطباق آن با موازین شرعی دفاع کرده و در سال ۱۳۴۳ در مجلس ترجیم حسنعلی منصور شرکت و در مدح و ثنای او صحبت نمود و برای سلامتی شاه دعا کرد. وی از وعاظ کاملاً موافق رژیم و در سال ۱۳۵۷ مدیرکل سپاه دین در سازمان اوقاف بوده است.

پرونده های انفرادی ساواک

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۲۳

گزارش اطلاعات داخلی<sup>۱</sup>

موضوع: فعالیت حزب زحمتکشان

روز ۳۶/۸/۲۲ ساعت ۸ صبح دکتر بقائی

به اتفاق آقایان احمد ناصری کرمانی، محمدعلی یوسفی زاده، هرندی کرمانی و حسین بنکدار از منزل خودشان خارج شدند و جهت مشایعت از آقای منصور رفیع زاده<sup>۲</sup> که از افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان می باشد، به فرودگاه مهرآباد رفتند. در فرودگاه مهرآباد آقایان سیدابوالقاسم سدهی، سیدحسن وحیدی، پارسى، على قنائیان، على اصغر قناد، على معصومى، خسروى نژاد و حاتم زاده و چند نفر دیگر از افراد حزب

## گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۱۵۵۷ تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۲۳

|        |             |         |
|--------|-------------|---------|
| موضوع: | تفویض حاکم  | ۳۶/۸/۲۲ |
| موضوع: | تاریخ حضور  | ۳۶/۸/۲۳ |
| موضوع: | تاریخ گزارش | ۳۶/۸/۲۳ |

زحمتکشان حضور داشتند، دکتر بقائی مدت چند دقیقه با سدهی و منصور رفیع زاده خیلی آهسته مذاکره نمودند و در ساعت ۸/۳۰ صبح آقای منصور رفیع زاده با دکتر بقائی و حاضرین در حالی که اشک به چشم داشتند، روبروسی نموده و بوسیله هواپیما برای مدت سه سال به آمریکا عزیمت نمودند. سپس دکتر بقائی به اتفاق کلیه دوستان خود به شهر مراجعت نموده و چون روز ملاقات خودشان با اشخاص بود، به منزل خود رفتند. به طوری که مشاهده گردیده، دکتر بقائی بسیار در فعالیت می باشد که به هر نحوی ممکن است گذرنامه آقای سیدابوالقاسم سدهی را از اداره گذرنامه بگیرد که ایشان هم به آمریکا عزیمت نمایند.

روز ۳۶/۸/۲۴ ساعت ۸ صبح دکتر بقائی به اتفاق عده ای دوستان خود و افراد حزب زحمتکشان از محل حزب زحمتکشان طبق معمول همه هفته به درکه شمیران خواهند رفت و تا ساعت ۸ بعد از ظهر دکتر بقائی به اتفاق همراهان در درکه شمیران خواهند بود و سپس به تهران مراجعت خواهند نمود.

۱- از این سند به بعد، اسناد مقطع تأسیس ساواک آغاز می شود. لایحه تشکیل این سازمان در سال ۱۳۳۵ هـ توسط مجلس شورای ملی، تصویب و در سال ۱۳۳۶، ساواک رسماً شروع به کار کرد.

۲- منصور رفیع‌زاده: متولد ۱۳۰۹ ه‍.ش در شهرستان کرمان، دارای مدرک تحصیلی لیسانس حقوق و دکترای اقتصاد از آمریکا بوده است. نکاتی چند در پرونده نامبرده منعکس است که مهم می‌باشد. در اسناد ساواک گزارشی وجود دارد که در آن آمده است:

«نامبرده که از افراد فعال حزب زحمتکشان و عضو حوزه ۲ دانشگاه بوده است، در تاریخ ۳۵/۸/۱۵ به اتهام اخلاف در نظم عمومی از طریق فرمانداری نظامی سابق تهران دستگیر و با سپردن تعهد و التزام آزاد شده است. مشارالیه در ۲۲ آبان ماه ۳۸ به منظور تکمیل تحصیلات به آمریکا مسافرت نموده و در آن جا دست به عملیات ناشایست از جمله کشیدن چک‌های بی‌محل زده است. بطوری که از مفاد پرونده برمی‌آید، وی سه مرتبه از آمریکا به وسیله تلفن با دکتر بقائی صحبت نموده و دکتر بقائی از او درباره سدهی نام، و خسروشاهی سواداتی نموده است. ضمناً بطوری که تیمسار معاونت یکم، مرقوم فرموده‌اند، مشارالیه از دانشجویان ساواک می‌باشد که در آمریکا تحصیل می‌نماید و اخیراً بنابه پیشنهاد سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران با همکاری سدهی در انتخابات سازمان (دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا) شرکت نموده و سدهی مزبور، به ریاست انجمن انتخاب شده و مشارالیه نیز نفر دوم بوده است.»

در گزارش دیگری به تاریخ ۳۸/۴/۲۰ آمده است:

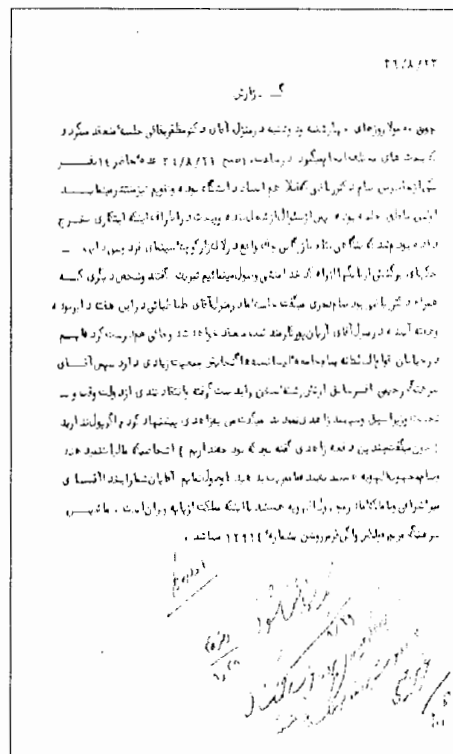
«... مشارالیه از نزدیکان دکتر مظفر بقائی کرمانی است که به وسیله ایشان به آمریکا اعزام شده و فعلاً تحت نظر وی در دانشگاه هاروارد مشغول به تحصیل است و طبق سوابق موجود در شهرانی کل و اداره کل سوم یکی از اعضای مؤثر و فعال سازمان جوانان حزب زحمتکشان بوده که در حوزه دانشجویان دانشگاه حزب مزبور فعالیت داشته.» به اقرار دکتر بقایی منصور رفیع‌زاده توسط وی به تیمسار پاکروان برای استخدام در ساواک معرفی شد و بعد از مدتی از طرف ساواک به آمریکا اعزام و در آنجا به عضویت سازمان «سیا» درآمد و به عنوان نماینده ساواک در آمریکا نقش مهمی در ارتباط هر دو سرویس اطلاعاتی ایفا کرد. رفیع‌زاده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بوسیله سرویس اطلاعاتی آمریکا مأمور سازماندهی امور ضد انقلاب در خارج از کشور شد و تا زمان دستگیری بقائی در سال ۱۳۶۶ ارتباط خود را با وی حفظ کرد.

رک: ضمائم ۹ تا ۲۱

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۲۳

## گزارش

چون معمولاً روزهای چهارشنبه و دوشنبه در منزل آقای دکتر مظفر بقائی جلسه‌ای منعقد می‌گردد که بحث‌های مختلف انجام می‌گیرد، در ساعت ۱۰ صبح ۳۶/۸/۲۲ عده حاضر، ۱۴ نفر [بودند]. یکی از حاضرین به نام دکتر ریاضی که قبلاً هم استاد دانشگاه بوده و تقویم نیز منتشر می‌نماید، اولین ناطق جلسه بود. پس از سوال از شغل بنده و بحث در اطراف اینکه ابتکاری به خرج داده بودم شد که، بنگاهی به نام «بازرگانی چک» واقع در لاله زار کوچه سینمای فردوسی دایر و چکهای برگشتی از بانکها از راه کدخدا



منشی وصول می‌نمائیم تبریک گفتند و شخص دیگری که همراه دکتر ریاضی بود، به نام فخری، می‌گفت جلسه ما در منزل آقای طباطبائی در این هفته دایر بوده و هفته آینده در منزل آقای آریان پور کارمند ثبت، منعقد خواهد شد و جایی هم درست کرده‌ایم در خیابان قوام‌السلطنه به نام جامعه لیسانسیه‌ها [که] گنجایش جمعیت زیادی دارد.

سپس آقای سرهنگ رحیمی، افسر سابق ارتش، رشته سخن را به دست گرفته و انتقاد تنیدی از دولت وقت و نخست‌وزیری اسبق و سپهبد زاهدی نمودند، می‌گفت من به زاهدی پیشنهاد کردم اگر پول ندارید (چون می‌گفت چندین دفعه زاهدی گفته بود که بودجه نداریم) اشخاصی که مالیات نمی‌دهند و به نام مجهول‌الهویه هستند، به بنده مأموریت بدهید تا وصول نمایم، آقایان، شما را به خدا آقای میراشرافی و یا ملکه مادر، مجهول‌الهویه هستند یا اینکه مملکت از پایه، ویران است. ماشین سرهنگ مزبور فولکس واگن قرمز روشن به شماره ۱۲۹۱۴ می‌باشد. اداره یکم یک نسخه ماشین شود ۸/۲۹ این [ناخوانا] روی پرونده حزب زحمتکشان

۲ رونوشت پرونده سرهنگ بازنشسته عزیز رحیمی

تاریخ: ۱۳۳۶/۱۰/۸

## گزارش اطلاعات داخلی

روز ۱۳۳۶/۱۰/۷ ساعت ۱۰ صبح، آقایان

مرتضی کاشانی، سید جلال حسینی<sup>۱</sup>،خسروی نژاد<sup>۲</sup> و عبدالرسول حاتم زاده<sup>۳</sup> که از

افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان می باشند،

به منزل آیت الله در پامنار رفتند و با آیت الله و

محمد کاشانی و امیرناصر قندی ملاقات

نمودند. پس از قدری استراحت، آقایان

نامبرده درباره خدمات و فداکاریهای آیت الله

در گذشته و کسالت ایشان و جریان تخلیه

محل حزب زحمتکشان مذاکره نمودند و

آیت الله به حاضرین اظهار داشته است فعلاً

توی این مملکت جز من و دکتر بقائی کس

دیگری که فکر اصلاح مملکت باشد، وجود ندارد و شما سعی نمایند بیشتر با دکتر بقائی در تماس باشید و من دل خوش هستم، که اگر این دستگاه فرزندانم حاج آقا مصطفی را مسموم کرد دکتر بقائی جای وی را گرفته، شب و روز برای سلامتی این مرد وطن پرست در سر نماز دعا می کنم و اگر خدا عمری داد انتقام خون پسر مرا از قاتلین او خواهم گرفت و تمام حاضرین گفتند ان شاء الله. سپس مرتضی کاشانی اظهار داشت چشم تمام مردم دین دار به شماست، ما چند نفر که در حزب زحمتکشان جمع شده ایم، برای هرگونه فداکاری حاضر هستیم. بعداً آیت الله درباره فعالیت خودشان در جبهه ملی صحبت نمودند و حملات بسیار شدیدی به دکتر مصدق و چند نفر دیگر از سران نهضت ملی نمودند و در ساعت ۱۲ کلیه حاضرین پس از بوسیدن دست آیت الله منزل را ترک نمودند.

دایره ۱۰/۱۱۲

پرونده فتحعلی دیلمقانی ۳۶/۱۱/۱۷

۱- سید جلال الدین حسینی: فرزند عباس، در سال ۱۳۰۴ هجری در کاشان متولد شد. تحصیلات وی در حدود دیپلم می باشد. نامبرده مدتی کارمند شرکت نفت و سپس تا پایان عمر به عنوان مدیر گاراژ مسافری در تهران و مدتی

گزارش اطلاعات داخلی

|       |                  |
|-------|------------------|
| تاریخ | ۱۳۳۶/۱۰/۷        |
| محل   | منزل آیت الله    |
| موضوع | ملاقات با آقایان |
| محل   | منزل آیت الله    |
| موضوع | ملاقات با آقایان |
| محل   | منزل آیت الله    |
| موضوع | ملاقات با آقایان |

روز ۱۳۳۶/۱۰/۷ ساعت ۱۰ صبح آقایان مرتضی کاشانی، سید جلال حسینی، خسروی نژاد و عبدالرسول حاتم زاده که از افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان می باشند منزل آیت الله در پامنار رفتند و با آیت الله و محمد کاشانی و امیرناصر قندی ملاقات نمودند و پس از قدری استراحت آقایان نامبرده درباره خدمات و فداکاریهای آیت الله در گذشته و کسالت ایشان و جریان تخلیه محل حزب زحمتکشان مذاکره نمودند و آیت الله به حاضرین اظهار داشته است فعلاً توی این مملکت جز من و دکتر بقائی کس دیگری که فکر اصلاح مملکت باشد وجود ندارد و شما سعی نمایید بیشتر با دکتر بقائی در تماس باشید و من دل خوش هستم که اگر این دستگاه فرزندانم حاج آقا مصطفی را مسموم کرد دکتر بقائی جای وی را گرفته و اگر خدا عمری داد انتقام خون پسر مرا از قاتلین او خواهم گرفت و تمام حاضرین گفتند ان شاء الله. سپس مرتضی کاشانی اظهار داشت چشم تمام مردم دین دار به شماست، ما چند نفر که در حزب زحمتکشان جمع شده ایم، برای هرگونه فداکاری حاضر هستیم. بعداً آیت الله درباره فعالیت خودشان در جبهه ملی صحبت نمودند و حملات بسیار شدیدی به دکتر مصدق و چند نفر دیگر از سران نهضت ملی نمودند و در ساعت ۱۲ کلیه حاضرین پس از بوسیدن دست آیت الله منزل را ترک نمودند.

فتحعلی دیلمقانی

نیز به عنوان عضو هیأت رئیسه سندیکای مسافری کشور اشتغال به کار داشته و از سال ۱۳۲۵ عضو حزب دمکرات قوام‌السلطنه و از ۱۳۳۰ عضو بسیار فعال حزب زحمتکشان و سازمان نگهبانان آزادی و همچنین رئیس کمیسیون تفنیش حزب، عضو حوزه کمیته مرکزی شهرستان تهران و رابط دکتر بقائی با علما و مراجع مورد نظر بوده است. وی به علت نقش مؤثری که در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ داشته، مفتخر به دریافت نشان رستاخیر شده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۲- اسدالله خسروی نژاد: فرزند حسن، در سال ۱۳۱۲ در اصفهان متولد شد. دارای تحصیلات دیپلم و کارمند سازمان بیمه‌های اجتماعی و عضو فعال سازمان نظارت بر آزادی انتخابات (وابسته به حزب زحمتکشان) بوده است.

۳- عبدالرسول حاتم‌زاده اصفهانی: فرزند عبدالصمد، در سال ۱۳۱۳ در اصفهان متولد شد. نامبرده مهندس شیمی بوده و سمت مدیرکلی اداره کل صنایع و معادن اصفهان را به عهده داشته است. حاتم‌زاده در سال‌های ۳۱-۳۲ با سازمان نظارت ملی اصفهان همکاری داشته و از سال ۱۳۳۳ عضو حزب زحمتکشان بوده است.



تاریخ: ۱۳۳۶/۱۰/۱۷

## گزارش اطلاعات داخلی

۱- روز ۳۶/۱۰/۱۶ ساعت ۹ صبح به

ترتیب آقایان سرهنگ بازنشسته ارتش،

عزیزالله امیررحیمی، سعید پارسی، شهیدی،

سید حسن وحیدی، عبدالرسول حاتم‌زاده،

سید ابوالقاسم سدهی، محمدتقی قوانینی،

امیرناصر قندی، حمزه بزرگ‌نژاد، عبدالله

شکری و حسین بنکدار به منزل دکتر بقائی

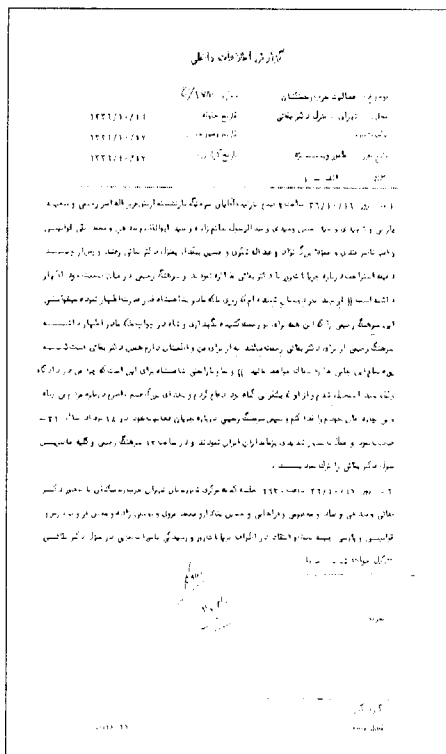
رفتند و پس از چند دقیقه استراحت درباره

جریانات روز با دکتر بقائی مذاکره نمودند.

سرهنگ رحیمی در میان صحبت خود اظهار

داشته است «از چند نفر دوستان شنیده‌ام که

روزی ملکه مادر به شاهنشاه قدر قدرت اظهار



نموده می‌خواستی این سرهنگ رحیمی را که این همه برای تو زحمت کشیده نگهداری و شاه

در جواب ملکه مادر اظهار داشته سرهنگ رحیمی از برای دکتر بقائی زحمت می‌کشد نه از برای

من. اطمینان دارم همین دکتر بقائی است که پوزه تمام این جانی‌ها را به خاک خواهد مالید و

تمام ناراحتی شاهنشاه برای این است که چرا من در دادگاه وکیل سید اسماعیل شدم و از او که

یک نفر بی‌گناه بود، دفاع کردم، به خدای بزرگ قسم، حاضرم درباره مردم بی‌پناه و بی‌چاره،

جان خودم را فدا کنم. سپس سرهنگ رحیمی درباره جریان فعالیت خود در ۲۸ مرداد سال ۳۲

صحبت نمود و حملات بسیار شدیدی به زمامداران ایران نمودند. در ساعت ۱۳ سرهنگ

رحیمی و کلیه حاضرین، منزل دکتر بقائی را ترک نمودند.

۲- روز ۳۶/۱۰/۱۷ ساعت ۱۹/۳۰ جلسه کمیته مرکزی شهرستان تهران حزب زحمتکشان

با حضور دکتر بقائی، سدهی، قناد، معصومی، فراهانی، حسین بنکدار، محمد مروی،

یوسفی‌زاده، معین‌فر<sup>(۱)</sup>، مدرس، قوانینی و پارسی جهت بحث و انتقاد در اطراف جریانات روز و

رسیدگی به امور حزبی در منزل دکتر بقائی تشکیل خواهد شد. اداره یکم دایره ۴

۱- محمدجعفر معین‌فر: فرزند حسین، در سال ۱۳۱۳ در تهران متولد شد. شهرت قبلی وی باقر کرباسی بوده است.

معین فر فارغ التحصیل دوره عالی زبان شناسی و محقق در مدرسه تحقیقات دانشگاهی پاریس و از اعضای فعال حزب زحمتکشان و از دوستان صمیمی دکتر مظفر بقائی کرمانی و همچنین عضو کمیته شهرستان تهران و عضو حوزه کارمندان دولت بوده است.

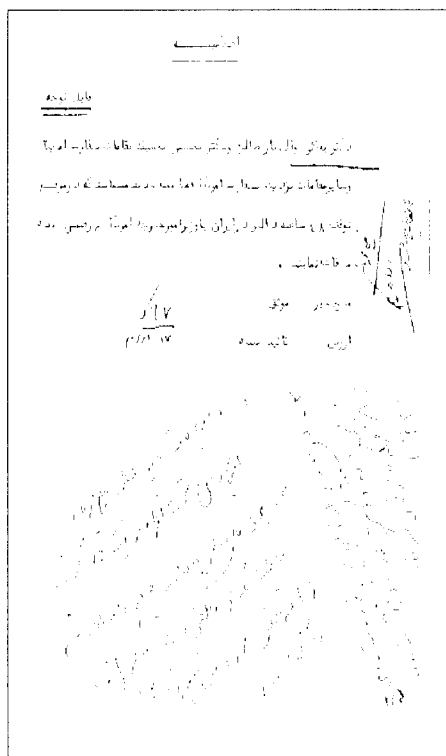
پرونده‌های انفرادی ساواک

تاریخ: ۱۳۳۶/۱۰/۱۷

## اطلاعیه

دکتر بقائی و اللهیار صالح و دکتر معظمی  
بوسیله مقامات سفارت آمریکا و سایر مقامات  
نزدیک به سفارت آمریکا فعالیت شدید  
می نمایند که در موقع توقف ۴۸ ساعته  
دالس<sup>۱</sup> در ایران با وزیر امور خارجه آمریکا به  
هر قیمتی شده ملاقات نمایند.

- ۱- در این مدت باید بطور خیلی محرمانه عاملین  
تحت نظر و مراقبت قرار گیرند
- ۲- چون آقای [ناخوانا] در وزارت تابعه خواهان  
عدم حفاظت یک نفر در [ناخوانا] مزبور که کنترل  
شده البته تلفن به دستور [ناخوانا] قرار گیرند
- ۳- آقای معتمدی

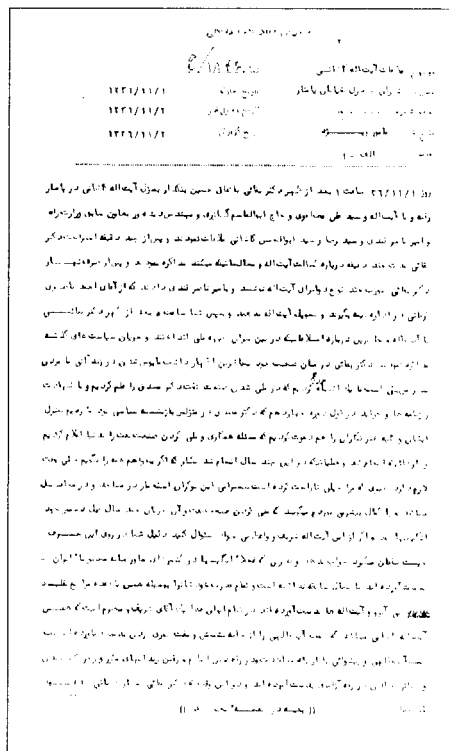


۱- جان دالس: سیاستمدار معروف آمریکایی در ۱۸۸۹ م متولد شد. وی تحصیلات خود را در رشته حقوق بین الملل به آمریکا در کنفرانس «صلح و رسای» تعیین شد. در ۱۹۴۴ به سمت مشاور هیأت نمایندگی آمریکا در کنفرانس سازمان ملل در سانفرانسیسکو برگزیده و در ۱۹۴۹ نامزد نمایندگی سنای آمریکا گردید. اما در انتخابات موفق نشد. سپس به عنوان مشاور «دین آچسن»، وزیر امور خارجه آمریکا، برگزیده شد و مذاکرات مربوط به امضای قرارداد صلح با ژاپن را با موفقیت انجام داد. در ۱۹۵۳ از سوی ژنرال آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا به عنوان وزیر امور خارجه تعیین شد. دالس در مدت شش سالی، که وزیر امور خارجه آمریکا بود، سیاست ضدکمونیستی شدیدی را در پیش گرفت. او در سال ۱۹۵۹ به علت بیماری سرطان درگذشت. جان دالس از بدبین ترین وزیران امور خارجه آمریکا نسبت به کمونیسم در نیم قرن اخیر محسوب می شود. وی طرفدار منطق «مک کار تیسیم» بود. همزمان با وزارت جان دالس، آلن دالس برادر بزرگتر او ریاست سازمان جاسوسی سیا را بر عهده داشت.

تاریخ: ۱۳۳۶/۱۱/۲

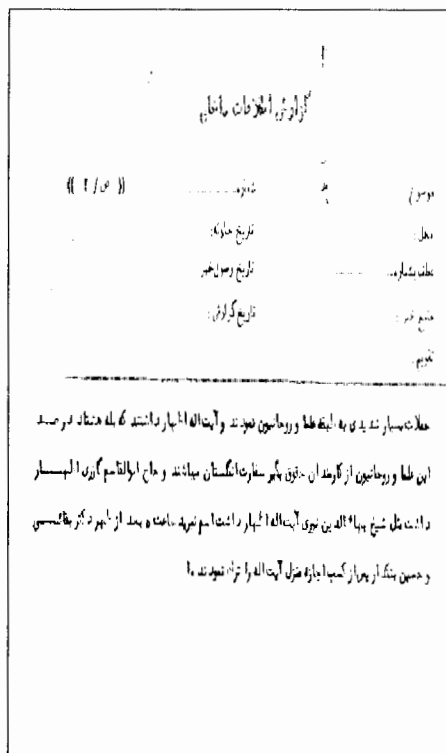
## گزارش اطلاعات داخلی

روز ۳۶/۱۱/۱ ساعت ۱ بعد از ظهر دکتر بقائی با آقای حسین بنکدار به منزل آیت الله کاشانی در پامنار رفته و با آیت الله و سید علی مصطفوی و حاج ابوالقاسم گازی<sup>۱</sup> و مهندس دیده‌ور معاون سابق وزارت راه و امیرناصر قندی و سید رضا و سید ابوالحسن کاشانی<sup>۲</sup> ملاقات نمودند و پس از چند دقیقه استراحت، دکتر بقائی مدت چند دقیقه درباره کسالت آیت الله و معالجاتی که می‌کنند، مذاکره نمودند. پس از صرف نهار دکتر بقائی صورت چند نوع دوا برای آیت الله نوشتند و به امیرناصر قندی دادند که از آقای احمد ناصری کرمانی در اداره بیمه بگیرند و تحویل آیت الله



بدهند. سپس تا ساعت ۵ بعد از ظهر دکتر بقائی با آیت الله و حاضرین درباره اختلافاتی که در بین سران جبهه ملی انداختند و جریان سیاست‌های گذشته مذاکره نمودند. دکتر بقائی در میان صحبت خود به حاضرین اظهار داشت مایوس شدن در زندگانی با مردن به نظر من یکی است ما یک اشتباه بزرگ کردیم که در ملی شدن صنعت نفت، دکتر مصدق را علم کردیم. با شهادت روزنامه‌ها و جراید، در اول دوره چهاردهم که دکتر مصدق در منزلش بازنشسته بود، ما رفتیم به منزل ایشان و کلیه خبرنگاران را هم دعوت کردیم که مسئله همکاری و ملی کردن صنعت نفت را به دنیا اعلام کردیم، کارهایی که انجام شد و عملیاتی که در این چند سال انجام شد، به کنار، که اگر بخواهم همه را بگویم خیلی وقت لازم دارد چیزی که مرا خیلی ناراحت کرده است، سخنرانی این نوکران استعمار در مساجد و در محافل می‌باشد و با کمال بی‌شرمی به مردم می‌گویند که ملی کردن صنعت نفت و آن جریان چند سال قبل دستور خود انگلیسیها بود، اگر از این آیت الله شریف و واعظ بی‌سواد سؤال کنید دلیل شما برای این حرف چیست خفقان می‌گیرد جواب بدهد، قدرتی که فعلاً انگلیسیها در کشورهای خاورمیانه مخصوصاً ایران به دست آورده‌اند تا به حال سابقه نداشته است، تمام قدرت خودشان را بوسیله یک قدرت

همین یک عده مراجع تقلید بی آبرو و آیت‌الله‌ها به دست آورده‌اند، در تمام ایران فقط یک آقای شریف و محترم است که همین آیت‌الله کاشانی می‌باشد که سمت آیت‌اللهی را از خانه نشستن و مفت‌خوری کردن به دست نیاورده است، سمت آیت‌اللهی و پیشوائی را از راه مجاهدت و در راه دین اسلام و رفتن زندانهای مکرر و زجر کشیدن و قربانی دادن در راه آزادی به دست آورده‌اند. در این وقت که دکتر بقائی بسیار عصبانی شده بود، حملات بسیار شدیدی به طبقه علما و روحانیون نمودند، آیت‌الله اظهار داشتند که بله هشتاد درصد این علما و روحانیون از کارگردان - قرون گمراهان انگلستان می‌باشد و حاج ابوالقاسم گازی البهار داشت مثل شیخ بهاء‌الدین نوری آیت‌الله اظهار داشت اسم نه‌بریده آمده بعد از ظهر دکتر بقائی در حسین بنکدار پس از کسب اجازه منزل آیت‌الله را ترک نمودند.



مثل شیخ بهاء‌الدین نوری<sup>(۳)</sup>، آیت‌الله اظهار داشت اسم نه‌بریده. ساعت ۵ بعد از ظهر دکتر بقائی و حسین بنکدار پس از کسب اجازه منزل آیت‌الله را ترک نمودند.

۱- در گزارش ۲۰ خرداد ۱۳۳۰ درباره ابوالقاسم گازی چنین آمده است:

«اسم: ابوالقاسم، شهرت: گازی، سن: ۳۲ سال، کارمند کارخانه سیمان، منزل وی در سه راه «دنگی معروف».

وی در منزل آیت‌الله، امور آبدارخانه را مسوول، ضمناً نماینده است بین سیدکاشانی و تجار و همچنین نداده‌نده از برای اجتماع می‌باشد و کلیه اخبار دوایر را این شخص به عرض سیدکاشانی می‌رساند.»

۲- سید ابوالحسن مصطفوی کاشانی: فرزند سید ابوالقاسم، در سال ۱۳۰۸ هـ در تهران متولد شد. مهندس برق و رئیس سازمان آب شمیران و معاون امور شبکه سازمان آب، در سال ۱۳۵۵ بوده است. وی در زمان حیات پدرش آیت‌الله کاشانی در فعالیتهای سیاسی دخالت نداشته، لیکن از سال ۱۳۳۹ به بعد در بعضی از جلسات حزب زحمتکشان شرکت می‌نموده است.

۳- آیت‌الله شیخ بهاء‌الدین نوری: فرزند آیت‌الله شیخ عبدالنبی نوری، در مسجد پدرش معروف به مسجد حاج عبدالنبی نوری اقامه جماعت می‌کرد. او داماد آیت‌الله سید محمد بهیانی بود. از نظر اطلاعات علمی و حفظ برخی اخبار و روایات، بالنسبه مورد توجه بود و از دوستان نزدیک میرزا عبداله چهلستونی به شمار می‌رفت، وی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی درگذشت.

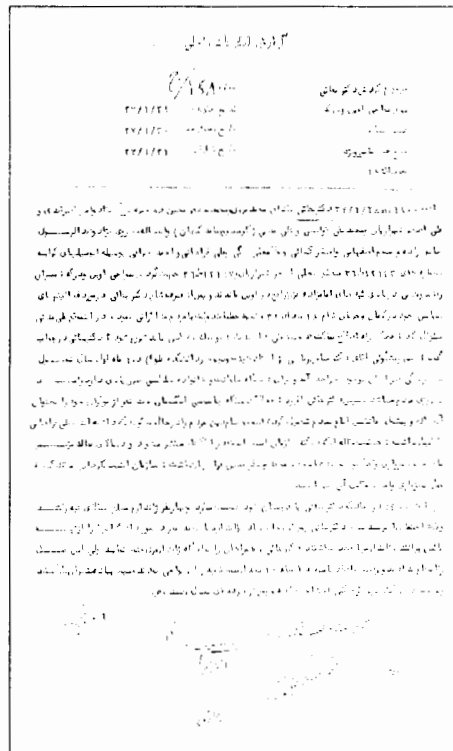
شماره: ۱۶۸ / ج تاریخ: ۱۳۳۷/۱/۳۱

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: گردش دکتر بقائی

ساعت ۱۸ روز ۳۷/۱/۲۸ دکتر بقائی به اتفاق محمد مروی، محمدجعفر معین‌فر، حمزه بزرگ‌نژاد<sup>۱</sup>، امیرناصر قندی، علی‌اصغر شیرازیان، محمدتقی قوانینی، علی‌مدنی (کارمند روزنامه کیهان)، اسدالله خسروی‌نژاد، عبدالرسول حاتم‌زاده، منجم اصفهانی، اصغر کسائی، غلامعلی بیگی، علی‌فراهانی و احمد صرافى بوسیله اتومبیل‌های کرایه به شماره‌های ۱۲۱۴۳ ط ۳۶ متعلق به علی‌اصغر شیرازیان و ۱۲۱۹۷ ط ۳۶ جهت گردش به نواحی اوین و درکه شمیران رفتند و

مدتی در بالای تپه‌های امام‌زاده عزیز، واقع در اوین ماندند، پس از صرف شام، دکتر بقائی در مورد فعالیت‌های سیاسی خود در کرمان و جریان قیام ۲۸ مرداد ۳۲ و نحوه عملیات دولت با مردم مذاکراتی نمود. در این موقع علی‌مدنی سؤال کرد: فعلاً راه اصلاح مملکت که جنبه ملی داشته باشد، بوسیله چه کسی باید شروع شود؟ دکتر بقائی در جواب گفت: طبق پیشگویی آقای دکتر عباس ریاضی (استاد هیأت و نجوم در دانشکده علوم) در ۶ ماه اول سال، تحول بسیار بزرگی در ایران بوجود خواهد آمد و برای دستگاه سلطنت و خانواده سلطنتی، ضرر زیادی دارد و امید به پیروزی مردم می‌باشد. سپس دکتر بقائی افزود: فعلاً دستگاه جاسوسی انگلستان چند نفر از نوکران خود را به عنوان آیت‌الله و پیشوا و جانشین امام به مردم تحمیل کرده است و به نام دین، مردم را در حال سکوت نگه داشته‌اند. علی‌فراهانی اظهار داشت: هر شب مقاله‌ای که دیکته سازمان امنیت است در [روزنامه] اطلاعات منتشر می‌شود و در بالای مقاله مزبور نام کمال سبزواری واعظ نوشته شده است. محمدجعفر معین‌فر اظهار داشت: سازمان امنیت کارهائی می‌کند که عمل سبزواری واعظ در مقابل آن هیچ است. در ساعت ۲۴ در حالی که دکتر بقائی با دوستان خود صحبت می‌کرد چهار نفر ژاندارم مسلح به بالای تپه رفتند و علت اجتماع را



پرسیدند. دکتر بقائی پس از پرخاش زیاد به ژاندارمها به چند نفر دستور داد که آنها را از تپه، پائین برانند. ژاندارمها قصد داشتند دکتر بقائی و همراهان را به پاسگاه ژاندارمری جلب نمایند ولی این عمل را انجام ندادند و رفتند. افراد نامبرده تا ساعت ۱ بعد از نیمه شب در آن نواحی بودند و سپس پیاده به تهران بازگشتند و ساعت ۳ در کنار نهر کرچ کمی استراحت کرده و پس از صرف چای به منزل رفتند.

اصل در پرونده حزب زحمتکشان ۱/۳۱

ضمیمه پرونده دکتر بقائی شود دایره ۴

---

۱- حمزه بزرگ‌نژاد: فرزند عباس‌علی، در سال ۱۲۹۹ ه‍.ش در کرمان متولد شد. دارای تحصیلات ابتدائی بود و در دادگستری اشتغال داشت. بزرگ‌نژاد عضو حزب زحمتکشان بوده است.

موضوع: جلسہ منزل دکنتر بقائی

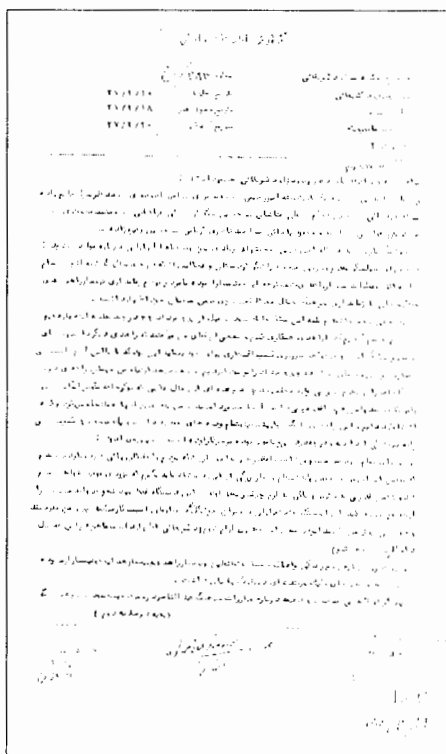
ساعت ۹/۳۰ روز ۳۷/۲/۱۷ افراد نامبرده

زیر در منزل دکتر بقائی حضور داشتند:

رهنما، المَدَنی، سرهنگ بازنشسته  
 امیر رحیمی، محمد مروی، امیر ناصر قندی،  
 عبدالرسول حاتم‌زاده، اصغر کسائی، فصیح  
 اعظم، علی قنائیان، حسین بنکدار، علی  
 فراهانی، جمشید محمودی، محمد تقی  
 قوانینی، احمد و محمود یاسائی، احمد  
 ناصری کرمانی و حسین رفیع‌زاده.

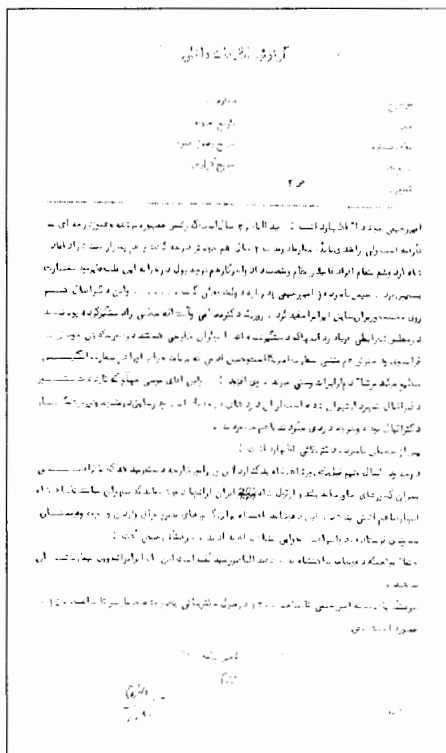
سر هُنگ باز نشسته عزیز الله امیر رحیمی  
صحبت‌های زیادی نمود و من جمله اظهاراتی

درباره موارد زیر نمود: دزدیهای سرلشگر مقدم و سرتیپ میمند در لشگر کردستان و فعالیت‌هایی که در چند سال گذشته انجام داده‌اند، عملیات تیمسار زاهدی، تیمسار هدایت و تیمسار آزموده با مردم، وضع زمامداری تیمسار زاهدی و مقایسه آن با زمامداری سرهنگ جمال عبدالناصر. وی ضمن سخنان خود اظهار داشت: من خیلی زحمت کشیدم بلکه این مملکت آباد شود. قبل از ۲۸ مرداد ۳۲ در چند جلسه‌ای که با رفقایم داشتیم تصمیم گرفتیم که با زاهدی همکاری کنیم، بعضی از رفقای من می‌گفتند که زاهدی دیگر عیاشیهای سابق را کنار گذاشته و می‌خواهد سرپیری، کسب افتخاری برای خود بنماید این بود که ما با این آدم جانی همکاری کردیم و جریان ۹ اسفند<sup>۱</sup> و ۲۸ مرداد را بوجود آوردیم. سه روز بعد از قیام، من مهمان زاهدی در باشگاه افسران بودم. وقتی وارد مجلس شدم، دیدم عده‌ای از رجال قلابی که نوکر حلقه بگوش انگلیس و آمریکا هستند و امروز هم مشاغل مهمی دارند، آنجا حضور داشتند. من با دیدن آنها همانجا حس کردم که اشتباه کرده‌ایم و این زاهدی تانک سوار، پشت پا به تمام وعده‌های خود زده است و یک ملت ۲۰ میلیونی را به بیچارگی انداخته و هر چه دزد بی‌ناموس بوده بر سر کار آورده است. سپس وی افزود: من یک سال تمام در دفتر مخصوص شاهنشاه قدر





قدرت، آجودان شاه بودم، کثافتکاریهائی در دربار دیدم که نگفتن آنها بهتر است و من یک انتقام بسیار بزرگی از این دستگاه باید بگیرم که به زودی موفق خواهم شد و از هیچ قدرتی هم ترس و باکی ندارم جز قدرت خداوند. این دستگاه فقط به یک نحو می تواند مرا از هدفم منحرف کند و آن این است که چند نفر از آن دختران خوشگل که در سازمان امنیت کار می کنند، پیش من بفرستند و چند شبی پیش من باشند آن وقت ممکن است قدری آرام شوم، دکتر بقائی اظهار داشت ما هم در این عمل، داوطلب هستیم. سپس رحیمی درباره وضع زندگی و اعمال تیمسار باتمانقلیچ، تیمسار زاهدی<sup>۱</sup>، تیمسار هدایت و تیمسار آزموده صحبت نمود و صحبت های



رکیک و زنده های، درباره آنها بیان داشت. پس از او، المدنی مدت ۲۰ دقیقه درباره مبارزات سرهنگ عبدالناصر<sup>۲</sup> در مصر صحبت نمود. سرهنگ امیررحیمی مجدداً اظهار داشت: عبدالناصر ۳ سال است که رئیس جمهور مصر شده و هنوز درجه ای نگرفته است ولی زاهدی تانکسوار ما، در مدت ۲ سال، هم خودش درجه گرفت و هم پسر ارجمندش را داماد شاه کرد و هم به تمام افراد فامیلش مقام و منصب داد و آخر کار هم هر چه پول در خزانه این ملت فقیر بود، به غارت به سوئیس برد. سپس نامبرده (امیر رحیمی) درباره دولت فعلی گفت... و این دکتر اقبال هم روی نخست وزیران سابق ایران را سفید کرد. روزی که دکتر معظمی و آیت الله میلانی را دستگیر کرده بودند، در مجلس شورای ملی فریاد زد اینها که دستگیر شده اند، از نوکران خارجی هستند در صورتی که زن خودش فرانسوی و دخترش هم منشی سفارت آمریکا است و چنین آدمی که برنامه خواب او را هم سفارت انگلیس تنظیم می کند، مرتباً دم از ایران دوستی می زند. وی افزود: و این آقای «موسی مهام» که تازه به دستور دکتر اقبال شهردار تهران شده است از آن دزدهای درجه یک است و در سابق در مشهد و تبریز همکار دکتر اقبال بوده و هر چه دزدی می کردند، با هم می خوردند. پس از سخنان نامبرده دکتر بقائی اظهار داشت: در حدود

یک سال و نیم قبل یک روز شاهنشاه به دکتر اردلان، وزیر امور خارجه دستور می‌دهد که تلگرافی به سران کشورهای خاورمیانه بکند و از قول شاه ایران از آنها دعوت نماید که به تهران بیایند تا شاهنشاه آنها را با هم آشتی بدهد. این دعوتنامه شاهنشاه برای کشورهای مصر، عراق، اردن، سوریه و عربستان سعودی فرستاده شد و آنها هیچ جوابی به شاهنشاه ندادند. سرهنگ رحیمی گفت: حتماً موقعی که دعوتنامه شاهنشاه به دست عبدالناصر رسید، گفته است این شاه ایران را تحویل تیمارستان بدهید. سرهنگ بازنشسته امیررحیمی تا ساعت ۱۲ در منزل دکتر بقائی بود و بقیه حضار نیز تا ساعت ۱۴ حضور داشتند.

به پرونده دکتر بقایی ضمیمه گردد بایگانی

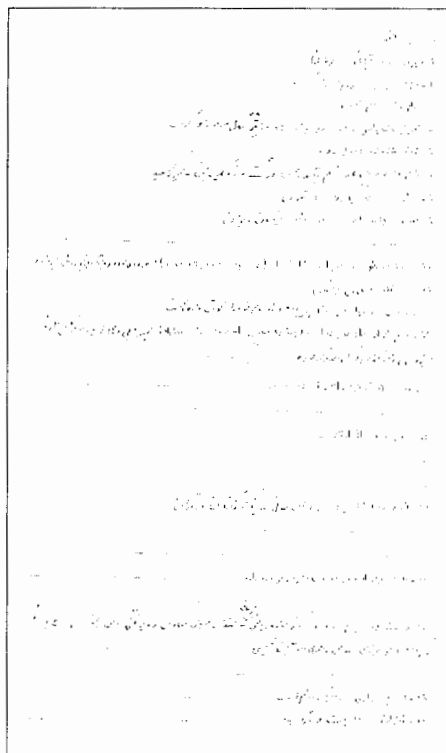
۱- غائله نهم اسفند: به دنبال اعلام شاه برای مسافرت به خارج از کشور در نهم اسفند، دولت مصدق نیز تمام مقدمات سفر را فراهم کرد. طبق قرار، دکتر مصدق، ظهر روز نهم اسفند برای خداحافظی با شاه وارد کاخ شد. در این فاصله، طبق نقشه قبلی، عده‌ای از ارادل و اوباش به راه افتادند، آنها ابتدا با همکاری قسمتی از نیروهای انتظامی به بازار ریختند تا مردم را ناگزیر به بستن مغازه‌ها کنند. سپس به طرف کاخ سلطنتی سرازیر شدند. با اینکه دکتر مصدق به رؤسای ستاد ارتش و شهربانی و فرمانداری نظامی حتی رئیس کلانتری ناحیه کاخ، شخصاً دستور داده بود که انتظامات اطراف کاخ و خانه نخست‌وزیر را به خوبی حفظ کرده و از تجمع اشخاص جلوگیری کنند، چاقوکشان و رجاله‌ها به همراهی عده‌ای از افسران بازنشسته و از جمله سپهبد «شاه بختی»، سپهبد «امیراحمدی»، سرلشکر «گوزن» و جمعی از افسران شاغل که در میان‌شان سرهنگ عزیزالله امیررحیمی و سرگرد خسروانی نیز دیده می‌شد، در برابر در کاخ که در سمت جنوب واقع است، اجتماع کرده و به شعارهای شاه پرستانه و اظهار نگرانی از مسافرت شاه پرداخته و به محض اینکه دکتر مصدق از کاخ خارج شد، او را به قتل برسانند. در همین موقع دکتر مصدق که برای تودیع و خداحافظی با شاه وارد کاخ اختصاصی شد، خطر را با شنیدن شعارهایی که از خارج کاخ به گوش می‌رسید و نعره مخالفان و اوباشی که با اشاره توطئه‌گران به حرکت درآمده، فریاد «زنده باد شاه» و «مرگ بر مصدق» سر داده بودند را حس کرد، فوراً از اتاق شاه خارج و به میان باغ وارد شد و از در کوچکی که در سمت شمال کاخ در خیابان حشمت‌الدوله قرار داشت، از کاخ خارج شد. در همین وقت راننده خودرو وی، خود را به دکتر مصدق رسانید و نخست‌وزیر را سوار کرده و فاصله دوپست متری میان منزل دکتر مصدق و کاخ را در حالی که اجیر شدگان به سرپرستی شعبان بی‌مخ ایشان را تعقیب می‌کردند، سریعاً طی نموده و مصدق از دام قاتلان نجات یافته و وارد منزل خود شد.

۲- مقصود سپهبد فضل‌الله زاهدی رهبر کودتای نظامی علیه دولت دکتر مصدق است.

۳- منظور جمال عبدالناصر رهبر ملی مصر است.

تاریخ: ۱۳۳۷/۲/۲۹

- ۱- نام: مظفر
- ۲- شهرت: بقائی کرمانی
- ۳- نام و شهرت پدر: مرحوم میرزا شهاب
- ۴- نام مادر: خانم خانمها
- ۵- تاریخ تولد یا سن با ذکر محل تولد: در حدود ۴۸ سال. متولد «راور» کرمان
- ۶- شماره شناسنامه و محل صدور:
- ۷- علائم مشخصه: بلند قد، شکم برآمده، چشمها درشت و نزدیک بین، چهره سفید
- ۸- شغل و رتبه: دانشیار دانشگاه تهران
- ۹- محل سکونت با ذکر شماره تلفن: خیابان ایران
- ۱۰- خانه مسکونی شخصی است یا اجاره‌ای (در صورت دوم میزان اجاره): اجاره‌ای بوده و ماهیانه



چهار هزار ریال می‌پردازد.

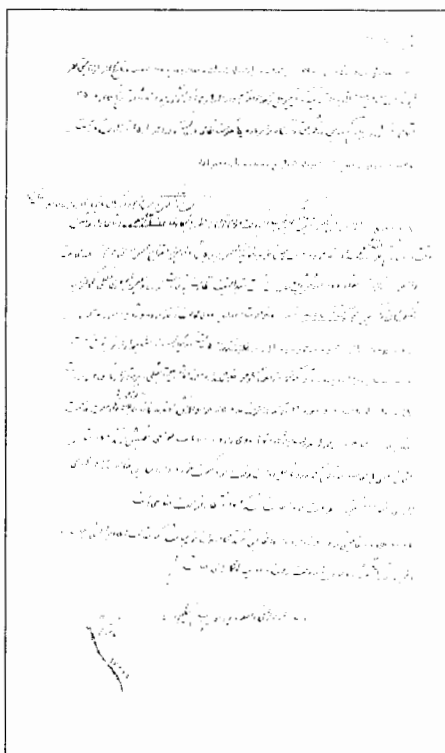
- ۱۱- مذهب: مسلمان (شیعه)
- ۱۲- متأهل است یا خیر: متأهل بوده ولی خانم خود را طلاق داده است.
- ۱۳- خانم او از کدام خانواده است (چنانچه خارجی است مشخصات کامل او): همسر قبلی وی (بدری وکیل زاده ابراهیمی) دختر مرحوم وکیل الدوله بوده.
- ۱۴- تعداد اولاد (ذکور-اناث) با ذکر اسامی:
- ۱۵- شغل هر یک از اولاد:
- ۱۶- اقوام درجه ۱ نسبی و سببی: ایران بقائی، مدیره کودکستان در شمیران.
- ۱۷- با کدامیک از خانواده‌های مشهور قرابت دارد:
- ۱۸- دوستان و معاشرین نزدیک وی: دکتر عباس ریاضی کرمانی، مهندس صباحی معاون و مدیر فنی سابق راه آهن، علی یاسانی، شیخ ابوالقاسم هرندي، علی زهری و حسین خطیبی.
- ۱۹- وضع مزاجی: رویهم‌رفته سالم است.



در بین دانشجویان دانشگاه، برابر ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت و در ۳۵/۱۰/۲۲ آزاد شده است.

۳۷- مسافرتهاى خارج از کشور با ذکر تاریخ، مدت، علت و همراهان:

۳۸- سوابق و تمایلات سیاسى: نامبرده پس از تشکیل حزب دموکرات مرحوم قوام السلطنه نسبت به تشکیل حزب مزبور در کرمان با همکاری سردار فاخر حکمت، استاندار وقت استان هشتم، اقدام و از طرف همین حزب به نمایندگی مجلس برگزیده شد ولى پس از افتتاح مجلس با مرحوم قوام السلطنه مخالفت و از حزب دموکرات استعفا داد. در اوائل شروع مبارزات نفت، ابتدا جمعیت نظارت بر انتخابات تهران و سپس با همکاری خلیل ملکى حزب زحمتکشان را تشکیل و هم اکنون نیز رسماً پابرجاست. در اواخر حکومت مصدق هم با



وى مخالفت آغاز نموده و شدیداً مبارزه مى نمود.

۳۹- در حال حاضر به کدام سیاست بیشتر تمایل دارد: ظاهراً طرفدار بسط سیاست آمریکا است ولى باطناً هوادار تریبى طرفى است.

۴۰- بستگى به احزاب و جمعيتها: گو اینکه حزب زحمتکشان وجود خارجى ندارد و معهدا با تشکیل جلسات هفتگى رهبرى آن را رسماً به عهده گرفته است.

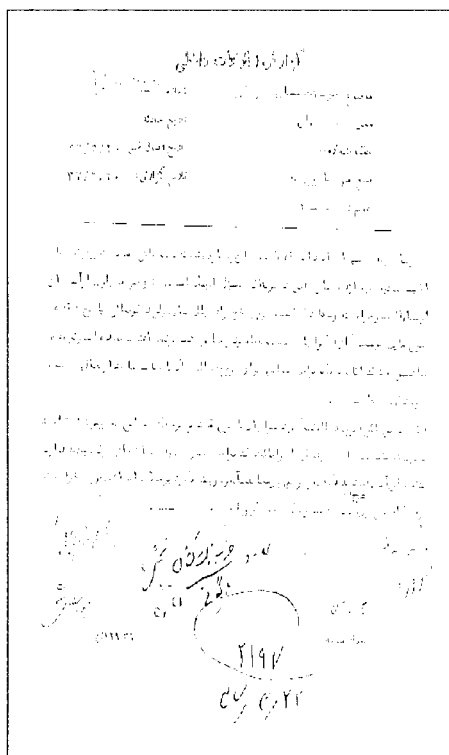
۴۱- سایر اطلاعات متفرقه: در دوره ۱۹ با آنکه از طرف عده اى از هواخواهانش کاندید نمایندگى بود معهدا به علت مخالفت شدیدی که ابوالقاسم ابراهیمی (معروف به سرکار آقا) با وی دارد در انتخابات، توفیقى نصیبش نشده و در مقابل لقمان نفیسی (محاسب الدوله) که مورد تایید دولت وقت بود، شکست خورد و از آن پس فعالیت سیاسى محسوسى ندارد ولى هنوز از تعقیب نظریات خود منصرف نشده و در انتظار فرصت مناسبى است. نامبرده علاوه بر مخالفینى که در کرمان دارد دارای مخالفین متنقدى در تهران نیز مى باشد که فعالیت های وی را خنثى مى نمایند و به این ترتیب دارای زمینه مساعدى برای دست زدن به فعالیت های سیاسى نمى باشد.

تاریخ: ۱۳۳۷/۳/۲۰

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب زحمتکشان دکتر بقائی

دکتر عباس ریاضی استاد دانشگاه و از دوستان و محارم نزدیک دکتر بقائی می‌گفت در روزهای اخیر، عده بیشتری از دوستان سابق دکتر بقائی به منزل او به ملاقاتش می‌روند و حتی بسیاری از آنان از مشارالیه درخواست کرده‌اند فعالیت حزبی خود را دنبال نماید ولی دکتر بقائی پاسخ داده چون مایل نیست آقای دکتر اقبال که نسبت به او و دوستانش همه‌گونه مساعدت نموده‌اند، رنجیده خاطر شوند لذا تا موقعی که عوامل سیاسی برای شروع فعالیت آنها مساعد



نیباشد، از فعالیت خودداری خواهد کرد.

آقای دکتر بقائی افزود با اینکه آقای دکتر اقبال تاکنون قدمی بر خلاف مصالح کشور برنداشته‌اند، مع‌هذا چنانچه بخواهد دولت ایشان را تایید کند، نواقص دیگری در دستگاههای دولت وجود دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و اگر هم، روش مخالفت‌آمیز در پیش بگیرد، برخلاف انصاف و مروت خواهد بود لذا صلاح وی فعلاً اختیار سکوت و بی‌طرفی است.

حزب زحمتکشان بخش ۲

بایگانی ۳/۲۱

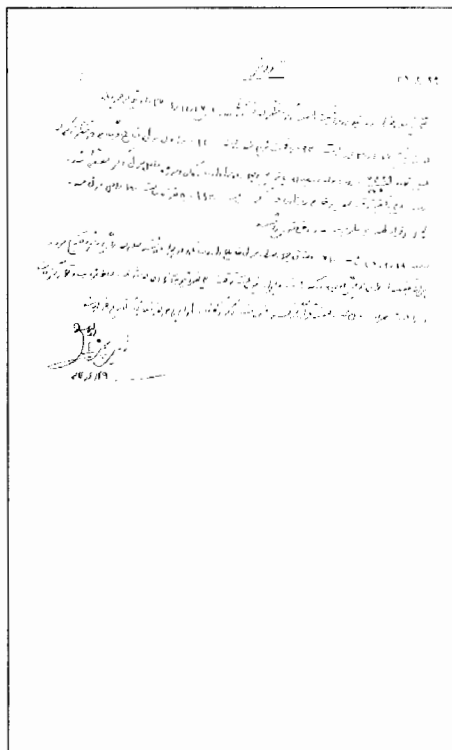


تاریخ: ۱۳۳۷/۶/۲۹

## گزارش

محترماً معروض می‌دارد در چگونگی  
مراقبت و تعقیب دکتر مظفر بقائی کرمانی در  
روزهای ۲۷ و ۳۷/۶/۲۸ را ذیلأ به عرض  
می‌رساند:

در روز پنجشنبه ۳۷/۶/۲۷ از ساعت  
۶/۳۰ مراقبت شروع شد. ساعت ۹/۲۰ سوژه  
از منزل خارج و هنگامی که منتظر تاکسی بود  
جیب شماره ۷۴۶۹ - ط ۳۷ نامبرده را سوار و  
در خیابان ۲۰ متری چهار راه سزاوار پیاده  
کرد و سوژه داخل منزل دکتر مصطفی شد.  
مدت ۴۵ دقیقه توقف نمود، سپس خارج و به  
منزل مراجعت کرد. ساعت ۱۶/۳۰، ۵ نفر تا



ساعت ۱۸ داخل منزل شدند ولی از افراد طبقه ۳ به نظر می‌رسیدند و وضع شهری نداشتند.  
در روز ۳۷/۶/۲۸ ساعت ۷/۱۰ به اتفاق چهار نفر از منزل خارج و از وسائلی که همراه  
داشتند، معلوم بود برای گردش و تفریح می‌روند، پس از تعقیب، از طریق تجریش [به] اوین  
درکه رفتند و پس از نیم ساعت توقف ۳ نفر دیگر به آنها اضافه شدند، بساط مشروب و قمار  
گسترده شد.<sup>۱</sup> در مراجعت ۲ نفر آنان تحت تعقیب قرار گرفتند، مشخصات و کروکی منازل این  
۲ نفر متقابلاً تقدیم خواهد شد.

رئیس بخش ۱

۳۷/۶/۲۹

۱- دکتر بقائی از حوالی سالهای ۱۳۲۲ به دلیل انحراف جنسی دچار سفلیس شد و تنها فرزندش با همین مرض  
متولد شده و نهایتاً بیش از ۱ سال عمر نکرد. همچنین به علت ابتلا به سفلیس، همسرش از او طلاق گرفت. در ارتباط با  
سیر انحرافاتش همین بس که هنگام دستگیری، در سال ۱۳۶۶، دوازده شیشه (کوچک) تریاک، ۲۱۸ بطری مشروبات  
الکلی داخلی و خارجی، چهار گالن مشروب و تعدادی مجلات مبتذل جنسی و عکسهای پسران منحرف با ذکر تاریخ  
تماس و مبلغ تعیین شده، از منزل وی به دست آمد. درباره فساد اخلاقی دکتر بقائی مطلب بسیار است اما از آنجا که  
ورود به جزئیات این امر عرفاً عمل صحیحی نمی‌باشد، به همین مقدار اکتفا شده است.



تاریخ: ۱۳۳۷/۸/۱۸

۱- از ساعت ۱۸ روز ۳۷/۸/۱۷ به تدریج

افراد زیر در منزل دکتر بقائی حضور یافتند:  
 محمدتقی قوانینی، علی اصغر ماشینی،  
 محمد مروی، علی فراهانی، حسین بنکدار،  
 محمدعلی یوسفی زاده، ناصر کاظمی، احمد  
 حسنی، حمزه بزرگ نژاد، امیرناصر قندی،  
 سید جلال حسینی، جعفر انصاری و شهرپور.  
 علی فراهانی گفت: شایعه ساقط شدن دکتر  
 اقبال و سقوط کابینه او خیلی قوت گرفته  
 است. دکتر بقائی گفت: دکتر اقبال نتوانست  
 منظور آمریکائیها را انجام دهد و اگر رفتنی  
 باشد بیشتر بر سر همین جریان است<sup>۱</sup> سید  
 جلال حسینی گفت ابوالحسن حائری زاده

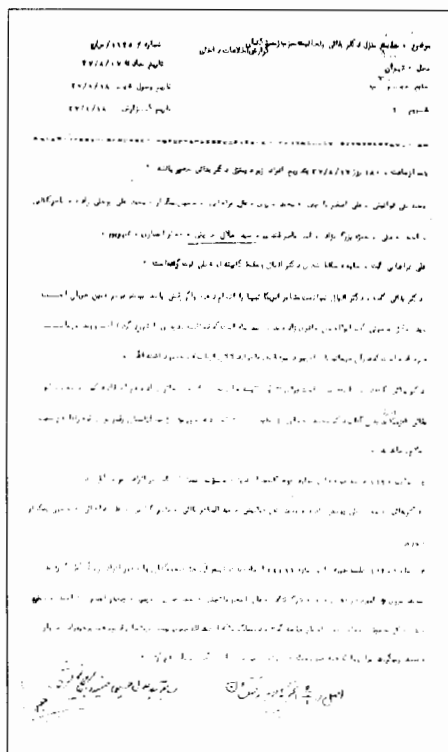
مدت چند ماه است که فعالیت شدیدی را شروع کرده است و چند مهمانی هم داده است که در  
 آن مهمانیها شاهپور غلامرضا<sup>۲</sup> و عده‌ای از دلان ارباب، هم حضور داشته‌اند. دکتر بقائی گفت  
 درست است و ممکن است برای تشکیل کابینه‌های بعدی، از وجود حائری زاده هم استفاده  
 کنند. سپس دکتر بقائی افزود امروز به دیدن آقای دکتر محمود حسابی (سابقاً رئیس دانشکده  
 علوم بود) به منزل ایشان رفتیم برای کلیه رفقا هم سلام رساندند.

۲- ساعت ۱۹/۳۰ جلسه حوزه‌های شماره ۲ و ۵ کارمندان دولت حزب زحمتکشان با حضور  
 افراد زیر تشکیل شد:

دکتر بقائی، محمدعلی یوسفی زاده، محمدتقی قوانینی، عبدالمظفر بقائی<sup>(۳)</sup>، ناصر کاظمی،  
 علی فراهانی، حسین بنکدار و شهرپور.

۳- ساعت ۱۹/۳۰ جلسه حوزه‌های شماره ۱۹ و ۲۲ اصناف بازار تهران حزب زحمتکشان با  
 حضور افراد زیر تشکیل گردید:

محمد مروی، امیرناصر قندی، حمزه بزرگ نژاد، علی اصغر ماشینی، سید جلال حسینی، جعفر  
 انصاری، احمد حسنی. سید جلال حسینی مسوول بحث اخبار جلسه گفت: در مملکت ما که



الحمدالله خبری نیست و رؤسای قوم، همه بر خرمراد سوار هستند و می‌گویند برای ما که همه جور وسیله عیش و تفریح موجود است گور پدر ملت هم کرده.

۱- کابینه دکتر اقبال از ۱۴ فروردین سال ۳۶ آغاز و تا ۶ شهریور ۱۳۳۹ ادامه داشته است. در این دوران، ایران سالهای سخت اقتصادی خود را طی می‌کرد. فشار مضاعف بر مردم، عدم ارائه برنامه صحیح توسط دولت وقت، حضور بیگانگان در ایران و سالهای انتقالی گرایش از انگلیس به آمریکا بالطبع واکنشهایی در محافل سیاسی و اجتماعی ایران داشته است و روی هم رفته دولت را با عدم موفقیت روبه‌رو می‌ساخته است.

۲- شاپور غلامرضا: متولد ۱۳۰۲ هـ برادر ناتنی محمد رضاشاه بود. از جمله سمت‌های وی عبارت بوده از: بازرس عالی نیروهای مسلح و ریاست کمیته ملی المپیک ایران.

۳- عبدالمظفر بقائی: پسر عموی دکتر مظفر بقائی کرمانی، در سال ۱۳۱۳ هـ در کرمان متولد شد. دارای تحصیلات لیسانس در رشته زبان انگلیسی و دبیر آموزش و پرورش بود. عبدالمظفر، عضو حزب زحمتکشان و رئیس سازمان جوانان حزب مذکور در کرمان بود.

تاریخ: ۱۳۳۷/۹/۱۱

## گزارش اطلاعات داخلی

از ساعت ۱۸ روز ۳۷/۹/۱۰ به تدریج افراد زیر در منزل دکتر بقائی حضور یافتند.

اسماعیل یزدپور بازرس شعبه ۲۳ دادگستری، صاحب اختیاری کرمانی کارمند وزارت دارائی، علی اصغر شیرازیان، امیرناصر قندی، دکتر عباس ریاضی کرمانی استاد دانشگاه، محمدتقی قوانینی، حسین بنکدار، علی فراهانی، محمدعلی یوسفی زاده، ماشاءالله اخباری و رهبریان.

دکتر عباس ریاضی کرمانی درباره اوضاع دانشگاه صحبت نمود و در بین سخنان خود گفت که اختلاس و دزدیهای زیادی در

حسابداری دانشگاه شده است. محمدعلی یوسفی زاده گفت در راه آهن هم مبالغ زیادی دزدی شده است و خیال دارند از آن مبالغ دزدی شده ۵۰۰ هزار تومان به دکتر اقبال بدهند. محمدتقی قوانینی گفت باز جرایم منتشر کرده اند که شاهنشاه خیال دارند با ملکه ثریا ازدواج نمایند دکتر بقائی گفت شاهنشاه میل دارد ولی ثریا حاضر نیست چون چند مرتبه به عنوان اعتراض به کشفکاریهای شاهنشاه از ایران به اروپا رفت که دیگر نباید و شاهنشاه چند مرتبه سیدحسن امامی امام جمعه<sup>۱</sup> و چند مرتبه «محمود جم» را عقب ثریا فرستاد و او را به زور به ایران آوردند. حسین بنکدار گفت باز ثریا در دربار از همه زنهای دربار نجیب تر و پاکدامن تر بود. سپس دکتر بقائی درباره مبارزات خود در زمان زمامداری مرحوم تیمسار رزم آرا صحبت کرد. اسماعیل یزدپور گفت بر پدر دکتر مصدق لعنت که احساسات ملت ایران را خورد کرد.

نکته قابل توجه: ساعت ۲۰/۴۵ سرهنگ مقدم رئیس کارگزینی شهربانی کل کشور در منزل بقائی حضور یافت، دکتر بقائی به اتفاق سرهنگ مقدم به اطاق دیگر رفته و مدت ۴۰ دقیقه به صحبتهای محرمانه پرداختند و سپس ساعت ۲۱/۳۰ نامبردگان اخیر بوسیله اتومبیل شخصی شماره ۲۲۶۶۶ ط ۳۷ متعلق به سرهنگ مقدم به محل نامعلومی رفتند. ساعت ۲۲/۳۰ کلیه

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت دارائی  
گزارش داخلی

موضوع: حمله به خانه دکتر بقائی  
محل: تهران  
تاریخ: ۳۷/۹/۱۰  
محل: تهران  
موضوع: حمله به خانه دکتر بقائی

از ساعت ۱۸ روز ۳۷/۹/۱۰ به تدریج افراد زیر در منزل دکتر بقائی حضور یافتند. ...

اسماعیل یزدپور بازرس شعبه ۲۳ دادگستری، صاحب اختیاری کرمانی کارمند وزارت دارائی، علی اصغر شیرازیان، امیرناصر قندی، دکتر عباس ریاضی کرمانی استاد دانشگاه، محمدتقی قوانینی، حسین بنکدار، علی فراهانی، محمدعلی یوسفی زاده، ماشاءالله اخباری و رهبریان.

دکتر عباس ریاضی کرمانی درباره اوضاع دانشگاه صحبت نمود و در بین سخنان خود گفت که اختلاس و دزدیهای زیادی در حسابداری دانشگاه شده است. محمدعلی یوسفی زاده گفت در راه آهن هم مبالغ زیادی دزدی شده است و خیال دارند از آن مبالغ دزدی شده ۵۰۰ هزار تومان به دکتر اقبال بدهند. محمدتقی قوانینی گفت شاهنشاه خیال دارند با ملکه ثریا ازدواج نمایند دکتر بقائی گفت شاهنشاه میل دارد ولی ثریا حاضر نیست چون چند مرتبه به عنوان اعتراض به کشفکاریهای شاهنشاه از ایران به اروپا رفت که دیگر نباید و شاهنشاه چند مرتبه سیدحسن امامی امام جمعه<sup>۱</sup> و چند مرتبه «محمود جم» را عقب ثریا فرستاد و او را به زور به ایران آوردند. حسین بنکدار گفت باز ثریا در دربار از همه زنهای دربار نجیب تر و پاکدامن تر بود. سپس دکتر بقائی درباره مبارزات خود در زمان زمامداری مرحوم تیمسار رزم آرا صحبت کرد. اسماعیل یزدپور گفت بر پدر دکتر مصدق لعنت که احساسات ملت ایران را خورد کرد.

نکته قابل توجه: ساعت ۲۰/۴۵ سرهنگ مقدم رئیس کارگزینی شهربانی کل کشور در منزل بقائی حضور یافت، دکتر بقائی به اتفاق سرهنگ مقدم به اطاق دیگر رفته و مدت ۴۰ دقیقه به صحبتهای محرمانه پرداختند و سپس ساعت ۲۱/۳۰ نامبردگان اخیر بوسیله اتومبیل شخصی شماره ۲۲۶۶۶ ط ۳۷ متعلق به سرهنگ مقدم به محل نامعلومی رفتند. ساعت ۲۲/۳۰ کلیه

حضر، منزل بقائی را ترک کردند.

---

۱- سید حسن امامی: فرزند ابوالقاسم، در سال ۱۲۸۲ در تهران متولد شد. یادشده تحصیلات حوزوی خود را در عراق تا درجه اجتهاد و تحصیلات عالی را در دانشگاه تهران و دانشگاه لوزان سوئیس تا درجه دکترا در رشته حقوق به پایان رساند. وی استاد دانشگاه و امام جمعه تهران [منصوب از طرف محمدرضا شاه] و عضو احزاب عدالت، اتحاد و جمعیت برادران ایران و انجمن بوعلی و عضو تشکیلات جهانی جمعیت فراماسونری بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

شماره: ۲-۳-۴۲۸۹ تاریخ: ۱۳۳۷/۹/۳۰

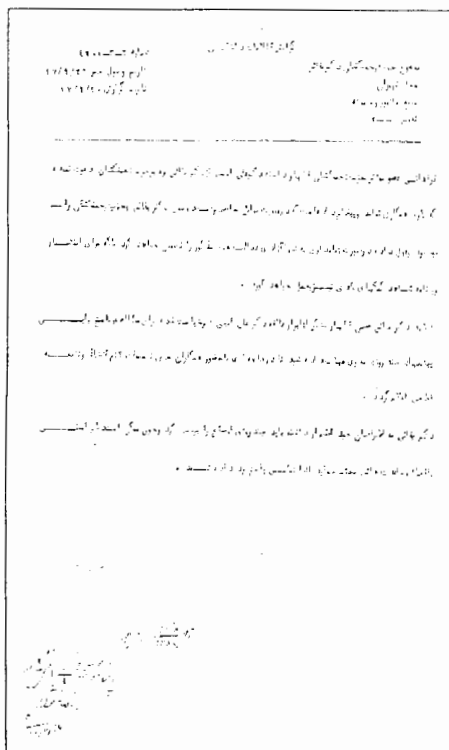
## گزارش اطلاعات داخلی

## موضوع حزب زحمتکشان دکتر بقائی

فراهانی عضو مؤثر حزب زحمتکشان  
 اظهار داشته دکتر علی امینی از دکتر بقائی  
 رهبر حزب زحمتکشان دعوت نموده که با وی  
 همکاری نماید و پیغام داده است که در صورت  
 تمایل، حاضر است دوستی دکتر بقائی و حزب  
 زحمتکشان را بپذیرد و قول داده در صورت  
 زمامداری نه تنها آزادی فعالیت حزب مذکور  
 را تضمین خواهد کرد، بلکه برای انتشار  
 روزنامه شاهد کمکهای مادی نیز به عمل  
 خواهد آورد.

از طرف دکتر بقائی ضمن اظهار تشکر از ابرار

علاقه دکتر علی امینی، درخواست شده برای مطالعه و پاسخ به این پیشنهاد چند روزی به وی  
 مهلت داده شود تا در جلسه‌ای با حضور همکاران حزبی، تصمیمات لازم اتخاذ و نتیجه قطعی  
 اعلام گردد. دکتر بقائی به اطرافیان خود اظهار داشته باید چند روزی اوضاع را بررسی کرد، چون  
 ممکن است دکتر امینی واقعاً مساعدتهائی به حزب بنماید، لذا نیاپستی پاسخ رد داده شود.

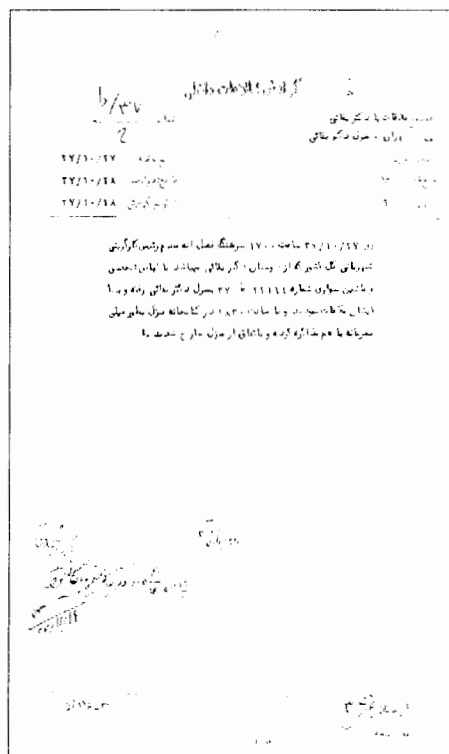


شماره: ۳۷/د-۱ تاریخ: ۱۳۳۷/۱۰/۲۸

## گزارش اطلاعات داخلی

روز ۳۷/۱۰/۲۷ ساعت ۱۷ سرهنگ  
 فضل‌الله مقدم<sup>۱</sup> رئیس کارگزینی شهربانی کل  
 کشور که از دوستان دکتر بقائی می‌باشد با  
 لباس شخصی و ماشین سواری شماره  
 ۲۲۶۶۶ ط ۳۷ به منزل دکتر بقائی رفته و با  
 ایشان ملاقات نمودند و تا ساعت ۱۸/۳۰ در  
 کتابخانه منزل، بطور خیلی محرمانه با هم  
 مذاکره کرده و به اتفاق از منزل خارج شدند.  
 به پرونده ۴۰-۱۴ دکتر بقائی ضمیمه و بایگانی شود

۳۷/۱۲/۱۱



۱- فضل‌الله مقدم مراغه‌ای: فرزند فتح‌الله، متولد ۱۲۹۸ ه‍.ش در تهران، فارغ‌التحصیل دانشکده افسری در سال ۱۳۳۰ بود. تا درجه سروانی، افسر ارتش بوده و در سالهای ۱۳۲۳ لغایت ۱۳۲۵ با رکن دوم ستاد ارتش همکاری نموده است. پس از انتقال به شهربانی، در آغاز، رئیس کلانتری و بعد از واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدت‌ها رئیس اماکن عمومی شهربانی، سینماها، تأثیرها، مشروب فروشی‌ها، کافه‌ها و... بود و در این مقام سوءاستفاده‌های زیادی کرد. در سال ۱۳۳۷ به سمت رئیس کارگزینی شهربانی کل کشور منصوب و سرانجام در ۱۳۳۹ با درجه سرهنگ دومی از کار برکنار گردیده و در همان سال به عضویت تشکیلات جهانی فرماسونری و عضو لژهای تهران، نور، کورش و خیام نیز درآمد. نامبرده از دوستان نزدیک و محارم دکتر مظفر بقائی بوده و در جلسات حزب زحمتکشان و جلسات خصوصی بقائی شرکت می‌کرده است. همچنین یادشده از طرفداران رژیم سلطنتی و از علاقه‌مندان شخصی شاه معرفی شده است.  
 پرونده‌های انفرادی ساواک

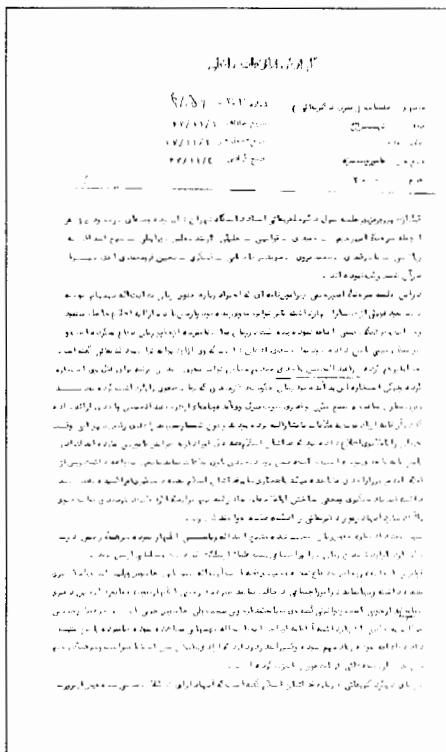
تاریخ: ۱۳۳۷/۱۱/۴

# گزارش اطلاعات داخلی

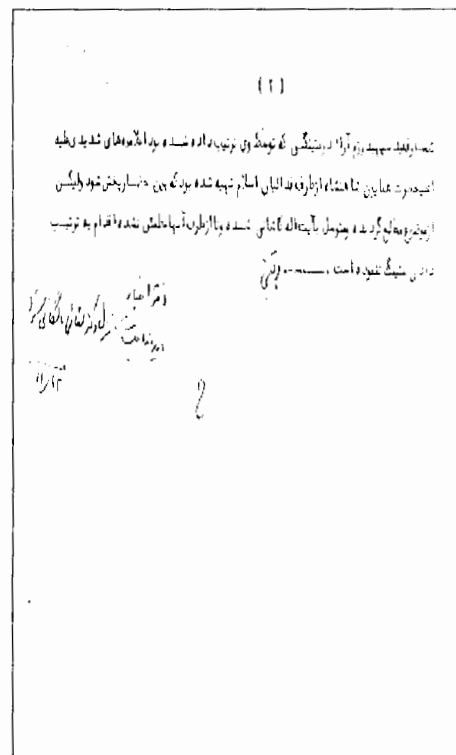
قبل از ظهر روز مزبور جلسه منزل دکتر مظفر بقائی استاد دانشگاه تهران دایر بوده و عده‌ای در حدود ۱۵ نفر از جمله سرهنگ امیررحیمی، حمیدی، قوانینی، خلیلی کارمند مجلس شورای ملی، شیخ اسدالله ریاضی، ناصر قندی، محمد مروی، مهندس باستانی، لشگری، معین‌فر و محمدی اهل شیراز در آن شرکت نموده‌اند.

در این جلسه سرهنگ امیررحیمی پیرامون نامه‌ای که اخیراً درباره حقوق زنان به آیت‌الله بهبهانی نوشته بحث نموده و یکی از حضار اظهار داشت کاش نواب صفوی زنده بود

و از متن نامه مشارالیه اطلاع حاصل می‌نمود و خطاب به سرهنگ رحیمی اضافه نموده به چه علت در زمان حیات نامبرده از حقوق زنان دفاع نمی‌کرده است و سرهنگ رحیمی پاسخ داده خود نواب صفوی اذعان داشت که وی از او دیوانه‌تر است و دکتر بقائی گفته است خدا به او رحم کرده زیرا عبدالحسین واحدی<sup>۱</sup> معدوم معاون نواب صفوی چندین مرتبه برای قتل وی استخاره کرده و لیکن استخاره‌اش بد آمده بود زمان حکومت دکتر مصدق که نواب صفوی را بازداشت کرده بودند روزی مقارن ساعت ۵ صبح یک زن چادری درب منزل وی آمده و نامه‌ای از طرف عبدالحسین واحدی ارایه داده که در آن نامه او را دعوت به ملاقات با مشارالیه کرده بودند و چون تیمسار سپهبد زاهدی رئیس شهربانی وقت، جریان را کاملاً به وی اطلاع داده بود که فدائیان اسلام قصد قتل او را دارند و برایش مأمورینی گمارده‌اند لذا در پاسخ نامه واحدی نوشته‌است چنانچه صبح زود در منزلش با وی ملاقات نماید مانعی نخواهد داشت، پس از آنکه نامه مزبور را واحدی مشاهده می‌کند با همکاری سایر فدائیان اسلام نقشه دستگیری او را کشیده و قصد داشته‌اند با دستگیری و مخفی ساختن او اعلامیه‌ای صادر کنند مبنی بر اینکه اگر دولت دکتر مصدق، نواب صفوی را آزاد نسازد آنها در عوض، دکتر بقائی را قطعه قطعه خواهند



کرد.<sup>۱</sup> سپس مجدداً درباره حقوق زنان صحبت شده و شیخ اسدالله ریاضی اظهار نموده سرهنگ رحیمی در نظر دارد با وارد شدن زنان در امور اجتماعی ریشه علما از مملکت کنده شود و مسلمانی از بین برود. قوانینی از جامعه روحانیت دفاع نموده و حمیدی گفته است آیت‌الله بهبهانی جاسوس و پلیس است و لشگری عقیده داشته زن‌ها نباید در امور اجتماعی دخالت نمایند و سرهنگ رحیمی اظهار نموده سناتور دکتر متین‌دفتری سیاستمدار خوبی است و قوانینی گفته وی سیاستمدار خوبی نیست ولی جاسوس خوبی است. سرهنگ رحیمی خطاب به خلیلی اظهار داشت آیا نامه او را خطاب به آیت‌الله بهبهانی مشاهده نموده و



نامبرده پاسخ مثبت داده و اضافه نموده زیاد مهم نبوده و کشور آنقدر درد دارد که آزادی بانوان بین آنها ناچیز است و سرهنگ رحیمی بین حضار نسخه‌هایی از نامه فوق را توزیع کرده است. در جای دیگر دکتر بقائی درباره فدائیان اسلام گفته است که آنها دارای تشکیلات منظمی بوده و پس از ترور تیمسار فقید سپهبد رزم‌آرا در متینگی که توسط وی ترتیب داده شده بود، اعلامیه‌های شدیدی علیه اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه از طرف فدائیان اسلام تهیه شده بود که بین حضار پخش شود ولیکن از موضوع مطلع گردیده و متوسل به آیت‌الله کاشانی شده و تا از طرف آنها مطمئن نشده، اقدام به ترتیب دادن متینگ ننموده است.

۱- عبدالحسین واحدی: فرزند سید محمدرضا، به عنوان مرد شماره ۲ فدائیان اسلام مطرح بود و در راستای اهداف فدائیان اسلام به سخنرانی می‌پرداخت. در جریان اختلاف فدائیان اسلام با آیت‌الله کاشانی، واحدی اعتقاد به نزدیکی فدائیان اسلام با آیت‌الله کاشانی داشت و در روز ۱۵ خرداد ۱۳۳۲ در سخنرانی مسجد جامع گفت: «قریب [به] ۲۵ روز است از نواب صفوی کناره‌گیری کرده‌ام... من شاگرد نواب صفوی هستم ولی استعفا کردم تنها به مبارزه ادامه دهم.» در همین ایام خبر تشکیل جمعیت «فرزندان قربانی اسلام» توسط طلاب مدرسه مروی به رهبری عبدالحسین واحدی به دستگاه امنیتی شاه واصل شد. در جریان دستگیری‌های گسترده فدائیان اسلام، واحدی را که می‌خواست به



نشات فرار کند در اهواز دستگیر کردند و به تهران آوردند. در جلسه‌ای سپهبد آزموده دادستان ارتش به واحدی دشنام داد و او نیز صندلی را برداشت و بر سر آزموده زد. آزموده هم واحدی را با کلت هدف قرار داد و شهید کرد. بعد نوشتند که در راه آوردن وی به تهران از چنگ مأمورین گریخت و با شلیک چند تیر به قتل رسید.

۲- دکتر مظفر بقائی در جلسه بازجویی در این باره می‌گوید:

«مصدق، نواب صفوی را زندانی کرده بود و در تعقیب فدائیان اسلام بود. یک روز، حالا موقعی هم بود که با دکتر مصدق ما شمشیرهایمان تقریباً بیرون کشیده شده بود و دور خانه من هم مرتب مأمور بود و تحت نظر بودم. یک روز صبح پیش از آفتاب مرا بیدار کردند و گفتند که یک زنی آمده می‌خواهد ترا ببیند، کار واجبی دارد. من رفتم نشستم. پاکت را باز کردم، بالایش نوشته بود: هوالعزیز. این شعار فدائیان اسلام است. نوشته بودند که چون جریانی بود که می‌خواستیم با شما مذاکره کنیم، به همراهی همین زن بیایید مذاکره کنیم. روز جلسه مجلس بود. به علاوه من این جوری هم راه نمی‌افتادم بروم. جواب نوشتم که من الان وقت ندارم، شما فردا صبح، همین ساعت می‌توانید بیایید منزل، با هم صحبت کنیم. دادم به آن زن و او رفت. فردا صبح دوباره، همین طور پیش از طلوع آفتاب دیدم که این خانم آمد و مرا بیدار کردند. رفتم و یک نامه دیگری، باز هوالعزیز نوشته بودند که، بله من می‌دانستم که روی شما نمی‌شود حساب کرد، ولی تو می‌خواستی که من بیایم آن جا مرا بدهی به دست مأموران مصدق ببرند پهلوی نواب صفوی، ولی چون من قائل به استخاره هستم، باز استخاره کردم، خوب آمد که به تو بنویسم و بیایی بینمت.»

بازجویی بقائی، صفحات ۲۱۷-۲۱۸

تاریخ: ۱۳۳۷/۱۱/۴

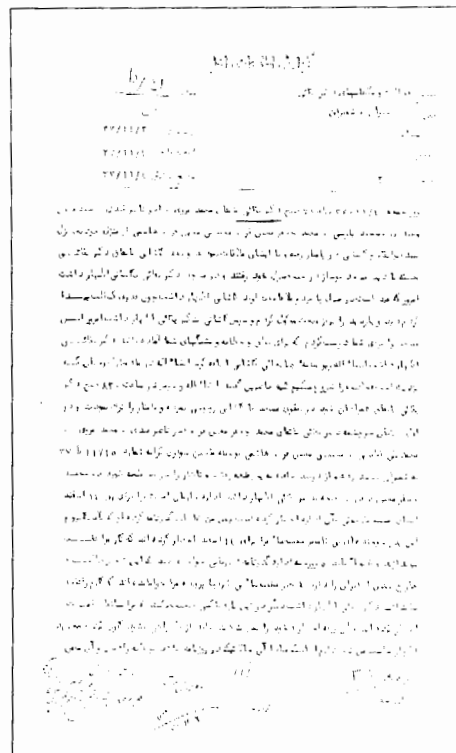
## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: فعالیت و ملاقاتهای دکتر بقائی

روز جمعه ۳۷/۱۱/۳ ساعت ۷ صبح  
دکتر بقائی به اتفاق محمد مروی، امیرناصر  
قندی، سید حسن وحیدی، سعید پارسی،  
محمدجعفر معین فر، مجتبی معین فر و  
هاشمی از منزل خود به منزل سیدابوالقاسم  
کاشانی در پامنار رفته و با ایشان ملاقات  
نمودند و بعد، کاشانی به اتفاق دکتر بقائی  
جهت بازدید مسجد نوساز در جنب منزل  
خود رفتند، در مسجد دکتر بقائی به کاشانی  
اظهار داشت: امروز که عید است، در منزل، با  
مردم ملاقات ندارید؟ کاشانی اظهار داشت:

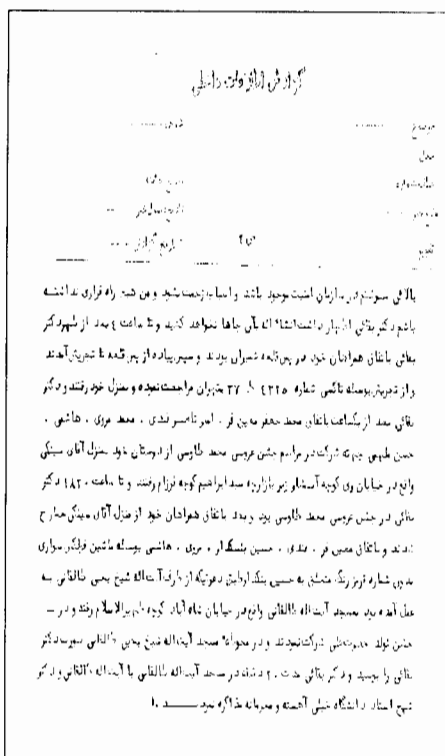
چون قدری کسالت پیدا کردم دید و بازدید را به روز مبعث موکول کردم، سپس کاشانی به دکتر  
بقائی اظهار داشت: امروز این مسجد را برای شما درست کردم که برای نطق و خطابه و  
متبنگهای شما آماده باشد. دکتر بقائی اظهار داشت: ان شاءالله زیر سایه جناب عالی، کاشانی  
اضافه کرد: ان شاءالله در ماه مبارک رمضان که نزدیک است، فعالیت را شروع می‌کنیم. کلیه  
حاضرین گفتند ان شاءالله. سپس در ساعت ۸/۳۰ صبح دکتر بقائی به اتفاق همراهان خود در  
جلوی مسجد با کاشانی روبروسی نموده و پامنار را ترک نمودند.

در اول خیابان سرچشمه، دکتر بقائی به اتفاق محمدجعفر معین فر، امیرناصر قندی، محمد  
مرویی، محمدتقی قوانینی، مجتبی معین فر و هاشمی بوسیله ماشین سواری کرایه شماره  
۱۱۷۲۵ ط ۳۷ به شمیران دربند رفته و از دربند پیاده به «پس قلعه» رفتند و ناهار را در «پس  
قلعه» خوردند، محمدجعفر معین فر در پس قلعه به دکتر بقائی اظهار داشت: اداره سازمان  
امنیت<sup>۱</sup> مرا برای روز ۱۴ اسفند امسال جهت بازجوئی به آن اداره احضار کرده است چون من  
تقاضای گذرنامه کرده‌ام که به آمریکا بروم، این پدر سوخته‌های بی‌ناموس مخصوصاً مرا برای  
اسفند احضار کرده‌اند که کار مرا عقب بیندازند، قانوناً باید ۵ روزه به اداره گذرنامه شهربانی



جواب بدهند که این شخص صلاحیت خارج شدن از ایران را دارد یا خیر. مخصوصاً بی‌شرفها ۱۴ پرونده مرا خوابانده‌اند که کارم را عقب بیندازند.

دکتر بقائی اظهار داشت: دیگر در این باره با کسی صحبت نکنید که مرا به سازمان امنیت احضار کرده‌اند و آن ورقه احضاریه خود را به من بدهید شاید از یک راهی بشود کاری کرد<sup>۱</sup> و معین‌فر اظهار داشت: من ترس دارم از اینکه مبدا آن مقالاتی که در روزنامه شاهد علیه زاهدی و آن مومن بالائی می‌نوشتم، در سازمان امنیت موجود باشد و اسباب زحمت بشود و من هیچ راه فراری نداشته باشم. دکتر بقائی اظهار داشت: ان شاء الله به آن جاها نخواهد کشید.



تا ساعت ۴ بعد از ظهر دکتر بقائی به اتفاق همراهان خود در پس قلعه شمیران بودند و سپس پیاده از پس قلعه تا تجریش آمدند و از تجریش بوسیله تاکسی شماره ۴۳۲۵ ط ۳۷ به تهران مراجعت نموده و به منزل خود رفتند. دکتر بقائی بعد از یک ساعت به اتفاق محمدجعفر معین‌فر، امیرناصر قندی، محمد مروی، هاشمی و حسن ملهمی جهت شرکت در مراسم جشن عروسی «محمد طاووسی» از دوستان خود به منزل آقای «سینکی» واقع در خیابان ری، کوچه آبشار، زیر بازارچه سید ابراهیم، کوچه فرزام رفتند و تا ساعت ۱۸/۳۰ دکتر بقائی در جشن عروسی محمد طاووسی بود و بعد به اتفاق همراهان خود از منزل آقای سینکی خارج شدند و به اتفاق معین‌فر، قندی، حسین بنکدار، مروی و هاشمی بوسیله ماشین فولکس سواری بدون شماره، قرمز رنگ متعلق به حسین بنکدار طبق دعوتی که از طرف آیت‌الله شیخ‌یحیی طالقانی<sup>۲</sup> به عمل آمده بود، به مسجد آیت‌الله طالقانی واقع در خیابان شاه‌آباد کوچه ظهیرالاسلام رفته و در جشن تولد حضرت علی شرکت نمودند و در محوطه مسجد، آیت‌الله شیخ یحیی طالقانی صورت دکتر بقائی را بوسید و دکتر بقائی مدت ۲۰ دقیقه در مسجد آیت‌الله طالقانی با آیت‌الله طالقانی و دکتر شیخ، استاد دانشگاه، خیلی آهسته و محرمانه مذاکره

نمودند.

۱- مقصود سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) می‌باشد. تشکیل این سازمان در سال ۱۳۳۵ ه‍.ش توسط مجلس شورای ملی تصویب و در ۱۳۳۶ رسماً تأسیس گردید. ساواک مأمور سرکوب و مقابله با مخالفان رژیم و مبارزات اسلامی ایران بود. این سازمان در واقع اداره مرکزی «سیا» در خاورمیانه بود. قساوت و بی‌رحمی ساواک بدان حد بود که دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۳۵۴ ه‍.ش اعلام کرد: «کارنامه هیچ کشوری در جهان سیاه‌تر از کارنامه ایران در زمینه حقوق بشر نیست».

۲- در خصوص نفوذ بقائی در ساواک همین بس که به اعتراف بقایی، تیمور بختیار، اولین ریاست ساواک، برخی از تصمیمات مهم خود را قبل از انجام، به اطلاع دکتر بقائی می‌رسانده و یا تیمسار پاکروان که بعد از تیمور بختیار ریاست ساواک را به عهده داشت، تا یک هفته قبل از اعدامش (در نظام جمهوری اسلامی)، هفته‌ای یک روز با بقائی جلسه داشته است و همچنین تیمسار ناصر مقدم که بعد از نصیری رئیس ساواک شد، همیشه اظهار ارادت نسبت به بقائی می‌نموده است. تیمسار فردوست نیز در تکنونیسی که از ایشان وجود دارد، بسیار از بقائی تعریف و تمجید کرده و پس از چند صفحه تعریف، در انتها حتی راه رفتن بقائی را می‌ستاید. شایان ذکر است به اقرار بقائی، منصور رفیع‌زاده که از اعضای حزب زحمتکشان و از ارادتمندان سرسخت بقائی بوده، توسط وی به تیمسار پاکروان برای استخدام در ساواک معرفی شده بود که بعد از مدتی از طرف ساواک به آمریکا اعزام گشته و در آنجا به عضویت سازمان «سیا» درآمد و تا پیروزی انقلاب اسلامی، به مدت ۱۹ سال مسوول ساواک ایران در آمریکا بود.

۳- شیخ یحیی عبادی طالقانی: فرزند محمدحسین طالقانی، در سال ۱۲۹۳ ه‍.ش در تهران متولد شد. به طوری که معروف است پدر ایشان در علم اصول ممتاز بوده و فرد مقدسی بود. یحیی عبادی طالقانی بعد از تحصیلات مقدماتی در مدرسه سپهسالار و مدارس علوم دینی در تهران، به قم رفته و در آنجا از شاگردان مرحوم سیدمحمد تقی خوانساری بوده و دروس حوزوی را تا سطح اجتهاد ادامه داد. وقتی که پدرشان فوت کرد به تهران بازگشته و به جای پدر خود در مسجد «سیف‌الدوله» امام جماعت شد. یادشده با نواب صفوی تماس زیادی داشته است. از طرفداران آیت‌الله کاشانی بوده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

شماره: ۴۷/۵-۵ تاریخ: ۱۳۳۷/۱۱/۱۱

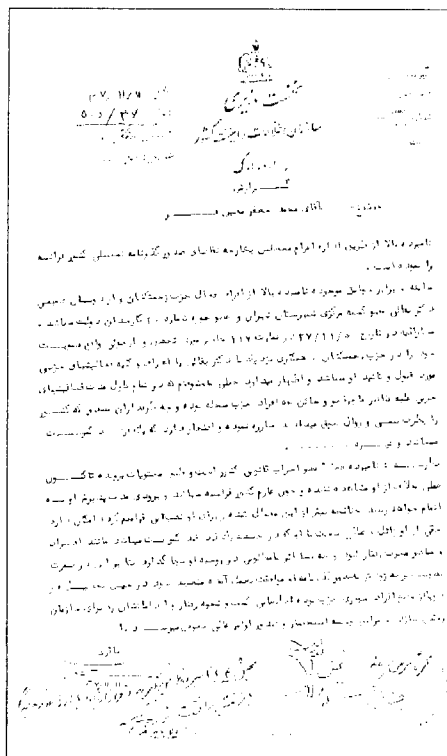
### گزارش

موضوع: آقای محمدجعفر معین‌فر

نامبرده بالا از طریق اداره اعزام محصلین به خارج تقاضای صدور گذرنامه تحصیلی کشور فرانسه را نموده است.

سابقه: برابر سوابق موجوده نامبرده بالا از افراد فعال حزب زحمتکشان و از دوستان صمیمی دکتر بقائی، عضو کمیته مرکزی شهرستان تهران و عضو حوزه شماره ۲۰ کارمندان دولت می‌باشد.

مشارالیه در تاریخ ۳۷/۱۱/۵ در عمارت ۱۱۷ حاضر و مورد تحقیق و بازجوئی واقع، عضویت خود را در حزب زحمتکشان و همکاری نزدیک با دکتر بقائی را اعتراف و کلیه



فعالیت‌های حزبی، مورد قبول و تأیید او می‌باشد و اظهار می‌دارد:

خیلی خوشوقتم که در تمام طول مدت فعالیت‌های حزبی، علیه عناصر ماجراجو و خائن چه افراد حزب منحل شده و چه طرفداران مصدق که کشور را به طرف نیستی و زوال سوق می‌دادند، مبارزه نموده و افتخار دارد که یک فرد ضد کمونیست می‌باشد<sup>۱</sup> و غیره...

نظریه: نامبرده، فعلاً عضو احزاب قانونی کشور است و طبق محتویات پرونده، تاکنون عملی خلاف از او مشاهده نشده و چون عازم کشور فرانسه می‌باشد و به زودی مدت پذیرش او به اتمام خواهد رسید چنانچه بیش از این معطل شده و برای او تضییقاتی فراهم گردد امکان دارد حقی از او زائل و صلاح نیست با او که در حقیقت یک فرد ضد کمونیست می‌باشد، مانند افراد و عناصر مخرب، رفتار شود و چه بسا اثر نامطلوبی در روحیه او بجاگذارد بنابراین در صورت تصویب، هر چه زودتر با صدور گذرنامه او موافقت به عمل آمده، متعهد شود در حین تحصیل در اروپا از وضع افراد متواری حزب توده اطلاعاتی کسب و نحوه رفتار و اقداماتشان را برای سازمان روشن سازد. مراتب جهت استحضار و صدور اوامر عالی به عرض می‌رسد.

۱- در چندین مقطع، بزرگ‌نمایی خطر کمونیسم در ایران خط اصلی تبلیغاتی بقائی و همکاریانش را تشکیل می‌داد.

بالاخص در دوران حکومت دکتر مصدق و همچنین سالهای پیروزی نهضت، به رهبری امام خمینی «ره». این کار بیشتر به خاطر ترساندن مردم از انجام انقلاب علیه سلطنت شاهنشاهی بوده است و از طرفی بهانه‌ای برای دخالت‌های بعدی قدرت‌های غربی بود.

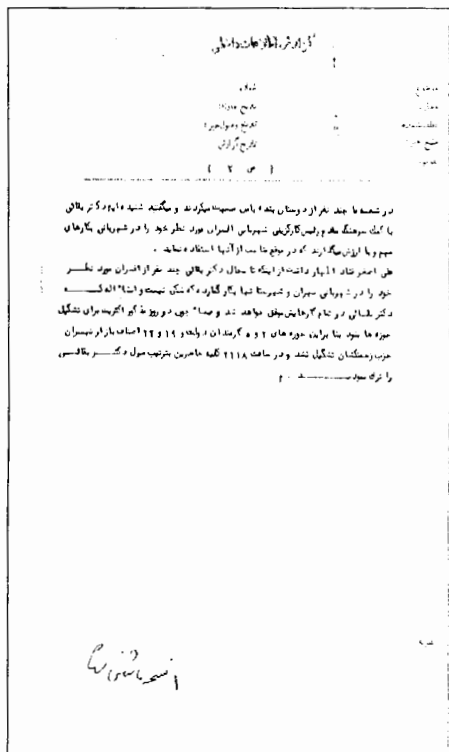
درست است که حزب توده در برخی مناطق شهری از نفوذ قابل اعتنا برخوردار شده و چنانکه بعدها آشکار شد، در صفوف نیروهای مسلح نیز رسوخ کرده بود، مع هذا در ارزیابی میزان نفوذ و قدرت حزب توده به شدت اغراق می‌شد.



برنامه حیف و میل شده است کجا رفته و کی خورده است، تمام بودجه سازمان برنامه را خودابتهاج تنها میل کرد و یک شاهی از آن پولها را نه به شاهنشاه داد و نه به وزرا و نه به وکلا داد. قناد، درباره پولهایی که آمریکایی‌ها به عنوان کمک به ایران [دادند] و عواید نفتی ایران که در اختیار سازمان برنامه بود و تمام آن پولها را ابتهاج به حساب خودش در بانکهای خارج گذاشت با دکتر بقایی مذاکره نمودند.

در ساعت ۱۹/۳۰ چون دکتر بقایی در منزل سرهنگ مقدم رئیس کارگزینی شهرانی کل کشور مهمان بودند از حاضرین خداحافظی و به منزل ایشان رفتند و بعد از رفتن وی علی فراهانی به حاضرین اظهار

داشت: امروز در دادگستری، در شعبه ما چند نفر از دوستان بنده بامن صحبت می‌کردند و می‌گفتند شنیده‌ایم دکتر بقایی با کمک سرهنگ مقدم رئیس کارگزینی شهرانی، افسران مورد نظر خود را در شهرانی به کارهای مهم و با ارزش می‌گذارند که در موقع مناسب از آنها استفاده نماید. علی اصغر قناد اظهار داشت از اینکه تا به حال دکتر بقایی چند نفر از افسران مورد نظر خود را در شهرانی تهران و شهرستانها به کار گمارده که شکی نیست و ان شاء الله که دکتر بقایی در تمام کارهایش موفق خواهد شد. ضمناً چون در روز مذکور اکثریت برای تشکیل حوزه‌ها نبود بنابراین حوزه‌های ۲ و ۵ کارمندان دولت و ۱۹ و ۲۲ اصناف بازار تهران حزب زحمتکشان تشکیل نشد و در ساعت ۲۱/۱۸ کلیه حاضرین به ترتیب منزل دکتر بقایی را ترک نمودند.





شماره: ۶۲/د-۱ تاریخ: ۱۳۳۷/۱۱/۲۹

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: ملاقات با دکتر بقائی

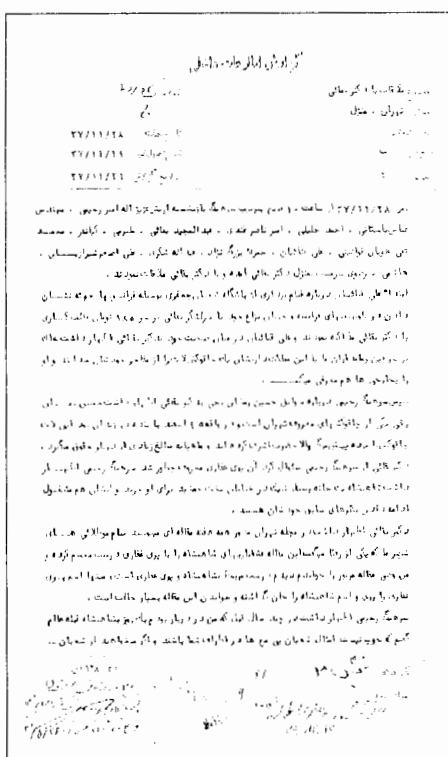
روز ۳۷/۱۱/۲۸ از ساعت ۱۰ صبح به ترتیب سرهنگ بازنشسته ارتش عزیزالله امیررحیمی، مهندس عباس باستانی، احمد خلیلی، امیرناصر قندی، عبدالمجید بقائی، ملترمی، کیانفر، محمدتقی علویان قوانینی، علی قناتیان، حمزه بزرگ‌نژاد، عبدالله شکری، علی اصغر شیرازیان، هاشمی و رضوی سرمست به منزل دکتر بقائی آمده و با دکتر بقائی ملاقات نمودند.

ابتدا علی قناتیان درباره فیلم‌برداری از باشگاه شعبان جعفری بوسیله فرانسویها

جهت نشان دادن در تلویزیونهای فرانسه و جریان نزاع خود با سرلشکر بقائی بر سر ۱۸۵ تومان طلب‌کاری، با دکتر بقائی مذاکره نمودند، علی قناتیان در میان صحبت خود به دکتر بقائی اظهار داشت خاک بر سر این زمامداران ما، با این مملکت‌داری‌شان، یک چاقوکش لات را از مفاخر خودشان می‌دانند و او را به خارجی‌ها هم معرفی می‌کنند.

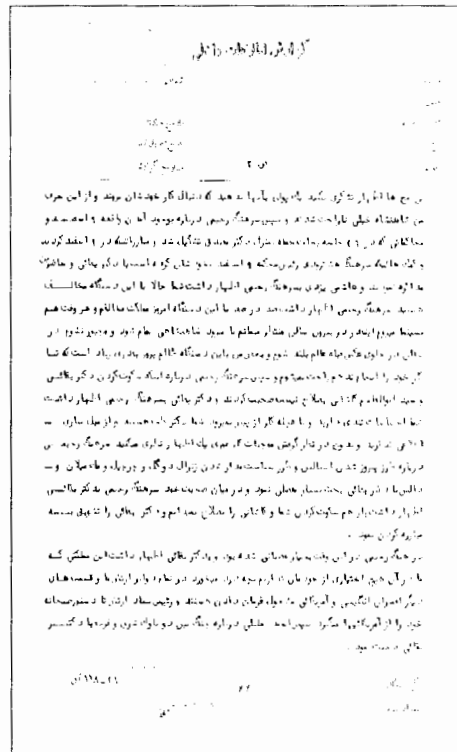
سپس سرهنگ رحیمی درباره سوابق حسین رمضان‌خی به دکتر بقائی اظهار داشت، حسین رمضان‌خی یکی از چاقوکشهای معروف تهران است و در واقعه ۹ اسفند باینده در زندان بود، این لات چاقوکش را برده [و] پیش مرگ والا حضرت اشرف کرده‌اند و ماهیانه مبالغ زیادی از دربار حقوق می‌گیرد. دکتر بقائی از سرهنگ رحیمی سؤال کرد آن پری غفاری معروف چطور شد سرهنگ رحیمی اظهار داشت شاهنشاه یک خانه بسیار شیک در خیابان تخت جمشید برای او خرید و ایشان هم مشغول ادامه دادن به کارهای سابق خودشان هستند.

دکتر بقائی اظهار داشت در مجله تهران‌مصور<sup>۱</sup> همه هفته مقاله‌ای می‌نویسد به نام «موطلاتی‌های شهر ما» که یکی از رفقا می‌گفت این مقاله عشق‌بازیهای شاهنشاه را با پری غفاری درست مجسم کرده و من وقتی مقاله مزبور را خواندم دیدم درست مربوط به شاهنشاه و



پری غفاری است و منتها اسم پری غفاری را زری و اسم شاهنشاه را خان گذاشته و خواندن این مقاله بسیار جالب است.

سرهنک رحیمی اظهار داشت در چند سال قبل که من در دربار بودم یک روز به شاهنشاه قبله عالم، گفتم که خوب نیست امثال شعبان بی‌مخ‌ها در اطراف شما باشند و اگر می‌خواهید از شعبان بی‌مخ‌ها اظهار تشکری بکنید یک پولی به آنها بدهید که دنبال کار خودشان بروند، از این حرف من، شاهنشاه خیلی ناراحت شدند. سپس سرهنک رحیمی درباره بوجود آمدن واقعه ۹ اسفند و محاکماتی که در ۴۶ جلسه به علت حمله به منزل دکتر مصدق تشکیل شد و مبارزاتی که در ۹ اسفند کردند و کمک‌هایی که



سرهنک هشترودی رئیس محکمه ۹ اسفند به خودشان کرده است، با دکتر بقائی و حاضرین مذاکره نمودند و هاشمی یزدی به سرهنک رحیمی اظهار داشت شما حالا با این دستگاه مخالف هستید سرهنک رحیمی اظهار داشت صددرد با این دستگاه امروز مملکت مخالفم و هر وقت هم به سینما می‌روم اینقدر در بیرون سالن منتظر می‌مانم تا سرود شاهنشاهی تمام شود و مجبور نشوم در سالن جلوی عکس قبله عالم بلند شوم و بغض من به این دستگاه ظالم‌پرور به قدری زیاد است که تا کار خود را انجام ندهم، راحت نمی‌شوم. سپس سرهنک رحیمی درباره اینکه سکوت کردن دکتر بقائی و سید ابوالقاسم کاشانی به صلاح نیست صحبت کردند و دکتر بقائی به سرهنک رحیمی اظهار داشت شما احساسات تندى دارید، با عجله کار از پیش نمی‌رود شما دکتر طب هستید و از میل‌سازی اطلاعی ندارید و بدون در نظر گرفتن موجبات کار، فوری یک اظهار نظری می‌کنید. سرهنک رحیمی درباره طرز پیروز شدن استالین و طرز سیاست‌مدار شدن ژنرال دوگل و چرچیل و مک میلان و دالس با دکتر بقائی بحث بسیار مفصلی نمود و در میان صحبت خود سرهنک رحیمی به دکتر بقائی اظهار داشت باز هم سکوت کردن شما و کاشانی را به صلاح نمی‌دانم و دکتر بقائی را تشویق به مبارزه کردن

نمود.

سرهنگ رحیمی در این وقت بسیار عصبانی شده بود، به دکتر بقائی اظهار داشت این مملکتی که ما در آن هیچ اختیاری از خودمان نداریم به چه درد می‌خورد در تمام دوایر ارتش ما و قسمت‌های دیگر، افسران انگلیسی و آمریکائی مشغول فرمان دادن هستند، رئیس ستاد ارتش حتی دستور صبحانه خود را از آمریکائی‌ها می‌گیرد. سپس احمد خلیلی درباره جنگ بین دو بلوک شرق و غرب با دکتر بقائی صحبت نمود.

۱- تهران مصور:

صاحب امتیاز: احمد دهقان

سر دبیر: عبدالله والا

اولین شماره: ۲۷ مرداد ۱۳۲۱

ترتیب انتشار: هفتگی

موضوع: ابتدا چپ‌گرا و عضو جبهه آزادی، بعداً میانه‌رو و سپس راست‌گرا

شماره دوم این مجله در ۳ شهریور ماه ۱۳۲۱ به علت چاپ کار یکانوری از رضا شاه توقیف شد و مدت دو ماه در توقیف ماند. در فروردین ۱۳۲۲ نیز به مدت دو ماه توقیف گردید. در ۱۳۲۳ به جای روزنامه «میهن» و در شهریور ۱۳۲۴ به جای روزنامه «ایران ما» انتشار یافت. این مجله از حدود شهریور ۱۳۲۴ روش میانه‌روی اختیار کرد و سپس در جریان حکومت خود مختار آذربایجان کاملاً به سمت راست و موضع ضد کمونیستی گرایش یافت. در بهمن ۱۳۲۴ چند شماره به جای روزنامه «اقدام» منتشر کرد، در مرداد و شهریور ۱۳۲۵ توقیف شد و روزنامه باز پرس به جایش منتشر گردید. در آذر ۱۳۲۵ نیز بار دیگر چند شماره به جای روزنامه اقدام انتشار داد. در ابتدای کار مجله تهران مصور، بیشتر مطالب آن زیر نظر عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات تهیه می‌شد. عبدالله والا سردبیری مجله و امتیاز روزنامه باز پرس را نیز به عهده داشت.

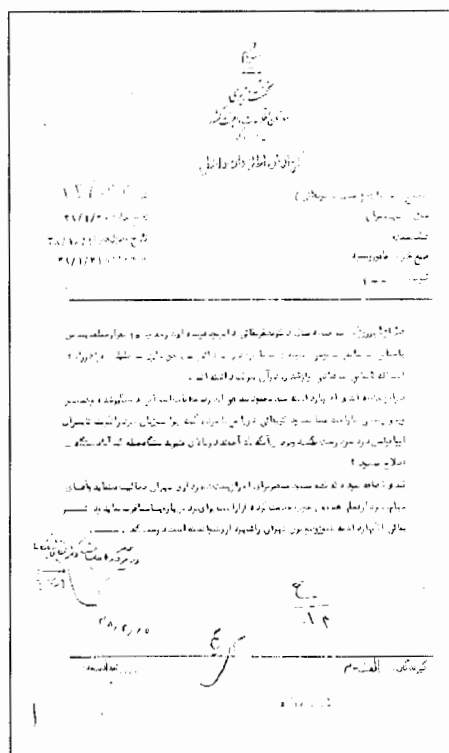
قبل از ظهر روز گذشته جلسه منزل دکتر مظفر بقائی دایر بوده و عده‌ای در حدود ۱۵ نفر از جمله مهندس باستانی، کیانفر، موسی شهیدی، ناصر قندی، دانش، برخوردار، خلیلی خواهرزاده آیت‌الله کاشانی، هاتفی و ازغندی در آن شرکت داشته‌اند.

در این جلسه قندی اظهار داشته سید محمود سدهی از طرف مقامات انتظامی دستگیر شده و همسر و پدرش خیلی ناراحت می‌باشند، دکتر بقائی در پاسخ نامبرده گفته چرا جلو زبان خود را نگرفته تا برای او و اقوامش درد سر درست نکنند، بر فرض آنکه

یک آخوند در بالای منبر به دستگاه حمله کند آیا دستگاه اصلاح می‌شود؟ قندی اضافه نمود که گفته می‌شود «منتصر» برای احراز پست شهرداری تهران فعالیت می‌نماید و آقای «مهام» شهردار فعلی هم چون خوب خدمت کرده قرار است برای گردش به اروپا مسافرت نماید، دکتر بقائی اظهار داشته هنوز وضع برق تهران را شهرداری نتوانسته است درست کند.

در پرونده جلسات دکتر بقایی بایگانی شود

3A/2/15

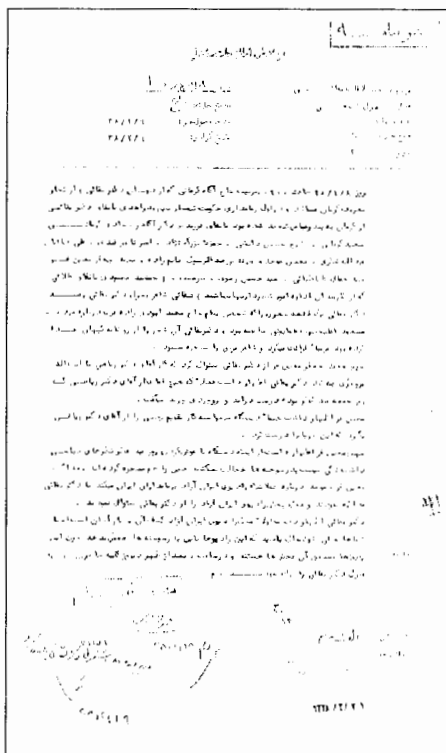


شماره: ۵۹۸/د-۱ تاریخ: ۱۳۳۸/۲/۹

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: ملاقات بقائی

روز ۳۸/۲/۸ ساعت ۹ به ترتیب حاج آگاه کرمانی<sup>۱</sup> که از دوستان دکتر بقائی و از تجار معروف کرمان می باشد و در اول زمامداری حکومت تیمسار سپهبد زاهدی به اتفاق دکتر بقائی از کرمان به بندر عباس تبعید شده بود به اتفاق فرزندش، دکتر آگاه و سجادی کرمانی، سعید کرمانی، شیخ حسین دانشی، حمزه بزرگ نژاد، امیرناصر قندی، علی قنائیان، عبدالله شکری، محسن موحد، مهندس عبدالرسول حاتم زاده، محمدجعفر معین فر، سید جمال طباطبائی، سید حسین



رضوی، سرمست، جمشید موحدی به اتفاق طلایی که از کارمندان اداره امور شهرداریها می باشند و صفائی شاعر به منزل دکتر بقائی رفتند. دکتر بقائی یک قطعه شعری را که شخصی به نام حاج محمد ابودی زاده عرب درباره میلاد مسعود اعلی حضرت همایونی ساخته بود و دکتر بقائی آن شعر را از روزنامه کیهان جدا کرده بود، مرتباً قرائت می کرد و شاعر مزبور را مسخره می نمود.

سپس محمدجعفر معین فر از دکتر بقائی سؤال کرد که کار آقای دکتر ریاضی با آیت الله بروجردی چه شد؟ دکتر بقائی اظهار داشت: فعلاً که هیچ، اما نظر آقای دکتر ریاضی که روز جمعه عید فطر بوده درست درآمد و بروجردی چرند می گفت.<sup>۲</sup> معین فر اظهار داشت: حتماً دستگاه می خواسته کار تقویم نویسی را از آقای دکتر ریاضی بگیرد که این جریان را درست کرد. سپس معین فر اظهار داشت: از اینکه دستگاه با عوض کردن روز عید فطر نظرهای سیاسی داشت شکی نیست پدر سوخته ها خجالت نمی کشند دین را هم مسخره کرده اند. بعداً معین فر و موحد درباره حملاتی که رادیوی ایران آزاد به زمامداران ایران می کند، با دکتر بقائی مذاکره نمودند و محل پخش رادیوی ایران آزاد را از دکتر بقائی سؤال نمودند.

دکتر بقائی اظهار داشت: اولاً کشف محل رادیوی ایران آزاد بسیار آسان است اما شماها خیلی خوشحال باشید که این رادیوها به این پدرسوخته‌ها فحش بدهند چون این پفیوزها مستحق آن فحش‌ها هستند. در ساعت ۱ بعد از ظهر دیروز کلیه حاضرین به ترتیب منزل دکتر بقائی را ترک نمودند.

در پرونده جلسات دکتر بقایی بایگانی شود

۳۸/۲/۱۹

۱- غلامرضا آگاه: فرزند محمدباقر، در سال ۱۳۸۰ ه‍.ش در شهر مشهد متولد شد. شهرت قبلی وی «مرشدزاده» بود، تحصیلاتش قدیمه و شغلش بازرگانی. آگاه از سرمایه‌داران معروف شهرستان کرمان بود. از سال ۱۳۳۸ عضو حزب مردم شد و در شهرهای کرمان و تهران در جلسات این حزب شرکت داشت. همچنین عضو حزب زحمتکشان و از دوستان نزدیک دکتر مظفر بقائی بود.

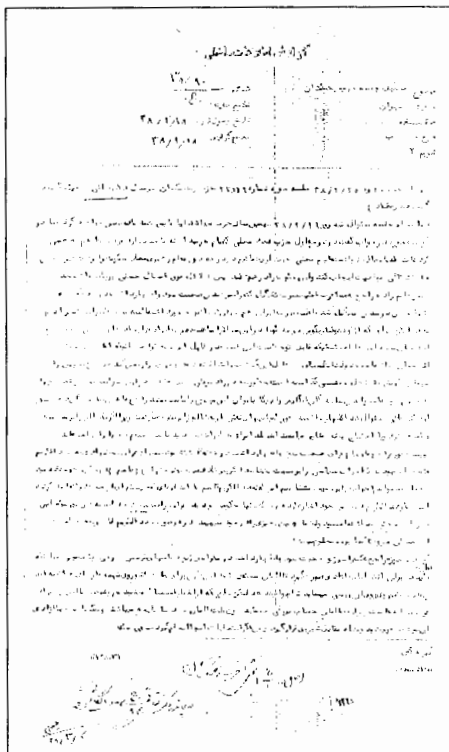
پرونده‌ای انفرادی ساواک

۲- آیت‌الله بروجردی روز عید فطر را جمعه و دکتر ریاضی، پنجشنبه اعلام کرده بودند.

شماره: ۹۰/۵-۱ تاریخ: ۱۳۳۸/۲/۲۸

## گزارش اطلاعات داخلی

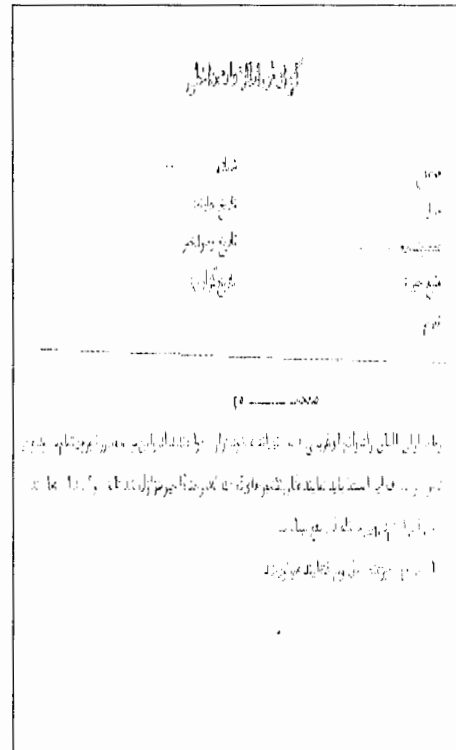
در ساعت ۲۰ روز ۳۸/۲/۲۵ جلسه حوزه شماره ۱۹ و ۲۲ حزب زحمتکشان در منزل دکتر بقائی تشکیل گردید، گوینده حوزه قناد. در ابتدای جلسه سؤال شد روز ۳۸/۲/۲۶ نهمین سال حزب می باشد آیا طبق همه ساله جشن خواهند گرفت یا خیر؟ گوینده حوزه در جواب گفت در درجه اول حزب فعلاً محلی که نام حزب داشته باشد ندارد و رفقا هم که همتی کرده اند که تا به حال نتوانسته ایم محلی خریداری نمایم در درجه دوم مقام رهبری فعلاً سکوت را بر همه چیز ترجیح می دهد تا کی موقعیت ایجاب کند و این سکوت را در هم



شکند، پس به دلائل فوق امسال جشنی برپا نخواهد شد. سپس حاتم زاده راجع به مسافرت اعلی حضرت و تشکیل کنفرانس لندن صحبت نمود و اظهار داشت در هفته گذشته، کنفرانس در لندن تشکیل شد و اعلی حضرت ایران هم در آن کنفرانس حضور داشته، البته نتیجه کنفرانس هنوز اعلام نشده لیکن به طوری که از گوشه و کنار به گوش می رسد گویا در این مذاکرات، اعلی حضرت ایران قراردادهای محکمی به نفع انگلستان بسته است اما مسئله ای که قابل توجه است این است که در مقابل این همه آوانسهای که اعلی حضرت به انگلستان داده است دولت انگلستان، در مقابل این گذشت را نداشته که وضع بحرین را روشن کند و موضوع بحرین را به همان طریق و لاینحل و خنثی گذاشته است و به طوری که در رادیو ملی شنیده شده در این کنفرانس موضوع نفت قم را هم مطرح نموده اند، آمدن نمایندگان انگلیس و آمریکا به ایران این موضوع را تأیید می کند. راجع به آمدن نمایندگان دو کشور از دکتر بقائی سؤال شد اظهار داشتند چون کمپانیهای نفت از نفت الجزایر نتیجه نگرفتند زیرا اگر نفت الجزایر به دست می آمد دیگر اروپا احتیاج به نفت خاور میانه نداشت لذا برای مذاکرات جدید با کنسر سیوم نفت به ایران آمده اند. گوینده حوزه، راجع به اوضاع عراق صحبت نمود و اظهار داشت در هفته

گذشته کمونیستهای عراق پیشنهادی به عبدالکریم قاسم داده بودند که احزاب را به رسمیت بشناسیم این گفته عبدالکریم قاسم تا اندازه‌ای کمونیستهای آن منطقه را ناامید کرده است باز عبدالکریم در نطق خود اشاره کرده بود که دنیا، حکومت جدید عراق را کمونیست می‌دانسته در صورتی که این نظریات صحتی نداشته است و دولت ما چنین چیزی را در خود نمی‌بیند، در هر صورت، عبدالکریم قاسم، رویه سیاست انگلستان می‌رود، تا کجا برود معلوم نیست.

گوینده حوزه راجع به کنفرانس ژنو صحبت نمود و اظهار داشت در کنفرانس ژنو دولتهای غربی طرحی نوشته مبنی بر آنکه باید در برلن انتخابات آزادی، صورت گیرد تا



آلمان مستقل شود این طرح را برای نماینده شوروی تهیه و ارسال داشته‌اند و نماینده شوروی آن بررسی می‌نماید تا جواب بدهد لیکن به طوری که از اخبار استنباط می‌شود خروشچف با این پیشنهاد غرب مخالف است زیرا روی آلمان حساب بزرگی می‌نماید چون ملت آلمان در دنیا نابغه می‌باشند و ممکن است با آزادی آن مجدداً قوی شود و نقطه مقابل شوروی قرار گیرد چون اگر انتخابات آنجا انجام گیرد بدون شک زمامداران آلمان را دولتهای غربی دست‌نشانده خود قرار خواهند داد و این موضوع به ضرر شوروی تمام می‌شود و حرف دیگر خروشچف این است که باید نمایندگان کشورهای کوچک که در جنگ اخیر متزلزل شده‌اند، شرکت داشته باشند چون آنها هم در این مسئله ذی‌نفع می‌باشند.

ساعت ۹/۳۰ حوزه تعطیل و به هفته آینده موکول شد.

اصل در ج - ۱ - بخش ۱ حزب زحمتکشان

در پرونده دکتر بقایی ج - ۸ - م - د بایگانی شود

۳۸/۳/۲

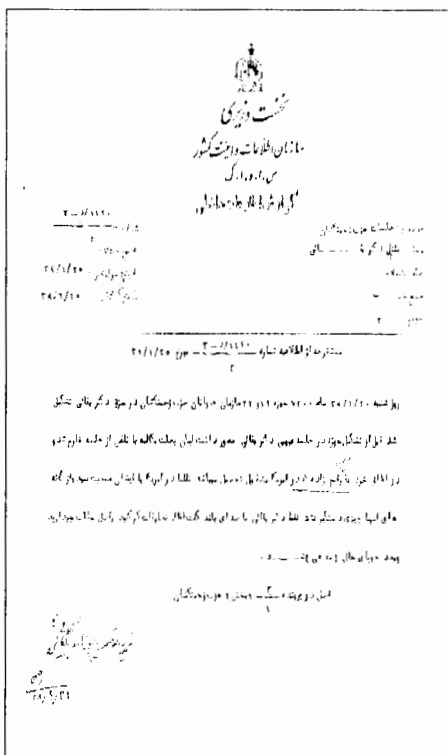




شماره: ۲-۸/۱۴۹۰ تاریخ: ۱۳۳۸/۶/۲۵

### گزارش اطلاعات داخلی

روز شنبه ۳۸/۶/۲۰ ساعت ۷/۳۰ حوزه ۱۹ و ۲۲ سازمان جوانان حزب زحمتکشان در منزل دکتر بقائی تشکیل شد. قبل از تشکیل حوزه در جلسه عمومی، دکتر بقائی حضور داشت لیکن به علت مکالمه با تلفن از جلسه خارج شد و در اطاق خود با منصور رفیع زاده که در آمریکا مشغول تحصیل می‌باشد، تلفناً با ایشان صحبت نمود، از گفته‌های آنها چیزی دستگیر نشد فقط دکتر بقائی با صدای بلند گفت آقا از تعارفات کم کنید به اصل مطلب بپردازید و بعد جویای حال سدهی<sup>۱</sup> شد.<sup>۲</sup>



در پرونده منصور رفیع زاده بایگانی شود

۳۸/۶/۳۱

۱- مقصود سید ابوالقاسم سدهی است.

۲- در گزارش مشابه دیگری آمده است:

«مستخرجه از اطلاعیه شماره ۱۵/۱۴۸۱ مورخ ۳۸/۶/۲۴ ضمناً دیشب ساعت ۱۸/۱۰ بعد از ظهر دکتر بقائی به وسیله تلفن مدت پنج دقیقه به منصور رفیع زاده که در آمریکا مشغول درس خواندن در رشته حقوق می‌باشد، به زبان فرانسه صحبت نمود.»

رک: ضمیمه، ۲۲

تاریخ: ۱۳۳۸/۷/۵

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: درباره آقای منصور رفیع زاده عضو

حزب زحمتکشان

اطلاعی‌های واصله حاکیست که دکتر بقائی اغلب وسیله تلفن با نامبرده بالا که در آمریکا به تحصیل اشتغال دارد، بطور مشکوک رابطه برقرار و ضمن صحبت، راجع به چند نفر دیگر از مشارالیه سئوالاتی می‌نماید.

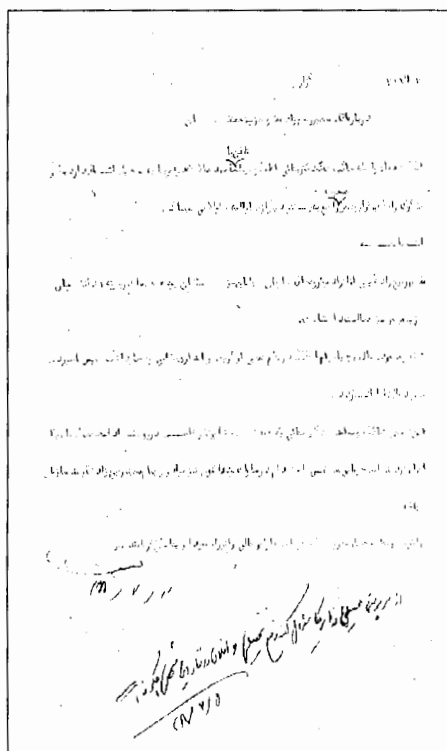
اینک سابقه: منصور رفیع زاده یکی از افراد مؤثر و فعال سازمان جوانان حزب زحمتکشان بوده که ضمناً در حوزه ۲ دانشجویان حزب مزبور نیز فعالیت داشته است. شخص مزبور در سال ۳۵ به اتهام اخلاف

در نظم عمومی از طریق فرمانداری نظامی وقت، بازداشت و سپس با سپردن تعهد و التزام آزاد می‌گردد. این شخص که با کمک و مساعدت دکتر بقائی که بعید نیست به منظور خاصی در پوشش ادامه تحصیل به آمریکا اعزام گردیده است، زمانی متقاضی استخدام در ساواک بود و اکنون نیز برادرش به نام مجید رفیع زاده کارمند سازمان می‌باشد.

مراتب جهت استحضار، معروض و مستدعی است اوامر عالی در این مورد امر به ابلاغ فرمائید.

از سرپرستی محصلین در امریکا سوال کنند وضع تحصیلی و اخلاق و رفتار این شخص چگونه است

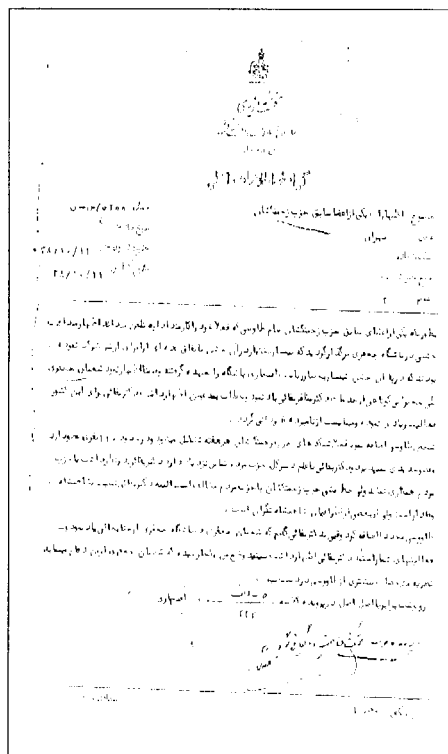
۳۸/۷/۵



تاریخ: ۱۳۳۸/۱۰/۱۱

## گزارش اطلاعات داخلی

به طوری که یکی از اعضای سابق حزب زحمتکشان به نام طاووسی که فعلاً خود را کارمند اداره تلفن می‌داند اظهار می‌داشت جشنی در باشگاه جعفری برگزار گردید که تیمسار بختیار<sup>۱</sup> در آن جشن به اتفاق عده‌ای از امرای ارتش شرکت نموده بودند که در پایان جشن، تیمسار بختیار ریاست افتخاری باشگاه را به عهده گرفتند و ضمناً اظهار نمود شعبان جعفری طی سخنرانی کوتاهی از خدمات دکتر مظفر بقائی یاد نمود و خطاب به مدعوین اظهار داشت دکتر بقائی برای این کشور فعالیت زیادی نموده و می‌بایست از



نامبرده قدر دانی گردد.

شخص طاووسی اضافه نمود فعلاً شبکه‌های حزب زحمتکشان هر هفته تشکیل می‌شود و در حدود ۱۲۰ نفری عضو دارد و عضو جدیدی نمی‌پذیرد و دکتر بقائی با علم<sup>۲</sup> دبیرکل حزب مردم، تماس نزدیک دارد دکتر بقائی در نظر داشت با حزب مردم همکاری نماید ولی خط مشی حزب زحمتکشان با حزب مردم مخالف است، البته دکتر بقائی نسبت به شاهنشاه وفادار است ولی از بعضی از اطرافیان شاهنشاه نگران است. طاووسی مجدد اضافه کرد وقتی به دکتر بقائی گفتم که شعبان جعفری در باشگاه جعفری از جناب عالی یاد نمود و فعالیت‌های شما را ستود دکتر بقائی اظهار داشت ببینید وضع من به کجا رسیده که شعبان جعفری از من دفاع می‌نماید. در پرونده حزب زحمتکشان ضمیمه و بایگانی شود

۱- تیمور بختیار: کسی بود که حضورش در صحنه سیاسی به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر می‌گردد. تیمور با یک تیپ زرهی، خود را به اطراف تهران رساند تا در صورت مقاومت در مقابل کودتا، شبانه به تهران هجوم برد. وی پس از این لشکر کشی به فرمانداری نظامی تهران منصوب شد. تا اینکه در سال ۱۳۳۵ ساواک تأسیس شد و او به ریاست آن انتخاب گردید. بختیار سرانجام در سال ۴۰ به علت تغییر جو سیاسی و نیز به علت رقابتی که در کسب قدرت با شاه پیدا کرد، از ریاست سازمان امنیت کنار رفت. مدتی به صورت اپوزیسیون عمل می‌کرد، اما با حادثه اول بهمن ۴۰ دانشگاه،

مجبور به خروج از کشور شد و چون از به دست گرفتن قدرت از طریق شاه مایوس شد به شکل یک مخالف رژیم درآمد و از جنایاتی که خود سهم اساسی در آن داشت پرده برداشت. طی چند سال با تبلیغات و تعلیم افراد به مقابله با شاه برخاست و از عراق به عنوان پایگاه استفاده کرد. فرستنده رادیونی به وجود آورد و مدتی آرامش شاه را برهم زد اما سرانجام با همان سازمانی که خود پایه گذارش بود، در مرداد ماه سال ۴۹ به قتل رسید.

۲- اسدالله علم: در سال ۱۲۹۰ ه.ش به دنیا آمد. وی پسر امیر محمدابراهیم خان علم، شوکت‌الملک، مالک صدها پارچه آبادی در شرق ایران و منسوب به حمایت از انگلستان بود. شوکت‌الملک در وصیتنامه‌اش کنسول انگلیس را به عنوان مجری وصیتنامه و سرپرست خانواده خودش معین کرده بود. علم باوجود نداشتن تحصیلات و سابقه مبارزات سیاسی و سابقه خدمات اداری، به دلیل نفوذ دولت انگلیس و حمایت این کشور از این خاندان، به مقامات بالائی در ایران رسید. علم مهمترین شخصی بود که در مسایل داخلی کشور، محمدرضا را هدایت می‌کرد و برای تغییرات مهم به او خط می‌داد و مشاور اصلی محمدرضا بود. وی در طرح، برنامه ریزی و اجرای به اصطلاح «انقلاب سفید» و قلع و قمع عشایر فارس، نقش اساسی داشت. از جمله مقامهای او عبارت بودند از: نخست وزیر، وزارت کشور، استاندار، ریاست دانشگاه، نماینده مجلس، دبیرکل حزب مردم و وزارت دربار. علم مردی ثروتمند و از مالکان بزرگ و اشرافی استان خراسان بخصوص در شهرستان بیرجند بود.

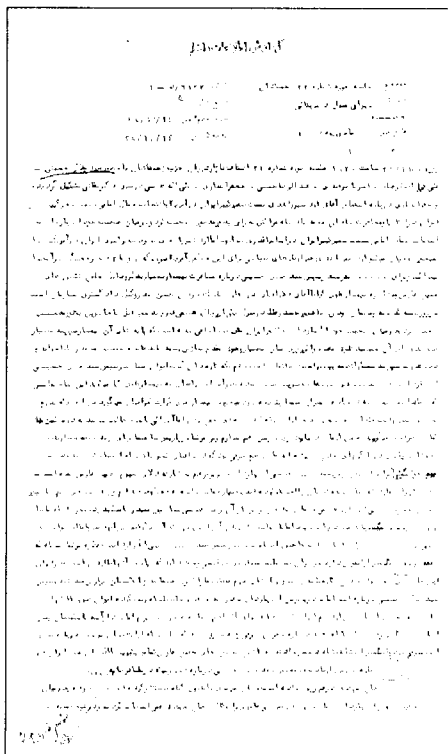
شماره: ۶۱۳۳/د-۱ تاریخ: ۱۳۳۸/۱۱/۲۴

### گزارش اطلاعات داخلی

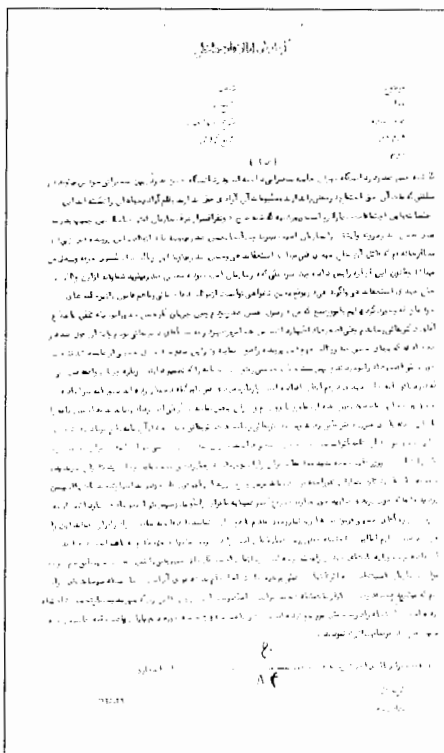
موضوع: جلسه حوزه شماره ۲۲ زحمتکشان

روز ۳۸/۱۱/۱۹ ساعت ۱۸/۳۰ جلسه  
حوزه شماره ۲۲ اصناف بازار تهران حزب  
زحمتکشان با حضور سید جلال حسینی،  
علی اصغر قناد، امیرناصر قندی، عبدالرضا  
حسنی، جعفر انصاری و ولی الله قدیمی در  
منزل دکتر بقائی تشکیل گردید. جعفر  
انصاری درباره انتصاب آقای اردشیر زاهدی به  
سمت سفیر کبیر ایران در آمریکا و انتصاب  
جمال امامی به سمت سفیر کبیر ایران در  
ایتالیا و مسافرت سلطان محمد پادشاه  
مراکش به عراق بطور مفصل صحبت کرد و در

میان صحبت خود اظهار داشت: انتصاب جمال امامی به سمت سفیر کبیر ایران در ایتالیا قدری  
بجا بود اما اردشیر زاهدی به درد سفیر کبیری ایران در آمریکا نمی خورد و خیال می کنم  
اردشیر زاهدی غیر از کارهای سیاسی برای این منظور با آمریکا می رود که ۲ و یا ۳ دختر  
خوشگل در آنجا پیدا کند و برای... بفرستد. سپس سید جلال حسینی درباره مسافرت تیمسار  
بختیار به قطر و قبایل خلیج نشین های خلیج فارس و مشاجره تیمسار علوی کیا با آقای دکتر  
اقبال در سفارت بلژیک و بردن حسن صدر وکیل دادگستری به سازمان امنیت در روز شنبه  
گذشته و مهمان بودن شاپور حمیدرضا در منزل یکی از رجال قدیمی در چند شب قبل با  
حاضرین بطور مفصل صحبت کرد و در میان صحبت خود اظهار داشت کشور ایران مثل یک  
اتاقی شده است که پایه های آن تیمسار سپهبد بختیار می باشد و طاق آن سپهبد علوی مقدم و  
اگر روزی میان بختیار و علوی مقدم سازشی بشود، باید فاتحه سلطنت محمدرضا را خواند و  
فعلاً قدرت سپهبد بختیار از همه بیشتر است و سازمان امنیت هم یکه تاز میدان کشور ایران  
می باشد. سپس سید جلال حسینی اظهار داشت: در چند شب قبل، در سفارت بلژیک جشن  
بوده و در آنجا دکتر اقبال به تیمسار علوی کیا می گوید این ساختمان که شما دارید چند طبقه



در جاده شمیران می‌سازید به چه درد می‌خورد، تیمسار علوی‌کیا به دکتر اقبال می‌گوید من از وقتی که پدرم فوت کرد به کار زراعت و تجارت مشغول شدم و از این راه اندوخته‌ای جمع کردم اما آنهایی باید خجالت بکشند که در مجلس با کمال صراحت می‌گویند که من از مال دنیا یک وجب زمین هم ندارم ولی مرتباً در پاریس ساختمانهای چند طبقه می‌سازند و وجوهات زیادی در بانکهای خارج سپرده‌اند و این هم حرفی بود که دکتر اقبال نوکر شاهنشاه از معاونش شنید و قدرت جواب‌گوئی آن را نداشت. سپس سید جلال حسینی اظهار داشت: پریروز هم بختیار که دلال شیوخ خلیج فارس شده است، از قطر به تهران وارد شد، شاهنشاه، ایشان را



احضار کرده‌اند بختیار جواب داده، که فعلاً وقت ندارم و چند شب قبل هم شاهپور حمیدرضا در منزل یکی از رجال قدیمی مهمان بوده و در سر شام آن رجل قدیمی به شاهپور حمیدرضا می‌گوید پدرت رضاشاه تا سال ۱۳۱۷ زیر نظر انگلیسیها کار می‌کرد و راحت بود اما تا خواست از فرمان آنها سرپیچی کند آن بلا را به سرش آوردند و اما این برادرت خیلی زرنگ است و دستورات ارباب را به نحو احسن انجام می‌دهد. سپس سید جلال حسینی اظهار داشت: علاوه بر شاهنشاه که حلقه نوکری انگلیسیها را به گوش دارد، در ایران یک باند بسیار قوی انگلیسی وجود دارد که ریاست آنها با «لیدن» است و در ایران این باند قوی زیر نظر دکتر فلاح کار می‌کنند و شب و روز کارهای مهم مملکت ما را کنترل می‌نمایند و به انگلستان گزارش می‌دهند. سپس سید جلال حسینی درباره انتخابات در بحرین اظهار داشت: در چندی قبل، شاهنشاه رنگ کرده ایران صریحاً اظهار داشت که بحرین استان چهاردهم ایران است و باید برای آنجا هم نماینده در نظر بگیریم اما بعد از آنکه به انگلستان پیش ارباب رنگ کارش رفت به شاهنشاه گفتند درباره بحرین حرفی زده نشود، بعد که شاهنشاه از انگلستان برگشت درباره بحرین اصلاً حرفی نزد و انگلیسیها به شاهنشاه دستور دادند که با شیخ‌نشین‌های خلیج فارس تماس بگیرد

تا اذهان ملت ایران درباره بحرین از یاد برود. سپس سید جلال حسینی درباره قتل زنی که در مسافرخانه حاج مهدی در قم روی داده است و حاج مهدی را بدون گناه دستگیر کرده‌اند صحبت کرده و در میان صحبت خودش اظهار داشت: ما حسن صدر و مرتضی قاموس را به وکالت حاج مهدی قمی انتخاب کردیم، در شب جمعه گذشته، حسن صدر در دانشگاه تهران جلسه سخنرانی داشته‌اند و در دانشگاه، حسن صدر در بین سخنرانی خودش می‌گوید در مملکتی که ملت آن حق اجتماع در محلی را ندارند و مطبوعات آن آزادی عمل ندارند و قلم آزادیخواهان را شکسته‌اند این جلسات و این اجتماعات بسیار لازم است، روز شنبه گذشته صبح دو نفر افسر از طرف سازمان امنیت با ماشین جیب به درب منزل حسن صدر می‌روند و ایشان را به سازمان امنیت می‌برند و در آنجا به حسن صدر می‌گویند باید از وکالت پرونده قتل زن در مسافرخانه قم که قاتل آن حاج مهدی قمی می‌باشد، استعفا بدهی و حسن صدر می‌گوید این وکالت دادگستری حرفه و شغل من می‌باشد و قانون این اجازه را به من داده، یک سرهنگی که در سازمان امنیت بوده، به حسن صدر می‌گوید شما باید از این وکالت حاج مهدی استعفا بدهی و اگر ندهی در موقع معین نخواهی توانست از موکلت دفاع‌نمائی و ما هم قانون را زیر چکمه‌های خودمان له و خورد کرده‌ایم، امروز صبح که من در منزل حسن صدر بودم، عین جریان کار حسن صدر را بوسیله تلفن به اطلاع آقای دکتر بقائی رساندم. علی اصغر قناد اظهار داشت: من هم امروز ظهر در خدمت آقای دکتر بقائی بودم و ایشان قول صددرصد دادند که به جای حسن صدر وکالت مهم این پرونده را قبول نمایند، در این موقع سید جلال حسینی از جا بلند شدند و صورت علی اصغر قناد را بوسیدند و سپس سید جلال حسینی رونوشت یک نامه را که تصمیم دارند درباره جریان واقعه قتل زنی که در مسافرخانه حاج مهدی در قم اتفاق افتاده است و ارباب مهدی قمی را بی‌گناه دستگیر کرده‌اند بطور نامه سرگشاده ۱۰۰ برگ چاپ نمایند و در بین عده‌ای از علما و روحانیون قم و تهران پخش نمایند به نظر علی اصغر قناد رساندند و قناد عین نامه را به اطاق طبقه بالای منزل دکتر بقائی بردند و به نظر دکتر بقائی رساندند و دکتر بقائی چند جمله از آن نامه را کم و زیاد کردند و جهت چاپ ۱۰۰ برگ از آن نامه، آن را به دست سید جلال حسینی دادند. سپس سید جلال حسینی درباره ایران و عراق صحبت کرد و اظهار داشت در روزهای جمعه تقلید محاکمات عراق را، رادیو تهران در می‌آورد یکی نیست به این رجال پفیوز ایران بگوید پدر سوخته‌ها، شما خودتان هزاران نفر را خفه کردید و با بدترین وضع در زندانهای قزل قلعه و در زندانهای و تبعیدگاهها از بین بردید، شما که خوی یزیدی دارید حق ندارید به دروغ کشور همسایه ما عراق را بکوید. سپس علی اصغر قناد اظهار داشت: اینکه



دوست عزیزم آقای حسینی فرمودند که اگر بختیار و علوی مقدم با هم سازش نمایند باید فاتحه سلطنت را در ایران خواند این را من هم قبول دارم اما این شاهنشاه خیلی زرنگ و شارلاتان است، از دو نیروی بختیاری و علوی مقدم که با هم اختلاف دارند، استفاده برده و پایه کارهای خودش را محکم کرده است، سازمان امنیت کارهای شهربانی را کنترل می‌کند و شهربانی هم درست مواظب سازمان امنیت است که اگر خواست عملی علیه شاهنشاه انجام بدهد فوری آن را به عرض شاهنشاه می‌رساند و این را هم که می‌گویند فعلاً قدرت بختیار از شاهنشاه هم بیشتر است کاملاً درست است چون با این زنی که سپهبد بختیار تحمیل شاهنشاه کرده است شاهنشاه را درست مثل موم نرم کرده است. در ساعت ۲۱/۴۰ جلسه حوزه مزبور پایان یافت و کلیه حاضرین به ترتیب منزل دکتر بقائی را ترک نمودند.

افتخاری

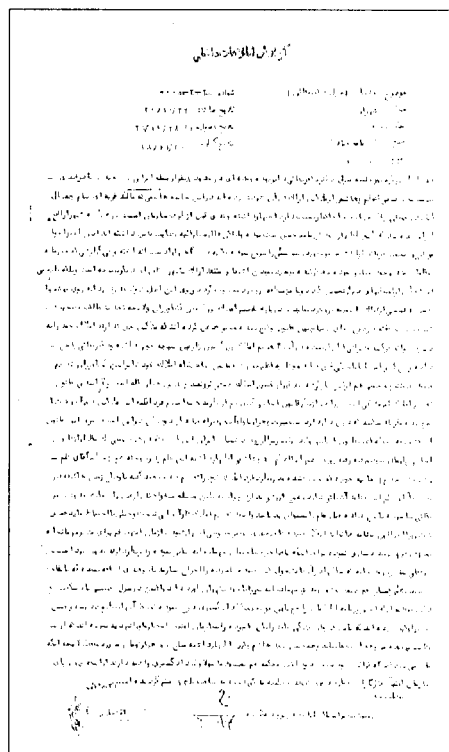
تاریخ: ۱۳۳۸/۱۱/۳۰

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: جلسات منزل دکتر بقائی

قبل از ظهر روز مزبور جلسه منزل دکتر مظفر بقائی دایر بوده و عده‌ای در حدود ۸ نفر از جمله ایرانی، سعید، ناصر قندی، سرمست، فتحی اعظم و هاشمی از ملاکین اراک در آن شرکت کرده‌اند. در این جلسه هاشمی که مالک قریه‌ای به نام جمال آباد در حوالی اراک می‌باشد و با خاکباز نسبت دارد، اظهار داشته: چندی قبل، از طرف سازمان امنیت، سرهنگی به شهر اراک اعزام شده بود که طبق اظهار خودش مأمور حسن نیت بوده و اراکی‌ها از مشارالیه رضایت کامل داشته‌اند لیکن

اخیراً خواجه‌نوری به سمت فرماندار اراک منصوب و پدرسوختگی را شروع نموده و کلیه دستگاه‌ها را دست‌انداخته و طی گزارشی که محرمانه به مقامات بالاتر خود تسلیم نموده متذکر شده تبعید نمودن اشخاص متنفذ اراک به شهرستانهای دیگر بی‌نتیجه است و بلکه بایستی املاک آنها با محلهای دیگر تعویض گردد و یا جزو منطقه بروجرد محسوب گردد و روی این اصل، دولت در نظر دارد روی پیشنهاد نامبرده قسمتی از اراک را ضمیمه بروجرد نماید. درباره تقسیم املاک بزرگ، بین کشاورزان و لایحه تحدید مالکیت صحبت شده و سعید گفته در هیچ جای دنیا چنین قانونی وضع نشده و حتی قدغن کرده‌اند که ملاکین حق ندارند املاک خود را به دیگران واگذار کنند و ایرانی اظهار نموده در آمریکا تقسیم املاک بزرگ بین زارعین نتیجه خوبی داشته، دکتر بقائی پاسخ داده وضع کشور آمریکا با ما خیلی فرق دارد و چنانچه اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاه املاک خودشان را بین کشاورزان تقسیم فرمودند و نتیجه خوبی هم از این کار گرفته شد، غیر از تقسیم املاک جمعی ثروتمند چندین هزار ساله است و گذرانیدن قانون تقسیم املاک امیر مشکل است زیرا هم از نظر قانون اساسی کشور، هم از نظر مذهب اسلام فردا کلیه این ملاکین دور آخوندها جمع شده و فریاد می‌کنند که دین دارد از



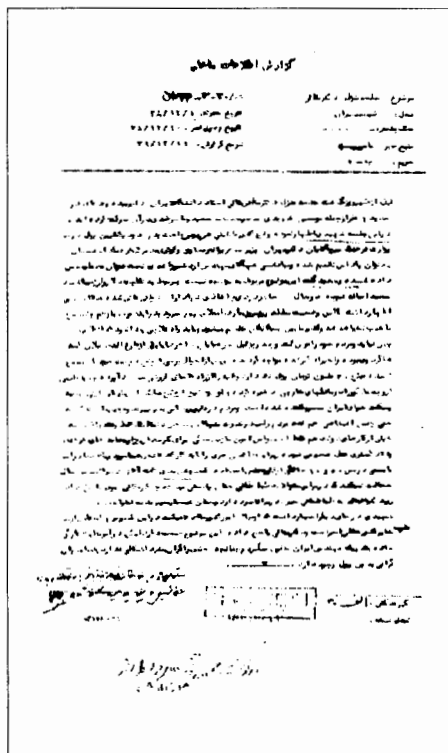
دست می‌رود و هزار بلوا و آشوب به راه می‌اندازند، صلاح در این است طوری این قانون اجرا شود که لطمه‌ای به قانون اساسی وارد نیاید زیرا آرزوی دشمنان ایران این است که در هر حکومتی یک مقدار از قانون اساسی پایمال شود و رفته رفته روزی ختم آن را اعلام کند. هاشمی اظهار داشته این علم پدر سوخته هم (منظور آقای علم رهبر حزب مردم) حالیه جوجه کمونیست شده و در نظر دارد املاک خود را تقسیم کند و سعید گفته با وضع زمین‌هایی که در تصرف آقای علم است کاملاً آشنائی دارد و هیچ ارزشی ندارد جز اینکه به این وسیله می‌خواهند زارعین را بی‌چاره کند. دکتر بقائی به نامبرده پاسخ داده عمل علم را نمی‌توان بد نامید و اصولاً تقسیم املاک کار آسانی نیست و خیلی با احتیاط باید عمل شود زیرا اجرا این برنامه‌ها تولید انقلاب می‌کند. ناصر قندی بطور خصوصی اظهار نمود سازمان امنیت قم برای مدیر مهمانخانه نور در قم پرونده‌سازی نموده برای اینکه با صاحب ساختمان مهمانخانه تبانی نموده و در نظر دارند بدون پرداخت سرقفلی به مدیر مهمانخانه که سالها در آنجا مشغول کسب بوده نامبرده را اخراج سازند، ناصر قندی اضافه نمود که به اتفاق چند نفر به قم عزیمت و همسر مدیر مهمانخانه نور را با خود به تهران آورده‌اند و اکنون در منزل حسین نام، سکونت دارد و مقاله‌ای که اخیراً روزنامه اطلاعات راجع به این موضوع و وکلای دادگستری درج نموده توسط آنها تنظیم گردیده و حسن صدر را وکیل کرده‌اند که به این دعوا رسیدگی نماید ولیکن نامبرده را به سازمان امنیت احضار و او را تهدید نموده‌اند که از وکالت پرونده مربوطه استعفا نماید، همچنین سید هاشم وکیل، اظهار داشته مبلغ ۵۰ هزار تومان می‌گیرد و فقط لایحه‌ای که بایستی در دادگاه قرائت شود می‌نویسد و داخل محکمه هم نمی‌شود و اصولاً وکلای دادگستری واهمه دارند از این کار چون پای سازمان امنیت در کار است، وارد دعوی شوند. جلسه مذکور در حدود ساعت ۱۳/۳۰ ختم گردیده است. رونوشت برابر اصل و اصل در پرونده شماره ج - ۱۴

تاریخ: ۱۳۳۸/۱۲/۱۱

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: جلسه منزل دکتر بقای

قبل از ظهر روز گذشته جلسه منزل دکتر مظفر بقائی استاد دانشگاه تهران دایر بوده و عده‌ای در حدود ۶ نفر از جمله موسی شهیدی، سرمست، سعید و ناصر قندی در آن شرکت کرده‌اند. در این جلسه شهیدی اظهار نموده وضع کشور ما خیلی هرج و مرج است و در حدود یک میلیون پول در وزارت فرهنگ بین آقایان دکتر مهران وزیر، فروزانفر معاون و کوثری مدیرکل فرهنگ استان به عنوان پاداش تقسیم شده و مبالغی هم به آقای مهندس اردشیر زاهدی تحت عنوان



محصلین داده شده و سعید گفته این موضوع مربوط به بودجه نیست و مربوط به تفاوت دلار و ارز می‌باشد. سعید اضافه نموده در حال حاضر دزدی و اخاذی در ادارات دولتی علنی شده و بقائی اظهار داشته با این وضعیت، مملکت روز به روز بطرف انقلاب پیش می‌رود و در اینصورت باز هم وضع ما خوب نخواهد شد و کشور ما بین بیگانگان تقسیم می‌شود و باید راه‌های پیدایش شود که انقلاب پیش نیاید و مردم خود را عوض کنند و چند روز قبل در خیابان شاهرضا با یکی از فارغ‌التحصیلان که شاگرد وی بوده و اخیراً دکتر شده، مواجه گردیده و پس از احوالپرسی از وضع دوست خود پاسخ شنیده مبلغ ۳۰ میلیون تومان پول نقد دارد و کلیه آن را از راه قاچاق فروشی به دست آورده و ۲۰ میلیون از وجه مذکور را در بانکهای خارجی ذخیره کرده و با وجود این از وضع مملکت اظهار نارضایتی می‌نمود و میگفت هوای ایران مسموم کننده شده است و مردم در فقر و پریشانی بسر می‌برند و عجیب است که حتی چنین اشخاصی هم غصه مردم را می‌خورند و نه تنها این شخص دنبال کار غلط رفته بلکه خیلی از کارهای دولت هم غلط است و این قانون بازنشستگی برای کارمندان و وزارتخانه‌های فرهنگ و دادگستری عمل صحیحی نبوده زیرا یک قاضی، عمری را باید کار کند تا تجربه بیاموزد و یک معلم را بایستی در سن ۵۰ و

۶۰ سالگی از فکر و عملش استفاده کنند و شهیدی گفته آقای دکتر اقبال خجالت نمی‌کشد که در برابر سئوالات طباطبائی چنان پاسخ می‌دهد و دکتر بقائی بوی پاسخ داد زور دکتر اقبال به طباطبائی نمی‌رسد زیرا نامبرده از دوستان تیمسار سپهبد بختیار است.

شهیدی در جای دیگر اظهار داشته که اولیا امور کشور ما، ادعا می‌کنند در این کشور نرخ اجناس از سایر کشورها ارزانتر است و دکتر بقائی پاسخ داده این موضوع صحت دارد لیکن در آمریکا یک کارگر ساده بقدر یک مهندس ایران حقوق می‌گیرد و چنانچه جنس راگران بخرد اشکالی ندارد و در ایران گرانی بدون پول وجود دارد.

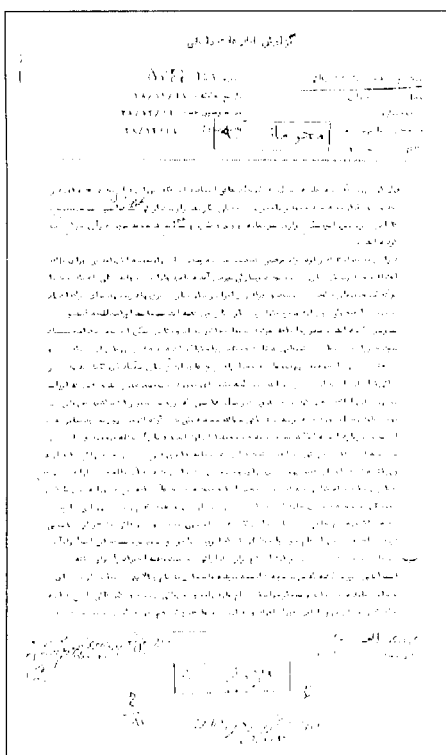
شماره: ۲-۳-۵۳۴۹ تاریخ: ۱۳۳۸/۱۲/۱۹

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: جلسه منزل دکتر بقائی

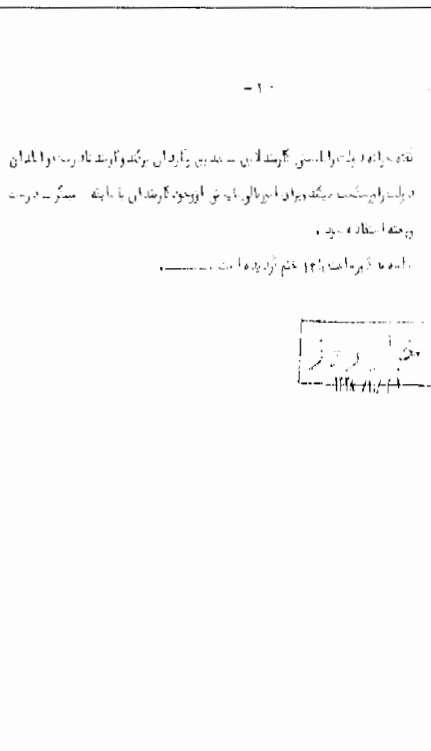
قبل از ظهر روز گذشته جلسه منزل دکتر مظفر بقائی استاد دانشگاه تهران دایر بوده و عده‌ای در حدود ۸ نفر از جمله سید محمدرضا معرب، خلیلی کارمند وزارت دارائی، محمدتقی میریان، محمدتقی علویان قوانینی، سرمست و کاظمی سرنشین اتومبیل سواری بنز شماره ۳۵۵۵ ط ۳۸ حسنی سعید و محمد مروی در آن شرکت کرده‌اند.

در این جلسه ابتدا درباره مواد مرفینی صحبت شده و معرب اظهار نموده: «اخیرا



مدتی برای ترک اعتیاد خود در بیمارستان بستری بوده و به تازگی بیرون آمده و امیدوار است بتواند بکلی اعتیاد خود را ترک کند و در زمان حکومت دکتر مصدق، برادرش او را در بیمارستان شورویها در مشهد برای ترک اعتیاد بستری ساخته ولی پس از دو روز مسوولین بیمارستان بوی گفته‌اند نمی‌توانند او را معالجه کنند و بیرونش کرده‌اند. معرب اضافه نموده توسط معاشرت با دوستانش ممکن است مجدداً معتاد شود و در پاسخ سؤال دکتر بقائی که نام دوستانش را سؤال کرده گفته اکبر قهرمان کارمند رادیو سرهنگ شقاقی افسر هنگ پهلوی و احمد مستان افسر توده‌ای از دوستان معتاد وی می‌باشند و دکتر بقائی اظهار داشته از کشیدن تریاک هیچگونه نشئه‌ای به وی دست نمی‌دهد و چندی قبل که او را به شهرستان اراک تبعید کرده بودند، وی در منزل هاشمی که روزی یک سیر تریاک می‌کشیده، مهمان بوده و او در منزل وی دو سه مرتبه به حد کافی تریاک کشیده ولی هیچگونه اثری در وی بوجود نیآورده است. درباره لایحه املاک صحبت شده و سعید اظهار داشته: فتوای آیت‌الله بروجردی را زیر نظریه آیت‌الله بهبهانی مشاهده نموده و اگرچه روزنامه‌ها حق درج چنین موضوع‌هائی را ندارند ولی آنچه در فتوای آیت‌الله بروجردی برای وی روشن شده این بوده که آیت‌الله خیلی از اعلی حضرت

همایون شاهنشاه تملق گفته است.<sup>۱</sup> سعید اضافه نموده قرار بوده آیت‌الله بنی‌صدر<sup>۲</sup> را که بین ملاکین تحریکاتی می‌نموده، دستگیر و بازداشت نمایند لیکن تیمسار سپهبد علوی مقدم رئیس شهربانی مانع شده و بالاخره هم معلوم نیست عاقبت این لایحه به کجا منتهی می‌شود و دکتر بقائی گفته هر کاری بایستی از روی قاعده صحیح انجام شود و اصولاً کارهایی که از روی تفاخر صورت می‌گیرد نتیجه آن این‌طور از آب در می‌آید. سعید همچنین درباره اوضاع وزارت دارائی صحبت و گفته اخیراً در آن وزارتخانه انتصابات صورت گرفته که به هیچ وجه شایسته نبوده و اشخاص بدنام و نالایقی در راس کارهای حساس گمارده شده‌اند و تیمسار سرلشگر ضرغام وارد به امور



و فنون مالی نیست و دکتر بقائی پاسخ داده حال که پستهای مهم را به این قبیل افراد واگذار می‌کنند و از هیچکس هم حرف گوش نمی‌کنند و سعید گفته خزانه دولت را بایستی کارمند لایق، صدیق و کاردان پرکند و کارمند نادرست و یا نادان، دولت را ورشکست می‌کند و برای امور مالی بایستی از وجود کارمندان با سابقه، مبتکر، درست و پخته استفاده شود. جلسه مذکور ساعت ۱۳/۳۰ ختم گردیده است.

رونوشت ضمیمه پرونده [ناخوانا] شود

۱- لایحه «اصلاحات ارضی» در زمان حیات آیت‌الله العظمی بروجردی، مرجع شیعیان جهان مطرح شد اما ایشان حاضر به تأیید اصلاحات آمریکایی نشده و علی‌رغم رفت و آمدهای مسوولان دولت و اعزام نماینده ویژه شاه، تسلیم نگردید و در جواب یکی از فرستاده‌ها فرمودند: «امور لازم‌تری هست که باید اصلاح شود» (رک: یاد، فصلنامه بنیاد تاریخ، زمستان ۶۶، ص ۵۱). آیت‌الله سید محمدباقر سلطانی طباطبائی در این ارتباط می‌فرمایند:

«شخص شاه، لایحه اصلاحات ارضی را به مجلس داد و سپس راهی اهواز شد. دستور داده بود که مجلس در اسرع وقت، لایحه را به تصویب برساند و در بازگشت تحویل وی شود. همین که آیت‌الله بروجردی مطلع شدند، نامه‌ای نوشتند به رئیس مجلس شورای ملی و نامه‌ای هم نوشتند برای آقای بهبهانی که پی‌گیر نامه ایشان به رئیس مجلس باشد، تا سر وقت، نامه به مجلس برسد و تأخیر نیفتد و فردا بهانه نکنند که، بله، نامه شما به ما نرسیده است... نامه آیت‌الله بروجردی هنگام نواخته شدن زنگ مجلس به دست رئیس مجلس رسیده بود، نامه را برای

نمایندگان خوانده بود. مفاد نامه این است: «از نمایندگان مسلمان، باعث تعجب است که در غیاب شاه، لایحه خلاف اسلامی را طرح کرده و در صدد تصویب آن هستند. این لایحه، خلاف اسلام و شریعت است. من تا زنده هستم، نخواهم گذاشت، چنین خلافتی در این مملکت، اجرا شود.» این نامه باعث شد لایحه مسکوت بماند.»

شاه در کتاب «انقلاب سفید» به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «قانون اصلاحات ارضی سیر خود را طی می‌کرد تا به مرحله عمل رسید، یکی از مقاماتی که از اصلاحات دنیا اطلاع نداشت نامه‌ای به مجلس نوشت و جلو این کار را گرفت.»

۲- آیت‌الله سید نصرالله بنی صدر: فرزند مرحوم صدرالعلمای همدانی از علمای معروف و مقدم شهرستان همدان بوده‌اند. وی در آن سامان متولد شده و در بیت سیادت و فضیلت پرورش یافته و مقدمات و سطوح را در همدان و تهران خوانده است. آنگاه به نجف‌اشرف مهاجرت نموده و از محضر آیات عظام مرحوم آیت‌الله آقا میرزا حسین نائینی و آیت‌الله آقا ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله العظمی اصفهانی و دیگران استفاده نموده و پس از آن به همدان مراجعت و به خدمات روحی و اجتماعی و خدمت به مردم پرداخته و از بسیاری از مستمندان دستگیری نموده تا حدود سال ۱۳۹۱ هـ ق که در بیروت به رحمت حق پیوسته و به جوار اسلاف پاک خویش شتافته و جنازه‌اش به نجف‌اشرف حمل و در جوار جدگرامش مدفون شده است.



تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۲۱

## گزارش اطلاعات داخلی

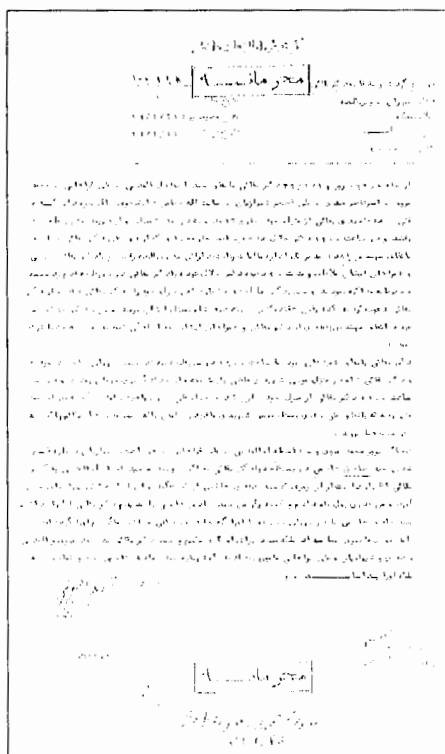
موضوع: گردش و ملاقات دکتر بقائی

از ساعت ۹/۲۵ روز ۳۹/۱/۱۹ دکتر بقائی به اتفاق سیداسماعیل المدنی، علی فراهانی، محمد مروی، امیرناصر قندی، علی اصغر شیرازیان، عنایت‌الله خمایی دانشجوی سال سوم دانشکده فنی و عبدالمهدی بقائی از منزل خود خارج شدند و به دربند شمیران و از دربند به پس‌قلعه رفتند. در ساعت ۱۲ دکتر جلال عبده وزیر امور خارجه سابق که از دوستان دکتر بقائی می‌باشد، به اتفاق مهندس زاهدی مدیرکل اداره مالیات وزارت دارائی به پس‌قلعه رفتند و با دکتر بقائی و

همراهان ایشان ملاقات و مدت ۴۰ دقیقه دکتر جلال عبده با دکتر بقائی در پس‌قلعه قدم زدند و محرمانه مذاکره نمودند، سپس دکتر جلال عبده شماره تلفن منزل خود را به دکتر بقائی داد و از دکتر بقائی دعوت کردند که در این هفته یک شب جهت صرف شام به منزل ایشان بروند، سپس دکتر جلال عبده به اتفاق مهندس زاهدی از دکتر بقائی و همراهان ایشان خداحافظی نمودند و پس‌قلعه را ترک نمودند.

دکتر بقائی به اتفاق همراهان خود تا ساعت ۱۸ در پس‌قلعه بودند، سپس به تهران مراجعت نمودند. دکتر بقائی شام در منزل موسی شهیدی، قاضی بازنشسته وزارت دادگستری مهمان بودند. در ساعت ۱۹ دکتر بقائی از منزل خارج شد و به منزل علی زهری واقع در اواسط کوچه میرزا محمود وزیر رفت که به اتفاق علی زهری به منزل موسی شهیدی واقع در خیابان ژاله، جنب مدرسه آمریکائی‌ها کوچه بن‌بست هما، بروند.

ضمناً دیروز محمد مروی و سیداسماعیل المدنی، علی فراهانی و علی اصغر شیرازیان درباره گم شدن سید صادق هاشمی در پس‌قلعه با دکتر بقائی مذاکره نمودند، سیداسماعیل المدنی به دکتر بقائی اظهار داشت، از آن روزی که سید صادق هاشمی از کویت آمد و آن اسلحه شش تیر را



برای من آورد و من قدری پول به او دادم، رفت و دیگر من سید صادق هاشمی را ندیدم. دکتر بقائی اظهار داشت سید صادق هاشمی یا در تهران نیست و یا او را گرفته‌اند و زندانی می‌باشد و اگر هم او را گرفته‌اند، باید بوسیله‌ای خبری به ما می‌داد بلکه می‌شد برای او کاری بکنیم. سپس دکتر بقائی به محمد مروی، المدنی، قندی، شیرازیان و علی فراهانی مأموریت دادند که درباره سید صادق هاشمی تحقیق نمایند بلکه او را پیدا نمایند.

رونوشت ضمیمه پرونده [ناخوانا] شود

شماره: ۲۵۲/د-۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۲۴

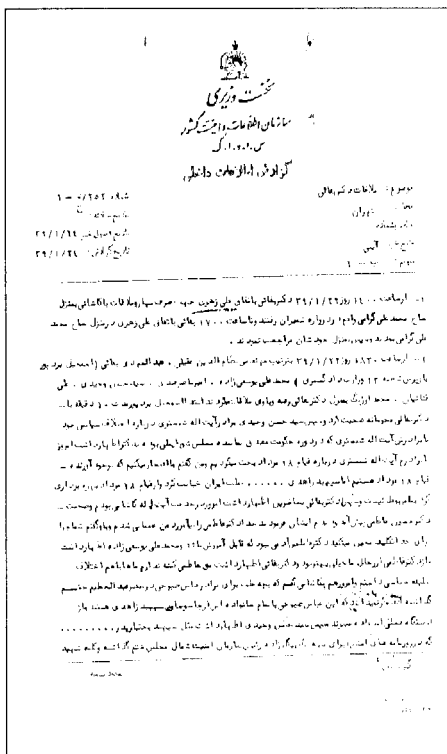
### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: ملاقات دکتر بقائی

۱- از ساعت ۱۴ روز ۳۹/۱/۲۲ دکتر بقائی به اتفاق علی زهری جهت صرف نهار و ملاقات با کاشانی به منزل حاج محمدعلی گرامی واقع در دروازه شمیران رفتند و تا ساعت ۱۷، بقائی به اتفاق علی زهری در منزل حاج محمدعلی گرامی بودند و سپس به منزل خودشان مراجعت نمودند.

۲- از ساعت ۱۸/۳۰ روز ۳۹/۱/۲۲ به ترتیب مهندس نظام‌الدین عقیلی<sup>۱</sup>، عبدالمهدی بقائی، اسماعیل یزدپور باز پرس شعبه ۲۳ وزارت دادگستری، محمدعلی

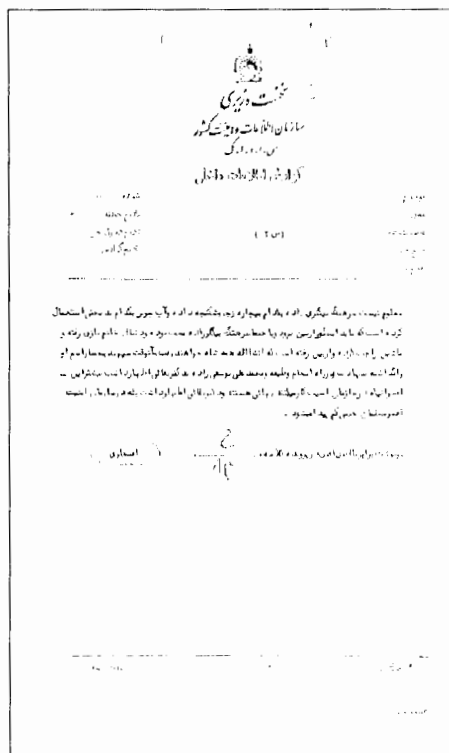
یوسفی‌زاده، امیرناصر قندی، سید حسن وحیدی، علی قنایان و محمد ارژنگ به منزل دکتر بقائی رفته و با وی ملاقات کردند. ابتدا اسماعیل یزدپور مدت ۱۰ دقیقه با دکتر بقائی محرمانه صحبت کرد، سپس سید حسن وحیدی و برادر آیت‌الله شبستری<sup>۲</sup> درباره اختلاف سیاسی خود با برادرش آیت‌الله شبستری که در دوره حکومت مصدق نماینده مجلس شورای ملی بوده به دکتر اظهار داشت امروز با برادرم آیت‌الله شبستری درباره قیام ۲۸ مرداد بحث می‌کردیم، من گفتم ما افتخار می‌کنیم که بوجود آورنده قیام ۲۸ مرداد هستیم اما سپهبد زاهدی.... به ملت ایران خیانت کرد و از قیام ۲۸ مرداد بهره‌برداری کرد به ما مربوط نیست. سپس دکتر بقائی به حاضرین اظهار داشت امروز در خدمت آیت‌الله کاشانی بودم و صحبت دکتر حسین فاطمی پیش آمد، دیدم ایشان فرمودند خدا دکتر فاطمی را بیامرزد، من عصبانی شدم و به او گفتم شما چرا برای خدا تکلیف معین می‌کنید دکتر فاطمی آدمی نبود که قابل آموزش باشد، محمدعلی یوسفی‌زاده اظهار داشت باز دکتر فاطمی از رجال ما خیلی بهتر بود، دکتر بقائی اظهار داشت من به فاطمی کینه ندارم ماها با هم اختلاف سلیقه سیاسی داشتیم و امروز هم به کاشانی گفتم که به چه علت برای برادر عباس صبوحی در حضرت عبدالعظیم ختم گذاشته‌اند مگر نمی‌دانید



که این عباس صبحی با تمام خانواده‌اش از جاسوسان سپهبد زاهدی هستند و از دستگاه فعلی استفاده می‌برند. سپس سید حسن وحیدی اظهار داشت مثل سپهبد بختیار پدر... که در روزنامه‌های امشب برای سرهنگ بیگلرزاده رئیس سازمان امنیت شمال مجلس ختم گذاشته و کلمه شهید معلوم نیست سرهنگ بیگلری زاده به کدام بی‌چاره زجر و شکنجه داده و آب جوش به کدام بدبختی استعمال کرده است که باید این طور از بین برود و یا حتماً سرهنگ بیگلرزاده مست بوده و دنبال خانم بازی رفته و ماشین را چپ کرده و از بین رفته است که ان شاء الله هم شاه خواهند رفت و آن وقت سپهبد بختیار اسم او را گذاشته شهادت در راه انجام وظیفه،

محمدعلی یوسفی زاده به دکتر بقائی اظهار داشت بیشتر این افسرانی که در سازمان امنیت کار می‌کنند، بهائی هستند، دکتر بقائی اظهار داشت: بله در سازمان امنیت افسر مسلمان خیلی کم پیدا می‌شود.

افتخاری



رونوشت برابر اصل و اصل در پرونده کلاسه ج - ۸۴

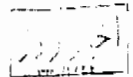
- ۱- مهندس نظام‌الدین عقیلی کرمانی: فرزند احمد (ادیب‌الممالک)، در سال ۱۲۸۹ ه‍.ش در کرمان متولد شد. عقیلی، مهندس کشاورزی بود و مدتی معاونت املاک آستان قدس رضوی را به عهده داشت. همچنین از سال ۱۳۳۰ عضو فعال حزب زحمتکشان، عضو کمیته مرکزی و عضو شورای عالی سازمان نگهبانان آزادی بود.
- ۲- مقصود، آیت‌الله سید مرتضی شبستری نماینده مجلس شورای ملی در دوره ۱۷ (۱۳۳۲-۱۳۳۱) از تبریز است.

شماره: ۲-۳-۳۲۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۲۷

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: دکتر مظفر بقائی

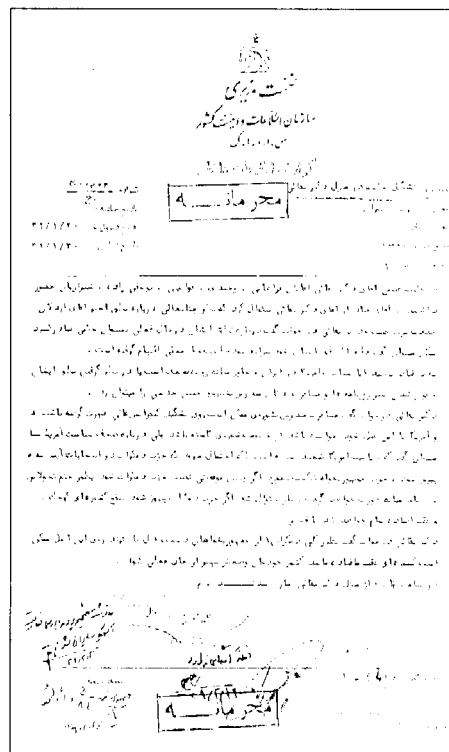
دکتر مظفر بقائی به دوستان خود و  
اعضای حزب زحمتکشان در تهران گفته برای  
شرکت در مجلس ختم دکتر محمد حسایی  
ساعت ۱۷ روز شنبه (امروز) جلوی مسجد  
مجد اجتماع نمایند تا به اتفاق ایشان به  
مسجد داخل شوند.

|                                                                                                                                                                                                        |            |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|
|  <p>وزارت داخله</p>                                                                                                   |            |
| تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۲۷                                                                                                                                                                                       | شماره: ۱۷۶ |
| موضوع: دکتر مظفر بقائی                                                                                                                                                                                 | محل: تهران |
| تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۲۷                                                                                                                                                                                       | محل: تهران |
| تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۲۷                                                                                                                                                                                       | محل: تهران |
| <p>این گزارش غایب به دهان غیر فدا شده و همکاران در تهران و سایر<br/>محل: در مجلس ختم دکتر محمد حسایی ساعت ۱۷ روز شنبه (امروز) جلوی مسجد<br/>مجد اجتماع نمایند تا به اتفاق ایشان به مسجد داخل شوند.</p> |            |
|                                                                                                                     |            |

شماره: ۳۰۶/۲۷۰ تاریخ: ۱۳۳۹/۱/۳۰

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: تشکیل جلسه در منزل دکتر بقائی  
در جلسه عمومی آقای دکتر بقائی، آقایان فراهانی، وحیدی، قوانینی، یوسفی زاده و شیرازیان حضور داشتند. آقای قناد از آقای دکتر بقائی سؤال کرد که نظر جناب عالی درباره نطق اخیر آقای اردلان خلعت بری چیست؟ دکتر بقائی در جواب گفت درباره نطق ایشان در حال فعلی نمی توان حکمی صادر کرد لیکن می توان گفت قطعاً نطق ایشان خودسرانه نبوده است و از محلی الهام گرفته است. بعد، قناد پرسید آیا سیاست آمریکا در ایران و خاورمیانه رو به ضعف است، با در نظر گرفتن نطق ایشان و عوض شدن



تیتیر روزنامه ها و مسافرت عدنان مندرس<sup>۱</sup> به شوروی چنین حدسی را می توان زد. دکتر بقائی در جواب گفت مسافرت مندرس به شوروی ممکن است روی تشکیل کنفرانس عالی صورت گرفته باشد و آمریکا با این عمل خود خواسته باشد از خصومت شوروی کاسته باشد ولی درباره ضعف سیاست آمریکا می توان گفت که سیاست آمریکا ضعیف نشده است بلکه احتمال می رود که حزب دمکرات<sup>۲</sup> در انتخابات آینده پیروز شود و حزب جمهوریخواه<sup>۳</sup> شکست بخورد اگر چنین موفقیتی نصیب حزب دمکرات شود بطور حتم تحولاتی در خاورمیانه صورت خواهد گرفت. باز سؤال شد اگر حزب دمکرات پیروز شود به نفع کشورهای کوچک و عقب افتاده تمام خواهد شد یا خیر؟ دکتر بقائی در جواب گفت به طور کلی دمکراتها از جمهوریخواهان دست و دل باز ترند روی این اصل ممکن است کشورهای عقب افتاده مانند کشور خودمان وضعیتش بهتر از حال فعلی شود. در ساعت ۱۰/۳۰ از منزل دکتر بقائی خارج شدند.

رونوشت ضمیمه پرونده بررسی فعالیت آمریکا در ایران شد ۳۹/۲/۲ فعلاً اقدامی ندارد

۱- عدنان مندرس: نخست وزیر پیشین ترکیه، در ۱۸۹۹ م متولد شد. او در رشته حقوق فارغ التحصیل شد. در هفتم ژانویه ۱۹۴۶ با کمک جلال یایار، که بعداً رئیس جمهور ترکیه شد، حزب دموکرات ترکیه را تاسیس کرد. با پیروزی این

حزب در ۱۴ مه ۱۹۵۰ در انتخابات عمومی ترکیه، مندرس به نخست وزیری ترکیه رسید او با تبعیت از سیاستهای آمریکا، در ۲۵ ژانویه ۱۹۵۰، تعداد ۴۵۰۰ سرباز ترک را برای مقابله با کره شمالی، روانه شبه جزیره کره کرد. مندرس در ۱۴ مه ۱۹۵۴ با پیروزی حزب دموکرات ترکیه در انتخابات این کشور مجدداً به نخست وزیری رسید. او در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ سند ورود ترکیه به پیمان بغداد را امضا کرد. مندرس و نوری سعید نخست وزیران ترکیه و عراق از ایجادکنندگان اصلی پیمان آمریکایی بغداد بودند. بعداً کشورهای ایران، پاکستان و انگلیس، به این پیمان پیوستند و آمریکا نیز رسماً به عنوان ناظر، در جلسات آن شرکت می کرد. مندرس در اول نوامبر ۱۹۵۷ برای سومین بار به نخست وزیری ترکیه رسید. در این دوره تظاهرات دانشجویی در چندین شهر ترکیه علیه مندرس به راه افتاد. تظاهرکنندگان خواستار انجام اصلاحات سیاسی در کشور بودند. این تظاهرات توسط دولت مندرس سرکوب شد و متعاقباً با تعطیل دانشگاههای استانبول و آنکارا کلیه فعالیتهای سیاسی دانشجویان ممنوع گردید. در ۲۱ مه ۱۹۶۰ دانشجویان آکادمی نظامی ترکیه نیز به هوداری از سایر دانشجویان دانشگاههای این کشور با انجام یک رژه نظامی به مخالفان مندرس پیوستند. عبدالن مندرس و همچنین جلال یار، رئیس جمهور وقت ترکیه، شش روز پس از این رژه در یک کودتای نظامی به رهبری ژنرال گورسل فرمانده نیروی زمینی ترکیه ساقط شدند و هر دو همراه با بسیاری دیگر از سران حکومت به محاکمه کشیده شدند. سرانجام مندرس در ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۱ در زندان به دار آویخته شد.

۲- حزب دموکرات: یکی از دو حزب بزرگ ایالت متحده آمریکا است. اولین نشانه وجودی آن در ۱۷۸۷ م بروز کرد و در همین سال به عنوان حزب مخالف فدرالیست ها ظهور نمود. این حزب ابتدا جمهور یخواه و بعد «جمهور یخواه دموکرات» نام داشت. از مؤسسان اولیه آن «تامسن جفرسن» بود. در سال ۱۷۹۲ حزب رسمی شد. برنامه کار آن محدود کردن قدرت حکومت فدرالیست بود. جفرسن در سال ۱۸۰۱ رئیس جمهور شد. این حزب از سال ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۵ تنها حزب سیاسی آمریکا بود. در این هنگام گروهی که از تعرفه های گمرکی بالا حمایت می کردند از آن جدا شدند و نام حزب جمهور یخواه بر خود نهادند. این جریان در سال ۱۸۲۸ رخ داد و از این سال این حزب، نام حزب دموکرات به خود گرفت. در سال ۱۹۳۲ با انتخاب روزولت به جای «هوفر» حزب دموکرات قدرت را در دست گرفت و پس از او «هاری ترومن» رئیس جمهور شد.

در انتخابات سال ۱۹۵۲، حزب پس از بیست سال حکومت، شکست خورد و آیزنهاور جمهور یخواه به ریاست جمهوری رسید. در انتخابات ۱۹۶۰ جان اف کندی از حزب دموکرات رئیس جمهور شد. در دهه ۱۶۰۰ این حزب حاکم بود تا آنکه در سال ۱۹۶۸ «نیکسون» از حزب جمهور یخواه انتخاب شد. از جمله سیاستمداران معروف گذشته و حال این حزب عبارتند از: هوبرت همفری، ادوارد کندی، جرج مک گاورن، مایکل مانسفیلد، ادموند ماسکی، سرجنت شرایور، جانسون و جان کندی.

۳- حزب جمهور یخواه: یکی از دو حزب قدرتمند ایالات متحده آمریکا است. در سال ۱۸۲۸ پیروان نظریه تعرفه زیاد گمرکی به رهبری «هنری کلی» و «جان کوینس آدامز» از حزب دموکرات انشعاب پیدا کردند و به خود عنوان «جمهور یخواه ملی» دادند. حزب جمهور یخواه در سال ۱۸۵۴ از ائتلاف جمهور یخواهان ملی و دموکراتهای شمالی که پیرو نظریه آزادی بردگان سیاهپوست بودند، ایجاد شد. در سال ۱۸۶۱ با انتخاب شدن «آبراهام لینکن» نامزد جمهور یخواهان این حزب به قدرت رسید. حزب جمهور یخواه در فاصله سالهای ۱۸۶۱ - ۱۹۳۳ به غیر از دوره های ۱۸۸۵ - ۱۸۸۹ و ۱۸۹۳ - ۱۸۹۷ و ۱۹۱۳ - ۱۹۲۱ بر سر کار بود. این حزب خواستار اجرای اصلاحات اجتماعی بود. در اواخر قرن نوزدهم حزب خواستار تقویت فدرالیسم آمریکا و برقراری تعرفه های بالا بود. پس از پایان جنگ جهانی اول، با پایان گرفتن ریاست جمهوری «وودرو» و ویلسن نامزد این حزب در انتخابات پیروز گشت و اجازه نداد که آمریکا به جامعه ملل بپیوندد. «هاردینگ»، «کولیدج» و «هوفر» سه رئیس جمهور بعدی این دوره بودند. در انتخابات ۱۹۳۲ فرانکلین روزولت نامزد حزب دموکرات به ریاست جمهوری رسید و حزب دموکرات بیست سال قدرت را در دست داشت. در سال ۱۹۵۱ آیزنهاور از حزب جمهور یخواه رئیس جمهور شد. در انتخابات ۱۹۶۰ نیز کندی از حزب دموکرات انتخاب شد. در انتخابات ۱۹۶۴ «گولدواتر» نامزد حزب جمهور یخواه از جانسون نامزد حزب دموکرات شکست خورد.

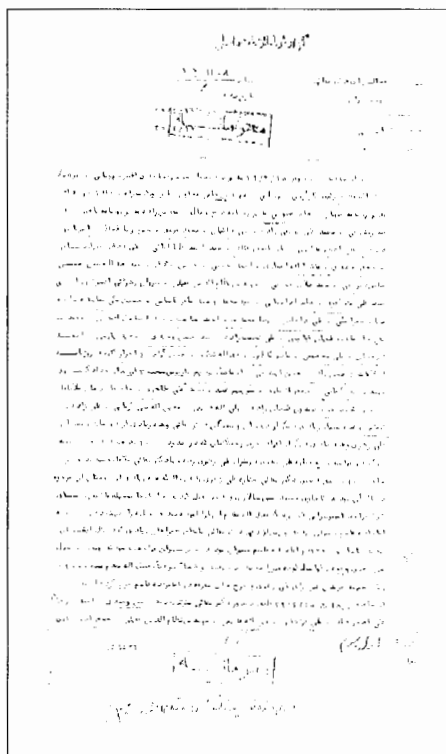
شماره: ۸-۱۱/۱ هـ تاریخ: ۱۳۳۹/۳/۱۷

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: فعالیت‌های دکتر بقائی

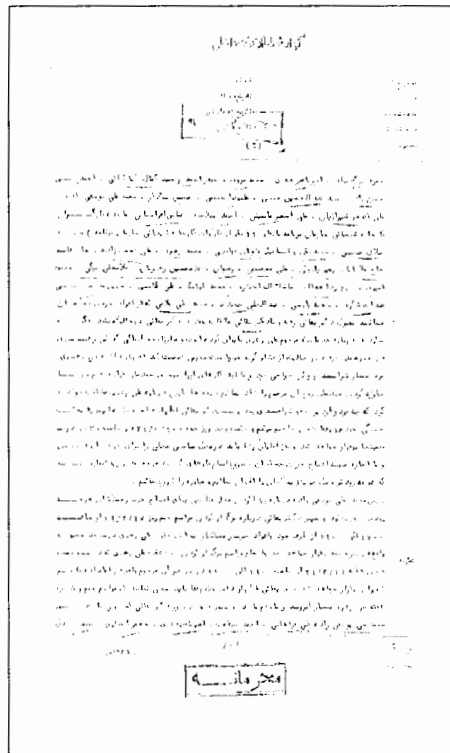
از ساعت ۷ روز ۳۹/۳/۱۵ به ترتیب  
 تیمسار سرتیپ ساجدی افسر شهربانی،  
 سرهنگ فضل‌الله مقدم رئیس کارگزینی  
 شهربانی، مهندس حامی معاون سابق وزارت  
 راه، صادق بهداد مدیر روزنامه جهان، عباس  
 صبحوحی مدیر روزنامه «صبح وصال»،  
 مقدس‌زاده مدیر روزنامه ناهید، صدر  
 مشرقی، محمدعلی یوسفی‌زاده، علی  
 قنائیان، محمد مروی، شیخ رضا فعال،  
 امیرناصر قندی، علی‌اصغر ماشینی،  
 علی‌اصغر قناد، سید احمد طباطبائی،

علی‌اصغر شیرازیان، جعفر جعفری، ماشاءالله اخباری، احمد حسنی، حسین بنکدار، سید  
 عبدالحسین حسنی، عباس دیوشلی، سید جلال حسینی، مهندس نظام‌الدین عقیلی، سروان  
 زهرائی افسر شهربانی، سید علی مصطفوی، عباس افراسیابی، سید محمد و سید باقر کاشانی،  
 حسین مکی نماینده سابق مجلس شورای ملی، علی فراهانی، رضا محمدی، احمد سلامت،  
 سید اسماعیل المدنی، محمدتقی و اسماعیل علویان قوانینی، علی نعمت‌زاده، سید حسن  
 وحیدی، سعید پارسی، احمد درخشان، علی معصومی، ناصر کاظمی، عبدالله شکری، حسن  
 گرامی، احرار، کارمند روزنامه اطلاعات، حسن‌زاده، حسن آینه‌چی، اسماعیل یزدپور بازپرس  
 شعبه ۳ از وزارت دادگستری، مهندس زندکرمائی، جعفر انصاری، منوچهر عمید، محمدعلی  
 طاهری، حاج‌قاسم حاج‌ملابابا، موسی شهیدی، فریدون کنعان‌زاده، ولی‌الله قدیمی،  
 معین‌الدینی کرمانی، علی‌زاده کرمانی و عده بسیار زیاد دیگری از دوستان و بستگان دکتر بقائی  
 و عده زیادی از دوستان و بستگان علی زهری و عده زیاد دیگری از افراد حزب زحمتکشان که در  
 حدود ۱۰۰۰ نفر می‌شدند، جهت شرکت در مراسم تشییع جنازه علی زهری در منزل علی  
 زهری رفته و با دکتر بقائی ملاقات نمودند. در ساعت ۹ طبق دستور دکتر بقائی جنازه علی



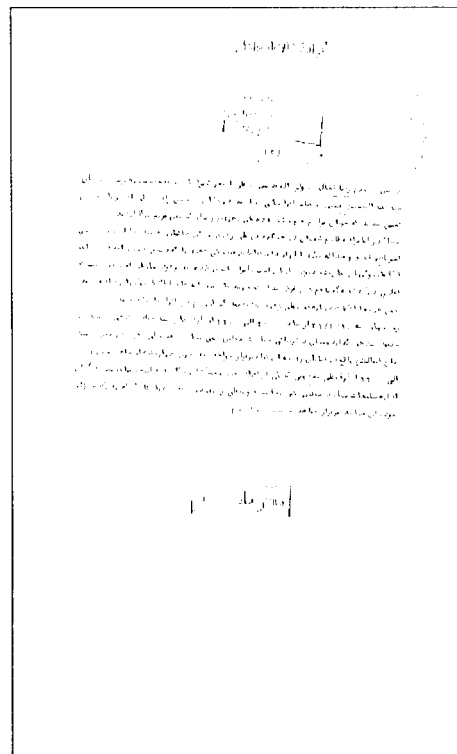


زهری را در حالی که عده زیادی از دوستان آن مرحوم دنبال آن بودند تا جلوی مسجد سپهسالار روی دوش حمل کردند و از آنجا بوسیله ماشینهای شرکت واحد اتوبوسرانی که سرهنگ فضل الله مقدم آنها را آورده بودند، جنازه را جهت دفن به امامزاده قاسم شمیران بردند. پس از دفن، دکتر بقائی به اتفاق همراهان زیادی که دنبال ایشان بودند، تا ساعت ۱۳/۳۰ در امامزاده قاسم شمیران بودند، سپس به تهران مراجعت نمودند و به منزل علی زهری واقع در اواسط کوچه میرزا محمود وزیر رفتند. ضمناً سرهنگ فضل الله مقدم مبلغ ۴۰۰۰ ریال جهت خریدن قبر، برای علی زهری و خرجهای متفرقه در امامزاده قاسم خرج کرده است.



از ساعت ۱۸ روز ۳۹/۳/۱۵ طبق دستور دکتر بقائی به ترتیب سید حسن وحیدی، احمد درخشان، علی اصغر قناد، علی فراهانی، ولی الله قدیمی، مهندس نظام الدین عقیلی، جعفر انصاری، حمزه بزرگ نژاد، امیر ناصر قندی، محمد مروی، سید احمد و سید کمال طباطبائی، احمد حسینی، حسن زاده، سید عبدالحسین حسینی، علیرضا حسینی، حسین بنکدار، محمد علی یوسفی زاده، علی اصغر شیرازیان، علی اصغر ماشینی، احمد سلامت، عباس افراسیابی نماینده کارگران کارخانه شیمیائی سازمان برنامه به اتفاق ۱۲ نفر از کارگران کارخانه شیمیائی سازمان برنامه، سید جلال حسینی، محمد تقی و اسماعیل علویان قوانینی، محمد زهری، علی نعمت زاده، حاج قاسم حاج ملابابا، پرویز پازوکی، علی معصومی، رضوان غلامحسین رهبری، غلامعلی بیگی، محمود امیری، شیخ رضا فعال، ماشاء الله اخباری، محمد ارژنگ، علی طاووسی، حسن ملهمی، عبدالله شکری، سعید پارسی، عبدالله حمیدی، محمد علی غلامی، که از افراد حزب زحمتکشان می باشند، به منزل دکتر بقائی رفته و با دکتر بقائی ملاقات نمودند، دکتر بقائی در حالی که به شدت گریه می کردند، درباره خدماتی که مرحوم علی زهری به ایران کرده است و مبارزات خطرناکی که علی زهری در جبهه ملی کرده در

حالی که از فشار گریه نمی‌توانست بخوبی صحبت کند، اظهار داشته علی زهری مرد بسیار شرافتمند و وطن‌خواهی بود و ما باید کارهای او را سرمشق خودمان قرار دهیم و با مبارزه کردن خودمان روح آن مرحوم را شاد نمائیم، بعدها تاریخ درباره علی زهری قضاوت خواهد کرد که چه مرد وطن‌پرست و شرافتمندی بود، سپس دکتر بقائی اظهار داشت جلسه امروز را به علت خستگی خودم و رفقا همین جا ختم می‌کنم، جلسه بعد روز جمعه ۳۹/۳/۲۰ در ساعت ۲۰/۳۰ در همین جا برقرار خواهد شد و باز آقایان رفقا باید در محل مناسبی محلی را برای خرید یا رهن و یا اجاره جهت افتتاح حزب زحمتکشان و شروع کارهای گذشته هر چه



زودتر پیدا نمایند که هر چه زودتر محل حزب زحمتکشان را افتتاح نمائیم و مبارزه را شروع نمائیم. سپس محمدعلی یوسفی‌زاده درباره هر چه زودتر پیدا کردن محل مناسبی برای افتتاح حزب زحمتکشان صحبت کرد و سپس دکتر بقائی درباره برگزار کردن مراسم ختم روز ۳۹/۳/۱۷ از ساعت ۱۷ الی ۱۹ از طرف خود و افراد حزب زحمتکشان به مناسبت فوت علی زهری در مسجد محمودیه واقع در سرچشمه برقرار خواهد شد، انجام مراسم و برگزار کردن شب هفت علی زهری که در شب جمعه همین هفته ۳۹/۳/۱۹ از ساعت ۱۶ الی ۱۹ در سر قبر آن مرحوم واقع در امام‌زاده قاسم شمیران برقرار خواهد شد، دکتر بقائی اظهار داشت که رفقا باید سعی نمایند که مراسم ختم و شب هفت علی زهری بسیار آبرومند و با نظم باشد. سپس طبق دستور دکتر بقائی کمیسیونی با حضور محمدعلی یوسفی‌زاده، علی فراهانی، احمد سلامت، امیرناصر قندی، جعفر انصاری، سید جلال حسینی، شیخ رضا فعال، ولی‌الله قدیمی، علی‌اصغر شیرازیان، غلامحسین رهبریان، سید عبدالحسین حسنی، عباس افراسیابی، احمد درخشان، حسن‌زاده، علی‌اصغر ماشینی، تعیین شدند که جریان مراسم ختم و شب هفت علی زهری زیر نظر کمیسیون مزبور برگزار شود.

ضمناً در امامزاده قاسم شمیران در هنگام دفن علی زهری، علی قنائیان به سید جلال حسینی، امیر ناصر قندی و عبدالله شکری اظهار داشت اعلان فوت علی زهری را که دیشب در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان چاپ شده بود، سازمان امنیت آن را سانسور کرده بود و خود سازمان امنیت یک اعلانی دیکته شده که با هم هیچ فرق نداشت جهت چاپ به روزنامه‌های اطلاعات و کیهان داده بود چون هر چه اطلاعات، درباره فوت علی زهری نوشته بود، کیهان هم عین آن را چاپ کرده بود.

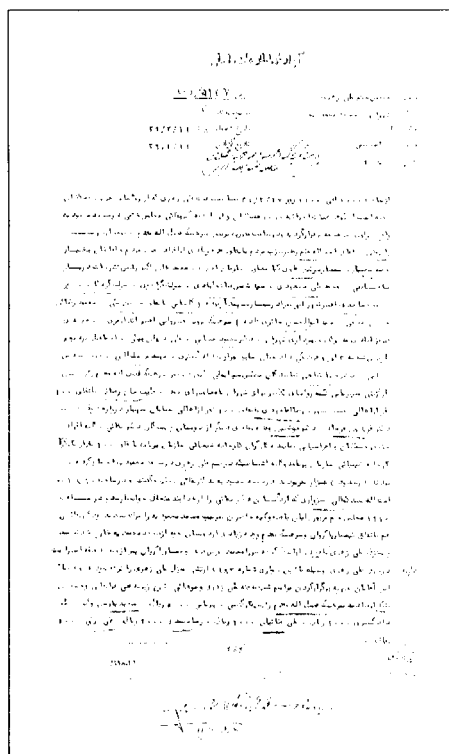
روز چهارشنبه ۳۹/۳/۱۸ از ساعت ۱۰ الی ۱۲ از طرف حاج سید جواد سدهی و سید محمود سدهی که از دوستان دکتر بقائی می‌باشند، مجلس ختمی به مناسبت فوت علی زهری در مسجد «حاج ابوالفتح» واقع در خیابان ری میدان شاه برقرار خواهد شد. روز چهارشنبه از ساعت ۱۷ الی ۱۹ از طرف علی معصومی که یکی از افراد حزب زحمتکشان و کارمند دایره شورای نویسندگان اداره تبلیغات می‌باشد، مجلس ختمی به مناسبت فوت علی زهری در مسجد سه راه نارمک که نزدیک منزل خودشان می‌باشد، برقرار خواهد شد.

شماره: ۱۳۷/۵-۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۳/۱۹

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: مجلس ختم علی زهری

از ساعت ۱۷ الی ۱۹ روز ۳۹/۳/۱۷ به مناسبت فوت علی زهری که از روسای حزب زحمتکشان بوده است، از طرف هیئت اجرائیه حزب زحمتکشان و از طرف دکتر بقائی مجلس ختمی در مسجد محمودیه، واقع در اول سرچشمه برگزار گردید، در ساعت مقرر به ترتیب سرهنگ فضل الله مقدم و تیمسار سرتیپ پاکروان<sup>۱</sup>، آقای اسدالله علم رهبر حزب مردم به اتفاق عده زیادی از افراد حزب مردم و آقاخان بختیار، حمید بختیار، تیمسار سرتیپ علوی کیا معاون سازمان



امنیت، محمد خان اکبر رئیس تشریفات دربار شاهنشاهی، محمدعلی مسعودی، سید شمس قنات آبادی، سرلشکر اخوی، سرلشکر عطاپور، سرتیپ ساجدی افسر شهربانی، برادر تیمسار سپهبد آزموده، کاشانی به اتفاق حسین مکی، محمود رضائی، حسین صدیقی، سید ابوالحسن حائری زاده، سرهنگ پرویز خسروانی افسر ژاندارمری، سعیدی فیروزآبادی مدیرکل شهرداری تهران، دکتر محمود حسابی، علی دیوان بیگی، اسماعیل یزدپور باز پرس شعبه ۳ ارز، فرهنگی، دادستان سابق وزارت دادگستری، مهندس سلطانی، مهندس شیانی و دکتر جهانشاهی نمایندگان مجلس شورای ملی. طبق دستور سرهنگ فضل الله مقدم رئیس کارگزینی شهربانی کلیه روسای کلانتریهای تهران با معاونتهای خود، طیب حاج رضائی به اتفاق ۱۰۰ نفر از اهالی جنوب شهر، رضا آقامهدی به اتفاق ۱۰۰ نفر از اهالی خیابان شهباز دروازه دولاب، دکتر فریدون فرشاد، دکتر خوشبین و عده زیادی دیگر از دوستان و بستگان دکتر بقائی و کلیه افراد حزب زحمتکشان، افراسیابی نماینده کارگران کارخانه شیمیائی سازمان برنامه به اتفاق ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه شیمیائی سازمان برنامه.

کلیه اشخاصی که در ختم علی زهری در مسجد محمودیه اجتماع کرده بودند، در حدود ۴ هزار

نفر بودند در مسجد محمودیه به دکتر بقائی تسلیت گفتند و در ساعت ۱۸/۲۰ آیت‌الله سید کمالی سبزواری از دوستان دکتر بقائی... از خداوند متعال خواستار شد، در ساعت ۱۹/۲۰ مجلس ختم مزبور، پایان یافت و کلیه حاضرین به ترتیب مسجد محمودیه را ترک نمودند، دکتر بقائی هم به اتفاق تیمسار پاکروان و سرهنگ مقدم و عده زیادی از دوستان خود از مسجد محمودیه خارج شدند و به منزل علی زهری واقع در اواسط کوچه میرزا محمود وزیر رفتند، تیمسار پاکروان پس از چند دقیقه استراحت در منزل علی زهری بوسیله ماشین سواری شماره ۱۹۸۳ ارتشی، منزل علی زهری را ترک نمودند<sup>۱</sup> و ضمناً این آقایان جهت برگزار کردن مراسم شب هفت علی زهری وجوهاتی به شرح زیر به علی فراهانی و حسین بنکدار دادند. سرهنگ فضل‌الله مقدم رئیس کارگزینی شهربانی ۵۰۰۰ ریال، سعید پارسی وکیل دادگستری ۲۰۰۰ ریال، علی قنائیان ۲۰۰۰ ریال، رضا محمدی ۲۰۰۰ ریال، علی ترکی ۱۰۰۰ ریال.

در پرونده حزب زحمتکشان بایگانی شود

۱- حسن پاکروان: رئیس پیشین ساواک و از عوامل مؤثر فاجعه حمله به مدرسه فیضیه قم در سال ۱۳۴۳ بود. پاکروان در سال ۱۲۹۰ در تهران به دنیا آمد. پدر او فتح‌الله پاکروان، از دولتمردان رضاخانی بود که در زمان فاجعه قتل عام مسجد گوهرشاد، استانداری خراسان را به عهده داشت. حسن پاکروان تحصیلات نظامی خود را در دانشکده‌های «بواتیه» و «فونتن‌بلو» فرانسه به پایان رساند. در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و مدتها به عنوان مربی دانشکده افسری اشتغال داشت. در سالهای ۱۳۲۲ - ۱۳۲۰ افسر ستاد ارتش و در سالهای ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ فرمانده پادگان پوشهر و افسر انتظامات بنادر جنوب بود. پاکروان در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷ افسر رکن دوم ستاد ارتش گردید و در سالهای ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ به عنوان وابسته نظامی به پاکستان رفت. پس از بازگشت به ایران مدتی ریاست رکن دوم ارتش را به عهده داشت و مجدداً در سالهای ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ به عنوان وابسته نظامی به هند رفت. با تأسیس ساواک در اسفند ۱۳۳۵ پاکروان معاون ساواک گردید و در اسفند ۱۳۳۹ با برکناری سپهبد تیمور بختیار به ریاست ساواک رسید. حسن پاکروان تا سال ۱۳۴۳ ریاست ساواک را به عهده داشت و در دهم بهمن ماه ۴۳ جای خود را به ارتشبد نعمت‌الله نصیری داد. در سال ۴۳ به مدت دو سال به عنوان وزیر اطلاعات کابینه هویدا بود. پاکروان از شهر یور ۱۳۴۵ لغایت مهر ۱۳۴۸ سفیر ایران در پاکستان بود، سپس در این تاریخ به عنوان سفیر به فرانسه اعزام شد و تا آبان ۱۳۵۲ در پاریس مستقر بود. در بازگشت به ایران، از ۱۳۵۲ توسط ارتشبد فردوست در بازرسی شاهنشاهی به کار گرفته شد و در مهر ماه ۱۳۵۶ به عنوان مشاور و سرپرست امور مالی وزارت دربار منصوب گردید. سرلشکر حسن پاکروان پس از پیروزی انقلاب اسلامی دستگیر و در روز ۲۲ فروردین ماه ۱۳۵۸ به همراه جمعی از بلندپایگان رژیم پهلوی تیرباران شد.

۲- دکتر بقائی، علی زهری و تیمسار پاکروان (ریاست پیشین ساواک) رفاقت دیرینه‌ای داشته‌اند. بقائی در این خصوص چنین گفته است:

«سوال: شما قبلاً هم با تیمسار پاکروان آشنا بودید؟

بقائی: مفصل. خیلی...

سوال: با تیمسار پاکروان رئیس ساواک چگونه آشنا بودید؟

بقائی: تیمسار پاکروان در جوانی یک وقتی در بلژیک با آقای زهری، هم‌شاگردی بودند و خیلی ارتباط نزدیک خانوادگی داشتند یعنی مادر تیمسار پاکروان، آقای زهری را مثل پسر خودش می‌دانست و علاقه‌مند بود. می‌دانید مادر تیمسار پاکروان خانم امینه پاکروان بود که فرانسوی بود و پدرش یکی از رجال بود. خانه‌شان هم طرفهای

پشت مسجد سپهسالار بود. من خانه‌شان هم رفته بودم. از آنجا ما آشنا شده بودیم. پاکروان با آقای زهری دوست یک‌جان در دو قالب بودند. خیلی دوست بودند... با هم زیاد ملاقات داشتیم...

سوال: آیا راست است که تیمسار پاکروان در آخرین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به فکر خودکشی افتاده بود؟  
بقائی: سه هفته پیش از شروع انقلاب هنوز غلیان، پیدا شده بود، [اما] شاه بود. یک چهارشنبه‌ای (دوره چهارشنبه با تیمسار پاکروان داشتیم) آمد پهلوی من. صحبت بود راجع به پیش‌بینی اوضاع. گفت: من در جستجوی یک سمی هستم که خودکشی کنم...»

بازجویی بقائی، صفحات ۵۴۸-۵۵۰

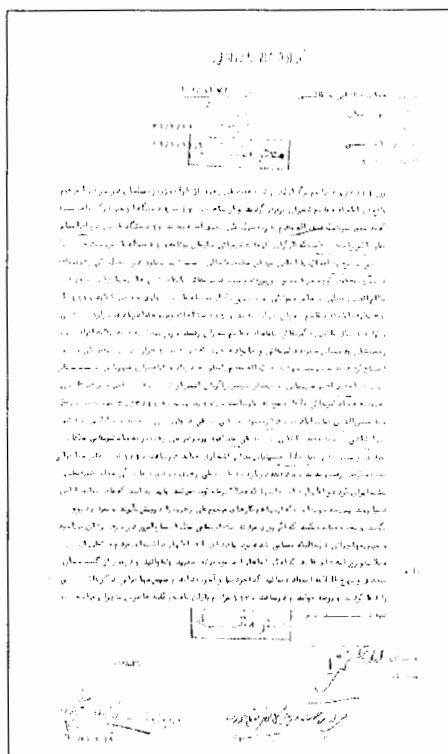


شماره: ۱۰۵/۱۱۷۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۳/۲۲

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: فعالیت کاشانی و بقائی

روز ۳۹/۳/۱۹ مراسم برگزار کردن شب هفت علی زهری از طرف حزب زحمتکشان در سر قبر آن مرحوم واقع در امامزاده قاسم شمیران برگزار گردید. از ساعت ۸، ۱۷، دستگاه اتوبوس شرکت واحد به دستور سرهنگ فضل الله مقدم به درب منزل علی زهری آمده بودند، ۲ دستگاه ماشین هم افراسیابی، علی اکبر و احمد سلامت، کارگران کارخانه شیمیائی سازمان برنامه و دو دستگاه ماشین سید جلال حسینی و شیخ رضا فعال با اهالی میدان مولوی و اهالی جنوب شهر به



جلوی درب منزل علی زهری واقع در سرچشمه، اول کوچه میرزا محمود وزیر رفته، سپس دکتر بقائی به اتفاق شیخ عباس مهاجرانی، مهندس نظام الدین عقیلی، عباس دیوشلی و حسین بنکدار بوسیله ماشین سواری شخصی شماره ۳۸ ط ۹۶۹۹ به طرف امامزاده قاسم شمیران حرکت کردند و ۱۲ دستگاه اتوبوس و تعداد زیادی سواری شخصی و کرایه به دنبال ماشین دکتر بقائی به امامزاده قاسم شمیران رفتند. روز پنجشنبه علاوه بر کلیه افراد حزب زحمتکشان و دوستان متفرقه دکتر بقائی و خانواده زهری که در حدود ۲ هزار نفر در سر قبر علی زهری اجتماع کرده بودند به ترتیب سرهنگ فضل الله مقدم به اتفاق عده زیادی از افسران شهربانی، تیمسار سرتیپ ساجدی افسر شهربانی، تیمسار سرتیپ پاکروان افسر ارتش و سرهنگ حلمی به سر قبر علی زهری رفته و با دکتر بقائی ملاقات نمودند. از ساعت ۱۷/۳۰ روز پنجشنبه ۳۹/۳/۱۹ به ترتیب حسین مکی، سید شمس الدین قنات آبادی، دکتر محمود حسابی، علی دیوان بیگی، مهندس سلطانی، دکتر جهانشاهی، سید محمد کاشانی و سید علی مصطفوی بر سر قبر علی زهری رفته و با دکتر بقائی ملاقات نمودند. سپس حاج سید جلال حسینیان مداح، اشعاری خواند.

در ساعت ۱۸/۲۰ شیخ عباس مهاجرانی پشت میکرفون رفت و مدت ۵۰ دقیقه درباره خدماتی که علی زهری در دوره نمایندگی مجلس شورای ملی به ملت ایران کرده، اظهار داشت، اینها که فعلاً بر ما حکومت می‌کنند باید بدانند که عاقبت باید از این دنیا بروند پس چه خوب است که اینها هم کارهای مرحوم علی زهری را در پیش بگیرند و به مردم دروغ نگویند، به ملت خیانت نکنند که اگر روزی مردند یک اجتماعی مثل اجتماع امروز در سر قبرشان برپا شود، سپس مهاجرانی در حالی که عصبانی شده بود، با صدای بلند اظهار داشت: ای مردم مسلمان، این مجلات و روزنامه‌های فاسد که افکار شماها را مسموم می‌کند، نخرید و نخوانید، در عوض، از گلستان سعدی و نهج‌البلاغه استفاده نمائید که اجر دنیا و آخرت دارد، سپس مهاجرانی، دکتر بقائی را دعا کرد و روضه خواند. در ساعت ۱۹/۳۰ مراسم پایان یافت و کلیه حاضرین به تهران مراجعت نمودند.

اداره سوم بخش ۱

پس از مراجعت مدیریت کل به عرض مقام معظم برسد

در پرونده حزب زحمتکشان بایگانی شود



شماره: ۱۳۱۵/۵-۲ تاریخ: ۱۳۳۹/۳/۲۵

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: برگزاری مجلس ختم مرحوم زهری

روز سه شنبه ۱۳۹/۳/۱۷ از ساعت ۵ الی ۷

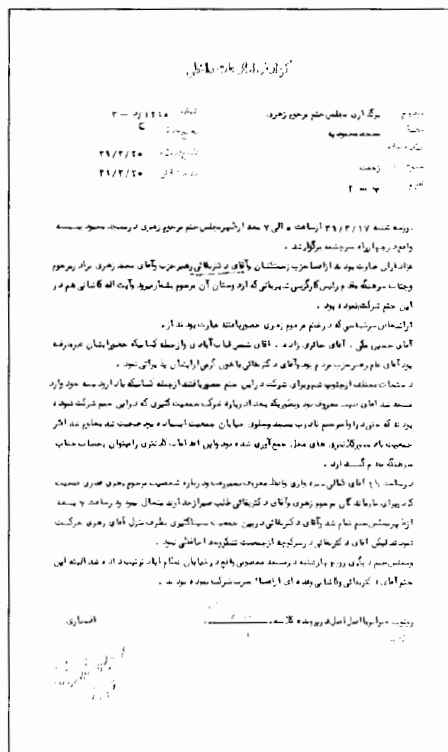
بعد از ظهر مجلس ختم مرحوم زهری در مسجد محمودیه واقع در چهار راه سرچشمه برگزار شد. عزاداران عبارت بودند از اعضای حزب زحمتکشان، آقای دکتر بقائی رهبر حزب، آقای محمد زهری برادر مرحوم و جناب سرهنگ مقدم رئیس کارگزینی شهربانی که از دوستان آن مرحوم به شمار می‌رود، آیت‌الله کاشانی هم در این ختم شرکت نموده بود.

از اشخاص سرشناسی که در ختم مرحوم

زهری حضور یافتند، عبارت بودند از: آقای حسین مکی، آقای حائری زاده، آقای شمس قنات آبادی و از جمله کسانی که حضور ایشان غیر مترقبه بود آقای علم رهبر حزب مردم بود، آقای دکتر بقائی با خون گرمی از ایشان پذیرایی نمود.

دستجات مختلف از جنوب شهر برای شرکت در این ختم حضور یافتند از جمله کسانی که با دار و دسته خود وارد مسجد شد آقای طیب معروف بود، به طوری که بعداً درباره شرکت جمعیت کثیری که در این ختم شرکت نموده بودند و حتی در اواخر ختم تا درب مسجد و جلوی خیابان، جمعیت ایستاده بود صحبت شد معلوم شد اکثر جمعیت با دستور کلانتریهای محل جمع‌آوری شده بود و این اقدامات کلانتری را می‌توان به حساب جناب سرهنگ مقدم گذارد.

در ساعت ۶/۳۰ آقای کمالی سبزه‌واری<sup>۱</sup>، واعظ معروف به منبر رفت و درباره شخصیت مرحوم زهری قدری صحبت کرد و برای بازماندگان مرحوم زهری و آقای دکتر بقائی طلب صبر از خداوند متعال نمود. در ساعت ۷ بعد از ظهر مجلس ختم تمام شد و آقای دکتر بقائی در بین جمعیت نسبتاً کثیری به طرف منزل آقای زهری حرکت نمودند لیکن آقای دکتر بقائی در سر کوچه از جمعیت تشکر و خداحافظی نمود. مجلس ختم دیگری روز چهارشنبه در مسجد



معصومی واقع در خیابان نظام‌آباد ترتیب داده شد، البته [در] این ختم، آقای دکتر بقائی و کاشانی و عده‌ای از اعضای حزب شرکت نموده بودند. رونوشت برابر با اصل در پرونده کلاسه ک. الف - ۳۲ بایگانی شود

---

۱- سید ابوالفضل کمالی سبزواری: فرزند محمدرضا، در سال ۱۲۸۲ ه‍.ش در شهر سبزوار متولد شد. پدرش معروف به میرزا آقا و دارای «خانقاه» بود. سید ابوالفضل در رشته فلسفه و حکمت تحصیل کرده و دارای تألیفات است. طبع شعر داشته و برای مجلات و روزنامه‌ها مقاله می‌فرستاده است. از هجده سالگی برای تحصیل به مشهد مسافرت کرد. در سال ۱۳۱۰ به تهران رفته و در مدرسه بزازها حجره‌ای گرفت و برای برخی طلاب دروس فلسفه و منطق تدریس می‌کرده است. درویش مسلک بوده و بیشتر رفقایش نیز از این دسته بودند.

تاریخ: ۱۳۳۹/۴/۲۰

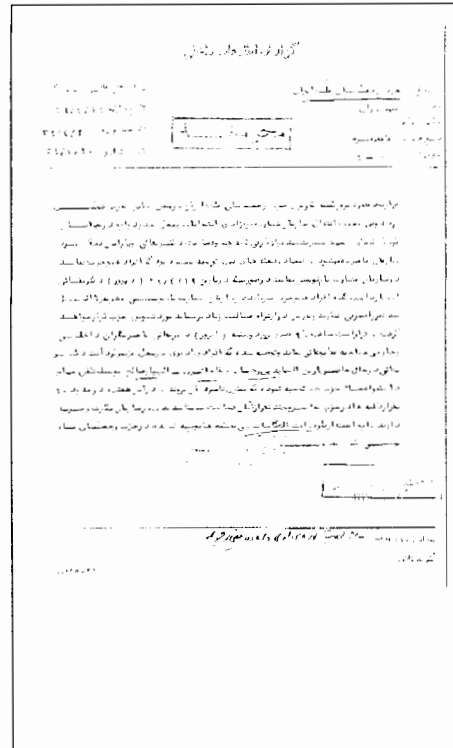
## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب زحمتکشان ملت ایران

قرار بود عصر دیروز کمیته کارگری حزب زحمتکشان ملت ایران در محل سابق حزب تشکیل گردد ولی به علت انتقال سازمان نظارت بر آزادی انتخابات<sup>۱</sup> به محل جدید واقع در خیابان کوشک، تشکیل کمیته، میسر نشده و از طرفی هم کلیه فعالیت دکتر بقائی و یارانش صرف سازمان نامبرده می‌شود.<sup>۲</sup> ضمناً در هفته‌های قبل توصیه شده بود که افراد عضو حزب نباید در سازمان نظارت نام‌نویسی نمایند در صورتی که در تاریخ ۱۳۹/۴/۳۹ (دیروز) دکتر بقائی اظهار داشت

کلیه افراد عضو حزب نیز باید در سازمان نظارت نام‌نویسی و هر نفر لااقل سه نفر را معرفی نمایند، هر کس در این راه فعالیت زیادتری بنماید مورد تشویق حزب قرار خواهد گرفت. قرار است ساعت ۹/۳۰ صبح روز دوشنبه (امروز) دکتر بقائی با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه مطبوعاتی نماید و توصیه شده که افراد زیادتری در محل [مزبور] گرد آیند. دکتر بقائی در حال حاضر با زین‌العابدین رهنما، صفا، حائری و اللهیار صالح بوسیله تلفن تماس داشته و [به] اعضا حزب هم توصیه نموده که به منزل نامبردگان بروند. در این هفته در حدود ۶۰ نفر از طلبه‌ها در حزب حاضر و چند نفر از آنان فعالیت نسبتاً شدیدی در سازمان نظارت و حزب دارند، شایع است از طرف آیت‌الله کاشانی به طلبه‌ها توصیه شده در حزب زحمتکشان نام‌نویسی کنند.

جهت بهره‌برداری و اعاده عین مرجوعه



۱- سازمان نظارت بر آزادی انتخابات: این سازمان در ارتباط با مبارزه انتخاباتی دوره شانزدهم، به رهبری دکتر مظفر بقائی به وجود آمد. هسته اصلی آن، روزنامه شاهد بود. اعضای آن را بیشتر، دانشجویان و پیشه‌وران جوان تشکیل می‌دادند. پس از پایان انتخابات مجلس شانزدهم، نام آن به «سازمان نگهبانان آزادی» تغییر یافت. خلیل ملکی و گروهی از اعضای روشنفکر و میهن‌دوست حزب توده که سرخورده از وابستگی حزب، به شوروی و فساد در رهبری آن بودند، در سال ۱۳۲۶ از حزب توده انشعاب کرده و در سال ۱۳۲۹ به سازمان نظارت پیوستند. دانش

سیاسی و تجربه تشکیلاتی خلیل ملکی و همفکرانش، باعث اهمیت بیشتر تشکیلات آنها و گسترش آن در میان روشنفکران و کارگران شد. خلیل ملکی مجذوب مبارزه جبهه ملی با استعمار انگلستان و نیز مبارزه آن با حزب توده شده بود. او و دوستانش دست به نوشتن مقاله‌های تحلیلی و تاریخی درباره ماهیت حزب توده زدند. آنها اندیشه‌ها و تنویرهای نور را وارد نهضت ملی ایران کردند. سازمان نگهبانان آزادی در مدت یک سال تبدیل به یک حزب بزرگ شد و نام آن در سال ۱۳۳۰ به «حزب زحمتکشان ایران» تغییر یافت.

۲- در روز ۲۶ شهریور ۱۳۳۹ آرا برای انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی، در تهران و شهرستانها، آغاز شد. به دنبال آن، مبارزه انتخاباتی بین احزاب ملیون، مردم و منفردین به شدت شروع گردید.



تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۳

## گزارش اطلاعات داخلی

دکتر بقائی دیشب به کلیه افراد حزب  
زحمتکشان دستور داده است که در روز  
۳۹/۴/۲۷ هر یک از افراد، مأموریت دارند کلیه  
روزنامه‌های ناهید<sup>۱</sup> را از روزنامه فروشها  
خریداری نمایند، این عمل از ساعت ۱۴ روز  
جاری وسیله افراد عضو حزب زحمتکشان  
انجام خواهد گرفت.

طبق اظهار آقای راغفر چنین مطلبی صحت نداشته

است ۵/۲۲

بایگانی

دکتر بقائی دیشب به کلیه افراد حزب زحمتکشان دستور داده است که در روز ۳۹/۴/۲۷ هر یک از افراد، مأموریت دارند کلیه روزنامه‌های ناهید را از روزنامه فروشها خریداری نمایند، این عمل از ساعت ۱۴ روز جاری وسیله افراد عضو حزب زحمتکشان انجام خواهد گرفت.

لین (آقای راغفر) چنین مطلبی صحت نداشته است  
۵/۲۲

۱- ناهید:

صاحب امتیاز و مدیر: سید محمد مقدس زاده

محل انتشار: تهران

ناشر: هیات تحریریه

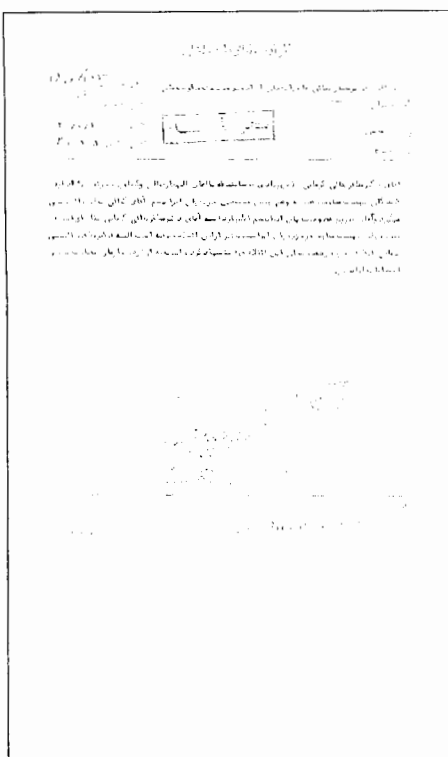
فاصله انتشار: هفتگی

شماره: ۱۹۳

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۵

## گزارش اطلاعات داخلی

آقای دکتر مظفر بقایی کرمانی، تلاش زیادی می‌نمایند که با آقای اللهیار صالح و کشاورز صدر که جزو اداره کنندگان نهضت مقاومت هستند و هم چنین مسوولین حزب پان ایرانیسم آقای کمالی، تماسهایی می‌گیرد، آقای سروش، عضو حزب پان ایرانیسم، اظهار داشته آقای دکتر مظفر بقایی تقاضای ائتلاف نموده ولی نهضت مقاومت و حزب پان ایرانیسم زیر بار این ائتلاف نرفته است، البته دکتر مظفر بقایی کرمانی از طرف حزب زحمتکشان، این ائتلاف را پیشنهاد کرده است نه از طرف سازمان نظارت بر



انتخابات آزاد.



شماره: ۵۸۱۲/

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۲

## اطلاعیه

ساعت ۱۰ صبح روز ۳۹/۶/۲۲ دادستانی  
ارتش تقاضای دستگیری دکتر مظفر بقایی را  
نمود که مأمورین جهت دستگیری وی اقدام و  
معلوم گردید نامبرده از شهر خارج و به قرار  
اطلاع ساعت ۱۹ مراجعت خواهد نمود.<sup>۱</sup>

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۲  
محل: تهران

ساعت ۱۰ صبح روز ۳۹/۶/۲۲ دادستانی  
ارتش تقاضای دستگیری دکتر مظفر بقایی را  
نمود که مأمورین جهت دستگیری وی اقدام و  
معلوم گردید نامبرده از شهر خارج و به قرار  
اطلاع ساعت ۱۹ مراجعت خواهد نمود.<sup>۱</sup>

دکتر مظفر بقایی

۱- دکتر بقایی در روز ۳۰ مرداد ۱۳۳۹ به مناسبت تأسیس سازمان نگهبانان آزادی میتینگ عظیمی برپا نمود. در آن میتینگ، حملاتی به دولت دکتر اقبال وارد آورد که ۲۲ شهریور ۳۹ شعبه ۱ بازپرسی دادستانی ارتش او را به اتهام انتشار بیانیهای که موجبات تزلزل و صمیمیت قوای انتظامی را فراهم می ساخت وسیله مأمورین دژبان قرارگاه کل، دستگیر و به دادستانی ارتش اعزام نمود. پس از بازجوییهای معموله، در روز ۱۴ مهرماه به قید التزام عدم خروج از حوزه قضائی تهران به مبلغ یک صد هزار ریال از زندان آزاد شد.



شماره: ۱۳۳۹/۶/۲۶ - د-۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۶

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: اظهارات کاشانی و وقایع دیگر

۱- در ساعت ۱۷ روز ۳۹/۶/۲۳ مهندس نظام‌الدین عقیلی، عباس دیوشلی، جواد جعفری، سید حسن وحیدی، امیرناصر قندی و سعید پارسی، از اعضای حزب زحمتکشان و اعضای شورای سازمان نگهبانان آزادی در پامنار با کاشانی ملاقات نموده‌اند، کاشانی ضمن فحاشی به دربار اظهار داشته است که تمام این کارها به دستور شاه انجام می‌گیرد و این بی‌پدر.... دارد مزد کارهای من و دکتر بقائی را می‌دهد.

۲- در ساعت ۱۸ روز ۳۹/۶/۲۳، چهار نفر

افسر با تعدادی پاسبان از کلانتری ۳ تا ساعت ۱۹/۳۰ در مقابل سازمان نگهبانان آزادی مراقبت داشته‌اند.

۳- از ساعت ۱۹ روز ۳۹/۶/۲۳ عده‌ای در حدود ۳۰ نفر از اعضای حزب زحمتکشان به محل سازمان نگهبانان آزادی رفته و تا ساعت ۲۲ در اطراف بازداشت دکتر بقائی صحبت می‌نموده‌اند.

۴- عباس دیوشلی اظهار داشته است چنانچه لازم باشد جلسه شورای سازمان نگهبانان آزادی با حضور مهندس احمد حامی، مهندس حسین شقاقی، عباس دیوشلی، مهندس نظام‌الدین عقیلی، جواد جعفری، محمدعلی یوسفی‌زاده، محمدتقی علویان قوانینی، سعید پارسی، سید حسن وحیدی و ناصر کاظمی در منزل مرحوم زهری تشکیل خواهد شد.

رونوشت برابر اصل در پرونده کلاسه ک. الف - ۳۲ بایگانی شود

فعلاً اقدامی ندارد کاشی

۷/۲۷

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۱۳۳۹/۶/۲۶ - د-۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۶

موضوع: اظهارات کاشانی و وقایع دیگر

۱- در ساعت ۱۷ روز ۳۹/۶/۲۳ مهندس نظام‌الدین عقیلی، عباس دیوشلی، جواد جعفری، سید حسن وحیدی، امیرناصر قندی، سعید پارسی، از اعضای حزب زحمتکشان و اعضای شورای سازمان نگهبانان آزادی در پامنار با کاشانی ملاقات نموده‌اند، کاشانی ضمن فحاشی به دربار اظهار داشته است که تمام این کارها به دستور شاه انجام می‌گیرد و این بی‌پدر.... دارد مزد کارهای من و دکتر بقائی را می‌دهد.

۲- در ساعت ۱۸ روز ۳۹/۶/۲۳ چهار نفر افسر با تعدادی پاسبان از کلانتری ۳ تا ساعت ۱۹/۳۰ در مقابل سازمان نگهبانان آزادی مراقبت داشته‌اند.

۳- از ساعت ۱۹ روز ۳۹/۶/۲۳ عده‌ای در حدود ۳۰ نفر از اعضای حزب زحمتکشان به محل سازمان نگهبانان آزادی رفته و تا ساعت ۲۲ در اطراف بازداشت دکتر بقائی صحبت می‌نموده‌اند.

۴- عباس دیوشلی اظهار داشته است چنانچه لازم باشد جلسه شورای سازمان نگهبانان آزادی با حضور مهندس احمد حامی، مهندس حسین شقاقی، عباس دیوشلی، مهندس نظام‌الدین عقیلی، جواد جعفری، محمدعلی یوسفی‌زاده، محمدتقی علویان قوانینی، سعید پارسی، سید حسن وحیدی و ناصر کاظمی در منزل مرحوم زهری تشکیل خواهد شد.

رونوشت برابر اصل در پرونده کلاسه ک. الف - ۳۲ بایگانی شود

فعلاً اقدامی ندارد کاشی

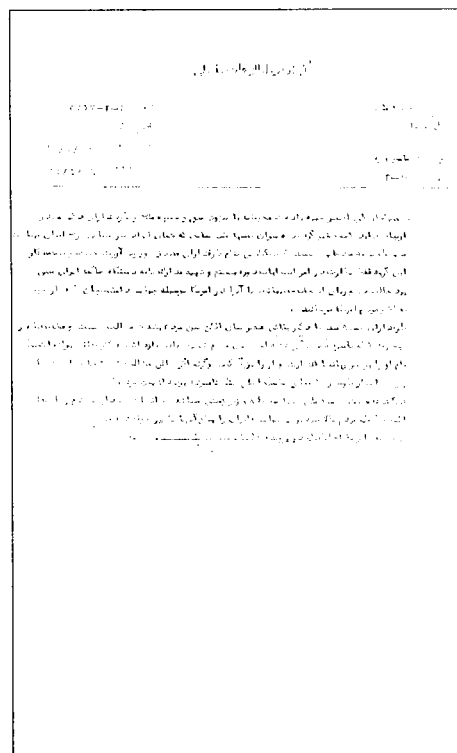
۷/۲۷

شماره: ۲-۳-۲۲۱۷ تاریخ: ۲۶/۶/۳۹

## گزارش اطلاعات داخلی

## موضوع: جبهه ملی

بطوری که از علی اصغر خیرزاده که محرمانه با نیروی سوم و جبهه ملی و طرفداران دکتر مصدق ارتباط دارد کسب خبر گردیده سران جبهه ملی سابق که همان افراد سرشناس حزب ایران می باشند مشغول تهیه مقدماتی هستند که تشکیلاتی بنام طرفداران مصدق بوجود آورند هدف و برنامه کار این گروه فقط نظارت در امر انتخابات دوره بیستم و تهیه مدارک علیه دستگاه حاکمه ایران مبنی بر دخالت در جریان انتخابات می باشد. تا آن را در آمریکا به وسیله جراید دانشجویان طرفدار خود به اطلاع مردم آمریکا برسانند.



طرفداران جبهه ملی با دکتر بقائی عنصر نفاق افکن بین مردم بشدت مخالف هستند و مخصوصاً در این روزها که نامبرده دستگیر شده است بین مردم شهرت یافته بازداشت دکتر بقائی برای این است که نام او را بر سر زبانها اندازند و او را بزرگ کنند وگرنه اگر بقائی مخالف هیئت حاکمه است چرا پرونده افشار طوس را که بقائی عامل اصلی قتل نامبرده بوده از بین برده اند.<sup>۱</sup>

تشکیلات جدید جبهه ملی بسیار محرمانه و زیرزمینی می باشد. آنها عقیده دارند عدم رضایت اکثریت کامل مردم بالاخره روزی سیاست ایران را به نفع آنها تغییر خواهد داد.

۱- دکتر مصدق از رخنه کردن سازمان اطلاعاتی آمریکا به دستگاه پلیس ایران آگاه بود و به همین دلیل در بهار سال ۱۳۳۲ به رئیس شهربانی، افشار طوس، دستور صریح برای تصفیه دستگاه شهربانی از عوامل خارجی را صادر کرد. افشار طوس، کسی نبود که در انجام وظیفه کوچکترین اهمالی را جایز بشمارد، او با جدیت تمام موضوع را دنبال کرد. در روز سیام فروردین ۱۳۳۲ در اوایل صبح، افشار طوس در گفتگوی خود با روسای شهربانی به یادداشتی که در دستش بود، اشاره کرد و گفت: «این فهرست تمام کسانی است که در این سازمان به نفع آمریکاییها جاسوسی می کنند، قبل از اینکه این هفته تمام شود، کلیه آنها به زندان خواهند رفت یا اعدام خواهند شد».

شماره: ۲-۳-۸-۲۵ تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۵

## گزارش اطلاعات داخلی

قبل از بازداشت دکتر بقایی، میان نامبرده و سرلشکر حسن ارفع مکاتباتی در جریان بوده، در تعقیب همکاریهای محرمانه که در زمان ریاست ستاد ارتش [۹] نخست‌وزیری مرحوم رزم‌آرا داشته‌اند این مکاتبات صورت می‌گرفته است ولی چون مکاتبات، به زبان فرانسه بوده لذا اطرافیان دکتر بقایی از مفاد آنها اطلاعی کسب نکرده‌اند.

رونوشت برابر با اصل اصل در پرونده کلاسه ج

17A-

[illegible]

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۱۳

## گزارش اطلاعات داخلی

قرار است ساعت ۱۶/۳۰ امروز ۳۹/۷/۱۴ دکتر بقایی از زندان آزاد گردد، به همین مناسبت دیشب در حدود ۴۰ نفر از اعضای حزب زحمتکشان ملت ایران در سازمان نگهبانان آزادی حضور داشته و به سلامتی پیروزی دکتر بقایی مشروب نوشیده‌اند، مکی هم اظهار داشته با وضع موجود، چنانچه رفقای حزبی به طور دستجمعی به استقبال رهبر حزب بروند ممکن است از طرف شهربانی یا سازمان امنیت جلب گردند، بهتر است به طور انفرادی به استقبال دکتر بروند.

دیشب هم تابلوی سازمان مزبور بوسیله پرویز

پازوکی نوشته می‌شد که به محض ورود دکتر بقایی مجدداً نصب گردد. پارسی کوشش دارد جلسات کمیته‌های کارگری - دانشجویی و اصناف حزب زحمتکشان را مجدداً تشکیل دهد، به همین مناسبت به اعضای هیأت تفتیش دستور داده هر یک از اعضا وظیفه دارند مجدداً رفقای حزبی را جمع کنند تا کمیته‌ها مرتب شود. در ضمن مکی یادآور شده به علت نداشتن بودجه، هر یک از رفقای حزبی باید تا آنجایی که مقدورشان باشد مبلغی به حزب کمک نمایند ولی اعضا به این امر، روی خوشی نشان نداده‌اند.

ضمیمه سوابق مربوطه شود

۳۹/۷/۱۴

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                              |                |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------|
| <br>وزارت اطلاعات و فرهنگ<br>سازمان اطلاعات و فرهنگ<br>تهران                                                                                                                                                                                                                                                |                |
| شماره: ۳۹/۷/۱۴                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               | تاریخ: ۳۹/۷/۱۴ |
| موضوع: گزارش داخلی                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           | تاریخ: ۳۹/۷/۱۴ |
| گزارش: دکتر بقایی از زندان آزاد گردید و به همین مناسبت دیشب در حدود ۴۰ نفر از اعضای حزب زحمتکشان ملت ایران در سازمان نگهبانان آزادی حضور داشته و به سلامتی پیروزی دکتر بقایی مشروب نوشیده‌اند، مکی هم اظهار داشته با وضع موجود، چنانچه رفقای حزبی به طور دستجمعی به استقبال رهبر حزب بروند ممکن است از طرف شهربانی یا سازمان امنیت جلب گردند، بهتر است به طور انفرادی به استقبال دکتر بروند. |                |
| امضاء: .....<br>مهر: .....<br>تاریخ: ۳۹/۷/۱۴                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |                |

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۲۱

## اطلاعیه

بین بازاریان و طبقات مختلف شایع است که مصدق‌ها و جبهه ملی به منظور آماده نمودن زمینه و احیای فعالیت خود در ایران به جمع‌آوری مدارک برای چاپ و انتشار در جراید آمریکا اقدام نموده که بتوانند دولت و مردم آمریکا را علیه ایران تحریک نمایند. فعلاً مطالبی را که مصدق‌ها برای چاپ در جراید آمریکا تهیه و عنوان نموده‌اند، موضوع انتخابات مجلس شورای ملی می‌باشد. نامبردگان شهرت داده‌اند علت تاخیر انتخابات برای این است که مقام سلطنت می‌تواند با بودن دانشجویان در دانشگاه

آنها را می‌تواند به آسانی به دست آورد و به وسیله آن به دست آورد و به وسیله آن به دست آورد

بین بازاریان و طبقات مختلف شایع است که مصدق‌ها و جبهه ملی به منظور آماده نمودن زمینه و احیای فعالیت خود در ایران به جمع‌آوری مدارک برای چاپ و انتشار در جراید آمریکا اقدام نموده که بتوانند دولت و مردم آمریکا را علیه ایران تحریک نمایند. فعلاً مطالبی را که مصدق‌ها برای چاپ در جراید آمریکا تهیه و عنوان نموده‌اند، موضوع انتخابات مجلس شورای ملی می‌باشد. نامبردگان شهرت داده‌اند علت تاخیر انتخابات برای این است که مقام سلطنت می‌تواند با بودن دانشجویان در دانشگاه

مصدق‌ها و جبهه ملی به منظور آماده نمودن زمینه و احیای فعالیت خود در ایران به جمع‌آوری مدارک برای چاپ و انتشار در جراید آمریکا اقدام نموده که بتوانند دولت و مردم آمریکا را علیه ایران تحریک نمایند. فعلاً مطالبی را که مصدق‌ها برای چاپ در جراید آمریکا تهیه و عنوان نموده‌اند، موضوع انتخابات مجلس شورای ملی می‌باشد. نامبردگان شهرت داده‌اند علت تاخیر انتخابات برای این است که مقام سلطنت می‌تواند با بودن دانشجویان در دانشگاه

مصدق‌ها و جبهه ملی به منظور آماده نمودن زمینه و احیای فعالیت خود در ایران به جمع‌آوری مدارک برای چاپ و انتشار در جراید آمریکا اقدام نموده که بتوانند دولت و مردم آمریکا را علیه ایران تحریک نمایند. فعلاً مطالبی را که مصدق‌ها برای چاپ در جراید آمریکا تهیه و عنوان نموده‌اند، موضوع انتخابات مجلس شورای ملی می‌باشد. نامبردگان شهرت داده‌اند علت تاخیر انتخابات برای این است که مقام سلطنت می‌تواند با بودن دانشجویان در دانشگاه

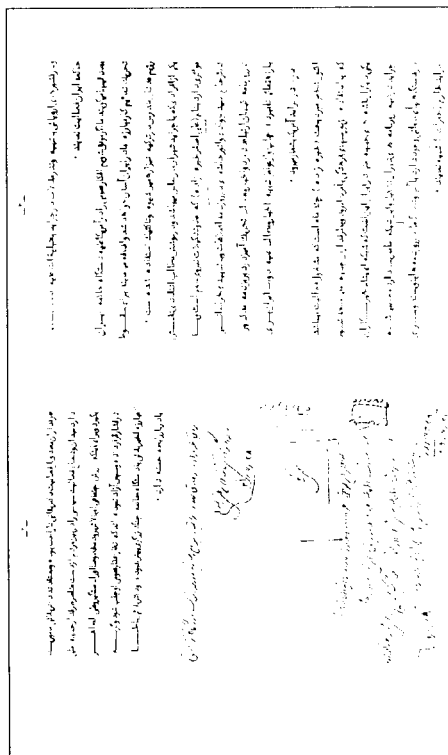
تهران و افتتاح مدارس فرهنگیان مبدا با شرکت آنان در انتخابات، نقش دولت خنثی شود روی این اصل انتخابات را به تعطیلات سال آینده موکول ساخته است.

صادق بهداد مدیر روزنامه جهان که از طرفداران پیشرفت سیاست آمریکا در ایران می‌باشد، گفته است عناصر طرفدار جبهه ملی مطالب بالا را در جراید آمریکا انتشار داده و اکنون هدف طرفداران جبهه ملی این است که مدارک و مطالبی علیه مقامات مسوول کشور تهیه و در جراید آمریکا انتشار دهند و نیز قرار است کمیته جبهه ملی در کشور فرانسه بوسیله دانشجویان طرفدار مصدق تشکیل و در کشورهای اروپایی با تهیه و نشر مقالات در جراید به تبلیغات علیه دستگاه حاکمه ایران فعالیت نمایند. مصدق‌ها می‌گویند ما اگر موفق شویم افکار عمومی را در آمریکا علیه دستگاه حاکمه ایران تحریک نمائیم کار مبارزه ما در ایران آسان خواهد شد و اضافه می‌نمایند برای سقوط رژیم عدنان مندرس در ترکیه نیز از همین شیوه و تاکتیک استفاده شده است.

یکی از افرادی که با جراید تهران در تماس می‌باشد و در نوشتن مطالب انتقادی، نقش مؤثری دارد، به نام علی اصغر خبره زاده است که عضو تشکیلات نیروی سوم است و با دکتر حاج سید

جوادی<sup>۱</sup> و انور خامه‌ای<sup>۲</sup> در روزنامه اطلاعات و با شهیدی خراسانی در روزنامه کیهان ارتباط دارد و اخبار و مطالب تحریک‌آمیز در دو روزنامه مذکور با راهنمایی نامبرده چاپ و از عوامل تهیه اخبار و مطالب علیه دولت ایران برای درج در جراید آمریکا به شمار می‌رود.

اکنون شخص مورد بحث (خبره‌زاده) چند ماه است که مشغول فعالیت می‌باشد که با استفاده از بورسهای فرهنگی به آمریکا برود و به طرفداران جبهه ملی ملحق شود، یکی دیگر از نقشه‌های جبهه ملی در ایران این است که شبکه‌ای به نام خبرنگاران جراید در کلیه روزنامه‌های تهران تشکیل و این شبکه، مأموریت دارد معایبی که در دستگاههای دولتی وجود دارد با آب و تاب کامل در



روزنامه‌ها بنویسند و برای جراید خارج خوراک تهیه نمایند.

طرفداران مصدق از فعالیت دکتر بقائی ناراحت بوده و معتقدند دکتر بقائی مأموریت دارد میدان و شعاع فعالیت سیاسی را در بین مردم از دست عناصر طرفدار جبهه ملی بگیرد و برای اینکه ارزش اجتماعی او بالاتر برود مخصوصاً او را دستگیر و علی‌الظاهر در فشار قرار داده و سپس آزاد نموده‌اند که نظر افکار عمومی [به] او جلب شود و گرنه مبارزه اخیر بقائی با دستگاه حاکمه جنگ زرگری بیش نبوده و دکتر بقائی باطناً با دربار رابطه حسنه دارد. آقای تابش

۱- علی‌اصغر صدر حاج سیدجوادی: در سال ۱۳۰۴ در قزوین متولد شد. لیسانس حقوق را از دانشگاه تهران و دکترای فلسفه را از دانشگاه «سوربن» فرانسه اخذ نمود. هنگام تحصیل در فرانسه مجله «اندیشه» را در پاریس انتشار داد. وی عضو نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی (منشعبین از حزب توده) بود و سردبیری دو روزنامه این گروه را بر عهده داشت. از معروفترین روزنامه‌نگاران و نویسندگان مطبوعات در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و مدتها نیز سردبیری روزنامه اطلاعات را نیز بر عهده داشت. آثار ادبی و انتقادات وی در مجلات «اندیشه و هنر»، «نگین» و «کیهان» چاپ شده و تالیفاتی از جمله «پشت به دیوار» از وی به چاپ رسیده است.

۲- دکتر انور خامه‌ای از اعضای اولیه حزب توده بود که در سال ۱۳۲۶ هـ ش به اتفاق خلیل ملکی و جلال آل احمد انشعاب کرد. او مؤلف کتاب «تجدید نظرطلبی از مارکس تا مائو» و چندین کتاب دیگر است. خاطرات ۳ جلدی او در خصوص تاریخ کمونیسم و حزب توده در ایران در سال ۱۳۶۱ نشر یافت.

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۲۴

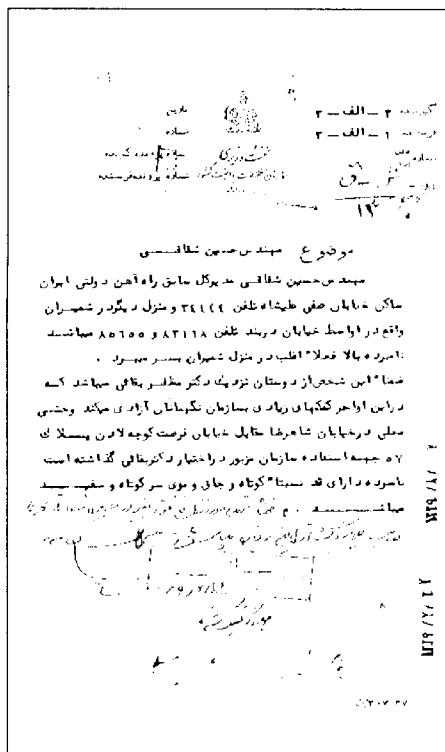
## سازمان اطلاعات و امنیت کشور

موضوع: مهندس حسین شقاقی

مهندس حسین شقاقی مدیرکل سابق  
راه آهن دولتی ایران، ساکن خیابان  
صفی‌علیشاه تلفن ۳۴۴۴۴ و منزل دیگر در  
شمیران واقع در اواسط خیابان دربند تلفن  
۸۳۱۲۸ و ۸۵۶۵۵ می‌باشد. نامبرده بالا فعلاً  
اغلب در منزل شمیران به سر می‌برد.

ضمناً این شخص از دوستان نزدیک دکتر  
مظفر بقائی می‌باشد که در این اواخر کمکهای  
زیادی به سازمان نگهبانان آزادی می‌کند و  
حتی محلی در خیابان شاه رضا مقابل خیابان  
فرصت کوچه لادن پلاک ۵۷ جهت استفاده

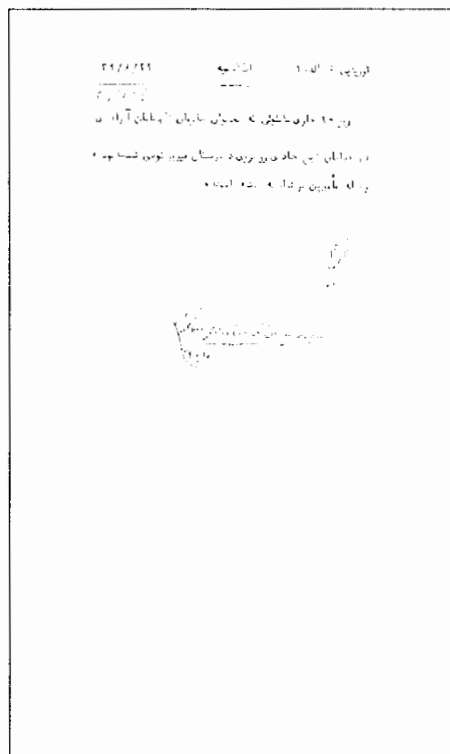
سازمان مزبور در اختیار دکتر بقائی گذاشته است. نامبرده دارای قد نسبتاً کوتاه و چاق و موی  
سر کوتاه و سفید می‌باشد.



تاریخ: ۱۳۳۹/۸/۲۲

## اطلاعیه

روز ۲۰ جاری تابلویی که به عنوان سازمان  
نگهبانان آزادی در خیابان شیخ هادی  
روبروی دبیرستان فیروزکوهی نصب بود  
وسیله مأمورین برداشته شده است.<sup>۱</sup>  
در پرونده ۳۲ - الف نگهبانان آزادی بایگانی شود  
۳۹/۸/۲۸



۱- در سند مورخ ۳۹/۸/۲۵ نیز آمده است: «روز ۲۳ جاری، سازمان نگهبانان آزادی واقع در خیابان شیخ هادی، بدون کسب اجازه مبادرت به نصب تابلو پارچه‌ای در سردر ساختمان سازمان مزبور نموده که وسیله مأمورین برداشته شده است.»  
رک: ضمیمه ۲۳



شماره: ۳۹-۷/۹۴۲۱ تاریخ: ۱۳۳۹/۸/۲۸

مدیریت کل اداره سوم

ساواک اصفهان

ارسال اعلامیه کمیته موقت دانشجویان

سازمان نگهبانان آزادی

یک برگ عین اعلامیه «از کمیته سازمان  
نگهبانان آزادی به دانشجویان دانشگاه  
تهران» را که از مرکز به اصفهان فرستاده شده  
در بین افراد قابل اعتماد حزب زحمتکشان  
دکتر بقائی پخش گردیده است به پیوست  
ارسال می دارد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان دهم

- احمد واثقی

پرونده سازمان نگهبانان آزادی

زحمتکشان

ما برای راستی و آزادی قیام کرده‌ایم  
از کمیته دانشجویان سازمان نگهبانان آزادی  
به دانشجویان دانشگاه اصفهان  
در کوششها و مبارزات ملت برای تحصیل  
آزادیهای قانونی صمیمانه شرکت کنیم.  
برادران دانشجو:

مردم ایران و جامعه امروزی ما از حقوق  
اساسی و آزادیهای قانونی خود محروم مانده  
است شرافت اساسی ما دستخوش اغراض و  
اراده یک اقلیت نادرست ولی مقتدر و متنفذ  
قرار گرفته و اصولاً هیچ‌گونه حمایت قانونی و  
امنیت شخصی و اجتماعی وجود ندارد. در  
این زمان همه طبقات، فقدان آزادی و  
حکومت قانون را احساس کرده و ضرورت  
اعاده آن را از جان و دل خواهان شده‌اند.

ما برای راستی و آزادی قیام کرده‌ایم  
از کمیته دانشجویان سازمان نگهبانان آزادی  
به دانشجویان دانشگاه اصفهان  
در کوششها و مبارزات ملت برای تحصیل  
آزادیهای قانونی صمیمانه شرکت کنیم.  
برادران دانشجو:

مردم ایران و جامعه امروزی ما از حقوق  
اساسی و آزادیهای قانونی خود محروم مانده  
است شرافت اساسی ما دستخوش اغراض و  
اراده یک اقلیت نادرست ولی مقتدر و متنفذ  
قرار گرفته و اصولاً هیچ‌گونه حمایت قانونی و  
امنیت شخصی و اجتماعی وجود ندارد. در  
این زمان همه طبقات، فقدان آزادی و  
حکومت قانون را احساس کرده و ضرورت  
اعاده آن را از جان و دل خواهان شده‌اند.

حرکت اجتماعی ملت ما برای به دست آوردن و نگهبانی آزادیها و حقوقی که در قانون  
اساسی تصریح گردیده آغاز شده است و طبقات دانشگاه و طبقه روشنفکر کشور در این مبارزه  
بار سنگین تری به دوش دارند و باید آماده فداکاری بیشتری باشند. ما نباید به تفسیر و توجیه  
آنچه واقع می‌شود قناعت کنیم. طراحی و هدایت مبارزه ملی و بنیان‌گذاری جامعه سعادت‌مند و  
مترقی فردا در عهده ما است و مطالعات و تحصیلات ما باید در این میدان جلوه کند. دنباله روی  
و در سایه نشستن و تماشاگر بی‌علاقه بودن، هر انسان متفکر را در برابر تاریخ شرمسار خواهد  
کرد. ملت ایران چشم به راه ما و اعمال ما است فداکاریها و زحمات ما باید متناسب با افتخاراتی  
باشد که جامعه به ما ارزانی داشته است و البته باید با تمام صمیمیت هرگونه رنج و سختی را در  
این حرکت اجتماعی استقبال کنیم.  
دانشجویان ارجمند:

ما برادران و دوستان و همکلاسان شما هستیم و به موقعیت باریک و گرفتاریهای روزمره و  
سنگین شما بیش از هر کس دیگر واقفیم و در عین حال مسوولیت خطیری که جامعه بر عهده‌ما  
و شما گذاشته است احساس می‌کنیم و یقین داریم که از صمیم قلب خواهان یک فعالیت

پردامنه برای تحقق یافتن یک اجتماع مترقی و آزاد بوده و منتظر فرصت هستید. اینک ما پیش قدم شدیم و هسته اولیه این فعالیت را به امید شما و با اطمینان عشق و علاقه شما بوجود آوردیم و با تشکیل «کمیته موقت دانشجویان سازمان نگهبانان آزادی» می‌خواهیم فعالیتهای ضروری و غیر قابل اجتناب دانشجویان دانشگاه را متمرکز سازیم و با برخورداری از فکر بلند و همکاری و پشتیبانی ارزنده شما این خواست بزرگ ملی و انسانی جوانان دانشجوی ایران از قوه به فعل درآید. ما معتقدیم که تمام دانشگاهیان می‌توانند و باید که در کادر مسأله «آزادی و امنیت قانونی» متحد شده و همکاری نمایند و برای پرهیز از هرگونه اختلاف سلیقه و عقیده

و توجه به مصلحت عمومی ملت ایران مصمم شدیم که فعالیت و کوشش این کمیته را براساس عقاید مسلکی و ایدئولوژیکی قرار ندهیم و فقط آنچه را که همه با آن موافقیم و اعتقاد مشترک همه ما است هدف فعالیت‌ها و مبارزه‌های جوانان دانشجوی ایران اعلام داریم. ما از تمام علاقه‌مندان به آزادی، مبارزان صمیمی نهضت ملت ایران و حتی استادان ارجمند و بلندپایه دانشگاه و بالاخره از برادران دانشجوی خود دعوت می‌کنیم که با ما در این حرکت تاریخی ملت ایران به هر اندازه که می‌توانند شرکت کنند. زیرا به ثمر رسیدن این مبارزات و تحصیل چنان هدفی بزرگ نیازمند همکاری و اشتراک بیشتری است. آزادی متاعی است که گران به دست می‌آید و بی‌سبب و رایگان به کسی عطا نخواهد شد. ما نمی‌توانیم در انتظار بخشش دیگران بنشینیم، باید حرکت کنیم و حوادث را به دنبال خود بکشانیم تا بتوانیم تاریخ درخشان آینده کشور خود را با دستهای پاک و توانای خود بوجود آوریم، البته در این راه تنها نخواهیم بود. ملت ایران و همه دوستداران حریت و شرافت انسانی در هر کجا که باشند ما را در این مبارزه عظیم انسانی و کسب آزادی‌های فردی و اجتماعی مدد خواهند کرد.

کمیته دانشجویان سازمان نگهبانان آزادی

پیروز باد، مبارزات ملت ما در راه آزادی

تاریخ: ۱۳۳۹/۱۰/۴

از: اداره پلیس تهران  
به: تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت  
کشور

وزارت کشور

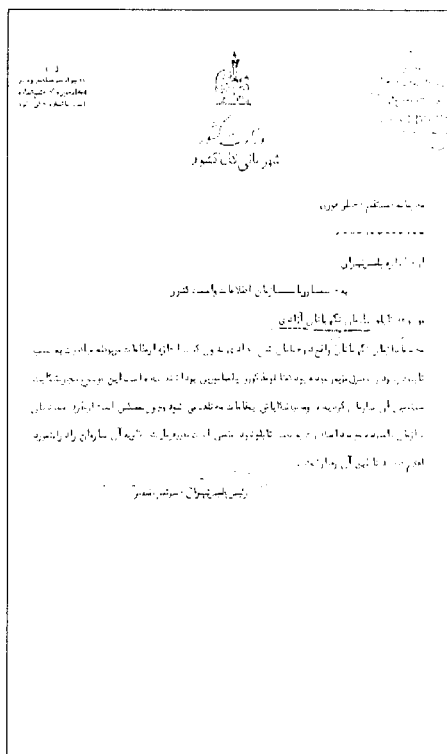
شهربانی کل کشور

موضوع: تابلو سازمان نگهبانان آزادی

محترماً سازمان نگهبانان آزادی واقع در  
خیابان شیخ هادی بدون کسب اجازه از  
مقامات مربوطه مبادرت به نصب تابلو در سر  
درب منزل مزبور نموده که تابلو مذکور وسیله  
مأمورین برداشته شده است، این موضوع  
منجر به شکایت مسوولین آن سازمان گردیده  
و مرتباً شکایاتی به مقامات مختلف می شود و

چون ممکن است از طرف متصدیان سازمان نامبرده مجدداً مبادرت به نصب تابلو شود متمنی  
است مقرر فرمایند نظریه آن سازمان را در این مورد اعلام دارند تا طبق آن رفتار شود.

رئیس پلیس تهران - سرتیپ مبصر



کرمانی‌های مقیم مرکز می‌گویند اکثریت کامل مردم کرمان، انتخابات را تحریم کرده و در دادن رأی شرکت نکرده‌اند و حتی قرار بوده است کاندیداهای حزب ملیون و مردم نیز به نفع دکتر بقایه کنار بروند.

در تهران دارودسته خلیل ملکی کوشش دارند برای تضعیف دکتر بقایی جبهه ملی را تقویت نمایند ولی طرفداران دکتر بقایی می‌کوشند فعالیت جبهه ملی و سران آن را تخطئه کرده نگذارند ابتکار فعالیت سیاسی به دست آنها قرار گیرد. اکنون سران جبهه ملی از دستگیری دکتر بقایی اظهار خرسندی

می‌کنند و فعالیت نامبرده را موجب تضعیف قدرت جبهه ملی می‌دانند.

در گزارش انتخاباتی درج گردید ۳۹/۱۱/۱۹

به پرونده حزب زحمتکشان کرمان ضمیمه و باستحضار روسای بخشهای ۳ و ۲ اداره یکم برسد

39/11/19

[illegible]

شماره: ۵۷۶۳-۲ تاریخ: ۱۳۳۹/۱۱/۲۵

## گزارش اطلاعات داخلی

طبق اظهار یکی از اعضای جبهه ملی، در چند روز اخیر که موضوع ائتلاف طرفداران جبهه ملی و دارودسته دکتر بقایی از طرف بعضی از اعضای جبهه ملی و همچنین دوستان دکتر بقایی عنوان شده بود، دکتر مصدق صریحاً به هواداران خود گفته است: «ائتلاف احتمالی با طرفداران سپهبد زاهدی و یا گروهی نظیر آن به مراتب بهتر و مفیدتر از ائتلاف با دکتر بقایی است، اگر قرار شود که من در انتخاب دکتر بقایی و زاهدی مخیر گردم، بی هیچ تزلزل و تردیدی به زاهدی رأی خواهم داد.»

گزارش داخلی اطلاعات داخلی

تاریخ: ۱۳۳۹/۱۱/۲۵  
محل: تهران  
موضوع: گزارش داخلی

این گزارش از سوی آقای دکتر مصدق تهیه شده و در تاریخ ۱۳۳۹/۱۱/۲۵ به دسترس این کمیته رسیده است. در این گزارش، دکتر مصدق به موضوع ائتلاف با دکتر بقایی و زاهدی اشاره کرده و اظهار می‌دارد که ائتلاف با دکتر بقایی و زاهدی به مراتب بهتر و مفیدتر از ائتلاف با دکتر بقایی است. دکتر مصدق همچنین اظهار می‌دارد که اگر قرار شود که من در انتخاب دکتر بقایی و زاهدی مخیر گردم، بی هیچ تزلزل و تردیدی به زاهدی رأی خواهم داد.

دکتر مصدق

نامبرده بدین طریق نقشه ائتلاف با دکتر بقایی را برای همیشه محکوم نموده است.

رونوشت برابر با اصل اصل در پرونده کلاسه ج-۲۲۴

شماره: ۳۱۶/۲۱۲ تاریخ: ۱۳۴۰/۱/۲۶

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: فعالیت طرفداران دکتر بقائی

بین طرفداران دکتر بقائی گفته می‌شود طی هفته گذشته، شیخ علی اصغر صالحی، امام جمعه کرمان که برای شرکت در مراسم عزاداری آیت‌الله بروجرودی به قم رفته بود به تهران آمده و برای آزادی دکتر بقائی که از دوستان مشارالیه می‌باشد مشغول تشبثاتی گردیده است و محرک عبدالرحمن فرامرزی هم، در طرح موضوع ادامه توقیف دکتر بقائی در مجلس شورای ملی نامبرده می‌باشد.

[illegible]

شماره: ۳۱۶/۹۸۲ تاریخ: ۱۳۴۰/۳/۸

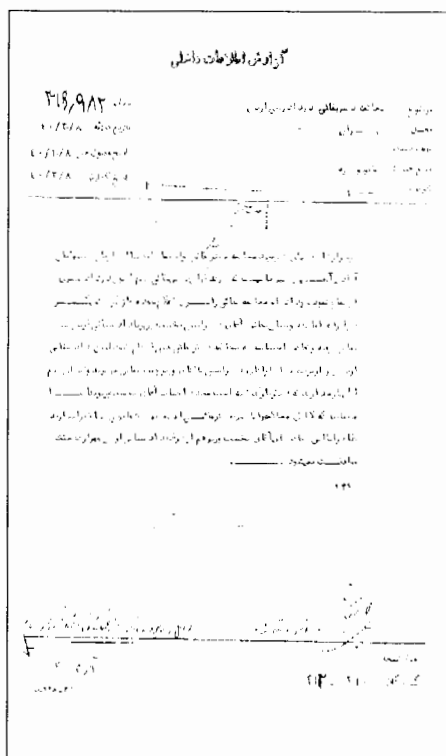
## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: محاکمه دکتر بقائی در دادرسی ارتش

پیرو گزارشات قبلی در مورد محاکمه دکتر مظفر بقائی و اجتماع اعضای سازمان نخبه‌بانان آزادی، آخرین خبر حاکیست که طرفداران دکتر بقائی هم‌اکنون در دادگستری اجتماع نموده و دادگاه، محاکمه بقائی را سری اعلام نموده و از طرف دیگر در اثر اقدامات دوستان بقائی آقای دکتر امینی نخست‌وزیر با دادستانی ارتش تماس گرفته و تقاضا می‌نمایند که محاکمه دکتر بقائی علنی انجام شود لیکن دادستانی ارتش زیر بار نرفته ناچار آقای دکتر امینی با آقای وزیر جنگ تماس

می‌گیرند و ایشان هم اظهار می‌دارند که دیگر کار گذشته است مجدداً جناب آقای نخست وزیر تقاضا می‌نمایند که لااقل محاکمه را تا تشریف فرمائی اعلیٰ حضرت همایونی به تأخیر اندازند<sup>۱</sup> ظاهراً با این تقاضای آقای نخست وزیر هم از طرف دادستانی ارتش و وزارت جنگ موافقت نمی‌شود.

## بخش پایگانی



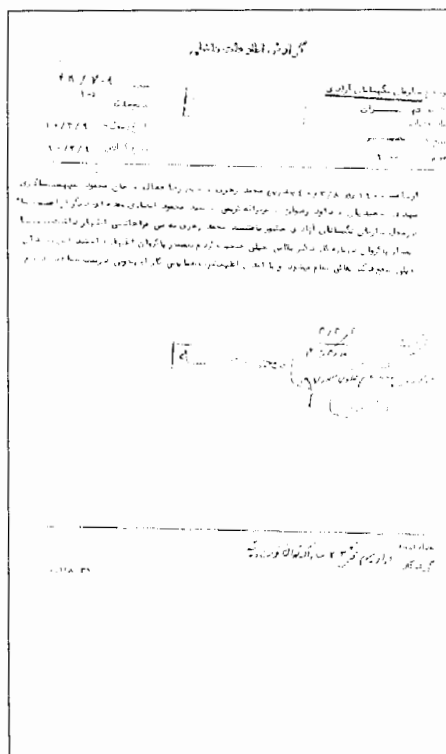


شماره: ۸-۴۱۹/۷-۸ تاریخ: ۱۳۴۰/۳/۹

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمانهای نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۹ روز ۴۰/۳/۸ به تدریج محمد زهری، شیخ رضا فعال، حاج محمود سپهسالاری، مهدی سعیدیان، داود رضوان،<sup>۱</sup> عزیزالله کریمی، سید محمود انصاری و عده‌ای دیگر از اعضا، در محل سازمان نگهبانان آزادی حضور یافتند محمد زهری به علی فراهانی<sup>۲</sup> اظهار داشت با تیمسار پاکروان درباره کار دکتر بقائی خیلی صحبت کردم تیمسار پاکروان<sup>۳</sup> اظهار داشتند این زندان خیلی به نفع دکتر بقائی تمام می‌شود و با آمدن اعلی حضرت همایونی کار او



به خوبی درست خواهد شد.

اداره سوم بخش ۲۰۳ ساواک تهران فرستاده شود

۱- داود رضوان، عضو حوزه ۲۱ و گوینده حزبی بود. بر اساس تصمیم کمیته مرکزی حزب در تاریخ ۴۶/۱۱/۷ درباره تعیین تکلیف از اعضای فاقد نظم و انضباط کامل حزبی، داود رضوان نیز مستعفی تلقی شد.

۲- علی فراهانی کارمند دادگستری و عضو حوزه کارمندی بود، مدتی هم سمت معاونت نفتیش کل حزب را به عهده داشت.

۳- با برکناری سپهبد تیمور بختیار از ریاست ساواک، در اسفند ۱۳۳۹ هجری قمری حسن پاکروان به این سمت منصوب شد و تا ۱۳۴۳ ریاست ساواک را به عهده داشت.

شماره: ۷۵۰۹

تاریخ: ۱۳۴۰/۳/۱۴

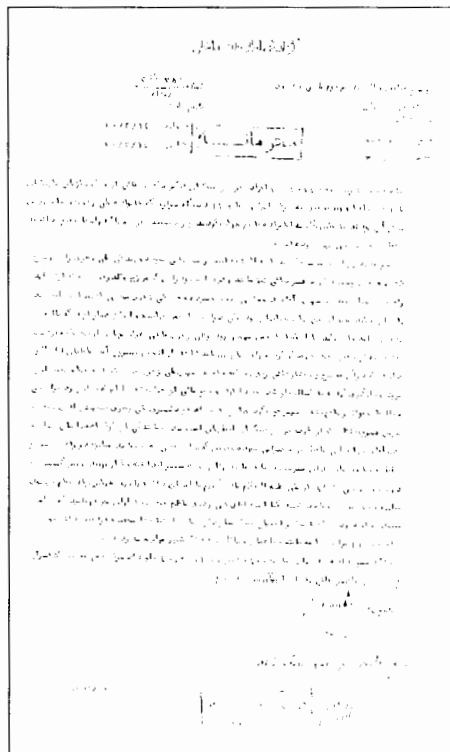
## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: مراسم سالگرد مرحوم علی زهری

ساعت ۱۶ روز جمعه ۴۰/۳/۱۲، افراد حزب زحمتکشان دکتر مظفر بقائی از محل سازمان نگهبانان آزادی با ۹ دستگاه اتوبوس متعلق به شرکت ایران پیما و ۱۲ دستگاه سواری که خانواده علی زهری و سایرین سوار آن بودند با عکس و گل به امامزاده قاسم حرکت کردند، قریب ششصد نفر جمعاً در آن جا حضور داشتند، آقای حسین مکی نیز بوده است.

در سر مقبره، چهار نفر صحبت کردند ابتدا یک دانشجو سخنرانی نمود و زندگی علی

زهری را تشریح کرد و گفت سرنوشت دکتر مظفر بقائی نیز مانند زهری است، در این کشور زور و قلدری نتیجه ندارد باید راه حقیقت را پیمود. سپس آقای دیوشلی صحبت نموده و گفت علی زهری موقعی که روزنامه شاهد را چاپ می کرد عضو انجمن فرانسه و ایران بود ولی دولت به انجمن فرانسه و ایران فشار آورد که یا او باید روزنامه چاپ نکند یا این که از انجمن بیرون برود و علی زهری با وجودی که ماهی هزار تومان می گرفت بالاخره از حقوق خود صرف نظر کرد و برای چاپ روزنامه شاهد از انجمن بیرون آمد، آقایان اطلاع دارند که در آن موقع چه فشارهایی روی روزنامه می آمد، سپس علی زهری مریض شد، می خواست به خارج برود، جلوگیری کردند تا کسالت او شدت پیدا کرد و وضع مالی او خراب شد تا این که به خارج رفت ولی معالجات موثر واقع نشد و سپس فوت کرد. راجع به شجاعت و دلیری علی زهری صحبت زیادی نمود. سپس خسروی نژاد که از طرف حزب زحمتکشان اصفهان آمده بود به نمایندگی از طرف اصفهانیان تسلیت گفت. آقای مهاجرانی واعظ نیز سخنرانی نموده و چنین گفت اشخاصی که نمی توانند مبارزه در راه حق و حقیقت بنمایند و از زندان می ترسند باید مانند زنان لچک بسر انداخته و کنار بروند سپس گفت درس حق پرستی رایاید از علی (ع) یاد بگیریم، اطمینان داشته باشید



هرکس برای مقام و پول مبارزه می‌کند موفق نخواهد شد کما این که آقای علی زهری با قلم خود به هزاران نفر فهمانید که چطور می‌توان مبارزه کرد، اینک ما بیشتر احتیاج به اجتماع داریم و این اجتماع‌ها موفقیت خواهند داشت. ساعت ۱۹ مراسم خاتمه یافته و با همان وسائل، مجدداً به شهر مراجعت کردند.

ضمناً دستور داده شد برای ساعت ۸ صبح روز ۴۰/۳/۱۳ جلو دادسرا تجمع نمایند که قرار است دکتر مظفر بقائی را به آن جا بیاورند.

شماره: ۳۱۲/۷۹۱ تاریخ: ۱۳۴۰/۳/۱۶

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب زحمتکشان و روزنامه ناهید

حزب زحمتکشان برای این که کمک به انتشار روزنامه ناهید گردد، بوسیله آقای محمد مروی<sup>۱</sup> به افراد حزبی دستور داده هر نفر از اعضا، چندین شماره از روزنامه ناهید را خریداری کند.

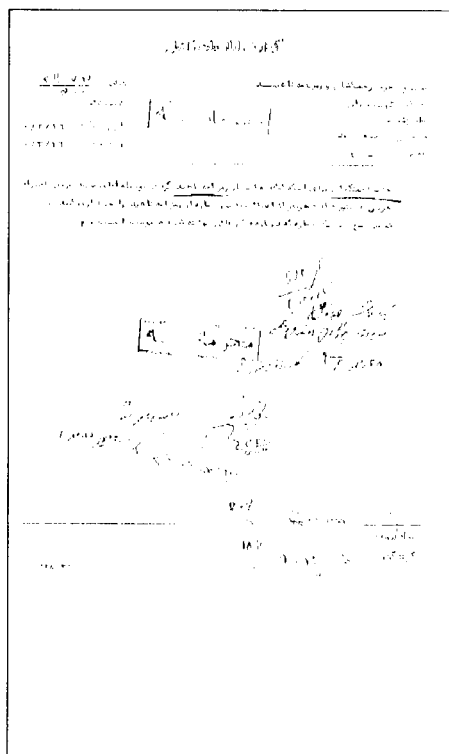
توضیح: یک شماره که درباره دکتر بقائی نوشته شده، پیوست است.

یک رونوشت جهت بررسی

رونوشت ضمیمه شود

سابقه بررسی شود

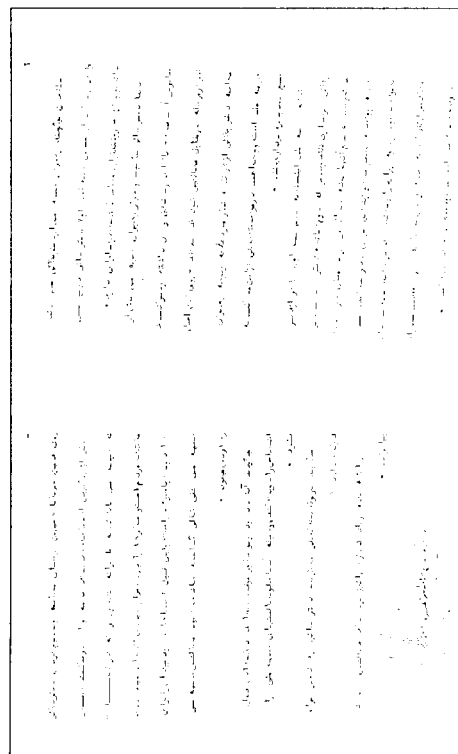
بایگانی شود دادرسی



۱- محمد مروی مدتی مسئول حوزه ۲۲ اصناف و انتظامات حزب زحمتکشان بود. وی به اتهام قاچاق مواد مخدر چندین نوبت به زندان افتاد.



ملی است بدین وسیله تضعیف شده است. روی همین جریانات، میهن پرستان، محاکمه و محکوم کردن دکتر بقائی را یکی از بزرگترین اشتباهات دولت دانسته و اظهار می کنند اکنون که جبهه ملی با یک نقشه ماهرانه مشغول رخنه در طبقات مختلف مردم است و سنگرها را یکی پس از دیگری اشغال می کند چرا دولت با سوء سیاست و این قبیل اشتباهات، خود میدان را برای جبهه ملی بکلی خالی گذاشته و با دست خود مخالفین جبهه ملی را از بین می برد. می گویند آیا نمی شود ولو بطور موقت هم باشد دولت این قبیل اشخاص را تقویت کند و وسیله آنها جلو فعالیت های جبهه ملی را بگیرد. می گویند در موقعیت فعلی، محکومیت دکتر بقائی چه



نفعی برای دولت دارد؟ جز این که عده زیاد دیگری را نیز بر تعداد مخالفین خود بیافزاید.

در پرونده مربوطه ضمیمه و ارائه شود

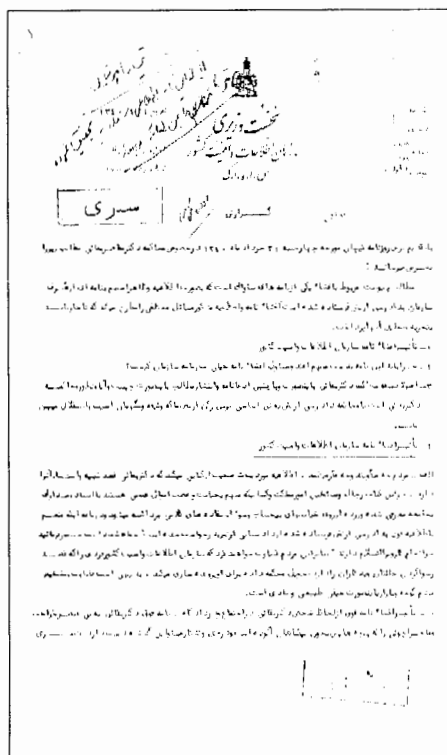
تاریخ: ۱۳۴۰/۴/۱

## گزارش

با تقدیم برش روزنامه کیهان مورخه  
چهارشنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۳۴۰ درخصوص  
محاکمه دکتر مظفر بقائی مطالب زیر را به  
عرض می‌رساند:

مطالب پیوست، مربوط به افشای یکی از  
نامه‌های ساواک است که به صورت اطلاعیه و  
ظاهراً منضم به نامه‌ای از طرف سازمان، به  
دادرسی ارتش فرستاده شده است، افشای  
نامه و اطلاعیه مذکور مسائل مختلفی را  
 مطرح می‌کند که ناچار باید به تجزیه و تحلیل  
آنها پرداخت.

۱- تأثیر افشای نامه سازمان اطلاعات و



امنیت کشور.

۲- چرا باید این نامه به دست متهم افتد و مسؤول افشای نامه خیلی محرمانه سازمان کیست؟  
۳- اصولاً فلسفه محاکمه دکتر بقائی به این صورت و با چنین ادعاینامه و انتشار مطالب به این  
صورت چیست و آیا منظور، محاکمه دکتر بقائی است یا محاکمه دادرسی ارتش، یعنی  
اساسی‌ترین رکن ارتش ماکه وثیقه و نگهدارنده امنیت و استقلال میهن ماست.

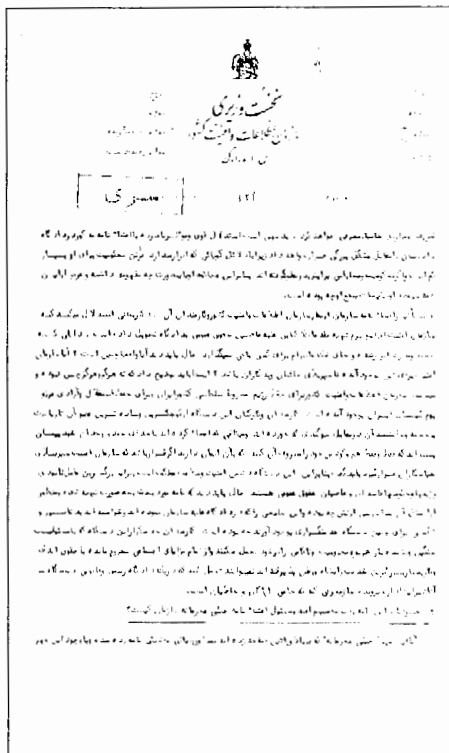
۱- تأثیر افشای نامه سازمان اطلاعات و امنیت کشور

الف- مردم چه می‌گویند و چه فکر می‌کنند: اطلاعیه مورد بحث، صحبت از کتابی می‌کند که  
دکتر بقائی قصد تهیه و انتشار آن را دارد. در این کتاب رجال و مسؤولین امور مملکت و کسانی که  
متهم به خیانت و غصب اموال عمومی هستند، با اسناد و مدارک، به جامعه معرفی شده و پرده از  
روی خیانت‌های بی حساب و سوء استفاده‌های کلانی برداشته می‌شود و در نامه‌ای که منضم به  
اطلاعیه فوق به دادرسی ارتش فرستاده شده از دادستانی ارتش درخواست شده است  
«خواهشمند است دستور فرمائید سرانجام کار وی را اعلام دارند» بنابراین مردم قضاوت خواهند  
کرد که سازمان اطلاعات و امنیت کشور فردی را که قصد رسوا کردن خائنان و بدکاران را دارد

تحويل محکمه داده، برای او پرونده سازی می‌کند. بدیهی است قضاوت و تشخیص مردم کوچه و بازار به این صورت خیلی طبیعی و عادی است.

ب- تأثیر افشای نامه فوق از لحاظ شخص دکتر بقائی در اجتماع و در دادگاه:

نامه فوق دکتر بقائی یعنی عنصر ناراحت و ماجراجویی را که پنجه‌هایش به خون بسی‌گناهان آلوده است و در قتل و کشتار مسوولین گذشته دست دارد عنصری شریف و مبارزی جانباز معرفی خواهد کرد. بدیهی است استدلال قوی و مؤثر نامبرده با افشای نامه مذکور در دادگاه، دادرسان را مقابل مشکل بزرگی قرار خواهد داد زیرا با دلائل گویائی که ابراز می‌دارد قرائن محکومیت برای



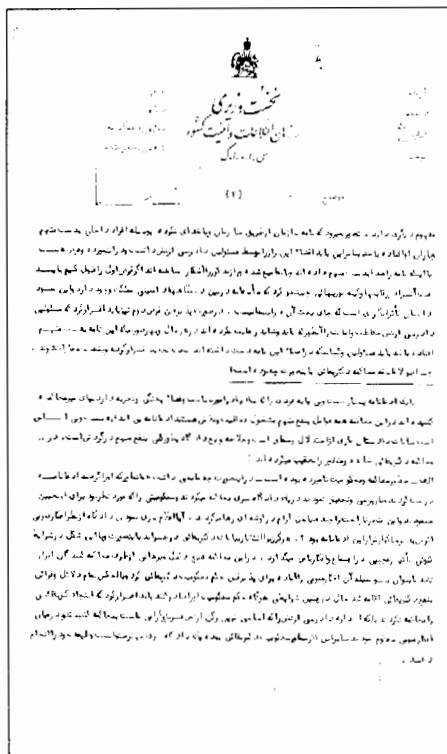
او بسیار کم است و اگر محکومیت و مجازاتی برایش در نظر نگرفته‌اند بنابراین محاکمه، او به این صورت چه مفهومی داشته و غرض از این همه سروصدا و تبلیغات به نفع او چه بوده است؟

ج- تأثیر افشای نامه سازمان از نظر سازمان اطلاعات و امنیت کشور و کارمندان آن:

دکتر بقائی استدلال می‌کند که سازمان امنیت او را به جرم تهیه مقدمات کتابی علیه غاصبین حقوق عمومی به دادگاه تحويل داده است. دلیلی که با سند و مدرک ابراز شده و جای شک و ابهام برای کسی باقی نمی‌گذارد، حال باید دید آیا واقعاً چنین است؟ آیا سازمان امنیت، برای این بوجود آمده تا سپر بلای خائنان و بدکاران باشد؟ اینجا باید توضیح داد که نه، هرگز و هرگز چنین نبوده و نیست. سازمان اطلاعات و امنیت کشور برای حفظ رژیم مشروط سلطنتی کشور ایران و برای حفظ استقلال و آزادی مرز و بوم کهنسال ایران بوجود آمده است. کارمندان و کارکنان این دستگاه، از کوچکترین و ساده‌ترین عضو آن تا ریاست برجسته و دانشمند آن در مقابل سوگندی که خورده‌اند و میثاقی که امضا کرده‌اند با خدای خود و وجدان خود پیمان بسته‌اند که فقط و فقط، هم و کوشش خود را مصروف آن کنند که به آن ایمان دارند، اگر قرار باشد که سازمان امنیت سپر بلای خیانتکاران قرار گیرد باید گفت بنابراین، این دستگاه دشمن



امنیت و سلامت مملکت است زیرا بزرگترین عامل نابودی رژیم‌ها و حکومت‌ها، فاسدان و غاصبان حقوق عمومی هستند حال باید دید که نامه مورد بحث به چه صورت تهیه شده و منظور از ارسال آن به دادرسی ارتش چه بوده و این تبلیغی را که در دادگاه علیه سازمان نموده‌اند و خواسته‌اند بدنامی و شکستی برای چنین دستگاه خدمتگزاری بوجود آورند چه بوده است. کارمندان خدمتگزار این دستگاه که با مسوولیت سنگین و کشنده، بار هر نوع محرومیت و ناکامی را بر خود تحمل می‌کنند و از تمام مزایای اجتماعی مرحوم مانده با حقوق اندک و کار بسیار، بزرگترین خدمت را به شاه و وطن پذیرفته‌اند نمی‌توانند تحمل کنند که در یک دادگاه رسمی و قانونی،

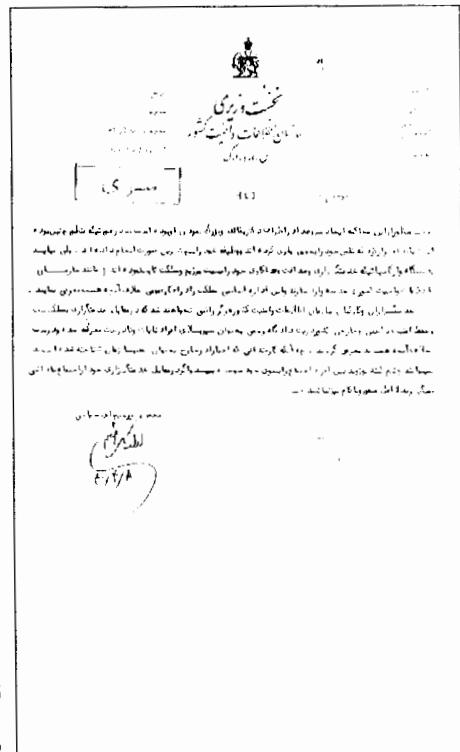


دستگاه آنان را یک اداره پرونده‌ساز معرفی کند که حامی ناپاکان و خاطیان است.

۲- چرا باید این نامه به دست متهم افتد و مسوول افشای نامه خیلی محرمانه سازمان کیست؟ آیا این مهر «خیلی محرمانه» که بر بالا و پائین صفحه زده‌اند به منظور زیبایی و قشنگی نامه زده شده و یا وجود این مهر، مفهوم دیگری دارد؟ تصور نمی‌رود که نامه سازمان از طریق سازمان و یا خدای نکرده بوسیله افراد داخلی به دست متهم و یاران او افتاده باشد بنابراین باید افشای این راز را توسط مسوولین دادرسی ارتش دانست، در این مورد دو فرض هست یا این که نامه را عمدتاً به دست متهم داده‌اند و یا تطمیع شده و راز مذکور را آشکار ساخته‌اند، اگر فرض اول را قبول کنیم باید علت آن را در رقابتها و کینه توزیهای جستجو کرد که متأسفانه در بین دستگاههای امنیتی مملکت وجود دارد و این خود داستان تأثر انگیزی است که جای بحث آن در اینجا نیست. در صورت پذیرفتن فرض دوم نیز باید اقرار کرد که مسوولین دادرسی ارتش، حفاظت و امانت را آنطور که باید و شاید، رعایت نکرده‌اند در هر حال و به هر صورتی که این نامه به دست متهم افتاده باشد باید مسوولین و کسانی که در افشای این نامه دست داشته‌اند تحت تعقیب قرار گرفته و به شدت مجازات شوند.

۳- اصولاً فلسفه محاکمه دکتر بقائی به این صورت چه بوده است؟ با یک ادعانامه بسیارست و بی پایه، فردی را که سالها در امور سیاست و قضا پختگی و تجربه دارد به پای میز محاکمه کشیده‌اند در این محاکمه همه عوامل به نفع متهم مشغول فعالیت و تلاش هستند. ادعانامه، بی‌اندازه سست و بی‌اساس است، بیانات دادستان عاری از استدلال و منطق است و خلاصه وضع دادگاه بطور کلی به نفع متهم در گردش است. در محاکمه دکتر بقائی شاید دو منظور را تعقیب می‌کرده‌اند:

الف - منظور، محاکمه و محکومیت نامبرده بوده است، در این صورت چه مانعی داشت همانطور که او را گرفتند، ادعانامه



درست کردند، بازپرسی و تحقیق نمودند در یک دادگاه سری محاکمه می‌کردند و محکومیتی را که مورد نظر بود برای او تعیین می‌نمودند و این عنصر ناراحت را چند صباحی آرام در گوشه‌ای رها می‌کردند. آیا اعلام سری نمودن دادگاه از نظر افکار عمومی اثرش بدتر و ناگوارتر از این ادعانامه بود؟ هرگز، زیرا انتشار بیانات دکتر بقائی در جراید به این صورت و با این شکل در شرایط کنونی تأثیر عجیبی در اجتماع و افکار باقی می‌گذارد. در این محاکمه هیچ دلیل و برهانی از طرف محاکمه‌کنندگان ابراز نشد تا بتوان بوسیله آن افکار عمومی را آماده برای پذیرفتن حکم محکومیت دکتر بقائی کرد و بالعکس تمام دلائل و قرائن به نفع دکتر بقائی اقامه شد، حال در چنین شرایطی هرگاه حکم محکومیت او را صادر کنند باید اقرار کرد که اینجا دکتر بقائی را محاکمه نکردند بلکه اداره دادرسی ارتش را که اساسی‌ترین رکن ارتش عزیز و گرامی ماست به محاکمه کشیدند و در میان افکار عمومی محکوم نمودند بنابراین اگر منظور محکومیت دکتر بقائی بوده، یک دادگاه سری بهتر می‌توانست وظیفه خود را انجام دهد.

ب - منظور از این محاکمه ایجاد سروصدا در اطراف دکتر بقائی و بزرگ نمودن او بوده است، در صورتی که منظور چنین بوده است باید اقرار کرد که نقش خود را به خوبی بازی کرده‌اند و

وظیفه خود را به بهترین صورت انجام داده‌اند. ولی نباید به دستگاه وارگانهائی که خدمتگزاری و صداقت و فداکاری خود را نسبت به رژیم و مملکت ثابت نموده‌اند (مانند سازمان اطلاعات و امنیت کشور) خدشه وارد سازند و این اداره اساسی مملکت را، در افکار عمومی خلاف آنچه هست معرفی نمایند. خدمتگزاران و کارکنان سازمان اطلاعات و امنیت کشور هرگز راضی نخواهند شد که در مقابل خدمتگزاران به مملکت و حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور در یک دادگاه رسمی به عنوان سپر بلای افراد ناپاک و نادرست معرفی شده و درست خلاف آنچه هستند معرفی گردند. چه آن که کارمندانی که اجباراً در خارج به عنوان عضو سازمان شناخته شده‌اند، نمی‌توانند چشم‌کینه‌توز و بدبین افراد اجتماع را به سوی خود متوجه ببینند و اگر در مقابل خدمتگزاری خود، از اجتماع پاداشی نمی‌گیرند لااقل منفور و ناکام نیز نباشند.

تیمسار ماهوتیان آیا از این نامه اطلاعی دارید تحقیق نموده متن کامل را به من ارائه دهید

اداره کل سوم ۴۰/۴/۸

تاریخ: ۱۳۴۰/۴/۱۷

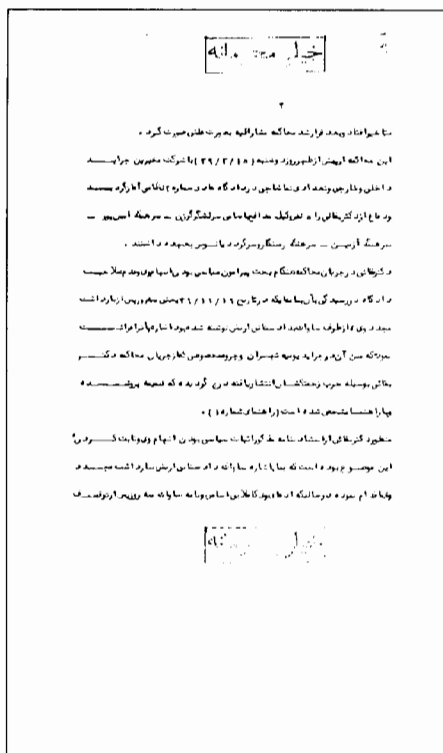
دکتر مظفر بقائی کرمانی رهبر حزب  
زحمتکشان و سازمان نگهبانان آزادی در  
تاریخ ۳۹/۶/۲۲ به اتهام انتشار بیانیه‌ای که  
موجبات تزلزل صمیمیت قوای انتظامی را  
فراهم می‌سازد، وسیله مأمورین دژبانی کل  
بازداشت و به دادستانی ارتش اعزام و پس از  
بازجویی‌های معموله در تاریخ ۳۹/۷/۱۴ به  
قید التزام عدم خروج از حوزه قضایی تهران از  
زندان آزاد گردید.

نامبرده پس از خروج از زندان به  
فعالیت‌های سیاسی خود در سازمان نگهبانان  
آزادی ادامه و در جریان دومین انتخابات دوره  
بیستم مجلس شورای ملی چند میتینگ در

محل سازمان مذکور تشکیل داد و به منظور فعالیت‌های انتخاباتی در تاریخ ۱۳۳۹/۱۱/۱۵ با  
هواپیما به کرمان عزیمت و در تاریخ ۳۹/۱۱/۱۶ هنگام بازگشت به تهران در فرودگاه مهرآباد به  
علت خروج بدون اجازه از حوزه قضایی تهران وسیله مأمورین دژبان بازداشت و به دادستانی  
ارتش اعزام و تحقیقات از وی ادامه یافت تا این که ادعای نامبرده دادستان ارتش مبنی بر تقاضای  
اعدام برای دکتر بقائی صادر و قرار شد از تاریخ ۴۰/۳/۸ محاکمه وی بطور سری در دادرسی  
ارتش آغاز گردد ولی در اثر اقداماتی که برخی از دوستان و طرفداران وی به عمل آوردند و بنا به  
قولی در نتیجه توصیه دکتر امینی نخست وزیر، محاکمه وی تا بازگشت اعلی حضرت همایون  
شاهنشاه از سفر اروپا به تأخیر افتاد و بعد قرار شد محاکمه مشارالیه به صورت علنی صورت  
گیرد.

این محاکمه از پیش از ظهر روز دوشنبه ۳۹/۳/۱۵ با شرکت مخبرین جراید داخلی و  
خارجی و تعدادی تماشاچی در دادگاه عادی شماره ۲ نظامی آغاز گردید، دفاع از دکتر بقائی را ۵  
نفر وکیل مدافع به اسامی سرلشکر گرز،<sup>۱</sup> سرهنگ امین پور، سرهنگ آرمین،<sup>۲</sup> سرهنگ  
رستگار و سرگرد دیانوش به عهده داشتند. دکتر بقائی در جریان محاکمه، هنگام بحث پیرامون

سیاسی بودن اتهام وی و عدم صلاحیت دادگاه در رسیدگی به آن به نامه‌ای که در تاریخ ۳۹/۱۱/۱۹ یعنی سه روز پس از بازداشت مجدد وی، از طرف ساواک به دادستانی ارتش نوشته شده بود، اشاره و آن را قرائت نموده که متن آن در جراید یومیه تهران و جزوه مخصوصی که از جریان محاکمه دکتر بقائی بوسیله حزب زحمتکشان انتشار یافته، درج گردیده که ضمیمه پرونده و با راهنما مشخص شده است (راهنمای شماره ۱). منظور دکتر بقائی از استناد به نامه مذکور اثبات سیاسی بودن اتهام وی و ثابت کردن، این موضوع بوده است که بنا به اشاره ساواک، دادستانی ارتش به بازداشت مجدد وی اقدام نموده، در حالی که ادعای وی کاملاً بی‌اساس و



نامه ساواک سه روز پس از توقیف دکتر بقائی به دادستانی ارتش ارسال گردیده است. ضمناً پیش نویس نامه نیز در همین پرونده موجود و با راهنما مشخص گردیده است (راهنمای شماره ۲). دکتر بقائی هنگام دفاع از خود در ماهیت دعوی، بار دیگر به نامه مذکور و ۲۲ فقره اطلاعیه پیوست آن استناد جسته و متن یکی از این اطلاعیه‌ها را که در مورد جمع‌آوری اسناد و مدارکی از طرف دکتر بقائی علیه رجال سرشناس از جمله خسرو اقبال، برادر دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر اسبق، بوده قرائت نموده که این موضوع در جراید عصر همان روز درج شده که برش آن از روزنامه کیهان پیوست پرونده است (راهنمای شماره ۳). اطلاعیه مزبور از جمله اطلاعیه‌هایی بوده که از دفتر ویژه اطلاعات ساواک واصل گردیده و به همین مناسبت به جای کلمه «تقویم» کلمه «ارزیابی» در بالای آن نوشته شده بود که اصل این اطلاعیه در پرونده موجود و با راهنما مشخص شده است. (راهنمای شماره ۴). محاکمه دکتر بقائی در روز سه شنبه ۴۰/۴/۶ خاتمه یافت و دادگاه به اتفاق آرا نامبرده را به دو سال زندان محکوم کرد ولی مسلماً نامبرده از حکم صادره تقاضای تجدید نظر خواهد کرد و پرونده وی مجدداً مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. در اینجا بی‌مناسبت نمی‌دانم درباره وضع سیاسی دکتر بقائی و نظریات طبقات مختلف مردم

نسبت به وی مطالبی بیان دارد. دکتر بقائی از نظر مردم مردی است جاه طلب و کج خلق که هدف نهایی وی رسیدن به مقام صدارت است و به همین دلیل حاضر به همکاری با هیچ یک از دولتها نیست لیکن حتی مخالفین وی از نظر مادی نامبرده را فردی سوءاستفاده چی نمی دانند. دوستان سیاسی مورد اعتماد وی عبارتند از، حسین مکی، سید ابوالقاسم کاشانی، ابوالحسن حائری زاده، غلامحسین رحیمیان، ناصرقلی اردلان<sup>۱</sup> و به علاوه گفته می شود نامبرده تماسهایی نیز با سیدضیاءالدین طباطبائی دارد که به همین جهت پاره ای از محافل سیاسی در باطن امر، دکتر بقائی را از عناصر طرفدار دیپلماسی انگلستان می دانند. ضمناً سید احمد

طباطبائی قمی<sup>۲</sup> نماینده پیشین مجلس شورای ملی نیز که از افراد وابسته به سید ضیاءالدین طباطبائی می باشد، بعضاً با دکتر بقائی همکاری هائی دارد که از جمله، کمکی به مبلغ ده هزار ریال وجه نقد بوده که در سال گذشته از طرف سیداحمد طباطبائی به دکتر بقائی شده است. برخی از مخالفین دکتر بقائی نامبرده را وابسته به مقامات عالیه کشور دانسته و چنین عقیده دارند که مقامات عالیه، مشارالیه را به منظورهای خاصی برای مواقع معینی در نظر گرفته و از وی در خفا حمایت می کنند و مخالفت او با هیأت حاکمه صحنه سازی می باشد، حتی معتقدند هدف از بازداشت و محاکمه اخیر دکتر بقائی بزرگداشت و کسب وجهه برای وی بوده است. به هر حال می توان چنین اظهار نظر کرد که نتیجه این محاکمه با توجه به اعلامیه ای که از طرف جبهه به اصطلاح ملی در اعتراض نسبت به نحوه محاکمه وی انتشار یافت و مطالبی که نامبرده در دادگاه عنوان و بدون کم و کاست در جراید درج شد، کاملاً به نفع دکتر بقائی و حزب زحمتکشان بوده است.

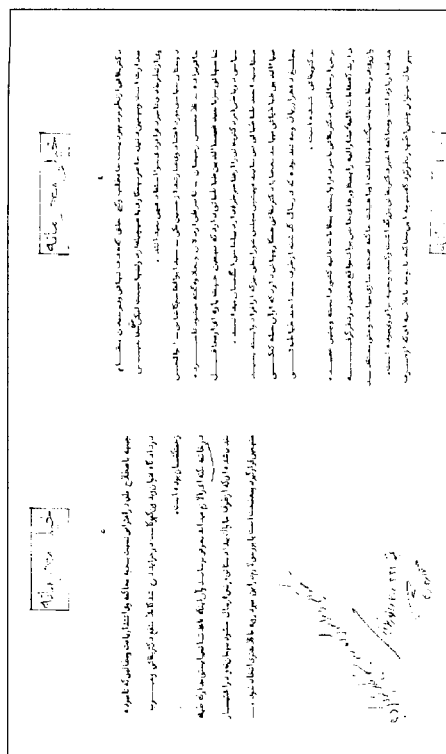
در خاتمه نکته ای را لازم می داند به عرض برساند و آن این که قاعداً نمی بایستی مدارک طبقه بندی شده ای که از طرف ساواک به دادستانی ارتش ارسال می شود، به همان نحو در

اختیار متهمین قرار گیرد و مورد مصلحت است با بررسی لازم در این مورد رویه عاقلانه‌تری اتخاذ شود.

بخش بررسیهای سیاسی اداره کل هفتم

بخش ۳۳۱ بررسی و اظهار نظر نماید

۴۰/۴/۱۷



۱- سرلشکر عباس گرزنی: فرزند محمد ابراهیم، در سال ۱۲۸۱ ه‍.ش در تهران متولد شد. در دی ماه ۱۳۲۵ با درجه سرتیپی به فرماندهی لشکر رضائیه منصوب شد و در سال ۱۳۲۸ به درجه سرلشکری رسید.

در روز ۵ تیرماه ۱۳۲۹ هم‌زمان با نخست‌وزیری رزم‌آرا، رئیس ستاد ارتش شد. در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق، در روز اول مرداد ۱۳۳۱ از شغل خود برکنار شد و به مناسبت وقایع ۳۰ تیر ۳۱ تحت تعقیب قرار گرفت اما مجدداً پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به فرماندهی سپاه فارس منصوب شد. در دی ماه همان سال وزیر راه شد. در سالهای ۳۶-۳۸ نیز استاندار اصفهان بود.

در ۱۳۴۰ هنگامی که دکتر بقائی متهم به انتشار اعلامیه‌ای درباره تحریک افسران شده بود، گرزنی، وکیل دکتر بقائی در دادگاه نظامی بود. در گزارش ۴۲/۲/۷ ساواک، نام گرزنی، جزو افسرانی که به منزل دکتر بقائی و سازمان نگهبانان آزادی آمد و رفت داشتند، آمده است. وی مدت‌ها عضو باشگاه لاینز «قلهک» بود.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۲- سرهنگ اسماعیل آرمین: فرزند حسن، در سال ۱۲۸۵ ه‍.ش در بندر پهلوی به دنیا آمد. افسر ارتش بود. در سالهای ۳۳-۳۴ مرزبان آستارا و بعد جزو بازرسی شاهنشاهی شد. در ۱۳۳۹ از شهرستان آستارا به نمایندگی دوره بیستم مجلس شورای ملی انتخاب و مدتی بعد، به عضویت هیأت مدیره و سرپرست اداره حقوقی بانک کشاورزی درآمد. در گزارش ۴۲/۲/۷ ساواک، نام سرهنگ آرمین جزو افسرانی که به منزل دکتر بقائی و همچنین سازمان نگهبانان آزادی آمد و رفت داشتند، ذکر شده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- ناصر قلی اردلان: فرزند فخرالملک و اهل کردستان بود. کارمند وزارت دارائی، استاندار کرمانشاه و نماینده مجلس شورای ملی در ادوار ۱۳ و ۱۴ بوده و سپس استاندار آذربایجان شد. از دوستان و معاشران نزدیک اردلان، می‌توان دکتر متین دفتری، دکتر مظفر بقائی و حسین مکی را نام برد.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۴- سیداحمد طباطبائی قمی: فرزند سید علی، در سال ۱۲۸۲ در قم متولد شد. دارای تحصیلات علوم قدیمه و لیسانس در رشته قضائی بود. به وکالت در دادگستری اشتغال داشت. در زمان فرمانداری نظامی و ریاست ساواک تیمور بختیار، روابط بسیار نزدیک با او داشته و از جانب بختیار وکالت در امور مالی، ملکی، تجاری و مستغلاتی داشته و نماینده تام‌الاختیار وی در معاملات داخلی و خارجی بوده است. در اسناد ساواک، از او به عنوان پشتیبان سلطنت و شاه یاد شده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک





شماره: ۲۳۸۲ س ت تاریخ: ۱۳۴۰/۵/۱۷  
موضوع: اسامی کمیته دانشجویی سازمان  
نگهبانان آزادی

اسامی کمیته دانشجویی سازمان  
نگهبانان آزادی به شرح زیر است:

- ۱- باقر کاشانی<sup>۱</sup> ساکن پامنار منزل آیت الله  
کاشانی شماره تلفن ۵۰۶۲۱
- ۲- موسوی زادگان<sup>۲</sup>
- ۳- عبدالله شکری<sup>۳</sup>
- ۴- حسن آیت<sup>۴</sup> میدان بهارستان، مؤسسه  
علوم اجتماعی
- ۵- جلال الدین مدنی<sup>۵</sup>

رونوشت در صورت داشتن سابقه به پرونده‌های  
باقر کاشانی - عبدالله شکری و جلال الدین مدنی

|                                                                                       |                                                   |
|---------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|
| ک.ا.ا.ر. ق.ا.و.ا.ت. ر.ا.ت.ا.ر.                                                        |                                                   |
| شماره: ۲۳۸۲                                                                           | اسامی کمیته دانشجویی سازمان نگهبانان آزادی        |
| تاریخ: ۱۳۴۰/۵/۱۷                                                                      | موضوع: اسامی کمیته دانشجویی سازمان نگهبانان آزادی |
| تاریخ: ۱۳۴۰/۵/۱۷                                                                      | موضوع: اسامی کمیته دانشجویی سازمان نگهبانان آزادی |
| اسامی کمیته دانشجویی سازمان نگهبانان آزادی به شرح زیر است:                            |                                                   |
| ۱- باقر کاشانی ساکن پامنار منزل آیت الله کاشانی شماره تلفن ۵۰۶۲۱                      |                                                   |
| ۲- موسوی زادگان                                                                       |                                                   |
| ۳- عبدالله شکری                                                                       |                                                   |
| ۴- حسن آیت میدان بهارستان، مؤسسه علوم اجتماعی                                         |                                                   |
| ۵- جلال الدین مدنی                                                                    |                                                   |
| رونوشت در صورت داشتن سابقه به پرونده‌های باقر کاشانی - عبدالله شکری و جلال الدین مدنی |                                                   |

ضمیمه و بایگانی شود ۵/۲۱

اقدام شد بایگانی شود

۱- دکتر سید محمد باقر مصطفوی کاشانی: فرزند آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، در سال ۱۳۱۴ در تهران متولد شد. پس از تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران برای گذراندن دوره تخصصی به آمریکا مسافرت و بعد از مراجعت به کشور به عنوان استادیار دانشکده پزشکی اشتغال داشت. محمد باقر، از طرفداران حزب زحمتکشان بود. یاد شده، در سال ۵۰ بر اثر سانحه رانندگی در جاده چالوس فوت نمود.

۲- دکتر سید نصرالله موسوی زادگان، کارمند اداره بهداری اصفهان و از اعضای رسمی حزب زحمتکشان بود.

۳- عبدالله شکری: فرزند هاشم، در سال ۱۳۱۹ متولد شد. در آموزش و پرورش قم اشتغال داشت و مدتها نیز در دانشگاه تدریس می‌کرد و عضو حزب زحمتکشان بود.

۴- دکتر حسن آیت: در سال ۱۳۱۷ در نجف آباد اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را در رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی و ادبیات به پایان رساند. آیت، فعالیت‌های سیاسی خود را مقارن با نهضت ملی آغاز کرد. پس از آشنایی با دکتر مظفر بقایی در جلسات حزب زحمتکشان شرکت می‌کرد. بر اساس اسناد ساواک، تا پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر

آیت با دکتر بقایی ارتباط داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از اصفهان به مجلس خبرگان راه یافت. عضویت وی در شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و نمایندگی در مجلس شورای اسلامی از جمله فعالیت‌های سیاسی آیت بود. دکتر آیت در روز ۱۴ مرداد ۱۳۶۰ هنگام رفتن به مجلس، ترور شد.

۵- سید جلال‌الدین مدنی کرمانی: فرزند جمال‌الدین، در سال ۱۳۱۶ در کرمان متولد شد. دارای لیسانس قضائی، فوق‌لیسانس اقتصاد و دکترای جزا بود. مشاغلی همچون دادیار دادسرا، بازپرس، رئیس دادگاه، قاضی دادگستری را عهده‌دار بوده است. جلال‌الدین مدنی از دوستان دکتر مظفر بقائی و مدتها عضو حزب زحمتکشان بود و در جلسات سازمان نگهبانان آزادی (وابسته به حزب مذکور) نیز شرکت می‌کرده است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

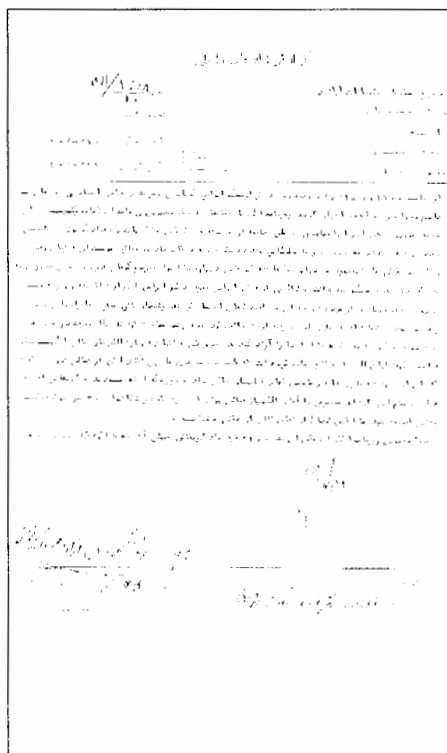


شماره: ۳۱۱/۱۶۲۸ تاریخ: ۱۳۴۰/۵/۲۱

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۶ روز ۴۰/۵/۱۸ به تدریج دکتر ارسطو ایرانی کرمانی، مهندس عباس باستانی، حاج قاسم محرابی، احمد احرار، کارمند روزنامه اطلاعات به اتفاق دو نفر مخبرین روزنامه اطلاعات و کیهان، محمد مروی، علی اکبر افراسیابی، علی جانمدار، نیک نفس کرمانی وکیل پایه یک دادگستری، علی نعمت زاده، عباس معتمد، رضا سلطانی و عده ای دیگر جهت ملاقات با دکتر بقائی به زندان دژبان رفتند و با دکتر بقائی ملاقات نمودند<sup>۱</sup> در این ملاقات دکتر بقائی درباره



تظاهرات مردم کرمان در روز جشن مشروطیت و این که چند نفر دستگیر شده اند سئوالاتی از دکتر ایرانی نمود، دکتر ایرانی اظهار داشت در روز جشن مشروطیت عده زیادی از مردم، در میدان مشتاقیه کرمان اجتماع کردند و شعارهایی به نفع شما و اعتراض به زندانی بودن شما دادند ولی پلیس و ژاندارم، دخالت کرد و مردم نیز مقاومت کردند بالنتیجه در حدود ۸۰ نفر دستگیر شدند که عده ای از آنها را آزاد کردند. سپس علی قنائیان درباره الهیار صالح اظهار داشت طرفداران الهیار صالح شایع کرده اند که علت چپ شدن ماشین آقای الهیار صالح در جاده کاشان این بوده [که] دولتی ها در ماشین آقای الهیار صالح مواد منفجره گذاشته بودند. دکتر بقائی اظهار داشت تمام این کارهای مصنوعی را آقای الهیار صالح برای این کرد که در تظاهرات ۳۰ تیر شرکت نکند، بقائی اضافه نمود ما از این لحاظ از آقای الهیار صالح متشکریم.<sup>۲</sup> ضمناً مخبرین روزنامه اطلاعات و کیهان مدت ۳۵ دقیقه با دکتر بقائی خیلی آهسته مذاکره کردند.

به پرونده سازمان نگهبانان آزادی ضمیمه و بایگانی شود

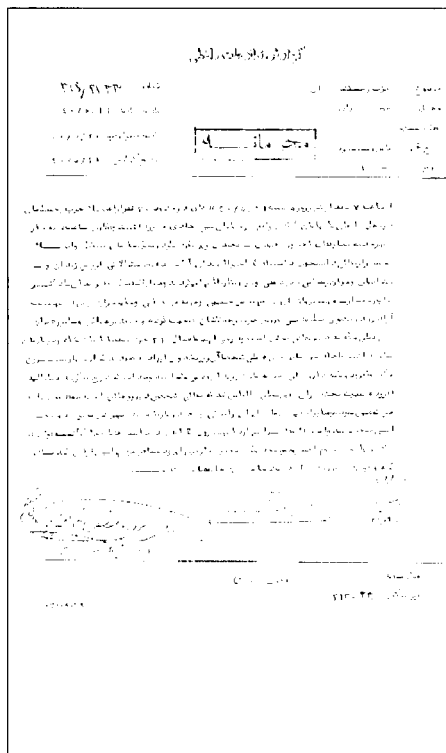
افسران آغاز شد، در ۶ تیر ماه، دادگاه عادی نظامی دکتر بقائی را به دو سال حبس تأدیبی محکوم کرد اما در دادگاه تجدید نظر نظامی، در روز ۷ دی ماه، سرانجام به اتفاق آرا، رأی برائت دکتر بقائی صادر شد.

۲- جبهه ملی در ۲۹ تیر ماه، همگان را به تظاهرات علیه دولت امینی دعوت کرد. سخنگوی دولت نیز اعلام نمود: «دولت با تمام قوا تظاهرات ۳۰ تیر را درهم می شکند، اگر حوادثی اتفاق بیفتد، مسوول مستقیم آن کسانی هستند که زیر بار این مسوولیت رفته اند و دولت شدیداً آنها را مجازات خواهد کرد. به جوانانی که نمی خواهند به جای آزادی، قدرت خفقان آوری بر مملکت حکومت کند، اخطار می کنیم که متوجه جریان باشند. عواملی که سی ام تیر را (در سال ۱۳۳۱) به وجود آورد، امروز وجود ندارد»

شماره: ۳۱۶/۲۱۲۳ تاریخ: ۱۳۴۰/۵/۲۱

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب زحمتکشان



از ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۵ شنبه ۴۰/۵/۱۹ عده‌ای در حدود ۳۰ نفر از اعضای حزب زحمتکشان در محل سازمان نگهبانان آزادی واقع در خیابان شیخ هادی حضور داشتند، مقارن ساعت ۷ بعد از ظهر، جلسه معارفه‌ای با حضور سعیدی، محمدی و ۸ نفر دیگر در محل سازمان، تشکیل و اعضای حاضر از بقائی<sup>۱</sup> دانشجوی دانشگاه که اخیراً از زندان آزاد شده بود، سئوالاتی از وضع زندان و زندانیان و سران زندانی جبهه ملی و طرز رفتار با آنها می‌کردند، مشارالیه می‌گفت در

زندان با دکتر شاپور بختیار، مهندس بازرگان، مهندس حسینی و مهندس عطائی<sup>۲</sup> و سایر سران جبهه و نهضت آزادی در خصوص خط مشی و روش حزب زحمتکشان صحبت کرده و مهندس عطائی و سایر رهبران جبهه ملی می‌گفتند دکتر بقائی خائن است و در سی‌ام تیر ماه سال ۳۱ خود شخصاً با شاهنشاه و درباریان تماس داشت و افراد سرشناس جبهه ملی شخصاً آن روز به خصوص، او را دیده بودند که از دربار بیرون می‌آید و افزود به گفته‌های سران جبهه ملی در زندان، وقعی نگذاشته و می‌داند که دروغ می‌گویند. مشارالیه افزوده نتیجه بحث سران جبهه ملی با او این شد که بقائی شخصی دورو و خائن است و به مقدسات ملی توهین نموده و مبارزات پی‌گیر ملت ایران را خنثی و به نفع دربار کار می‌کند. سپس در خصوص دولت امینی صحبت شد و اعضای حاضر اظهار داشتند روی کار آمدن دکتر امینی فقط به خاطر آنست که عواید زیادیتری از کنسرسیون، اخذ و به صورت دیگری به جیب خارجیها برود و منافع مردم را بیش از این لگدمال کنند و چون دستوری در جلسه نبود ساعت ۸/۳۰ خاتمه یافت.

۱- بقائی نامبرده شده، دکتر مظفر بقائی نیست.

۲- منصور عطائی: در سال ۱۲۸۳ در تهران متولد شد. پس از فارغ التحصیلی از مدرسه کشاورزی کرج، برای ادامه

تحصیلات به فرانسه رفت و در رشته کشاورزی ادامه تحصیل داد.

منصور عطائی که خواهرزاده بازرگان است، در سال ۱۳۳۲ در دولت دکتر مصدق کفیل وزارت کشاورزی بود. پس از آن، دو دوره به ریاست دانشکده کشاورزی انتخاب گردید. او از جمله معترضان به لایحه قرارداد کنسرسیوم در مجلس بود، به دنبال این اعتراض، در دیدار دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران با شاه، فهرست دوازده نفره‌ای توسط وزیر دربار به دکتر سیاسی داده شد، شاه از او خواست این افراد که عدم وفاداری به تاج و تخت را دنبال می‌کنند، از دانشگاه اخراج شوند با این دستور منصور عطائی، مهندس بازرگان، دکتر رحیم عابدی، دکتر یدالله سجایی، دکتر محمد قریب، دکتر بیژن و مهندس خلیلی از کار برکنار شدند.

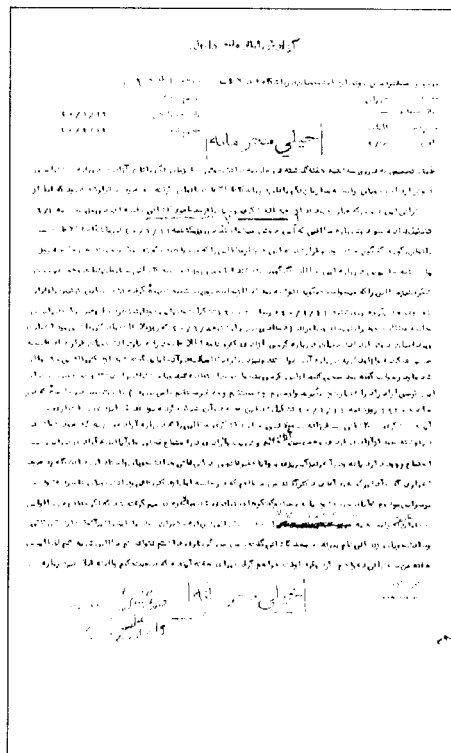
عطائی از مؤسسان نهضت آزادی ایران است که در دستگیری اولیه سران نهضت نیز بازداشت شد. از ایشان دو کتاب در رشته تخصصی خود به نام: «گندمهای ایران» و «زراعت عمومی و خصوصی» منتشر شده است.

شماره: ۲۸۹۲ تاریخ: ۱۳۴۰/۶/۱۳

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سخنرانی دو تن از دانشجویان در  
باشگاه اطلاعات

طبق تصمیمی که در روز سه شنبه هفته گذشته در جلسه دانشجویی سازمان نگهبانان آزادی درباره سخنرانی دو تن از دانشجویان وابسته به سازمان نگهبانان در باشگاه اطلاعات بانوان گرفته شده بود، قرار شده بود که قبل از سخنرانی این دو تن که عبارت بودند از عبدالله شکری و سیدباقر مصطفوی کاشانی، جلسه‌ای در روز پنجشنبه ۶/۹ تشکیل داده شود و درباره مطالبی که این دو تن می‌خواهند در روز



یکشنبه ۴۰/۶/۱۲ در باشگاه اطلاعات بانوان بگویند، گفتگو و بحث شود، قرار شد که این دو نفر مطالبی که می‌خواهند بگویند قبلاً بنویسند و در جلسه روز پنجشنبه، سایرین درباره این مطالب گفتگو و بحث کنند اما چون روز پنجشنبه کاشانی به سازمان نیامد و همچنین شکری نیز مطالبی را که می‌خواست بگوید ننوشته بود، لذا از جلسه روز پنجشنبه نتیجه گرفته نشد. به این ترتیب باز قرار شد جلسه دیگری در روز شنبه ۴۰/۶/۱۱ در ساعت ۱۹ تشکیل شود و این دو نفر نیز هر دو علاوه بر شرکت در این جلسه مطالب خود را بنویسند و بیاورند. ضمناً در روز چهارشنبه ۴۰/۶/۸ که روز ملاقات با دکتر بقائی بود اخباری و یزدانیان دو تن از دانشجویان، درباره کرسی آزادی که، روزنامه اطلاعات در اختیار دانشجویان قرار داده است، صحبت کرده و از او درباره آن نظریه خواستند و نیز درباره مطالبی که در آن جا باید گفته شود، از دکتر بقائی سوال شد و او در جواب گفته بود سعی کنید از این کرسی به نحو احسن استفاده کنید و با سخنرانی‌های پخته و خوب، میدان این کرسی آزاد را در اختیار خود بگیرید و از من هم چه مستقیم و چه غیر مستقیم نامی نبرید.

به این ترتیب در جلسه‌ای که در ساعت ۱۹/۳۰ روز شنبه ۴۰/۶/۱۱ تشکیل شد این عده در



آن شرکت کرده بودند: ایزدی، اخباری، آیت، شکری، کاشانی، فرزانه و مولایی. ابتدا شکری مطالبی را که درباره آزادی تهیه کرده بود خواند. در نوشته خود از آزادی فردی و همچنین آزادی تعلیم و تربیت و آزادی در اجتماع فعلی ما و آیا این که آزادی در این اجتماع وجود دارد یا نه و در آخر نیز گریزی به توقیف غیرقانونی دکتر بقائی و دانشجویان و استادان دانشگاه زده بود، اخباری گفت آن طور که خود آقای دکتر گفتند، من مخالفم که در جلسه اول، از دکتر بقائی و دانشجویان نامبرده شود. بر سر این موضوع که آیا صحبت شود یا نه بحث و گفتگوهای زیادی شد و بالاخره تصمیم گرفته شد که اگر چنانچه اولین سخنران که وابسته به جامعه

سوسیالیستی نهضت ملی ایران است صحبت‌هایی درباره رهبران خود کرد اینها نیز آن وقت از دکتر بقائی و دانشجویان زندانی نام ببرند. بعد کاشانی گفت چون من رفتاری داشتم نتوانستم مطالبی تهیه کنم لذا این هفته من سخنرانی نخواهم کرد و فردا وقت خواهم گرفت برای هفته آینده که صحبت کنم و البته قبلاً نیز درباره مطالبی که می‌خواهم بگویم نیز با شما رفقا مشورت خواهم کرد. بعد، اخباری که ریاست سخنرانی روز یکشنبه با او بوده نشانی باشگاه اطلاعات بانوان را به همه داده و گفت خواهش می‌کنم رفقا کارتهای دانشجویی خود را همراه بیاورند چون می‌خواهم بگویم از تمام کسانی که به این جلسه سخنرانی وارد می‌شوند کارتهای آنها را ببینند که غیر دانشجوی در این جلسه شرکت نکند.

در ساعت ۲۰/۳۰ جلسه ختم شد و قرار شد همگی در ساعت ۱۹ در باشگاه اطلاعات بانوان در خیابان ثریا واقع در بین «فیشرآباد» و «ویلا» حاضر باشند.

شماره: ۲۹۱/۱۳۱ تاریخ: ۱۳۴۰/۷/۲۷

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمان نگهداران آزادی

روز ۴۰/۷/۲۶، از ساعت ۱۴ به ترتیب

دکتر عباس ریاضی کرمانی، دکتر ناظرزاده

کرمانی، احمد ارجمند کرمانی، حاج محمود

سیهسالاری، حاج قاسم حاج ملابابا، احمد

هاشمی مدیر روزنامه اتحاد ملی، مهندس

احمد حامی استاد دانشگاه، دکتر محمود

حسابی استاد دانشگاه، مهندس عباس

باستانی، موسی شهیدی، سید علی

مصطفوی، سیدباقر و سیدمحمود کاشانی<sup>۱</sup>،

احمد احرار کارمند روزنامه اطلاعات، حمید

خلیلی، علی قنائیان، شیخ رضا فعال، حاج

عبدالحسین عسگری، رضا سلطانی، حسین بنکدار، عباس دیوشلی، اوریان، عبدالعلی

حمیدی، محمدعلی یوسفی زاده، عباس لاجوردی، عبدالحسین و محمود بقائی، جواد تهرانی،

پرویز بازوکی، حسن آینه چی، حسین میردامادی، حمزه بزرگ نژاد، محمد مروی، امیرناصر

قندی، مهدی شمشیری کرمانی، دکتر ارسطو ایرانی کرمانی، احمد سلامت<sup>۲</sup>، اسماعیل کزازی،ماشاءالله اخباری، علی اصغر قناد، رضا محمدی،<sup>۳</sup> اصغر شیرازیان، پرویز والی زاده،<sup>۴</sup> کاظم میر

عمادی و ۵۹ نفر دیگر از افراد حزب زحمتکشان و دوستان متفرقه دکتر بقائی جهت ملاقات با

دکتر بقائی به زندان دژبان رفتند و با وی ملاقات نمودند، کلیه افراد نامبرده درباره این که

محکمه تجدید نظر دکتر بقائی در چه تاریخی شروع می شود، از ایشان سؤال نمودند، نامبرده

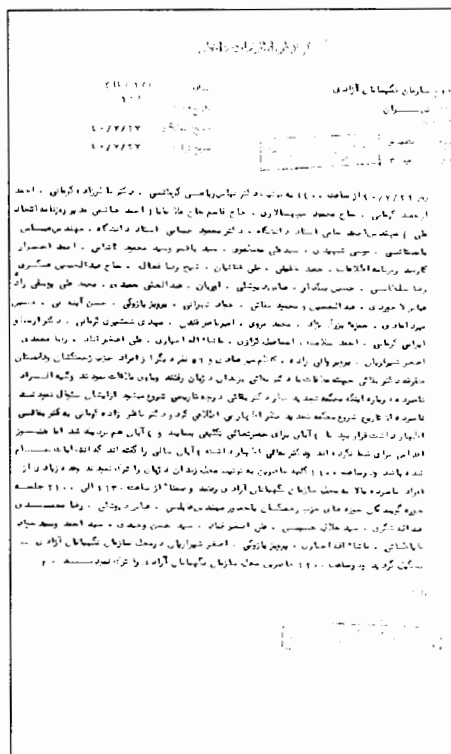
از تاریخ شروع محکمه تجدید نظر، اظهار بی اطلاعی کرد، دکتر ناظرزاده کرمانی به دکتر بقائی

اظهار داشت قرار بود تا چهارم آبان برای حضرت عالی تکلیفی بنمایند و چهارم آبان هم نزدیک

شد اما هنوز اقدامی برای شما نکرده اند، دکتر بقائی اظهار داشت چهارم آبان سالی را گفته اند

که، انتخابات تمام شده باشد. در ساعت ۱۶ کلیه حاضرین به ترتیب محل زندان دژبان را ترک

نمودند و عده زیادی از افراد نامبرده بالا به محل سازمان نگهداران آزادی رفتند و ضمناً از ساعت



۱۹/۳۰ الی ۲۱ جلسه حوزه گویندگان حوزه‌های حزب زحمتکشان با حضور مهندس عقیلی، عباس دیوشلی، رضا محمدی، عبدالله شکری، سید جلال حسینی، علی اصغر قناد، سید حسن وحیدی، سید احمد و سید جواد طباطبائی، ماشاءالله اخباری، پرویز پازوکی و اصغر شیرازیان در محل سازمان نگهبانان آزادی تشکیل گردید، در ساعت ۲۲، حاضرین محل سازمان نگهبانان آزادی را ترک نمودند.

۱- سید محمود مصطفوی کاشانی: فرزند آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، در سال ۱۳۲۱ ه‍.ش در شهر تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات دانشگاهی موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته حقوق گردید. بنابر اسناد ساواک و گزارش مصاحبه نامبرده، در سالهای پایانی دوره دبیرستان که مصادف با انتخابات مجلس شورای ملی در زمان نخست‌وزیری دکتر اقبال در ۱۳۳۹، بود، در فعالیتهایی که علیه انتخابات از طرف آیت‌الله کاشانی (پدر نامبرده) ترتیب داده شده بود، شرکت می‌نمود. به دلیل آشنائی که پدرش آیت‌الله کاشانی با مظفر بقائی داشتند، در جلسات سخنرانی بقائی علیه دولت وقت هم شرکت می‌کرده است. در سال ۱۳۴۳ به دلیل شرکت در کارآموزی قضائی که به لحاظ قانونی نیز با شرکت در احزاب سیاسی منافات داشت، تقاضای استعفا از حزب زحمتکشان را نمود که مورد موافقت مظفر بقائی قرار گرفت. طبق اسناد ساواک علی‌رغم انکار نامبرده از شرکت در فعالیتهای سیاسی، وی از جمله افرادی است که به دکتر مظفر بقائی و حزب زحمتکشان مؤمن و وفادار بوده و از هیچ‌گونه فعالیتی به طرفداری و جانبداری حزب موصوف، دریغ نکرده است.

۲- احمد سلامت شریف، مسوول حوزه ۶۰ کارگری حزب زحمتکشان بود.

۳- رضا محمدی، کارمند کارخانه شیر و عضو کمیته شهرستان تهران حزب زحمتکشان بوده است.

۴- پرویز والی‌زاده مسوولیت حوزه شماره ۸ حزب زحمتکشان را به عهده داشت.

شماره: ۳۱۱/۲۳۱ تاریخ: ۱۳۴۰/۸/۱۷

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: روزنامه شهاب

یک برگ روزنامه شهاب که به دست

سیدابوالقاسم سدهی، منصور رفیع‌زاده، فرامرز

ناصری که از افراد حزب زحمتکشان می‌باشند،

در آمریکا تهیه می‌شود، ۸۰ برگ برای حزب

زحمتکشان فرستاده‌اند، [که یک برگ] به

پیوست تقدیم می‌گردد. مخارج چاپ این

روزنامه‌ها و نشریه‌ها را در آمریکا و در فرانسه که

در آمریکا به دست سید ابوالقاسم سدهی و

منصور رفیع‌زاده و در فرانسه به دست

محمدجعفر معین‌فر و احمد خلیلی چاپ

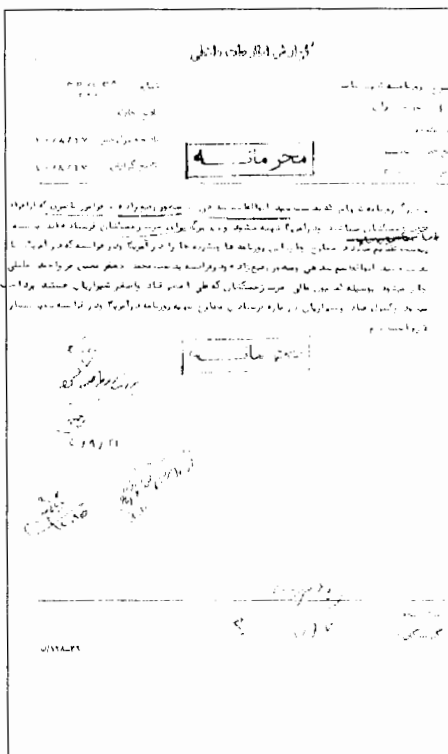
می‌شود بوسیله کمیسیون مالی حزب

زحمتکشان که علی‌اصغر قناد و اصغر شیرازیان

هستند، پرداخت می‌شود، کنترل قناد و شیرازیان درباره فرستادن مخارج تهیه روزنامه در آمریکا و

در فرانسه بسیار لازم است.<sup>۱</sup> به پرونده مربوطه ضمیمه و بایگانی شود ۴۰/۸/۲۱ بایگانی شود

۴۰/۹/۱ از نظر موضوع فعلاً اقدامی ندارد به عرض می‌رسد ۹/۱۷



۱- به دنبال ملاقات رفیع‌زاده با مقامات «سیا»، در اکتبر ۱۹۶۱م نشریه شهاب با کمک سیا و ساواک منتشر شد. حلقه‌ای که اینک در اطراف رفیع‌زاده جمع آمده بود، ترکیبی از عناصر ساواک، سیا و عوامل سفارت ایران در واشنگتن بود. فرزند یکی از متمولان کرمانی به نام محمد علی تهرانی، که با اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن رفاقت داشت و وابسته مطبوعاتی سفارت، که شیرازی بود و شاپوری یا شاپوریان نام داشت، دو تن از یاران نزدیک رفیع‌زاده بودند. نام فرزند تاجر کرمانی معلوم نیست و از او به عنوان «دکتر تهرانی» نام برده می‌شد. یکی از کارمندان عالی رتبه انجمن دوستداران آمریکایی خاورمیانه، که مدت زیادی در تهران اقامت داشت و در نامه‌های رفیع‌زاده با اسم مستعار «همشهری حسن» نامیده شده است، از دیگر همکاران او بودند. رئیس دانشجویان خارجی دانشگاه «هاروارد» با عنوان مستعار «دوست من از مدرسه» و کیوان امیر شاهی از دیگر یاران رفیع‌زاده بودند. نام مستعار امیر شاهی «پسر دوست سرکار» بود. در نامه‌ها از فردی با اسم رمز «ارباب» یاد شده است که باید به آنها کمک می‌کرد. شاپوریان و تهرانی را بطان رفیع‌زاده با «ارباب» بودند. رابط دیگر، فردی است که از او سخنی به میان نیامده است. از کسانی که در انتشار نشریه شهاب به رفیع‌زاده کمک می‌کردند مهدی خسروشاهی، از خاندان‌های ثروتمند ایران بود. از دیگر افراد، القانیان، سرمایه دار یهودی بود که در دوران پیروزی انقلاب اسلامی معدوم گردید.

اسناد به دست آمده از منزل بقائی، رک: زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی

شماره: ۳۱۱/۳۰۵ تاریخ: ۱۳۴۰/۸/۲۹

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۸ روز ۴۰/۸/۲۸ آقای علی  
اخباری از محل نگهبانان آزادی خارج شدند و  
جهت شرکت در جلسه کرسی آزاد  
دانشجویان به باشگاه اطلاعات واقع در  
خیابان ثریا رفتند، در این جلسه دانشجویان،  
رضا حسینی دانشجوی دانشکده فنی،  
مسعود یزدانیان دانشجوی دانشکده پادبیات  
و عبدالله شکری دانشجوی دانشسرای عالی  
که از افراد بسیار فعال حزب زحمتکشان  
هستند، در میان سخنرانی‌های خودشان  
حملات بسیار شدیدی به جبهه ملی و به دکتر

گزارش اطلاعات داخلی

تاریخ: ۴۰/۸/۲۸

موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

محل: باشگاه اطلاعات

حاضرین: علی اخباری، رضا حسینی، مسعود یزدانیان، عبدالله شکری

موضوعات: حملات به جبهه ملی و به دکتر

نتیجه: ...

مهر و امضاء: ...

تاریخ: ۴۰/۸/۲۸

مصدق نمودند و از دکتر بقائی به شدت حمایت نمودند.

در ساعت ۲۰/۲۰ جلسه کرسی آزاد پایان یافت و کلیه حاضرین، محل باشگاه اطلاعات را  
ترک نمودند.

اصل در ۳۲۱

در پرونده حمزه بزرگ نژاد ضمیمه و بایگانی شود ۴۰/۹/۱۱

شماره: ۵۴۳۴ ط س ت تاریخ: ۱۳۴۰/۹/۲۲

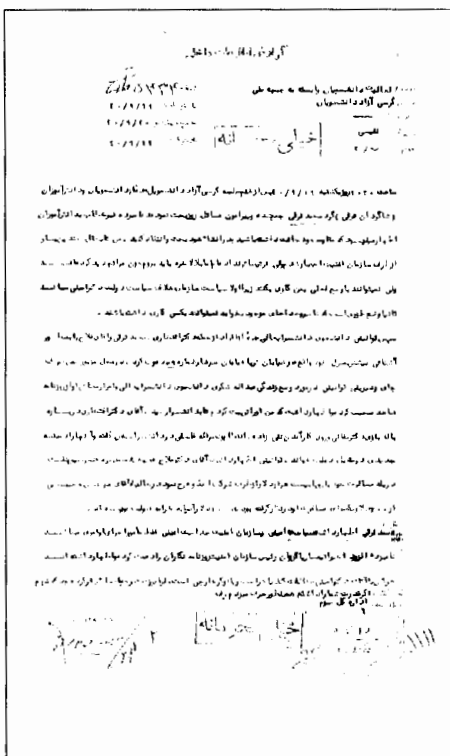
### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: فعالیت دانشجویان وابسته به جبهه ملی

ساعت ۲۰:۳۰ روز یکشنبه ۴۰/۹/۱۹ پس از ختم جلسه کرسی آزاد دانشجویان، عده‌ای از دانشجویان و دانش‌آموزان (شاگردان ترقی) گرد محمد ترقی جمع شده و پیرامون مسایل روز بحث نموده، نامبرده نیز خطاب به دانش‌آموزان اظهار می‌نمود که مقاومت و شجاعت داشته باشید و در انشای خود بحث و انتقاد کنید. من تا به حال چندین بار از طرف سازمان امنیت احضار شدم ولی ترتیب اثر نداده‌ام اما بالاخره باید بروم چون مرا تهدید

کرده‌اند ولی نمی‌توانند با وضع فعلی به من کاری بکنند زیرا اولاً سیاست سازمان خلاف سیاست دولت دکتر امینی می‌باشد ثانیاً وضع طوری است که تا سرو صداهای موجود بخوابد، نمی‌توانند به کسی کاری داشته باشند.

سپس قوانینی دانشجوی دانشسرای عالی، عده‌ای از افراد از جمله دکتر افتخاری، محمد ترقی و آقای فلاح را به منظور آشنایی بیشتر به منزل، واقع در خیابان ثریا، خیابان سرشار شماره ۵۹ دعوت کرد. در محل مزبور ضمن صرف چای و شیرینی، قوانینی در مورد وضع زندگی عبدالله شکری دانشجوی دانشسرای عالی و امرار معاش او از روزنامه شاهد صحبت کرده و اظهار داشت که من او را تربیت کردم تا به دانشسرا رسید. آقای دکتر افتخاری درباره باندبازی دکتر بقائی و روی کار آمدن تقی‌زاده، انتظام و نصرالله فلسفی در دانشسرا سخن گفته و آنها را دسته جدیدی در مقابل دولت خواند. قوانینی اظهار داشت دکتر فلاح عضو هیأت مدیره کنسرسیون نفت در یک مسافرت خود به اروپا بیست هزار دلار از طرف شرکت اخذ و خرج خود نمود در حالی که آقای مهندس حسینی،<sup>۱</sup> از ۳۰۰ دلاری که برای مسافرت خود در نظر گرفته بودند، ۲۰۰ دلار آن را به خزانه دولت عودت داد. محمد ترقی اظهار داشت سیاست امینی و سازمان



امنیت جداست.

امینی فقط مأمور اجرای اوامری می‌باشد. نامبرده افزود اخیراً تیمسار پاکروان رئیس سازمان امنیت روزنامه‌نگاران را دعوت کرده و اظهار داشته‌اند هر کس با آقای دکتر امینی مخالفت کند یا خر است یا نوکر خارجی است. فرامرزی در جواب اظهار کرده بود که من هم اگر قدرت شما را داشتم، همینطور حرف می‌زدم.

اداره کل سوم

در پرونده جبهه ملی ضمیمه شود

۱- کاظم حسینی: در سال ۱۲۸۵ ه‍.ش متولد شد. جد مهندس حسینی، ملا حسین حسینی یزدی است که بیشتر یزدی‌ها او را می‌شناسند. پدرش محمدعلی حسینی از مردان خیر و نیکوکار عهد خود به شمار می‌رفت. کاظم، هشت ساله بود که پدرش او را از مکتب به مدرسه فرستاد. او که دارای استعداد سرشاری در فراگیری درس بود، پس از پایان دوره ابتدائی وارد دبیرستان سلطانی شد و سیکل اول متوسطه را با رتبه اول در هر کلاس گذراند. تحصیلات سیکل دوم دوره متوسطه خود را در دبیرستان دارالفنون خاتمه داد. پس از تحصیلات متوسطه، در مدرسه علوم سیاسی تهران که بعدها به دانشکده حقوق تغییر نام یافت، ادامه تحصیل داد. به دنبال تصویب قانون اعزام محصل به اروپا توسط مجلس، از طریق کنکور با احراز رتبه اول در سال ۱۳۰۷ به همراه مهندس بازرگان اعزام اروپا شد. مدت دو سال، تحصیلات خود را در مدرسه عالی «لیژیرن» پاریس گذرانده و طی دو سال دیگر، دوره پلی تکنیک قسمت مهندسی توپخانه و اسلحه‌شناسی را به پایان رساند. پس از خاتمه تحصیلاتش وارد دانشگاه عالی پاریس شد و به مدت دو سال دوره معدن‌شناسی را طی کرد. پس از اخذ سه گواهینامه مهندسی در رشته‌های مختلف در حالی که در دو رشته، رتبه اول را احراز کرده بود، سفرهایی به انگلستان، فرانسه، یوگسلاوی و چکسلواکی کرد و در مدت دو سال، در این کشورها، در رشته‌های تهیه آهن و فولاد، تصفیه مس، راه آهن، اکتشاف، تصفیه نفت و معدن‌شناسی کارورزی کرد. سرانجام پس از هشت سال دوری از وطن در سال ۱۳۱۵ به تهران بازگشت. پس از بازگشت، به خدمت و وظیفه مشغول و به جای این که در رشته‌های تخصصی‌اش از وی استفاده شود، مسوولیت تمام اسبهای لشکر سواره جمشیدیه به وی واگذار شد. در ادامه پس از اطلاع مسوولان از دوره‌هایی که وی در خارج از کشور گذرانده بود، به تدریس رشته توپخانه و مهندسی دانشگاه جنگ و دانشگاه تهران مشغول شد. چندی هم در اداره معادن به سمت رئیس اداره پروژه مشغول به کار بود. حسینی تا معاونت اداره کل معادن ترقی کرد لیکن پس از واقعه شهریور ۱۳۲۰ در یک مأموریت اداری وی را به خراسان اعزام نمودند. از مشاغل دیگر وی پس از بازگشت به تهران می‌توان مشاورت فنی اقتصاد در سال ۱۳۲۵، عضویت در هیأت مدیره بنگاه امور صنعتی، عضویت در هیأت مدیره بنگاه آبیاری، معاونت بانک صنعتی و اشتغال در سازمان برنامه را نام برد.

او در سال ۱۳۲۳ به همراه ۳۹ نفر از رفقای مهندس خود حزب ایران را تأسیس نمود. در اوایل سال ۲۷ برای نخستین بار راجع به نفت جنوب مسایلی در مجلس مطرح شد، در همین راستا حزب ایران، ضمن تشکیل جلسه کمیته مرکزی، به اتفاق آرا به مهندس حسینی مأموریت داد که در امر نفت مطالعه کند. او با استفاده از استعداد فراوانش، فعالیت شدیدی در این امر نمود و اطلاعات زیادی جمع‌آوری کرد تا آن جا که در اواخر دوره پانزدهم که لایحه الحاقی «گس-گلشایان» در مجلس مطرح شد، وی در تهیه نطقهای پر شور ملی به نمایندگان کمک می‌کرد. این نطقها آن قدر به درازا کشید که دوره قانونی منجر به تشکیل جبهه ملی و حضور نمایندگان آن در مجلس شانزدهم و نخست‌وزیری دکتر مصدق شد. حسینی در کابینه دکتر مصدق به معاونت و پست قائم مقامی وزارت دارائی رسید و در همین مقام عضو هیأت مختلط برای خلع ید از انگلستان در کار نفت شد و از یاران و مشاوران نزدیک دکتر مصدق به شمار می‌رفت. او در تمام مراحل زندگی به مصدق وفادار ماند.

موضوع: نظر جبهه ملی نسبت به محاکمه  
دکتر بقائی

در محافل مطبوعاتی شایع گردیده است که نظر مقامات عالیّه بر تبرئه و آزادی دکتر بقائی قرار گرفته است، حتی شایع است که از طرف بعضی منتسبین به دربار، در زندان با نامبرده مذاکراتی نیز به عمل آمده است، نکته جالب در این مورد این است که انتشار این شایعات موجب ناراحتی رهبران جبهه ملی گردیده و بالنتیجه آنان را نسبت به جریان دادرسی دکتر بقائی به شدت علاقمند نموده است، در کلیه جلسات دادرسی، بقائی، افراد

ناظری از طرف جبهه ملی جهت نظارت دقیق جریان و ضبط دقیق گزارشات، شرکت می نمایند.

در پیرونده حزب زحمتکشان بایگانی شود ۴۰/۹/۲۷

۱۳۰۳/۴۱۸۸  
 ۸۰۰/۱۲۷۰  
 ۶۰۰/۶۶۶۱  
 ۱۳۰۳/۴۱۸۸  
 ۸۰۰/۱۲۷۰  
 ۶۰۰/۶۶۶۱  
 ۱۳۰۳/۴۱۸۸  
 ۸۰۰/۱۲۷۰  
 ۶۰۰/۶۶۶۱



تاریخ: ۱۳۴۰/۹/۲۷

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: شایعه نخست‌وزیری دکتر بقائی

شایعه نخست‌وزیری دکتر بقائی دو روز است در کلیه مجالس و محافل، مورد بحث و گفتگو می‌باشد. طبقات مختلف مردم که مخالف تجدید فعالیت جبهه ملی و حزب توده هستند، خواهان نخست‌وزیری دکتر بقائی می‌باشند. شهرت دارد که لایحه اصلاحات ارضی و برنامه‌های انقلابی دیگر، قرار است به دست دکتر بقائی مورد اجرا قرار گیرد. طرفداران خلیل ملکی نیز فعلاً با طرفداران بقائی هم آهنگی دارند.

در پرونده حزب زحمتکشان بایگانی شود ۴۰/۹/۲۷

فرمانروای ایران، امین

|             |                             |
|-------------|-----------------------------|
| تاریخ       | ۱۳۴۰/۹/۲۷                   |
| موضوع       | شایعه نخست‌وزیری دکتر بقائی |
| محل         | تهران                       |
| مقام        | وزارت اطلاعات               |
| تاریخ و محل | تهران، ۱۳۴۰/۹/۲۷            |
| مقام        | وزارت اطلاعات               |

این سند به موجب این گزارش، در تاریخ ۱۳۴۰/۹/۲۷ در تهران صادر گردید. این سند به موجب این گزارش، در تاریخ ۱۳۴۰/۹/۲۷ در تهران صادر گردید. این سند به موجب این گزارش، در تاریخ ۱۳۴۰/۹/۲۷ در تهران صادر گردید.

مقام
 وزارت اطلاعات |

تاریخ و محل
 تهران، ۱۳۴۰/۹/۲۷ |

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۰/۱۱

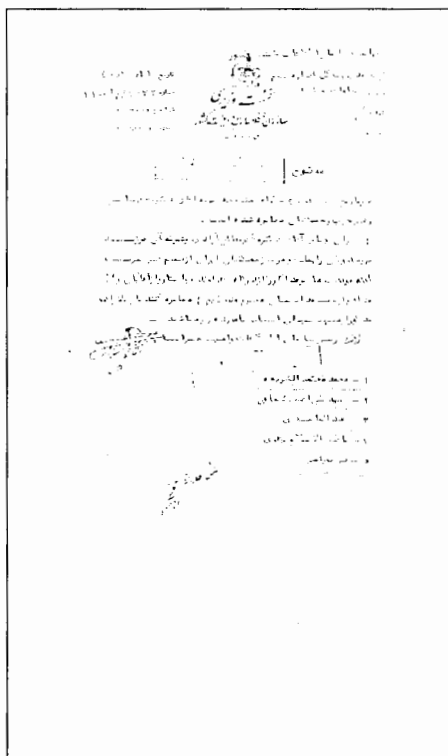
شماره: ۷۹۳۲ / م الف - ۱۱

## گزارش اطلاعات داخلی

در تاریخ ۴۰/۱۰/۹ تلگراف مشروحه زیر  
به آقای دکتر مظفر بقائی رهبر حزب  
زحمتکشان مخابره شده است.

«تهران، جناب آقای دکتر مظفر بقائی،  
آزادی و تبریئه آن فرزند برومند وطن را به ملت  
و حزب زحمتکشان ایران از صمیم قلب  
تبریک گفته موفقیت عناصر فداکار را از درگاه  
خداوند خواستار و از آقایان وکلای مدافع  
ارجمند و دادستان محترم متشکریم»  
مخابره کنندگان تلگراف مذکور از مشهد به  
تهران اشخاص نامبرده زیر می‌باشند.

از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت خراسان. هاشمی



۱- محمد معتمدالشریعه

۲- سیدعلی اصغر شجاعی

۳- عبدالواحدی

۴- ناطق الاسلام یزدی

۵- علی نورآمیز

شماره: ۳۱۱/۷۱۴ تاریخ: ۱۳۴۰/۱۰/۱۲

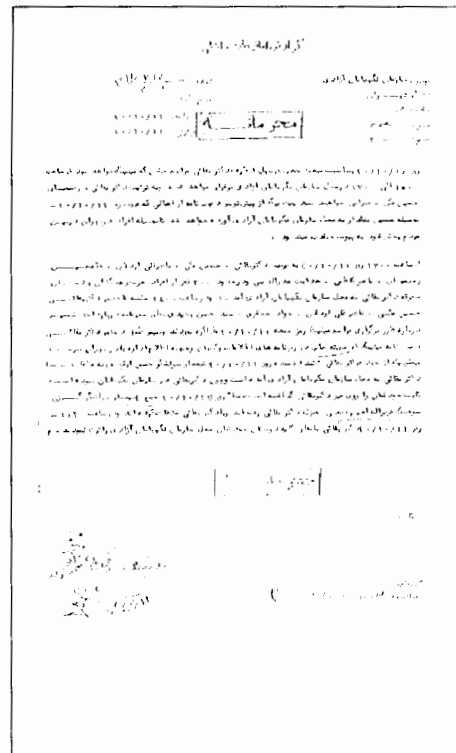
### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

روز ۴۰/۱۰/۱۵ به مناسبت مبعث حضرت رسول از طرف دکتر بقائی مراسم جشن که میتینگ خواهد بود، از ساعت ۱۵ الی ۱۷ در محل سازمان نگهبانان آزادی برقرار خواهد شد و به ترتیب دکتر بقائی، رحیمیان و حسین مکی سخنرانی خواهند نمود، یک برگ از پیش نویس دعوت نامه از اهالی که غروب روز ۴۰/۱۰/۱۲ بوسیله حسین بنکدار به محل سازمان نگهبانان آزادی آورده خواهد شد تا بوسیله افراد در تهران در بین مردم پخش شود، به پیوست تقدیم می شود.

از ساعت ۱۷ روز ۴۰/۱۰/۱۱ به ترتیب دکتر

بقائی، حسین مکی، ناصرقلی اردلان، غلامحسین رحیمیان، ناصر کاظمی، هدایت صدرالدینی و در حدود ۳۰۰ نفر از افراد حزب زحمتکشان و دوستان متفرقه دکتر بقائی به محل سازمان نگهبانان آزادی آمدند، در ساعت ۱۸ جلسه با حضور دکتر بقائی، حسین مکی، ناصرقلی اردلان، جواد جعفری و سید حسن وحیدی بطور محرمانه درباره اخذ تصمیم درباره طرز برگزاری مراسم میتینگ روز جمعه ۴۰/۱۰/۱۵ مذاکره نمودند، سپس طبق دستور دکتر بقائی دعوت نامه میتینگ که جهت چاپ در روزنامه های اطلاعات و کیهان و جهت اطلاع اداره پلیس تهران بیرند و به طوری که از خود دکتر بقائی شنیده شده روز ۴۰/۱۰/۱۱ تیمسار سرلشگر حسن ارفع جهت ملاقات با دکتر بقائی به محل سازمان نگهبانان آزادی آمده است، چون دکتر بقائی در سازمان نگهبانان نبوده اند، کارت خودشان را روی میز دکتر بقائی گذاشته است. ضمناً روز ۴۰/۱۰/۱۱ صبح تیمسار سرلشگر گرز و سرهنگ عزیزالله امیررحیمی به منزل دکتر بقائی رفته اند و با دکتر بقائی ملاقات کرده اند. در ساعت ۲۱/۳۰ روز ۴۰/۱۰/۱۱ دکتر بقائی به اتفاق کلیه دوستان خودشان محل سازمان نگهبانان آزادی را ترک نمودند. در پرونده حزب زحمتکشان بایگانی شود ۴۰/۱۰/۱۲

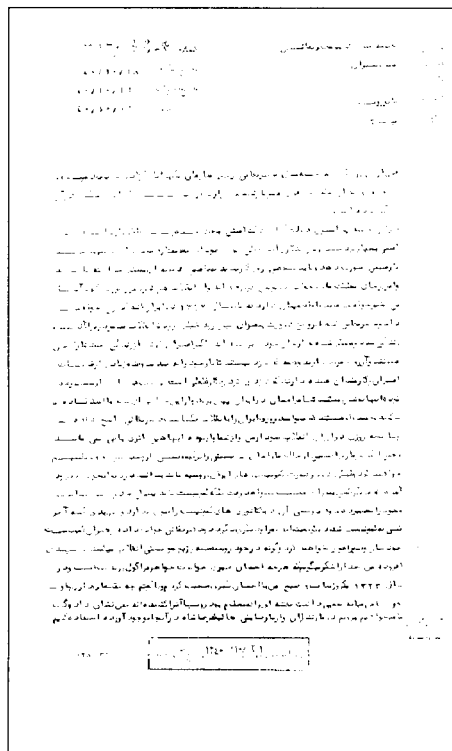


شماره: ۳۱۲/۴۶۰۳ تاریخ: ۱۳۴۰/۱۰/۱۹

موضوع: جلسه منزل دکتر مظفر بقایی

قبل از ظهر روز گذشته جلسه منزل دکتر بقائی رئیس سازمان نگهبانان آزادی دایر بوده و عده‌ای در حدود ۸ نفر از جمله شهیدی عضو بازنشسته وزارت فرهنگ، مهندس ایرانی و بنکدار در آن شرکت کرده‌اند.

در این جلسه پیرامون دولت آقای دکتر امینی بحث شده و شهیدی اظهار داشته دکتر امینی بسیار فرد خوب و درستکاری است ولی چون خود از طبقه ممتاز مملکت است نمی‌تواند کار مثبتی صورت دهد، باید شخصی روی کار بیاید که با هیچ دسته‌ای بستگی نداشته باشد، این رجال مملکت ما در خواب خرگوشی فرو رفته‌اند، اگر انقلاب هم در



کشور صورت گیرد آنها بی خبر خواهند ماند و او اطمینان دارد که تا سال ۱۳۴۲ در ایران انقلاب رخ خواهد داد، دکتر بقائی گفته اگر وضع کشور بدین منوال پیش رود خیلی زودتر انقلاب می‌شود زیرا آنقدر زندگی به مردم مشکل شده که از جان خود سیر شده‌اند، اکثر افسران ارتش از زندگی خود ناراضی هستند و آرزوی مرگ دارند، همه که دزد نیستند تا بار خود را ببندند، عده زیادی از قضات، افسران و کارمندان عقیده دارند که دزدی کردن کار غلطی است. شهیدی اظهار نموده توده‌ایها کوشش می‌کنند تا مرامشان در ایران پیش برود و از این خرابیهای کشور ما استفاده می‌کنند و امیدوار هستند که بتوانند روزی ایران را به انقلاب بکشانند، دکتر بقائی پاسخ داده چنانچه روزی در ایران انقلاب شود از من و از شما و از توده‌ایها هیچ اثری باقی نمی‌ماند، حتی از کشور ما، زیرا قسمتی از خاک ما را عراق، قسمتی را ترکیه و قسمتی را روسیه بین خود تقسیم خواهند کرد ولیکن در هر صورت کمونیست‌های ایران و روسیه باید بدانند در دنیا تحولی بوجود آمده که دیگر کسی به سراغ کمونیست نخواهد رفت بلکه کمونیست باید به سراغ مردم جهان بیاید و خود را تغییر دهد، دیگر کسی آن دیکتاتورهای کمونیست را قبول ندارد، شهیدی گفته، آخر کسی که کمونیست شد دیگر نمی‌تواند به مرام دیگری برگردد، دکتر بقائی

جواب داده رهبران کمونیست خودشان وضع را عوض خواهند کرد وگرنه در خود روسیه علیه رژیم کمونیستی انقلاب می‌کنند. شهیدی افزوده من خدا را شکر می‌گویم که هر چه احسان طبری<sup>۱</sup> خواست خواهر مراگول بزند نتوانست، در سال ۱۳۲۳ یک روز ساعت ۹ صبح من با احسان طبری صحبت کردم و به او گفتم چه نقشه‌ای داری و او چون با من میانه خوبی داشت نقشه‌ای را که معلوم بود روسها آن را کشیده‌اند به من نشان داد و گفت ما می‌خواهیم برویم در مازندران و از نارضایتی‌هایی که رضاشاه در آن جا بوجود آورده استفاده کنیم و بعد، آن را به گرگان متصل کرده و یک طبرستان و یک حکومت خود مختار تشکیل دهیم و در آذربایجان هم این عمل را انجام

دهیم، من به او گفتم که شکست خواهند خورد لیکن او زیر بار حرف من نرفت تا آن که در سال ۱۳۲۹ یکی از سران توده‌ایها به من گفت آفرین بر تو که حسابت خیلی درست بود، من پاسخ دادم حساب من درست نبود بلکه حساب شماها غلط بود، شماها اگر از روز اول رنگ ملی به خود زده بودید، می‌توانستید همه کاری را انجام دهید. جلسه فوق در حدود ساعت ۱۳ ختم گردیده است.

۱- احسان طبری: در سال ۱۲۹۵ در شهرستان ساری به دنیا آمد. در جوانی با دکتر تقی‌ارانی از مبلغان اولیه مارکسیسم در ایران آشنا شد و تحت تأثیر اندیشه او به مارکسیسم گروید. در سال ۱۳۱۶ به اتفاق ۵۲ نفر دیگر توسط رضاخان دستگیر و با سقوط نامبرده آزاد شد. در مهرماه ۱۳۲۰ از بنیانگذاران حزب توده شد. در سال ۱۳۳۲ به دنبال اعلام غیرقانونی شدن حزب توده، مخفی شده و در اواخر آن سال مخفیانه به شوروی گریخت. طبری در دوران حکومت استالین، مالنکوف و خروشچف تا سال ۱۳۳۶ در شوروی به سربرد و به عنوان شاعر و گوینده در رادیو مسکو به کار پرداخت. در رشته تاریخ فلسفه از مدرسه عالی حزب کمونیست شوروی فارغ‌التحصیل شد و پایان‌نامه خود را درباره فلسفه ابن‌سینا نگاشت. در سال ۱۳۳۶ عازم شهر لایپزیک آلمان شرقی شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در آن جا ماند. در آکادمی علوم اجتماعی برلین موفق به دریافت عالی‌ترین مدرک تخصصی در رشته فلسفه گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچون سایر سران حزب توده به ایران بازگشت که با افشای توطئه‌های آنها دستگیر شد. طبری با نگارش «کژراهه» به افشاگری دست زد و با اتکا به دانش مارکسیستی‌اش و با پشتوانه قریب به نیم قرن فعالیت نظری در تمام عرصه‌های مارکسیسم دست به افشای مارکسیسم زد. طبری در نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ در ۷۲ سالگی درگذشت.

شماره: ۳۱۱/۷۴۱ تاریخ: ۳۳/۱۰/۱۳۴۰

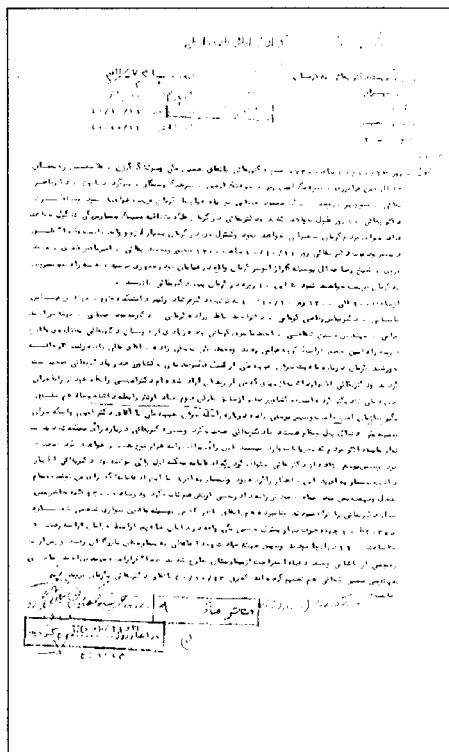
### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: عزیمت دکتر بقائی به کرمان

گفته می‌شود روز ۳۳/۱۰/۴۰ ساعت ۷/۳۰ صبح، دکتر بقائی به اتفاق حسین مکی و سرلشکر گرز، غلامحسین رحیمیان، عبدالرحمن فرامرزی، سرهنگ امین‌پور، سرهنگ آزمین، سرهنگ رستگار، سرگرد دیانوش، دکتر ناصر بقائی، منوچهر نیرومند<sup>۱</sup> و دکتر محمود حسابی بوسیله هواپیما به کرمان عزیمت خواهند نمود، مسافرت دکتر بقائی ۱۰ روز طول خواهد کشید. دکتر بقائی در کرمان فلکه مشتاقیه میتینگ بسیار بزرگی تشکیل خواهد داد و برای مردم کرمان

سخنرانی خواهد نمود، کنترل وی در کرمان بسیار لازم و واجب است، ضمناً طبق دستور و دعوت دکتر بقائی، روز ۲۱/۱۰/۴۰ ساعت ۱۷ منصور<sup>۲</sup> و محمود بقائی، امیرناصر قندی، محمد مروی و شیخ رضا فعال بوسیله گاراژ «اتوبنز» کرمان واقع در خیابان بوذرجمهری نرسیده به سه راه سیروس به کرمان عزیمت خواهند نمود تا این ۱۰ روزه در کرمان پیش دکتر بقائی باشند.

از ساعت ۹ الی ۱۳ روز ۲۰/۱۰/۴۰ به ترتیب دکتر فرشاد رئیس دانشکده علوم، مهندس عباس باستانی، دکتر عباس ریاضی کرمانی، دکتر احمد ناظرزاده کرمانی، دکتر محمود حسابی، مهندس احمد حامی، مهندس حسین شقاقی، احمد ناصری کرمانی<sup>۳</sup> و عده زیادی از دوستان دکتر بقائی به منزل وی واقع در سه راه امین حضور اواسط کوچه قوامی رفتند، محمدعلی یوسفی زاده و آقای عالی زاده، رئیس کارخانه خورشید کرمان درباره ماهیت سران جبهه ملی از قبیل دکتر صدیقی و کشاورز صدر با دکتر بقائی صحبت کردند، دکتر بقائی اظهار داشت از روزی که من از زندان آزاد شده‌ام دکتر امینی رابطه خودش را با سران جبهه ملی نزدیکتر کرده است و کشاورز صدر از سابق با رکن دوم ستاد ارتش رابطه داشته و حالا هم حقوق بگیر سازمان امنیت است، سپس یوسفی زاده درباره رابطه سران جبهه ملی با آقای دکتر امینی و این که سران جبهه



ملی دنبال پول و مقام هستند با دکتر بقائی صحبت کرد، سپس دکتر بقائی درباره رأی محکمه تجدید نظر و این که اکثر مردم که به جریانات وارد نیستند این رأی براءت را به هزار نوع تفسیر خواهند کرد صحبت کرد، سپس یوسفی زاده از دکتر بقائی سؤال کرد که ادعای محکمه اول را کی نوشته بود؟ دکتر بقائی اظهار داشت تیمسار به آفرید<sup>۱</sup> این شاهکار را کرده بود، تیمسار به آفرید با این ادعای محکمه ای که برای من نوشت، تمام، جعل و تهمت به من بود، حماقت خودش را به دادرسی ارتش هم ثابت کرد.

در ساعت ۱۳ کلیه حاضرین، منزل دکتر بقائی را ترک نمودند و نامبرده هم به اتفاق ناصر کاظمی بوسیله ماشین سواری شخصی شماره ۲۰۳۵۵ ط ۴۰ جهت صرف نهار به منزل حسین مکی واقع در خیابان شاهپور اواسط خیابان آرامنه رفتند و تا ساعت ۱۶ در آن جا بودند، سپس جهت عیادت و خداحافظی به بیمارستان بازرگانان رفتند و پس از ربوبوسی از کاشانی و چند دقیقه استراحت، از بیمارستان خارج شدند. ضمناً قرار است مهندس احمد حامی و مهندس حسین شقاقی هم تصمیم گرفته اند که روز ۲۳/۱۰/۴۰ به اتفاق دکتر بقائی به کرمان بروند.

در پرونده حزب زحمتکشان ضمیمه گردد

- 
- ۱- منوچهر نیرومند از اعضای حزب زحمتکشان و مسوول کمیته حزب در شهرستان مسجد سلیمان بود.
  - ۲- منصور بقائی پسر عموی دکتر مظفر بقائی، یکی از اعضای فعال حزب زحمتکشان بود. منصور به شغل آزاد اشتغال داشته است.
  - ۳- احمد ناصری کرمانی از دوستان غیرحزبی دکتر بقائی و کارمند شرکت بیمه ایران و عضو جلسه کرمانی های مقیم تهران بود.
  - ۴- سرهنگ محسن به آفرید: فرزند محمدمبین، در سال ۱۲۹۳ هـ در تهران متولد شد. فارغ التحصیل دانشکده افسری و دارای لیسانس قضایی بود. از جمله مشاغل وی عبارت بوده از: معاون رکن دوم ستاد ارتش، معاون بازپرسی دادرسی ارتش، معاون اداری دادستان ارتش و معاون قضایی دادستانی. به آفرید در مدت خدمت، ۱۹ بار مورد تقدیر و تشویق ارتش قرار گرفته و همچنین نشانهای درجه ۲ لیاقت، درجه ۳ رستاخیز و تاجگذاری شاه و ۲۸ مراد را دریافت داشته است.

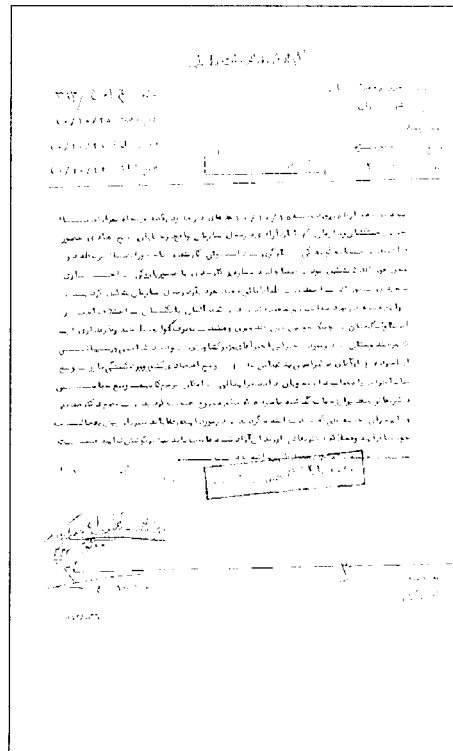
پرونده های انفرادی ساواک

شماره: ۱۴/۵۰۱۲ تاریخ: ۲۶/۱۰/۱۳۴۰

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: حزب زحمتکشان

ساعت ۵ بعد از ظهر دوشنبه ۲۵/۱۰/۴۰  
 عده‌ای در حدود یکصد و پنجاه نفر از اعضای  
 حزب زحمتکشان و سازمان نگهبانان آزادی،  
 در محل سازمان واقع در خیابان شیخ هادی  
 حضور داشتند. جلسات گویندگی، کارگری،  
 دانشجویی و کارمندی، با حضور اعضای  
 مربوطه، در محل فوق‌الذکر تشکیل بود. ضمناً  
 جلسه شماره ۸ کارمندی با حضور بازوکی،  
 اخباری، سعیدی، نورزاد، احمدی، طباطبائی  
 و چند نفر دیگر در محل سازمان تشکیل  
 گردید. در این جلسه در مورد مطالب زیر



صحبت شد. کمک آلمان به انگلستان، اختلاف اخیر آمریکا و انگلستان، جنگ خونین بین  
 اندونزی و هلند، تصرف گوا<sup>۱</sup> توسط هند و طرفداری از کشور هندوستان، در مورد سخنرانی  
 اخیر آقای وزیر کشاورزی، وضع دکتر امینی و پشتیبانی از نامبرده، از آقای دکتر امینی  
 پشتیبانی شد، وضع اقتصادی کشور و ورشکستگی بازار، وضع سایر احزاب و اعتصاب  
 دانشجویان دانشسرای عالی، امکان ترمیم کابینه، وضع سیاسی دکتر بقائی و تقدیر از زحمات  
 گذشته نامبرده که بطور مشروح صحبت گردید، وضع دکتر صدیق و سایر سران جبهه ملی که به  
 شدت انتقاد گردید، در مورد این که رفقا باید بیش از پیش به فعالیت خود بیافزایند و فعلاً که  
 دکتر بقائی از زندان آزاد شده است باید بیشتر کوشش نمایند، صحبت شد. جلسه، ساعت ۷  
 بعد از ظهر خاتمه یافت.

در پرونده حزب زحمتکشان ضمیمه و بایگانی گردد ۲۷/۱۰/۴۰

۱- گوا: در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی نیروی نظامی هندوستان موفق شد سه قطعه از خاک هند را از قوای پرتغال که سالهای  
 طولانی بر آن حاکمیت داشت آزاد کند، یکی از این مناطق، گوا بود.

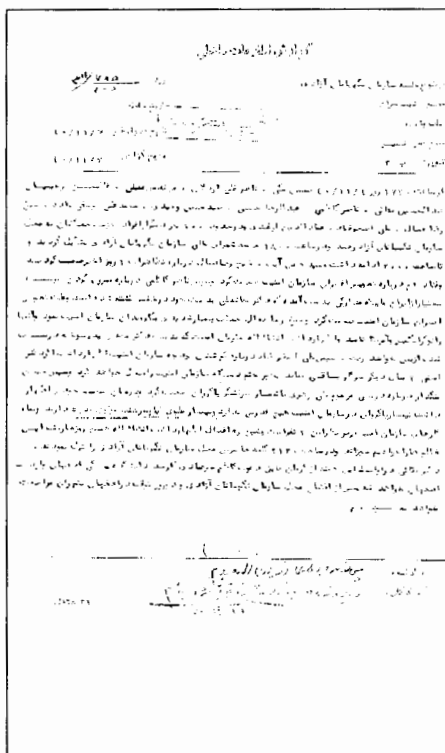


شماره: ۳۱۱/۷۸۵ تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۷

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: جلسه سازمان نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۷/۳۰ روز ۴۰/۱۱/۶ حسین مکی، ناصرقلی اردلان، مهندس عقیلی، غلامحسین رحیمیان، عبدالحسین بقائی، ناصر کاظمی، عبدالرضا حسنی، سید حسن وحیدی، محمد علی یوسفی زاده، شیخ رضا فعال، علی اصغر قناد و عمادالدین ازغندی و در حدود ۱۰۰ نفر دیگر از افراد حزب زحمتکشان به محل سازمان نگهبانان آزادی رفتند، در ساعت ۱۸ جلسه شورای عالی سازمان نگهبانان آزادی تشکیل گردید و تا ساعت ۲۰ ادامه داشت، سید حسن آیت و



شیخ رضا فعال درباره تظاهرات ۲ روز اخیر صحبت کردند و قناد هم درباره تعویض افسران سازمان امنیت صحبت کرد، سپس ناصر کاظمی درباره بیرون کردن سپهبد بختیار از ایران و این که مدارکی به دست آمده که دکتر خانعلی به دست خود درخشش، کشته شده است و علت تعویض افسران سازمان امنیت صحبت کرد، شیخ رضا فعال حملات بسیار شدیدی به کارمندان سازمان امنیت نمود و آنها را نوکر انگلیس و آمریکا نامید و اظهار داشت ان شاءالله سازمان امنیت که به دست دکتر مصدق پدرسوخته درست شده از بین خواهد رفت. سپس علی اصغر قناد درباره کم شدن بودجه سازمان امنیت اظهار داشت، اگر دکتر امینی ۲ سال دیگر سرکار باقی بماند بطور حتم دستگاه سازمان امنیت را منحل خواهد کرد، سپس حسین بنکدار درباره دوستی مرحوم علی زهری با تیمسار سرلشگر پاکروان صحبت کرد و در میان صحبت خودش اظهار داشت تیمسار پاکروان در سازمان امنیت هیچ قدرتی ندارد، تیمسار علوی کیا<sup>۱</sup> و سرهنگ مولوی<sup>۲</sup> قدرت دارند و تمام کارهای سازمان امنیت زیر نظر این ۲ نفر است، شیخ رضا فعال اظهار داشت: ان شاءالله همین روزها ریشه این ظالمها را خواهیم سوزاند، در ساعت ۲۱/۳۰ کلیه حاضرین، محل سازمان نگهبانان آزادی را ترک نمودند.

دکتر بقائی در اواسط این هفته از کرمان طبق دعوت کاظم میرعمادی کارمند دانشکده پزشکی اصفهان وارد اصفهان خواهد شد و پس از افتتاح محل سازمان نگهبانان آزادی و دوروز توقف در اصفهان به تهران مراجعت خواهد نمود.  
پس از بهره‌برداری انفرادی بایگانی شود

---

۱- تیمسار حسن علوی‌کیا: قائم مقام ساواک بود که به علت سوء استفاده از این مقام برکنار شد. فردوست درباره وی می‌گوید: «او در بودجه، سالی حدود پنج میلیون تومان برای وسایل فنی پیش‌بینی می‌کرد و چیزی حدود ۱۰ هزار تومان هزینه می‌کرد. این یکی از اقلام سوء استفاده‌های علوی‌کیا بود» علوی‌کیا بعداً به دستور محمدرضا شاه رئیس نمایندگی ساواک در آلمان غربی شد و در معامله اسلحه و ارتباط با سرویسهای غربی فعالیت داشت.

۲- سرهنگ مولوی: رئیس ساواک تهران بود. در سال ۱۳۴۲ به مدرسه فیضیه قم حمله کرد و عده‌ای را کشت و تعدادی را نیز زخمی نمود. در شب قبل از تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه نیز مولوی به همراه نیروهایی از هواپرد به قم رفت و امام (ره) را به تهران آورد، صبح روز بعد، ایشان را با هواپیما به ترکیه تبعید کردند. مولوی، بعدها به ژاندارمری رفت، یک روز که با هلیکوپتر از «آبعلی» به تهران می‌آمد با کابل هوایی برق تصادف کرد و کشته شد.

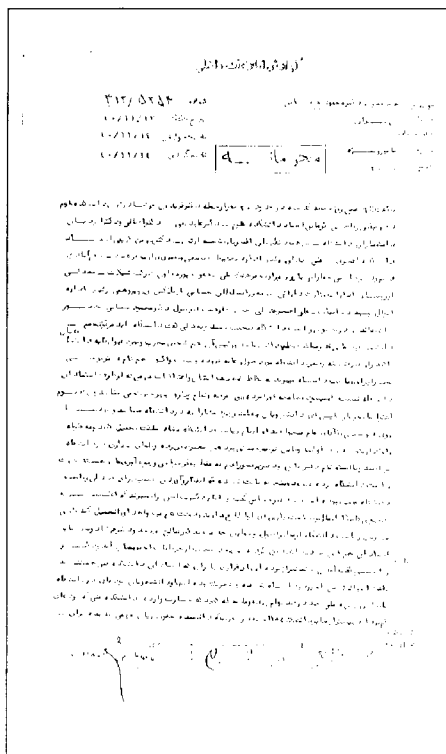
شماره: ۳۱۲/۵۲۵۳ تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۱۴

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: جلسه منزل دکتر محمود حسابی

ساعت ۹/۳۰ صبح روز جمعه گذشته در حدود ۲۰ نفر از جمله دکتر فریدون فرشاد رئیس دانشکده علوم، دکتر عباس ریاضی کرمانی استاد دانشکده علوم، دکتر عابدینی، دکتر اقبالی و دکتر ایزدیان، دانشیاران دانشگاه، سرهنگ نگهبان افسر بازنشسته ارتش، دکتر بهمن کریمی استاد دانشکده افسری، علی جدلی رئیس اداره تعلیمات سمعی و بصری وزارت فرهنگ، نجم آبادی دبیر و دکتر هاشمی جمارانی بازرس وزارت فرهنگ، علی یعقوب پور معاون شرکت

شیلات، معدلی از روسای ادارات وزارت دارائی، معزالسلطان حسابی از ملاکین و پرویز وهمی رئیس اداره اموال و بیمه دخانیات و علی اصغر عقیلی خطیب فرهنگ در منزل دکتر محمود حسابی حضور داشته‌اند. در خصوص ریاست دانشگاه صحبت شد، معدلی گفت دانشگاه باید مرکز تجمع دانشمندان عالی‌قدر مملکت و علم و دانش باشد و رئیس آن هم شخصی مجرب و مورد قبول کلیه دانشگاهیان باشد ولی در گذشته، رئیس دانشگاه مورد قبول عامه نبوده و نیست و اکنون هم، نام دکتر موسی عمید را برای ریاست دانشگاه می‌برند که نقاط ضعف ایشان و اعتراضات مهمی که از طرف استادان دانشگاه نسبت به او می‌شود و جامعه او را مردی بی‌عرضه و نّام و باری به هر جهت، می‌شناسد و یک سوم اعتراضات و نارضایتیهای دانشجویان به علت وجود مشارالیه در دانشگاه می‌باشد. صرفاً روی دوستی با آقای علم می‌خواهند او را به نام ریاست دانشگاه به شاه مملکت تحمیل کنند و معظم‌له را وادار به توصیه به نفع او کنند، به این ترتیب مشتی برده‌ن معترضین زده و بلوای دیگری در دانشگاه برپا کنند و یا این که نام دکتر صالح و دکتر پرفسور اعلم که فقط به فکر جراحی و جمع‌آوری مال هستند جهت ریاست دانشگاه برده می‌شود، به تجربه ثابت شده که اینکار و آوردن طبیب برای صندلی ریاست



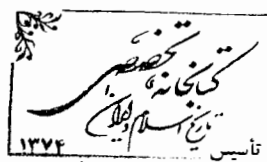
[illegible]

دانشکده فنی که توده‌ای کم‌تر دارد، بیشتر از سایر دانشکده‌ها است در صورتی که دانشکده حقوق، زبان مهمی ندیده برای این که توده‌ایهای دانشگاه، اکثرأ در دانشکده حقوق جمع هستند و به دستور استادان خود در دانشگاه تخریب می‌کنند، این استادان بی‌وطن هر لحظه که می‌خواهند بوسیله دانشجویان توده‌ای، نظم دانشگاه را مختل می‌کنند و دانشجویان توده‌ای با استادان توده‌ای خود که اخیرأ از شوروی و کشورهای دیگر به ایران آمده‌اند، در اینکار دست داشتند، تا امثال دکتر عمیدها در دانشگاه هستند و با داشتن ۲۳ شغل و گرفتن حق حکمیت‌ها دست آویز نارضایتی آنها می‌شوند هر روز اوضاع بدتر از روز دیگر خواهد شد مگر این که واقعأ به فکر چاره باشند و این گونه افراد را که موجب و علل نارضایتی هستند، در دانشگاه از بین ببرند و یک رئیس مورد قبول عامه بگذارند تا با قدرت بیشتر دانشگاه را اداره کند و الا باز همین آش است و همین کاسه. سپس در خصوص آزادی دانشجویان و ریاست احتمالی دانشگاه دکتر بقائی صحبت شد، دکتر ریاضی گفت بقائی در این گیرودار، به کرمان رفته و در متینگ‌ها و نطق‌های خود هم اصلاً اشاره‌ای به وقایع دانشگاه و آزادی کسی نکرده، سازمان نگهبانان آزادی که از او طرفداری می‌کند و او تعهد نموده هر لحظه آزادی، در خطر بود، از آن دفاع کند در اینجا

قصور کرده و با دولت سازش نموده، بر خلاف اساسنامه سازمان نگهبانان آزادی رفتار نموده، شورای عالی سازمان نگهبانان آزادی هم روی همین اصل او را استیضاح خواهد کرد و اگر جواب قانع نداشته باشد او را از ریاست این سازمان برکنار می‌کنند، مردم نوکر کسی نیستند که بیایند همه چیز و تمام وسائل را در اختیار او بگذارند ولی او کار اصلی خود را دنبال نکند. بعد در خصوص کتاب «جامع التواریخ»ی که دکتر بهمن کریمی، اخیراً نوشته، بحث مفصلی به عمل آمد و اشاره‌ای به دوران مغول و قازان خان شد.

در خاتمه، یکی از حضار با تمسخر گفت چطور است که درخشش، وزیر فرهنگ، به ریاست دانشگاه منصوب شود ولی اغلب حضار عمل او را در مورد ترمیم حقوق فرهنگیان تقدیر کردند و از این خدمت بزرگ که در زمان وزارت ایشان شده و توانسته در این مدت کم، رضایت فرهنگیان را جلب کند، او را مردی فوق العاده دانستند.

بایگانی شود

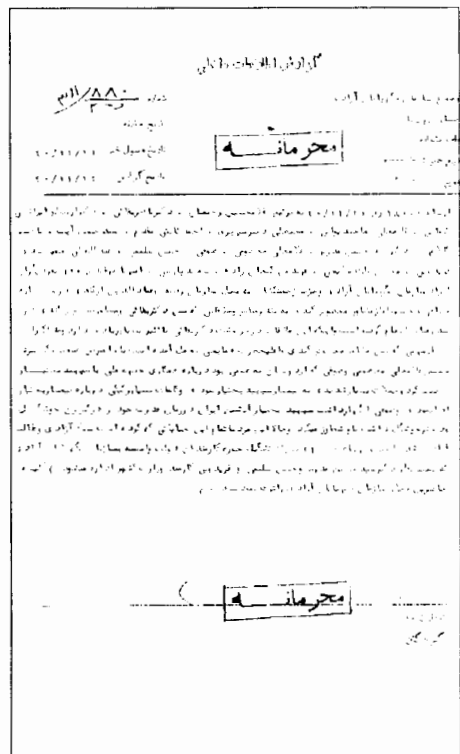


۱- در روز ۱ بهمن، تظاهرات مخالفان اصلاحات ارضی در دانشگاه تهران، منجر به دستگیری عده‌ای از تظاهرکنندگان شد. به دنبال آن در ۲ بهمن، جلسه‌ای با حضور روسای دانشکده‌ها در نخست‌وزیری تشکیل شد و درباره وضع دانشگاه گفتگو به عمل آمد.

شماره: ۳۱۱/۸۸۰ تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۲۶

موضوع: سازمان نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۸۰۰ روز ۴۰/۱۱/۲۵ به ترتیب  
غلامحسین رحیمیان، دکتر ناصر بقائی، دکتر  
ارسطو ایرانی کرمانی، غلامعلی صاحب  
دیوانی، محب علی دبیر سپهری، احمد ثابتی  
مقدم، سید حسن آیت، ناصر کاظمی، دکتر  
سید حسین مدرس، غلامعلی معصومی،  
صوفی، حسن سلیمی، عبدالعلی حمیدی،  
فریدونی، محسن ملک مطیعی، فریدون  
کنعانزاده، سعید پارسی، امیر ناصر قندی و  
۹۲ نفر دیگر از افراد سازمان نگهبانان آزادی و  
حزب زحمتکشان به محل سازمان رفتند،  
عمادالدین ازغندی درباره مسافرت  
چستر باولز<sup>۱</sup> مشاور مخصوص کندی به بندر



عباس و ملاقاتی که بین دکتر بقائی و مشاور مخصوص کندی در بندر عباس انجام گرفته است و این که این ملاقات در سرنوشت دکتر بقائی تأثیر بسیار زیادی دارد و مذاکرات بسیار مهمی که بین مشاور مخصوص کندی و اعلیٰ حضرت همایونی به عمل آمده است با حاضرین صحبت کرد، سپس غلامعلی معصومی و صوفی که از دوستان معصومی بود درباره همکاری جبهه ملی با سپهبد بختیار صحبت کرد و حملات بسیار شدیدی به تیمسار سپهبد بختیار نمودند و کلمات بسیار رکیکی درباره تیمسار بختیار ادا نمودند، صوفی اظهار داشت سپهبد بختیار آئین ایران در زمان قدرت خودش هر کس زن خوشگل و دختر خوشگل داشت، به او تجاوز می کرد، حالا این مرد با تمام این جنایاتی که کرده است، سنگ آزادی به سینه می زند و طالب آزادی شده است، در ساعت ۲۲ پس از تشکیل حوزه کارمندان دولت وابسته به سازمان نگهبانان آزادی که تحت نظر دکتر سید حسین مدرس و حسن سلیمی و فریدونی کارمند وزارت کشور اداره می شود، کلیه حاضرین، محل سازمان نگهبانان آزادی را ترک نمودند.

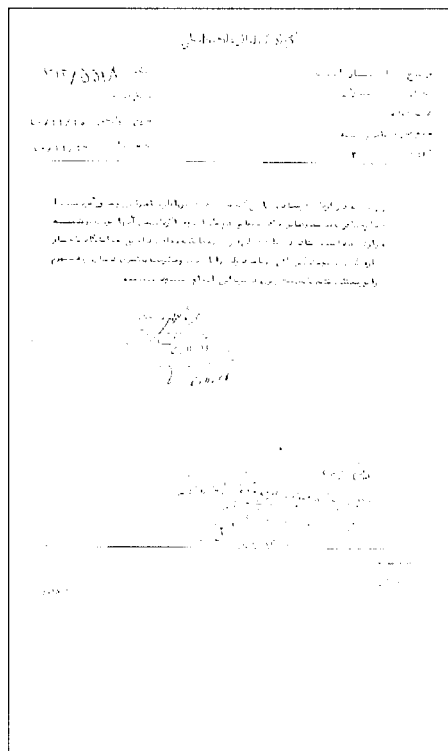
۱- در روز ۲۰ بهمن ماه «چستر باولز»، مشاور رئیس جمهور آمریکا وارد تهران شد. وی در فرودگاه تهران گفت برنامه اصلاحات ارضی شاه، انعکاس بسیار نیکوئی در محافل بین المللی، از جمله در واشنگتن داشته است. دولت ایران با این

کار، دست به اقدامات شهامت آمیزی زده است. چسترباولز در اجتماع مالکان اراضی مزروعی، ضمن نصیحت آنها در قبول برنامه اصلاحات، گفت: دولت در مورد اصلاحات ارضی دچار کوچکترین تردید نشده و در اجرای «انقلاب سفید» شاه، از هر جهت مصمم است.



روز گذشته در پاره‌ای از محافل سیاسی گفته می‌شد که چسترباولز مشاور رئیس جمهور آمریکا هنگام مسافرت به بندرعباس با دکتر بقائی هم ملاقات [کرده] و مذاکره‌ای بین آنها صورت گرفته و قرار شده است چنانچه دولت فعلی در اثر مخالفت محافل داخلی و دانشگاه، ناچار به کناره‌گیری شود، دکتر بقائی برنامه دولت را با شدت و خشونت بیشتری دنبال و رفورم در امور مختلف کشور با نخست‌وزیری دکتر بقائی انجام شود.

F. 11/26



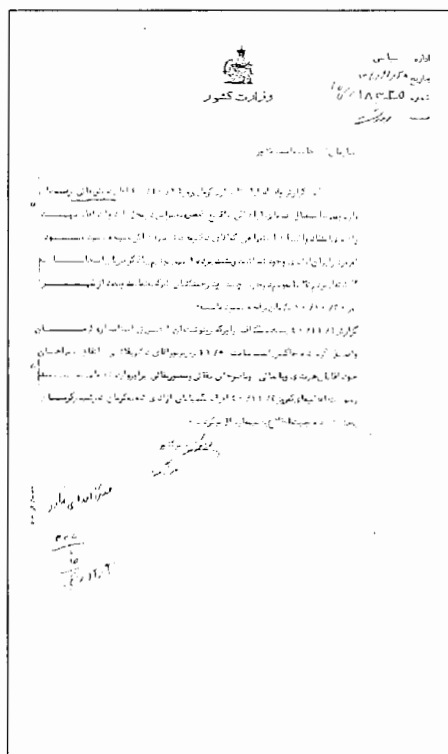
[ناخوانا]



تاریخ: ۱۳۴۰/۱۱/۲۸

شماره: ۱۸۳۲۵ ط س ت

سازمان اطلاعات و امنیت کشور



طبق گزارش واصله از استانداری کرمان، روز ۴۰/۱۰/۲۹ آقای دکتر بقایی به رفسنجان وارد و مورد استقبال عده‌ای از اهالی واقع ضمن سخنرانی در محل، از دولت آقای سپهبد زاهدی انتقاد و اظهار داشته راهی که آقای دکتر مصدق می‌رفت اگر به نتیجه رسیده بود، امروز در ایران آزادی وجود نداشت و پشت پرده آهنین بودیم و با ذکر جریان انتخابات گذشته از مردم تقاضا نمود در حزب جدید زحمتکشان شرکت نمایند و بعد از ظهر روز ۴۰/۱۰/۳۰ به کرمان مراجعت

نموده است.

گزارش ۴۰/۱۱/۱ پست و تلگراف «راور» که رونوشت آن از طریق استانداری کرمان واصل گردیده، حاکی است ساعت ۱۱/۵ روز مزبور آقای دکتر بقایی به اتفاق همراهان خود، آقایان هرندی و یاسائی و ناصر خان بقایی و منصور بقایی بر او وارد شده‌اند.

رونوشت اعلامیه‌ای که روز ۴۰/۱۱/۴ توسط افراد نگهبانان آزادی شعبه کرمان در شهر کرمان پخش شده، جهت اطلاع به ضمیمه ارسال می‌گردد.

وزیر کشور

شماره: ۷۸۲۰ ط س ت تاریخ: ۱۳۴۰/۱۲/۱۹

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: تجمع عده‌ای از دانشجویان وابسته

## به سازمان نگهبانان آزادی

از ساعت ۱۹/۲۰ روز پنجشنبه ۴۰/۱۲/۱۷ به ترتیب این عده از دانشجویان که در ذیل، نامبرده می‌شوند در اتاق کمیته دانشجویان و دانش‌آموزان وابسته به سازمان نگهبانان آزادی در محل این سازمان حاضر شدند. دانشجویان وابسته به سازمان نگهبانان آزادی عبارت بودند از سید حسن آیت، سید محمود کاشانی، مولایی، میردامادی، نوری، یازدی، عبدالله شکری، موسوی‌زادگان و همچنین یک دانشجوی دیگر، نامش تا آخر

[illegible]

جلسه معلوم نشد و از رفقای ایزدی بود.

در ساعت ۱۱/۴۵ یک جلسه تقریباً غیر رسمی تشکیل شد، در ابتدای این جلسه آیت گفت رفا عقیده‌شان درباره باز شدن دانشگاه و طریقه رو به رو شدن با افراد جبهه ملی چیست؟ موسوی‌زادگان گفت به عقیده من وقتی دانشگاه باز شد خوبست رفا از طریق بی‌طرفی وارد شوند یعنی کسی پی‌نبرد که وابسته به سازمان نگهبانان آزادی هستید، با انتقاد کردن از افراد جبهه ملی و این که آنها دیدید چه کار غلطی کردند می‌شود دانشجویان بی‌طرف و همچنین عده‌ای از خود افراد جبهه ملی را به طرف خود کشید و وقتی آنها متمایل به عقیده ما شدند آن وقت خوب خود را و سازمان نگهبانان آزادی را معرفی کنید. بعد از موسوی‌زادگان، محمود کاشانی نیز درباره گفته‌های موسوی‌زادگان صحبت کرد و او هم، عقیده موسوی‌زادگان را تأیید کرد. بعد از این سخنان درباره جلسه حزبی و سازمانی هفته آینده صحبت شد، چون موسوی‌زادگان گفت که من پنجشنبه ممکن است به اصفهان سفر کنم خوب است جلسه را جلوتر تشکیل دهید، همگی موافقت کردند که جلسه آینده حزبی و سازمانی در روز سه شنبه هفته جاری در ساعت ۱۷ الی ۱۹ تشکیل شود. به این ترتیب جلسه آینده در روز سه شنبه

۴۰/۱۲/۲۳ در ساعت ۱۷ تشکیل خواهد شد، در این جلسه درباره افراد حوزه حزبی و معرفی آنان به تشکیلات صحبت خواهد شد، ضمناً از طرف تشکیلات، از هر یک از دانشجویان عضو حزب، سه قطعه عکس برای صدور کارت معرفی نامه شرکت در انتخابات حزب زحمتکشان خواسته شده که باید تا جلسه آینده به تشکیلات حزب زحمتکشان بدهند.

جلسه فوق در ساعت ۲۰/۲۵ ختم و همگی دانشجویان به اتفاق هم برای دیدن دکتر بقائی که در روز قبل، از سفر کرمان برگشته است به اتاق او رفتند. در اتاق دکتر بقائی، وحید و دو نفر دیگر از اعضای حزب زحمتکشان بودند، دانشجویان بعد از ده دقیقه توقف در اتاق او، محل سازمان نگهبانان آزادی را در ساعت ۲۰/۴۰ ترک نمودند، در اتاق دکتر بقائی فقط بقائی چند سوال از عبدالله شکری و ایزدی درباره رئیس جدید دانشسرای عالی نمود.

شماره: ۷۸۷۰ ط س ت تاریخ: ۱۳۴۰/۱۲/۲۱

### گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: تشکیل جلسه حوزه کارمندان  
وابسته به حزب زحمتکشان تهران

در ساعت ۲۰ روز شنبه ۴۰/۱۲/۱۲ حوزه کارمندان با حضور آقایان جواد جعفری، احمد درخشان، محمود افشار<sup>۱</sup>، محمدرحیم کولجی، احمد طباطبائی و منشی جلسه، محسن هاشمی شروع شد. بزرگ نژاد و اخباری هم مستمع آزاد بودند. در اول جلسه بخشنامه‌ای که از طرف تشکیلات به امضای مهندس عقیلی به تاریخ ۴۰/۱۲/۵ به شماره ردیف ۱۴۰ صادر گردیده بود، وسیله منشی قرائت شد. [در متن اعلامیه از کلیه حوزه‌های

تهران تقاضا شده بود هر چه زودتر اساسنامه حزب را مطالعه و مورد بررسی قرار دهند و در صورتی که ایراد و یا نقائصی در آن مشاهده می‌نمایند کتباً به تشکیلات بنویسند و عقیده تصحیحی خود را نیز درج نمایند و در این امر دقت نمایند که در اسرع وقت این پیشنهاد را به عمل نزدیک نمایند. آقای جعفری گفت جلسه بعد را اختصاص به صحبت درباره این کار خواهیم داد خواهشمندیم آقایان حتماً اساسنامه را مطالعه فرمایند. پس از ختم این موضوع آقای جعفری ضمن اخبار خارجی، موضوع «برمه» و کودتای آن را پیش کشید، اشاره به سیاست شوروی و آمریکا و حساسیت این منطقه نمود و اشاره کرد که این کودتا به نفع اروپا صورت گرفت و بیشتر هم انگلستان پیروزی به دست آورده است چون سیاست آمریکا طوری است که پابند است که بدون انقلاب و بلواکاری انجام دهد و حکومت‌ها را تصفیه کند تا کاری به نفع خود انجام دهد و معمولاً فتودالها را بکوبد و بورژواها را روی کار آورد و شوروی خواستار انقلاب کودتا و به هم ریختن مملکت‌ها است که در شلوغی کار انجام دهد، من در حزب توده وقتی که پستم خیلی حساسیت پیدا کرد و با روسای ارگانها بحث و تصمیم می‌گرفتند سرانجام دستور این بود که حتی اگر در یک محیط کوچک هم تصادم صورت گیرد و خاطره‌ای مدت حداقل یک سال

فراموش نمی‌شود و کشته شدن افراد هم مطرح نبود، چون می‌گفتند اگر یک نفر بمیرد، ده نفر جای آن را خواهد گرفت، مردن افراد مهم نیست، نامبرده سپس مقایسه نمود و سه فکر را تشریح کرد که حکومت توده‌ایها خواستار انقلاب و حکومت امینی دنبال تفرقه و بیرون کردن از محل اجتماعات هستند و اگر دکتر مظفر بقائی حکومت را در دست بگیرد خواستار آرامش و بستن راه انقلاب و با سکوت و تجربه و حرفهای متین پیشرفت امور را معتقد است. سپس آقای افشار چند سوال کرد. ۱- چرا حزب ما در مقابل دانشگاه سکوت کرد؟ احمد طباطبائی جواب داد که ما این مسأله را خواستار نبودیم تا جوابی بر آن قائل شویم، ما در ۳۰ تیر هم مردم را از انقلاب و شلوغی منع کردیم و حالا هم که اینکار را کردند به دست جبهه ملی بود و خودشان هم پیشقراول بودند و سکوت ما هم معنی بزرگی داشت. علت مهم آن هم غیبت رهبر ما بود و اگر حالا هم بیایند و اعلامیه‌ای بدهیم نتیجه‌ای نخواهد داشت، فقط یک مسأله، گشودن دانشگاه است که ممکن است ما آغاز کنیم. آقای درخشان گفت مسأله معلمین، بسیار مهم‌تر از این مسأله بود اما ما اعلامیه ندادیم. طباطبائی گفت که آن مسأله صنفی بود. جعفری گفت این مسأله، دانشگاه هم مربوط به خارج کردن سه دانش‌آموز بود که مرگ بر شاه و مرده باد فرح از زبان آنها بیرون آمد در هر صورت ظاهر امر همیشه مسأله صنفی است ولی مقاصد از گوشه و کنار پیدا و وصل به مطالب اصلی می‌گردد، اگر اعلامیه‌ای ما بر علیه دولت بدهیم و حاد باشد دولت سقوط کند وسیله پشتکار ما، مطابق گفته دکتر بقائی دولتی است نظامی و قلدر روی کار خواهد آمد و این آزادی‌های نسبی از دست خواهد رفت اگر هم پشتکار را پس از یک اعلامیه از دست بدهیم مخالف دولت شناخته می‌شویم و یک آوانس بزرگ بعدی را از دست خواهیم داد، پس بهتر است این را در ترکش داشته باشیم تا به موقع در قلب بنشانیم. ختم جلسه در ساعت ۲۰/۴۰ اعلام و بحث اخبار در جلسه شنبه آینده به عهده محمدرحیم کولجی واگذار گردید.

۱- محمد افشار کرمانی، فرزند علی قلی، در سال ۱۲۸۰ ه‍.ش در کرمان متولد شد. عضو حزب زحمتکشان بود و اشتغال به روزنامه‌فروشی داشت.

تاریخ: ۱۳۴۰/۱۲/۲۱

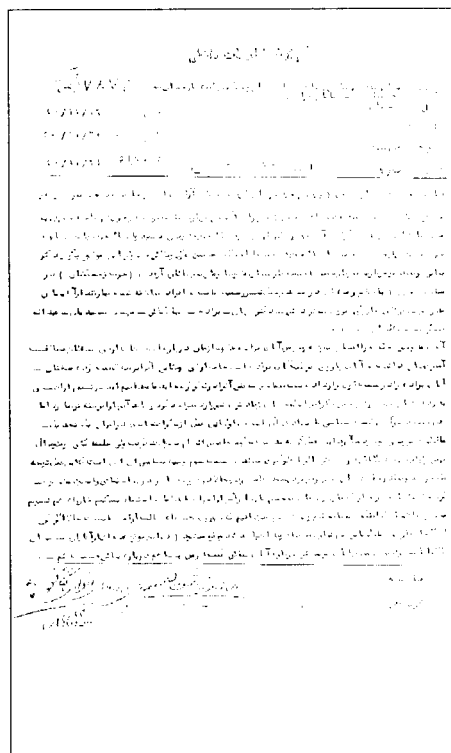
شماره: ۷۸۷۲ ط س ت

## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: مسافرت دکتر بقائی و مراجعت او به تهران و تشکیل جلسه کارمندان

ساعت ۱۷/۳۰ چهارشنبه ۱۳۴۰/۱۲/۱۶ در سازمان نگهبانان آزادی اطلاع حاصل شد که دکتر بقائی از مسافرت بازگشته.<sup>۱</sup> نامبرده در ساعت ۱۷ به تهران آمده و پس از یک ساعت توقف در منزل در ساعت ۱۸ به محل سازمان نگهبانان آزادی آمده و در دفتر کار خود از اعضای حزب، دیدن می نمود و اعضای حزب با نهایت سرور به دیدن او می رفتند. بین اعضای حزب، صحبت از اختلاف حسین مکی

و بقائی بود ولی این موضوع به گوش دکتر بقائی نرسید. پس از دید و بازدیدها جلسه کارمندان عضو سازمان نگهبانان آزادی (حزب زحمتکشان) در ساعت ۱۹/۳۰ با حضور عده ای در حدود چهل نفر رسمیت یافت. افراد شناخته شده عبارتند از آقایان مدرسی، مرتضی پازوکی، مروی، فریدونی، دکتر جهان، براده، طباطبائی، مهدی سعیدیان، عبدالله شکری و عبدالعلی حمیدی. آقای مدرسی جلسه را افتتاح نموده، سپس آقای براده عضو سازمان، درباره اصلاحات ارضی سخنان مخالفت آمیزی بیان داشت. آقای پازوکی بر علیه آقای براده اصلاحات ارضی و نتایج آن را بر سه قسمت کرده سخنان آقای براده را در قسمت اول قرار داده گفت شما جهت فنی آن را در نظر گرفته اید ما می دانیم این طور تقسیم اراضی به درد دهقان نمی خورد و حتی به کار آنها لطمه های زیاده تری نیز وارد خواهد کرد و شاید آنها را گرسنه تر سازد اما دو جنبه دیگر آن موقعیت سیاسی و اقتصادی آن است. اولاً این عمل از نظر اقتصادی در ایران یک تعدیل مالکیت و ثروتی به وجود می آورد، این عمل گر چه به دست حکومت امینی انجام نخواهد گرفت، ولی خلیفه کشی و فئودال کوبی را باب کرده و لااقل از رشد فئودالها جلوگیری می کند. قسمت سوم جنبه سیاسی آن این است که این عمل توجه ملت را که تقریباً در حال عصیان و شورش بود به



خود جلب کرد و حالا در صورت ظاهر قدری اجتماع را به خود مشغول کرده البته ما که طرفدار طغیان و عصیان نیستیم باید اگر آنها را در این اقدامات استقبال نمی‌کنیم، خار راه هم نشویم مخصوصاً از لحاظ این که همسایه شوروی هستیم و می‌دانیم که شوروی هیچگاه طالب آرامش ما نیست حالا اگر طرح اصلاحات ارضی غلط‌هایی هم دارد بعداً هویدا خواهد شد و رفع می‌شود، در این موقع عده‌ای از آقایان سخنان بالا را تأیید کردند، سپس آقای فریدونی<sup>۱</sup> درباره آقای بقائی گفت اگر من بخواهم درباره بقائی صحبت کنم مثل این است که خفاش بخواهد به وصف خورشید پردازد. نامبرده سپس درباره خانواده بقائی گفت پدر بقائی از شهدای صدر مشروطیت<sup>۲</sup> و

عمویش شهید راه آزادی گردید<sup>۳</sup> و خودش برای اولین بار در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از کرمان انتخاب شد و به مجلس آمد ولی قبل از این که اعتبارنامه ایشان تصویب شود، ندای حقیقت بلند کرد، مخالفین ایشان به دست و پا افتادند و به او گفتند که تو هنوز تصویب اعتبارنامه خود را ندیده‌ای باید صبر کنی، همین حرف باعث شد که ایشان استعفا بدهد ولی مخالفت و سرسختی و پشت‌کار ایشان برای جلوگیری از تشکیل مجلس مؤسسان مفید واقع نشد و به هر ترتیبی بود مجلس مؤسسان را تشکیل دادند و دستبردهائی به قانون اساسی زدند. سپس دکتر بقائی عریضه سرگشاده‌ای وسیله رئیس مجلس برای شاه فرستاد ولی جوابی به آن داده نشد. بقائی مخصوصاً این نامه را سرگشاده تهیه کرد تا اذهان عمومی را متوجه جریان کند ولی به هر روزنامه و چاپخانه‌ای داد از درج آن عذر خواستند، بالاخره روزی در پشت تریبون گفت که من به چاپخانه مجلس پناه می‌آورم و استدعای چاپ مطالبم را دارم. رئیس چاپخانه، عذر خواست ولی هیأت مدیره مجلس دستور چاپ داد ولی به بهانه تعطیل مجلس و بهانه‌های دیگر بالاخره چاپ شده آن، به دست بقائی نرسید. در پنجم فروردین ۲۸، علی زهری بوسیله نامه‌ای او را دعوت به امیدواری نمود. روزنامه شاهد و پس از آن روزنامه‌های دیگر از قبیل

آهنگر، مریم و غیره که مطالبی از دکتر بقائی می‌نوشتند، توقیف شدند. در این موقع قتل به دست یاران نواب صفوی رخ داده بود که دکتر بقائی را هم گرفتند ولی چون مدرکی نداشتند به علل دیگر او را در زندان نگهداشتند. در مرداد ماه انتخابات شروع شد کسی شاید در آن روز تشنه رأی دادن نبود ولی دکتر بقائی اعلامیه‌ای از همان زندان فرستاد و مردم را برای دادن رأی تشویق نموده، گفت ای هموطن گر چه نمی‌خواهی رأی بدهی اما برو رأی بده که رأی داده باشی، روی همین اصل عده‌ای از یاران دکتر بقائی انتخاب شدند ولی خلاصه، قرارداد گلشائیان - گس را تصویب کردند و سپس دکتر بقائی از زندان آزاد شد. پس از صحبت‌های آقای فریدونی جلسه در ساعت ۲۱ پایان یافت.

در پرونده حزب زحمتکشان ضمیمه و در بهره‌برداری بایگانی شود ۴۰/۱۲/۲۴

۱- دکتر بقائی در ساعت ۱۵ روز ۱۶ اسفند ۴۰ از کرمان به اصفهان وارد و پس از توقف در فرودگاه و ملاقات با گروهی از طرفداران خود به تهران بازگشت.

۲- سلطان محمد فریدونی: فرزند احمد، در سال ۱۳۰۶ در تهران متولد شد. تحصیلات خود را در تهران به پایان رسانید. گویا در دوران دانشجویی زمانی که بقائی استاد دانشگاه تهران بوده، با افکار بقائی آشنا شده و با توجه به شخصیت خاص خود، مرید بقائی شده و رفته‌رفته جذب حزب گردیده است. پست‌های متعددی را در حزب و سازمان نگهبانان آزادی بر عهده گرفت. از جمله مشاغل ایشان در اداره‌های دولتی می‌توان به مشاغل در وزارت مسکن، وزارت اوقاف، عضو هیأت مدیره و مدیر عامل توسعه کشاورزی و عمران، رئیس دفتر نظارت و پیگیری و مجلس شورای ملی نام برد. در حزب نیز عناوین رئیس دبیرخانه اولین کنگره حزب، قائم مقام تبلیغات، عضو کمیته تهران را به عهده داشته است. نامبرده سفرهای متعددی به کشورهای اروپایی و همچنین عربستان سعودی داشته است.

پرونده‌های انفرادی ساواک

۳- نسبت داده شده، به پدر بقائی صحیح نیست. میرزا شهاب راوری پدر دکتر بقائی است. وی تا زمان مشروطه اداره موقوفات «فخریه راور» را به عهده داشت که شامل یک باغ و تعدادی نهر و قنات بود. میرزا شهاب از فعالین انجمن‌های مخفی وابسته به لژ «بیداری ایران» بود و رهبری سازمانی را به دست داشت که «مجمع احیای نفوس» نامیده می‌شد.

او سپس ریاست فرقه دمکرات کرمان را به دست گرفت. میرزا شهاب همچنین سرپرستی تعدادی از مدارس جدید به نام‌های «شهاب»، «سعادت» و «مدرسه ملی» را نیز به عهده داشت. او در سال ۱۳۰۰ هجری به دوره چهارم مجلس شورای ملی راه یافت. انتخاب میرزا شهاب در مجلس چهارم به جای «حسن مشارالملک» انجام گرفت که از نمایندگی سیرجان استعفا کرده بود. سالها بعد، مظفر بقائی از فعالیت‌هایی که پدرش در حوالی سالهای ۱۳۰۰ به نفع آمریکایی‌ها در ایران نموده بود، سخن به میان آورد. بقائی در ملاقات با «گریدی» سفیر آمریکا در اواخر دهه ۱۳۲۰ هجری به تفصیل از تعلق خاطر پدرش به آمریکایی‌ها و دوستی او با «میلیسپو»ی آمریکایی سخن به میان آورد. در اوایل سال ۱۳۰۱ هجری میرزا شهاب به همراه سلیمان میرزا اسکندری و عده‌ای دیگر «حزب سوسیالیست» را تأسیس کرد. این حزب در تکوین قدرت رضاخان و رسیدن او به سلطنت، نقش مهمی ایفا کرد.

۴- عموی دکتر بقائی با نام «میرزا جواد»، برادر ناتنی میرزا شهاب است. وی پس از مشروطیت به عنوان اولین رئیس دادگستری کرمان منصوب شد و به همین دلیل در کرمان به میرزا جواد رئیس، مشهور بود.



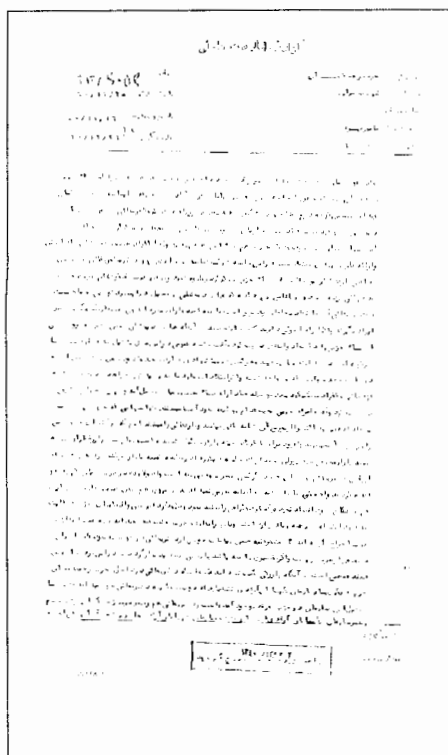
شماره: ۳۱۲/۶۰۵۴ تاریخ: ۱۳۴۰/۱۲/۲۷

### گزارش اطلاعات داخلی

### موضوع: حزب زحمتکشان

بنا به دعوت قبلی، ساعت ۴ بعد از ظهر روز گذشته عده‌ای در حدود یک صد و هشتاد نفر از اعضای حزب زحمتکشان در جلسه فوق العاده حزب که در خیابان فرح آباد، سه راه سلیمانی، خیابان عبدالحسین، کوچه دوم، پلاک ۵۵، تشکیل شده بود حضور یافته و دکتر مظفر بقائی، عباس دیوشلی، وحیدی، قناد، شیرازیان، مروی، کاظمی، محمدی شکری، نوزاد، آیت، اخباری، مطوف و دکتر مدرس هم جزو این عده بودند، فقط افراد حزب زحمتکشان با داشتن و ارائه کارت

ورودی می‌توانستند در این جلسه شرکت نمایند. ساعت ۱۴/۳۰ دکتر مظفر بقائی نطق کوتاهی، از فداکاری و فعالیت اعضای حزب تشکر کرد و علاوه نمود در حزب گفتگوهائی بوده و حرفهائی زده شد و جریاناتی رخ داد که عباس دیوشلی به تفصیل در این مورد توضیح خواهد داد بقائی گفت انتقاد بجا قابل پذیرش است و البته امیدوار است رفقا بدون علت از یکدیگر ایراد نگیرند و اگر ایراد اصولی دارند، کتباً بنویسند. آنگاه عباس دیوشلی ضمن نطق مشروحی اعضای حزبی را به اتحاد و اتفاق دعوت کرد و گفت جلسه عمومی در این محل تشکیل شده تا رفقا هرگونه انتقادی دارند، بیان نمایند و هر کسی هر پیشنهادی دارد بگوید و افزود چون وقت ضیق است، در جلسه بعد جواب داده خواهد شد و اگر انتقادات وارد باشد رسیدگی خواهد گردید، در خاتمه از فعالیت افراد تشکر کرد بعد بوسیله قناد از اعضا، حضور و غیاب به عمل آمد و سپس فتوگرافی<sup>۱</sup> شروع به صحبت کرد و گفت افراد حزبی هیچ کدام به وظیفه خود آشنا نیستند و تراکتهایی که جهت پخش به رفقا داده می‌شود اکثراً از توزیع آن شانه خالی می‌کنند و یا رفقای را می‌شناسم که تراکتهای حزبی را در جوی آب می‌ریزند و افزود برای بازار یک کمیته بازار تشکیل شده است، ما، چند نفر از رفقا را به کمیته بازار معرفی نمودیم ولی بعد از یک جلسه،



دیگر رفقا در جلسه کمیته بازار شرکت نکردند، بعد از رفتن دکتر بقائی به زندان هم دیگر کسی به حزب وقعی نگذاشت و اصولاً رفقا در حزب خیلی کم رفت و آمد می‌کردند و اهمیتی به اساسنامه و مرامنامه حزبی نمی‌دادند. مروی هم ضمن صحبت از بعضی از هم مسلکان خود انتقاد نموده و گفتار فتوگرافی را تأیید نمود و علاوه کرد، اگر کسی واقعاً برای حزب فعالیت کند، در دانشگاه نظر عده زیادی از دانشجویان را به طرف حزب جلب کند، نمی‌داند به چه علت او را از حزب اخراج کرده‌اند؟ مشارالیه ضمن بیانات خویش از دکتر بقائی درخواست نمود علت اخراج معصومی از حزب چیست و اگر تقصیری داشته باشد، بایستی تجدید نظر

گردد. در این موقع حاضرین گفتند صحیح است. آنگاه پازوکی گفت نمی‌داند علت این که دکتر بقائی در داخل حزب زحمتکشان حزب دیگری به نام سازمان نگهبانان آزادی تشکیل داده چیست البته دکتر بقائی خود می‌داند که با تشکیل این سازمان در حزب تفرقه بوجود آمده است و دکتر بقائی هم رهبر زحمتکشان و هم رهبر سازمان نگهبانان آزادی است اگر هدف سازمان نگهبانان آزادی با حزب زحمتکشان یکی است پس بوجود آوردن دو تشکیلات چه معنی دارد و این جریان برای رفقای حزبی باید روشن شود. نامبرده سپس در تشکیل جلسات حوزه‌ها و وضع داخلی حزب و فعالیت افراد انتقاداتی کرد و افزود تأسف از این است که یک فرد وظیفه‌شناس و صادق و درستکار و با معلومات مانند معصومی را از حزب اخراج می‌کنند و از دکتر بقائی خواست که علت اخراج معصومی را روشن سازد و دادگاه حزبی تشکیل گردد تا معصومی مجدداً در حزب پذیرفته شود، حاضرین با صدای بلند گفتند صحیح است. سپس بزرگ‌زاده صحبت کرد و از معصومی پشتیبانی نمود و او نیز از دکتر بقائی خواست تا دادگاه حزبی تشکیل و جریان کار معصومی روشن گردد، بعد درباره تشکیل کنگره صحبت نمود و گفت ایجاد اختلافات اخیر روی انتخابات حزبی بوده که افراد نالایق، مصدر کار شده‌اند و به عباس

دیوشلی حملاتی نمود و گفت قبل از تشکیل کنگره کسی حق ندارد مرامنامه و اساسنامه حزبی را تغییر دهد و تغییر دادن ۴ ماده از اساسنامه حزب بدون مشورت رفقای حزبی خیانت مسلم است. آنگاه مطوف دانشجوی دانشگاه صحبت کرد و ضمن بیانات خود از حزب انتقاد نمود و گفت جای بسیار تأسف است و خطاب به دکتر بقائی گفت چنین شخصیتی نباید رهبر این چند نفر که دور یکدیگر جمع شده‌اند، باشد. ضمناً این چند نفر نمی‌توانند حزبی تشکیل بدهند ولی می‌توان گفت که این چند نفر از رفقای صمیمی و جانباز دکتر بقائی هستند و خطاب به دکتر بقائی گفته افرادی که در کمیته مرکزی حزب وجود دارند بعضی کارهای خلاف انجام می‌دهند در حالی که نباید حزب زحمتکشان به دکتر بقائی خیانت کند و رفتار اینگونه افراد، که انگشت شمار هستند به دوره هیتلر شباهت دارد، هر کس را که دلشان می‌خواهد از حزب اخراج می‌کنند مثلاً وحیدی که سوادی ندارد عضو کمیته مرکزی است و خطاب به دکتر بقائی گفت مرا نیز به علت آن که از وی انتقاد اصولی می‌کنم می‌خواهند از حزب اخراج کنند، البته هر کسی که انتقاد اصولی کرد وحیدی او را به عنوان امر دکتر بقائی از حزب اخراج می‌نماید و افزود افرادی می‌توانند عضو کمیته مرکزی باشند که رفقا از او پشتیبانی کامل بنمایند و این را نمی‌توان حزب گفت زیرا بازوکی نیز عضو کمیته مرکزی است. مثلاً از کمیته دانشجویان فقط جهت پخش تراکت استفاده می‌کنند و قبل از سی تیر در دانشگاه، جبهه ملی با حزب زحمتکشان ائتلاف کرده بود و در مبارزات با دولت با یکدیگر تشریک مساعی می‌نمودند ولی بعد از سی ام تیر که مبارزات جبهه ملی علنی شد، حزب زحمتکشان علناً با جبهه ملی مخالفت و وارد پیکار شد ما را کوبیدند و گفتند چرا و به چه علت دانشجویان وابسته به جبهه ملی علیه دولت همکاری می‌کنند مگر خود دستور نداده بودید، دستور کتبی داده بودید و به همین علت او را محاکمه می‌کنند و در رأس دادگاه حزبی شخصی به نام وحیدی که اصولاً صلاحیت ندارد [قرار گرفت]. بعد دکتر بقائی گفت از انتقادات اصولی رفقا پشتیبانی کرده، قبول می‌کند ان شاءالله در جلسه فوق‌العاده دیگر جواب خواهد داد. جلسه ساعت ۲۰ خاتمه یافت.

# فهرست اعلام



## الف

## آ

- آچس، دین / ۲۳۰  
 آدامز، جان کوینس / ۲۹۰  
 آذر، مهدی (دکتر) / ۹۲  
 آذری، اکبر / ۲۹  
 آرام، احمد / ۸۶  
 آرمین (سرهنگ) / ۳۶۱  
 آزاد، عبدالقدیر ۳۶، ۳۴، ۳۳، ۹، ۷  
 آزموده، منوچهر (تیمسار) / ۲۵۲، ۲۳۶، ۲۳۵  
 ۲۹۵  
 آشتیانی زاده / ۶۳، ۳۳  
 آقابکف / ۳۳  
 آقاجانی، محمد / ۶۳  
 اقامهدی، رضا / ۲۹۵  
 آقازیدی، سیدعلی / ۱۵۹  
 آگاه، غلامرضا / ۲۶۵  
 آگاه کرمانی / ۲۶۴  
 آل احمد، جلال / ۳۱۳، ۵۲، ۴۴  
 آل بویه / ۳۳  
 آیت الله کاشانی، سیدابوالقاسم / ۲۵، ۲۳، ۸  
 ۲۶، ۳۴، ۳۶، ۶۱، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۹۰  
 ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۹  
 ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۹  
 ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۴۲، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۸۶  
 ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۵۰  
 آیت، سید حسن / ۳۸۰، ۳۷۳، ۳۶۹، ۳۶۴، ۳۴۸  
 آیزنهاور / ۲۹۰  
 آینهچی، حسن / ۳۴۹، ۲۹۱، ۲۱۹  
 ابتهاج / ۲۵۸  
 ابراهیمی (سرگرد) / ۹۹، ۱۰۰  
 ابطحی نژاد، سیدابوالقاسم / ۲۰۳  
 ابودی زاده عرب، حاج محمد / ۲۶۴  
 احرار، احمد / ۳۴۹، ۳۴۳، ۲۹۱  
 احسانی (سرگرد) / ۱۴۰  
 احسائی، احمد / ۱۷۰  
 احمد شاه / ۴۲، ۲۰۴  
 احمدی / ۳۶۳  
 اخباری / ۳۸۰، ۳۶۳، ۳۴۸، ۳۴۷  
 اخباری، علی / ۳۵۲  
 اخلاقی، اسماعیل / ۶۲  
 اخوی، محمدحسن (سرلشکر) / ۲۹۵، ۱۵۵  
 ارانی تقی (دکتر) / ۳۶۰  
 ارجمند / ۱۷۹، ۱۸۴  
 ارجمند کرمانی، احمد / ۳۴۹  
 ارجمند، محمد / ۱۷۰  
 اردلان (دکتر) / ۲۳۷، ۳۳۹  
 اردلان، ناصرقلی / ۳۶۴، ۳۳۹، ۳۵۸، ۳۳۷  
 ارژنگ، محمد / ۲۹۲، ۲۸۶  
 ارسنجانی / ۳۳  
 ارفع، حسن (سرلشکر) / ۳۵۸، ۳۱۰، ۲۱۰  
 ازغندی، عمادالدین / ۳۶۹، ۳۶۴، ۲۶۳  
 استالین / ۳۶۰  
 اسفندیاری، ثریا / ۲۴۶  
 اسکندری، سلیمان میرزا / ۳۷۹، ۱۶۱  
 اسکندری، عباس / ۲۳

- اسلامی / ۱۴۰  
 امامی، سید حسین / ۱۲۹، ۲۶  
 اسلام، عباسعلی / ۲۱۳، ۱۷۵  
 امامی، سیدعلی / ۲۵  
 اسماعیل آزمین (سرهنگ) / ۳۳۸، ۳۳۵  
 امانپور (سرتیپ) / ۱۷۰  
 اسماعیلی، احمد / ۶۳  
 امیراحمدی، احمد (سپهد) / ۲۳۷  
 اشرف خراسانی، مهدی / ۶۲  
 امیر خمسی، علی / ۶۳  
 اشرفی (سرهنگ) / ۱۰۲  
 امیر رحیمی، عزیزالله (سرهنگ) / ۲۳۷، ۲۳۵  
 اصفهانی، سیدابوالحسن (آیت الله العظمی) /  
 ۲۸۳  
 امیر شاهی، کیوان / ۳۵۱  
 اصفهانی، مهدی / ۱۷۵  
 امیر علانی، شمس الدین / ۵۷، ۹، ۲۳۱، ۲۳۳  
 اعلم، جمشید / ۳۶۶  
 ۲۶۰، ۲۵۸، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۰، ۲۴۶، ۲۴۴، ۲۳۵  
 افتخاری (دکتر) / ۲۷۶، ۲۸۷، ۳۵۳  
 ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۶، ۲۸۴، ۲۷۳، ۲۶۴  
 افراسیابی، عباس / ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵  
 ۳۰۸، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۶۹  
 ۲۹۸  
 امیری، محمود / ۲۹۲  
 افراسیابی، علی اکبر / ۲۴۳  
 امین پور (سرهنگ) / ۳۳۵، ۳۶۱  
 افشارطوس، محمود (تیمسار) / ۹، ۳۴، ۳۰۹  
 امینی (سرتیپ) / ۱۹۰  
 ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۸  
 امینی، علی (دکتر) / ۱۱۵، ۲۲۲، ۲۴۸، ۳۲۳  
 ۱۵۵  
 ۲۶۳، ۳۶۱، ۳۵۹، ۳۵۳، ۳۴۵، ۳۳۵  
 اقبال، خسرو / ۳۳۶  
 انتظام / ۳۵۳  
 اقبال، منوچهر / ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۴  
 انصاری، جعفر / ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۷۳، ۲۹۱، ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 اکتیر / ۱۴۹  
 انصاری، سید محمود / ۳۲۴  
 اکتیر (سروان) / ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۸  
 انوری پور / ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱  
 القانیان، حبیب / ۱۱۵، ۳۵۱  
 اوریان، یعقوب / ۱۶۱، ۱۶۲، ۳۴۹  
 المدنی، سید اسماعیل المدنی / ۲۸۴، ۲۹۱  
 اوژند، حسین قلی (دکتر) / ۵۳، ۵۴، ۱۶۱، ۱۶۲  
 ۲۳۶، ۲۳۵  
 آیدن، آنتونی / ۲۰۵، ۲۰۷  
 ایدن، آنتونی / ۲۰۵، ۲۰۷  
 ایرانی کرمانی، ارسطو (دکتر) / ۱۶۳، ۲۷۷  
 ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۶۹  
 ایزدیناه، غلامحسین / ۶۲

- ایزدی ۳۷۳، ۳۴۸  
ایزدیان (دکتر) / ۳۶۶
- بقائی، عبدالمجید / ۲۶۰  
بقائی، عبدالمظفر / ۲۴۵، ۲۴۴  
بقائی، عبدالمهدی / ۲۸۶، ۲۸۴  
بقائی کرمانی، مظفر (دکتر) / اکثر صفحات  
بقائی، محمود / ۳۶۱، ۳۴۹  
بقائی، منصور / ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۳۶۲، ۳۵۱  
بقائی، ناصر خان / ۲۲۰، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۷۲  
باللی، محمد / ۶۲  
بنکدار، حسین / ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۴۹، ۳۵۸، ۳۶۴  
بنکدار، محمدتقی / ۲۰۶  
بنی صدر، سید نصرالله (آیت الله) / ۲۸۲، ۲۸۳  
به آفرید، محسن (سرهنک) / ۳۶۲  
بهبهانی، سید محمد (آیت الله) / ۲۰۳، ۲۳۲، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۸۲  
بهداد، محمدصادق / ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۹۱  
۳۱۲  
بهرامی، حسین علی / ۳۴  
بیانی، خان بابا (دکتر) / ۱۱  
بیژن (دکتر) / ۳۴۶  
بیضائی / ۲۶۸  
بیطرف (سروان) / ۱۴۰  
بیگلر زاده (سرهنک) / ۲۸۷  
بیگی، غلامعلی / ۲۳۳، ۲۹۲
- ب  
باتمانقلیچ، نادر (تیمسار) / ۱۷۶، ۲۳۶، ۱۵۵، ۱۵۶  
بازرگان، مهدی (مهندس) / ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۴  
۳۵۴  
باستانی، عباس / ۲۶۰، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۶۱  
باستانی (مهندس) / ۲۵۰، ۲۶۳  
باقری، قدرت الله / ۶۲  
باقری، محمدعلی / ۶۲  
باولز، چستر / ۳۶۹، ۳۷۱  
بایندر (سرتیپ) / ۱۰۱، ۱۰۴  
بختیار، آقاخان / ۲۹۵  
بختیار، تیمور (سپهبد) / ۳۷، ۱۹۸، ۲۵۵، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۷، ۳۲۴  
۳۳۹، ۳۶۴، ۳۶۹  
بختیاری، بهادر / ۷۹  
برخورداری / ۲۶۳  
بروجردیان، منصور / ۶۲  
بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله) / ۱۴۰، ۱۷۴، ۲۱۷، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۲۲  
بروجردی، سید حسین / ۶۲  
بزرگ زاده / ۳۸۱  
بزرگ نژاد، حمزه / ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۴، ۲۶۴  
۲۹۲، ۲۶۰، ۳۴۹  
بقائی، عبدالحسین / ۳۶۴



## پ

- پارسا، اصغر / ۷۸، ۲۰۶  
پارسی، سعید / ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۵۳، ۲۹۱، ۲۹۲  
پازوکی، پرویز / ۲۹۲، ۳۱۱، ۳۴۳، ۳۸۱  
پاکروان، امیر حسین / ۱۱۳  
پاکروان، امینه / ۲۹۶  
پاکروان، حسن (سرلشکر) / ۲۵۵، ۲۹۵، ۲۹۶  
پاکروان، فتح‌الله / ۲۹۶  
پوراحمدی / ۸۸  
پهلوی، حمیدرضا / ۲۷۳  
پهلوی، غلامرضا / ۲۴۴، ۲۴۵  
پهلوی، محمدرضا / ۳۷، ۵۸، ۱۸۵، ۲۱۷، ۲۲۸  
پهلوی، ۲۴۷، ۲۴۵، ۲۷۲، ۲۷۳

## ت، ث

- تائیدی (سرهنک) / ۱۵۰  
تاجر کرمانی / ۳۵۱  
ترابی، احمد / ۲۱۹  
ترقی، محمد / ۳۵۳  
ترکی، علی / ۲۹۶  
ترومن، هاری / ۲۹۰  
تفضلی، جهانگیر / ۱۱۳  
تقی‌زاده / ۳۵۳  
تورجی، مرتضی / ۶۲  
توفیقی، محمدعلی / ۶۳

## ج، چ

- جانسون / ۲۹۰  
جانمدار، علی / ۳۴۳  
جدلی، علی / ۳۶۶  
جزایری، شمس‌الدین (دکتر) / ۸  
جعفری / ۲۷۱  
جعفری، جعفر / ۲۹۱  
جعفری، جواد / ۳۰۸، ۳۵۸  
جعفری، شعبان (بی‌مخ) / ۲۷، ۱۳۶، ۲۳۷  
جعفری، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۱  
جفرسن، تامسن / ۲۹۰  
جلالی نائینی / ۹، ۱۰  
جلوه، میرزا ابوالحسن / ۲۰۳  
جم، محمود / ۲۴۶  
جهان‌پی، روح‌الله / ۶۲  
جهانشاهی (دکتر) / ۲۹۵، ۲۹۸  
چرچیل / ۲۶۱  
چهلستونی، میرزا عبدالله / ۲۳۲  
چینی، محمد / ۲۵

## ح

- حائری ۳۰۲ / حسینی، علیرضا / ۲۹۲
- حائری زاده، سید ابوالحسن / ۷، ۹، ۱۳، ۳۳، ۳۶، ۵۵، ۸۹، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۹۲، ۲۴۴، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۳۷
- حاتم زاده اصفهانی، عبدالرسول / ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۵۸، ۲۶۶
- حاتم زاده، عبدالرسول / ۲۶۴
- حاج رضائی، طیب / ۲۹۵، ۳۰۰
- حاج سید جوادی (دکتر) / ۳۱۳
- حاج طاهری / ۱۲۷
- حاج فرج الله، اسدالله / ۶۳
- حاج فرج الله، مسعود / ۶۳
- حاج فرج الله، مصطفی / ۶۳
- حاج ملا بابا، حاج قاسم / ۲۱۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۴۹
- حامی، احمد / ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۶۲
- حایری زاده / ۲۳، ۹
- حایری یزدی (آیت الله) / ۲۱۷
- حرب، علی / ۱۵۲
- حسابی، محمد (دکتر) / ۲۱۱، ۲۸۸، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۶۶، ۳۶۷
- حسابی، محمود (دکتر) / ۲۴۴، ۳۶۶
- حسابی، معز السلطان / ۳۶۶
- حسن زاده، / ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳
- حسینی، احمد / ۲۴۴، ۲۵۸، ۲۹۱، ۲۹۲
- حسینی، سید عبدالحسین / ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳
- حسینی، عبدالرضا / ۲۷۳، ۳۶۴
- حسینی، محمد علی / ۳۵۴
- حسینی، (مهندس) / ۸، ۳۴۵، ۳۵۳، ۳۵۴
- حسینی یزدی، ملا حسین / ۳۵۴
- حسینیان، سید جلال / ۲۹۸
- حسینی، رضا / ۳۵۲
- حسینی، سید احمد / ۱۸۳
- حسینی، سید جلال / ۲۴۴، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۵۰
- حسینی، سید جلال الدین / ۲۲۶
- حکمت، فاخر / ۱۱
- حکیمی / ۳۴
- حلمی (سرهنگ) / ۲۹۸
- حمیدی، عبدالعلی / ۲۹۲، ۳۴۹، ۳۶۹
- حنفی / ۲۱۴
- حیدری / ۹۹
- حیدری، هاشم / ۶۲
- خ
- خادم (حجت الاسلام) / ۳۶
- خامنه‌ای، انور (دکتر) / ۴۴، ۳۱۳
- خان اکبر، محمد / ۲۹۵
- خانعلی (دکتر) / ۳۶۴
- خبره زاده، علی اصغر / ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳
- خدارسان / ۱۴۰
- خدیو، کیهان / ۱۸۹
- خراسانی، ملا محمد کاظم / ۲۱۷
- خروشچف / ۳۶۰، ۳۶۷

- خسروانی، پرویز / ۲۹۵
- خسروانی (سرگرد) / ۲۳۷
- خسروشاهی، مهدی / ۳۵۱، ۲۲۴
- خسروی نژاد، اسدالله / ۳۲۵، ۳۲۲، ۲۳۳، ۲۲۷
- خطیبی، حسین / ۲۰۸، ۱۵۸، ۱۴۰، ۱۳۵، ۱۰۴
- خلعتبری، اردلان / ۲۸۹
- خلعتبری، ارسلان / ۱۰، ۹
- خلیلی / ۲۸۱، ۲۵۰
- خلیلی، احمد / ۳۵۱، ۲۶۲، ۲۶۰، ۲۴۲، ۲۱۵
- خلیلی، حمید / ۳۴۹، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۲، ۲۰۵
- خلیلی، عباس / ۱۰، ۹
- خلیلی، محمود / ۲۴۲
- خلیلی (مهندس) / ۳۴۶
- خمامی، عنایت‌الله / ۲۸۴
- خنجی، محمد علی (دکتر) / ۶۴، ۶۳، ۶۰، ۵۲
- خواجہ نصیری / ۱۶۳
- خواجہ نوری / ۲۷۷
- خواجہ نوری، ابراہیم / ۷۹
- خوانساری، سید محمد تقی (آیت‌الله) / ۲۵۵
- خوزستانی، سید مجاهد / ۵۰
- خوشبین (دکتر) / ۲۹۵
- خوشدل، شیخ احمد / ۱۲۹
- د، ذ
- دالس، آلن / ۲۶۱، ۲۳۰
- دالس، جان / ۲۳۰
- دانش / ۲۶۳
- دانشی، حسین / ۲۶۴
- داور، علی اکبر / ۸۹
- دبیر سپهری، محب علی / ۳۶۹، ۳۳
- درخشان، احمد / ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱
- درخشش / ۳۶۸
- درویان، عباس / ۶۲
- دژکام، محمود / ۱۴
- دست کوتاہ، محمود / ۶۲
- دفتری (دکتر) / ۲۶
- دهقان، احمد / ۲۶۲
- دی - آی - توماس / ۴۸
- دیانش (سرگرد) / ۳۶۱، ۳۳۵
- دیدہ ور (مهندس) / ۲۳۱، ۲۰۵، ۲۰۳
- دیوان بیگی، علی / ۲۹۸، ۲۹۵
- دیوشلی، عباس / ۳۴۹، ۳۰۸، ۲۹۸، ۲۹۱، ۱۶۱
- ۳۸۲، ۳۸۰، ۳۵۰، ۳۲۵
- دیہیمی (سرہنگ) / ۱۵۵
- ذوالفقاری / ۱۱۴
- ذوالفقاری، ناصر قلی / ۱۱۵
- ذوالقدر، مظفر / ۱۹۰
- ر
- رازقی، عباس / ۶۲
- رازقی، علی اصغر / ۶۲
- رحیمی، امیر (سرہنگ) / ۲۳۷، ۲۳۵، ۲۰۶
- ۲۵۰، ۲۳۶
- رحیمیان، غلامحسین / ۳۶۱، ۳۵۸، ۳۳۷
- ۳۶۹، ۳۶۴
- رحیمی (سرہنگ) / ۲۶۰، ۲۵۱، ۲۳۷، ۲۰۱



- زهری، محمد / ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۲۴  
 زیرک زاده، احمد (مهندس) / ۸۸، ۹، ۸  
 ژندی / ۱۴  
 ژندی، سید محمود / ۱۴  
 ژنرال دوگل / ۲۶۱  
 ژنرال گورسل / ۲۹۰
- س**  
 ساجدی (سرتیپ) / ۲۹۸، ۲۹۵، ۲۹۱  
 ساعد / ۱۲۸  
 سبزواری، سید افتخار / ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۰  
 سبزواری، کمال / ۲۳۳  
 سپهبدی، عیسی (دکتر) / ۷، ۱۱، ۳۱، ۳۴  
 سپهر، هادی / ۲۱  
 سپهسالاری، حاج محمود / ۳۲۴، ۳۴۹  
 سجادی کرمانی / ۲۶۴  
 سبحانی، یدالله (دکتر) / ۳۴۶  
 سخائی (سرگرد) / ۱۶۷  
 سخائی (سرهنگ) / ۱۳۶  
 سخائی، سید محمود / ۱۷۰  
 سدهی، سید ابوالقاسم / ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۹، ۳۵۱  
 سدهی، سید جواد / ۲۲۰، ۲۹۴  
 سدهی، سید محمود / ۲۶۳، ۲۹۴  
 سر جنت شرایور / ۲۹۰  
 سرمست / ۲۶۴، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۱  
 سروش / ۳۰۵  
 سعیدی / ۳۴۵، ۳۶۳
- سعیدیان، مهدی / ۳۲۴  
 سعیدی فیروزآبادی / ۲۹۵  
 سلامت شریف، احمد / ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳  
 ۲۹۸، ۳۴۹، ۳۵۰  
 سلامت، علی اکبر / ۶۳، ۲۹۸  
 سلامی، محمد / ۶۳  
 سلطان محمد پادشاه مراکش / ۲۷۳  
 سلطانی، رضا / ۳۴۳، ۳۴۹  
 سلطانی طباطبائی، سید محمد باقر (آیت الله) / ۲۸۲  
 سلطانی (مهندس) / ۲۹۵، ۲۹۸  
 سلیمی، حسن / ۳۶۹  
 سمیعی (دکتر) / ۴۸  
 سنجابی، کریم (دکتر) / ۵۷، ۶۱، ۶۴، ۸۸  
 ۱۹۲  
 سهامی / ۱۷۰  
 سهرابی، جعفر / ۹۵  
 سهیلی / ۱۲۸  
 سیاسی (دکتر) / ۳۴۶، ۳۶۷  
 سید کشمیری / ۲۰۵  
 سیف العلماء، سید علی محمد / ۳۶  
 سینکی / ۲۵۴
- ش**  
 شاپور (دکتر) / ۳۴۵  
 شاپوری / ۳۵۱  
 شاپوریان / ۳۵۱  
 شاه / ۳۰، ۲۳۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۰۸

- شاه‌بختی (سپهد) / ۲۳۷  
 شاه‌رکنی. سادات / ۱۴۱  
 شایگان (دکتر) / ۹، ۶۱  
 شایگان، رضا / ۶۲  
 شایگان، سیدعلی (دکتر) / ۶۴  
 شستری، سید مرتضی (آیت‌الله) / ۲۸۶، ۲۸۷  
 شجاعی، سیدعلی اصغر / ۳۵۷  
 شروین (دکتر) / ۲۱۵  
 شریعتمدار یزدی، شریعتمدار / ۱۲۹  
 شریف (آیت‌الله) / ۲۳۱  
 شریف امامی / ۲۱۴  
 شریفی، محمدعلی / ۳۰  
 شفیع‌زاده / ۵۳، ۵۴  
 شقاقی، حسین / ۳۰۸، ۳۱۴، ۳۶۱، ۳۶۲  
 شقاقی (سرهنگ) / ۲۸۱  
 شکری، عبدالله / ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴  
 ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۷۳، ۳۷۴  
 شکوه، زین‌العابدین / ۵۳، ۵۴  
 شکوه‌محسنی، یحیی (دکتر) / ۲۱۵، ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 شمس، احمد / ۵۵  
 شمشری کرمانی، مهدی / ۳۴۹  
 شوکت‌الملک / ۲۷۲  
 شهروز (سرهنگ) / ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸  
 شهیدی / ۳۵۹  
 شهیدی خراسانی / ۳۱۳  
 شهیدی، موسی / ۲۶۳، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۹۱، ۳۴۹  
 شیبانی (مهندس) / ۲۹۵  
 شیخ اشراقی / ۱۲۵  
 شیخ (دکتر) / ۲۵۴  
 شیرازی / ۳۵۱  
 شیرازیان / ۳۸۰، ۳۸۹  
 شیرازیان، اصغر / ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۴۹  
 شیرازیان، علی اصغر / ۲۳۳، ۲۴۶، ۲۶۰، ۲۸۴  
 ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳  
 ص، ض  
 صاحب دیوانی، غلامعلی / ۳۶۹  
 صادقی، محمد / ۲۲۰  
 صالح، اللهیار / ۸، ۲۳۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۴۳  
 ۳۶۶، ۳۶۷  
 صالحی، شیخ علی اصغر (آیت‌الله) / ۱۳۳  
 ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۵، ۱۹۹، ۳۲۲  
 صالحی کرمانی / ۱۳۳  
 صبوچی، عباس / ۲۸۶، ۲۹۱  
 صدرالدینی، هدایت / ۳۵۸  
 صدر حاج سیدجواد، علی اصغر / ۳۱۳  
 صدر، حسن / ۹، ۱۰، ۲۷۳، ۲۷۵  
 صدر، کشاورز / ۳۶۱  
 صدر مشرقی، ابوالقاسم / ۲۰۱، ۲۹۱  
 صدقی، حسین / ۶۲، ۲۱۱، ۲۹۵  
 صدیق (دکتر) / ۳۶۳  
 صدیقی (دکتر) / ۳۶۱  
 صراف، احمد / ۲۳۳  
 صفا / ۳۰۲  
 صفائی، محمد / ۶۲

- صفاری، رحیم / ۸۸، ۸۵، ۸۳، ۸۰ / ۱۹۰
- صمصام بختیاری، جهان‌شاه / ۱۸۵
- صمصام، جهان‌شاه / ۱۸۴
- صوفی / ۳۶۹
- ضابطی، احمد / ۶۳
- ضرغام (سرلشکر) / ۲۸۲
- ضیائی، هوشنگ / ۱۰۶
- ط
- طالب بیگی (سرتیپ) / ۱۱۱
- طالقانی، سید محمود (آیت‌الله) / ۲۵۴
- طالقانی، شیخ یحیی / ۲۵۴
- طاووسی / ۲۷۱
- طاووسی، علی / ۲۹۲
- طاووسی، محمد / ۲۵۴
- طاهری (دکتر) / ۷۹
- طاهری، محمد علی / ۶۲، ۲۹۱
- طباطبائی / ۱۸۹، ۳۶۳
- طباطبائی، حاج آقا حسین (آیت‌الله) / ۲۱۷
- طباطبائی، سید جمال / ۲۶۴
- طباطبائی، سید جواد / ۳۵۰
- طباطبائی، سید ضیاء‌الدین / ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۳۶
- ۳۳۷، ۱۶۰، ۱۵۹، ۴۲
- طباطبائی، سید کمال / ۲۹۲
- طباطبائی قمی، سید احمد / ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۳۷
- ۳۳۹
- طبری، احسان / ۳۶۰
- طهماسبی، خلیل (شهید) / ۱۶، ۲۴، ۳۲، ۱۲۹
- ع
- عابدی (دکتر) / ۳۴۶
- عابدینی (دکتر) / ۳۶۶
- عارف، عبدالسلام / ۲۵۸
- عالم‌زاده / ۱۷۹
- عالی‌زاده / ۳۶۱
- عبدالحسین / ۳۴۹
- عبدالناصر، جمال / ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵
- عبدالواحدی / ۳۵۷
- عبدخدایی / ۳۶
- عبد جلال (دکتر) / ۱۱، ۲۸۴
- عراقی، آقا ضیاء‌الدین (آیت‌الله) / ۲۸۳
- عسگری، حاج عبدالحسین / ۳۴۹
- عسگری، عزت‌الله / ۶۲
- عطائی، منصور / ۳۴۵
- عطائی (مهندس) / ۳۴۵
- عطاپور (سرلشکر) / ۲۹۵
- عقیلی، علی اصغر / ۳۶۶
- عقیلی، نظام‌الدین (مهندس) / ۲۸۶، ۲۸۷
- ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۸، ۳۵۰، ۳۶۴
- علامه آشتیانی / ۲۰۴
- علاء، حسین / ۲۲، ۹۰، ۱۹۰
- علم، اسدالله / ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۸، ۲۹۵، ۳۰۰
- ۳۶۶
- علم، محمد ابراهیم خان / ۲۷۲

- علویان قوانینی، اسماعیل / ۲۹۲، ۲۹۱ /  
 علویان قوانینی، محمد تقی / ۲۳۵، ۲۳۳، ۲۴۴ /  
 ۳۰۸، ۲۸۱، ۲۹۱، ۲۶۰، ۲۵۸، ۲۵۳، ۲۴۶ /  
 علوی کیا، حسن / ۳۶۵، ۳۶۴، ۲۹۵، ۲۷۳ /  
 علوی مقدم (سپهبد) / ۲۸۲، ۲۷۶، ۲۷۳، ۳۷ /  
 علی آبادی (دکتر) / ۱۳۹ /  
 علیزاده کرمانی، / ۲۹۱، ۲۶، ۲۵ /  
 عمید، منوچهر / ۲۹۱ /  
 عمید، موسی (دکتر) / ۳۶۶ /  
 عمیدی نوری / ۱۰، ۹ /  
 عندلیب، اسماعیل / ۲۰۵ /  
 عندلیب (دکتر) / ۲۰۶، ۲۰۵ /  
 عین الدوله / ۴۲ /
- غ
- غاداری / ۱۷۰ /  
 غروی، سید جعفر / ۱۰، ۹ /  
 غزنوی، سلطان محمود / ۱۲۹ /  
 غفاری / ۱۸۴ /  
 غفاری، پری / ۲۶۰ /  
 غلامی، محمد علی / ۲۹۲ /
- ف
- فاطمی / ۴۷، ۹ /  
 فاطمی، سید حسین (دکتر) / ۳۶، ۱۸، ۱۵، ۹ /  
 ۲۸۶، ۹۰، ۶۱، ۵۵، ۴۷، ۳۷ /  
 فتحی اعظم / ۲۷۷ /  
 فتوگرافی / ۳۸۰ /
- فخرآرائی، ناصر / ۳۰ /  
 فخرائی، محمود / ۱۴۹ /  
 فرامرزی، عبدالرحمن / ۳۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰ /  
 ۳۶۱ /  
 فراهانی، علی / ۲۴۸، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۴۶ /  
 ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳ /  
 ۲۹۶، ۳۲۴ /  
 فراهانی، محمد / ۶۳ /  
 فرخ، محمود / ۷۹ /  
 فردوست، حسین (ارتشبد) / ۲۹۶ /  
 فرزانه / ۳۴۸ /  
 فرزانه، منوچهر / ۶۲ /  
 فرشاد، فریدون (دکتر) / ۳۶۱، ۳۶۶ /  
 ۳۶۷ /  
 فروزانفر / ۲۷۹ /  
 فروزان، همایون / ۶۲ /  
 فروغی، محسن / ۱۱ /  
 فروهر / ۲۵ /  
 فروهر، غلامحسین / ۲۳، ۲۵، ۲۹ /  
 فره‌نی، ابوالفتح / ۶۳ /  
 فره‌ودی / ۴۹ /  
 فریدونی / ۱۸۴، ۳۶۹، ۳۷۸، ۳۷۹ /  
 فریدونی، سلطان محمد / ۳۷۹ /  
 فصیح اعظم / ۲۳۵ /  
 فعال، شیخ رضا / ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲ /  
 ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۲۴، ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۶۴ /  
 فغوری، حبیب‌الله / ۶۲ /  
 فلاح (دکتر) / ۲۷۴، ۳۵۳ /



## ک

کاشانی، سید ابوالحسن / ۲۳۱  
 کاشانی، سید ابوالقاسم / ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۴،  
 ۲۵، ۲۸، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۵۶، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۵،  
 ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۵۳،  
 ۲۶۱، ۳۳۷، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۶۲  
 کاشانی، سید محمد / ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۴۲، ۲۹۱،  
 ۲۹۸  
 کاشانی، سید مهدی / ۶۲  
 کاشانی، مرتضی / ۲۱۴  
 کاشانی، مصطفی / ۲۰۶  
 کاظمی، ناصر / ۶۲، ۸۴، ۲۸۱، ۲۴۴، ۲۵۸،  
 ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۵۸، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۹  
 کاظمی، هدایت الله / ۱۰۲  
 کاویانی / ۹  
 کرباسی، باقر / ۲۲۸  
 کرمانی، سعید / ۲۶۴  
 کرمانی، محمد کریم خان / ۱۷۰  
 کریم آبادی، خلیل / ۶۲  
 کریم پور شیرازی / ۶۳  
 کریمی / ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۶  
 کریمی، بهمن (دکتر) / ۳۶۶  
 کریمی، عزیز الله / ۳۲۴  
 کزازی، اسماعیل / ۳۴۹  
 کسان، اصغر / ۲۳۳، ۲۳۵  
 کسروی، احمد / ۱۸، ۹۰، ۱۲۹  
 کشاورز، فریدون (دکتر) / ۱۰۶  
 کلی، هنری / ۲۹۰

## فلچروارن / ۲۲

فلسفی، نصر الله / ۳۵۳  
 فیروزیان، غلامرضا / ۱۷۵، ۲۱۳

## ق

قاسم، عبدالکریم / ۲۶۷  
 قاموس، مرتضی / ۲۷۵  
 قدیمی، ولی الله / ۲۷۳، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳  
 قره گزلو، محمد / ۶۲  
 قریب، غلامعلی / ۶۳  
 قریب، محمد (دکتر) / ۳۴۶  
 قشقائی، جهانگیر خان / ۲۱۷  
 قطب، حبیب الله / ۶۲  
 قمی، آقا حسین / ۹۰  
 قمی، مهدی / ۲۷۵  
 قنائیان، علی / ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۸۶،  
 ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۴۳، ۳۴۹  
 قنات آبادی، شمس الدین / ۱۸، ۱۱۴، ۱۱۵،  
 ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۷۳، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۰  
 قناد، علی اصغر / ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۵۸،  
 ۲۵۹، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۴۹، ۳۵۱،  
 ۳۵۰، ۳۶۴، ۳۸۰  
 قندهاری / ۵۳  
 قندهاریان، ابوالقاسم (مهندس) / ۵۲، ۶۰  
 قندی، ناصر / ۲۶۳، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۵  
 قوام، احمد / ۸، ۲۱، ۳۴، ۴۲، ۵۷، ۸۹، ۱۱۳،  
 ۱۲۸  
 قوانینی / ۱۶۱، ۲۲۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۸۹

- کمالی سبزواری، سید ابوالفضل / ۳۰۱، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۵
- کندی، ادوارد / ۲۹۰، ۲۶۹
- کندی، جان. اف / ۲۹۰
- کنعان زاده / ۲۰۶، ۲۰۵
- کنعان زاده، فریدون / ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۹۱، ۳۶۹
- کوکو، رحیم / ۱۵۱، ۱۵۲
- کوليج / ۲۹۰
- کوهنک، کریم / ۶۳
- کیانفر / ۲۶۰، ۲۶۳
- کی پور، ابوالقاسم / ۶۲
- گ
- گازری، حاج ابوالقاسم / ۲۳۱، ۲۳۲
- گرامی، حسن / ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۹۱
- گرامی، محمد علی / ۱۵۸، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۸۶
- گرزن، عباس (سرلشکر) / ۲۳۷، ۳۳۵، ۳۳۸
- ۳۵۸، ۳۶۱
- گریدنی / ۳۷۹
- گلبرگی / ۲۱۶
- کلبایگانی / ۸۸
- گلچین، علی محمد / ۱۴۹
- کنجهای، جواد / ۱۹۲
- گودرزی نیا، محمد / ۶۲
- گوشه گیر، موسی (دکتر) / ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۵۸
- ۱۶۱
- گولدواتر / ۲۹۰
- ل
- لاجوردی، عباس / ۳۴۹
- لاجوردی، محسن / ۱۰۶
- لبیبی، علی / ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷
- لشگری / ۲۵۰
- لطفی، عبدالعلی / ۹۲، ۱۰۹
- لنکرانی، مصطفی / ۱۴
- لنین / ۶۱
- لیدن / ۲۷۴
- لینکن، آبراهام / ۲۹۰
- م
- مارکس / ۶۱
- ماسکی، ادموند / ۲۹۰
- ماشاءالله اخباری / ۲۴۶، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۴۹، ۳۵۰
- ماشینی، علی اصغر / ۲۴۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳
- ماقی، رحیم / ۶۳
- مالتیک، پاکوب / ۱۶
- مالنکوف / ۳۶۰
- مانسفیلد، مایکل / ۲۹۰
- مبصر (سرتیپ) / ۳۱۹
- متین دفتري (دکتر) / ۲۵۱، ۳۳۹
- مجاهد، سید عبدالسلام / ۱۰۲
- مجدالملک، سینکی، / ۴۲
- مجدزاده، بهرام / ۱۹۲
- مجلادنزاد، قاسم / ۷۹
- محرابی، حاج قاسم / ۳۴۳

- محرر، محسن / ۶۲  
 محسنی (آیت الله) / ۲۱۵  
 محمدعلی شاه / ۲۰۴  
 محمدی / ۳۴۵، ۲۵۰  
 محمدیان / ۵۶، ۵۵  
 محمدی، جمشید / ۶۲  
 محمدی، رضا / ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۹۱، ۲۹۶  
 ۳۵۰، ۳۴۹  
 محمدی شکری / ۳۸۰  
 محمدی، علی / ۱۵۱  
 محمودی، ابراهیم / ۶۲  
 محمودی، جمشید / ۲۳۵  
 محمودی (سرتیپ) / ۱۷۸  
 محوی (سرلشکر) / ۱۹۱  
 مدرس، سیدحسین (دکتر) / ۳۸۰، ۳۶۹، ۲۲۸  
 مدرس، علی اصغر / ۶۷  
 مدرسی / ۳۷۷  
 مدنی، علی / ۲۳۳  
 مرعشی نجفی، سید شهاب الدین / ۱۷  
 مروی، محمد / ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۵۰  
 ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۲۷، ۳۴۳  
 ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۸۰، ۳۸۱  
 مزینی، علی اصغر (سرتیپ) / ۱۰۴، ۱۰۱، ۹  
 مستان، احمد / ۲۸۱  
 مستر کریوان / ۷۹  
 مستوفی الممالک / ۴۲  
 مستوفی، غلامحسین / ۱۴۹  
 مسعودی، عباس / ۲۶۲  
 مسعودی، محمدعلی / ۲۹۵  
 مشار / ۹  
 مشارالملک، حسن / ۳۷۹  
 مشگین، محسن / ۶۲  
 مشهدی حسین، رضا / ۶۲  
 مشیری، هوشنگ / ۹۳  
 مصدق، احمد / ۸  
 مصدق، محمد (دکتر) / ۸، ۹، ۱۰، ۲۲، ۳۴، ۴۵  
 ۵۷، ۵۲، ۶۳، ۷۷، ۸۱، ۸۵، ۹۲، ۹۵، ۱۳۶، ۱۶۰  
 ۱۷۰، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۳۷، ۲۵۶، ۳۱۲، ۳۱۳  
 ۳۲۸  
 مصطفوی (سرتیپ) / ۲۰۳  
 مصطفوی، سید علی / ۲۰۵، ۲۳۱، ۲۹۱، ۲۹۸  
 ۳۴۹  
 مصطفوی کاشانی، سیدابوالحسن / ۲۳۲  
 مصطفوی کاشانی، سیدباقر / ۲۹۱، ۳۴۹، ۳۴۷  
 مصطفوی کاشانی، سید محمود / ۳۴۹، ۳۵۰  
 ۳۷۳  
 مصطفوی کاشانی، سیدمصطفی / ۱۷۱، ۱۷۳  
 ۲۲۱  
 مصور رحمانی، غلامرضا (سرهنک) / ۱۰۱  
 مصور رحمانی، مرتضی / ۸  
 مطوف / ۳۸۰، ۳۸۲  
 مظفرالدین شاه / ۴۲  
 مظفرالدین میرزا / ۱۵۹  
 معتمد السلطنه، ابراهیم خان / ۴۲  
 معتمد الشریعه، محمد / ۳۵۷  
 معتمد، عباس / ۳۴۳

|                                          |                                        |
|------------------------------------------|----------------------------------------|
| معدلی / ۳۶۶                              | ملک آرا، شمس / ۱۸۵                     |
| معرب، سید محمدرضا / ۲۸۱                  | ملک مدنی / ۱۷۲                         |
| معصومی / ۳۸۱، ۳۶۹، ۲۲۸                   | ملک مطیعی، محسن / ۲۱۰، ۲۱۱، ۳۶۹        |
| معصومی، علی / ۲۲۳، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴         | ملکی / ۳۴، ۶۳                          |
| معصومی، غلامعلی / ۳۶۹                    | ملکی، احمد / ۹، ۱۰                     |
| معظمی، عبدالله (دکتر) / ۱۹۲، ۲۳۰، ۲۳۶    | ملکی تبریزی، خلیل / ۳۴، ۴۴، ۵۲، ۶۰، ۶۱ |
| معقول، عبدالله / ۱۰                      | ملکی، ۶۳، ۷۷، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۳، ۳۲۰       |
| معین الدینی کرمانی / ۲۹۱                 | ملهی، حسن / ۲۵۴، ۲۹۲                   |
| معین فر، مجتبی / ۲۵۳، ۲۵۰، ۲۲۸           | ممتاز، عزت الله (سرهنک) / ۱۰۱          |
| معین فر، محمدجعفر / ۲۲۸، ۲۲۳، ۲۵۳، ۲۵۶   | منتصر / ۲۶۳                            |
| ۲۶۴، ۳۵۱                                 | منجم اصفهانی / ۲۳۳                     |
| معین، محمد / ۱۶۳                         | مدرس، عدنان / ۲۸۹، ۳۱۲                 |
| مغروری (سرتیپ) / ۹۹                      | منزه (سرتیپ) / ۱۰۱، ۱۰۴                |
| مقبلی (سرلشکر) / ۵۵، ۵۶                  | منشی زاده، داود / ۲۱                   |
| مقدس زاده، سید محمد / ۲۹۱، ۳۰۴           | منصورالسلطنه / ۵۷                      |
| مقدسیان، شیخ محمد / ۲۵                   | منصور، حسنعلی / ۲۲۲                    |
| مقدم (سرهنک) / ۲۳۵، ۲۴۶، ۲۵۹، ۳۰۰        | منهاجی، منصور / ۶۲                     |
| مقدم مراغه‌ای، فضل الله (سرهنک) / ۲۴۹    | موجی، علی / ۶۳                         |
| ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۴۹، ۲۹۸                  | موحد، علی / ۶۲                         |
| مقدم، ناصر (سپهبد) / ۵۷، ۲۵۵             | موحد، محسن / ۲۶۴                       |
| مک کارتیسیم / ۲۳۰                        | موحدی، جمشید / ۲۶۴                     |
| مک گاورن، جرج / ۲۹۰                      | موسوی زادگان / ۳۷۳                     |
| مک میلان / ۲۶۱                           | موسوی واعظ، سید محمد / ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۵   |
| مکی، حسین / ۷، ۹، ۱۲، ۱۸، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۳۶ | ۱۲۷، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۲۱                     |
| ۴۷، ۶۱، ۸۳، ۸۵، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۹۱  | موقر، (دکتر) / ۵۳                      |
| ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۱۱، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۲۵، ۳۵۸   | مولایی / ۱۷، ۳۴۸، ۳۷۳                  |
| ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴                            | مولوی / ۳۶۴                            |
| ملتزمی / ۲۶۰                             | مولوی (سرگرد) / ۳۷                     |

- مولوی (سرہنگ) / ۳۶۵  
 مہاجرانی / ۳۲۵، ۳۲۰  
 مہاجرانی، عباس / ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۲۲، ۲۲۰  
 مہام، موسیٰ / ۲۶۳، ۲۳۶  
 مہدوی / ۱۸۵  
 مہدوی، (مہندس) / ۲۶  
 مہران، (دکتر) / ۲۷۹  
 میدلتن / ۱۱۳  
 میردامادی، حسین / ۳۷۳، ۳۴۹  
 میرزا کوچک خان / ۱۶  
 میر عمادی، کاظم / ۳۶۵، ۳۴۹، ۵۴، ۵۳  
 میریان، محمد تقی / ۲۸۱  
 میلانی، سید محمد ہادی (آیت اللہ) / ۲۳۶  
 میلیسپو / ۳۷۹  
 میمند (سر تپ) / ۲۳۵  
 مینو / ۳۰
- ن
- نائینی، میرزا حسین / ۲۸۳  
 ناجی، احمد / ۲۱۵  
 ناجی، محمد حسین / ۲۱۵  
 ناسقا، احمد / ۱۴۰  
 ناصر الدین شاہ / ۱۲۹  
 ناصری، فرامرز / ۳۵۴، ۳۵۱  
 ناصری کرمانی، احمد / ۲۳۱، ۲۲۳، ۱۶۱  
 نیکسون، ریچارد / ۲۹۰، ۳۶۱، ۲۳۵  
 ناطق الاسلام یزدی / ۳۵۷  
 ناظرزادہ کرمانی، احمد (دکتر) / ۱۱۵، ۱۱۴
- ۱۷۲، ۲۱۱، ۳۴۹، ۳۶۱  
 نجاتی، غلامرضا (سرگرد) / ۱۰۱  
 نجم آبادی / ۳۶۶  
 نجمی، ناصر / ۳۰۹  
 نجیب (سر لشکر) / ۷۷  
 نریمان / ۹  
 نعمت اللہ نصیری (ارتشبد) / ۲۹۶، ۲۵۵، ۳۷  
 نعمت الہی (دکتر) / ۵۴، ۵۳  
 نعمت زادہ، علی / ۳۴۳، ۲۹۲، ۲۹۱  
 نعمتی / ۹۹  
 نفیسی، لقمان / ۱۸۳  
 نواب صفوی، سید مجتبیٰ / ۱۳۱، ۱۱۵، ۱۸  
 ۱۷۵، ۱۹۰، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۵، ۳۷۹  
 نواب صفوی، سید محمود / ۸۹  
 نوایی (سرہنگ) / ۱۲۷  
 نور آمیز، علی / ۳۵۷  
 نوربخش، علیرضا / ۵۴، ۵۳  
 نورزاد، محسن / ۳۶۳، ۶۲  
 نوری / ۳۷۳  
 نوری سعید / ۲۹۰  
 نوری، شیخ بہاء الدین (آیت اللہ) / ۲۳۲  
 نورزاد، فریدون / ۸۸  
 نوین، عبدالحسین / ۶۲  
 نیرومند، منوچہر / ۳۶۲، ۳۶۱  
 نیکخوا، امیر / ۶۲  
 نیکسون، ریچارد / ۲۹۰  
 نیک مراد، مہدی / ۲۱۵  
 نیک نفس کرمانی / ۳۴۳

## و

- هاشمی یزدی / ۲۶۱
- هادیت (تیمسار) / ۲۳۵، ۲۳۶
- هرندی کرمانی / ۲۲۳، ۲۷۰
- هشیر، عبدالحسین / ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۹۰، ۱۲۸، ۱۲۹
- هشترودی (سرهنک) / ۲۶۱
- همفری، هوبرت / ۲۹۰
- هومن، احمد (دکتر) / ۲۱
- هوور / ۲۹۰
- هیتلر / ۸۴
- هیراد / ۲۰۲
- واثق، احمد / ۳۱۶
- واثق (سرهنک) / ۸۱
- واحدی، حسین / ۱۹۰
- واحدی، سید محمد / ۱۳۰
- واحدی، عبدالحسین / ۲۵۰، ۲۵۱
- والاحضرت اشرف / ۲۶۰
- والا، عبدالله / ۲۶۲
- والی زاده، پرویز / ۲۱۱، ۳۴۹، ۳۵۰
- وثوق الدوله / ۱۵۹
- وثوقی، ناصر / ۵۲، ۶۰
- وحیدی / ۲۸۹، ۲۸۰
- وحیدی، سید حسن / ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۵۳، ۲۸۶
- ۳۸۰، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۸، ۳۵۰، ۳۵۸، ۳۶۴

## ی

- یاسائی، احمد / ۲۳۵، ۳۷۲
- یاسائی، محمود / ۲۳۵
- یاسری، حسن / ۳۸
- یزدانیان، مسعود / ۳۴۷، ۳۵۲
- یزدپور، اسماعیل / ۲۴۶، ۲۸۶، ۲۹۱، ۲۹۵
- یعقوب پور، علی / ۳۶۶
- یعقوب زاده، محمد / ۲۰۹
- یکتائی، مجید / ۸
- یوسفی زاده، محمد علی / ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۸۹
- ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۸
- ۳۴۹، ۳۶۱، ۳۴۹
- هاتفی / ۲۶۳
- هاردینگ / ۲۹۰
- هاشمی / ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۷۷
- هاشمی، احمد / ۳۴۹
- هاشمیان / ۶۲
- هاشمی جماران (دکتر) / ۳۶۶
- هاشمی، سید صادق / ۲۸۴، ۲۸۵



ضمائم







رکن دوم

شعبه ۲

شماره .....

# وزارت دفاع ملی سپاد ارتش

جناب آقای علی زاهدی

بفرمان مطاع شاهانه به پاس فداکاری هائیکه در قیام ملی ۲۸ مرداد  
ابراز داشته اید بآعطاء بآ قطعۀ نشان رستاخیز درجه ( یک )

مفتخر میگرددید .

رئیس سپاد ارتش - سر لشکر بهمنقلیچ



۱- اطلاعات مربوط به اوقات ملاقات با پزشکان

در تاریخ ۲۰/۸/۸۰

به دارای به کار زمان در اصفهان بوده و شعبات و حوزه های تدارک جینی گنای اعنا

در حدود ۶۰۰ نفر می باشد

۲- روسا و همکاران و متنفذین آن بین نفرات آیان (دکتر اورنگ - میرمادی کارمند فزونی)

دکتر نعمت الهی - شفیق زاده - زمین اعیان بدین شکوه - علیرضا نوربخش

به درجه نفوذ سازمان در مردم عادی کم و در نزدیکیان قابل ملاحظه است - در کارگران

و کشاورزان و روحانیون متوسط است

۳- اقدامات و فعالیتها اینکه تاکنون انجام داده اند

از اوقات جذاب آقای دکتر مصدق در مقام سخنرانیه و اجتماعات پختیبدان و از اوقات و جری

میباشد بوده ابراهیم نورمحمد اند

۴- از برنامه اتو آنها فعلی الامانی در دست نیست

۵- الامانی در گزاره روسا و همکاران آنها که تاکنون کم گردیده است

دکتر نعمت الهی (استاد دانشگاه تهران میباشد) - دکتر اورنگ (رئیس سابق سپه اری)

اهل ایل پختیار میباشد (شفیق زاده) جز به تعداد ۲/۳ و با ناماعوان یا تاد

ملی بوده است - زمین اعیان بدین شکوه (دانش آموز دبیرستان ادب میباشد)

علیرضا نوربخش (به کارمند پختیار ۷ میباشد)

مهر ۵۵۸  
CH/1K

شماره  
تاریخ

((موضوع))

موضوع

روزنامه شماره ۱۰۱۰/۱۰/۱۳۹۱ - شماره ۱۰۱۰/۱۰/۱۳۹۱ - شماره ۱۰۱۰/۱۰/۱۳۹۱ - شماره ۱۰۱۰/۱۰/۱۳۹۱

تاریخ روزنامه: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

۱- ... ۲- ... ۳- ... ۴- ... ۵- ... ۶- ... ۷- ... ۸- ... ۹- ... ۱۰- ...

۱۱- ... ۱۲- ... ۱۳- ... ۱۴- ... ۱۵- ... ۱۶- ... ۱۷- ... ۱۸- ... ۱۹- ... ۲۰- ...

۲۱- ... ۲۲- ... ۲۳- ... ۲۴- ... ۲۵- ... ۲۶- ... ۲۷- ... ۲۸- ... ۲۹- ... ۳۰- ...

۳۱- ... ۳۲- ... ۳۳- ... ۳۴- ... ۳۵- ... ۳۶- ... ۳۷- ... ۳۸- ... ۳۹- ... ۴۰- ...

۴۱- ... ۴۲- ... ۴۳- ... ۴۴- ... ۴۵- ... ۴۶- ... ۴۷- ... ۴۸- ... ۴۹- ... ۵۰- ...

۵۱- ... ۵۲- ... ۵۳- ... ۵۴- ... ۵۵- ... ۵۶- ... ۵۷- ... ۵۸- ... ۵۹- ... ۶۰- ...

۶۱- ... ۶۲- ... ۶۳- ... ۶۴- ... ۶۵- ... ۶۶- ... ۶۷- ... ۶۸- ... ۶۹- ... ۷۰- ...

۷۱- ... ۷۲- ... ۷۳- ... ۷۴- ... ۷۵- ... ۷۶- ... ۷۷- ... ۷۸- ... ۷۹- ... ۸۰- ...

۸۱- ... ۸۲- ... ۸۳- ... ۸۴- ... ۸۵- ... ۸۶- ... ۸۷- ... ۸۸- ... ۸۹- ... ۹۰- ...

۹۱- ... ۹۲- ... ۹۳- ... ۹۴- ... ۹۵- ... ۹۶- ... ۹۷- ... ۹۸- ... ۹۹- ... ۱۰۰- ...

۱۰۱- ... ۱۰۲- ... ۱۰۳- ... ۱۰۴- ... ۱۰۵- ... ۱۰۶- ... ۱۰۷- ... ۱۰۸- ... ۱۰۹- ... ۱۱۰- ...

۱۱۱- ... ۱۱۲- ... ۱۱۳- ... ۱۱۴- ... ۱۱۵- ... ۱۱۶- ... ۱۱۷- ... ۱۱۸- ... ۱۱۹- ... ۱۲۰- ...

۱۲۱- ... ۱۲۲- ... ۱۲۳- ... ۱۲۴- ... ۱۲۵- ... ۱۲۶- ... ۱۲۷- ... ۱۲۸- ... ۱۲۹- ... ۱۳۰- ...

۱۳۱- ... ۱۳۲- ... ۱۳۳- ... ۱۳۴- ... ۱۳۵- ... ۱۳۶- ... ۱۳۷- ... ۱۳۸- ... ۱۳۹- ... ۱۴۰- ...

۱۴۱- ... ۱۴۲- ... ۱۴۳- ... ۱۴۴- ... ۱۴۵- ... ۱۴۶- ... ۱۴۷- ... ۱۴۸- ... ۱۴۹- ... ۱۵۰- ...

۱۵۱- ... ۱۵۲- ... ۱۵۳- ... ۱۵۴- ... ۱۵۵- ... ۱۵۶- ... ۱۵۷- ... ۱۵۸- ... ۱۵۹- ... ۱۶۰- ...

۱۶۱- ... ۱۶۲- ... ۱۶۳- ... ۱۶۴- ... ۱۶۵- ... ۱۶۶- ... ۱۶۷- ... ۱۶۸- ... ۱۶۹- ... ۱۷۰- ...

۱۷۱- ... ۱۷۲- ... ۱۷۳- ... ۱۷۴- ... ۱۷۵- ... ۱۷۶- ... ۱۷۷- ... ۱۷۸- ... ۱۷۹- ... ۱۸۰- ...

۱۸۱- ... ۱۸۲- ... ۱۸۳- ... ۱۸۴- ... ۱۸۵- ... ۱۸۶- ... ۱۸۷- ... ۱۸۸- ... ۱۸۹- ... ۱۹۰- ...

۱۹۱- ... ۱۹۲- ... ۱۹۳- ... ۱۹۴- ... ۱۹۵- ... ۱۹۶- ... ۱۹۷- ... ۱۹۸- ... ۱۹۹- ... ۲۰۰- ...

۲۵ - شهریور ماه ۱۳۳۱

خلاصه گزارش در خصوص ششپایان و زلزله مورخ ۱۳۳۱/۶/۲۲

ساعت ۱۷ روز ۲۲ ماه جاری مده ای از افراد حزب زحمتکشان منزل عباس و  
 جمشید سهراس ریخته در ب منازل را شکسته پس از تخریب وفارت اثاث  
 مقداری لوازم منزل را آتش زده اند در همین موقع دستگیر دیگر از افراد حزب  
 ملهور منزل مصطفی رشیدیان حمله ور در آنجا هم مشغول شکستن وفارت  
 کردن اثاثیه بوده که مأمورین انتظامی سر رسیده ماجراییان را متعجب  
 و دو نفر از محرکین را دستگیر نموده اند مجدداً ساعت ۱۰ روز ۲۲ جمع ...  
 کتبی از افراد حزب مذکور منزل مرتضی رشیدیان حمله ور و خسارت زیادی  
 بنامبرده وارد آورده و صاحب منزل را ندیده مجروح نموده اند که بلا ...  
 لایحه مأمورین انتظامی در آنجا حاضر ۱ نفر از مجرمان و ۱ را دستگیر و ...  
 تحت پیگرد قرار داده اند .

ممکن است افراد ملهور مجدداً دست بخوابانریانی بزنند و مأمورین انتظامی  
 مراقبت کامل جهت حفظ انتظامات و جلوگیری از اعمال آنان مینمایند .

۱۳۳۱/۶/۲۵  
 ۱۰۵

۲- اسفند ماه ۴۱

خلافت گزاران و مفسدین در زمیل مورخ ۳۱/۱۲/۴۱

از موقع تشکیل حزب زحمتکشان در زمیل این افراد حزب مزبور و خوانین  
 اختلاف ایجاد و اتحاد مبارزه و زد و خورد بوده و افراد حزب شروع  
 به دعاهرات میکنند و روز ششم ماه جاری احمد و امیرچینی سازد و موقع  
 جلب با تارک بر تیر گذشتی محله و قسده انداختند در تیر کشیدن ایجاد  
 نمایند که مامورین انتظامی در محل حاضر و نفر مزبور را دستگیر و محاکمه  
 بازداشت میباشند و مراتب پرماتنداری و یادگان استخراج داده اند  
 و خانه حزب در تعلیم امور شهره خالت و تیر در حال اشغال است  
 بعد از بازداشت و نفر مزبور افراد حزب زحمتکشان برای مزبور کردن  
 نام ریائی و اتحاد نام من و ماسداتی در سده سده حضور محل خوانین رفت  
 با چوب و سیم آهنی شروع بزد و خورد نمودند و مامورین انتظامی در محل  
 حاضر و بعد از تیر اندازی نام اراغی و زده نفر را دستگیر و بعد از بازداشت  
 محضند و متعلقه را سر و بچه را بیا میان محضند و نمیشود با حضور  
 پرماتنداری و پرماتنداری یادگان و مفسدین و ماسداتی و شروع در قبول نصب  
 به برتری امنیت محکوم شد و مامورین انتظامی در سده سده انداختند

۳۱/۱۲/۴۱

۱۰۹۱



# وزارت دفاع ملی

سازمان ارتش

اداره

رکن اشباحه

دائرة

شاره

رواست مجلس شورای اسلامی

در باره :

آقایان و سران و غیره که در این رساله اخیر ذکر گردیده اند متشخص است  
کاربرد آنها و در قطعه عکس از هر یک از آنها و ارسال و آوردن آنها به این  
وزارت و اعلام مربوطه اقدام گردد.

۱ - آقای سواد زاده      ۲ - آقای احمد بهادری

۳ - آقای قاضی حادی      ۴ - آقای احمد طواری

۵ - آقای عبد الرحمن      ۶ - آقای میرزا حسن

۷ - آقای محمد قاضی      ۸ - آقای فتح الله

۹ - رده کد پیوسته

وزیر دفاع و رئیس سازمان ارتش





از

اداره

دائرة

وکلای قضاییه

شماره

۱۰۴۱۸

وزارت بهداشت  
معاونت امور درمان

جناب آقای  
معاونت امور درمان

محرمه مستقیم

در باره :

بیمه درمان

بدینوسیله به اطلاع شما رسانیده می‌گردد که به موجب مصاحبه

به جهت بررسی اعتبار کسب شده است که به اطلاع شما رسانیده می‌گردد

آنها اعلام فرمایند.

وکیل سنده آرشیو - سرشناسی با نام و نام خانوادگی



● 2014 年 12 月 1 日起，所有在境内销售货物或提供应税劳务、服务的企业，均须按照《办法》规定，通过增值税发票管理系统开具增值税专用发票。

955-564-1188 Fax: 955-564-1189

از کسین امدای امتیازات غیر نظامیان

مرباسته مقدار ارتش (۲ کتی)

کمیون در روز ..... تشکیل و متعاقب تصویب نمودند که  
آقایان ..... به آقای

که در روز ۲۸ مرداد فعالیتها و خدمات مهی انجام داده اند يك قطعه

اعطاء کرد۔  
رئیس کے بیرون - سر اسکرولہ حسین

کارمند بدست آمدن به وقت شاد اندک و به وقت شاد خند زنا به وقت شاد آه و به

## گزارش:

از: ۲۲۲۰

درباره: آقای مصیر رفیع زاده رئیس نمایندگی تهران

مدیرعامل به عرض میرساند:

مطالعه:

موضوع: وضعیت پرونده افراد یهود شده به بالا.

ملاحظه:

برابر سوابق موجود یاد شده فوق از تاریخ ۲۶/۲/۲۰۲۶ مبلغ حزب زحمتکشان ملت ایران فعالیت داشته و یاد اکثر مظهریانی رهبر و بعضی از افراد رد بهایای حزب مزبور در ارتشها بود که هم چون دلیل پرونده افراد یهودی جمع و وی تشکیل گردیده است. مشارالیه در ۲۲ آبان سال مزبور قصد عزیمت به کشور آمریکا را داشته که ساواک با خروج وی موافقت و پس از چندین ماههای از آمریکا از وی اصل و تمسار معاونت یکم وقت ساواک مرقوم فرموده اند "مشارالیه از انجمن یهودان ساواک می باشد و در آمریکا تحصیل نموده است". با توجه به سوابق امرگله و مکاتبات مربوط به فوق و فیه الهی که مشارالیه با نظر مراد اوک در آمریکا منعقد داشته است و پرونده مزبور بایگانی و پرونده بهمان صورت گذاشته و در حال حاضر نیز موجود است. اینک جهت تکمیل پرونده افراد یهود شده در ارسال تاریخ ترتیب تغذیه پرونده مذکور در نظر می آید.

نظر به:

با توجه به اینکه مشارالیه قبلاً "مأمور ویژه بود و تشکیل پرونده مزبور به دلیل حفاظت عملیات در آن موقع تشکیل گردیده است و وجود این پرونده در حال حاضر که مشارالیه رئیس نمایندگی و کارمند رسمی سازمان می باشد ضروری بنظر نمی رسد و صورت تصحیب پرونده افراد یهودی باطل گردد و در خصوص این صورت اتخاذ هرگونه تصمیمی موکول بر آید.

۱۲: نمایندگی آمریکا

1. 70 : 5/6

تاریخ : ۲۸/۲/۱۱

مروء عطف

میرزا محمد باقر

! 0/4

ملک (۱۹۸۱ء) کے بارے میں ایک بار پھر دیکھیں۔ پاکستان آمیزش اور اجرائی

او امر بمرور گرفته است با تمام اسباب و مریضه در بهر وقت معجزه عظمی نماید و در ۱۰ روز است.

وَأَمْرٌ عَالِي رَأْسٍ بِتَابِعِهِ وَهَذَا مَذْهُبُ رَبَائِرِ نَهَابَنْدِ فِي إِبْلَاقِ فُرَايَدِ وَأَمْثَلِهَا رَأْيُ عَالِي أَسَدِ

*.. d-3 | .. n-d,*

محمد بن عبد الله  
ابن محمد بن عبد الله

*[Handwritten signature]*

شماره ثبت قطعی

شماره حسابداری

شماره سند تاریخ

| ردیف | تاریخ   | شرح                                                                                                  | مقدار  | بهای واحد |           | بهای کل |           |
|------|---------|------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------|-----------|-----------|---------|-----------|
|      |         |                                                                                                      |        | و         | ریال      | و       | ریال      |
| ۱-   | ۴۷/۳/۸۱ | خرید مشروب تبخیر<br>هرم بهر خان کرم کبابی<br>لبن سبزه بزرگ - ۱۰۰۰ ریال<br>دلا و شیرین برادرانی بستنی |        | ۴۲        | ۳۶۸۴ ریال | ۴۲      | ۳۶۸۴ ریال |
|      |         | جمع بهر عرف                                                                                          | جمع کل | ۴۲        | ۳۶۸۴ ریال | ۴۲      | ۳۶۸۴ ریال |

حسابداری  
سایر پرداختی  
نشانی کامل گیرنده فرجه نام  
ریس اداره  
ریال  
شهرت  
وینس بخش  
مخت  
ریس اداره  
آزاد  
امضاء

FIGURE 10. TOTAL ANCHORS

B07946

1944 FEB. 667-2020

|       |              |
|-------|--------------|
| PAY → | 755.00       |
|       | <u>21.67</u> |
|       | 776.67       |

PRODUCT \$ 22.65  
ORIGINAL INVOICE

11034-11043, 496921

919 / 19 *ميد*

# EMBASSY SALES DIVISION **SAMUEL MEISEL & COMPANY, INC.**

DATE 03/19/77  
 FROM NEW YORK 031 7540

3325 M STREET, N.W.  
 WASHINGTON, D.C. 20010

CABLE: "SAMSEI"

SHIP TO THE FOLLOWING ADDRESS FOR DELIVERY TO THE ADDRESSEE  
 (PLEASE PRINT NAME AND ADDRESS OF ADDRESSEE IN FULL)

ACCOUNT NUMBER

INVOICE NUMBER

32802451

Π-170939

801947

TO  
 MR.  
 MONSIEUR RAFFAZZOLI, ATTACHE  
 U.N. MISSION OF IRAN  
 622 THIRD AVENUE (34TH FL.)  
 NEW YORK, N.Y. 10017

DATE MAY 1977

ISABEL 697-2020

17-16-77

| QUANTITY | PACK | SIZE | DESCRIPTION                 | UNIT PRICE | EXTENDED PRICE |
|----------|------|------|-----------------------------|------------|----------------|
| 5 CS     | 10   | CINS | WINSTON KING SIZE COG.      | 35.00      | 175.00         |
| 5 CS     | 12   | MOZ  | JOHNNIE WALKER BLACK LABEL  | 84.00      | 420.00         |
| 2 CS     | 12   | STHS | MAC BRUT IMPERIAL CHAMPAGNE | 93.00      | 186.00         |

*W.E. 1/10/77*  
*1000 3113*

PAY → 781.00

*23.43*  
*757.57*

IF PAID BY 01-16-77

AMOUNT \$ 23.43

FROM TOTAL ABOVE

ORIGINAL INVOICE





شماره ۱۷۷/۱۰۱

تاریخ ۱۰/۱۲/۱۳۴۷

نخست فیزی

پیوست

سازمان اطلاعات رتبه



ریاست بانک مرکزی

خواهشمند است مقرر فرمایند از محل پرونده های ارزی این  
سازمان در مقابل دریافت وجوه مالی آن مبلغ چهار هزار و پانصد  
و نود و هشت دلار و پانصد و پنجاه و پنج سنت ( ۴۰۹۸ / ۵۵ ) به آلبانی  
منصور رفیع زاده ( شرق آمریکا ) نیویورک تلگرافی حواله فرمایند .

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور ، ارشد نخبی

# بانک مرکزی ایران

برگه داخلی

تاریخ ۲۷/۳/۱۰

۸/ ر

شماره حواله تلگرافی ۴۴۳۹ تاریخ حواله ۲۸/۵/۳۱

بابت آقای منصور رفیع زاده  
بموجب نامه شماره ۱۰۶/۸۷۷ مورخ ۳۷/۳/۱۰ خزانه دار بنگل  
حواله دهنده سازمان اطلاعات و امنیت کشور  
نوع ارز دلار

بدفعکار حساب جاری شماره درویشند دریافتی نام  
بستانکار حساب شماره

بانک ملی - تبریز

| شرح                                      | مبلغ به ارز            | نرخ    | مبلغ به ریال |
|------------------------------------------|------------------------|--------|--------------|
| مبلغ حواله                               | ۹۵۶۸/۵۵                | ۱۰/۶۰۰ | ۳۴۴۶۵۸       |
| حق ثبت سفارش                             | درصد نسبت به مبلغ      |        |              |
| کارمزد بانک و سیم                        | در هزار و نسبت به مبلغ |        | ۴۸۷          |
| هزینه پست/تلگرام                         |                        |        | ۱۵۰۰         |
| سازاد (به بستانکار حساب شما منظور گردید) |                        |        |              |
| جمع                                      | ۱۹۶                    |        |              |
| کسر میشود مبلغ                           | ۱۳۷/۲۱                 |        |              |
| مبلغ به ریال                             |                        |        | ۳۴۳۲۸۸       |

(مبلغ به دست و ده هزار و شصت و

به پست یک برگ رویش به بانک ملی ایران ارسال می شود.  
(در صورت تفاوت حواله با دستور صادر آن (بازبانک را آگاه می نماید)  
(این بانک و کارگزاریهای مسئول اشتباه و تأخیر در جابه و تحویل تلگرام صادر و تعقیب می شود)

اداره معاملات ارزی

شماره ۸۷۸/۱۰۱  
تاریخ ۲۵۴۷/۳/۱۰  
پیوست



نخستین وزیر  
وزارت امور خارجه

دریافت شد  
۱۳۰۳/۳/۲۵

ریاست بانك مركبى

خواهشمند است مقرر فرمایند از محل پروانه‌های ارزی این  
سازمان در مقابل دریافت وجه ریالی آن مبلغ سه هزار و شصت  
و هشتاد و چهار دلار و چهار و دو سنت (۳۶۸۴/۴۲) به آقای  
منصور رفیع زاده (شرق آمریکا) نیویورک تلگرافی حواله فرمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، ارتشید نصیری

۱۳۰۳/۳/۲۵  
رئیس زاده

۳۱۲۸۱

# بانک مرکزی ایران

برگه داخلی

۲۷/۳/۱۰

ر / ۸

شماره حواله ۴۲۳۸ - تکوینی تاریخ حواله ۲۸/۵/۲۰۱

آقای منصور رفیع زاده

بابت

موجب نامه شماره ۱۰۱/۸۷۸ مورخ ۲۷/۳/۱۰ خزانه دار کل

حواله دهنده سازمان اطلاعات و امنیت کشور

نوع ارز دلار

به حکار حساب جاری شماره دریافتی نقدی بنام

بستانکار حساب شماره

بانک ملی - نیویورک

| شرح                                      | مبلغ به ارز          | نرخ    | مبلغ به ریال |
|------------------------------------------|----------------------|--------|--------------|
| مبلغ حواله                               | ۳۱۸۴/۴۲              | ۷۰/۶۰۰ | ۲۱۰۱۲۰       |
| حق ثبت سفارش                             | درصد نسبت به مبلغ    |        |              |
| کارمزد ۱/۵                               | دو هزار نسبت به مبلغ |        | ۳۹۰          |
| عزیمه پست/تلفگرام                        |                      |        | ۱۵۰۰         |
| مازاد (به بستانکار حساب شما منظور گردید) |                      |        |              |
| جمع                                      | ۱۴۲                  |        |              |
| کسر شود مبلغ                             | ۲۷/۳/۱۰              |        |              |
| مبلغ به ارز                              |                      |        | ۲۶۲۰۱۰ ریال  |

( دو بیست و شصت و دو هزار و ده ریال )

اداره معاملات ارزی

بمبادرت یک برگ روشت حواله برای آگاهی شما فرستاده میشود.  
( در صورت ضرورت حواله با دستور جدول آن این بانک را آگاه فرمائید.  
( این بانک و اگر گواهی مسئول اشتباه و تأیید برده بخار و تعویذ تلفگرام صادر نمیشاند.



نخست وزیر

سازمان اطلاعات و ایزت کشور

ت. ۱۰۰۰۰۰۰۰

اربع

شنبه

سازمان اطلاعات و ایزت کشور

سازمان اطلاعات و ایزت کشور

گرفته

فرستاده

مستند

پیوست

پیوست

کوارش

موضوع: معسور رفیع زاده فرزند محمد

نامبرده بالا که از افراد فعال حزب زحمتکشان و عضو حوزه ۲ دانشگاه بوده است در تاریخ ۱۵/۸/۳۵ با تمام اغلال در نظام صوبی از اراضی قریب فرمندی نظامی سابق تهران دستگیر و با سپردن تعهد و التزام آزاد شده است .  
مشارالیه در ۲ آبانماه ۳۸ جهت تکمیل تحصیلات با آمریکا مسافرت و در آنجا دست به عملیات ناشایست منجمله کشیدن چکهای بی محل زده است .  
بطوریکه از افراد پرونده برمیآید وی سه مرتبه از آمریکا وسیله تلفن باد کتر بقائی صحبت نموده و -  
دکتر بقائی از او درباره تسدھی نام و غسروشاهی سؤالاتی نموده است .  
ضمناً بطوریکه تمسار معاونت یکم ساواک مرقوم فرموده اند مشارالیه از دانشجویان ساواک میباشد که در آمریکا تحصیل مینماید و اخیراً بنایه پیشنهاد سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران با همکاری سدهی در اندیشهات سازمان ( دانش و یان ایرانی مأمیر آمریکا ) شرکت نموده وسدهی مزبور -  
به ریاست انجمن انتداب و مشارالیه نیز غرض و تم بوده است .  
مرااتب جهت استحضار به عرض رسید .

۹۰۱۱۲۱

معاونت یکم ساواک

تاریخ: ۱۵/۸/۳۵



۲

بهرحال باید سراغ آن اسلحه را از ایشان بگیریم. اچنانکه ایشان تسلیم نه محال است  
 راه خط و در هر غلط بگویند بدینند! انرا هم محفوت است محفوت است محفوت است  
 و این است اینم چقدر فعالیت با مشاب انرا هم محفوت است محفوت است محفوت است  
 لغزین را جمع کردیم و در این شبهاست میدانند! هر شب تعارض با محفوت است  
 با پیدا کردیم و حجاب کردیم محفوت است محفوت است و محفوت است محفوت است  
 بهرحال در این شبهاست در این آتیه دفعه یار و بهرحال در این شبهاست  
 در این شبهاست در این شبهاست در این شبهاست در این شبهاست  
 محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است  
 اگر این باشد لغز این تا که سراسر محفوت است محفوت است محفوت است  
 شاید محفوت است و ناواقف شاید محفوت است از این باشد که نام از آنها برود نشد یا  
 اگر مشغول زیاد لغز است و اگر اسلحه تسلیم نه محفوت است محفوت است محفوت است  
 آیت الله که مشغول در کتب لغز محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است  
 و لغز بهرحال اگر لازم باشد با کمال احتیاط محفوت است محفوت است محفوت است  
 از آنکه نام محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است  
 محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است محفوت است

منصور رفیع راز

۳ تیر ۱۳۴۲

MANUSCRIPT  
 OF THE  
 PROCEEDINGS OF THE  
 1342

تکلیف نه  
 تاسیس  
 ۱۳۴۲



محنت وزیر کی  
سازمان اطلاعات و اینتر کسٹور  
س. ا. و. ا. ک.  
گرو انوٹر اعلیٰ تعلیمات و اعلیٰ

شمارہ ۱-۱/۱۱۱۱

تاریخ جاریہ

تاریخ منسوخ اخیر ۲۸/۶/۱۱

تاریخ منسوخ اخیر ۲۸/۶/۱۱

موضوع: اطلاقاتہائی د کٹر ہائی

محل: شہرہائی

محل: شہرہائی

موضوع: شہرہائی

تاریخ: ۱۱

منسوخ شد از اطلاقیہ شمارہ ۱-۱/۱۱۱۱ مورخ ۲۸/۶/۱۱

مبتداً لہذا، صفت ۸۶۰ معد از گھر د کٹر ہائی، توسطہ ظاہر عدت د قیامہ با مشورہ رفیع زار د کٹر ہائی، مشغول

د ریس خواتن د پرورشہ عاوی، میباشد بزبان اوائلیہ صحبت نموده

اصل د ریس خواتن د ریس خواتن د کٹر ہائی، ۱-۱/۱۱۱۱

تاریخ: ۱۱

۱۱/۱۱



ارزیابی : الف. ۱ / الف. ۱ / الف. ۱

۹/۸/۹۰

۹/۸/۹۰

روز ۲۳ جاری سازمان زمین‌شناسان آزادی واقع در خیابان

سپید منادی بدون کسب اجازه حاکمیت نظامی و پارچه ای

در سر درب ساختمان سازمان زمین‌شناسی و وسیله مأمورین

برداشت شده است.

